

مجموعه مقالات

یازدهمین همایش دوسالانه اقتصاد اسلامی

«چهل سال عملکرد اقتصاد ایران و اقتصاد اسلامی»

«ویرایش نخست»



بسم الله الرحمن الرحيم



مجموعه مقالات

یازدهمین همایش دوسالانه اقتصاد اسلامی

«چهل سال عملکرد اقتصاد ایران و اقتصاد اسلامی»



دانشگاه تربیت مدرس
پژوهشکده اقتصاد

۱۳ آذر ماه ۱۳۹۸



سرشناسه	:	همایش دوسالانه اقتصاد اسلامی (یازدهمین : ۱۳۹۸ : تهران)
عنوان و نام پدیدآور	:	مجموعه مقالات یازدهمین همایش دوسالانه اقتصاد اسلامی «چهل سال عملکرد اقتصاد ایران و اقتصاد اسلامی» / تنظیم مرتضی عزتی ؛ برگزارکنندگان پژوهشکده اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس، با همکاری انجمن اقتصاد اسلامی ایران...[و دیگران].
مشخصات نشر	:	تهران: دانشگاه تربیت مدرس، پژوهشکده اقتصاد، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری	:	۲۲۰ ص: جدول، نمودار(رنگی).
شابک	:	978-964-6230-64-4
وضعیت فهرست نویسی	:	فیپا
یادداشت	:	با همکاری انجمن اقتصاد اسلامی ایران، دانشکده اقتصاد دانشگاه خوارزمی، دانشکده مدیریت و اقتصاد دانشگاه صنعتی شریف، دانشکده اقتصاد دانشگاه مفید.
یادداشت	:	کتابنامه: ص. ۲۱۶ - ۲۱۸؛ همچنین به صورت زیرنویس.
موضوع	:	اسلام و اقتصاد -- کنگره‌ها
موضوع	:	Islam -- Economic aspects -- Congresses
شناسه افزوده	:	عزتی، مرتضی، ۱۳۴۴ - گردآورنده
شناسه افزوده	:	دانشگاه تربیت مدرس. پژوهشکده اقتصاد
شناسه افزوده	:	انجمن اقتصاد اسلامی ایران
رده بندی کنگره	:	BP۲۲۰/۲
رده بندی دیویی	:	۲۹۷/۴۸۳۳
شماره کتابشناسی ملی	:	۵۹۶۶۰۷۷

عنوان: مجموعه مقالات یازدهمین همایش دوسالانه اقتصاد اسلامی

تنظیم: دکتر مرتضی عزتی

ناشر: انتشارات پژوهشکده اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس

تاریخ انتشار: آذر ماه ۱۳۹۸

نوبت چاپ: اول

شمارگان: ۵۰۰

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۶۲۳۰-۶۴-۴

دبیر علمی همایش

دکتر مرتضی عزتی، عضو هیات علمی دانشگاه تربیت مدرس

اعضای کمیته علمی

۱. دکتر یداله دادگر، عضو هیات علمی دانشگاه شهید بهشتی – دانشکده اقتصاد و علوم سیاسی
۲. دکتر سید منصور زراء نژاد، عضو هیات علمی دانشگاه شهید چمران اهواز – دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی
۳. دکتر بهرام سبحانی، عضو هیات علمی دانشگاه تربیت مدرس – دانشکده مدیریت و اقتصاد
۴. دکتر سیدمحمدرضا سیدنورانی، عضو هیات علمی دانشگاه علامه طباطبائی – دانشکده اقتصاد
۵. دکتر حسین صادقی، عضو هیات علمی دانشگاه تربیت مدرس – دانشکده مدیریت و اقتصاد
۶. دکتر سیدکاظم صدر، عضو هیات علمی دانشگاه شهید بهشتی – دانشکده اقتصاد و علوم سیاسی
۷. دکتر لطفعلی عاقلی، عضو هیات علمی دانشگاه تربیت مدرس – پژوهشکده اقتصاد
۸. دکتر عباس عرب مازار، عضو هیات علمی دانشگاه شهید بهشتی – دانشکده اقتصاد و علوم سیاسی
۹. دکتر مرتضی عزتی، عضو هیات علمی دانشگاه تربیت مدرس – پژوهشکده اقتصاد
۱۰. دکتر عباس عساری آرانی، عضو هیات علمی دانشگاه تربیت مدرس – دانشکده مدیریت و اقتصاد
۱۱. دکتر محمدتقی گیلک حکیم آبادی، عضو هیات علمی دانشگاه مازندران – دانشکده علوم اقتصادی و اداری
۱۲. دکتر پرستو محمدی، عضو هیات علمی دانشگاه تربیت مدرس – دانشکده مهندسی صنایع
۱۳. دکتر امیرحسین مزینی، عضو هیات علمی دانشگاه تربیت مدرس – پژوهشکده اقتصاد
۱۴. دکتر غلامرضا مصباحی مقدم، عضو هیات علمی دانشگاه امام صادق(ع) – دانشکده معارف اسلامی و اقتصاد
۱۵. دکتر میثم موسایی، عضو هیات علمی دانشگاه تهران – دانشکده علوم اجتماعی
۱۶. دکتر محمدرضا یوسفی، عضو هیات علمی دانشگاه مفید – دانشکده اقتصاد

برگزارکنندگان:

پژوهشکده اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس

با همکاری:

انجمن اقتصاد اسلامی ایران

دانشکده اقتصاد دانشگاه خوارزمی

دانشکده مدیریت و اقتصاد دانشگاه صنعتی شریف

دانشکده اقتصاد دانشگاه مفید

دبیر اجرایی همایش

دکتر امیرحسین مزینی

اعضای کمیته اجرایی

(به ترتیب حروف الفبا)

۱. مرضیه ارغوانی

۲. عین‌اله پرهیزکار

۳. زهرا سقا

۴. مریم طالبی

۵. محمدحسین قنبری

۶. محمد نوروزی

مسئول دبیرخانه همایش

فاطمه سادات میرعظیمی

گزارش دبیر همایش

مرتضی عزتی ۱

ارزیابی سطح رفاه سالمندان در استانهای ایران براساس شاخصهای توسعه از دیدگاه اسلام

سارا امامقلی پور ۷

زوال اندیشه اقتصادی در ایران

صادق بافنده ایماندوست ۱۷

سیاست‌های پولی دولت اسلامی با توجه به کارایی اقتصادی و عدالت اجتماعی

فتح الله تاری حمید غضنفرزاده کپته ۳۱

واکاوی ریشه های اندیشه ای - بحران های پولی، بانکی و مشروعیتی چهار دهه اقتصاد ایران (از

منظر اقتصاد اسلامی)

محمد اسماعیل توسلی ۵۹

بررسی خودکنترلی در نظام نظارت عملیاتی تسهیلات مشارکت مدنی

الهه دانشفر و پرستو محمدی ۸۱

بررسی اثر شاخص اسلامی شدن مالی بر توزیع درآمد و رشد اقتصادی

سکینه سجودی و آیلاز جلیلی ۹۷

تأثیر سیاست پولی بر نابرابری درآمد

مهناز سرخوندی، کیومرث سهیلی و شهرام فتاحی ۱۱۵

صندوق سرمایه گذاری اجتماعی؛ الگوی نوین تامین مالی اسلامی سازمان های مردم نهاد

مهدی صادقی شاهدانی و محمود خطیب ۱۲۷

تعیین شیوه مطلوب برون سپاری نظارت عملیاتی تسهیلات مشارکت مدنی در بانک مسکن با استفاده از روش AHP

سید محمد جواد طباطبایی و پرستو محمدی ۱۴۵

تحلیلی بر شاخص عدالت اقتصادی در ایران

محمدجواد عزّتی ۱۶۷

بررسی مقایسه‌ای شاخص‌های اقتصاد اسلامی ایران

محمدجواد عزّتی ۱۹۳

پایگاه داده‌های ثانویه و کاربرد آن در تحقیقات اقتصاد اسلامی

فیروزه عزیزی ۲۱۷

اهداف نظام اقتصادی اسلام در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

محمد کهندل ۲۳۵

بررسی سازوکار مدیریت ریسک و نقش آن در بهبود عملکرد نظام بانکی (با تأکید بر بانک‌های اسلامی)

لیلا محرابی و کامران ندری ۲۵۵

ارزیابی شاخص‌های منتخب حوزه ی سلامت در ایران با تأکید بر آموزه های اسلامی

امیر حسین مزینی و راضیه محمدی صابر ۲۷۳

بررسی روند شاخص‌های حفاظت از حقوق مالکیت در ایران

محمدرضا یوسفی و مریم خسروی زاده ۳۰۳

گزارش دبیر همایش

بیش از ۴۰ سال از پیروزی انقلاب اسلامی می‌گذرد و عملکرد ۴۰ ساله اقتصادی کشور در زمینه تحقق آرمان‌های اقتصادی چندان مطلوب نیست. بسیاری از آرمان‌ها نتوانسته است تحقق بیابد و روند مورد انتظار در زمینه توسعه، عدالت، بانکداری و مانند اینها تحقق نیافته است. بر همین پایه، یازدهمین همایش دوسالانه اقتصاد اسلامی با موضوع اقتصاد اسلامی و چهل سال عملکرد اقتصاد ایران برگزار می‌شود تا عملکرد اقتصادی کشور در زمینه آنچه اقتصاد اسلامی نامیده می‌شود، تحلیل شود. امیدواریم یافته‌های علمی اندیشمندان در این زمینه مفید باشد و زمینه‌های مساعدتر شدن شرایط را فراهم کند.

فراخوان این همایش با محورهای زیر منتشر شد:

- ▶ پول، بانک، تامین مالی و مانند اینها.
- ▶ عدالت، فقرزدایی، تامین اجتماعی، فرصت‌ها، عدالت بین نسلی، توزیع و مانند اینها.
- ▶ تولید، رشد اقتصادی و عوامل موثر بر اینها.
- ▶ تعاملات بین‌المللی و عملکرد اقتصاد ایران.

همایش در ۳ بخش برنامه‌ریزی شد. دو نشست نیم‌روزه در دانشگاه‌های خوارزمی و شریف برگزار شد با دو موضوع بانکداری و عدالت که در هر یک ۳ مقاله ارائه شد و در نشست پایانی امروز از مقاله‌های دریافت شده پس از داوری، ۸ مقاله برای ارائه و ۱۵ مقاله برای چاپ برگزیده شد که در مجموعه مقاله‌های همایش منتشر شده است. از میان اینها تعدادی نیز پس از داوری و اصلاح در فصلنامه علمی اقتصاد و بانکداری اسلامی منتشر خواهد شد.

در نشست بانکداری که در دانشکده اقتصاد دانشگاه خوارزمی برگزار شد، مطالب زیر ارائه شد.

در گزارش دبیر با اشاره به مبنای نظری ارائه شده اسلامی در باره حرمت ربا و بیان پایه‌های اخلاقی ربا در قرآن با استناد به آیه‌های قرآن و تطبیق عملیات بانکی موجود با اینها، این نتیجه گرفته شد که عملیات بانک‌ها با ربای قرآنی تطبیق کامل ندارد. و نمی‌توان این عملیات یا دست کم همه آنها را همان عملیات ربوی قرآنی دانست. علت ربوی خواندن همه عملیات بانکی، خطای در برداشت مبانی احکام دینی و ظاهر بینی در فقه است. چنانچه هدف دین گسترش اخلاق است، باید علت حرمت ربا را نیز در غیر اخلاقی بودن آن دانست و بر این پایه در باره مصداق‌های آن نظر داد.

- بر این پایه دیدن ظاهرها به جای واقعیت و نگاه به ابزارها مانند نرخ ثابت، یا وجود نرخ، یا شرط سود و مانند اینها درک درستی از ربا نمی‌دهد. در نتیجه خطای در تشخیص و خطای در تطبیق حکم می‌دهد.
- یا باید عین همان مصداق تاریخی را ربا دید که امروز دست کم در بانک‌ها چنین ربایی وجود ندارد، یا مبنای درست آن را، که چون هدف دین گسترش اخلاق است، پایه همه احکام آن نیز اخلاق است. پس اخلاق، معیار حرمت یک معامله است نه ابزار انجام آن معامله.

• همه معامله های حرام از جنبه اخلاقی مشکل دارند. این یک وجه مشترک است که می توان گفت علت حرام بودن است.

• البته برخی قوانین جزایی و حقوقی باید اخلاقی تر شود تا افرادی که برای خدمت به مردم و جامعه پول خود را سرمایه گذاری می کنند و از بانک هم وام می گیرند و با آن مخلوط می کنند، اگر با شکست مواجه شدند برخورد اخلاقی تری با آنها بشود. آبرو، حیثیت، انسانیت، عزت نفس و زندگی آنها دچار مشکل نشود. آنچه نیاز به اصلاح دارد این است نه قانون عملیات بانکی. البته آن هم باید یازتر شود نه بسته تر.

دکتر محمدعلی دهقان دهنوی، در مقاله ارایه شده با موضوع اصلاح نظام بانکی، الزامات و راهکارها، علت های بروز مشکلات بانکی را به صورت زیر بیان کرد.





دکتر کامران ندری در مقاله با عنوان بانکداری اسلامی؛ نقش و اهمیت مبانی نظری، به دو مبنای نظری قابل بحث در بانکداری اشاره کرد: بهره و ربا و پول و خلق پول. سپس اشاره کرد:

- در خصوص بهره، به نظر می‌رسد که باور طراحان بانکداری بدون ربا (بانکداری اسلامی) بر این است که بهره همان ربا است. بنابراین، در طراحی بانکداری بدون ربا در حذف آن کوشیده‌اند.
- در خصوص پول، به نظر می‌رسد پول جدید و ساز و کار خلق آن مفروغ عنه (حل شده) فرض شده و دخلی در طراحی بانکداری بدون ربا (بانکداری اسلامی) ندارد.
- از متن قانون عملیات بانکی بدون ربا، اینگونه استنباط می‌شود که گانۀ پول در خارج از بانک خلق می‌شود. بانک از طریق ساز و کار وکالت آن را تجهیز و از طریق ساز و کار عقود وارد سرمایه‌گذاری می‌کند. عواید حاصله پس از کسر حق‌الوکاله به صاحب پول (سپرده گذار) تعلق می‌گیرد.
- **وجه تمایز بانک با موسسات مالی دیگر را در خلق پول بیان کرد و اشاره کرد که.**
- بدهی که توسط بانکها ایجاد می‌شود (پول بانکی)، اصلی‌ترین وسیله پرداخت رایج در اقتصاد است.
- به نظر می‌رسد در بانکداری اسلامی، به این ویژگی بانک که بدهی آن پول است و بخش اعظم مبادلات بوسیله آن تسویه می‌شود، کمتر توجه شده است.
- و با توضیح و تحلیل چنین نتیجه‌گیری کرد:
- اگر این دیدگاه نظری در خلق پول را بپذیریم که رابطه علیت در بانکداری از سمت دارایی به بدهی است؛ بدین معنا که بانک ابتدا سرمایه‌گذاری می‌کند و سپس پول سپرده‌ای (پول بانکی) خلق می‌شود، صحت شرعی عقود فقهی تعریف شده در عملیات بانکی بدون ربا (بانکداری اسلامی) محل تردید است.
- عقود اسلامی در ساختاری به نام بانک به شکل ظاهری و صوری و تنها بر روی کاغذ قابل تعریف هستند و به دلیل تعارض با ماهیت عملیات خلق پول بانکها در عمل و به طور واقعی قابل اجرا نیستند.

در نشست عدالت در گزارش دبیر به مساله عدالت در قران پرداخته شد و کوشش شد با اشاره به هدف دین، مفهوم و مینای عدالت قرانی با استناد به آیات قران ارایه شود.

۳ مفهوم اصلی در باره عدالت در قران، عدل، قسط و ظلم هستند.

- با جستجوی در قران می توان دریافت که واژه عدل و مشتق های آن کمتر از ۱۰ جا با این نگاه استفاده شده است.

- واژه قسط اندکی بیشتر
- و واژه ظلم بسیار بیشتر به کار رفته است.
- شاید یک علت آن این باشد که واژه عدالت یک مفهوم مثبت است و بیشتر رفتارها در آن چارچوب قرار دارد، یعنی عدالت مفهومی بسیط تر است و نقیض آن محدودتر است، لذا از راه شناخت آن بهتر می توان عدالت را شناخت
- با نگاه به هم آیات قران در این زمینه می توان دریافت که
- عدالت یک مفهوم کلی است و از نگاه قرانی بیشتر مفهوم کار درست و اخلاقی از جمله در زمینه اقتصاد را می دهد.

- قسط جنبه خاصی از عدالت است که برابری قرار دادن، بی طرفی بین دو یا چند نفر یا چیز مانند وزن کردن و قضاوت و صلح دادن است.

- ظلم به معنای هر کار نادرستی است که به ویژه در زمینه های اخلاقی و فساد مصداق دارد. مقابله با خدا، تبعیض، مال مردم خوردن، دادن تکلیف نامتناسب با امکانات، فساد اخلاقی و همچون اینها مصداق های آن هستند. در این مصداق ها رفع هرگونه بی اخلاقی (در زمینه فردی) و اعاده حق (در رفتار با دیگران - اجتماعی) بسیار به مفهوم عدالت نزدیک است.

- با توجه به ماهیت دین و مصداقهایی که قران دارد، از نگاه شخصی، مهمترین جنبه ظلم نپذیرفتن، انکار یا مقابله با دین از سوی افراد با وجود ارایه دلیل های کافی برای آنها است.

- با توجه به هدف دین و مصداقهایی که قران دارد. از نگاه فردی و اجتماعی، مهمترین جنبه ظلم فساد و کارهای غیر اخلاقی است.

- پس جامعه ای که در آن فساد زیاد است، یعنی ظلم و بی عدالتی در آن زیاد است. در جامعه خود نیز می بینیم که هر چه فساد افزایش می یابد، احساس بی عدالتی نزد مردم افزایش می یابد.

- پس اولویت یک در اجرای عدالت بر پایه قران فساد زدایی است.

دکتر مسعود نیلی در مقاله با عنوان آسیب شناسی مسیر طی شده در تحقق عدالت اجتماعی، با نگاهی به سیر تحولات اندیشه های عدالت خواهی در صد ساله گذشته اشاره کردند که تا پیش از فروپاشی سوسیالیسم، در نگاه سوسیالیستی در برابر نگاه سرمایه داری، مسیر حرکت عدالت خواهی نفی مالکیت خصوصی بود. بیشتر انقلابیون کشورهای جهان سوم این مسیر را طی می کردند. در این دیدگاه دولت نقش محوری در

تخصیص منابع داشت. در ایران نیز در دهه های ۱۳۳۰ تا ۱۳۶۰ همین اندیشه نزد رهبران فکری حاکم بود. با این تفاوت که به علت نگاه دینی در ایران، مارکسیسم در تعارض با دین دیده می شد ولی تفسیرهای سوسیالیستی از دین هم ارایه می شد. همراه با آن نگاه دینی محترم بودن مالکیت خصوصی هم وجود داشت.

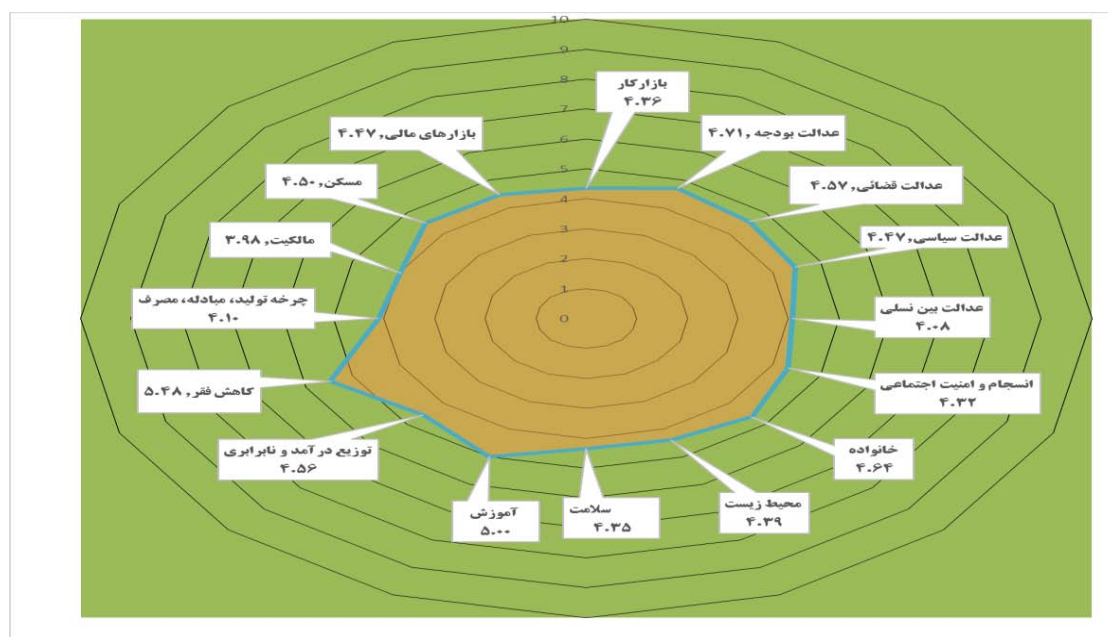
انقلاب اسلامی ایران در این دوره رخ داد و عدالت یکی از اصلی ترین آرمان های انقلاب بود. محدود کردن مالکیت خصوصی نیز حاصل این نوع تفکر و رسوخ آن در اندیشه های طراحان قانون اساسی بود. با این وجود بین آنچه در انقلاب در باره عدالت ادعا شد و آنچه رخ داد تعارض وجود دارد. مشکل در کجا است که این تحقق نیافتن ارمانها را باعث شده است. مشکل می تواند در نادرستی هدف، کمبود منابع یا ابزار ناکارآمد باشد.

هدف عدالت که درست است. منابع کشور نیز بسیار زیاد بوده است. پس مشکل می تواند در ابزار یا همان سیاست ها باشد.

با فروپاشی سوسیالیسم، اندیشه های اقتصادی تحولات اساسی یافت. با این وجود تحول اندیشه ها در ایران وارد نشد. در جریان سیاست های تعدیل، بخشی از سیاست های گذشته را کنار گذاشتیم ولی جایگزینی برای آن ارایه نکردیم. دست کم تحولات فکری در زمینه اقتصاد پس از فروپاشی را به صورت کامل درک نکردیم و سیاست های مناسب در این زمینه ارایه نکردیم و به اجرا نگذاشتیم. خروجی اقتصاد دستوری در ایران نقض عدالت و اخلاق بود.

سخنران دیگر دکتر سید احسان خاندوزی زیر عنوان شاخص عدالت در چهار دهه اخیر، با نگاهی به ادبیات و پیشینه شاخص های طراحی و ارایه شده در زمینه عدالت در ایران و جهان، به ویژگی های بایسته شاخص عدالت پرداختند و شاخصی در این زمینه ارایه کردند.

اجزای شاخص ترکیبی چنین مطرح شد:



در جمع بندی آمد:

۱. نیازمند شاخص ترکیبی رسمی عدالت هستیم از منظر خودمان.

۲. اکثر شاخصهای متعارف طی چهار دهه بهبود یافته اند اما در مالکیت و تورم و برخی ابعاد دیگر شاهد وخامت بوده ایم.

۳. تفاوت عمدتاً در ابعاد سخت و ابعاد نرم عدالت است. با توجه به عبور از آستانه محرومیت‌های مادی، آینده عدالت بیشتر منوط به اصلاحات نرم در سیاست‌های مالی، بودجه، بازار کار و غیره است.

سخنران بعدی دکتر امیدعلی پارسا، رییس سازمان امور مالیاتی کشور، سخنان خود را با عنوان نقشه راه عدالت مالیاتی مطرح کردند. ایشان با این مقدمه بحث را آغاز کردند که نسبت مالیات به تولید ناخالص داخلی در ایران کم است و در مجموع مالیات را کم کرده است. از علت‌های اصلی این، مشکل فرهنگ مالیاتی، ناهماهنگی و عدم انسجام نظام اداری نظام مالیاتی و وجود سیستمی نامتناسب با درآمد، ثروت و مصرف است.

ما باید برای داشتن نظام مالیاتی پیشرفته، نقشه راهی داشته باشیم که یک هدف اصلی آن عدالت مالیاتی باشد. در این نقشه راه که ما ترسیم کرده ایم،

چشم اندازه، یکپارچگی و عدالت مالیاتی همراه با هوشمندسازی مبتنی بر ریز داده است.

ماموریت، طراحی نظام مالیاتی هوشمند است.

نتیجه، مورد انتظار تمکین مالیاتی داوطلبانه است.

نشست اصلی همایش که امروز برگزار می‌شود با سخنرانی دکتر محمدرضا یوسفی در زمینه حقوق مالکیت و دکتر علاءالدین ازوجی با موضوع اشتغال و کاهش نابرابری ادامه می‌یابد، پس از آن نشست دوم با موضوع عدالت و رفاه و نشست سوم با موضوع بانکداری برگزار می‌شود. نشست چهارم با موضوع قانون بانکداری به صورت میزگرد، پایان بخش برنامه‌های امروز است. امید است سودمند باشد.

مرتضی عزتی

۱۳ آذر ۱۳۹۸

ارزیابی سطح رفاه سالمندان در استانهای ایران براساس شاخصهای توسعه از دیدگاه اسلام

سارا امامقلی پور^۱

چکیده

در سالهای اخیر توزیع جمعیت کشور به سمت سنین بالاتر تغییر یافته و پدیده سالمندی مانند سایر نقاط جهان در ایران نیز قابل مشاهده است. روند سالمندی جمعیت، در کنار تبعات مختلفی که بر بهره‌وری و رشد اقتصادی دارد، موضوع اهمیت جایگاه این گروه جمعیتی، نیازهای آنان و توجه دولت به سطح رفاه آنها را پررنگ تر می‌سازد. با توجه به روند افزایشی سهم سالمندان از کل جمعیت کشور و با در نظر گرفتن اهمیتی که اسلام برای دوران سالمندی و سالمندان قائل شده است، بررسی شاخصهای بهزیستی اقتصادی-اجتماعی مرتبط با این گروه از جمعیت، ارزشمند می‌باشد تا بتواند به ارائه راهکارهایی توسط سیاست‌گذاران در راستای بهبود شرایط رفاهی آنها کمک کند.

برای انجام این مطالعه ابتدا با مرور مستندات مربوط به جایگاه سالمندان از دیدگاه اسلام، شاخصهایی که ریشه‌ای در مبانی و متون اسلامی داشتند شناسایی شدند، سپس داده‌های خام مورد نیاز برای آنها از سرشماری و داده‌های هزینه خانوار سال ۱۳۹۵ مرکز آمار ایران استحصال شد. در مرحله بعد شاخصهای نرخ مشارکت اقتصادی، نرخ اشتغال، نسبت وابستگی سالمندان بیکار، نرخ فقر، نسبت سالمندان حقوق‌بگیر، نسبت حمايت از والدین، نرخ باسوادی، درصد افراد با تحصیلات دانشگاهی، نسبت سالمندان دارای بیمه، نرخ مالکیت مسکن، میزان مواجهه با هزینه‌های کمرشکن سلامت مربوط به سالمندان برای استانهای کشور استحصال شدند. در نهایت با استفاده از تحلیل تاپسیس رتبه‌بندی استانها براساس این شاخصها انجام شد.

سالمندان در استانهای تهران، گیلان و البرز نسبت به بقیه بهترین وضعیت را دارند و استانهای سیستان بلوچستان، کهگیلویه و هرمزگان نامناسب‌ترین شرایط را برای سالمندان دارند. بنابراین علی‌رغم توجه خاص دین اسلام به سالمندان و وضعیت زندگی آنها، فقط در حدود ۱۰ درصد از استانها وضعیت سالمندان مناسب است، ۳۲ درصد استانها وضعیت تقریباً مناسب و حدود ۵۸ درصد استانها شرایط مناسبی برای سالمندان ندارند.

واژگان کلیدی: سالمندان، شاخصهای رفاهی، اسلام، فقر، حمایت اجتماعی

مقدمه

طی سالهای اخیر با افزایش امید به زندگی و کاهش مرگ و میر، روند صعودی سالمندی جمعیت قابل مشاهده می باشد چنانکه درصد جمعیت ۶۵ سال به بالا در کل جهان از ۶ درصد در ۱۹۸۸ به ۸٫۸۷ درصد در ۲۰۱۸ رسیده است و برای ایران طی این ۳۰ سال از ۳٫۱۱ درصد به ۶٫۱۸ درصد افزایش یافته است، به عبارت دیگر روند سالمندی در ایران بیشتر از متوسط جهان بوده است (WorldBank, 2019).

این گروه جمعیتی ویژگیها، نیازمندیها و الزامات خاص خود را دارند که به طور مستقیم بر سایر بخشهای جامعه نیز تاثیرگذار است. در این راستا در دهه ۱۹۹۰ مفهوم سالمندی فعال^۱ با تأکید بر ارتباط بین فعالیت سالمندان و سلامت شروع مطرح شد. سالمندی فعال به دنبال تسهیل حقوق سالخوردگان در زمینه سالم ماندن (کاهش هزینه های بهداشت و مراقبت های اجتماعی)، ادامه کار در طول زمان (کاهش هزینه های بازنشستگی) و نیز مشارکت در زندگی اجتماعی و سیاسی است (Foster & Walker, 2014). بحث سالمندی فعال متمرکز بر تشویق مشارکت افراد مسن در جامعه است و بر مهارت و دانش افراد مسن تر تأکید دارد (Bengtson et al., 2005). برای بیان سالمندی فعال از شاخص هایی استفاده می شود که به اندازه گیری پتانسیل استفاده نشده از افراد سالخورده برای داشتن سالمندی فعال و سالم می پردازد. این شاخص ها مشخص کننده سطح زندگی مستقل سالمندان، مشارکت در نیروی کار و فعالیت های اجتماعی به میزان ظرفیت آنها می باشد که دارای چهار بعد می باشد که عبارتند از: اشتغال، مشارکت در جامعه، زندگی امن، سالم و مستقل، ظرفیت و محیط توانمند برای سالمندی فعال. هر کدام از این ابعاد نیز شاخص های خاص خود را دارا می باشند (Zaidi, 2015).

اهمیت سالمندی از دیدگاه اسلام

همانگونه که در قرآن کریم آمده است: "خدا همان کسی است که شما را آفرید در حالی که ضعیف بودید؛ سپس بعد از ناتوانی، قوت بخشید و باز بعد از قوت، ضعف و پیری قرار داد" (روم/۵۴)، دوران سالمندی مانند دوران کودکی دارای اهمیت است و هر دو گروه باتوجه به ضعف و آسیب پذیری که دارند، نیازمند توجه و حمایت می باشند. در روایات، سالمندی جلوه ای از نور الهی دانسته شده است. عزت مندی سالمندی به این دلیل است که سالمندان، در دوران جوانی و میانسالی خود بخشی از همان جامعه بوده اند و برای شکوفایی آن جامعه تلاش کرده اند. در روایات دیگر نیز بر احترام به سالمندان تأکید شده است. این احترام نه تنها باید از جانب فرزندان و نزدیکان باشد بلکه کل جامعه باید از آنها حمایت کنند و مورد تکریم قرار دهند. به گونه ای که در روایتی حضرت محمد(ص) فرمود: سالمندان را بزرگ شمارید (وسائل الشیعه، ج ۱۲) و در روایتی دیگر فرمودند: از ما نیست کسی که به افراد مسن احترام نگذارد و به خردسالان رحم نکند (عوالی اللئالی، ج ۱). علاوه بر رعایت حقوق معنوی سالمندان، جامعه وظیفه دارد در صورتی که خانواده توان تأمین حقوق مادی ایشان را نداشته باشد، آنها را از نظر مادی تأمین کند (فخرزاده و سلطانی، ۹۶). بنابراین حکومت اسلامی وظیفه دارد در صورتیکه برای خانواده امکان پذیر نباشد، وضعیت رفاهی و اقتصادی مناسبی برای سالمندان فراهم کند.

باتوجه به تحلیل محتوای اسناد برنامه های اول تا پنجم توسعه، برای «سالمندی» و «سالمندان» یا سیاستگذاری صورت نگرفته است و یا سیاستها کلی و مبهم بوده اند (جغتایی و همکاران، ۱۳۹۵)، در برنامه ششم توسعه نیز فقط انجام طرح ساماندهی و توان بخشی برای ۲۵ درصد از جمعیت سالمندان مطرح شده است. بنابراین باتوجه به بروز پدیده سالمندی در ایران و بالحاظ جایگاهی که این موضوع در دین اسلام دارد، هدف این مطالعه تحلیل وضعیت استانهای ایران بر اساس مجموعه شاخصهایی است که از نظر متون اسلامی نشان دهنده سطح بهزیستی سالمندان می باشند.

مبانی نظری

در سال ۱۹۹۹، دوازدهمین سمپوزیوم حقوقدانان پزشکی^۱ در مورد حقوق سالمندان از دیدگاه اسلام در کشور کویت برگزار شد و منجر به بیانیه ای شد که شامل ۱۰ بند می باشد و این مضامین را در برمی گیرد: باارزش بودن زندگی، افراد باایمان همه اعضای یک پیکرند، حمایت جامعه از سالمندان، حق دسترسی مالی سالمندان، استفاده از تجربیات آنها، حق حضور سالمند در خانواده، آموزش و آگاه سازی سالمندان، فراهم آوری امکانات (Kuwait Declaration, 1999). باتوجه به این بیانیه و نیز شاخصهای Global AgeWatch که توسط سازمان غیردولتی HelpAge International در سال ۲۰۱۳ و معیار چند بعدی سلامتی و رفاه سالمندان معرفی نمود (UN, 2015)، شاخصهایی که نشان دهنده وضعیت بهزیستی سالمندان از دیدگاه اسلام می باشند به شرح زیر می باشند:

- **اشتغال سالمندان:** یکی از حقوقی که در اسلام برای همه افراد و از جمله سالمندان دیده شده است حق کار کردن است. از حضرت محمد(ص) نقل شده است که: هیچ کس غذایی بهتر از دیگری نمی خورد مگر اینکه از راه کار کردن کسب درآمد کرده باشد (صحیح البخاری، ۱۹۴۸). البته لازم است که شرایط شغلی (ساعات کاری، نوع شغل، پرداخت و ...) متناسب با وضعیت فرد دیده شود (Elsaman & Arafa, 2012). قانون کار مصر، سن بازنشستگی را ۶۰ سال اعلام کرده و برای روابط کاری بعد از سن بازنشستگی نیز مقرراتی را تنظیم کرده است.

- **حمایت اجتماعی از سالمندان:** یکی دیگر از حقوق سالمندان داشتن بیمه و حمایتهای اجتماعی است. باتوجه به اینکه حمایتهای اجتماعی را می توان در قالب کالاهای عمومی دید که توسط دولتها ارائه می شوند، در اسلام روشهایی نیز برای تامین مالی آن دیده شده است مانند وقف و زکات. که وقف به مشارکت خصوصی در تامین مالی کالاهای عمومی و زکات که مالیاتی اسلامی می باشد به نیکوکاری الزام آور^۲ اشاره می کند (Elsaman & Arafa, 2012).

دولتهای بحرین و مصر، قوانین بیمه اجتماعی دارند که برای سالمندان طراحی شده اند و شورای قانونگذاری بحرین (Bahraini Shura) سندی را در مورد حمایت از حقوق سالمندان تهیه کرده و یک کمیته ملی نیز بر موضوعات سالمندان متمرکز است.

اردن مجموعه گسترده ای از مقررات و حقوق خاص سالمندان را دارد شامل قوانین بازنشستگی و تامین اجتماعی، قوانینی که وزارت بهداشت را ملزم می کند به سالمندان خدمات ارائه کند، قوانین حمایت از سالمندان در مقابل خشونت.

کویت نیز یکی از کشورهایی است که پیشرفته ترین حقوق سالمندان را دارد. برنامه سلامتی در کویت وجود دارد که وزارت بهداشت را موظف می کند به سالمندان خدمات در منزل رایگان ارائه دهد. همچنین کویت یکی از معدود کشورهای عربی است که قوانین مراقبت اجتماعی خاص سالمندان دارد (Elsaman & Arafa, 2012).

- **آموزش و توانمندسازی سالمندان:** باتوجه به تاکیدات دین مبین اسلام که جستجوی دانش را از ابتدای زندگی تا انتها توصیه کرده است، آموزش سالمندان نیز اهمیت ویژه ای می یابد. حضرت محمد(ص) می فرماید: «هر چیزی راهی دارد و راه بهشت دانش است» (کنز العمال : ۲۸۸۰۳). همچنین می فرماید: «تحصیل دانش بر هر مرد و زن مسلمانی واجب است» (تنبيه الخواطر : ۱۷۶/۲). امام کاظم(ع) نیز می فرماید: «مومن در تمام زندگی خود از آموختن دانش سیر نمی شود» (کافی، ج ۱). حضرت علی(ع) نیز در احادیث مختلف فرموده اند که دانش، زندگی است و با کسب دانش، زندگی به وجود می آید(غررالحکم، ۱۸۵، ۴۲۲۰، ۱۷۳۶). این موضوع برای سالمندان نیز صادق است و سطح دانش بالاتر، وضعیت زندگی آنها را ارتقا می دهد. افزایش دانش و آگاهی سالمندان موجب تقویت جسمی و روانی آنان و کیفیت بهتر زندگی آنها می شود. دانشگاه پوترا مالزی در همین راستا موسسه ای را تاسیس کرده است که مطالعات سالمندی انجام می دهد و آموزش طی دوره زندگی به سالمندان ارائه می دهد (Zulkipli et al.(2018)). آموزش برای سالمندان به طور خاص اهمیت دارد چون موجب تحریک ذهن آنها می شود و کمک می کند تا فعال تر و سالم تر باشند. هرچه سالمندان سطح سواد بالاتری داشته باشند، قدرت سازگاری آنها با تغییرات محیطی، پیشرفت تکنولوژی و سبک زندگی بیشتر می شود. اثرات آموزشهای رسمی و غیررسمی برای سالمندان شامل احساس لذت و رضایت از زندگی، اعتماد به نفس، توانایی سازش، ارتباطات اجتماعی، فعال نگه داشتن ذهن و سلامت بیشتر می باشد (Dench & Regan, 2000).

- **زندگی سالمندان در کنار خانواده:** باتوجه به احادیثی که در این زمینه وجود دارد و نیز براساس مطالعات مختلفی که در باب سالمندی فعال انجام شده اند، سالمندانی که به جای تنها بودن در خانواده زندگی می کنند، از وضعیت سلامت و کیفیت زندگی بالاتری برخوردار هستند. حضرت محمد(ص) می فرماید: «هر که می خواهد روزیش زیاد و عمرش دراز شود، صله ارحام داشته باشد» (الخصال : ۱۱۲/۳۲).

- **وضعیت اقتصادی سالمندان:** حضرت محمد(ص)، از کفر و فقر به خدا پناه می برد و آن دو را معادل هم می داند (کنز العمال : ۱۶۶۸۷)، حضرت علی(ع) فقر را موجب خواری جان و غم و اندوه می داند (غرر الحکم: ح ۳۴۲۸). بنابراین فقر سالمندان نه تنها موجب کاهش کیفیت فیزیکی زندگی آنها می شود بلکه بر سلامت روان آنان و احساس عزت و اعتماد به نفس نیز تاثیر منفی دارد.

- **حق سلامت سالمندان:** امام حسین(ع) می فرماید در مدت عمر در حفظ سلامت تن بکوشید (تحف العقول، ص ۲۳۹)، باتوجه به اینکه سلامتی و جان ارزشمندترین هدیه ای است که خدا به انسان داده، حفظ

آن واجب است. بنابراین باید دسترسی مالی و فیزیکی برای همه افراد جامعه و به طور خاص سالمندان در راستای ارتقای وضعیت سلامت وجود داشته باشد.

روش تحقیق

برای انجام مطالعه حاضر ابتدا کلید واژه های "سالمند"، "پیر"، "سالخورده" به همراه کلیدواژه های "رفاه"، "فقر"، "اشتغال"، "خانواده"، "حمایت"، "سلامت" در متن ترجمه قرآن، احادیث و متون اسلامی مورد جستجو قرار گرفتند تا شاخصهایی انتخاب شوند که ریشه در متون اسلامی داشته باشند.

شاخصهای نرخ مشارکت اقتصادی، نرخ اشتغال، نسبت وابستگی سالمندان بیکار، نرخ فقر، نسبت سالمندان حقوق بگیر، نسبت حمايت از والدین، نرخ باسوادی، درصد افراد با تحصیلات دانشگاهی، نسبت سالمندان دارای بیمه، نرخ مالکیت مسکن، میزان مواجهه با هزینه های کمرشکن سلامت مربوط به سالمندان در تمامی استانها برای سال ۱۳۹۵ استحصال شدند. سپس با استفاده از تکنیک تاپسیس و آنتروپی شانون، رتبه بندی استانها براساس وضعیت رفاهی سالمندان انجام شد. اطلاعات لازم برای ایجاد شاخصها از سرشماری و اطلاعات هزینه درآمد خانوار در سال ۱۳۹۵ اخذ شد. نحوه محاسبه شاخصهای مورد نظر به صورت زیر بوده است:

۱- نرخ مشارکت اقتصادی سالمندان برابر است با [جمعیت فعال(بیکار+شاغل) ۶۵ سال به بالا] تقسیم بر [جمعیت ۶۵+] * ۱۰۰

۲- نرخ اشتغال سالمندان برابر است با [جمعیت شاغل ۶۵+] تقسیم بر [جمعیت فعال ۶۵+] * ۱۰۰

۳- نسبت وابستگی سالمندان بیکار برابر است با [تعداد سالمندان ۶۵+ بیکار] تقسیم بر [تعداد افراد ۶۴-۱۵]

۴- نرخ فقر سالمندان برابر است با [افراد ۶۵+ دارای درآمد کمتر از میانه] تقسیم بر [جمعیت ۶۵+ استان] * ۱۰۰

برای محاسبه درآمد میانه کل کشور نیز با مراجعه به نتایج طرح آمارگیری هزینه درآمد خانوار شهری روستایی در سال ۱۳۹۵ میزان درآمد کل یک خانوار شهری و روستایی بصورت جداگانه مشخص شد و برای معادل سازی آنها هر یک از درآمدهای شهری و روستایی بصورت جداگانه بر جذر متوسط تعداد افراد در خانوار تقسیم شدند. همچنین برای معادل سازی بعد خانوار، درآمد هر یک از افراد ۶۵+ بر جذر بعد خانوار آن فرد تقسیم شد. در نهایت درآمد میانه کشور برای مناطق شهری و روستایی که براساس بعد خانوار معادل سازی شده بود با درآمد معادل سازی شده افراد سالمند شهری و روستایی هر استان مورد مقایسه قرار گرفت و افراد هر منطقه(شهری یا روستایی) با توجه به میانه درآمد بخش خود مقایسه شدند.

۵- نسبت سالمندان حقوق بگیر: [تعداد سالمندان ۶۵+ حقوق بگیر هر استان] تقسیم بر [کل تعداد سالمندان استان]

۶- نسبت حمایت از والدین: [تعداد سالمندان ۸۵+] تقسیم بر [جمعیت ۶۴-۵۰] * ۱۰۰

۷- نرخ باسوادی سالمندان: [تعداد سالمندان باسواد ۶۰+] تقسیم بر [کل تعداد افراد ۶۰+]

۸- درصد سالمندان با تحصیلات دانشگاهی: [تعداد سالمندان با تحصیلات دانشگاهی ۶۵+] تقسیم بر [کل تعداد افراد ۶۰+]

۹- درصد سالمندان دارای بیمه: [تعداد سالمندان ۶۵+ دارای بیمه] تقسیم بر [کل تعداد سالمندان استان]
۱۰- درصد مواجهه با هزینه های کمرشکن در خانوارهای سالمندان: مواجهه با هزینه های کمرشکن هنگامی مطرح است که خانوار بیش از ۴۰ درصد (درآمد منهای مخارج خوراکی اش) را صرف مخارج بهداشتی درمانی می کند.

۱۱- درصد سالمندانی که تنها زندگی نمی کنند: درصد سالمندانی که در خانوارهای حداقل دونفره زندگی می کنند.

۱۲- درصد سالمندان مالک خانه: درصد سالمندانی را نشان می دهد که مالکیت خانه دارند.
سپس با استفاده از تکنیک رتبه بندی تاپسیس و با کک روش آنتروپی شانون برای وزن دهی به شاخصها، رتبه بندی استانها براساس معیارهای مذکور انجام شد.

نتایج

اطلاعات مستخرج از شاخصهای مطالعه به شرح زیر می باشند:

جدول ۱. اطلاعات زیر شاخصهای وضعیت بهزیستی سالمندان در استانها در سال ۱۳۹۵

درصد سالمندان مالک	درصد مواجهه با هزینه های کم‌رشدن سلامت در سالمندان	درصد سالمندان در خانوارهای دوفره و بیشتر	درصد سالمندان فاقد بیمه	درصد سالمندان باسواد	درصد سالمندان با تحصیلات دانشگاهی +۶۵	نسبت حمایت از والدین	درصد افراد بالای ۶۵ سال حقوق بگیر	درصد سالمندان با درآمد کمتر از درآمد میانه کشور	نسبت وابستگی سالمندان بیکار(درصد)	نرخ اشتغال ویژه سنی +۶۵	نرخ مشارکت اقتصادی ویژه سنی +۶۵	
۰٫۹۳	۳٫۲۲	۸۶٫۷۵	۸٫۱۶	۲۸٫۲۴	۱٫۰۵	۵٫۰۷	۳۹٫۴۳	۷۲٫۰۴	۰٫۰۵	۰٫۹۶	۰٫۱۶	اردبیل
۰٫۸۷	۵٫۳۶	۸۴٫۰۴	۱۶٫۳۴	۵۲٫۳۸	۲٫۶۷	۴٫۸۸	۴۸٫۲۵	۸۱٫۳۵	۰٫۰۲	۰٫۹۸	۰٫۰۹	اصفهان
۰٫۸۰	۶٫۱۶	۸۶٫۵۱	۲۴٫۷۴	۶۴٫۵۸	۳٫۰۷	۲٫۹۶	۷۱٫۳۷	۷۰٫۹۳	۰٫۰۱	۰٫۹۸	۰٫۰۸	البرز
۰٫۸۸	۲٫۳۴	۸۹٫۷۳	۲٫۹۱	۲۴٫۶۸	۰٫۲۹	۵٫۷۷	۴۳٫۷۵	۷۸٫۵۲	۰٫۰۳	۰٫۹۸	۰٫۱۸	ایلام
۰٫۹۰	۵٫۲۱	۸۴٫۴۸	۱۴٫۲۸	۳۷٫۹۸	۲٫۵۵	۴٫۹۴	۳۹٫۷۱	۶۴٫۰۶	۰٫۰۳	۰٫۹۸	۰٫۱۴	آذربایجان شرقی
۰٫۹۲	۳٫۰۵	۸۶٫۵۵	۵٫۴۸	۲۹٫۲۷	۱٫۸۶	۴٫۷۵	۳۴٫۲۴	۸۸٫۱۴	۰٫۰۴	۰٫۹۷	۰٫۱۵	آذربایجان غربی
۰٫۹۸	۲٫۷۷	۸۸٫۷۸	۱۲٫۰۰	۳۷٫۳۹	۰٫۵۸	۳٫۹۳	۵۴٫۱۷	۸۱٫۰۲	۰٫۰۲	۰٫۹۸	۰٫۱۵	بوشهر
۰٫۸۱	۶٫۲۹	۸۵٫۱۷	۲۴٫۷۹	۷۱٫۴۸	۵٫۳۶	۳٫۸۲	۷۲٫۷۰	۷۰٫۳۴	۰٫۰۱	۰٫۹۸	۰٫۰۷	تهران
۰٫۹۳	۶٫۱۹	۸۵٫۴۴	۱۶٫۶۶	۲۹٫۳۷	۰٫۶۰	۵٫۴۴	۴۵٫۵۸	۷۰٫۸۰	۰٫۰۴	۰٫۹۶	۰٫۱۳	چهارمحال
۰٫۹۱	۰٫۹۱	۸۰٫۰۲	۸٫۳۰	۳۶٫۰۷	۱٫۱۱	۷٫۲۷	۲۵٫۲۳	۸۸٫۳۰	۰٫۰۱	۰٫۹۹	۰٫۱۳	خاکی جنوبی
۰٫۸۵	۳٫۸۵	۸۲٫۴۹	۱۲٫۶۰	۴۶٫۸۶	۲٫۴۸	۴٫۲۳	۳۳٫۸۸	۸۴٫۳۰	۰٫۰۲	۰٫۹۸	۰٫۱۲	خاکی رضوی
۰٫۸۶	۵٫۰۷	۸۱٫۶۰	۱۱٫۶۰	۲۸٫۰۵	۰٫۸۲	۳٫۲۹	۳۸٫۴۱	۸۰٫۶۳	۰٫۰۳	۰٫۹۸	۰٫۱۵	خاکی شمالی
۰٫۸۷	۶٫۴۰	۸۹٫۱۰	۸٫۵۲	۳۹٫۶۶	۱٫۰۵	۳٫۹۹	۶۰٫۸۵	۷۵٫۸۰	۰٫۰۲	۰٫۹۸	۰٫۱۲	خوزستان
۰٫۹۲	۳٫۴۷	۸۵٫۴۷	۷٫۰۰	۳۰٫۲۳	۱٫۲۰	۵٫۴۶	۳۸٫۱۹	۸۱٫۲۵	۰٫۰۳	۰٫۹۸	۰٫۱۶	زنجان
۰٫۹۲	۴٫۱۸	۸۱٫۲۷	۱۶٫۱۸	۵۷٫۸۳	۲٫۰۰	۴٫۷۹	۶۴٫۶۴	۶۴٫۲۶	۰٫۰۱	۰٫۹۹	۰٫۰۸	سمنان
۰٫۸۸	۴٫۴۱	۸۰٫۲۹	۵٫۰۰	۲۰٫۴۲	۰٫۷۷	۶٫۱۸	۲۸٫۹۲	۹۵٫۱۰	۰٫۰۹	۰٫۹۲	۰٫۲۰	سیستان
۰٫۸۶	۶٫۲۱	۸۶٫۹۵	۶٫۴۸	۴۷٫۵۹	۲٫۲۶	۵٫۴۱	۴۰٫۳۴	۷۵٫۹۱	۰٫۰۳	۰٫۹۸	۰٫۱۴	فارس
۰٫۹۰	۸٫۷۶	۸۴٫۷۰	۱۲٫۹۴	۴۲٫۵۳	۱٫۶۲	۴٫۴۴	۴۳٫۰۳	۷۲٫۵۱	۰٫۰۱	۰٫۹۹	۰٫۱۲	قزوین
۰٫۹۲	۶٫۶۶	۸۳٫۶۶	۲۰٫۴۱	۴۳٫۸۲	۱٫۹۲	۴٫۳۲	۴۵٫۴۹	۷۹٫۲۲	۰٫۰۲	۰٫۹۸	۰٫۱۵	قم
۰٫۹۱	۲٫۸۰	۸۷٫۷۷	۱۳٫۸۵	۲۳٫۲۱	۱٫۱۱	۵٫۶۹	۳۲٫۰۲	۷۲٫۴۷	۰٫۰۴	۰٫۹۷	۰٫۱۷	کردستان
۰٫۹۳	۱٫۸۵	۸۲٫۸۸	۱۰٫۶۶	۳۷٫۴۵	۱٫۴۷	۵٫۲۲	۴۴٫۲۴	۸۹٫۲۲	۰٫۰۲	۰٫۹۸	۰٫۱۲	کرمان
۰٫۸۶	۲٫۳۱	۸۷٫۷۶	۱۲٫۵۸	۳۳٫۰۶	۱٫۳۸	۴٫۷۶	۳۴٫۷۸	۸۰٫۵۸	۰٫۰۵	۰٫۹۷	۰٫۱۵	کرمانشاه
۰٫۹۴	۱٫۲۶	۹۰٫۷۹	۳۰٫۹۰	۲۴٫۶۲	۰٫۳۴	۵٫۱۴	۳۸٫۶۶	۸۷٫۸۲	۰٫۰۳	۰٫۹۷	۰٫۱۶	کهگیلویه
۰٫۸۸	۶٫۸۷	۸۵٫۵۳	۱۱٫۰۱	۳۴٫۷۵	۱٫۶۴	۳٫۰۲	۴۳٫۳۰	۷۹٫۰۴	۰٫۰۲	۰٫۹۸	۰٫۱۶	گلستان
۰٫۸۷	۷٫۵۵	۸۴٫۴۲	۱۶٫۸۳	۴۴٫۹۴	۳٫۱۹	۴٫۶۱	۴۳٫۳۲	۶۸٫۲۶	۰٫۰۹	۰٫۹۵	۰٫۱۵	گیلان
۰٫۹۱	۲٫۵۵	۸۶٫۱۹	۷٫۵۶	۲۷٫۹۸	۰٫۹۷	۵٫۰۷	۴۲٫۹۸	۸۵٫۹۶	۰٫۰۴	۰٫۹۷	۰٫۱۵	لرستان
۰٫۹۴	۱٫۶۰	۸۵٫۷۶	۲۲٫۰۸	۴۴٫۱۰	۲٫۳۷	۴٫۱۹	۴۹٫۶۰	۵۷٫۲۰	۰٫۰۳	۰٫۹۸	۰٫۱۲	مازندران
۰٫۹۴	۳٫۴۴	۸۲٫۷۱	۲۹٫۴۰	۳۸٫۰۸	۱٫۴۵	۶٫۰۲	۳۶٫۴۲	۷۲٫۶۳	۰٫۰۲	۰٫۹۸	۰٫۱۲	مرکزی
۰٫۹۳	۱۱٫۱۵	۸۴٫۹۰	۶٫۱۶	۳۰٫۸۲	۰٫۵۲	۶٫۴۵	۴۶٫۲۸	۸۳٫۸۸	۰٫۰۱	۰٫۹۹	۰٫۱۸	هرمزگان
۰٫۹۳	۴٫۰۱	۸۴٫۴۷	۱۳٫۴۵	۳۳٫۹۳	۱٫۶۵	۵٫۱۴	۳۵٫۱۲	۷۷٫۹۳	۰٫۰۴	۰٫۹۸	۰٫۱۷	همدان
۰٫۹۶	۳٫۲۸	۸۱٫۷۷	۲۱٫۹۴	۵۱٫۰۲	۱٫۷۵	۵٫۶۹	۴۹٫۶۷	۷۷٫۶۳	۰٫۰۹	۰٫۹۰	۰٫۱۰	یزد

منبع: محاسبات تحقیق

و نتایج رتبه بندی استانها براساس وضعیت رفاه و بهزیستی سالمندان براساس شاخصهای اقتصادی-اجتماعی مبتنی بر دین اسلام در جدول (۲) ارائه می شود.

باتوجه به اینکه فاصله بین بیشترین و کمترین نمره، ۰,۷۳، تقسیم بر ۳ (تعداد طبقات)، معیار تقسیم بندی طبقات میباشد، استانها به سه گروه تقسیم شدند.

جدول ۲. نتایج تحلیل تاپسیس برای رتبه بندی وضعیت بهزیستی سالمندان

رتبه	نام استان	درجه رفاه	بیشترین میزان بهزیستی
۱	تهران	۰,۸۳	بیشترین میزان بهزیستی
۲	گیلان	۰,۶۰	
۳	البرز	۰,۵۹	
۴	مازندران	۰,۵۶	سطح بهزیستی متوسط
۵	آذربایجان شرقی	۰,۵۳	
۶	سمنان	۰,۵۰	
۷	اصفهان	۰,۴۵	
۸	فارس	۰,۴۳	
۹	خراسان رضوی	۰,۴۰	
۱۰	قزوین	۰,۳۷	
۱۱	یزد	۰,۳۶	
۱۲	قم	۰,۳۶	
۱۳	مرکزی	۰,۳۵	
۱۴	همدان	۰,۳۲	سطح بهزیستی پایین
۱۵	گلستان	۰,۳۲	
۱۶	اردبیل	۰,۳۱	
۱۷	کردستان	۰,۳۱	
۱۸	خوزستان	۰,۳۰	
۱۹	چهار محال بختیاری	۰,۳۰	
۲۰	آذربایجان غربی	۰,۲۷	
۲۱	کرمانشاه	۰,۲۷	
۲۲	زنجان	۰,۲۴	
۲۳	کرمان	۰,۲۲	
۲۴	بوشهر	۰,۲۱	
۲۵	خراسان شمالی	۰,۲۱	
۲۶	ایلام	۰,۲۱	
۲۷	خراسان جنوبی	۰,۱۸	
۲۸	لرستان	۰,۱۸	
۲۹	هرمزگان	۰,۱۷	
۳۰	کهگیلویه و بویراحمد	۰,۱۱	
۳۱	سیستان بلوچستان	۰,۰۹	

براساس نتایج حاصله، براساس شاخصهای تعریف شده، سالمندان در استانهای تهران، گیلان و البرز نسبت به بقیه بهترین وضعیت را دارند و استانهای سیستان بلوچستان، کهگیلویه و هرمزگان نامناسب ترین شرایط را برای سالمندان دارند. همچنین به طور کلی فقط در حدود ۱۰ درصد از استانها وضعیت سالمندان مناسب است، ۳۲ درصد استانها وضعیت تقریبا مناسب و حدود ۵۸ درصد استانها شرایط مناسبی برای سالمندان ندارند.

نتیجه گیری

باوجود اینکه در استانهایی مثل سیستان بلوچستان و هرمزگان نرخ مشارکت سالمندان در نیروی کار نسبت به بقیه بالاترین است اما رتبه پایین بهزیستی این استانها حکایت از این دارد که یا تعداد سالمندان بیکاری که به دلیل شرایط اقتصادی نامناسب به دنبال کار می گردند بیشتر است و یا نامناسب بودن سایر شاخصها، مزایایی را که اشتغال سالمند می توانست داشته باشد تحت الشعاع قرار داده است.

در تمامی استانها به طور متوسط بیش از ۵۰ درصد سالمندان دارای درآمدی کمتر از میانه درآمد کور هستند. در تمامی استانها به جز تهران، البرز، خوزستان و سمنان، حداقل نیمی از سالمندان حقوق ویا مستمری بازنشستگی دریافت نمی کنند.

نسبت حمایت ازوالدین سالمند در استانهای خراسان جنوبی، هرمزگان و سیستان حدود ۷ می باشد که به این معنی است که به ازای هر ۱۰۰ نفر ۶۴-۱۵ ساله، ۷ نفر سالمند ۸۵ سال به بالا وجود دارد که نیازمند حمایت و مراقبت میباشند. این درحالی است که خود افراد ۶۴-۱۵ نیز درآستانه ورود به سالمندی میباشند که این حضور بیشتر حکومت اسلامی را برای فراهم آوری شرایط رفاهی برای سالمند می طلبد.

استانهایی که رتبه پایین را به خود اختصاص داده اند، پایین ترین رتبه ها از نظر تحصیلات و آموزش سالمندان را نیز داشته اند که باتوجه به نقش دانش در ارتقای سلامت و امید به زندگی سالمندان و برای برقراری عدالت اسلامی، باید فرصت یادگیری در اختیار استانهای محروم تر نیز قرار بگیرد و برای آنها به طور خاص برنامه های آموزش سالمندان طراحی شود.

یکی دیگر از علل پایین بودن سطح بهزیستی استانهایی مانند سیستان و هرمزگان، نداشتن پوشش بیمه ای برای سالمندان است(فقط چیزی حدود ۵ درصد).

باتوجه به آموزه های دین اسلام در مورد جایگاه ویژه ای که سالمند در خانواده دارند در همه استانها حداقل ۸۰ درصد سالمندان در کنار خانواده خود زندگی می کنند که این موجب افزایشکیفیت زندگی آنها می شود.

نهایتا در اغلب استانها میزان مواجهه سالمندان با هزینه های کمرشکن سلامت بسیارزیاد است این درحالی است که در برنامه توسعه دیده شده که این میزان برای کل جامعه کمتر از ۳ درصد باشد اما در برخی استانها مواجهه سالمندان حدود ۲ تا ۳ برابر بیشتر است.

در مجموع باتوجه به اهمیت ویژه ای که دین اسلام برای دوران سالمندی و سالمندان قائل است، براساس شاخصهای استخراج شده وضعیت بهزیستی سالمندان در اغلب استانها مناسب نمیباشد که این توجه بیشتر دولت را می طلبد. در این راستا دولت می تواند بخشی ازبودجه را به رفاه سالمندان اختصاص دهد و یا اینکه راهکارهایی برای جلب مشرکتهای خیریه و یا بخش خصوصی ایجاد کند.

منابع و مأخذ

- تحف العقول، ص ۲۳۹
- جغتایی، فایزه، میرطاهر موسوی، محمدجواد زاهدی، (۱۳۹۵)، ابعاد ومولفه های توسعه اجتماعی در برنامه های توسعه، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال ۱۶، شماره ۶۳
- صحیح البخاری، حدیث شماره ۱۹۴۸
- عوالی اللئالی، ج ۱، ص ۱۸۹؛ بحارالانوار، ج ۷۲، ص ۱۳۷؛ مسند احمد، ج ۲، ص ۲۲۲.
- فخرزاده، حسین و حوریه سلطانی مهاجر، (۱۳۹۶)، جایگاه سالمندان و مراقبت از سلامت آن ها در اسلام، طب و تزکیه، دوره ۲۶، شماره ۲، ۱۰۴-۹۷.
- کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، ج ۱، ص ۱۹، دارالکتب الإسلامیة، تهران، ۱۴۰۷ ق.
- کنز العمال : ۲۸۸۰۳
- میزان الحکمه، جلد ۸، الخصال : ۱۱۲/۳۲
- میزان الحکمه، جلد ۸، تنبیه الخواطر : ۱۷۶/۲
- وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۱۰۰؛ بحارالانوار، ج ۷۲، ص ۱۳۶؛ کنزالعمال، ج ۹، ص ۱۵۶.
- Nottingham, UK: DfEE.
- Bengtson VL, Coleman PG, Kirkwood TB. The Cambridge handbook of age and ageing: Cambridge University Press; 2005.
- Dench, S., & Regan, J. (2000). Learning in later life: Motivation and impact
- Elsaman, Radwa S. & Mohamed A. Arafa, (2012), The Rights of the Elderly in the Arab Middle East: Islamic Theory Versus Arabic Practice, Marquette Elder's Advisor Volume 14, Issue 1 Fall, Article 4.
- Foster L, Walker A. Active and successful aging: A European policy perspective. The Gerontologist. 2014;55(1):83-90.
- global agewatch: United nation; 2015. Available from: <http://www.helppage.org/global-agewatch/about/global-agewatch-index-version-20/>
- Kuwait Declaration on the Rights of Elderly - An Islamic Perspective, 1999.
- Zaidi A, Stanton D. Active Ageing Index 2014: Analytical Report .UNECE/European Commission. 2015.
- Zulkipli, Shah Rizul Izyan, Noornajihan Jaafar, Nurul 'Asyiqin Aminul Rashid, Mohd 19-Zahir Abdul Rahman, (2018), NEED ANALYSIS STUDY ON THE DEVELOPMENT OF ISLAMIC EDUCATION MODEL FOR ELDERLY BASED ON AL-QURAN, International Journal for Studies on Children, Women, Elderly And Disabled, Vol. 4

زوال اندیشه اقتصادی در ایران

صادق بافنده ایماندوست^۱

چکیده

یکی از عوامل پیشرفت هر کشور، رونق اندیشه‌ورزی و ابداع نظریه‌های علمی است. اگر اندیشه و طرحی در سر نداشته باشیم در حوزه عمل هم به کثراهه خواهیم رفت. نوشتار حاضر با استفاده از روشی شبیه فراتحلیل با بررسی برخی مقالات علمی پژوهشی منتشر شده در حوزه اقتصاد متعارف و اقتصاد اسلامی نشان می‌دهد که عملاً درون یک دایره بسته و مسیر نادرست گام بر می‌داریم و به همین علت است که کارورزان علم اقتصاد در ایران نتوانسته‌اند نقشی شایسته و بایسته در سپهر اقتصادی و سیاسی کشور ایفا کنند و باعث رشد و تعالی جامعه شوند. در واقع علم، اقتصاد و سیاست در غرب باهم ارتباط تنگاتنگی دارند ولی در کشور ما اینگونه نیست. در ایران علم در خدمت سیاست و اقتصاد نیست. مقاله حاضر بخصوص به دنبال نقد روش شناسی در حوزه اقتصاد اسلامی است و با استفاده از رویکردهای ابطال‌گرایی، تجربه‌گرایی و انقلاب علمی کوهن نشان می‌دهد اقتصاد اسلامی علم نیست. لذا پیشنهاد اصلی مقاله اینست که باید رویکردی فلسفی به اقتصاد اسلامی داشته باشیم و مفاهیم کلیدی اقتصاد را از منظر اسلامی بازتعریف کنیم.

واژگان کلیدی: اقتصاد اسلامی، علم اقتصاد، اندیشه اقتصادی، فلسفه علم

۱. دانشیار گروه اقتصاد، دانشگاه پیام نور - از همکار گرامی علی مفیدی که در تهیه جدولهای مقاله زحمت کشیدند تشکر میکنم.

مقدمه

تاریخ اندیشه اقتصادی در کشورهای در حال توسعه موضوعی است که مورد بی‌مهری قرار گرفته است. یک نگاه کوتاه به هر کتاب مهم تاریخ اندیشه اقتصادی تأییدکننده این مطلب است که در ۲۰۰ سال گذشته، جهان در حال توسعه و بخصوص ایران هیچ بینش جدیدی به این رشته اضافه نکرده است. تا اوایل قرن بیستم هیچ کتاب اقتصادی در ایران چاپ نشد. کتاب سیمون دسیسموندی، "اصول اقتصاد سیاسی" در حدود سال ۱۸۸۳ میلادی به فارسی ترجمه شد؛ اما منتشر نشد. اواخر سال ۱۹۰۵ میلادی، محمدعلی فروغی کتاب «اصول علم ثروت ملل یعنی اقتصاد سیاسی» را منتشر کرد که برداشت آزادی از کتاب درس اقتصاددان فرانسوی پل برگارد است. در ایران پس از تاسیس دانشگاه تهران آموزش دانشگاهی بطور رسمی وارد کشور شد. علم اقتصاد با ترجمه کتاب پل ساموئلسون بیشتر مطرح شد. این کتاب اولین بار عمدتاً توسط شریف ادیب سلطانی تحت نظارت و ویراستاری حسین پیرنیا به فارسی برگردانده و در سال ۱۳۴۴ خورشیدی در دو جلد منتشر گردید. اما در سالهای پس از انقلاب بازار انتشار کتابهای اقتصادی رونق گرفته و تا به امروز صدها عنوان کتاب مرتبط با علم اقتصاد ترجمه یا تالیف شده است و رشته اقتصاد در دهها مرکز دانشگاهی آموزش داده می‌شود. مع الوصف در طی این مدت کمتر نظریه پرداز و متفکر اقتصادی از ایران ظهور کرده است. در حالیکه پیدایش علم اقتصاد کلاسیک در اواسط قرن هجده میلادی در میانه انقلاب صنعتی و در پی عصر روشنگری اتفاق افتاد، وضعیت در ایران اینگونه نبود. به بیان دیگر بنیادهای علم اقتصاد را فیلسوفان و متفکران غربی برافراشتند و ظهور تفکرات پوزیتیویستی، سوسیالیستی، تجربه‌گرایی و اومانیزم در پیدایش نظریات اقتصادی موثر بوده است. در حالیکه در ایران ما فقط درگیر ترجمه و انتقال متون درسی غربی به کشور بوده ایم.

پس از انقلاب اسلامی و گسترش رشته‌های دانشگاهی و به تبع آن اقتصاد، تعداد زیادی دانش‌آموخته اقتصاد در کشور تربیت شد. اگر چه در دروس متعارف اقتصاد، بحثهای اقتصاد اسلامی کمتر مطرح است و بیشتر مبانی اقتصاد متعارف تدریس می‌شود به عقیده نگارنده همین مفاهیم اقتصادی هم دارای عمق و ژرفا نیست و دانشجویان از عقبه و فرآیند تاریخی تحولات دنیای غرب و علم و فلسفه‌ای که این مباحث از دل آن بیرون آمده بیگانه و بی‌اطلاع هستند.

نکته مهم دیگر این است که در طی چهل سال تجربه نظام جمهوری اسلامی ایران به تدریج استناد به اقتصاد اسلامی رنگ باخته و کمتر مورد توجه واقع شده است. یکی از علل کم‌اقبالی به این مهم، ضعف در روشمندی گام‌هایی است که به اقتصاد اسلامی نسبت داده شده است. در بسیاری از الگوهایی که در این دوره مطرح شده میتوان مشکلات روش‌شناسانه جدی را ملاحظه نمود که ناشی از عدم ارائه تصویر روشنی از چارچوبهای نظریه‌پردازی معتبر در حوزه اقتصاد اسلامی است (عیوضلو، ۱۳۹۸، ۱).

روش‌شناسی

یکی از دلایل ناکارآمدی نظریه‌پردازی علم اقتصاد در ایران، کم‌اقبالی به بحثهای روش‌شناسی بوده است. در این پژوهش رویکرد ما رویکرد روش‌شناسی است. در مقاله حاضر از تحلیل آماری استفاده نشده ولی چند مقاله از مقالات جدید در حوزه اقتصاد متعارف و اقتصاد اسلامی در دو جدول آورده شده است، که نشان

می‌دهد کوششهای کارورزان علم اقتصاد در کشور ما یا تمرینهای اقتصاد سنجی بوده یا در حوزه اقتصاد اسلامی کوششهایی سترون بوده است. از طرف دیگر مقاله حاضر بر اساس نظریات فلسفه علم معاصر و ویژگیهای ایجاد نظریه علمی را بررسی کرده و نشان می‌دهد ما در چه مرحله‌ای از تولید نظریه اقتصاد اسلامی بعنوان بدیلی برای اقتصاد متعارف هستیم. سه رویکرد ابطال‌گرایی، تجربه‌گرایی و انقلاب علمی کوهن که در فلسفه علم معروف است، استفاده شده است.

تعریف علم، فلسفه و تجربه‌گرایی:

علم، نهادیست اجتماعی که در پی کشف حقیقت درباره جهان خارج یا ساخت نظریه‌هایی به لحاظ تجربی و عملی، کارآمد است (شیخ رضایی، ۱۳۹۸). دانشمندان به دنبال دو هدف هستند. اولاً اسرار جهان را کشف کنند و ثانیاً نظریه‌هایی برای ساخت ابزار و پیش‌بینی حوادث آینده برای زندگی بهتر پیدا کنند.

فلسفه علم به وجود در کلیترین شکل آن است (همان). فلسفه علم است که به پرسشهای باز می‌پردازد. پرسشهای باز و پرسشهای بسته: پرسش بسته را می‌توانیم پاسخ دهیم و روش را می‌دانیم. مثلاً آب در چند درجه می‌جوشد؟ یا انسان چند دندان دارد؟

ولی پرسشهای باز را نمی‌توان راحت پاسخ داد. مثلاً حیات چیست؟ حق چیست؟ عدالت چیست؟ مساله جبر و اختیار چگونه است؟ فلسفه به دنبال پاسخ به سوالات باز است.

فلسفه علم یا فلسفه علوم شاخه‌ای است از فلسفه که به مطالعه تاریخ، ماهیت، اصول و مبانی، شیوه‌ها، ابزارها، و طبیعت نتایج به دست آمده در علوم گوناگون همت می‌گمارد. فلسفه علم، از لحاظ علم مورد بررسی، خود، به زیرشاخه‌های متعددی تقسیم می‌گردد که از جمله آنها می‌توان فلسفه فیزیک، فلسفه شیمی، فلسفه ریاضیات، فلسفه زیست‌شناسی، فلسفه علوم اجتماعی، فلسفه مکانیک کوانتومی و فلسفه نسبیت را ذکر نمود (شیخ رضایی ۱۳۹۸). در این تحقیق با عینک فلسفه علم، علم بودن اقتصاد اسلامی بررسی شده است.

تجربه‌گرایی^۱: یکی از گرایش‌های اصلی در شناخت‌شناسی و نقطه مقابل عقل‌گرایی است. بر اساس این دیدگاه همه معرفت‌های بشری مستقیم یا غیرمستقیم برآمده از تجربه است. تجربه از منظر این دیدگاه نه فقط ادراک حسی بلکه دریافتهایی مانند حافظه یا گواهی دیگران را هم در بر می‌گیرد.

یکی از بنیانهای علم اقتصاد متعارف بر تجربه‌گرایی استوار است. نمی‌توان منکر تاثیر نظرات دیوید هیوم بر آدم اسمیت شد. دو اسکاتلندی هم عصر که هر دو فیلسوفند. اگر به بحث مطلوبیت در اقتصاد خرد نیک بنگریم فلسفه نهفته در بطن آنرا در خواهیم یافت. چرا کالایی مصرف می‌کنیم؟ چون مصرف آن کالا مطلوبیت دنیوی ایجاد می‌کند و ما این مطلوبیت را حس می‌کنیم و تجربه می‌کنیم. اما بحث انفاق که در قرآن تاکید فراوان شده است. با این فلسفه جور در نمی‌آید. شما نیکی کنید در آخرت پاداش می‌گیرید. در اینجا بعد زمان و مکان وجود ندارد و به تجربه در نمی‌آید. لذا در مباحث دینی هدف راهیابی به ساحت قدسی و ایمان قلبی است که از راه تعبد و تکلیف مداری محقق می‌شود. اگر چه استفاده از روش استقراء در فلسفه علم کم رنگ

شده اما نمی توان منکر تاثیرات مهم این روش در پیشرفت علم بخصوص در قرن ۱۸ و ۱۹ میلادی شد. حتی امروز هم به نظر می رسد در تحقیقات اقتصاد یا پایان نامه های دانشگاهی، به نوعی از این روش استفاده می شود. اگرچه بحث استقرا از طرف هیوم به چالش کشیده شد ولی تجربه گرایی در نزد وی اهمیت زیادی دارد. در ادامه بحث نگاهی هم به بحث ابطال گرایی پوپر خواهیم داشت.

مراحل تغییر نظریه های علمی و ایجاد پارادایم جدید

اگرچه بحث ابطال گرایی در فلسفه علم امروزه اعتبار سابق را ندارد ولی بسیار جالب و قابل تامل است لذا در این قسمت، اقتصاد اسلامی، در ترازوی ابطال پذیری پوپر سنجیده شده است. ابطال پذیری^۱ امکان منطقی این است که غلط بودن یک گزاره را بتوان از طریق یک مشاهده یا تجربه فیزیکی نشان داد. ابطال گرایی علم را به مثابه مجموعه ای از فرضیه هایی می پندارند که به منظور توصیف یا تبیین دقیق رفتار چهره ای از جهان موقتاً پیشنهاد شده اند، با این همه، هر فرضیه ای این گونه نیست. چنانچه بنا باشد فرضیه ای یا نظامی از فرضیه های واجد منزلت قانون یا نظریه علمی بشود باید یک شرط اساسی را برآورده کند. چنانچه بخواهیم فرضیه ای را جزء معرفت علمی محسوب کنیم باید ابطال پذیر باشد.

کارل پوپر، که در نقد فلسفی خود از دیدگاه پوزیتیویستی مشهور روش علمی استفاده می کرد، به این نتیجه رسید که مذاکرات در مورد یک فرضیه، گزاره یا نظریه قابل مشاهده فقط اگر ابطال پذیر باشد، قبول است.

بنابراین، فرضیه ای ابطال پذیر خواهد بود که یک گزاره مشاهدتی یا مجموعه ای از گزاره های مشاهدتی منطقاً ناسازگار با آن امکان وجود داشته باشد، بدین معنا که اگر صدق گزاره ها اثبات شد فرضیه را ابطال کند. حال بر گردیم به اقتصاد اسلامی، آیا در امور دینی می توان یک موضوع را ابطال کرد؟ آیا بسیاری از امور دینی نزد مومنین ثابت و قطعی نیستند؟ در حالیکه مسائل علمی مداوم در حال تغییر هستند. اگر حتی فرض ابطال پذیری را قبول نداشته باشیم، تغییر پذیری مباحث علمی اجتناب ناپذیر است. بسیاری مباحث علمی مثل فیزیک نیوتونی که سالها مورد پذیرش دانشمندان بود سالهای بعد توسط دانشمندان دیگر ابطال شد. لذا اگر از ترازوی ابطال گرایی استفاده کنیم، امور قدسی و ایمانی را نمی توان با علم در هم آمیخت. البته این مساله هیچ از جایگاه دین نمی کاهد ولی نشان می دهد امور ایمانی و قلبی را نمی توان همانند امور مادی و دنیوی به آزمون گذاشت. بلکه امر مهم برای مومن تعبد است و نباید بدنبال اثبات یا ابطال بود. در ادامه نظریه فلسفه علم توماس کوهن بررسی می شود.

طبق نظر کوهن برای اینکه نظریه علمی و پارادایم جدیدی بوجود بیاید، چند مرحله باید طی شود (کوهن، ۱۳۸۹):

۱- پیش علم: فعالیتهای پراکنده ای با روشهای مختلف توسط اندیشمندان انجام می شود. در این مرحله هنوز هیچ وحدتی بین دانشمندان شکل نگرفته، به عقیده نگارنده در مورد اقتصاد اسلامی هنوز از این مرحله عبور نکرده ایم. سبحانی و بشارتی در تحقیقی به جمع بندی نظرات اندیشمندان اقتصاد اسلامی در مورد

چیستی "اقتصاد اسلامی" پرداخته اند. تحقیق ایشان نشان می دهد بیست محقق برجسته، اقتصاد اسلامی را بیست نوع مختلف تعریف کرده اند. بخصوص نظر شهید صدر که معتقد است اقتصاد اسلامی علم نیست خیلی قابل تامل است (سبحانی و بشارتی، ۱۳۹۷، ۶).

۲- علم متعارف. کم کم یک پارادایم واحد و روش واحد شکل گرفته است. این پارادایم مسایل ما را حل می کند و روشها مورد قبول همه است و پیش فرضهای فلسفی یکسان است. مثلا نظریه نیوتون سالها پذیرفته شده بود تا اینکه بعد باطل شد.

۳- حل معما در برابر حل مساله. معما حتما جواب دارد ولی مساله ممکن است جواب نداشته باشد. حل معما دشوار نیست اما برخی مساله ها تن به حل نمی دهند و نا هنجاری^۱ ایجاد می کنند.

۴- ناهنجاری و بحران: در اینجا نظر کوهن با پوپر متفاوت است. پوپر می گوید نظریه باطل است و باید کنار گذاشته شود ولی کوهن می گوید نباید نظریه را کنار بگذاریم باید نظریه رقیبی وجود داشته باشد اگر پارادایمی وجود نداشت باید از همان پارادایم قدیمی استفاده کرد.

۵- انباشته شدن بحران و انقلاب. برای نمونه، انقلاب نهایی گرایبی به دلیل ناکارآمدی اقتصاد کلاسیک بوجود آمد و انقلاب کینزی در نتیجه نا رسایی نظریه نئوکلاسیک ایجاد شد (دادگر، ۱۳۹۶، ۸۳).

۶- تثبیت انقلاب جدید.

نکته مهم اینست که پارادایمها با هم قابل مقایسه نیستند. مثل سبک زندگی متفاوت در زمانهای متفاوت. بر اساس ایده توماس کوهن، پارادایم آن چیزی است که اعضای یک جامعه علمی با هم و هر کدام به تنهایی در آن سهیم هستند. مجموعه‌ای از مفروضات، مفاهیم، ارزشها و تجربیات که روشی را برای مشاهده واقعیت جامعه‌ای که در آن سهیم هستند (به ویژه در رشته‌های روشنفکرانه) ارائه می‌کند. بر اساس ایده کوهن، پارادایم اصطلاح فراگیری است که همه پذیرفته‌های کارگزاران یک رشته علمی را دربر می‌گیرد و چارچوبی را فراهم می‌سازد که دانشمندان برای حل مسائل علمی در آن محدوده استدلال کنند. کوهن معتقد است پارادایم یک علم تا مدت‌های مدید تغییر نمی‌کند و دانشمندان در چارچوب مفهومی آن سرگرم کار خویش هستند. اما دیر یا زود بحرانی پیش می‌آید که پارادایم را درهم می‌شکند و دگرگونی علمی به وجود می‌آید که پس از مدتی پارادایم جدیدی به وجود می‌آورد و دوره‌ای جدید از علم آغاز می‌شود و در جهان بینی علمی دگرگونی به وجود می‌آید. کوهن تئوری جاری را پارادایم نمی‌نامد، بلکه جهان بینی موجود را که آن نظریه در قالب آن شکل گرفته و همه کاربردهایی که از آن حاصل شده‌است را پارادایم می‌نامد. تغییر پارادایم را پارادایم شیفت^۲ می‌گویند. پارادایم شیف نگاه ما را به جهان و پدیده‌ها تغییر می‌دهد و آنچه تا پیش از آن غیر منطقی یا حتی غیر ممکن می‌نمود؛ ممکن و عادی جلو می‌کند.

حال نکته مهم اینست که آیا پارادایم غالب در دنیای فعلی که همان عمل به اقتصاد متعارف است و در ژاپن و آلمان و دیگر کشورهای توسعه یافته قبول شده، آیا ناکارآمد است؟، بحران بوجود آورده؟ و باید ابطال شود و کنار رود تا ما پارادایم دیگری بوجود آوریم. از طرف دیگر در جامعه اسلامی آیا همه ایمان وارده اند؟ یا فقط

1. Anomalies
2. paradigm shift

تسلیم شده اند؟ قرآن مجید می فرماید:

قَالَتِ الْأَعْرَابُ آمَنَّا ^ط قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا وَلَٰكِنْ قُولُوا أَسْلَمْنَا وَلَمَّا يَدْخُلِ الْإِيمَانُ فِي قُلُوبِكُمْ ^ط وَإِنْ تُطِيعُوا اللَّهَ

وَرَسُولَهُ لَا يَلِتْكُمْ مِنْ أَعْمَالِكُمْ شَيْئًا ^ع إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ.

اعراب (بر تو منت گذارده و) گفتند: ما (بی جنگ و نزاع) ایمان آوردیم، بگو: شما که ایمانتان (از زبان) به قلب وارد نشده به حقیقت هنوز ایمان نیاورده‌اید لیکن بگویید ما اسلام آوردیم (و از خوف جان به ناچار تسلیم شدیم)، و اگر خدا و رسول وی را اطاعت کنید او از (اجر) اعمال شما هیچ نخواهد کاست (و از گناه گذشته می‌گذرد) که خدا بسیار آمرزنده و مهربان است. حجرات، آیه ۱۴.

طبق این آیه تفاوت اسلام و ایمان، در این است که اسلام شکل ظاهری قانونی دارد، و هر کس شهادتین را بر زبان جاری کند در سلک مسلمانان وارد می‌شود، و احکام اسلام بر او جاری می‌گردد. ولی ایمان یک امر واقعی و باطنی است و جایگاه آن قلب آدمی است، نه زبان و ظاهر او. اسلام ممکن است انگیزه‌های مختلفی داشته باشد، حتی انگیزه‌های مادی و منافع شخصی، ولی ایمان حتماً از انگیزه‌های معنوی، از علم و آگاهی، سرچشمه می‌گیرد، و همان است که میوه حیات بخش تقوی بر شاخسارش ظاهر می‌شود. ولی این تفاوت مفهومی در صورتی است که این دو واژه در برابر هم قرار گیرند، اما هرگاه جدا از هم ذکر شوند ممکن است اسلام بر همان چیزی اطلاق شود که ایمان بر آن اطلاق می‌شود، یعنی هر دو واژه در یک معنی استعمال گردد (مکارم شیرازی، ۱۳۸۴، ج ۲۲، ۲۱۰). برآستی اگر اختلاسگران و دزدان بیت المال به روز جزا اعتقاد داشتند شاهد این مقدار فساد در کشور بودیم؟ حال این پرسش پیش می‌آید در جامعه ای که نور ایمان در دل‌های تعداد زیادی وارد نشده آیا می‌توان انتظار پیشرفتی در اقتصاد اسلامی داشت؟ آیا می‌توان ایمان را در دل افراد بیشتری وارد کرد تا جامعه ایمانی و نورانی داشته باشیم؟ اصلاً آیا می‌توان فهمید چه مقدار از مردم دیندار واقعی هستند؟ آیا صرفاً کسی که در خانواده مسلمان بدنیا آمده ولی هیچ اطلاعی از احکام اسلام ندارد و شهادتین نگفته است، مسلمان است؟ تعریف مسلمان واقعی چیست؟ نسبت "هست" و "باید" در اقتصاد ما چگونه است؟ آیا نفع‌گرایی (فایده‌گرایی^۱) که ریشه در افکار جرمی بنتام^۲ و جان استوارت میل^۳ دارد و در اعماق جامعه وسیستم آموزشی غرب نفوذ کرده، برای جامعه ایران هم مبنا است؟ ارزشهای اخلاقی و اسلامی چه جایگاهی در تعیین اهداف اقتصادی ما دارند؟ عدالت اسلامی چه تفاوتی با عدالت در مفهوم غربی آن دارد؟ دستمزد منصفانه چیست؟ انصاف چیست؟ آیا در چهل سال گذشته عدالت اقتصادی بیشتر شده یا کمتر؟ آیا اهداف سیاسی ما با اهداف اقتصادی ما همسو است؟ آیا همه افراد جامعه برای رسیدن به رشد و تعالی ایران تلاش می‌کنند یا شاهد تلاشهای متضاد هستیم؟ آیا نهادهای اقتصادی و سیاسی موجود در کشور موافق توسعه اقتصادی هستند یا توسعه اولویت دوم و سوم آنهاست؟ اصلاً توسعه از نظر سیاستگذاران ما چیست؟ توسعه اقتصادی در اولویت است یا فرهنگی یا سیاسی؟ بدون توسعه سیاسی می‌توان به توسعه فرهنگی رسید؟ امور شهودی و بدیهیات در اقتصاد ما کدام است؟ آیا امور را میتوان نقد عقلی کرد و کدام امور را نمی‌توان؟ رابطه اخلاق و اقتصاد اسلامی چگونه است؟

1. Utilitarianism
2. Jeremy Bentham
3. John Stuart Mill

نگاهی به آثار کارورزان عرصه اقتصاد

در ادامه تعدادی از مقالات علمی پژوهشی به همراه قسمت نتیجه گیری و دستاورد آن ارائه شده است، همانطور که مشاهده می شود کمتر بحث نظریه پردازی و نکته جدیدی در این مقالات دیده می شود. بدون اینکه بخواهیم زحمات نویسندگان محترم را زیر سوال ببریم، این نکته را مطرح می کنیم که آیا این پژوهشها مشکلی از اقتصاد ایران حل کرده اند یا معرفت جدیدی به دانش علم اقتصاد اضافه کرده اند؟ در بسیاری از این مقالات در قسمت نتیجه گیری دقت کنید، قضاوت با خواننده. اگر مسائل اقتصادی را به دو دسته اصلی تقسیم کنیم:

الف) امور واقع (پژوهشهای تجربی برای حل مساله)

ب) مسائل مفهومی و کلیدی (پژوهشهای روش شناسی و فلسفی برای روشن کردن مفاهیم اصلی اقتصاد) بررسی مقالات و پژوهشهای اقتصادی در کشور، اغلب در گروه الف جای می گیرند و در گروه ب که به عقیده نگارنده اهمیت بیشتری دارد و در حوزه اندیشه و فلسفه علم اقتصاد است، با فقر اندیشه ورزی مواجه هستیم. در قسمت قبل برخی از سوالات کلیدی مطرح شد. وظیفه پاسخ به این سوالات و وظیفه اندیشه ورزان حوزه منطق و فلسفه اقتصاد است. حتی اگر پاسخ برخی از این سوالات در سالهای گذشته داده شده باشد، باز هم باید به مفاهیم کلیدی و این سوالات فکر کرد و مفاهیم را بررسی مجدد کرد و روشهای قدیمی را به چالش کشید.

جدول ۱. مقالات علمی پژوهشی اقتصاد توسعه

نام مقاله	نتیجه گیری
بررسی عوامل اقتصادی مؤثر بر شادی در کشورهای منتخب: رهیافت رگرسیون آستانه ای پانل (منصف، معلمی، بیابانی، ۱۳۹۸)	درآمد سرانه علاوه بر تأثیر مثبت خود روی شادی، باعث شدت گرفتن تأثیر مثبت مصرف و آزادی اقتصادی روی شادی نیز می شود. لذا تدوین سیاست هایی در راستای افزایش درآمد سرانه می تواند گام مهمی به سوی افزایش شادی در کشور باشد. همچنین نابرابری درآمد علاوه بر اینکه خود، عاملی برای کاهش شادی می باشد، باعث کاهش تأثیر درآمد سرانه روی شادی نیز می شود، لذا تدوین راهکارهایی برای کاهش نابرابری درآمدی در کشور، می تواند عامل مهمی برای افزایش شادی باشد.
بررسی اثرات عوامل قیمتی و غیرقیمتی بر صادرات غیرنفتی ایران: رویکرد متغیرهای نهان اکرمی، هادیان، رستم زاده، ۱۳۹۸	با توجه به اینکه، استفاده از منابع خارجی به دلیل فراهم نبودن بسترهای لازم دارای چشم انداز روشنی نمی باشد، راهکار عمده جهت افزایش تولید ارتقای سطح بهره وری است. با ارتقای بهره وری می توان محصولاتی با کیفیت برتر و قیمت کمتر تولید و زمینه های لازم جهت ورود قدرتمند به بازارهای جهانی و افزایش میزان تقاضای صادرات را فراهم نمود.

نتیجه گیری	نام مقاله
یکی از ابزارهای مدیریت درآمد منابع در کشورهای صاحب منابع همانند ایران، افزایش سرمایه گذاری عمومی است. در این میان، مناسب ترین رویکرد برای کشور ایران افزایش تدریجی است که در آن نوسانات اقتصاد کمتر و همچنین وضعیت متغیرهای اقتصادی بهتر است چون در این رویکرد تولید ناخالص داخلی و مصرف افزایش و بدهی عمومی کاهش می یابد. تلاش دولت برای مدیریت درآمدهای نفتی و حرکت به سمت افزایش سرمایه گذاری عمومی می تواند وضعیت متغیرهای اقتصاد کلان را بهبود بخشد	سیاست افزایش سرمایه گذاری عمومی و تأثیر آن بر اقتصاد ایران با رهیافت تعادل عمومی- پویای تصادفی دوره زمانی ۱۳۵۷-۱۳۹۴ (ترکمنی، فطرس، ۱۳۹۸)
با توجه به اینکه کشور مدام در معرض شوک های نفتی قرار دارد و همچنین وابستگی اقتصاد ایران به درآمدهای نفتی، بستری را برای آسیب پذیری اقتصاد ایجاد نموده است و اصابت این تکانه به اقتصاد، منجر به انحرافات در متغیرهای کلان از وضعیت باثباتشان شده است، پیشنهاد می شود که دولت با بررسی دقیق اقتصاد کشور، به ویژه لحاظ درآمدهای نفتی در طراحی قواعد مالی، اجرای سیاست مالی مبتنی بر قاعده را در رسیدن به ثبات اقتصادی و مصونیت اقتصاد از تکانه های خارجی، مدنظر قرار دهد. همچنین با اتخاذ قاعده مالی ضدادواری مبتنی بر درآمدهای نفتی در بودجه جاری و عمرانی خود، گام مؤثری را در کاهش نوسانات ناشی از تکانه های نفتی بر اقتصاد کشور بردارد.	اثر قواعد مالی ضدادواری بر اقتصاد ایران با تأکید بر بخش نفت با وجود صندوق توسعه ملی (کشاورز، دانش، سامانی، ۱۳۹۸)
کاهش وابستگی به نفت، در واقع برای درونی کردن صنعت نفت بایستی نیاز ارزی کشور را به حداقل رساند و با گسترش پالایشگاه های صادراتی و صنایع پتروشیمی به تدریج صدور فرآورده های نفتی را جایگزین صادرات نفت خام کرد. حفظ ثبات ارزی از مسیر کاهش ناطمینانی .	شبیه سازی تأثیر عوامل مؤثر بر رکود اقتصادی در ایران: مقایسه دو رهیافت زنجیره مارکوف مونت کارلو و بیزین(رفاعی، سامتی، ۱۳۹۸)
در مجموع اجرای قانون مالیات بر ارزش افزوده موجب افزایش رشد اقتصادی ایران می گردد. بنابراین ضمن پیشنهاد ادامه اجرای این نظام مالیاتی و تبدیل قانون آزمایشی مالیات بر ارزش افزوده به قانون دائمی، پیشنهاد می شود در صورت نهادینه شدن عمیق فرهنگ مالیات بر ارزش افزوده در جامعه و دستیابی به ثبات اقتصادی در بلندمدت، دولت اعمال نرخ های مالیاتی بالاتر را نیز در این نظام مالیاتی، مطابق با تجربه سایر کشورها در نظر داشته باشد	بررسی تأثیر مالیات بر ارزش افزوده بر رشد اقتصادی ایران با استفاده از الگوی تعادل عمومی قابل محاسبه CGE (چهرقانی، زراء نژاد، ۱۳۹۸)
در ادبیات جدید اقتصاد بخش عمومی مسئله اثرگذاری غیرخطی اندازه بدهی دولت بر رشد اقتصادی در قالب منحنی لافر بدهی مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. بر اساس این دیدگاه، بین بدهی دولت و رشد اقتصادی یک رابطه به شکل U معکوس وجود دارد. اقتصاد ایران نیز نمی تواند از این اصل مستثنی باشد.	۱-۱- آزمون وجود منحنی لافر بدهی در اقتصاد ایران: شواهدی از الگوی رگرسیون انتقال ملایم STR (منتظری، ۱۳۹۸)

نتیجه گیری	نام مقاله
<p>در بلند مدت، یک درصد افزایش در متغیرهای نیروی کار، سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در انرژی‌های تجدیدپذیر، انرژی الکتریکی تولید شده توسط انرژی‌های تجدیدپذیر و تولید انواع منابع انرژی‌های تجدیدپذیر (باد، خورشید، آب و زمین گرمایی)، به ترتیب باعث افزایش ۰/۸۷، ۱/۱۷، ۶/۴۴، ۴/۲۹، ۱/۷۸، ۲/۰۹، و ۱/۵۶ درصد در رشد اقتصادی می‌شوند و مشخص شد که از بین انواع منابع انرژی‌های تجدیدپذیر اثر انرژی بادی بر رشد در مقایسه با سایر انرژی‌ها بیشتر است و باید سرمایه‌گذاری در انرژی بادی را در اولویت قرار دهیم بنابراین با توجه به نتایج بدست آمده از پژوهش، توصیه سیاسی این است که، با توجه به فراوانی انواع منابع انرژی‌های تجدیدپذیر در ایران و از آنجا که انرژی بادی در مقایسه با سایر انرژی‌ها بیشترین اثر را بر رشد اقتصادی دارد. با سرمایه‌گذاری در این واحد تولیدی می‌توان سهم استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر را در ایران افزایش داد</p>	<p>بررسی تأثیر انواع انرژی‌های تجدیدپذیر بر رشد اقتصادی ایران (قائد، دهقانی، ۱۳۹۸)</p>
<p>نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل هم‌انباشتگی مبتنی بر رویکرد خودرگرسیون با وقفه‌های توزیعی (ARDL) نشان می‌دهند که انتقال درآمد-خنثی از مالیات‌های غیرمستقیم به هر یک از اقلام مالیات بر درآمد و مالیات بر ثروت موجب افزایش رشد اقتصادی در بلندمدت می‌شود</p>	<p>تغییرات درآمد-خنثی در ساختار مالیاتی و رشد اقتصادی در ایران (فراهتی، ۱۳۹۸)</p>
<p>در این مطالعه به سبب اهمیت موضوع اشتغال و بیکاری در ایران، به بررسی و مقایسه آستانه‌های رشد اقتصادی در قانون اوکان و وردورن، با استفاده از مدل رگرسیون انتقال ملایم پانلی و با در نظر گرفتن ابعاد فضایی و غیرفضایی متغیرها پرداخته شده است. نتایج حاصل از برآورد مدل‌ها برای ۳۰ استان ایران و طی دوره زمانی ۱۳۸۴-۱۳۹۶ نشان می‌دهد که پاسخ بیکاری به تغییرات رشد تولید بیشتر از اشتغال بوده است.</p>	<p>بررسی و مقایسه آستانه‌های رشد اقتصادی در قانون اوکان و وردورن؛ کاربردی از مدل PSTR برای استان‌های ایران (خانزادی، حیدریان، ۱۳۹۸)</p>
<p>نتایج حاصل از تخمین مدل رگرسیون با پارامتر زمان متغیر و بررسی روند ضرایب متغیرهای توضیحی در طول زمان نشان می‌دهد که این ضرایب در طول دوره زمانی مورد مطالعه ثابت نبوده و در اثر تکانه‌های برون‌زا مانند انقلاب، جنگ، شوک‌های قیمتی نفت، سیاست‌های اقتصادی اعمال شده، تحولات ساختاری، موضع‌گیری‌های سیاسی بین‌المللی و تحریم‌های اقتصادی، در طول زمان تغییر کرده‌اند. با مقایسه روند تغییرات نرخ رشد تولید ناخالص داخلی و نرخ رشد نقدینگی می‌توان گفت که روند تغییرات این دو متغیر با هم متناسب نیست و این نشان می‌دهد که سیاست‌گذاری در بخش پولی کارا نبوده است. بنابراین پیشنهاد می‌شود که بانک مرکزی از استقلال عملیاتی مناسب برخوردار بوده و نرخ رشد نقدینگی، متناسب با نرخ رشد تولید ناخالص داخلی تغییر کند.</p>	<p>اثر حجم نقدینگی بر رشد اقتصادی در ایران با رویکرد مدل پارامتر زمان متغیر (اثنی عشری، ابوالحسنی، شایگانی، ۱۳۹۸)</p>

نتیجه گیری	نام مقاله
<p>وضعیت نامطلوب رشد اقتصادی و بدهی دولت به نظام بانکی دو چالش مهم برای اقتصاد ایران به شمار می‌روند. با توجه به اهمیت این متغیرها در اقتصاد کلان، بررسی نحوه‌ی ارتباط بین آنها با استفاده از روش‌های نوین اقتصادسنجی می‌تواند دلالت‌های مفیدی را برای سیاست‌گذاران فراهم کند. از این‌رو، پژوهش حاضر با به کارگیری رهیافت‌های خودرگرسیون برداری آستانه‌ای و علیت طیفی طی دوره ۱۳۹۵-۱۳۵۳ شواهد جدیدی از ارتباط این دو متغیر را آشکار می‌کند.</p>	<p>۲-۱- تحلیل آستانه‌ای و طیفی رابطه‌ی میان بدهی دولت به سیستم بانکی و رشد اقتصادی در ایران (احسانی، خضری، ۱۳۹۸)</p>
<p>یافته‌های تحقیق نشان داد کاهش سرمایه اجتماعی، با قدرت توضیح‌دهندگی بالا بر عملکرد اقتصادی اثر معنادار داشته و هر شش متغیر اقتصادی، حداقل تحت تأثیر یکی از آسیب‌های فوق کاهش یافته است. دو متغیر بهره‌وری نیروی کار و کارآفرینی که عوامل مهم پایداری رشد اقتصادی هستند بیشترین اثر منفی را متحمل شده‌اند. همچنین یافته‌های تحقیق اثر هم‌افزای کاهش سرمایه اجتماعی بر عملکرد اقتصادی در دوره بعد را نشان داد. بنابراین کاهش سرمایه اجتماعی با اثر بر متغیرهای کلیدی اقتصادی که مهم‌ترین فعالیت‌های کیفی و کمی در اقتصاد هستند، باعث کاهش کارایی اجتماعی در روابط عوامل تولید فراوان اقتصاد ایران و در نتیجه عدم تحقق رشد اقتصادی پایدار در طول زمان شده است.</p>	<p>۳-۱- بررسی عوامل عدم تحقق رشد اقتصادی پایدار از منظر سرمایه اجتماعی در اقتصاد ایران (چراغی، ترابی، محمدی، ۱۳۹۸)</p>
<p>نتایج نشان می‌دهند که حکمرانی خوب (میانگین وزنی شش شاخص) و مخارج دولتی دارای تأثیر مثبت و معنی‌داری بر رشد اقتصادی هستند. تأثیر متغیرهای تولید ناخالص داخلی دوره گذشته و باز بودن تجارت بر رشد اقتصادی مثبت و معنی‌دار است. تأثیر متغیر تورم بر رشد اقتصادی منفی و معنی‌دار و همچنین تأثیر متغیر سرمایه‌گذاری بخش خصوصی بر رشد اقتصادی مثبت و معنی‌دار است. تأثیر متقابل رشد اقتصادی و مخارج دولتی مثبت و معنی‌دار است.</p>	<p>۴-۱- سازوکار اثرگذاری هم‌زمان حکمرانی خوب و مخارج دولتی بر رشد اقتصادی (حسنوند، جعفری، ۱۳۹۸)</p>
<p>نتایج مطالعه بیانگر یک رابطه منفی و معنی‌دار بین آسیب‌پذیری اقتصادی و شاخص توسعه در کشورهای مورد نظر می‌باشد. کشورهایی که در رتبه‌های بدتر قرار داشته‌اند اغلب کشورهایی هستند که یا با بی‌ثباتی سیاسی (جنگ‌های داخلی) مواجه بوده‌اند یا وابستگی شدیدی به درآمدهای نفتی داشته‌اند. بدین ترتیب سیاست‌هایی همچون کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی و توجه به ثبات سیاسی به عنوان ابزارهای مناسبی جهت کنترل و مقابله سازی اقتصاد در مقابل شوک‌های اقتصادی بیرونی معرفی می‌شوند.</p>	<p>۵-۱- بررسی تأثیر آسیب‌پذیری اقتصادی بر توسعه کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا MENA (معلمی، ۱۳۹۷)</p>

جدول ۲. مقالات علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی

تلاش برای کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی و انضباط مالی دولت به طور غیرمستقیم از عوامل مؤثر در تحقق عدالت اقتصادی به شمار می‌رود. همچنین مدل نشان می‌دهد بهبود فضای کسب و کار به واسطه کاهش نرخ بیکاری می‌تواند نقش مهمی در کاهش شکاف طبقاتی و دستیابی به عدالت اقتصادی داشته باشد	ارزیابی راهکارهای دستیابی به عدالت اقتصادی با رویکرد پویایی سیستمی (رضایی، ۱۳۹۸)
در این پژوهش شاخص‌های اقتصاد اسلامی بر متغیر رشد اقتصادی ایران دارای تأثیر مثبت بوده است	بررسی اقتصاد ایران در قالب یک مدل کلان سنجی از منظر اقتصاد اسلامی با تأکید بر رشد اقتصادی (زراءنژاد، خداپناه، کامران پور، ۱۳۹۸)
نتایج حاکی از آن است که دین‌داری اثر معنادار و معکوس بر فقر ذهنی دارد؛ یعنی ارتقای دین‌داری، احساس و ادراک فقر را کاهش می‌دهد.	بررسی اثرات بالقوه دین‌داری بر فقر ذهنی در ایران (سلیمانی، کیانی، عابدی، ۱۳۹۸)
بانکداری بدون ربا در ایران به دلیل عدم توجه سیاست‌گذار و مقام ناظر به بخش تولید در اعطای تسهیلات بانکی، نتوانسته به مزیت اصلی خود یعنی ایجاد رابطه تنگاتنگ با بخش حقیقی اقتصاد نائل شود.	تحلیل تاب‌آوری اقتصادی بانکداری ایران در چهارچوب سیاست‌های اقتصاد مقاومتی (صادقی شریف، طالبی، کاتوزیان، ۱۳۹۸)
مجوزهای آلایندگی حقوق مالی قابل اسقاط و قابل انتقالی است که از باب قاعده لاضرر و دفع افسد به فاسد توسط دولت اسلامی برای کاهش آلایندگی معتبر شناخته می‌شود.	بررسی فقهی معاملات اوراق اعتبار آلایندگی (اعتصامی، میرزا خانی، ۱۳۹۷)
نتایج نشان می‌دهد که صکوک تأثیر مثبت و معنادار بر رشد اقتصادی بازارکسب و کار در کشورهای مورد مطالعه دارد.	تأثیر تأمین مالی اسلامی بر بازار کشورهای منتخب خاورمیانه (فاضلی، نجف پور، ۱۳۹۷)
باشد که با تلاش و بازنگری متون آموزش رسمی اقتصاد، بتوان اقداماتی هر چند آغازین در پالایش پارادیم فرمالیسم موجود به عمل آورد که ضرورتی اجتناب ناپذیر است.	ارتباط عمومی اقتصاد با فلسفه (دادگر، ۱۳۸۵)

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری:

مقاله حاضر کوششی است ناچیز در جهت هدفمند کردن و بالندگی اندیشه اقتصادی در ایران. در این نوشته مختصر نشان دادیم با معیارهای تجربه‌گرایی، ابطال‌پذیری پوپر و انقلاب علمی کوهن اقتصاد اسلامی، علم نیست. به عقیده نگارنده مباحث اقتصاد اسلامی باید در قلمرو اقتصاد ارشادی مورد توجه قرار گیرد لذا به جای واژه اقتصاد اسلامی پیشنهاد می‌شود از واژه فلسفه اقتصاد اسلامی استفاده شود. حرف اصلی ما اینست که علم اقتصاد متعارف که از قرن هجده با آدام اسمیت شروع شد، در قرن نوزده و بیستم تکامل یافت و حدود هشتاد سال قبل وارد کشور ما شد، دارای یک پیشینه علمی و فلسفی نیرومند و حداقل پانصد ساله است. بسیاری از دانشمندان مانند دکارت و نیوتن علاوه بر تبحر در علم، فیلسوف هم بودند. پیشرفت در عرصه علم در نتیجه اندیشه ورزی دانشمندان و فلاسفه بوده است. همچنین اکثر اقتصاددانان مهم مثل اسمیت، کینز،

مارکس و جان استوارت میل یا خود فیلسوف بوده اند یا تحت تاثیر فیلسوفانی از قبیل هگل، دیوید هیوم و جرمی بنتام بوده اند. بنابراین اصول اولیه اقتصاد کلاسیک بر پایه اکتشافات این اندیشمندان استوار است. اما در کشور ما علم اقتصاد بصورت ترجمه و تقلید از درسنامه های غربی وارد شده است. اگرچه تلاشهای مختصری در قلمرو روش شناسی و فلسفه اقتصاد اسلامی توسط محققان انجام شده (یوسفی، ۱۳۸۵، دادگر، ۱۳۹۶، سبحانی، ۱۳۹۷، کرمی، ۱۳۸۴)، ولی نسبت به حجم انبوه تولید علوم اقتصادی در جهان غرب بسیار ناچیز و مختصر است.

پیشنهاد مشخص این مقاله اینست که علاوه بر میراث گرانبهای اقتصاد متعارف که در کشورهای توسعه یافته استفاده و امتحان شده است و به عنوان علم در اختیار همگان وجود دارد، وظیفه کارورزان اقتصادی است تا با تفکیک مسائل اقتصادی به امور واقع (تحقیقات تجربی) و مسائل مفهومی، تلاش خود را در ابتدا به تعریف دقیق مفاهیم مختلف و خواص آنها متوجه کنند و پس از روشن شدن و باز اندیشی مسائل پایه‌ای، مسائل مختلف را از هم تفکیک نمایند و در مرحله سوم مسائل مربوط به امور ارزشی و ارتباط آنها با اقتصاد را تبیین و روش شناسی دقیقی برای تحقیق مسائل اقتصاد ایران ارائه نمایند. لذا وظیفه دانش پژوهان کشور است تا مرتب این اندیشه‌ها و پیش فرضهای اقتصاد متعارف را مورد نقد قرار دهند و مفاهیم و تعاریف کلیدی را بر اساس فرهنگ ایرانی - اسلامی روزآمد کنند. این امر باید بصورت پیوسته و مداوم انجام و حاصل بحثها در اختیار عموم مردم و دولتمردان قرار گیرد تا تمام افراد جامعه و سیاستسازان همه با اهداف مشخص و همسو به سمت بالندگی اقتصاد ایران گام بردارند.

منابع و مأخذ:

- قرآن مجید
- اثنی عشری، ابوالحسنی، شایگانی، اثر حجم نقدینگی بر رشد اقتصادی در ایران با رویکرد مدل پارامتر زمان متغیر، پژوهش های رشد و توسعه اقتصادی، دوره ۹، شماره ۳۵، تابستان ۱۳۹۸، صفحه ۳۴-۱۵.
- احسانی، خضری، تحلیل آستانه‌های و طیفی رابطه‌ی میان بدهی دولت به سیستم بانکی و رشد اقتصادی در ایران، پژوهش های رشد و توسعه اقتصادی، دوره ۹، شماره ۳۵، تابستان ۱۳۹۸، صفحه ۵۲-۳۵.
- اعتصامی، میرزا خانی، بررسی فقهی معاملات اوراق اعتبار آلاینده‌ی، فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، دوره ۱۸، شماره ۷۱، پاییز ۱۳۹۷، صفحه ۲۵۹-۲۲۷.
- ترکمانی، فطرس، سیاست افزایش سرمایه گذاری عمومی و تأثیر آن بر اقتصاد ایران با رهیافت تعادل عمومی- پویای تصادفی دوره زمانی ۱۳۵۷-۱۳۹۴، پژوهش های رشد و توسعه اقتصادی، دوره ۹، شماره ۳۶، پاییز ۱۳۹۸، صفحه ۷۶-۵۷.
- چراغی، ترابی، محمدی، بررسی عوامل عدم تحقق رشد اقتصادی پایدار از منظر سرمایه اجتماعی در اقتصاد ایران، پژوهش های رشد و توسعه اقتصادی، دوره ۹، شماره ۳۵، تابستان ۱۳۹۸، صفحه ۹۸-۷۷.
- چهارقانی، زراء نژاد، بررسی تأثیر مالیات بر ارزش افزوده بر رشد اقتصادی ایران با استفاده از الگوی تعادل عمومی قابل محاسبه CGE، پژوهش های رشد و توسعه اقتصادی، دوره ۹، شماره ۳۶، پاییز ۱۳۹۸، صفحه ۱۲۸-۱۰۹.
- حسنوند، جعفری، سازوکار اثرگذاری هم‌زمان حکمرانی خوب و مخارج دولتی بر رشد اقتصادی، پژوهش های رشد و توسعه اقتصادی، دوره ۹، شماره ۳۵، تابستان ۱۳۹۸، صفحه ۱۱۴-۹۹.
- خانزادی، حیدریان، بررسی و مقایسه آستانه‌های رشد اقتصادی در قانون اوکان و وردورن؛ کاربردی از مدل PSTR برای استان‌های ایران، پژوهش های رشد و توسعه اقتصادی، دوره ۹، شماره ۳۵، تابستان ۱۳۹۸، صفحه ۱۲۰-۱۰۳.
- دادگر، یدالله، درآمدی بر فلسفه اقتصاد، سمت، ۱۳۹۶
- رضایی، حسین. ارزیابی راهکارهای دستیابی به عدالت اقتصادی با رویکرد پویایی سیستمی (۱۳۹۸)، دو فصلنامه اقتصاد اسلامی، سال دوازدهم، شماره اول بهار و تابستان ۱۳۹۸، صفحه ۸۸-۶۹.
- رفاعی، سامتی، شبیه سازی تأثیر عوامل مؤثر بر رکود اقتصادی در ایران: مقایسه دو رهیافت زنجیره مارکوف مونت کارلو و بیزین، پژوهش های رشد و توسعه اقتصادی، دوره ۹، شماره ۳۶، پاییز ۱۳۹۸، صفحه ۱۰۸-۹۵.
- زراء نژاد، منصور، خداپناه، مسعود، کامران پور، سعیده، بررسی اقتصاد ایران در قالب یک مدل کلان سنجی از منظر اقتصاد اسلامی با تأکید بر رشد اقتصادی، فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، دوره ۱۹، شماره ۷۳، بهار ۱۳۹۸، صفحه ۳۰-۵.
- سبحانی، حسن، بشارتی، بشری، تاملی در چیستی اقتصاد اسلامی، فصلنامه بانکداری اسلامی، شماره ۲۲، پاییز ۲۰۰۸، ۱۳۹۷-۱۸۱.
- سلیمانی، محمد، کیانی، مهدی، عابدی، ایمان، بررسی اثرات بالقوه دین‌داری بر فقر ذهنی در ایران، فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، دوره ۱۹، شماره ۷۳، بهار ۱۳۹۸، صفحه ۱۸۰-۱۵۶.

- شیخ رضایی، حسین، درسگفتارهای فلسفه علم ۱۳۹۷
- صادقی شریف، طالبی، عالم تبریز، کاتوزیان، تحلیل تاب‌آوری اقتصادی بانکداری ایران در چهارچوب سیاست‌های اقتصاد مقاومتی، فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، دوره ۱۹، شماره ۷۳، بهار ۱۳۹۸، صفحه ۲۱۴-۱۸۳.
- عیوضلو، حسین، مقدمه‌ای در تبیین روش و فرآیند توسعه نظریه پردازی اقتصاد اسلامی، دو فصلنامه علمی مطالعات اقتصاد اسلامی، مقاله پژوهشی، سال دوازدهم، (شماره اول) پیاپی ۳۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۸، ۸۲-۳۱.
- فاضلی، نجف پور، تأثیر تأمین مالی اسلامی بر بازار کشورهای منتخب خاورمیانه، فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی دوره ۱۸، شماره ۷۰، تابستان ۱۳۹۷، صفحه ۱۸۳.
- فراهتی، محبوبه، تغییرات درآمد-خنثی در ساختار مالیاتی و رشد اقتصادی در ایران، پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، دوره ۹، شماره ۳۵، تابستان ۱۳۹۸، صفحه ۱۳۶-۱۲۱.
- قائد، دهقانی، بررسی تأثیر انواع انرژی‌های تجدیدپذیر بر رشد اقتصادی ایران، پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، دوره ۹، شماره ۳۵، تابستان ۱۳۹۸، صفحه ۱۴۸-۱۳۷.
- کرمی، هادیان، رستم زاده، بررسی اثرات عوامل قیمتی و غیرقیمتی بر صادرات غیرنفتی ایران: رویکرد متغیرهای نهان، پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، دوره ۹، شماره ۳۶، پاییز ۱۳۹۸، صفحه ۵۶-۳۶.
- کشاورز، دانش، سامانی، اثر قواعد مالی ضدادواری بر اقتصاد ایران با تأکید بر بخش نفت با وجود صندوق توسعه ملی، پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، دوره ۹، شماره ۳۶، پاییز ۱۳۹۸، صفحه ۹۴-۷۷.
- کوهن، توماس، ساختار انقلاب‌های علمی، سعید زیباکلام (مترجم)، ۱۳۹۴.
- معلمی، بررسی تأثیر آسیب‌پذیری اقتصادی بر توسعه کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا MENA، پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، دوره ۹، شماره ۳۳، زمستان ۱۳۹۷، صفحه ۱۵۶-۱۴۱.
- منتظری، جلال، آزمون وجود منحنی لافر بدهی در اقتصاد ایران: شواهدی از الگوی رگرسیون انتقال ملایم STR، پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، دوره ۹، شماره ۳۶، پاییز ۱۳۹۸، صفحه ۱۴۳-۱۲۹.
- منصف، معلمی، بیابانی، بررسی عوامل اقتصادی مؤثر بر شادی در کشورهای منتخب: رهیافت رگرسیون آستانه‌ای پانل، پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، دوره ۹، شماره ۳۶، پاییز ۱۳۹۸، صفحه ۲۴-۱۶.
- همان، ارتباط عمومی اقتصاد با فلسفه، ماهنامه فرهنگ، شماره ۵۹ پاییز ۱۳۸۵.
- کرمی، محمدحسین، مباحثی در فلسفه اقتصاد، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۴.
- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ۱۳۸۴، ج ۲۲، ص ۲۱۰.
- یوسفی، احمد علی، آموزه‌های اقتصاد اسلامی و روشهای کشف آنها، فصلنامه اقتصاد اسلامی، تابستان ۱۳۸۵، ۱۷۶-۱۴۷.

سیاست‌های پولی دولت اسلامی با توجه به کارایی اقتصادی و عدالت اجتماعی

فتح الله تازی^۱

حمید غضنفرزاده کپته^۲

چکیده

هدف از نگارش مقاله دستیابی به سیاست‌های پولی می‌باشد که دولت اسلامی از طریق آن بتواند هم کارایی بازار را حفظ کند و برابری در فرصت‌ها را در اختیار همگان قرار دهد تا منفعت کسب کنند و همچنین عدالت اجتماعی مد نظر اسلام را بتواند پیاده کند.

در این مسیر دولت اسلامی با مشکلاتی برای تامین مالی سیاست‌های خود روبرو خواهد شد که برای آن نیز با توجه به دستورات اسلام راهکارهایی را بیان کرده‌ایم تا بتواند به بهترین نحو اعمال خود را به جای آورد. برای بحث کارایی مطالعاتی انجام شده و از دیدگاه‌های مختلف مورد ارزیابی قرار گرفته است. معیار کارایی در اسلام نیز با توجه به شواهد تاریخی و آیات و روایاتی که در این زمینه وجود داشته نیز مطرح شده است که طریقه نگاه به این امر و تفاوت‌های احتمالی آن با تعاریفی که وجود داشته و قرابت آن با بحث کارایی در بازار نیز مورد ارزیابی قرار گرفته است.

هنجارهای اخلاقی در بازار اسلامی نیز مطرح شده و اینکه چگونه محققان و اندیشه‌وران اسلامی، به اصول برگرفته از قرآن و سنت تعهد کامل دارند و براساس آن، حقوق و تعهدات هر یک از شرکت کنندگان در بازار را تعیین می‌کنند نیز پرداخته شده است.

در مورد چگونگی اجرای سیاست‌ها در نظام اقتصادی اسلام نیز باید بدانیم که ترسیم و اجرای سیاست‌های پولی برای رسیدن به عدالت و کارایی به هر طریق امکان پذیر نیست بلکه محدود به اصولی است که شرع مقدس آنها را تعیین کرده است و می‌بایست به راه‌کارهایی پرداخته شود که از منظر اسلام بهینه باشد. در این مقاله، به مقایسه سیاست‌های پولی سال‌های اخیر ایران با دستورات اسلامی نیز پرداخته می‌شود.

واژگان کلیدی: اقتصاد اسلامی، سیاست‌های پولی، عدالت اقتصادی، معیارهای رفاه، کارایی اقتصادی

tarifath@gmail.com

Hamid.ghazanfarzadeh7@gmail.com

۱. نویسنده مسئول، هیئت علمی گروه اقتصاد بازرگانی/ دانشگاه علامه طباطبائی(ره)، تهران

۲. کارشناسی ارشد توسعه اقتصادی و برنامه ریزی/ دانشگاه علامه طباطبائی(ره)، تهران

۱- مقدمه

عدالت از مفاهیم بنیادینی بوده که همه ادیان الهی با هدف تحقق این اصل از سوی خدای متعال به واسطه انبیاء نازل گشته اند. مهم ترین دغدغه پیام آوران الهی بعد از شناخت خدا و نزدیک کردن انسان به او، ایجاد و برقراری عدالت بوده است. دین اسلام نیز به عنوان خاتم ادیان تحقق عدالت را سرلوحه اهداف خود قرار داده است. وجود ۲۹ آیه در قرآن در باب عدالت شاهی بر اهتمام اسلام بر این اصل می باشد.

مفهوم عدالت در اسلام آن قدر اهمیت دارد که برخی معتقدند اصل عدالت را می توان به عنوان معیاری برای فقهت و استنباط های فقهی مطرح نمود. شهید مطهری نیز عدالت را از جمله مقیاس های اسلام شمرده و انکار آن را موجب عدم رشد فلسفه اجتماعی و فقه متناسب با این اصول می داند و از همین جا می گوید اگر در دوران اولیه اسلام حریت و آزادی فکر وجود داشت و موضوع برتری اصحاب سنت بر اصل عدل پیش نمی آمد و بر شیعه مصیبت اخباری گری نرسیده بود و فقه ما نیز بر مبنای اصل عدالت بنا شده بود، دیگر دچار تضادها و بن بست های کنونی نمی شدیم. ایشان بیان می کند که اصل مهم عدالت مورد غفلت واقع شده و با این حال هنوز یک قاعده و اصل عام از آن استنباط نشده است که این مطالب موجب رکود تفکر اجتماعی ما شده است.

در دیدگاه شهید مطهری مبحث عدالت چیزی نیست که به سبب وضع قانون به وسیله قانون گذار یا رواج آن در عرف جاری جامعه اعتبار و ارزش پیدا کرده باشد، بلکه اعتبار و مشروعیت همه آنها از عدالت است. عدالت تابع خواست و اراده قانون گذار و سلیقه فردی یا جمعی افراد نیست بلکه حقیقتی است که ارزش ذاتی و اعتبار نفسانی دارد. یعنی عدالت حقیقتی فراتر از عرف و قرارداد است و اگر اینها با عدالت مطابق نبودند از مشروعیت ساقط می شوند. در اسلام مردم قطع نظر از دستور شارع، دارای یک رشته حقوق واقعی هستند و عدالت عبارت است از، رعایت و حفظ این حقوق واقعی. اسلام بیان کننده این حقوق و اجراء کننده اصل عدالت در راستای رسیدن به این حقوق است (مطهری، مرتضی ۱۳۷۳).

۱-۱- مسأله عدالت اجتماعی

ویژگی اصلی عدالت اجتماعی آن است که تحقق آن در جامعه انسانی و شهر زمینی عملی است. عدالت ایده آلی نیست که فقط در شهر خدا جامعه عمل بپوشد، به همین جهت بعد از تحولات فکری مهمی که در دوران رنسانس در غرب شکل گرفت مفهوم عدالت به شاخص های عینی تحول یافت که در هر جامعه حتی جوامع غیر مذهبی قابل پی گیری شده و تفسیرهای عدالت به تفسیرهای مکانیکی و فیزیکی تغییر ماهیت داده است. نظریه های مدرن عدالت بیش از همه اقتصادی هستند تا فلسفی و لذا منطقی می توانند قسمت اعظم بخش هنجاری علم اقتصاد را تشکیل دهند. امروزه پایه ای ترین و بحث انگیزترین موضوع اقتصاد هنجاری موضوع عدالت اقتصادی است.^۱ یکی از واقعیتها و امور بدیهی مطالعات اقتصادی این است که خواسته های افراد مختلف بوده و منافع آن با هم مغایر است و لذا نمی توان همه را راضی کرد. حال سؤال این است

۱. نظریه ای در تبیین مبانی نظری توزیع ثروت و درآمد در نظام اقتصادی اسلامی، حسین عیوضلو، دانشگاه شهید بهشتی

که چه باید کرد تا بتوان رضایت را بین همه افراد توزیع کرد به نحوی که همه افراد به نحوی راضی باشند؟

رضایت همه مردم و یا اکثر مردم شرط عدالت نیست بلکه اطاعت از دستورات الهی می تواند شرط عدالت باشد گاهی اکثر مردم ممکن است ناراضی باشند خداوند در قران می فرماید: «اکثرهم لا یعقلون» گاهی انسانها صلاح خود را در استفاده از لذایذ می بینند که سرانجام خوبی ندارد، خداوند می فرماید: «عسی ان تکره شیء و هو شر لکم و عسی ان تحب شیء و هو شر لکم» یا در اقتصاد امروز ممکن است مردم فروش نفت و توزیع درآمد حاصل بین افراد جامعه را عدالت بدانند ولی اگر توزیع بین نسلی را در نظر بگیریم ممکن است نا عادلانه باشد. باید ببینیم شارع چه شرایطی را تعیین کرده است و چه دستوراتی داده است. انسان مسلمان معتقد است که خداوند عادل است و همه دستورات او بر این مبنا شکل گرفته است.

موضوع عدالت اغلب و به درستی قسمت اعظم اخلاق اجتماعی را تشکیل می دهد و (علم اجتماعی) مربوط به جواب های نهایی به این سؤال که چه باید در جامعه انجام شود و تعریف بهینه اجتماعی و جواب به این سؤال که چه چیز در جامعه درست و خوب است را در بر می گیرد. عدالت به شرایط و موقعیت انسان ها و وضعیت آنان به صورت فردی و گروهی توجه دارد. از همه مهمتر، عدالت سؤال اساسی برای زندگی در جامعه است. توجه داشته باشیم که عدالت طبیعتاً توزیعی و اجتماعی است. روبرو شدن با عدالت علت وجودی جامعه است. جامعه (مترقی) نمی تواند به طور کامل مسأله عدالت را به مسأله منفعت شخصی یا خواسته یک فرد تغییر دهد، بلکه ملزم به پیدا کردن راه حل و توجیه منطقی برای آن است. این الزام از این جهت است که عدالت بایستی به واسطه دلایل معتبر و موجه توجیه منطقی یابد.

یکی از ویژگی های بارز انسان ها حس عدالت خواهی و عدالت طلبی آنها می باشد. به طوری که اگر تاریخ را مورد بررسی قرار دهید خواهید یافت که اغلب انقلاب ها و تحولات تاریخی با انگیزه ایجاد عدالت شکل گرفتند. عدالت همواره در همه جوامع دارای تقدس بوده و آرمانی است که همه جوامع در جهت تحقق آن به تکاپو مشغولند.

یکی از مجراهای تحقق عدالت اجتماعی از طریق مسائل اقتصادی است و این که این دو مسئله هم راستا و مکمل یکدیگر می باشند. امام محمد باقر (ع) می فرماید: «سه چیز است که تمام مردم به آن نیازمندند: ۱. امنیت و آرامش ۲. عدالت و دادگستری ۳. فراوانی نعمت و ارزاق عمومی» از امام صادق (ع) نیز نقل شده است که انسان ها به رفاه و غنا می رسند آنگاه که میان آنان عدالت تحقق یابد. پر واضح است که با توجه به مطالب ذکر شده می توان دریافت که رابطه تنگاتنگی میان برقراری عدالت و درآمدها وجود دارد همان گونه که در کلام امام صادق (ع) تحقق عدالت منوط به دست یابی تمام افراد جامعه به سطحی از رفاه و غنا شده است (سجادی، ۱۳۶۲).

۲- روش شناسی

در این مقاله به مبحث عدالت و کارایی پرداخته شده تا بتوان ابعاد موضوع را شناسایی کرد و راهکار مناسبی برای دست یابی دولت اسلامی به آن طرح ریزی نمود. به دلیل اینکه یکی از موانع عمده برای تعریف عدالت

تعدد تفاسیر در خصوص معانی و مصادیق عدالت است این معضل در تاریخ تفکر اسلامی نمود بیشتری دارد. عده ای به مباحث فلسفی قابل بحث در هر یک از معانی و تعاریف عدالت پرداخته‌اند بدون اینکه به اثربخشی این تعاریف و تحلیل‌ها در عمل بپردازند. عده زیادی نمودهایی از عدالت را در ساز و کارهای اقتصاد آزاد مشاهده کرده و بر این مبنا ایجاد امنیت، رقابت و خصوصی‌سازی را مهمترین زمینه‌های لازم برای استقرار عدالت در جامعه برشمرده‌اند، اما این نظرات از آنجا که با مبانی و چارچوب شریعت اسلام تطبیق داده نشده بیش از همه بیانگر دوگانگی است تا قواعد و زمینه‌های لازم به تأکید. با توجه به چالش مذکور، در این مقاله - با توجه به ویژگی‌های عمومی عدالت و کارایی اقتصادی که بیان خواهد شد - سیاست‌های دولت اسلامی را بررسی خواهیم کرد، که چگونه می‌بایستی باشد تا بتواند هم اقتصاد کارا باشد و هم عدالت اجتماعی مورد تایید اسلام رعایت شود. طبق موضوع مطرح شده، تعاریف، قواعد و معیارهای عدالت اجتماعی و اقتصادی از فروض بنیادین زیر تبعیت می‌کند:

- قواعد و معیارهای عدالت اجتماعی در چهارچوب قرارداد اجتماعی تعیین می‌شوند و به عنوان شئون لازم الرعایه مورد توافق واقع می‌شوند. در یک کشور اسلامی نیز مسلمانان می‌توانند شریعت اسلام را مبنای قرارداد اجتماعی در آن کشور قرار دهند و براین اساس روابط اجتماعی خویش را تنظیم نمایند.

- یکی از مهم‌ترین منابع معرفت، عقل است و میتوان برای شناسایی تعاریف و مصادیق عدالت از آن بهره برد، با مطالعه و بررسی نظرات متفکران و اهل نظر در این حوزه می‌توان علیرغم تنوع و تعدد تعاریف و مکاتب مبانی ثابتی را از این نظرات استخراج نمود. بنابراین قبل از استخراج قواعد عدالت براساس شریعت اسلام شناسایی عناصر ثابت در این نظرات و استقصای آن ضروری می‌نماید تا با گستره مفهومی عمیق‌تری آیات و روایات و مستندات شرعی را خواننده و درک کنیم و گرنه همانطوری که در اغلب نوشته‌های صاحب‌نظران اسلامی مشاهده می‌شود فقط به برخی از جلوه‌های عدالت توجه خواهد شد، بدون اینکه بتوان به معیارهای عملی و کاربردی دست یافت.

۲-۱- معنا و مفهوم عدالت

عدالت در لغت به معنای داد کردن، دادگر بودن، انصاف داشتن، دادگری و عدالت اجتماعی عدالتی است که همه افراد جامعه از آن برخوردار باشند (معین، محمد ۱۳۶۲). درباره مفهوم عدالت دیدگاه‌ها مختلف بوده و نظریات متفاوتی مطرح می‌گردد:^۱

الف. عدالت همانند سایر مفاهیم اخلاقی و متافیزیکی فاقد معنا بوده و مهمل می‌باشد و تنها بیان گر احساسات انسانی است و گاهی نیز برای برانگیختن احساسات استعمال می‌شود مانند ناله و فغان انسان مصیبت دیده که فاقد معنا بوده و احساسات انسانی را نمایش می‌دهد همان طور که زرد شدن چهره انسان ترس او را بیان می‌کند، با این تفاوت که در مفاهیم اخلاقی، قالب عرضه احساسات را خود انسان تعیین می‌کند و گاهی اوقات هم برای تحریک دیگران و برانگیختن آنها دست به چنین کاری می‌زند.

۱. معین، محمد، فرهنگ فارسی معین، (تهران، مؤسسه امیرکبیر)، ۱۳۶۲ هـ.ش، ج ۲، ص ۲۲۷۹.

ب. عدالت لفظی است دارای معنا و مفهوم که حکایت از تمایلات و عواطف خاص می کند یعنی تناسبی در بین دسته ای از افعال با خواسته های انسان وجود دارد که موجب می شود آن افعال را عادلانه بنامیم. بر طبق این دیدگاه موضوع عدالت فعل یا اشیاء خارجی نخواهد بود بلکه موضوع آن نفس حالات و کیفیات نفسانی متکلم می باشد.

ج. عدالت یک صفت عینی خارجی است و دارای ما بازای خارجی می باشد، درحالی که ما به ازای عدالت دیدنی و شنیدنی نیست بلکه تعقل کردنی است و بواسطه عقل می توان آن را درک نمود. پس عدالت خصوصیتی را به اشیاء یا افعال نسبت می دهد که هیچ صفت دیگری نمی تواند جانشین آن شود.

د. مفهوم عدالت دارای مصداق خارجی نیست و فقط موصوف خارجی دارد؛ یعنی عقل صرف نظر از رابطه ای که اشیاء یا شخص مدرک و تمایلات او دارد به کندوکاو و مقایسه اشیاء با یکدیگر می پردازد و با توجه به این مقایسه و ارتباطی که آنها با یکدیگر دارند مفهوم عدل را بدست می آورد.

ه. عدالت یک امر قراردادی محض است که نه مصداق عینی دارد و نه تمایل تکوینی انسان به آن تعلق می گیرد، مثل مالکیت بلکه امری است قراردادی؛ بر طبق این دیدگاه مفهوم عدالت مبتنی بر آراء عقلاء می باشد. ژان ژاک روسو، هیوم و کانت عدالت را در چهارچوب «قرارداد اجتماعی» تعریف کرده اند (Gurvitch، ۱۹۷۲ ص ۵۱۰)، هابز و لاک عمل به قوانین طبیعی را عدالت دانسته اند (علم ۱۳۷۶، صص ۴۸-۴۹)، رالز، تعیین قواعد عدالت را منوط به شناخت وضعیتی خیالی به نام «موقعیت اولیه» تعریف کرده که افراد تصمیم گیر در آن شرایط و در پشت پرده جهل و غفلت از وضع واقعی خود به تعیین اصول آن می پردازند (Rawls، ۱۹۸۶: ص ۲۵۰).

۲-۱-۱- نظریات عدالت

برخی عدالت را به دو قسم صوری و ماهوی تقسیم بندی می کنند؛ عدالت صوری عبارتست از قاعده ای که به همه موقعیت ها و اشخاصی که موضوع آن قرار می گیرند یکسان حکومت کرده و تبعیض روا ندارد، عادلانه است؛ اما عدالت ماهوی عبارتست از این که به مضمون و محتوای قاعده نیز توجه شود.

برتراند راسل، در تعریف عدالت این گونه می گوید: «عدالت عبارت از هر چیزی است که اکثریت مردم آن را عادلانه بدانند. یا عبارت از نظامی است که آن چه را که به تصدیق عموم، زمینه هایی برای نارضایتی مردم فراهم می کند به حداقل برساند» ارسطو معتقد است: «عدالت امری است که انسان عادل فکر می کند» (بختیاری، صادق ۱۳۸۲).

به نظر هایدک هم در رفتارها و هم در ذهن انسان سلسله مراتبی از قواعد حاکم است که اساسی ترین آنها در حوزه فرآگاهی؛ یعنی در ورای توانایی ادراک ها قرار دارند. «رشد عقل انسانی جزئی از رشد تمدن است... ذهن هیچ گاه نمی تواند پیشرفت آینده خود را پیش بینی کند».

۲-۱-۲- عدالت در فرهنگ اسلامی

از نظر لغوی عدل در مقابل ظلم و به معنای احقاق حق و اخراج حق از باطل است و امر متوسط میان افراط و تفریط را نیز عدل گویند. در تفسیر نمونه ذیل آیه ۹۰ نحل آمده عدل به معنای واقعی کلمه آن است که هر چیزی در جای خود باشد؛ یعنی دادن حق هر صاحب حق (سجادی، سیدجعفر ۱۳۶۱ ق).

شهید مطهری چهار برداشت از عدل را بیان می کند :

۱. موزون بودن: یعنی رعایت تناسب یا توازن میان اجزای یک مجموعه؛ واژه اقتصاد نیز در فرهنگ اسلامی به معنای رعایت حد وسط و اعتدال ذکر شده است و اساس اقتصاد اسلامی بر مبنای رعایت اعتدال است.

۲. تساوی و رفع تبعیض: یعنی رعایت مساوات بین افراد هنگامی که استعدادها و استحقاق های مساوی دارند، مانند: عدل قاضی.

۳. رعایت حقوق افراد و دادن پاداش و امتیاز بر اساس میزان مشارکت آنها مانند: عدالت اجتماعی.

۴. رعایت استحقاق ها: این معنی از عدل عمدتاً مربوط به عدالت تکوینی و از خصوصیات باری تعالی است. از دیدگاه قرآن کریم عدل در سراسر نظام آفرینش جاری است و نسبت به همه موجودات و همه هستی از آن جهت که فعل خداوند متعال هستند جریان دارد. به تعبیر قرآن کریم هم نظام طبیعت و هم نظام ملکوت، عادلانه می باشد. «لقد ارسلنا رسلنا بالبینات انزلنا معهم الكتاب و المیزان ليقوم الناس بالقسط» بنابراین سبب پویایی عدل در سراسر هستی چه در نظام تکوینی و چه در نظام تشریح، خداوند متعال خواهد بود.

بنابراین عدالت وصفی است برای توزیع مواهب و بدلیل آن که رحمت و علم الهی بی نهایت است عدالت به معنای تام و کامل آن محقق می شود.

آن چه ویژگی منحصر به فرد دیدگاه برگرفته از وحی می باشد آن است که عدالت در میان انسان ها هماهنگ با واقعیت های آفرینش بوده و آفرینش نیز دارای یک نظام هدف مند است لذا چنان چه قدرت علمی انسان نتواند برخی از اهداف حیات بشری را کشف نماید و در عین حال علم به آنها و عمل بدان اصول در رسیدن انسان به زندگی عادلانه و سعادت مند موثر باشد بی گمان خداوند متعال از طریق وحی، انسان ها را هدایت خواهد کرد در حالی که در دیدگاه های غیر دینی این مشکلات پیچیدگی های غیرقابل حلی پیدا می کند. علاوه بر این روایات بسیاری درباره عدالت و تبعات آن در کتب شیعی ذکر شده که به چند روایت اشاره می کنیم:

«العدل حیات الاحکام» امام علی (ع) «لو عدل فی الناس لا استعنوا» امام موسی کاظم (ع)

«ما عمرت البلدان به مثل العدل» امام علی (ع) «ان الناس یستعنون اذا عدل بینهم» امام صادق (ع)

عدالت بنابر سخن مفسرین قرآن بطوری که در احادیث یاد شده ملاحظه شود آن است که فقر نباشد و مردم در معیشت و زندگی به استغنا و بی نیازی دست یابند. به نظر می رسد که اجرای عدالت و تحقق تقوا نوید دهنده یک جامعه رفاه اسلامی خواهد بود (مطهری، مرتضی، عدل الهی صص ۶۴:۴۵). ننده انسان نیست و به همین دلیل برنامه ریزی اجتماعی ممکن نخواهد بود (حکیمی، محمدرضا ۱۳۷۶).

۳- کارایی:

۳-۱- تعریف کارایی

کارایی اقتصادی به معنی تغییر منابع تولیدی یا کالاها به نحوی است که بیشترین سطح تولید یا سطح رضایتمندی (مطلوبیت) را نتیجه دهد. کارایی، مهمترین عامل حیات و دوام همه واحدها در بخش های مهم اقتصادی در جوامع مختلف است. موضوع کارایی، ریشه ای عمیق در پژوهش های اقتصادی دارد. این مفهوم در جنبه های مختلف اقتصادی میتواند به کار گرفته شود.^۱ برخی از این موارد را بصورت زیر می توان بیان کرد:

۳-۲- ویژگی بازار های کارا

به طور کلی بازار های کارا را می توان در موارد ذیل خلاصه کرد:

- ۱- تعداد فراوان عرضه کننده و تقاضاکننده در بازار و آزادبودن ورود و خروج به بازار برای همه از شرایط مهم کارابودن بازار است؛ یعنی بازار هنگامی کارا می شود که بازار رقابتی باشد نه انحصاری.
- ۲- اطلاعات باید با سرعت و فوریت و با حداقل هزینه به اطلاع دست اندرکاران بازار برسد.
- ۳- کسی که در این بازار خرید و فروش می کند، باید احساس امنیت کند و اطمینان یابد که آنچه بابت معامله اوراق بهادار دریافت یا پرداخت می کند، به ارزش ذاتی آن نزدیک است؛ یعنی قیمت عادلانه برای کالای خود دریافت یا پرداخت کند.
- ۴- معامله در بازار کارا نباید پر هزینه باشد. مخارج معامله باید بسیار پایین، و کم و بیش نزدیک صفر باشد. قیمت هزینه بالای معاملات مانع از تعدیل سریع و دقیق آنها می شود.
- ۵- هیچ معامله کننده ای نباید چنان قدرت داشته باشد که بازار را زیر نفوذ خود بگیرد و تأثیر مهمی بر آن بگذارد.
- ۶- افراد مطلع در بازار وجود دارند، و این افراد با اطلاعاتی که دارند بازار را به کارایی می رسانند، اما نمی توانند از اطلاعات و دانش افزون تر خود نتایج بهتر و سود بیشتری به دست آورند. در این محیط، فردی که تخصص بیشتر دارد، بیشتر از فرد عامی سود نمی برد و افراد ناوارد در بازار کارا مغبون نمی شوند. قیمت بازار طوری تعیین می شود که منعکس کننده تمام اطلاعات خوب و بد است.
- ۷- در بازار کارا، تعدیل قیمت ها به سرعت انجام می شود. در این بازار افراد بسیاری حضور دارند که اطلاعات را دریافت و آن را ارزیابی و بی درنگ به خرید و فروش اقدام می کنند. اقدام فوری آنان باعث می شود که اطلاعات موجود دقیقاً و به سرعت در قیمت ها انعکاس یابد. چون ورود اطلاعات به بازار و تأثیر آن بر قیمت ها تصادفی است و وابستگی و تمایل خاصی ندارد، تغییرات قیمت در این بازار تابع روند خاصی نیست و روند تغییر قیمت و الگوی رفتاری آن تصادفی و غیرمنظم است. به اصطلاح قیمت، تابع گردش تصادفی است. بازار حافظه ندارد، و از قیمت های دیروز نمی توان برای فردا نتیجه گرفت. به عبارت دیگر، از بررسی مسیر پیشین نمی توان مسیر بعد را پیش بینی کرد.

۸- وجود رقابت شرط لازم برای کارایی است. در بسیاری از بازارهای عمده مالی جهان، افزون بر تعداد فراوان معامله کننده، بسیاری هم دلال و کارگزار و واسطه متخصص خرید و فروش کالا وجود دارد برای دریافت نقش این عده در کارایی آنان متخصص خرید و فروش کالا هستند، آنان این تجربه را دارند که تأثیر اطلاعات را بر قیمت سهام بسنجند. آنان قادرند تأثیر خاص اطلاعات و جهت تأثیر آن را بر قیمت‌ها درک کنند، و اثر زنجیره‌ای مجموعه‌ای از تغییرات و اخبار را بر قیمت‌ها برآورد کنند. افراد ممکن است به برداشت‌های متفاوتی از اطلاعات یکسان برسند. یکی ممکن است اخبار خاصی را در افزایش قیمت تعیین کننده بداند؛ نفر دوم آن را کم اثر بخواند. انسان‌ها با یکدیگر متفاوتند؛ برداشت‌ها گرایش‌های متفاوتی وجود دارد؛ منحنی بی تفاوتی خطر - بازده آن‌ها با هم فرق دارد و باورهای گوناگون دارند. وقتی خبری می‌رسد، عده‌ای آنرا می‌پذیرند و یک عده هم شک می‌کنند که صحت داشته باشد. چون درجه اطمینان به صحت اطلاعات مختلف است، ارزیابی آنان هم تفاوت دارد.

۹- بازار باید در معرض جریان دو طرفه اطلاعات باشد. به عبارت دیگر، بازار کارا چنان است که در هر مقطعی از زمان، عده‌ای در آن خریدار و عده‌ای فروشنده اند. این‌طور نیست که در زمانی همه خریدار یا همه فروشنده باشند. در بازار کارا عده‌ای باید بر این باور باشند که خرید به نفع آن‌ها است و عده‌ای هم بر این باورند که فروش به نفع آن‌ها است. فقط در این وضعیت است که حجم معاملات بالا می‌رود؛ بازار راحت‌تر به تعادل عرضه و تقاضا می‌رسد و قیمت، برآیندی از نظریه‌های گوناگون در تعیین ارزش سهام می‌شود (جهانخانی، عبده تبریزی، ۱۳۷۲).

۳-۳- شواهد تاریخی کارایی در بازار اسلامی

۳-۳-۱- عدم دخالت در فرآیند قیمت گذاری در بازار

فرآیند قیمت گذاری در بازار مسلمین بدون دخالت حاکم اسلامی و از طریق ساز و کار عرضه و تقاضا تعیین می‌گردید. البته در مواردی که شرایط عادلانه بازار بر هم می‌خورد و مشکلی در بازار بروز می‌کرد و قیمت غیر عادلانه‌ای بر خریدار تحمیل می‌گردید این قاعده رعایت نمی‌شد.

۳-۳-۲- ایجاد شرایط رقابتی و جلوگیری از احتکار

رساندن اطلاعات درست به خریدار و جلوگیری از احتکار و انحصار و تشویق رقابت و به طور کلی شفاف سازی بازار، از عناصر بالا بردن کارایی است؛ این عناصر در اقتصاد اسلامی نیز مورد تأکید واقع شده است. نهی از خلاف واقع گفتن در معامله و نهی از پوشاندن عیب کالاهای مورد معامله در روایات مؤید این حقیقت است. یکی از شرایط ورود به بازار در صدر اسلام این بود که شخص به دروغگویی و قسم خوردن در معامله مشهور نباشد و گر نه از ورود وی به بازار ممانعت به عمل می‌آمد. زمانی که فروشنده‌ای کالای خود را در تاریکی و سایه عرضه می‌کرد، چون زمینه‌ای برای کتمان مشکلات کالا بود و چه بسا عیب‌های آن پوشیده می‌ماند حضرت از فروشنده می‌خواست که کالا را در معرض نور و روشنایی قرار دهد.

در اسلام از کم فروش کالا و یا استفاده از ابزار سنجش نامعین در معاملات منع شده است (ویل للمطفین). حضرت علی (علیه السلام) یک مامور خاص برای کنترل اوزان و ابزار سنجش در بازار قرار داده بود.^۱

۳-۳-۳- عدم اخذ مالیات از اهل بازار

عدم اخذ مالیات (با عنوان عشور و مکوس) از اهل بازار نیز می توانست به کارایی بازار کمک کند. از احمد بن حنبل نقل شده که پیامبر گرامی اسلام به شدت با مالیات بر تجار مسلمان و غیر مسلمان مخالفت می کرد (فان رسول الله قد نهی بشده عن تعشیر المسلم و الذمی بصورة صریحه).^۲

۳-۳-۴- نهی «تلقی رکبان»

تلقی رکبان نوعی سوء استفاده از عدم تقارن اطلاعاتی است؛ در شرایط اطلاعات متقارن منافع به حداکثر می رسد و گرنه رانت ایجاد می کند. پیامبر گرامی اسلامی از تلقی رکبان منع کردند. در آن دوره بعضی از خریداران کالاهای تجاری به پیشواز قافله های تجاری می رفتند و در دروازه شهر معامله می کردند. پیامبر گرامی اسلام دستور دادند «لا تلق ولا تشتر و لا تاکل منه» بنابراین مسلمین از تلقی یا خریدن و حتی خوردن یا مصرف اجناسی که از این طریق خریداری کرده اند منع شده اند. به بیان اقتصادی علت اصلی تحریم تلقی رکبان عدم تقارن اطلاعاتی خریداران و فروشندگان در دروازه های شهر می باشد.

۳-۳-۵- تعیین اختیارات

خریداران و فروشندگان اختیار داشتند که در مواردی معامله را به هم زنند. این موارد شامل خیار مجلس، خیار رؤیت، خیار عیب، خیار غبن، خیار غش و خیار شرط و نظائر آن بوده است.

۳-۳-۶- تهیه زمین و ساختمان مورد نیاز برای بازار از سوی بخش عمومی

کالاهای عمومی از دیدگاه اقتصاد باید توسط نهاد های غیر انتفاعی عرضه شود، مکان بازار اگر در تسلط بخش خصوصی باشد، می تواند شرایط رقابت کامل را به هم بزند؛ برای محدودیت هایی که بخش خصوصی ممکن است اعمال کند، نظارت در کیفیت و کمیت و شرایط عرضه رقابتی، برای اطمینان از عملکرد رقابتی بازار ضروری است. جعفر مرتضی در کتاب السوق با گردآوری روایاتی که حاکی از اقدامات رسول خدا و امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) در این زمینه است، نکات زیر را نتیجه گیری می کند:

۱- زمین و ساختمان مورد نیاز برای تشکیل بازار غالباً از طرف بخش عمومی عرضه می شده است.

۲- از زمین و ساختمان یاد شده خراج یا اجاره گرفته نمی شد.

۱. جعفر مرتضی العاملی، السوق فی ظل الدولة الاسلامیه، بیروت، الدارالسلام، ۱۹۸۸

۲. ترمذی، جامع الصحیح، ج ۳، ص ۲۸، به نقل از یدالله دادگر.

- ۳- محل بازار در مواردی دارای ساختمان و در مواردی فاقد آن بود. از غرفه های ساخته شده در مورد اول و از محل تعیین شده در مورد دوم اجازه تجاوز به فضای اصلی بازار یا به همسایگان مجاور داده نمی شد.
- ۴- از ایجاد ساختمان یا تصرف مکانهای غیر مجاز جلوگیری به عمل می آمد. پیامبر اکرم(صلی الله علیه واله) دستور سوزاندن چادر خرما فروشی را دادند که در محوطه غیر مجازی چادر زده بود و حضرت علی(علیه السلام) دستور تخریب دکانهایی را صادر کردند که در مکان ممنوع ساخته شده بود همچنین خانه هایی که در حریم بازار ساخته شده بود تخریب می گردید.
- ۵- در زمین های فاقد ساختمان، حق اولویت با کسی بود که زودتر به بازار می آمد. این حق فقط برای همان روز محفوظ بود.

۳-۴- اخلاق در بازار

مطالعات اخیر درباره اخلاق در بازار روی حقوق سرمایه گذاران متمرکز شده است.^۱ اندیشه اخلاق یا عدالت در بازار به طور معمول در چارچوب ایفای حقوق معامله کنندگان در بازار مورد بحث قرار می گیرد. یکی از محققان مالی، اخلاق و عدالت را حق داشتن فرصت برابر تعریف می کند؛ یعنی همه شرکت کنندگان بازار حق دستیابی برابر به اطلاعات را دارند.

شفرین و استت من چارچوب گسترده تری را برای اخلاق و عدالت بیان کرده و برای عدالت در بازار هفت ویژگی را بر شمرده اند: آزادی در انجام معامله (عدم اجبار) عدم وجود اطلاعات کاذب، امکان استفاده از اطلاعات برابر، حق داشتن قدرت پردازش برابر، امکان آزادی از اشتباه، حق انجام معامله در قیمت های کارا و امکان قدرت چانه زنی برابر.

۳-۴-۱- آزادی در انجام معامله (عدم اجبار)

این آزادی بدین معنا است که معامله کنندگان در انجام معاملات اجبار نداشته باشند. یک معامله هنگامی منصفانه است که طرفین در انجام آن اختیار و آزادی کامل داشته باشند و هیچ یک به انجام آن مجبور نشده باشند. از طرف دیگر، این آزادی بدین معنا است که هیچ کس نباید از انجام یک معامله منع شود؛ بنابراین، آزادی در معاملات دارای دو بعد است: عدم اجبار جهت انجام معامله و عدم منع از انجام معامله.

۳-۴-۲- عدم وجود اطلاعات کاذب

این ویژگی بدین معنا است که سرمایه گذاران بتوانند به اطلاعات منتشر شده اطمینان کامل داشته باشند و بر مبنای آن ها تصمیم بگیرند. اطلاعات کاذب نباید در بازار منتشر و باعث گمراهی سرمایه گذاران شود.

۳-۴-۳- امکان استفاده از اطلاعات

سرمایه گذاران حق دستیابی برابر به اطلاعات دارند. شخصی که به یک مجموعه از اطلاعات خاص دست

می یابد، باید آن را در اختیار دیگران هم قرار دهد.

۳-۴-۴- حق قدرت برابر در پردازش اطلاعات

سرمایه گذاران نه تنها حق استفاده از اطلاعات برابر را دارند؛ بلکه در پردازش اطلاعات نیز این حق را دارند که از امکانات لازم استفاده کنند.

۳-۴-۵- امکان آزادی از اشتباه

امکان آزادی از اشتباه بدین معنا است که سرمایه گذاران در برابر اشتباهات خود نیز بیمه شوند؛ یعنی اگر یک سرمایه گذار به دلیل اشتباه شخصی خود با انجام یک معامله دچار زیان قابل توجهی شود می تواند آن معامله را فسخ کند.

۳-۴-۶- حق انجام معامله در قیمت کارا

معاملات باید در قیمت های کارا و واقعی صورت گیرد. قیمت کارا و واقعی را نیز عرضه و تقاضا تعیین می کند؛ البته این عرضه و تقاضا نباید مصنوعی باشد؛ بلکه باید درخواست واقعی را نشان دهد.

۳-۴-۷- امکان قدرت چانه زنی برابر

سرمایه گذاران باید در مذاکراتی که به انجام معامله منتهی می شود قدرت چانه زنی برابر داشته باشند، برای مثال در عشه اولیه یک سهم در بازار یک سهامدار جزء در مقایسه با سهامداری که سرمایه کلانی را در اختیار دارد قدرت چانه زنی کمتری را دارا است (Shefrin and staman, 1992).

۳-۵- هنجارهای اخلاقی در بازار مالی اسلامی

محققان و اندیشه وران مالی اسلامی، به اصول برگرفته از قرآن و سنت تعهد کامل دارند و براساس آن، حقوق و تعهدات هر یک از شرکت کنندگان در بازار را تعیین می کنند. این جا برخی از اصول اخلاقی اسلامی را که در زمینه بازار قابل اعمال هستند بیان می کنیم.

۳-۵-۱- معاملات به صورت آزاد

به طرفین آزادی داده است؛ بنابراین اگر یک قرارداد با اجبار یکی از طرفین همراه باشد غیرمجاز تلقی می شود. قرآن کریم با صراحت بیان می کند که انجام تجارت باید با رضایت طرفین همراه باشد (نساء، ۲۹). طبق این بیان تمام مبادلات مالی و انواع تجارت ها که میان مردم رایج است چنانچه از روی رضایت طرفین، صورت گیرد و جنبه معقول و منطقی داشته باشد، از نظر اسلام مجاز است مگر در مواردی که به سبب مصالح معینی، از آن نهی صریح شده است. براساس ماده ۱۹۰ قانون مدنی نیز برای صحت هر معامله شرایط ذیل را اساسی

می‌داند: ۱- قصد طرفین و رضای آن‌ها؛ ۲- اهلیت طرفین؛ ۳- موضوع معین که مورد معامله باشد؛ ۴- مشروعیت جهت معامله.

۳-۵-۲- آزادی از ربا

ربا به معنای زیاده است. در اصطلاح به فقیهان معمول ربا چنین تعریف شده است: معاوضه مالی به مالی دیگر که این دو اولاً هم جنس باشند ثانیاً با کیل یا اندازه‌گیری وزن شوند یا قرض دادن به شرط زیاده. قید معاوضه ذکر شده تا شامل همه مبادلات و معاوضات شود و اعم از بیع باشد حتی صلح و هبه معاوضه را نیز در بر می‌گیرد (نجفی، بی تا: ج ۲۳، ص ۳۳۶) همه معاملات باید از ربا به دور باشد. موضوع ربا بین اندیشه‌وران و محققان اسلامی بسیار مورد بحث قرار گرفته است. قرآن کریم نیز با صراحت است حرمت ربا را اعلام کرده: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا.

ای اهل ایمان، مال یکدیگر را به ناحق مخورید مگر آنکه تجارتي باشد که از روی رضا و رغبت کرده (و سودی برید)، و یکدیگر را نکشید، که البته خدا به شما بسیار مهربان است.

الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا إِنَّمَا الْبَيْعُ مِثْلُ الرِّبَا وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا فَمَنْ جَاءَهُ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّهِ فَانْتَهَى فَلَهُ مَا سَلَفَ وَأَمْرُهُ إِلَى اللَّهِ وَمَنْ عَادَ فَأُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ.

آن کسانی که ربا خورند (از قبر در قیامت) برنخیزند جز به مانند آن که به وسوسه شیطان مخبط و دیوانه شده. و آنان بدین سبب در این عمل زشت افتند که گویند فرقی بین تجارت و ربا نیست؛ حال آنکه خدا تجارت را حلال و ربا را حرام کرده. پس هر کس که اندرز (کتاب) خدا بدو رسد و از این عمل دست کشد خدا از گذشته او در گذرد و عاقبت کارش با خدا باشد، و کسانی که دست نکشند اهل جهنمند و در آن جاوید معذب خواهند بود.

این آیه در واقع زیربنای قوانین اسلامی را در مسائل مربوط به معاملات و مبادلات مالی تشکیل می‌دهد، و به همین دلیل فقیهان، اسلام در تمام ابواب به آن استدلال می‌کنند. آیه خطاب به افراد با ایمان می‌گوید اموال یکدیگر را از راه‌های ناجبا و غلط و باطل به دست نیاورید.

۳-۵-۳- آزادی از غرر

همه معاملات و قراردادهای اسلامی باید از غرر خالی باشد. به عبارت دیگر معاملاتی که در وضعیت عدم اطمینان انجام می‌شود غیرمجاز است. غرر نقطه مقابل شفافیت و معلوم بودن است. در همه معاملات طرفین علاقه دارند که روابط بین آن‌ها دوستانه و معقول باشد و هر یک در انجام تعهد با حسن نیت اقدام کند؛ یعنی طرفین معامله تمام حقایقی را که در محدوده اطلاعات آنان قرار دارد در اختیار یکدیگر بگذارند؛ در حالی که در معامله غرری برعکس است.

امیرمؤمنان علی فرماید: ان الغرر عمل لایؤمن معه الضرر، غرر کاری است که از زیان ایمن نباشد و طبق

بیان حضرت رسول نهی عن الغرر (همان) پیامبر مردم را از معاملات، غرری نهی کرده معامله غرری در اسلام باطل است.

کارایی در تولید

به لحاظ روش شناختی، کارایی در تولید، روشی به منظور کسب اطمینان درباره این موضوع است که تولید یک واحد اقتصادی، در بهترین و پرسودترین وضعیت ممکن انجام شود. انواع کارایی برای بنگاه اینگونه مطرح می شود: کارایی فنی، تخصیصی و اقتصادی. کارایی فنی منعکس کننده توانایی بنگاه در کسب حداکثر محصول از مقدار معین نهاده ها یا استفاده از حداقل نهاده برای دستیابی به میزان مشخص ستانده است.

امام صادق (ع) در این باره می فرمایند: «ان من بقاء المسلمین و بقاء الاسلام ان تصیر الاموال عند من يعرف فیها الحق و یصنع المعروف، و ان من فناء الاسلام و فناء المسلمین ان تصیر الاموال فی ایدی من لا یعرف فیها الحق و لا یصنع فیها المعروف»^۱؛ مایه بقای مسلمانان و بقای اسلام این است که اموال و ثروتها در نزد کسانی باشد که می دانند حق و میزان درست در کار مال و مالداري چیست، و همواره با آن ثروت، کار خیر می کنند و برای خود انباشت نمی کنند و زراندوزی ندارند؛ و مایه فناء اسلام و از میان رفتن مسلمانان، این است که ثروت در دست کسانی قرار گیرد که حق تملک آن را نمی دانند و با آن کار خیر نمی کنند و حق مال را نمی پردازند. شاید بتوان از این سخن نتیجه گرفت که سرمایه دارانی که از منابع خود به درستی استفاده نمی کنند، موجب ضرر رساندن به جامعه می شوند.

به بیان اقتصادی، نیل به آثار مفید هرچیز به معنای استفاده از بهترین موقعیت ممکن از آن است که معادل «کارایی فنی» در ادبیات اقتصادی است.

کارایی اقتصادی از ترکیب هر دو جنبه کارایی فنی و کارایی تخصیصی به دست می آید. حداکثر کارایی اقتصادی زمانی محقق می شود که هم زمان هم کارایی فنی و هم کارایی تخصیصی داشته باشیم.

نیل به آثار مفید هر چیز به معنای استفاده و بهره برداری در بهترین موقعیت ممکن از آن است که در ادبیات اقتصادی است. برای یک اقتصاددان بدیهی است که «کارایی فنی و تخصیصی» معادل همان استفاده عاقلانه از مال تنها در این وضعیت تحقق می یابد. کارایی تخصیصی توانایی بنگاه برای استفاده از ترکیب بهینه عوامل تولید با توجه به قیمت آنها را نشان می دهد.

رشد اقتصادی زمانی حاصل می شود که اموال به طور عاقلانه و در موضع کارا مورد استفاده واقع شود. آموزه های دین اسلام نیز به موضوع کارایی و برنامه ریزی بر پایه دانش و تدبیر توجه کامل دارد. برای مثال امام حسن مجتبی (ع) میفرماید: «با عقل و تدبیر از هر دو سرای میتوان بهره برد هر که عقل و تدبیر ندارد از هر دو سرای بی بهره است» (مجلسی، ۱۴۰۳: ص ۷۸: ۱۱۱) دبیر می تواند عامل بهره بردن در دنیا و آخرت باشد و تدبیر در تولید عاملی برای کارایی باشد.

حقوق کارگر از دیدگاه اسلام:

یکی از اساسی ترین اهداف در سیاست های اقتصادی، افزایش کارایی نیروی کار و ایجاد تناسب بین سطح دستمزد کارگران و میزان کارایی آنان است. در دین اسلام، به کیفیت کار، توجه زیادی شده است؛ به طوری که حتی در عبادات و امور معنوی نیز برخلاف تصور بعضی، به فراوانی عبادت دعوت نشده؛ بلکه بر انجام نیکوی آنها تأکید شده است؛ چنان که در قرآن کریم می خوانیم:

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ إِنَّا لَا نُضِيعُ أَجْرَ مَنْ أَحْسَنَ عَمَلًا: «آنان که به خدا ایمان آوردند و عمل شایسته انجام دادند، بی شک ما پاداش نیکوکاران را از بین نخواهیم برد «کهف: ۳۰». دقت در کارهای دنیایی و کوشش برای انجام شایسته آنها نیز در رفتار و گفتار معصومان به چشم می خورد.

تعیین مزد قبل از کار:

اسلام می گوید: هرکس می خواهد کارگری را به کار گیرد، نخست باید مزد او را تعیین کرده و به وی صریحاً اعلام نماید تا کارگر در صورت تمایل و رضایت به انجام آن کار اقدام نماید. این حقیقتی که با صراحت در روایات اسلامی به آن توجه شده است که چند نمونه در ذیل ذکر می کنیم:

«نهی رسول الله (ص) ان يستعمل اجيرا حتى يعلم ما اجرته» از اینکه کسی کارگری را پیش از تعیین مزدش بکار گیرد منع فرمود. و امام صادق (ع) می فرماید: هرکس ایمان به خدا و روز قیامت دارد، تا وقتی مزد کارگری را به او اعلام نکرده است او را به کار نگیرد.

۲- توافق در کار:

اسلام هرگز اجازه نمی دهد که فرد یا مؤسسه و حتی دوست، شخصی را به زور بدون رضایت و توافق او به کاری اجبارش کند، چنانکه علمای اسلام یکی از شرایط صحت و مشروعیت اجاره و کار گرفتن را میل و اختیار او ذکر کرده اند (و در صورتی که کارگر نابالغ باشد، میل و رضایت او بی اعتبار است (چون، ممکن است او را فریب دهند و حقوقش را کامل ندهند) در درستی و صحت اجاره و بکارگیری او اجازه از ولی و سرپرست او را لازم دانسته اند و...)

۳- شتاب در پرداخت مزد:

اسلام همانطور که در تعیین مزد کارگر و رضایت او در اشتغال بکار سفارش کرده است، در فوریت پرداخت مزد کارگر نیز تأکید کرده است، تا جایی که می گوید: به مجرد اینکه کارگر دست از کارش کشید هنوز عرق کارش خشک نشده باید مزد او به وی پرداخت شود که چند نمونه روایت ذیل آمده است.^۳

۱- هشام بن حکم از امام صادق (ع) نقل می کند در مورد کارگری که کار کرده است فرموده: «لا يححف عرقه حتى تعطيله اجرته.» «کارگر را تا عرقش خشک نشده اجرتش را به او بده»...

۱. وسایل ج ۱۳ ص ۲۴۵ و ص ۲۴۶

۲. تحریر الوسیله ج ۱

۳. وسایل ج ۱۳ حدیث ۱

۲- شعیب می گوید: ^۱ ما عده ای کارگر گرفته بودیم که در باغستان امام صادق (ع) کار می کردند و آخرین کارشان عصر بود، وقتی که عصر شد حضرت به نماینده اش فرمود: اعطهم اجور هم قبل ان يحف عرقهم. تا عرقشان خشک نشده است اجرت و مزد آنها را پرداخت کن. علمای اسلام نیز ضمن لزوم تعیین مزد کارگر گفته اند، در صورتی که تأخیر پرداخت مزد کارگر را با او شرط نکرده باشند فوراً با شتاب باید مزد او را پرداخت کنند.

۴- نکوهش در ندادن حق کارگر: ^۲

رسول اکرم (ص) در این باره فرمود: هرکس از نظر مزد به کارگرش ستم کند (که مزد او را ندهد یا کم یا دیر بدهد) خداوند عمل نیک او را تباه می سازد و بوی بهشت را بر او حرام می کند. و هم فرمود: «من خیرا اجره فعلیه لعنه الله». و نیز فرمود، هرکس مزد کارگرش را ندهد لعنت خدا بر اوست. امام صادق (ع) فرمود: «اقدر الذنوب ثلاثة، قتل البهیمه و حبس مهر المرثه و من منع الاجیر اجره». امام صادق (ع) فرمودند: پست ترین گناهان سه چیز است، بدون جهت کشتن حیوانات، خوداری کردن از دادن مهر همسر و کسی که مزد کارگرش را ندهد.

۳-۴-۵- آیه کنز

به آیه ۳۴ سوره توبه «آیه کنز» می گویند: «يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن كَثِيرًا مِّنَ الْأَخْبَارِ وَ الرَّهْبَانِ لَيَأْكُلُونَ أَمْوَالَ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ وَ يَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَ الَّذِينَ يَكْنِزُونَ الدَّهَبَ وَ الْفِضَّةَ وَ لَا يُنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ»، «ای کسانی که ایمان آورده اید بسیاری از علما (ی اهل کتاب) و راهبان، اموال مردم را به باطل می خورند و (آنان را) از راه خدا باز می دارند، و آنها را که طلا و نقره را گنجینه (و ذخیره و پنهان) می سازند، و در راه خدا انفاق نمی کنند، به مجازات دردناک بشارت ده».

فلسفه اصلی پول همان گردش کامل تر و سریعتر چرخهای مبادلات اقتصادی است، و آنها که پول را به صورت «گنجینه» پنهان می کنند نه تنها موجب رکود اقتصادی و زیان به منافع جامعه می شوند بلکه عمل آنها درست بر ضد فلسفه پیدایش پول است. آیه فوق صریحاً ثروت اندوزی و گنجینه سازی اموال را تحریم کرده است و به مسلمانان دستور می دهد که اموال خویش را در راه خدا، و در طریق بهره گیری بندگان خدا به کار اندازند، و از اندوختن و ذخیره کردن و خارج ساختن آنها از گردش معاملات به شدت بپرهیزند، در غیر این صورت باید منتظر عذاب دردناکی باشند. خداوند در این آیه به تناسب بحث دنیا پرستی پیشوایان یهود و نصاری به ذکر یک قانون کلی در مورد ثروت اندوزان پرداخته است.

۳-۶- کارایی در مصرف

مصارفی که با اسراف، و اتلاف و تبذیر همراه نباشد. اسراف یعنی زیاده روی و تجاوز که معنای مقابل آن قصد و میانه روی است. راغب اصفهانی در معنای اسراف می گوید: «هر کار و عملی را که انسان انجام می دهد و از

۱. همان

۲. شرایع الاسلام، قسمت اجاره شرط اول و شرط سوم

حد و اندازه خود تجاوز و زیاده روی کند آن اسراف است.^۱ بنابراین می‌توان این گونه بیان داشت که اسراف هرگونه عمل بیهوده و زیاده‌روی و تجاوز از حد طبیعی، چه در کیفیت و چه در کمیت می‌باشد. از این بیان معلوم می‌شود که اسراف تنها مربوط به خوردنی‌ها و نوشیدنی‌ها و یا در امور اقتصادی نبوده، بلکه اسراف معنایی جامع‌تر و وسیع‌تر را در برمی‌گیرد. در حقیقت می‌توان گفت: «اسراف هرگونه تجاوز از حد یا افراط و تندروری و یا وضعیت نامناسب حالات نفسانی و روحيات و صفات غیر معتدل اخلاقی، فرهنگی و اجتماعی افراد در جامعه می‌باشد»^۲.

هدف از طرح موضوع اسراف در اسلام همان طور که گفته شد جنبه اقتصادی خوردن و یا پوشیدن نیست که اگر این باشد به آن تبذیر گفته می‌شود.

طبرسی (ره) در این باره می‌گوید: «تبذیر پراکندن مال از روی اسراف است و ریشه آن پاشیدن بذر است با این فرق که تبذیر پراکندن یا فاسد و ضایع کردن است ولی اگر این خرج کردن (هرچند زیاد هم نباشد) در راه اصلاح چیزی باشد، آن تبذیر نیست».

با توجه به تعریف تبذیر از طبرسی می‌توان نتیجه گرفت که تبذیر زیر مجموعه اسراف است. در اسراف تلف کردن و ضایع نمودن مال به معنای فراگیری است و در برگیرنده مواردی است؛ مانند زیاده‌روی در انفاق‌های شخصی و امور خیر که شامل معنای تبذیر نمی‌شود، اما در تبذیر شامل به هدر دادن و زیاده روی در مصارف خوراکی، و ریخت و پاش زندگی می‌باشد. به بیان دیگر، می‌توان گفت هر تبذیری اسراف است، ولی هر اسراف‌ی تبذیر نیست.^۳

از جمله قواعد مشهور فقهی که فقیهان در مورد ضمان به آن تمسک جستند، قاعده اتلاف است. مفاد قاعده اتلاف در «من أتلف مال الغير فهو له ضامن»^۴ مندرج است. معنای قاعده این است که هر کس مال دیگری را بدون اجازه او تلف یا مصرف کند و یا مورد بهره‌برداری قرار دهد، ضامن صاحب مال است.

در دیدگاه اسلامی نسبت به تعریف کارایی می‌توان تخصیص کالاها و خدمات و عوامل و منابع تولید را برای ایجاد بالاترین مطلوبیت یا رضایتمندی حقیقی مورد توجه قرار داد که در چهارچوب حفظ قوام اقتصادی جامعه و پایداری و تعادل حقیقی اقتصاد که با نظام تکوین نیز هماهنگی دارد به کار گرفته می‌شوند. به بیان دیگر، از دیدگاه نگرش اسلامی کارایی فنی معادل "عدم اسراف" است. برای مثال اگر طرح تولیدی با پانصد دلار به نحو مطلوب قابل راه اندازی است، چرا از نهمصد دلار استفاده شود. با این مقایسه کارایی تخصیصی نیز معادل "احسان" به انجام کار به نحو صحیح و نیکو می‌باشد (به فرموده امام علی (ع): «قیمه کل امرء ما یحسنة»^۵ یعنی ارزش هر کس به عملکرد و کارکرد اوست).

وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا وَارْزُقُوهُمْ فِيهَا وَاكْسُوهُمْ وَقُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَعْرُوفًا (آیه ۵ سوره النساء).

۱. راغب اصفهانی، مفردات الفاظ قرآن، ذیل واژه "سرف".

۲. رستگار جویباری، ولی الله، اسراف از دیدگاه اسلام.

۳. طبرسی، مجمع البیان، ج ۶، ۱۳۷۲.

۴. صاحب جواهر، جواهر الکلام، ج ۳۷، ص ۶۰.

۵. حکمت ۸۱ نهج البلاغه

بر اساس این آیه انسانها از هر گونه تصرف غیر عاقلانه بر اموال نهی گردیده‌اند. بدیهی است تعریف عاقلانه بودن بودن تصرف در مال به نحوی که وضعیت قوام اقتصادی را نتیجه دهد یک امر کارشناسی است و به نظر ما رعایت معیار کارایی شرط عاقلانه بودن تصرف در مال تلقی می‌گردد که موجب ایجاد رشد اقتصادی می‌شود و گرنه اقتصادی که ثروت در آن اقتصاد رشد یابنده نباشد (به تعبیر شهید مطهری) نمی‌تواند موجب قوام اقتصادی شود.

درباره چگونگی استفاده از منابع زیست محیطی دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد. دین مبین اسلام از یک سو، با پذیرش این که طبیعت در تسخیر انسان است، بر این مطلب تأکید می‌کند که همه چیز برای انسان و در خدمت انسان قرار دارد؛

اما از سوی دیگر با وضع قوانین بازدارنده، کوشیده است تا این بهره‌وری از طبیعت، نه موجب آسیب دیدگی خود طبیعت شود و نه با استفاده بی‌رویه از آن،

ماندگاری این نعمت‌های الهی برای سایر انسان‌ها در معرض تهدید قرار گیرد.

بر این اساس، آموزه‌های دینی، مسلمانان را به رعایت عدالت زیست محیطی فرا می‌خوانند تا همگان فرصت استفاده از منابع زیست محیطی را داشته باشند و این نعمت‌های خدادادی تنها در اختیار گروه خاصی قرار نگیرند؛ ما افاء الله علی رسوله من اهل القرى فله و للرسول و لذی القربى و الیتامى و المساکین و ابن السبیل کی لا یكون دولةً بین الاغنیاء منکم(سوره حشر آیه ۷). برای دست‌یابی به چنین هدفی، پرهیز از اسراف، یعنی خودداری از مصرف بی‌رویه از منابع طبیعی در دو سطح فردی و اجتماعی، مورد تأکید و اهتمام رهبران دینی قرار گرفته است.

۴- مصرف و مطلوبیت از دید اقتصاد متعارف

۴-۱- حداکثر کردن مطلوبیت کل جامعه:

یعنی متشکل از افرادی است که در حکم اعضای آن پیکرند منفعت جامعه عبارت خواهد بود از «سر جمع کل منافع آحاد اعضایی که آن را تشکیل می‌دهند»

پس می‌توانیم این نتیجه را بگیریم که اگر هر فرد در طلب خوشی شخصی خود و در پی افزایش آن باشد لاجرم به مصلحت کل افزوده می‌شود. بنابراین تنها راه برای تأمین بیشتر مطلوبیت جامعه آن است که حکومت حتی المقدور در دست همه باشد و کوشش آن در راه رفع موانع، افزایش مطلوبیت بیشترین افراد جامعه باشد تا پرداختن به آن چه مداخله مثبت در آزادی افراد نامیده می‌شود.

۴-۲- برابری رفاه میان افراد جامعه:

این معیار مبتنی بر این فرض است که برابری رفاه ذاتاً پسندیده می‌باشد و هیچ‌گونه غایت دیگری از آن مورد نظر نمی‌باشد. حال چنان چه بر اساس نقطه نظر انسان‌گرایانه به تساوی ارزش انسان‌ها قائل شویم، در این صورت اصلی را مورد تأیید قرار داده ایم که مبتنی بر افکار نویسندگان مکتب مساوات طلب هم چون مارکس می‌باشد:

۱. وجود طبقات تنها با مراحل ویژه ای از تاریخ تکامل تولید همراه است.
۲. مبارزه طبقاتی الزاماً به دیکتاتوری پرولتاریا می انجامد.
۳. این دیکتاتوری تنها یک دوران انتقال به سوی نابودی طبقات و برپایی جامعه ای بی طبقه می باشد.^۱

۴-۳- حداکثر نمودن رفاه پایین ترین قشر:

رالز عدالت را بنیادی ترین و مهم ترین فضیلت نهادهای اجتماعی می داند و می گوید: به همان اندازه که برای نظام های فکری، حقیقت دارای اهمیت است به همان اندازه هم عادلانه بودن برای نهادهای اجتماعی و اقتصادی جنبه اساسی دارد، بنابراین جامعه عادلانه جامعه ای است که به شیوه معینی نظام یافته است و عدالت ساختار اساسی آن را وصف می کند. اگر جامعه قواعد عقلایی عدالت و اخلاق را داشته باشد و از این رو خوب انتخاب شود در چنان جامعه ای آینده ای بهتر خواهیم داشت. به عقیده رالز اصولی که در موقعیت اولیه برای عدالت مورد تحقق قرار می گیرد عبارتند از:

۱. افراد باید در داشتن وسیع ترین آزادی های اساسی حقوقی مساوی داشته باشند مشروط بر این که با برخورداری دیگران از همان آزادی سازگاری داشته باشند.
۲. نابرابری های اجتماعی و اقتصادی باید به گونه ای مرتب شوند که دو شرط زیر را تأمین نمایند:
اولاً به طور معقولی بتوان انتظار داشت که این نابرابری ها موجبات بهبودی همه افراد را فراهم نماید.
ثانیاً نابرابری های مذکور به موقعیت ها و مقام هایی وابسته باشد که برای همه، باز و بدون مانع؛ یعنی در اختیار و در دسترس همه باشد.

۵- سیاست های پولی و مالی در اسلام

در هر نظام اقتصادی، سیاست هایی که جهت رسیدن به اهداف آن نظام صورت می گیرد به طور معمول براساس اصولی است که در آن نظام پذیرفته شده است. در نظام اقتصادی اسلام نیز ترسیم و اجرای سیاست های مالی، پولی و درآمدی برای رسیدن به اهداف مورد نظر آن به هر طریق امکان پذیر نیست بلکه محدود به اصولی است که شرع مقدس آنها را تعیین کرده است. برخی از این اصول عبارتند از:

۱. آمیختگی با امور معنوی ۲. آزادی اقتصادی ۳. ممنوعیت بهره و ربا ۴. سیاست گذاری براساس مصالح عمومی ۵. رعایت اعتدال و پرهیز از افراط و تفریط ۶. حفظ محیط زیست ۷. اصالت (توأمان) فرد و اجتماع ۸. همیاری ۹. ممنوعیت استثمار

۵-۱- سیاست های پولی دولت اسلام

در این قسمت به بررسی سیاست های پولی با رویکرد بانکداری که از مقتضیات زمان و مکان ما نسبت به شرایط صدر اسلام محسوب می شود را مورد بررسی قرار خواهیم داد.
در شرایط کنونی به گونه ای شده است که تنها ابزار مورد استفاده در نظام جدید، نرخ ذخیره قانونی سپرده ها

۱. ردهد، برایان، اندیشه سیاسی از افلاطون تا تانوتو، مرتضی کامی و اکبر افسری ۱۳۷۵ هـ.ش، ص ۲۷۶.

می باشد. لذا اوراق قرضه به شکل رایج آن به طور قطعی به ربا مبتلا می شود و استفاده از نرخ تنزیل مجدد هم طبق مبانی برخی بزرگان چون حضرت امام خمینی (ره) جایز نبوده و براساس مبانی عده ای دیگر نیز محل تردید و تأمل قرار خواهد گرفت. از طرفی استفاده از ابزار ذخیره قانونی هم به رغم فراگیر بودن آن مشکلاتی در مقام اجرا دارد از جمله این که به کارگیری آن در جهت سیاست انقباضی در صورتی است که بانک ها دارای ذخایر مازاد نباشند. مشکل دیگر این که در برخی از کشورها چون ایران به این جهت که این نرخ نزدیک حد قانونی آن است در جهت سیاست انقباضی کارایی چندانی ندارد مگر این که حد قانونی آن تغییر داده شود از این جهت ضرورت شناسایی ابزارهای جدید در نظام بانکی غیر ربوی و بررسی آنها به لحاظ کارایی اقتصادی آنها و نیز مطابقت شان با ضوابط شرعی بر کسی پوشیده نیست از همین رو اقتصاددانان مسلمان در ایران و برخی از کشورهای عربی و از جمله خود قانون بانک داری بدون ربا ابزارهای جدیدی را معرفی کرده اند. در این بخش مشروعیت این ابزارها را بررسی می کنیم (منذر قحف: صص ۷۱ : ۸۸).
به طور کلی ابزارهای سیاست پولی به دو قسمت ابزارهایی که در پایه پولی تأثیر مؤثر است و ابزارهایی که در ضریب فزاینده پولی تأثیر دارد تقسیم بندی می شود. که در ذیل به بررسی هر یک می پردازیم:

ابزارهای مؤثر در پایه پولی

ابزارهایی که در این بخش بررسی می شوند به جهات گوناگون قابل تقسیم بندی می باشند: این اوراق را می توان از جهت تأثیرگذاری بر پایه پولی و ضریب فزاینده پولی تقسیم کرد.
از جهت عقدی که در این اوراق استفاده می شود می توان آنها را به اوراق مشارکتی و اوراق اعتباری تقسیم کرد. در قسم اول که براساس عقید شرکت یا مضاربه طراحی می شوند بحث می شود و در قسم دوم اوراق مورد استفاده براساس بیع دین هستند.
در برخی از منابع نیز اوراق به دو قسم اوراق مبتنی بر ملک و اوراق مبتنی بر دین تقسیم شده اند. در قسم اول از اوراقی که در آنها از عقد اجاره شرکت و مضاربه استفاده گردیده بحث شده و در قسم دوم نیز به اوراق دین نقدی و غیر نقدی اشاره شده است.
در این بخش ابتدا اوراقی را که در پایه پولی مؤثرند معرفی کرده و سپس به قسم دیگر که در ضریب فزاینده پولی تأثیر دارند می پردازیم.

۵-۱-۱- اوراق بدهی دولتی

در این طرح که بانک مرکزی آن را پیشنهاد می کند. ابتدا بخش خصوصی کالاهای مورد نیاز دولت را خریداری کرده، سپس آنها را به قیمت بیشتری به دولت به صورت نسبی می فروشد و در ازای آن اسنادی را از دولت تحت عنوان اوراق بدهی دولتی می گیرد. گفته شده که این اوراق به وسیله بانک ها یا بانک مرکزی قابل خرید و فروش در بازار و قابل تنزیل هست^۱.

امروزه در بسیاری از کشورهای جهان استفاده دولت از امکانات بازار بدهی امری رایج و پذیرفته شده است. ابزارهای بدهی علاوه بر ساماندهی بدهی های دولت، زمینه بازار پذیری و مولدسازی و نیز امکان برنامه ریزی را در این حوزه

۱. ر. ک. سازمان برنامه و بودجه: اوراق قرضه در جریان و انتشار اوراق قرضه جدید

فراهم می‌نماید. در واقع ابزارهای بدهی دامنه اثرگذاری اعمال سیاست‌های مالی در اقتصاد را ارتقاء می‌بخشد. در ایران نیز رویکرد دولت در استفاده از اوراق مالی گامی در جهت ارتقاء نظام تامین مالی دولت و رشد و توسعه روزافزون بازار سرمایه می‌باشد. در همین استا طبق قانون بودجه سنوات اخیر بخشی از منابع عمومی بودجه دولت از محل انتشار اوراق بدهی با توجه به محدودیت منابع عمومی دولت و عدم امکان تسویه نقدی انباره عظیم بدهی‌ها، حائز اهمیت بیشتری گردیده است. در ادامه به بررسی انتشار اوراق مالی در سال ۱۳۹۶ و ۱۳۹۷ و همچنین روند تغییرات نرخ بازدهی اوراق در مقایسه با سایر بازارهای موازی با در نظر داشتن شرایط فعلی حاکم بر اقتصاد کشور می‌پردازیم.

جدول ۱. عملکرد انتشار اوراق بهادار با تضمین دولت در سال ۱۳۹۶ در مقایسه با رقم مصوب

قانون بودجه (ارقام به میلیارد ریال)

واگذاری و فروش اوراق	انتشار اوراق	رقم مصوب قانون	حکم قانونی	اوراق بهادار اسلامی
۵۷۵۸۴	۹۵۰۰۰	۹۵۰۰۰	بند (ه) تبصره ۵	اسناد خزانه اسلامی به منظور تسویه بدهی دولت بابت طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای
۱۱۹۵۸۰	۱۷۵۰۰۰ (۱۳۲۶۲۰ اسناد خزانه) (۳۷۳۸۰ صکوک مراهجه) (۵۰۰۰ اوراق سلف)	۱۷۵۰۰۰	بند (و) تبصره ۱۶	اوراق مالی اسلامی از تمدید تبصره ۳۶ قانون اصلاح قانون بودجه ۱۳۹۵
۲۳۰۸۵	۷۵۰۰۰ (۴۳۰۰۰ اسناد خزانه) (۳۲۰۰۰ اوراق مشارکت)	۲۰۰۰۰۰	بند (ب) تبصره ۵	اوراق مالی اسلامی برای اجرای طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای نیمه تمام و طرح‌های ساماندهی دانشگاه‌ها
۲۰۷۱۱	۵۰۰۰۰	۱۰۰۰۰۰	بند (ز) تبصره ۵	اسناد خزانه کوتاه‌مدت
۵۰۰۰۰	۵۰۰۰۰	۵۰۰۰۰	بند (ح) تبصره ۵	اوراق منفعت
۶۰۰۱	۱۲۵۰۰	۱۲۵۰۰	بند (د) تبصره ۵	اوراق مشارکت قطار شهری با ضمانت دولت
۲۷۶۹۶۱	۴۵۷۵۰۰	۶۳۲۵۰۰		جمع کل

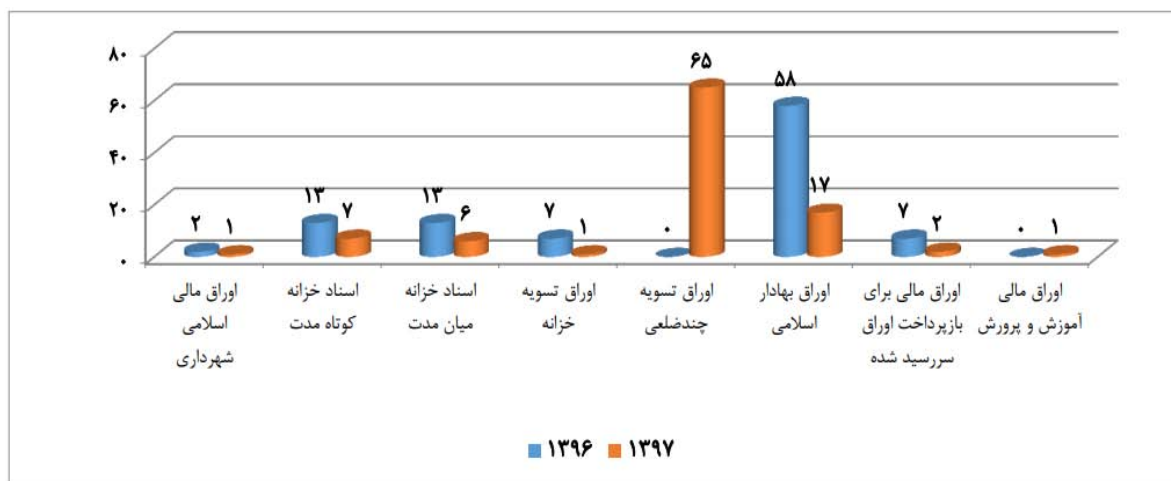
با توجه به رویکرد کلی دولت و اهداف قانون برنامه ششم توسعه مبنی بر تامین مالی بخشی از منابع عمومی دولت از محل انتشار اوراق مالی اسلامی و ادامه رویه اوراق بهادارسازی بخشی از بدهی‌های دولت، در قانون بودجه سال ۱۳۹۷ دولت مجاز به انتشار انواع اوراق مالی اسلامی از جمله اوراق مشارکت، اسناد خزانه اسلامی (کوتاه و بلند مدت) و اوراق تسویه می‌باشد.

ارزش و سهم انواع اوراق مالی دولت و شرکت‌های دولتی در قانون بودجه سال‌های ۱۳۹۶ و ۱۳۹۷ در جدول ذیل آورده شده است.

جدول ۲. ارزش و سهم اوراق مالی دولتی و شرکتی (ارقام به میلیارد ریال است)

شرح	رقم مصوب قانون بودجه ۱۳۹۶	رقم مصوب قانون بودجه ۱۳۹۷	رشد ارقام قانون بودجه سال ۱۳۹۷ به ۱۳۹۶ (درصد)
اوراق مالی اسلامی شهرداری (قطار شهری)	۱۲۵۰۰ (۲)	۱۳۷۵۰ (۱)	۱۰
اسناد خزانه کوتاه مدت	۱۰۰۰۰۰ (۱۳)	۱۰۰۰۰۰ (۷)	۰
اسناد خزانه میان مدت	۹۵۰۰۰ (۱۳)	۹۵۰۰۰ (۶)	۰
اوراق تسویه خزانه	۵۰۰۰۰ (۷)	۲۰۰۰۰ (۱)	-۶۰
اوراق تسویه چندضلعی	-	۱۰۰۰۰۰۰ (۶۵)	۱۰۰
اوراق بهادار اسلامی	۴۲۵۰۰۰ (۵۸)	۲۶۰۰۰۰ (۱۷)	-۳۹
انتشار اوراق مالی برای بازپرداخت اصل و سود اوراق سررسید شده	۵۰۰۰۰ (۷)	۳۰۰۰۰ (۲)	-۴۰
اوراق مالی اسلامی جهت تکمیل و تجهیز فضاهای آموزشی وزارت آموزش و پرورش	-	۱۰۰۰۰ (۱)	-
جمع اوراق مالی دولت	۷۳۲۵۰۰	۱۵۲۸۷۵۰	۱۰۹
اوراق مالی شرکتهای دولتی (و مابقی اوراق شهرداریها)	۱۹۷۴۰۰	۱۳۳۸۵۰	-۳۲
کل ظرفیت انتشار اوراق مالی بخش دولتی (دولت و شرکتهای دولتی)	۹۲۹۹۰۰	۱۶۶۲۶۰۰	۷۹

این ارقام نشان دهنده درصد سهم هر یک از اجزا از کل اوراق مالی دولت است.



نمودار ۱. سهم انواع اوراق در سبد اوراق مالی دولت

در نمودار بالا سهم انواع اوراق در سبد اوراق مالی دولتی در قانون بودجه ۱۳۹۷ و قانون بودجه ۱۳۹۶ به تصویر کشیده شده است.

موضوع حائز اهمیتی که در ارتباط با استمرار استفاده از ابزارهای مالی و در نتیجه عمق بخشی به بازارهای بدهی از سوی دولت می‌بایست مدنظر قرار گیرد، کاهش ریسک نکول اوراق و به تبع آن ارتقای اعتماد عمومی به اوراق مالی دولتی می‌باشد. در این ارتباط مهم‌ترین گام پیش بینی اعتبارات موردنیاز جهت تسویه اصل و سود اوراق سررسید شده می‌باشد.

۵-۱-۲- اوراق مرابحه

در برخی منابع اهل سنت از ابزاری که در محتوا شبیه ابزار قبلی است نام برده شده است. در این منابع گفته شده بانک‌ها برای دادن تسهیلات به مشتریان خود می‌توانند از ابزار دیگری به نام مرابحه استفاده کنند. اصل عقد مرابحه که از قدیم متداول بوده به این صورت است که کسی کالای خود را با درصد یا مقداری بیشتر از قیمت خرید به دیگری بفروشد، یعنی بگوید: من روی این کالا ده درصد قیمت خرید یا به طور مثال هزار تومان سود می‌خواهم. همین‌طور خریدار نیز می‌تواند چنین قراری را با فروشنده بگذارد یعنی بگوید: ده درصد مبلغ خرید آن به تو سود می‌دهم و... البته در این صورت لازم است فروشنده خریدار را از قیمت خرید آن آگاه سازد (پیغامی، عادل ۱۳۹۱).

۵-۱-۳- اوراق اجاره

این اوراق بر تأمین مالی از طریق اجاره مبتنی هستند که برای فروش به همگان صادر می‌شوند. روش کار بدین صورت است که ابتدا کالاها و تجهیزات مورد نیاز دولت و همچنین اشخاص حقیقی و حقوقی به وسیله بانک‌ها خریداری شده به جای فروش نسبی به آنها اجاره داده شود سپس بدین جهت که اصل مالکیت بانک محفوظ است اسناد مالکیت آنها را می‌توان خرید و فروخت. افزون بر این که مال الاجاره آنها که به وسیله دولت یا سایر مستأجران پرداخت می‌شود به صورت سود مالکان سهام قابل توزیع و سرمایه گذاری مجدد است و هرچه مبلغ اجاره بیشتر شود قیمت سهام نیز افزایش می‌یابد. اسناد مالکیت ساختمان‌ها یا تجهیزات یا هواپیماها یا هر کالای بادوام دیگری که بتوان منفعت آن را اجاره داد می‌تواند در شکل این اوراق به فروش برسد. اوراق اجاره به شکل‌های گوناگون و به وسیله مراکز گوناگون قابل انتشار است: دولت می‌تواند مؤسسات دولتی موجود را در قالب اوراق اجاره بفروشد. این مؤسسات به ملکیت خریداران در می‌آیند و دوباره از آنها اجاره می‌شوند.

همچنین دولت می‌تواند اشیایی را به وکالت از صاحبان اوراق خریداری کند. پس مشتری اوراق چون مالک اشیا است متحمل تمام خسارت‌های آنها می‌شود. البته مستأجر (دولت) نیز به وکالت از مالک می‌تواند عهده دار نگهداری و بیمه آنها شود. این اوراق می‌تواند با قیمت‌هایی که عرضه و تقاضا آنها را تعیین می‌کند در بازار خرید و فروش شود. قیمت بازاری این اوراق با قیمت فعلی درآمد انتظاری آن‌ها و قیمت جاری اصل آن در پایان عقد اجاره متناسب است.

بخش خصوصی و از جمله بانک‌ها نیز می‌توانند به خرید کالاهای بادوام یا تأسیس بناها و مراکزی اقدام کرده سپس آنها را به دولت و سایر مراکز معتبر اجاره دهند و اوراق اجاره را در اختیار مشتریان خود قرار داده

یا آنها را در بازار ثانویه بخرند و بفروشند^۱.

۵-۱-۴- اوراق مضاربه

یکی دیگر از ابزارهایی که می تواند جایگزین اوراق قرضه شود و با آن می توان حجم پول را نظارت کرد، اوراق مضاربه است. این ابزار نخست از سوی برخی محققان اهل سنت پیشنهاد شد سپس در ایران نیز معاونت اقتصادی وزارت دارایی آن را عنوان کرد (پیغامی، عادل ۱۳۹۱). از این اوراق در چند جهت می توان استفاده کرد:

اول. جذب نقدینگی

از این اوراق می توان در جذب نقدینگی سرگردان در جامعه و جهت دادن به آن در مسیر اهداف بازرگانی داخلی و خارجی برای کالاهای مورد نیاز جامعه استفاده کرد. این کار را بانک ها می توانند انجام دهند و آنها یا خود به طور مستقیم در جایگاه عامل مضاربه به تجارت اقدام کنند یا به وکالت از صاحبان سپرده سرمایه حاصل از آن را در اختیار متقاضیان تسهیلات جهت عملیات مضاربه واگذارند. راه دیگری که به نظر متناسب تر می رسد این است که بانک ابتدا با منافع خود عملیات مضاربه را با متقاضیان تسهیلات آغاز کرده سپس سهام مالکیت خود را بین سپرده گذاران در مقابل سپرده آنها واگذارد. در این صورت نیز این اوراق قابل خرید و فروش است.

دوم. تأمین مالی دولت

هرگاه دولت برای تأمین کالاهای سرمایه ای و کالاهای ضروری مردم دچار کسری بودجه باشد بانک ها می توانند در نقش عامل مضاربه این کالاها را تأمین کرده در اختیار دولت قرار دهند یا ممکن است برای جلوگیری از افزایش قیمت ها در بازار داخلی با عاملان مضاربه شرط شود که کالاهای خاصی را به کشور وارد کرده در بازار به فروش رسانند.

سوم. اعمال سیاست پولی

بانک مرکزی با خرید و فروش این اوراق در بازار بورس یا از طریق بانک ها می تواند بر ذخایر بانک ها و حجم پول نزد مردم تأثیر گذارد.

چهارم. اوراق مشارکت

استفاده از ابزار اوراق مضاربه در اجرای سیاست های پولی با توجه به این که رسیدن به اهداف این سیاست ها به طور معمول در طول زمان امکان پذیر خواهد بود دچار مشکل می شود از این جهت به کارگیری ابزارهای دیگر لازم است که با این مشکلات مواجه نباشند. یکی از این ابزارها اوراق مشارکت طرح های سپرده سرمایه گذاری

مبتنی بر عقد شرکت است.

نشر اوراق مشارکت به چند صورت امکان دارد: اولاً در یک تقسیم بندی کلی این اوراق یا به منظور تأمین تمام یا قسمتی از سرمایه شرکت های جدید یا خرید قسمتی از سهام شرکت های موجود به منظور گسترش سرمایه آن و اهداف دیگر می باشد.^۱

پنجم. تنزیل بدهی مردم به دولت نزد بانک مرکزی

هرگاه بانک مرکزی درصد سیاست انبساطی باشد می تواند طلب دولت از مردم را که از طریق فروش نسبه کالاهای دولتی ارائه خدمات مالیات و سایر حقوق دولت که براساس توافق مدت دار است پدید آمده تنزیل کند. این نرخ ها براساس سیاست پولی بانک مرکزی تعیین می شود. از این جهت که این طلب ها همیشه وجود دارد و طلب های بعدی می توانند جایگزین طلب های پیشین شوند چنین ابزاری استمرار لازم برای اجرای سیاست پولی را نیز دارد البته میزان کارایی و مشکلات اجرایی آن را باید کارشناسان بررسی کنند (پیغامی، عادل ۱۳۹۱).

ششم. اوراق قرضه بدون بازدهی

در این طرح آمده است: دارندگان این اوراق توقع به دست آوردن هیچ نوع بازدهی از سرمایه گذاریشان ندارند و به مفهوم واقعی قصد دارند قرض الحسنه بدهند البته سرمایه گذار علاقمند است که در زمان برگشت سرمایه بتواند با آن همان مقدار کالاهایی را که در زمان سپرده گذاری می توانست بخرد خریداری نماید. لازمه حفظ قدرت خرید این است که سازمان های منتشر کننده این اوراق متعهد باشند هر ساله کاهش قدرت خرید سرمایه وی را جبران کنند. جبران این کاهش به دو طریق ممکن است: الف. افزودن به مبلغ اسمی متناسب با نرخ تورم در طی دوره ب. در روش دوم هر ساله مبلغی برابر با حاصل ضرب مبلغ قرض الحسنه در نرخ تورم به قرض دهنده پرداخت کنند و در پایان دوره نیز اصل وام را پس دهند.^۲

۶- جمع بندی

با توجه به آنچه بیان شد، بر اساس جهان بینی و نگرش اسلام به جهان و انسان، در این مکتب حکومت به منزله ابزاری برای تکامل انسان است؛ اهداف و وظایفی که برای دولت اسلامی مقرر شده است نیز در همین راستا می باشد. به طور مسلم برخی از آنچه که برای دولت اسلامی بیان شد، سایر حکومت ها نیز برای خود بیان می دارند، اما تعاریف و مصادیق این اهداف در نظام های گوناگون، متفاوت است. در نگرش های سوسیالیستی، که معتقد به «اصالت جامعه» هستند، این اهداف و وظایف با محوریت حقوق جامعه و تکالیف فرد در مقابل اجتماع تعریف می شوند. در نظام های لیبرالیستی، که مبتنی بر «اصالت فرد» هستند، جامعه وجودی قراردادی

۱. روح اله الموسوی الخمینی (الامام) تحریر الوسیله ج ۱ ص ۶۲۴.

۲. سعید فراهانی: سیاستهای پولی در بانکداری بدون ربا ص ۹۸ به بعد.

و غیرواقعی است؛ در نتیجه، اهداف و وظایف دولت نیز در چارچوب چنین نظریه‌ای قرار می‌گیرد و میزان مداخله آن در امور افراد، حداقل است.

در اسلام، چون هم فرد اصالت دارد و هم جامعه، اهداف و وظایف به گونه‌ای تعریف می‌شوند که تضمین‌کننده حقوق فرد در مقابل جامعه و جامعه در برابر فرد باشد؛ در نتیجه، کمال انسانی اولین و مهم‌ترین هدف حکومت را تشکیل می‌دهد و ساختن جامعه‌ای که در آن فضایل اخلاقی و انسانی، زیربنای روابط افراد را تشکیل دهد، وظیفه مهم این حکومت را تشکیل می‌دهد.

عدالت و استقرار آن، هدف متعالی دیگر حکومت اسلامی است. رمز حرکت رو به رشد و تکامل جامعه، در گرو استقرار عدالت است و حکومتی می‌تواند جامعه را به سمت کمال حرکت دهد که خود عادل باشد. از دید اسلام ما باید کارایی را در همه‌ی شئون زندگی مدنظر قرار دهیم، اتم از تولید، توزیع و مصرف، اگر اینگونه عمل شود عدالت اسلامی بوجود آمده است.

نحوه برخورد با هر یک از این موارد اقتصادی در دستورات اسلامی ذکر گردیده است و دولت اسلامی باید در چارچوب سیاست‌های مختلف پولی، مالی و در چارچوب قانون‌گذاری خود به آن‌ها توجه کند. به نظر اسلام مشکلات اقتصادی، از کمبود امکانات و خست طبیعت ناشی نشده است. در آیات قرآن پس از ارائه و بیان ثروت خداوندی مؤکداً ذکر شده که نعمتهای جهانی برای رفع نیازهای بشر کافی است و مشکلات موجود، معلول رفتار انسانی و استفاده غیر بهینه از منابع است.

آشکار است که بدون افزایش میزان بهره‌وری، هیچ جامعه و هیچ اقتصادی نمی‌تواند انتظار اعتلای سطح زندگی شهروندان خود را داشته باشد.

در یک جمع‌بندی می‌توان عنوان نمود که با استفاده از اصول علمی اندازه‌گیری کارایی و بهره‌وری می‌توان به دستورات شارع مقدس در زمینه استفاده مطلوب از امکانات موجود جامعه عمل پوشانید و به عنوان نمونه شایستگی مدیران را با درصد تغییر در بهره‌وری آنها سنجید. هر چه بهره‌وری سریعتر افزایش یابد استانداردهای زندگی نیز سریع‌تر بهبود خواهد یافت.

عدالت اجتماعی، امروزه از ارکان اصلی و اساسی توسعه است، به طوری که توسعه اتفاق نخواهد افتاد مگر اینکه حد قابل قبولی از عدالت اجتماعی در جامعه وجود داشته باشد ولو اینکه رشد اقتصادی در جامعه به وجود آمده باشد.

در مجموع، به نظر می‌رسد که دستورات و آموزش‌های اسلامی، نه تنها مانعی برای توسعه نمی‌باشند، بلکه پتانسیل لازم برای هدایت جامعه اسلامی به سمت رشد ابعاد اجتماعی، اقتصادی و سیاسی و در مجموع توسعه را دارا می‌باشد.

دلیل احتمالی عقب ماندگی این جوامع، اولاً؛ برداشت بعضاً نادرست از دستورات و هدایت‌های موجود در دین است، ثانیاً؛ عدم یا نقص تقید به اجرای هماهنگ و کامل این دستورات می‌باشد. آنچه امروز در کردار جوامع مسلمان مشهود است، رفتار براساس مجموعه‌ای از ارزشها است که به نظر می‌رسد بخش قابل توجهی از آن خارج از مبانی دینی و براساس شرایط تاریخی، فرهنگی و اجتماعی آنها می‌باشد.

در مباحث اسلامی آن چیزی که ارزش‌والایی دارد و به عنوان هدف به آن نگاه می‌شود رعایت عدل و

انصاف در رابطه با دیگران و معامله با آنها می‌باشد و طوری عدالت تعریف شده که همه جوانب را در خود دارد و چه به فردی که از لحاظ دارایی چیزی ندارد توجه شده است و چه فردی که اموال زیادی دارد و آن را برای کسب روزی و درآمد خود و دیگران به کار می‌گیرد.

انواع سیاست‌هایی که در اسلام آمده است هم این چارچوب را در خود دارند و در همه آنها اصول تاثیرگذار در کارایی بازار رعایت شده است و حاکم اسلامی به گونه‌ای عمل می‌کند که شرایط بازار حفظ شود و در صورت شکست بازار و ضایع شدن حقوقی تاثیر خود را می‌گذارد و نظم بازار را حفظ می‌کند.

منابع و مأخذ

- قرآن، ترجمه‌ی مهدی الهی قمشه‌ای، تهران: بنیاد نشر قرآن، ۱۳۶۷.
- ابطحی، سید حسین و بابک کاظمی، کتاب «بهره‌وری»، تهران، مؤسسه مطالعات پژوهشهای بازرگانی، (۱۳۸۳).
- اقدسی، محمد؛ بیماری نرم افزاری و فنون انسان افزاری ارتقای بهره‌وری، تهران، مرکز آموزش مدیریت دولتی، ۱۳۷۵ ش.
- آسایش، حسین؛ جغرافیای فقر، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۷۴ ص ۴، ۱۳۷۶.
- آمدی، عبد الواحد بن محمد؛ تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، تحقیق: مصطفی درایتی، مکتب الأعلام الإسلامی، بی‌تا.
- امامی مبینی، علی، اهمیت و شناخت بهره‌وری از دیدگاه اسلام و ضرورت اندازه‌گیری عملی آن، کنفرانس اسلام و توسعه.
- باقری، علی، مبانی عدالت اقتصادی در اسلام و سایر مکاتب، (قم: دانشگاه مفید)، صص ۹۲ و ۶۰، ۱۳۷۶.
- پیغامی، عادل، سیاست های پولی و مالی در اسلام: سیاست های پولی و مالی در اقتصاد اسلام، دانشگاه امام صادق(ع)، ۱۳۹۱.
- پیغامی، عادل، مباحثی در مرزهای دانش اقتصاد اسلامی، تهران: دانشگاه امام صادق علیه السلام، ۱۳۸۸.
- جمعه پور، محمود؛ دست یابی به توسعه پایدار انسانی، مجموعه مقالات رویکرد فرهنگی به جغرافیا، دانشگاه فردوسی مشهد، ص ۲۸، ۱۳۷۹.
- حکیمی، محمدرضا، تعریف عدالت از زبان امام صادق (ع)، نقد و نظر، ش ۳ و ۲، ص ۶۱، بهار و تابستان ۱۳۷۶ هـ.ش.
- رستگار جویباری، ولی‌الله، اسراف از دیدگاه اسلام، نشر الأصفیاء، تهران ۱۳۸۰.
- ردهد، برایان، اندیشه سیاسی از افلاطون تا ناتو، مرتضی کامی و اکبر افسری (تهران: انتشارات آگاه)، صص ۲۷۶، ۱۳۷۵.
- ساندل، مایکل، لیبرالیسم و منتقدان آن، احمد تدین، (تهران: انتشارات علمی و فرهنگی)، ۱۳۷۴ هـ.ش.
- سجادی، سید جعفر، فرهنگ علوم عقلی، (تهران: انجمن اسلامی حکمت و فلسفه ایران)، ۱۳۶۱ هـ.ق.
- سید کاظم صدر، نقش سرمایه انسانی در توسعه اقتصاد صدر اسلام، سال دوازدهم، در مجله دانشکده علوم اداری و اقتصاد، ص ۶، ۱۳۷۷.
- عامری، سید عبدالوهاب بن محمد، تزییف الغرر، تحقیق از مصطفی درایتی، (قم: مکتبه الاعلام الاسلامی)، ص ۳۴.
- عظیمی‌شوشتری، عباسعلی، اهداف و وظایف کلی دولت در اسلام: موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی(ره)، سال اول، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۸۸.
- عیوضلو حسین، شاخص های عدالت اقتصادی: کمیسیون اقتصاد کلان، بازرگانی و اداری کمیته‌ی اقتصاد و تلفیق مجمع تشخیص مصلحت نظام، ۱۳۸۶.

- عیوضلو حسین، بررسی امکان سازگاری معیارهای عدالت و کارایی در نظام اقتصاد اسلامی، رساله دکتری اقتصاد، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۹.
- قحف، محمد مندر (۱۹۴۰) مقدمه ای بر اقتصاد اسلامی، ترجمه عرب مازار، عباس (۱۳۷۶). تهران: سازمان برنامه و بودجه.س اندل، مایکل، لیبرالیسم و منتقدان آن، احمد تدین، (تهران: انتشارات علمی و فرهنگی)، ۱۳۷۴ هـ.ش.
- کمیجانی، اکبر و نظریور، محمدنقی، «چگونگی کاربرد عقد استصناع در قانون عملیات بانکی بدون ربا»، فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ش ۳۰، ۱۳۸۷.
- محمدی، محمد داود، مالیه ی عمومی با رهیافت اسلامی: مرکز تحقیقات دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۸۷.
- طبرسی، مجمع البیان، ج ۶، ص ۶۳۳، ناصر خسرو، تهران، چاپ سوم، ۱۳۷۲ هـ.ش.
- طباطبایی، سید محمد حسین، تفسیر المیزان، (تهران: دارالکتاب الاسلامیه)، ج ۱۴، ص ۳۰۲.
- محدث نوری، مستدرک الوسائل، (قم: مؤسسه آل البيت)، ج ۱۱، ص ۳۱۸، ۱۴۰۸ هـ.ق.
- معین، محمد، فرهنگ فارسی معین، (تهران، مؤسسه امیرکبیر)، ج ۲، ص ۲۲۷۹، ۱۳۶۲ هـ.ش.
- مطهری، مرتضی، بیست گفتار، (تهران، صدرا ۱۳۷۳)، ص ۶۲ و ۴۰.
- مطهری مرتضی، « عدل الهی » ، انتشارات صدرا، چاپ دوم، ۱۳۵۲.
- مطهری، مرتضی، بررسی اجمالی مبانی اقتصاد اسلامی، (تهران، حکمت، ۱۴۰۳ هـ ق)، ص ۱۵-۱۴.
- مکی العاملی محمد بن جمال الدین (شهید اول) اللمه دمشقیه، جزء اول ، دار احیاء التراث العربی ، بیروت، ۱۹۸۳.
- مهریزی مهدی م، عدالت به منزله قاعده فقهی نقد و نظر، شماره های دوم و سوم ، بهار و تابستان ۱۳۷۶.
- موسویان، سیدعباس، ابزارهای مالی اسلامی، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۶.
- موسوی سید جمال الدین، عدالت اجتماعی در اسلام تهران، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، ۱۳۸۰.
- نهج البلاغه، ترجمه سیدجعفر شهیدی، تهران، انقلاب اسلامی، چ هشتم، ۱۳۶۹.
- Baumol W. J, "Superfairness", The MIT Press, Massachusetts Institute of technology 1986.
- Cambridge, Cambridge University press, 1982.
- Harsanyi John, "Morality and the theory of optimal behavior", in: A. Sen, and B. Williams eds., Utilitarianism and beyond ,
- Leventhal and Michaels, "Locus of Cause and Equity Motivation as Determinants of Reward Allocation 1971
- Rawls John , "A Theory of justice", Oxford University Press, 1986.
- Walzer Michael, "Spheres of Justice": A Defence of Pluralism and Equity, NY: Basic Books, Inc.

واکاوی ریشه‌های اندیشه‌ای: بحران های پولی، بانکی و مشروعیتی چهار دهه اقتصاد ایران (از منظر اقتصاد اسلامی)

محمد اسماعیل توسلی^۱

چکیده:

اقتصاد ایران چهار دهه است از سه بحران بزرگ پولی، بانکی و مشروعیتی رنج می برد. واکاوی ریشه های اندیشه ای این بحرانها از منظر اقتصاد اسلامی نشان می دهد، منشأ این بحران ها به سه اندیشه اساسی در سطح مکتب و نظام اقتصادی در بین اندیشه وران اقتصاد اسلامی بر می گردد. نتیجه حاکمیت این اندیشه ها در چهار دهه گذشته تورم های شدید، گسترده، مزمن و آثار بسیار ناگوار اقتصادی، اجتماعی، اخلاقی و سیاسی ناشی از آن بر تمام سطوح جامعه می باشد. ضمن این که با وجود همه تلاشهای انجام شده در زدودن ربا از بطن نظام مالی و بانکی هنوز اکثر فقها و مردم نظام مالی و بانکی ایران را ربوی می دانند. مقاله حاضر با فرض وجود این سه بحران در اقتصاد ایران با روش توصیفی-تحلیلی به منشأهای اندیشه ای این بحران ها از منظر اقتصاد اسلامی نزد اندیشه وران اسلامی و اجمالاً به تبیین مبنایی و بنایی ناصواب بودن این اندیشه ها پرداخته است.

واژگان کلیدی: اقتصاد ایران، اقتصاد اسلامی، بحران پولی، بحران بانکی، بحران مشروعیتی

مقدمه: اقتصاد ایران چهار دهه است از سه بحران بزرگ پولی، بانکی و مشروعیتی رنج می‌برد. واکاوی ریشه‌های اندیشه‌ای این بحرانها از منظر اقتصاد اسلامی نشان می‌دهد، منشأ این بحرانها به سه اندیشه اساسی در سطح مکتب و نظام اقتصادی در بین اندیشه وران اقتصاد اسلامی بر می‌گردد. این اندیشه‌ها چهار دهه است که بر سیاستمداران اسلامی، تصمیم سازان و مشاورین فقهی شان حاکم است. با مشروع دانستن باز بودن دست دولت در انتشار پول اضافی در چهار دهه گذشته بر نظام پولی کشور شاهد افزایشهای مستمر پایه پولی یا پول پر قدرت به وسیله همه دولتهای سازندگی، اصلاحات، عدالت و اعتدال بوده ایم. با مشروع دانستن خلق پول اعتباری و رها کردن بانکها در دهه اخیر شاهد جولان لجام گسیخته بانکها با افزایش عظیم خلق پول اعتباری هستیم. نتیجه همه اینها تورم های شدید، گسترده، مزمن و آثار بسیار ناگوار اقتصادی، اجتماعی، اخلاقی و سیاسی ناشی از آن بر تمام سطوح جامعه می‌باشد. ضمن این که با وجود همه تلاشهای انجام شده در زدودن ربا از بطن نظام مالی و بانکی هنوز اکثر فقها^۱ و مردم نظام پولی و بانکی ایران را ربوی می‌دانند. مقاله حاضر با فرض وجود این سه بحران در اقتصاد ایران با روش توصیفی-تحلیلی به منشأهای اندیشه‌ای این بحرانها از منظر اقتصاد اسلامی نزد اندیشه وران اسلامی و اجمالاً به تبیین مبنایی و بنایی ناصواب بودن و ناقص بودن این اندیشه‌ها و آثار ناگوار و بحران زای حاکمیت این اندیشه‌ها بر کل اقتصاد ایران و تبیین اجمالی اندیشه جایگزین و آثار مبارک آن برای مردم و نظام و در نهایت توصیه‌های سیاستی لازم براساس آن می‌پردازد^۲.

اندیشه اول: دولت به حکم اولی حق دارد به هر شکل که صلاح می‌داند پول منتشر کند بدون اینکه ضامن جبران کاهش ارزش پول باشد.

ریشه این اندیشه از منظر اقتصاد اسلامی بر می‌گردد به تحلیل‌هایی از ماهیت پول که در بین اندیشمندان اسلامی و فقها طی چهار دهه گذشته مطرح و مورد پذیرش بوده است. این دو نظریه عبارتند از: ۱- نظریه قدرت خرید ۲- نظریه ارزش اسمی. تعداد معتناهایی از این اندیشه وران با تفاوت اندکی در تعبیر معتقد به نظریه قدرت خرید بوده و به تبیین و اثبات آن پرداخته‌اند. نخستین آنها شهید آیت‌الله صدر (ره) است. وی در کتاب الاسلام یقود الحیاء (صدر، دت، ۲۴۷) درباره پول‌های کاغذی می‌گوید: «پول‌های کاغذی اگر چه مال مثلی است ولی مثل آن تنها همان کاغذ نیست، بلکه هر چیزی است که قیمت حقیقی آن را مجسم و بیان

۱. آیت الله مکارم شیرازی: باید بانکداری را اصلاح و اسلامی کنیم؛ هر کاری می‌کنیم از طرف دیگر بوی غرب می‌دهد، خیلی کار می‌خواهد تا بانکداری تبدیل به اسلامی شود. نکته مهم اجرای بانکداری اسلامی است، بانک‌ها گوش به بانکداری اسلامی نمی‌دهند؛ هر چه می‌گوییم به قانون بانکداری اسلامی عمل کنید گوش نمی‌کنند، این مسئله را بارها تذکر دادیم، ولی عملی نشد. مسئولین برخی بانک‌ها می‌خواهند درآمد بیشتر داشته باشند و مقید به بانکداری اسلامی نیستند. مشکل دیگر دور زدن قانون بانکداری اسلامی است، بانک‌ها به بهانه‌های مختلف کلاه درست می‌کنند و قانون را دور می‌زنند. آیت‌الله علوی گرگانی: اگر اقتصاد اسلامی می‌خواهد صورت گیرد، باید منابع مأخذه اصلی اصلاح شود، چون در غیر این صورت بی‌فایده است؛ یک منبع اولیه اصلی امور مالی کشور عبارت از بانک‌ها و ... خواهد بود، چراکه تا بانک اصلاح نشوند، جامعه درست نخواهد شد، چون بنیه جامعه روی امور مالی می‌گردد و تا پولی در جامعه نباشد، حرکتی اتفاق نمی‌افتد. آیت‌الله نوری همدانی: ربا، گناه کبیره‌ای است که در اسلام حرام است. اگر در مقابل یک قرض، پول بیشتری گرفته شود، حرام و ربا است و متأسفانه این کار در بانک‌های ما انجام می‌شود. آیت الله سبحانی: مسئله دیرکرد وام، نگران‌کننده است و قالب استفتائات مردم در همین رابطه است و نشان می‌دهد جامعه از این بابت دچار خسران شده که موجب ناراحتی بوده و لازم است فکری برای حل این مشکل کرد. آیت‌الله جوادی آملی: ملت بدون ثروت مادی فقیر بوده و ستون فقرات او شکسته است؛ اکنون این ثروت‌ها در بانک‌های ربوی جمع‌آوری شده، در صورتی که ظرفیت‌های بسیاری در نقاط مختلف کشور نیازمند این سرمایه‌هاست. حقوق کارمندان بانک‌های ربوی حرام است، زیرا حقوق حلال در برابر کار حلال گرفته می‌شود. (باز نشر: خبرگزاری فارس، ۲۵. ۱۰. ۹۷)

۲. تبیین تفصیلی هر یک از این بحرانها و بررسی و نقد ریشه‌های اندیشه‌ای هر یک از منظر اقتصاد اسلامی خود پژوهش جداگانه و سنگینی می‌طلبد.

می‌کند. از این رو، اگر بانک هنگام بازپرداخت سپرده‌ها به سپرده‌گذاران قیمت حقیقی آنچه که دریافت کرده‌است، پرداخت کند. مرتکب ربا نشده است». وی در ادامه مطلب می‌گوید: «قیمت حقیقی براساس طلا و ارز طلا اندازه‌گیری می‌شود». از این کلام شهید صدر (ره) برمی‌آید که وی قیمت حقیقی یا قدرت خرید را جزء ویژگی اصلی و صفت حقیقی و ذاتی پول کاغذی می‌بیند زیرا آن را در مثلث پول دخیل می‌داند، و نیز حکم به عدم ارتکاب ربا در هنگام بازپرداخت سپرده به قیمت حقیقی قرینه دیگری است که ایشان قیمت حقیقی و به تعبیری «قدرت خرید» را جزء ویژگی اصلی و صفت ذاتی و حقیقی پول کاغذی کنونی می‌داند. آیت‌الله بجنوردی (موسوی بجنوردی، ۱۳۷۲، ۱۱۰) تمام حقیقت و هویت اسکناس را «قدرت بر خرید» می‌داند که به وسیله مرجعی معتبر به آن داده شده است. آیت‌الله شاهرودی (هاشمی شاهرودی، ۱۳۷۴، ۶۶-۶۸) نیز همه هستی و اساس پول را «ارزش و توان خرید» می‌داند. حجت الاسلام یوسفی (یوسفی، ۱۳۷۷، ۱۴-۶۱) با رویکرد «مالیت اعتباری» و با تفکیک بین اسکناس و پول تحریری به این نتیجه رسیده که اسکناس پول فیزیکی دارای ارزش مبادله‌ای عام است و پول تحریری شیئی غیرفیزیکی است که خود فی‌نفسه ارزش مبادله‌ای عام دارد.

اساسی‌ترین اشکال مبنایی این دیدگاه این است که قانون نمی‌تواند مالیت و قدرت خرید را که وصف اضافی و نسبی و عَرَض است با جعل و اعتبار به مال که ذات و جوهر است تبدیل کند. ابتدا باید ذاتی و جوهری باشد تا بعد بتوان به آن مالیت و قدرت خرید داد. خود مالیت که عَرَض است نمی‌تواند جای جوهر بنشیند و در عین حال که عرض است جوهر باشد، زیرا همان گونه که مرحوم سبزواری (بی تا، ۲۴۹) می‌فرماید، عَرَض به تنهایی نمی‌تواند وجود داشته باشد حتماً باید ضمن جوهری باشد. زیرا عَرَض تابع است. بنابراین، اگر چه در جهان اعتبار هستیم، در عین حال باید مطابق عالم تکوینیات که ابتدا باید جوهری باشد تا بعد بتوان برای آن عرض قابل انفکاک را جعل کرد. در اینجا که جوهری تکوینی وجود ندارد، باید جوهری ادعایی را در نظر گرفت سپس مقدار ارزش مبادله‌ای آن را تعیین کرد.

مؤلفان کتاب پول در اقتصاد اسلامی (دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۴، ۷۶-۸۰) پس از آن که مالیت پول اعتباری کنونی را از نوع مثلی دانستند. احکام مال مثلی را بر آن بار کردند، آنگاه این پرسش را مطرح کردند که مقوم مثلیت چیست؟ ارزش اسمی یا قدرت خرید؟ این مؤلفان در پاسخ دو عقیده را مطرح کردند. گروهی که عقیده دارند مقوم مثلیت «قدرت خرید» است. از این رو، اگر قرض داده شود در صورت کاهش ارزش باید جبران گردد. و گروهی دیگر که معتقدند مقوم مثلیت همان ارزش اسمی است و نه چیز دیگر و جبران لازم نیست. آنگاه این مؤلفان به تقویت دلایل گروه دوم در ردّ گروه اول پرداختند. از جمله این که قدرت خرید از عوارض و حالات است لذا اگر فردی مقداری پول اعتباری قرض کند، عرف نمی‌گوید او قدرت خرید قرض کرده‌است و دیگر این که اگر قدرت خرید پول، همان قیمت مبادله‌ای واقعی آن باشد. پس پول مال مثلی نیست بلکه یک کالای قیمی است. در حالی که هیچ یک از فقها پول را مال قیمی نمی‌داند. به عقیده اینها پول کنونی اعتباری است و مقوم مثلیت آن همان ارزش اسمی است که روی اسکناس مکتوب است. پول در نزد اینها عبارت است از ارزش مبادله‌ای خالص اشیا که ارزش مصرفی آن نیز در همین ارزش

مبادله ای است. ارزش پول وابسته به اصل ارزش مبادله ای است نه مقدار آن و اصل ارزش مبادله ای هم از ویژگی های نسبی پول است.

اما نظریه ارزش اسمی نیز اجمالاً رضایت بخش نیست. زیرا، اولاً ارزش اسمی تنها نشان دهنده تعداد واحدهای پولی مکتوب بر روی اسکناس است. از عنوان «ارزش اسمی» چیزی بیش از این مفهوم نمی توان استخراج کرد. ثانیاً؛ ریال، دلار، پوند و امثال اینها عناوین مشیر هستند، باید دید مشارالیه اینها چیست، حال آن که، نظریه ارزش اسمی از این حیث کاملاً ساکت است و هیچ تحلیلی از مسمای اینها ارائه نمی دهد. در نتیجه ماهیت مال در نظریه ارزش اسمی مبهم است. افزون بر این که نظریه ارزش اسمی از آنجا که به طور تفریطی هیچ قسمت از کاهش ارزش پول را قابل جبران نمی داند راهکاری غیر طبیعی ارائه می دهد مبنی بر اینکه در دوره تورمی قرض دهنده پولهایی مانند سکه طلا را که ارزش نسبتاً ثابتی دارند برای قرض دادن انتخاب کند. حال اگر در اقتصاد به این توصیه عمل شود و عمومیت پیدا کند منجر به سقوط پول ملی و خارج شدن آن از صحنه اقتصاد خواهد شد. ضمن اینکه طلا به اندازه کافی برای پوشش حجم عظیم معاملات اقتصاد موجود نیست. شاهد بر مدعا اینکه در مقطعی برخی بانکها سپرده گذاری بر مبنای طلا را پیشنهاد دادند اما نتوانستند از عهده اش برآیند لذا عقب نشینی کردند.

برخی از مهم ترین آثار فقهی این دو نظریه بر سیاست پولی

بر اساس هر دو نظریه قدرت خرید و نظریه ارزش اسمی از نظر شرعی دولت به حکم اولی حق دارد به هر شکل که صلاح می داند پول منتشر کند بدون اینکه ضامن جبران کاهش ارزش پول باشد. به خاطر تسلط این دو اندیشه ناصواب در چهار دهه گذشته بر سیاستمداران کشور و مشاورین فقهی شان هر کدام از دولت های سازندگی، اصلاحات، عدالت و اعتدال خود را از نظر شرعی آزاد و محق دانسته و هریک در دوره ۸ ساله حاکمیتشان حجم نقدینگی را بیش از ۳ برابر کردند و به دنبال آن تورم های مزمن و مستمر را برای اقتصاد به ارمغان گذاشتند^۱. نتیجه تورم های مزمن و دامنه دار رکود های طولانی مدت، بیکاری رنج آور، کاهش مستمر قدرت خرید درآمدی کارمندان و کارگران که به همراه خانواده هایشان بیش از نیمی از جمعیت کشور را تشکیل می دهند، توزیع ناعادلانه ثروت، اقتصاد سوداگری و بنگاهی و ضد تولید، رانت، افزایش و رسوخ رشوه و فساد در تمام سطوح و ارکان جامعه و دولت است. حال اگر سیاستمداران و مشاورین فقهی شان درک و تحلیل صحیح تری از پول و ماهیت آن در اختیار داشتند و آن را می پذیرفتند از مردم عذر خواهی می کردند و جبران کامل خساراتی را که بر توده مردم وارد شده است در دستور کار قرار می دادند.

۱. به گزارش گروه اقتصاد پایگاه خبرگزاری الف، دکتر عباس شاکری در مصاحبه ای با عنوان «نگاهی به نقش شوک درمانی در بحران سازی نقدینگی» با احتساب ضریب فزاینده ۲،۴۷ این افزایش نقدینگی در هر دوره را ۷ برابر دانستند. وی در ادامه این جریان نقدینگی سازی را بمب نقدینگی تعبیر کردند که بهمن وار خودنمایی کرده است (خبرگزاری الف، گروه اقتصاد، ۲۵ شهریور ۱۳۹۷).

ارائه تحلیلی تکاملی و صحیح تر از ماهیت پول کنونی

از آنجا که مفروضات اساسی تحلیل‌های پیش گفته قابل جرح و تعدیل است و به خاطر پنهان ماندن بخش‌هایی از حقایق ماهیت پول در تحلیل اینها در نتیجه هیچیک از این دیدگاه‌ها به تنهایی نمی‌تواند رضایت کامل را فراهم آورد. در نتیجه لزوم ارائه تحلیلی جدید، تکاملی و صحیح تر در باره ماهیت پول که بتواند توضیح دهندگی کامل تری داشته باشد امری اجتناب ناپذیر است. با تحلیل تاریخی، فلسفی و تقنینی پول می‌توان منشأ رویش همه پدیده‌های پولی گذشته تا پدیده پولی که اکنون با روبرو هستیم را با رویکرد اعتباری و با یک تحلیل جامع و یکسان توضیح داد و هم پدیده پولی آینده را پیش بینی کرد. بر اساس این تحلیل «پول از هر نوع، چه از نوع کالایی و کاغذی و چه از نوع الکترونیکی و دیجیتالی و از هر حیث، چه از حیث واحد سنجش ارزش و چه از حیث ذاتی که واسطه مبادله قرار می‌گیرد، هر یک دارای مراتبی از اعتبار است». تنها باید مفاد و جزئیات اعتبار و قرارداد انجام شده را تحلیل کرد و دید اجتماع یا دولت چگونه و چه مالی را و با چه جزئیاتی در هر دوره پول اعتبار کرده است.^۱ آیا این مال عین خارجی است یا دین است یا منفعت واقعی و یا حق و یا یکی از اینها است به اعتبار یعنی اعتباری^۲ یا دین اعتباری^۳ یا منفعت اعتباری^۴ و یا حق اعتباری^۵.

اعتباری بودن واحد سنجش ارزش و تعیین مقدار ارزش آن روشن است چون با تعریف و اعتبار قانون شکل می‌گیرد. اما اعتباری بودن واسطه مبادله قدری تحلیل و دقت نظر می‌خواهد. شاهد بر مدعا این که در همان نظام پول کالایی این که کدام کالا پول باشد و چه مقدار از آن واحد سنجش ارزش باشد را اجتماع تعیین و قرارداد می‌کرد و این خود یک نحوه اعتبار است. در این نظام، پول در مرتبه تعیین نوع کالایی که باید پول شود و در مرتبه تعریف واحد سنجش ارزش اعتباری است. اما در مرتبه آنچه که باید واسطه مبادله باشد ماهیت فیزیکی به صورت سکه مضروب طلا یا نقره دارد. ذات و عین کالایی که در این دوره پول شده از حیث ماهیت، حقیقی و فیزیکی و از جنس طلا و نقره است. ارزش مبادله‌ای و مالیت آن هم به واسطه عرضه و تقاضا در بازار تعیین می‌شود نه بوسیله اعتبار قانون.

و اما نگرش اصلی در مورد پولهای کاغذی و دیجیتالی کنونی براساس تحلیل قوانین پولی کشورها به عنوان تنها سند مکتوب اعتبار انجام شده در پول و با توجه به آنچه در عمل رخ داده و واقعیت‌های کنونی پول که خود وجودی غیر فیزیکی و مستقل از طلا یا هر دارایی با ارزش دیگر دیده می‌شود، این است که «پول‌های کاغذی و دیجیتالی کنونی در همه مراتب اعتباری است». لذا بهترین عنوان برای این تحلیل «نظریه مال اعتباری» است. زیرا، در این تحلیل، علاوه بر آنکه ذات پول کنونی «عین اعتباری» است، ارزش مبادله‌ای اولیه آنها «قدرت خرید اعتباری» است. پول این ارزش اولیه را از قانون بدست آورده است نه از عرضه و

۱. فهم جزئیات این اعتبار است که می‌تواند به ما در دلالت‌های اقتصاد اسلامی آن کمک کند.

۲. در باره حقیقت و ماهیت پولهای کنونی به دنبال اثبات همین معنا هستیم که پول کنونی عین اعتباری است.

۳. می‌توان پول مخلوق بانک را برای دین اعتباری مثال زد که با استفاده از اعتبار بانک ایجاد میشود.

۴. مانند منفعتی که برای تمبر اعتبار میشود.

۵. مثل حق تألیف.

تقاضای بازار. گرچه بعد از انتشار ارزش ثانویه اش که نسبی، حقیقی و متغیر و در ارتباط با تولید ملی و عرضه و تقاضا است، پدیدار می شود (رک: توسلی، ۱۳۹۴، صص ۷۸-۸۴).

این پول اعتباری و غیر فیزیکی پدیده نیشغولی نیست. بلکه در ظرف اعتباری و نفس الامری دولت-ملت و ملت-ملت وجود دارد و بر اساس عهد و پیمانی اجتماعی بین دولت-ملت و ملت-ملت به صورت ثبت روی برگه اسکناس و سکه دلالتی یا ثبت در حساب بانکی یا ذخیره در تراشه دیجیتالی عینیت خارجی پیدا کرده و حد و حدود و مقدار معین دارد و تلاش فراوانی از حیث فناوری صورت گرفته و می گیرد که جعل و تکثیر غیر قانونی در آنها به کمترین حد ممکن برسد.

اثر فقهی تحلیل مال اعتباری بر سیاستهای پولی و جبران کاهش ارزش پول

بر اساس این تحلیل پول های کنونی همه مراتبش با جعل و اعتبار و قرارداد پدید آمده است. لذا پول های کنونی از هر حیث به خصوص واحد پول که براساس مقیاس خاص تعریف شده و دولت ها در قانون پولی خود را ملزم و متعهد به حفظ ارزش آن کرده اند، امری قراردادی و عهد و پیمانی اجتماعی بین دولت و ملت است. براساس این تعهد و بنابر آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ» (المائدۀ، آیه ۱) که براساس آن وفای به عهد واجب است، حفظ ارزش پول از نظر شرعی به عنوان مهم ترین هدف سیاست پولی با حکم اولی بر دولت واجب است. ید دولت ید امانی است و در صورت افراط و تفریط در حفظ ارزش پول مسئول و ضامن است. دولت حق انتشار پول ندارد. دولت حد انتشار پول دارد. مردم با اعتماد و به پشتوانه دولت است که پول های کاغذی، الکترونیکی و دیجیتالی را در مبادلات اقتصادی خویش به کار می گیرند و گردش اقتصاد را تسهیل می کنند. اگر این اعتماد و اطمینان به دولت از بین برود اقتصاد دچار بحران و هرج و مرج خواهد شد و از آن طرف هیچ چیز دیگری هم نمی تواند جای پول را بگیرد. پس دولت و حکومت موظف است به خاطر حفظ مصالح ملت ارزش پول را (البته در حد معقول) ثابت نگه دارد و متوجه است که پول به اندازه نیازهای اقتصادی در جریان باشد. گرچه برخی اندکی بیشتر از نیازهای اقتصادی را برای رشد و توسعه پایدار تجویز می کنند. وسائل الشیعۀ (الحرالعاملی، بی تا، ج ۶، ص ۱۷) از امالی حسن بن محمد طوسی از امام باقر (ع) روایت می کند که از آن حضرت درباره درهم و دینار سؤال شد فرمود: «هی خواتیم الله فی أرضه جعلها الله مصلحۀ لخلقه و بها تستقیم شؤونهم و مطالبهم». آنها مهر و خاتم خداوند در زمین هستند، خداوند آنها را به مصلحت انسان آفریده تا به وسیله آن کارهای استوار و خواسته هایشان برآورده گردد.

بر اساس نظریه مال اعتباری، پول مالیت و ارزش مبادله اش از دو جهت سرچشمه می گیرد. یک جهت آن حکومت است که ارزش و مالیت اولیه آن را با اعتبار و تعریف ارزش واحد پول بدان می دهد. و یک ارزش و مالیت ثانویه که با حضور و انتشار خارجی این پول بر اثر کمیابی نسبی مثل همه اموال دیگر برایش حاصل می شود. در این نظام هر گاه متناسب با رشد تولید ملی حقیقی، دولت پول اضافی منتشر کند ارزش پول تغییری نمی کند. اما در صورتی که بدون افزایشی در تولید ملی واقعی، بخواهد پول جدید منتشر کند و اسناد بدهی جدیدی وارد بازار گرداند، مفهومی این است که برابری ارزش واحد پول را از بین برده و اصل پایبندی را زیر پا گذاشته است. پس اگر دو برابر حجم پول موجود، پول جدید منتشر کند، معنایش این است که ارزش

واحد پول را در برابر نصف ارزش آن مقدار تعریف شده در قانون قرار داده است. چه آن را در قانون بیاورد یا نیاورد. این عمل مصداق عنوان فقهی «نقص در مال» است. اما اگر تورم یا کاهش ارزش پول به عواملی مثل جنگ، زلزله، خشکسالی برگردد، تنها نقصان در مالیت است و بر اساس قواعد و اصول فقهی برای دولت حکمی و تعهدی برای جبران در دستمزدها و حقوق در پی ندارد^۱. هر مالی نقصان مقتضی خودش را دارد، مثلاً گلاب هر گاه با آب مخلوط شود مالیتش کاهش می‌یابد و این عمل که منجر به کاهش مالیت و ارزش شده ناشی از عامل نقص در ذات مال است و ضمان آور است. لذا می‌توان گفت، پول کنونی که مال اعتباری است و از اجزای مثلی اعتباری برخوردار است، نقصان خاص خودش را دارد که از طریق عملکرد اعتبار کننده به وسیله سیاست‌های انبساطی پولی بی‌رویه با بر هم خوردن اعتبار تثبیت شده در قانون نقصان در ذات مال حاصل می‌شود. لذا دولت مسئول این بخش از کاهش ارزش و ضامن است و لازم است بی‌منت در حقوق‌ها و دستمزدها جبران کند.

اندیشه دوم: خلق پول اعتباری حق مسلم بانکها است.

بسیاری از مشکلاتی که هم اکنون در بخشهای مختلف اقتصادی مشاهده می‌کنیم ناشی از رفتار ناهنجار جامعه با پدیده مبارکی به نام پول بوجود آمده است. بشر با ابداع پول گرچه توانست از مشکلات عدیده نظام پایاپای رهایی یابد و با روان شدن معاملات افزایش چشمگیر رفاه را رقم بزند اما همواره سرمایه داران ربا خوار و دولت های درمانده در طول تاریخ - به هر شکلی که پول بوده است - آن را به خدمت گرفته و بهره برده اند. با ظهور بانک ها در اقتصاد، اینها هم از مسیر انواع قراردادهای ربوی همانند سرمایه داران ربا خواران به نابرابری ثروت دامن زدند و هم همانند دولت ها از مسیر ظرفیت عظیم خلق پول اعتباری از طریق بانکداری ذخیره جزئی و خلق پول از هیچ که در اختیارشان قرار گرفت توزیع نابرابر ثروت را در جامعه دو چندان کردند. بانکداری ذخیره جزئی و خلق پول اعتباری که معروف است از صندوق امانات پالمستراخ بانکدار سوئدی شروع شده با یک خیانت در امانت آشکار همراه بوده است. پالمستراخ به تجربه فهمید مردم به یکباره برای دریافت سکه هاشان که به امانت گذاشته بودند مراجعه نمی‌کنند ضمن این که عده ای که از صندوق پول برداشت می‌کنند عده ای دیگر به همان مقدار پول در صندوق به امانت می‌گذارند لذا اگر مقداری از این امانت را به دیگران وام بدهد و مقداری را احتیاطاً در صندوق نگه دارد مشکلی پیش نمی‌آید. صندوق امانی مذکور با این کار از بهره پول استفاده می‌کند ضمن اینکه پس از مدتی اصل پول هم به صندوق برمی‌گردد. از اینجا بود که بانکها پدیدار شدند. کار به همینجا ختم نشد. پس از مدتی بانکها فهمیدند، می‌توانند بدون سپرده و ذخیره پیشینی دو طرف ترازنامه خود را توسعه دهند؛ یعنی وام‌دهی کنند بدون اینکه این وام‌دهی مستلزم کاستن از حساب سپرده شخصی دیگر باشد؛ به محض اعطای وام نیز سپرده‌ای جدید به وجود می‌آید؛ و این یعنی خلق پول از هیچ. نیاز به ذخیره، می‌تواند متعاقباً به شکل پسینی اجابت شود. در این رویکرد صندوق‌های قرض‌الحسنه هم خلق پول می‌کنند و اگر چه بهره نمی‌گیرند اما پس از مدتی مالک اصل پول می‌شوند. کدام تجارت این اندازه سود دارد. لذا درک این معنا که چرا تقاضا برای تأسیس صندوقهای قرض‌الحسنه بالا است،

۱. البته با توجه به تعهدی که در قانون سپرده مبنی بر حفظ ارزش پول باید با ابزارهایی که در اختیار دارد نسبت به تثبیت ارزش پول اقدام کند.

دشوار نیست. با توجه به سودهای کلان بانکها و صندوق ها از این ناحیه که حاصل ظرفیت عظیم خلق پول اعتباری است، بانکها و صندوق ها به سرعت در سراسر جهان بویژه ایران مثل قارچ روئیده و در حال مکیدن ثروتها و ارزش افزوده های تولید شده حاصل دسترنج مردم هستند.

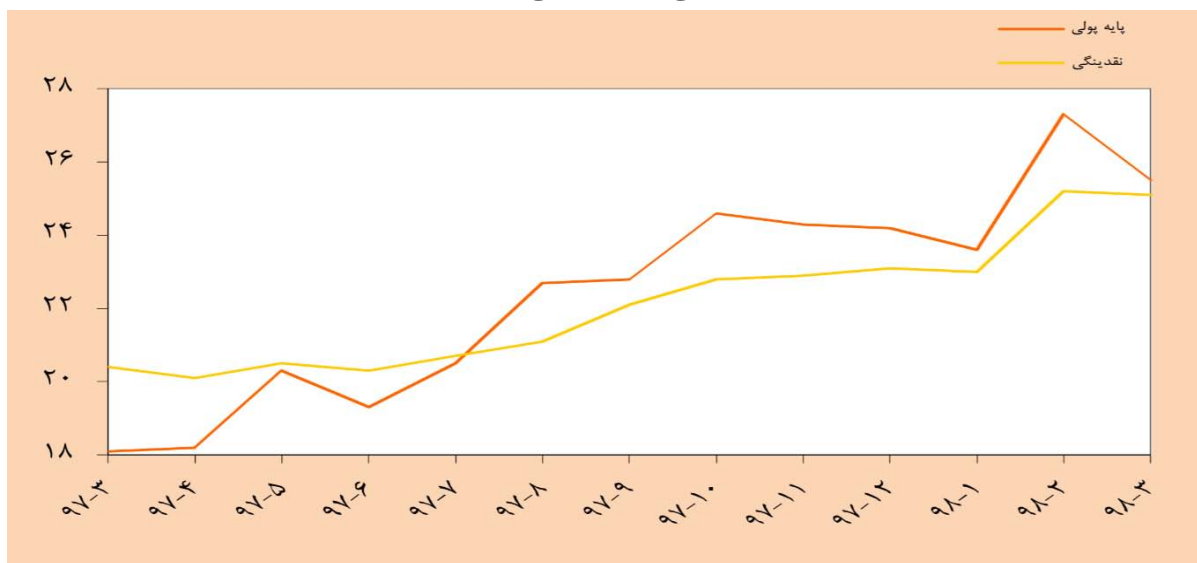
حرکت های اصلاحی پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران با تدوین قانون بانکداری بدون ربا سال ۶۲ آغاز شده است. حقیقت این قانون پذیرش و مشروعیت خلق پول اعتباری است. در این قانون تنها به اصلاح شاخصه ربوی بودن نظام بانکی متعارف با معرفی تعدادی عقود شرعی در بخش تجهیز منابع بانکی و تخصیص آن پرداختند. در دو دهه اخیر که تعداد دیگری از اندیشه وران اسلامی (موسویان، سید عباس و همکاران، ۱۳۸۶) به آسیب شناسی قانون بانکداری بدون ربا و اصلاح آن قانون پرداختند با همان رویکرد سابق و پذیرش بانکداری ذخیره جزئی و مشروعیت خلق پول اعتباری این کار را انجام دادند. این اندیشه وران هدف بانک را که کسب سود از وجوه امانی حساب جاری است حق مسلم او فرض کردند و به خلق پول از این ناحیه مشروعیت بخشیدند. افزون بر آن مصیبت بزرگ دیگری که در بانکداری ما رخ داد این بود که آمدند سپرده های سرمایه گذاری بلند مدت را هم عندالمطالبه و سودهایش را روزشمار کردند. در نتیجه این حسابها هم مانند حساب جاری بستر خلق پول بانکی شدند و البته با شدت بسیار بیشتر. چون حجم و سهم سپرده های بلندمدت و کوتاه مدت بعلاوه سپرده قرض الحسنه یا شبه پول در حجم نقدینگی کشور قابل قیاس با حجم پول نیست. بنابر اذعان کارشناسان سهم شبه پول در حجم نقدینگی به خاطر خلق پول بانکی از ۵۰ درصد در سال ۱۳۷۰ به حدود ۹۰ درصد در سال ۱۳۹۷ افزایش یافته است.^۱

با مشروع دانستن خلق پول اعتباری توسط اندیشه وران اسلامی طی چهار دهه گذشته و رها شدن بانکها و گسترش بانکهای خصوصی و صندوقهای اعتباری و قرض الحسنه در یک دهه گذشته و با توجه به قدرت عظیم خلق پول اعتباری توسط اینها، نظام بانکداری ایران و بالتبع مجموعه اقتصاد ایران به ورطه بحران همه جانبه و غیر قابل کنترل وارد شده است. به گزارش خبرگزاری فارس حجم نقدینگی در پایان خرداد ماه ۱۳۹۸ به ۱۹۷۹ هزار و ۹۱۰ میلیارد تومان رسیده است. با توجه به نرخ رشد ۲۵/۱ درصدی نقدینگی در پایان خرداد ۹۸ میزان حجم نقدینگی کشور هم اکنون از مرز ۲۰۰۰ تریلیون تومان گذشته است.^۲

۱. به گزارش مقاومتی نیوز (شناسه خبر: ۲۵۸۹۶۹۹ اردیبهشت ۱۳۹۸ - ۱۱:۱۰) سهم شبه پول طی ۲۵ سال گذشته همواره رو به افزایش بوده و این متغیر از ۵۰ درصد در سال ۱۳۷۰ به حدود ۹۰ درصد در سال ۱۳۹۷ افزایش یافته است.

۲. به گزارش خبرگزاری فارس نقدینگی به مرز ۲۰۰۰ هزار میلیارد تومان رسید (اقتصادی / بیمه و بانک ۱۹:۱۷ - ۶/۱۳۹۸)، براساس این گزارش متغیرهای پولی و بانکی خرداد ماه ۹۸ در قالب گزیده آمارهای اقتصادی بانک مرکزی منتشر شد. براساس آمار بخش متغیرهای پولی و بانکی، حجم نقدینگی در پایان خرداد ماه امسال با ۲۵,۱ درصد افزایش به ۱۹۷۹ هزار و ۹۱۰ میلیارد تومان رسیده است. رشد نقدینگی در سه ماهه اول امسال ۵,۲ درصد بوده است.

نمودار ۱. نرخ رشد نقدینگی و پایه پولی از خرداد ۹۷ تا خرداد ۹۸



منبع: گزیده آمارهای اقتصادی بانک مرکزی

با توجه به حجم نقدینگی ۴۷۳ هزار میلیارد تومانی در پایان خرداد ماه ۱۳۹۲، ۳۱۸ درصد به نقدینگی کشور طی شش سال گذشته اضافه شده است. با این روند روزانه حدود ۱۰۰۰ میلیارد تومان به نقدینگی کشور اضافه می شود. این رشد نقدینگی در شرایطی به وقوع پیوسته و می پیوندد که اقتصاد در رکودی عمیق فرورفته و بیکاری شدید شده است و تورم شدید ناشی از آن، هم اکنون بر نظام و مردم سنگینی می کند. افزون بر اینکه به خاطر وجود بازی در حال گسترش پانزی در نظام پولی و مالی کشور که در آن بدهی‌ها و تعهدات به تعویق افتاده و بازپرداخت آنها به آینده موکول می شود بزودی بحران ورشکستگی های عظیم بانکها را هم در پیش رو خواهیم داشت. لذا از این ناحیه اقتصاد کشور سخت در معرض فروپاشی و از هم گسیختگی قرار دارد.

با توجه آثار عظیم اقتصادی و توزیعی که برای مسأله خلق پول اعتباری توسط بانکهای تجاری وجود دارد هنوز تکلیف فقهی اش روشن نشده است. این امر می تواند ناشی از اختلاف نظرات اندیشه وران اسلامی در دو مسأله باشد.

۱. یکی ابهام در شناخت موضوعی چیستی پول اعتباری مخلوق بانک یا به تعبیر صحیح تر خلق اعتبار توسط بانکهای تجاری از حیث فلسفی و عنوان حقوقی آن است.

۲. و دیگری اختلاف نظر در مشروعیت یا عدم مشروعیت فقهی آن با توجه به ماهیت موضوع و یا معیاری و با توجه به آثار اقتصادی و توزیعی آن در جامعه.

لذا یکی از مسائلی که هر چه زودتر باید تکلیفش در فقه روشن شود مسأله خلق پول اعتباری یا به تعبیر صحیح تر خلق اعتبار توسط بانکهای تجاری است. با توجه به اینکه بحث از ماهیت و چیستی خلق پول اعتباری

۱. خبرگزاری مشرق، ۱۳ مرداد ۱۳۹۲، ابوالفضل اکرمی مدیرکل اقتصادی بانک مرکزی با اشاره به رشد ۲,۷ درصدی نقدینگی در سه ماهه اول سال جاری، گفت، حجم نقدینگی در پایان خرداد ماه به ۴۷۳ هزار میلیارد تومان رسید.

توسط بانکهای تجاری در ادبیات اقتصاد اسلامی بسیار جدید است و فهم حقیقت آن با مباحث ماهیت ادراکات اجتماعی و امورات اعتباری در فلسفه، فقه، اصول فقه و نیز اقتصاد گره خورده است تا الان اجماعی قابل قبول راجع به آن پدید نیامده است.

به اعتقاد برخی از اندیشه وران اسلامی (موسویان، ۱۳۹۶ش) خلق پول اعتباری پدیده‌ای جدید بوده و جزو مباحثی است که باید به شیوه معیاری بررسی شود نه موضوعی. بدین صورت که اگر اقتصاددانان اثبات کنند در خلق پول مفسده‌ای نیست و به مصلحت جامعه و اقتصاد کشور است، خلق پول ایرادی ندارد. اما اگر مفسده آن توسط اقتصاددانان اثبات شود، اشکال دارد و اما بحث اعتبار از هیچ در فقه پیش از بحث بانکداری در بحثهای مشارکت مطرح است که به آن مشارکت در وجوه می‌گویند. بعضی از افراد در بازار بودند. این افراد اصطلاحاً وجهه داشتند، اعتبار داشتند. بدون اینکه سرمایه‌ای داشته باشد، می‌رفت از تاجری با همان اعتبارش جنس می‌خرید، بعد می‌آمد می‌فروخت، می‌برد پولش را پس می‌داد. آنچه که فقها اشکال گرفتند، مشارکتش است. معامله خودش اشکال ندارد اما اینکه یک کسی بیاید بگوید اعتبار از تو کار از من، اما مشارکت وجوه بخواهد پیش بیاید، بخاطر غرری بودن می‌گویند اشکال دارد. اما یک شخصی دارد با اعتبار خودش کار می‌کند، هیچی ندارد و کار می‌کند، عیبی ندارد. می‌گوییم بانک اسلامی یک ابزاری پیدا کرده، می‌تواند بخرد ولو آنکه منابعی نه از خودش دارد نه منابع سپرده‌ای دارد. اما اعتبار دارد. چک بکشد مواد اولیه را از فروشنده بخرد، بفروشد به این کارخانه دار به صورت مرابحه.

اما برخی دیگر از اندیشه وران (توسلی، ۱۳۹۶ش) معتقدند در مسأله خلق پول اعتباری هم نگاه معیاری موضوعیت دارد و هم از نگاه موضوع شناسانه احکام فقهی آن قابل استخراج است. در نگاه معیاری اثر مثبت آن بر افزایش تورم و اثر منفی آن بر توزیع درآمد و ثروت مبرهن است و اقتصاددانان اثبات کرده‌اند که در خلق بی‌رویه پول اعتباری مفسده است.^۱ در نگاه موضوع شناسانه مسأله‌ای که این اندیشه وران باید به آن توجه کنند این است که بین اعتبار تعریف شده بالا و بین خلق اعتباری که بانک می‌کند تفاوت ماهوی است. زیرا، اعتبار وارد شده در بحث مشارکت وجوه همان اعتبار اشخاص حقیقی و حقوقی در بازار است و بر همان اساس خرید و فروش می‌کنند و بانکها برای دادن تسهیلات بر همین اساس اعتبار سنجی می‌کنند. اما خلق اعتباری که بانک می‌کند بدین معنا است که پولی را که وجود ندارد در ذهن تسهیلات گیرنده به گونه‌ای وانمود می‌کند که در حسابش واریز شده است. بانک نمی‌گوید، برو با اعتباری که من در بازار دارم خرید کن. بلکه بانک وانمود می‌کند، این پول در بانک من وجود دارد. بر این اساس شما برو و خریدهای خود را انجام

۱. به عنوان نمونه، در مطالعه انجام شده توسط دکتر خورسندی اثر بانکداری ذخیره جزئی بر میزان تورم با استفاده از داده‌های پانل بررسی شده است. بر اساس نتایج حاصل از تخمین ایشان، تورم دوره گذشته دارای اثر مثبت و معنادار بر تورم جاری بوده است. بنابراین پدیده لختی تورم در نمونه مورد بررسی تایید گردیده است. همچنین مطابق با انتظار، رشد حجم نقدینگی دارای اثر مثبت و معنادار بر نرخ تورم بوده و این امر پولی بودن پدیده تورم را تایید می‌نماید. ضریب نسبت حجم نقدینگی به پول بر قدرت که بیانگر قدرت خلق اعتبار توسط سیستم بانکداری ذخیره جزئی است مثبت و معنادار بوده است. معناداری این متغیر در کنار متغیرهایی همچون نرخ رشد حجم پول و وقفه تورم که اصلیتزین متغیرهای توضیح دهنده تورم هستند بیانگر نقش و اهمیت سیستم بانکداری ذخیره جزئی در ایجاد تورم در کشورهاست. به عبارت دیگر هرچه سیستم بانکی از سیستم ذخیره ۱۰۰ درصدی فاصله بیشتری گرفته و نسبت نقدینگی به پایه پولی در کشورها بزرگتر شده، سطح تورم بالاتر بوده است. (خورسندی، مرتضی، ۱۳۹۷، نظام بانکداری ذخیره جزئی و تورم: کاربردی از روش گشتاورهای تعمیم یافته پانلی، دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی، این مطالعه بزودی منتشر خواهد شد)

بده. چون بر اثر تجربه می‌داند که بعد از مدتی می‌تواند جایگزین کند. این در حقیقت از هیچ پول خلق می‌کند و در ترازنامه بانک این وام به صورت دارایی ثبت می‌شود و برای گیرنده تسهیلات بدهی است که اصل و فرع آن را باید به بانک برگرداند. برای تقریب به ذهن چکهای صوری را مثال می‌زنم که دین اعتباری است. فقها نوعاً در دین واقعی جایز میدانند که چک تنزیل شود. زیرا دین واقعی مال است. آقای الف نسبت به آقای ب یک طلبی دارد، این طلب بصورت چک است. می‌رود به سمت شخص ثالث چون دین، دین واقعی بوده، می‌رود تنزیل می‌کند. اما اگر شخص الف اعتباری در بازار دارد شخص ب چون دوستش است، می‌آید به شخص الف می‌گوید من ۱۰۰ میلیون تومان پول نیاز دارم. چکار کنم؟ آقای الف می‌گوید من که این پول را ندارم اما در بازار اعتبار دارم. یک چک برای می‌کشم، شما برو در بازار این چک را تنزیل کن. همه هم می‌دانند که چک این آقا در بازار معتبر است می‌تواند تنزیل کند و کار این آقا هم راه بیفتد. حالا شخص ب بدهکار شخص الف است و در موعد توافق شده دین را تصفیه می‌کند. همه فقها در اینجا می‌گویند، چون دین واقعی که مال است وجود ندارد، شما نمی‌توانید آن را تنزیل کنید. بنابراین در مورد چکهای دوستانه، از این نظر که مالی وجود ندارد مشروع نیست. در اینجا بانک هم به واسطه اینکه بانک شده و همین که مردم به آن اطمینان پیدا می‌کنند، پولی را که وجود ندارد با باز کردن اعتبار در حساب برای شخص و دادن دسته چک یا کارت اعتباری به او وانمود میکند که وجود دارد و خلق پول از هیچ از اینجا پدید می‌آید. لذا از حیث فقهی می‌توان عنوان اکل مال به باطل را بر آن صادق دانست. زیرا، مالی را که وجود ندارد برایش فرض وجود می‌کند. پس اگر در چکهای صوری و دوستانه مشروعیت آن پذیرفته نشد، در اینجا هم مشروعیتش پذیرفته نیست و اکل مال به باطل است. پس این اندیشه که بانک حق انتشار پول اعتباری دارد باطل است.

اندیشه سوم: بانکداری کنونی ایران نه تنها بدون ربا بلکه اسلامی است

پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران با تدوین قانون بانکداری بدون ربا که حقیقتش پذیرش بانکداری ذخیره جزئی و مشروعیت خلق پول اعتباری است تنها به اصلاح شاخصه ربوی بودن نظام بانکی متعارف با معرفی تعدادی عقود شرعی در بخش تجهیز منابع بانکی و تخصیص آن پرداختند. در بخش تجهیز منابع بانکی ماهیت حقوقی سپرده جاری را که امانت بوده است به صورت سپرده قرض الحسنه معرفی کردند. با این کار دست بانکها را در خلق پول اعتباری بیشتر باز گذاشتند. در بخش تخصیص منابع هم تعدادی عقود مبادله‌ای با نرخ سود ثابت با تضمین اصل سرمایه و عقود مشارکتی با نرخ سود متغیر را جایگزین کردند. با توجه به این که تدوین این قانون مردم مسلمان را از ارتکاب ربای آشکار حفظ کرده است در ظرف خودش قابل تقدیر بوده است. اما تا بانکداری بر اساس شاخصه های اسلامی فاصله زیادی دارد. آثار اقتصادی بانکداری بدون ربای مذکور هیچ تفاوتی با بانکداری متعارف غربی نداشته است و در این سی و اندی سال بر اساس مشاهدات محسوس همگان به توزیع بسیار نابرابر ثروت در دست تعداد اندکی از افراد حقیقی و حقوقی جامعه انجامیده است.^۱

۱. بنا به گفته دکتر خاندوزی مدیر دفتر اقتصادی مرکز پژوهش های مجلس، هم اکنون ۸۵ درصد ارزش سپرده های بانکی متعلق به ۲.۵ درصد سپرده گذاران است (خبرگزاری تابناک، کد خبر: ۸۱۷۴۸۶ تاریخ انتشار: ۲۷ تیر ۱۳۹۷)

در دو دهه اخیر تعداد دیگری از اندیشه وران اسلامی (موسویان، سید عباس و همکاران، ۱۳۸۶ و موسویان و میثمی، ۱۳۹۶) با همان رویکرد سابق و پذیرش بانکداری ذخیره جزئی و مشروعیت خلق پول اعتباری به آسیب شناسی قانون بانکداری بدون ربا و اصلاح آن قانون پرداختند. اینها با باز تعریف نظام بانکی و تغییر ماهیت حقوقی برخی از اجزای تجهیز منابع به خصوص تفکیک حساب جاری از حساب قرض الحسنه و افزودن و معرفی تعدادی عقود شرعی جدید برای پوشاندن اغراض گوناگون متقاضیان تسهیلات کمک شایانی به تکمیل قانون بانکداری بدون ربای پیشین کردند. این اصلاحات گرچه لازم بوده اما در حقیقت بانکداری متعارف که ویژگی اصلی اش خلق پول اعتباری و انواع قرض با نرخ بهره ثابت با تضمین اصل سرمایه و بطنش اقتصاد تکاثری و توزیع نابرابر ثروت است هیچ تغییر اساسی ایجاد نمی کند. بلکه به تثبیت آن نظام البته این بار با توجیحات شرعی مقبول تر می انجامد. یکی از مهمترین و اسف انگیز ترین اتفاقی که در این اصلاحیه رخ داده این بوده که ماهیت مسلم حقوقی حساب جاری را که امانت بوده و است با مسلم فرض کردن باز بودن دست بانکها در استفاده از وجوه امانی حساب جاری به ماهیت حقوقی قرض بدون بهره تحمیل کردند. با اینکه روشن است در سپرده‌های جاری، نه سپرده‌گذار و نه بانک به دنبال هدف‌های خیرخواهانه نیستند و هدف سپرده‌گذار از این حساب، سامان‌دادن دریافت‌ها و پرداخت‌های خود از راه خدمات حساب جاری است و بقیه استدلال‌های خودشان را هم بر این اساس بنا نهادند و دیدگاه‌های مخالفین را نقد کردند. این اندیشه وران هدف بانک را که کسب سود از این وجوه امانی است حق مسلم او فرض کردند.

آیا با پذیرش خیانت در امانت پالمستراخ که در طول تاریخ رخ داده و بوجود آمدن بانکداری مرکزی در حمایت از نظام سرمایه داری و اقتصاد تکاثری با راهکار ذخیره جزئی احتیاطی برای حمایت از عدم شکست آنها که در طول تاریخ پی در پی رخ داده ماهیت حقوقی حساب امانی با اجازه گرفتن از صاحبان حسابها قابل باز تعریف به قرض بدون بهره است. به نظر می رسد توزیع بسیار نابرابر ثروت از این مسیر که از آثار مسلم اقتصادی آن است مورد غفلت پیشنهاد دهندگان اصلاحات قرار گرفته است. اتفاق دیگری که در اصلاحات پیشنهادی رخ داده افزایش معتنابه تعداد عقود مبادله ای با نرخ سود ثابت و تضمین اصل سرمایه است، بانکها در عمل نشان دادند که گرایش شدیدی به استفاده از این عقود دارند و عقود مشارکتی نقش کمرنگی در نظام بانکی فعلی ما دارد. گرچه همین عقود مشارکتی هم با شروط خارج لازم به صورت ثابت با تضمین اصل سرمایه در آمده است. با توجه به این که تدوین این قانون مردم مسلمان را از ارتکاب ربای آشکار حفظ می کند در ظرف خودش قابل تقدیر است. به هر حال می توان اثبات کرد، قانون بانکداری بدون ربای ایران و اصلاحات پیشنهادی اخیر که ادعا می شود موارد شبهه ربا را در بانکداری ایران به حداقل رسانده است به دلایل زیر هنوز از مسیرهای مختلف ربا و شبهه ربا در آن حضور دارد.

دلایل حضور ربا و شبهه ربا در بانکداری کنونی ایران

یک:

روش محاسبه سود و اقساط چه روش مراحه ساده و چه روش مراحه مرکب که در بانکداری ایران هم اکنون استفاده می شود همان فرمول جهانی است که مبانی نظری اش بر زیاده در برابر امهال دین استوار است و زیاده در برابر تمديد مهلت دین ربای مسلم است. حتی در برخی از قراردادهای بانکی به استفاده از فرمول

جهانی به صراحت اشاره شده است. زیرا دیون در بازار پولی و بانکی متعارف کوتاه مدت و یکساله است و پس از یکسال آنچه باقی مانده مجدد با نرخ بهره محاسبه می شود و همینجور سال به سال تا اصل و فرع کاملاً تسویه شود. در این صورت، اگر هم قرارداد در ابتدا صورت شرعی داشته اما برای سالهای بعد تنها زیاده در برابر تمدید مهلت بازپرداخت دین است. افزون بر اینکه اینگونه زیاده گرفتن مصداق «اضعافاً مضاعفَةً» آیه شریفه ۱۳۰ سوره آل عمران است. اصل آیه این است: « يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا الرِّبَا أَضْعَافًا مُضَاعَفَةً وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ». استاد مطهری بحث مباحثه مرکب را ذیل این آیه شریفه مطرح می کند. وی (یادداشت‌های استاد مطهری، ج ۴، ص ۳۳۱) می گوید، مقصود از اضعافاً مضاعفَةً ربح مرکب است و در اینجا دو احتمال است:

۱. اینکه مراد قرض با ربح مرکب باشد، یعنی اینکه از خود ربح هم ربح گرفته شود. در این صورت ربا خودش ضعف و یا اضعاف اصل مال است و ربا گرفتن از ربا مضاعف کردن اضعاف اصل است .
۲. یا اینکه مراد از کلمه مضاعفَةً، منضمه الی الاصل باشد یعنی کلمه مضاعفه تجرید از معنی تضعیف شده است مثل، من اذنب ذنباً و مثل، یضاعف لها العذاب ضعفین

دو:

اگر کسی بخواهد عقود مبادله ای را که نرخ سود ثابت با تضمین اصل سرمایه دارند بر پایه قاعده فقهی «للاجل قسط من الثمن» بنا کند، می گوئیم، برای این قاعده مستند فقهی قوی ای ارائه نشده است. در حالی که هر قاعده فقهی باید حداقل مستند به یکی از منابع فقه یعنی کتاب، سنت، عقل و اجماع شده باشد. ابتدا علامه حلی (ره) در یک مسأله خاص آن را بکار برده و بعدها بدون اثبات با ادله قرآنی و روایی در لسان دیگر فقها مشهور شده است. استاد مطهری به استناد به این قاعده حمله شدید می کند. وی می گوید: « یکی از دروغهای اقتصادی اصل (للاجل قسط من الثمن) است . متأسفانه با اینکه حرمت ربا در اسلام مبتنی بر انکار ارزش داشتن مدت است ، فقهای متأخر ما علت حرمت ربا بالنسیئه را در مثل به مثل اکیع من من حنطه نقداً بمن من حنطه نسیه^۱ به این اصل دروغین قرار داده‌اند» (یادداشت‌های استاد مطهری، ج ۴، ص ۳۰۸). و حال آنکه از روایات منع بیع النقد و النسیئه صفتاً استفاده می شود که هر جا برای مدت زیاده ای منظور شود ربا است.

۱. قال امیرالمؤمنین علیه السلام: من باع سلعة فقال: ان ثمنها كذا و كذا يداً بيد و ثمنها كذا و كذا نظرة فخذها بأى ثمن شئت، و جعل صفقتهم واحدة فليس له الا اقلهما و ان كانت نظرة .
۲. عن جعفر عن ابیه عن آبائه علیهم السلام: ان علیاً علیه السلام قضی فی رجل باع بیعاً و اشترط شرطین: بالنقد كذا و بالنسیة كذا، فأخذ المتاع علی ذلك الشرط. فقال: هو باقل الثمنین و ابعده الاجلین. یقول لیس له الا اقل النقدین الی الاجل الذی اجله بنسیئته (همان، ج ۴، ص ۳۶۱).

به گفته استاد مطهری، از متأخرین فقها مانند شهید ثانی در شرح لمعه و همچنین از عبارت فوق برمی آید که چنین فرض شده که ربا عبارت است از زیاده احد المثلین بر دیگری به مقدار حقیقیه یا حکماً و علت

۱. وهو (الربا) قسمان: معاملی و قرضی. اما الاول فهو بیع احد المثلین بالآخر مع زیاده عینیة کبیع من من الحنطه بمنین، او من حنطه بمن منها مع درهم، او حکمیة کبیع من من حنطه نقداً بمن من حنطه نسیة (وسیلة النجاة، آقا سیدابوالحسن، باب الربا، صفحه ۳۰۳).

اینکه بیع متمثلین نسیه جایز نیست این است که للاجل قسط من الثمن، همچنانکه در شرح لمعه و همچنین (علی ما یبالی) در ریاض نیز به این مطلب تصریح شده است. به عقیده مطهری (همان، ج ۴، ص ۴۱۹) اشتباه بزرگ همین است. در این طرز بیان به اصطلاح، منفعت داشتن پول که یکی از ارکان رژیم سرمایه داری است مفروض شده است و فرض شده که با اینکه پول فی حد ذاته منفعت مشروع دارد ولی شارع به ملاک و مصلحت دیگری جلو این منفعت مشروع را گرفته است. در واقع این آقایان تصدیق کرده اند که «انما البیع مثل الربا» ولی می گویند در عین مثلث لاقبل از نظر مشروعیت منافع، خداوند بیع را حلال و ربا را حرام کرده است، در صورتی که از هیچ روایتی استفاده نمی شود که للاجل قسط من الثمن. از هیچ روایتی استفاده نمی شود که علت حرمت ربا النسیه زیاد حکمی طرف نقد است. وی (همان، ج ۴، ص ۴۲۰) آنگاه ایرادهای سه گانه ای را به شرح زیر برای این طرز استنباط فقها می گیرد: «اگر اینچنین باشد که در ربا النسیه زیاده حکمیه است پس باید اگر در طرف نسیه مبلغی افزوده شود که معادل با مدت باشد، مانعی در کار نباشد. ثانیاً به عقیده فقها تعادل و تماثل باید در مقدار باشد و کاری به قیمت ندارد. پس چگونه در اینجا به چیزی تمسک می کنند که مربوط به ارزش است یعنی اجل و مدت؟ و ثالثاً لازمه قول فقها این است که اگر کسی بخواهد جنس ربوی خود را به مدت بدون منافع در اختیار کسی بگذارد و در رأس مدت مثل آن را پس نگیرد ولی به صورت معامله آن را انجام دهد، به دلیل ربا جایز نباشد و حال اینکه این خود عین اصطناع معروف است و باید بپذیریم که شارع به نام ربا جلو اصطناع معروف را گرفته است و این از اعجاب عجایب است و غفلت عظیم فقها را می رساند. به عقیده ما علت حرمت ربای معاملی نسیه حتی در صورت تماثل مقداری این است که ربای قرضی را به این صورت در نیاورند».

البته توجه داریم که در بیع نسیه در جایی که ثمن و مثنی از یک جنس نباشد، آن مقدار از زیاده که در نظر عرف برای بیع نسیه اجحاف نبوده و معمول است، از نظر شرع پذیرفته شده است. نکته مهم این است که چه در بیع نقد و چه در بیع نسیه عمل بیع دفعی است. به این معنا که بایع دفعتا می گوید فلان کالا قیمتش ۱۰۰۰۰ تومان است و اگر شخص بخواهد نسیه بخرد فروشنده می گوید قیمتش مثلاً ۱۱۰۰۰ تومان می شود. در این حالت دو صفقه است. اصل بر فروش نقدی است و همانطور که فروشنده برای همین فروش نقدی می تواند قیمت‌های مختلفی اعلام کند و این همان بیع سوّم است که در شرع ممدوح است. پس برای فروش به صورت نسیه هم می تواند قیمتی بالاتر از نقد اعلام کند. با این تحلیل لزومی برای تمسک به قاعده به ظاهر معروف شده «لاجل قسط من الثمن» برای توجیه زیاده در بیع نسیه نیست. در نتیجه مبنای نظری محاسبه زیاده و اقساط چه به روش مباحه ساده و چه روش مباحه مرکب در اقتصاد اسلامی مردود است. لذا، برای محاسبه زیاده در عمل دفعی بیع نسیه باید از ریاضی دانها کمک گرفت و روش محاسبه دیگری پیشنهاد داد.

سه:

قانون بانکداری بدون ربا سال ۶۲ و اصلاحات پیشنهادی اخیر نتوانست تغییری اساسی در ماهیت بانکداری ربوی متعارف و اغراض سپرده گذار و بانک و متقاضی ایجاد کند. اغراض هر یک از اطراف در بانکداری معمول که همان تضمین اصل سرمایه و نرخ سود یا بهره ثابت باشد سرچایش هست. در حالی که بر اساس قاعده «

العقود تابعه للقصد» می‌توان ثابت کرد که بسیاری از عقودی که در این قانون و اصلاحات پیشنهادی اخیر تعریف شده است از قصد اطراف قرارداد تبعیت ندارد. به عنوان نمونه در سپرده جاری همانطور که پیشتر بیان شد، نه سپرده‌گذار و نه بانک به دنبال هدف‌های خیرخواهانه نیستند. هدف سپرده‌گذار از این حساب، سامان دادن دریافت‌ها و پرداخت‌های خود از راه خدمات حساب جاری است و هدف بانک بهره برداری از این وجوه امانی و کسب سود است.^۱

طبق قاعده «العقود تابعه للقصد» اگر طرفین عقد به هر دلیلی الفاظ عقد را در قالب ایجاب و قبول جاری کرده باشند، بدون اینکه قصد انعقاد آن را داشته باشند، عقد منعقد نمی‌شود و با توجه به اینکه طرفین معامله قصد انشاء معامله واقعی را نداشته‌اند این معامله صوری و باعث ورود ربا و یا باطل شدن معاملات می‌شود. بر اساس نتایج بسیاری از پژوهش‌های انجام شده در این موضوع، صوری شدن عقود بانکداری اسلامی هم در عمل و هم در ذهنیت مشتریان و کارکنان بانک بسیار بالا است.^۲ در گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس درباره عقود بانکی تصریح شده است که اکثر عقود بانکی در شعب صوری و غیر واقعی منعقد می‌شود.^۳ به گفته یکی از اعضای شورای فقهی بورس، در پژوهشی که به مدت دو سال در چند بانک مختلف انجام شد مشخص گردید که حدود ۸۵ درصد قراردادهای بانکی غیرواقعی است و مطابق با موازین عقود شرعی نیست.^۴

چهار:

طرفداران قانون بانکداری بدون ربا و اصلاحات اخیر ادعا می‌کنند، این عقود موضوعاً از ربا خارجند. چون پس از انجام این عقود، موضوع ربای حرام تحقق نمی‌یابد. در پاسخ می‌گوییم، بیش تر کسانی هم که حیل‌های ربا را تجویز می‌کنند همین استدلال را می‌آورند و قائل هستند انجام حیل باعث خروج موضوعی می‌شود، چون پس از انجام حیل، موضوع ربای حرام تحقق نمی‌یابد. اما حقیقت این است که انجام حیل در همه موارد نمی‌تواند باعث خروج آن از تحت موضوع ربا گردد و موضوع ربا پس از انجام حیل نیز باقی است و همان مفسد را در بردارد. آثار اقتصادی و غیر اقتصادی این بانکداری با بانکداری ربوی هیچ تفاوتی ماهوی نداشته است و به توزیع نابرابر ثروت در دست تعداد اندکی از افراد حقیقی و حقوقی جامعه و دیگر حکمت‌های تحریم ربا از قبیل ظلم، فساد، ترک تولید، کینه ورزی و ترک احسان انجامیده است. لذا می‌توان گفت قانون کنونی، حد اکثر قانون بانکداری حیل ربا است. زیرا، همانند فرایند حیل‌های ربا در ذیل قانون بانکداری کنونی هم شخص برای فرار از حرمت ربا می‌کوشد از طریق بعضی از معاملات و عقود که ظاهری شرعی دارند به هدف اصلی خود که همانا دریافت زیادی است، دست یابد. گرچه از برخی از فقها جواز حیل شرعی داریم. اما بسیاری از فقها جواز حیل شرعی را به جایی محدود می‌کنند که ناقض غرض و مقصود شارع در تشریح یک حکم نباشد. از میان فقیهان معاصر فقیه‌هایی که به شدت با مقوله حیل به مقابله پرداخت و حتی صریح تر

۱. رک: احمدی، محمد حسین و حسینی، سید محمد (۱۳۹۳)، راه‌های شرعی سپرده‌گذاری در بانکها، نشر پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، صص ۱۴۳-۲۱۳

۲. به عنوان نمونه رک: روح‌اله شهنازی، مجتبی پناهی، مجله اقتصاد و بانکداری اسلامی - سال پنجم، شماره ۱۶، پاییز ۱۳۹۵.

۳. آسیب‌شناسی نظام بانکی ۷. نظارت شرعی بانک مرکزی، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، تهیه و تدوین: سیدعلی روحانی، سیدمهدی بنی‌طبا، اردیبهشت ۱۳۹۵

۴. حجت‌الاسلام علی معصومی نیا، عضو هیئت علمی دانشگاه خوارزمی. خبرگزاری تصمیم، ۴ مهر ۱۳۹۶

و جامع تر از پیشینیانی مثل محقق اردبیلی و وحید بهبهانی تمامی حیل‌های رایج در باب ربا را در دو قسم ربای قرضی و معاوضه‌ای نامشروع و غیرجایز اعلام کرد، امام خمینی (ره) است. ایشان (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۲، صص ۵۴۰ و ۵۴۱) می‌گوید: «با این همه سختگیری و مخالفت‌های شیعه و سنی از طریق قرآن و سنت با ربا که مثل آن را در سایر گناهان کم می‌دانند و با آن همه مفساد اقتصادی، اجتماعی و سیاسی که اقتصاددانان برای آن برمی‌شمرند، چگونه ممکن است به وسیله حیل‌های شرعی حلال شود».

ضمن این که قضاوت عرف در مورد حیل‌های ربا این نیست که یک معنوی دو عنوان دارد، یکی بیع و یکی ربا، بلکه عرف می‌پذیرد که بعد از انجام حیل، ما با دو عقد خارجی رو به رو هستیم که هر کدام عنوان جداگانه‌ای دارند، لیکن عرف می‌گوید، قبل و بعد از به‌کارگیری حیل، نتیجه فرقی نمی‌کند و همان زیادی حرام منتقل می‌شود. از نظر عرف این معامله رباست!

پنج:

جریمه تأخیر دین به اسم وجه التزام به طور گسترده در جریان است. به فتوای بسیاری از مراجع اخذ این جریمه حرام است^۲. بنابر برخی گزارشات در یکی از بانکها در آمد حاصل از جریمه دیرکرد بیش از ۵۴٪ درآمد کل بانک را تشکیل داده است^۳. برخی معتقد هستند با زیر سؤال بردن قید وجه التزام در قراردادهای بانکی، آن هم بدون ارائه راهکار عملیاتی و جایگزین آن، نظام بانکی و اقتصادی کشور مختل می‌شود و حجم بسیار بالای مطالبات معوق بانکها - آن هم با وجود وجه التزام - جای تأسف دارد و باید فاتحه بانکها را خواند. به گفته ایشان (موسویان و میسمی، ۱۳۹۳، ص ۳۸۹) مهمترین مشکل شبکه بانکی کشور در حال حاضر مقوله مطالبات معوق است. در واقع آمارها نشان می‌دهد که نسبت تسهیلات غیرجاری به کل تسهیلات پرداختی بانکها از ۷/۱ درصد در سال ۱۳۸۳ برای کل شبکه بانکی به ۱۷/۲ درصد در سال ۱۳۸۷ رسیده است. در حالی که این رقم براساس استانداردها و عرف بین‌المللی باید بین سه تا چهار درصد باشد.

پاسخ ما این است که اولاً، همانگونه که فرمودند با وجود وجه التزام، بانکها حجم بالایی از مطالبات معوق دارند پس وجه التزام هم نتوانست غرض بانکها را محقق کند. ثانیاً، می‌گوییم همین وجه التزام در ذات خودش حجم عظیمی از معوقات را به دنبال می‌آورد. زیرا، در تسهیلات بخصوص میلیاردی و در زمان رکود هنگامی که از پس بازپرداخت قسط‌ها برنیايند و جریمه تأخیر هم بر آن اضافه شود دیگر شخص به هیچ وجه قدرت بازپرداخت ندارد و بالکل منکر می‌شود. ثالثاً، با این شیوه‌ای که الان بانکها وجه التزام می‌گیرند مفسده‌ای که از این ناحیه برای گیرندگان تسهیلات پیش آمده کمتر از مفسده معوقات برای بانکها نیست. رابعاً، بانکها

۱. رک: ربا: پیشینه تاریخی ربا، ربا در قرآن و سنت، انواع ربا و فرار از ربا، بخش فرهنگی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ناشر، بوستان کتاب، سال ۱۳۸۶
 ۲. حضرت امام خمینی، آیت الله العظمی بهجت و آیت الله جوادی آملی، مراجع و بزرگان دیگر حوزه از جمله حضرات آیات سیستانی، وحید خراسانی، صافی گلپایگانی در پاسخ به استفتائات مقلدان یا در سخنان خصوصی یا عمومی، اخذ جریمه دیرکرد را غیراسلامی و غیرشرعی دانسته‌اند. و مراجع دیگر به جواز آن را در صورت شرط ضمن عقد خارج لازم قائل شده‌اند.

۳. به گزارش گروه اقتصادی خبرگزاری دانشجو، خراسان نوشته است: این روزها بانک‌ها از جریمه دیرکرد مشتریان روزگار خود را سپری می‌کنند. بررسی آخرین صورت‌های مالی بانک تجارت نشان می‌دهد که این بانک بیش از ۵۴ درصد کل درآمد خود را مدیون جریمه دیرکرد است. با این حال، تجارت تنها بانکی نیست که از جریمه دیرکرد ارتزاق می‌کند، بلکه سایر بانک‌ها نیز کم و بیش به جریمه دیرکرد وابسته‌اند و این یعنی بازی باخت-باخت بین مشتریان و بانک‌ها. (تاریخ انتشار: ۱۰:۱۰ - ۰۲ اسفند ۱۳۹۵، کد خبر: ۵۸۶۶۳۷، خبرگزاری دانشجو)

برای حفظ سرمایه‌های خودشان می‌توانند از روش‌های کیفی و حقوقی که تجربه هم شده استفاده کنند و دست بسته نیستند.

خلاصه و نتیجه:

هم‌اکنون اقتصاد ایران از سه بحران بزرگ پولی، بانکی و مشروعیتی رنج می‌برد. واکاوی ریشه‌های اندیشه‌ای این بحرانها از منظر اقتصاد اسلامی نشان می‌دهد، منشأ این بحران‌ها به سه اندیشه اساسی در سطح مکتب و نظام اقتصادی در بین اندیشه‌وران اقتصاد اسلامی بر می‌گردد. نتیجه حاکمیت این اندیشه‌ها در چهار دهه گذشته تورم‌های شدید، گسترده، مزمن و آثار بسیار ناگوار اقتصادی، اجتماعی، اخلاقی و سیاسی ناشی از آن بر تمام سطوح جامعه می‌باشد. ضمن این‌که با وجود همه تلاشهای انجام شده در زدودن ربا از بطن نظام مالی و بانکی هنوز اکثر فقها و مردم نظام مالی و بانکی ایران را ربوی می‌دانند. مقاله با فرض وجود این سه بحران در اقتصاد ایران با روش توصیفی-تحلیلی به منشأهای اندیشه‌ای این بحران‌ها از منظر اقتصاد اسلامی نزد اندیشه‌وران اسلامی و اجمالا به تبیین مبنایی و بنایی ناصواب بودن این اندیشه‌ها پرداخته است. در اندیشه اول بیان شده است، دولت به حکم اولی حق دارد به هر شکل که صلاح می‌داند پول منتشر کند بدون اینکه ضامن جبران کاهش ارزش پول باشد. ریشه این اندیشه از منظر اقتصاد اسلامی بر می‌گردد به تحلیل‌هایی از ماهیت پول که در بین اندیشمندان اسلامی و فقها طی چهار دهه گذشته مطرح و مورد پذیرش بوده است. این دو نظریه عبارتند از: ۱- نظریه قدرت خرید ۲- نظریه ارزش اسمی. براساس هر دو نظریه قدرت خرید و نظریه ارزش اسمی از نظر شرعی دولت به حکم اولی حق دارد به هر شکل که صلاح می‌داند پول منتشر کند بدون اینکه ضامن جبران کاهش ارزش پول باشد. به خاطر تسلط این دو اندیشه ناصواب در چهار دهه گذشته بر سیاستمداران کشور و مشاورین فقهی‌شان هر کدام از دولت‌های سازندگی، اصلاحات، عدالت و اعتدال خود را از نظر شرعی آزاد و محق دانسته و هر یک در دوره ۸ ساله حاکمیتشان حجم نقدینگی را بیش از ۳ برابر کردند و به دنبال آن تورم‌های مزمن و مستمر را برای اقتصاد به ارمغان گذاشتند. نتیجه تورم‌های مزمن و دامنه‌دار رکودهای طولانی مدت، بیکاری رنج آور، کاهش مستمر قدرت خرید درآمدی کارمندان و کارگران که بیش از نیمی از جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند، توزیع ناعادلانه ثروت، اقتصاد سوداگری و بنگاهی و ضد تولید، رانت، افزایش و رسوخ رشوه و فساد در تمام سطوح و ارکان جامعه و دولت است. حال اگر سیاستمداران و مشاورین فقهی‌شان درک و تحلیل صحیح تری از پول و ماهیت آن را در اختیار داشتند و آن را می‌پذیرفتند از مردم عذر خواهی می‌کردند و جبران کامل خساراتی را که بر توده مردم وارد شده است در دستور کار قرار می‌دادند. اندیشه دوم می‌گوید خلق پول اعتباری حق مسلم بانکها است. با مشروع دانستن خلق پول اعتباری توسط اندیشه‌وران اسلامی طی چهار دهه گذشته و رها شدن بانکها و گسترش بانکهای خصوصی و صندوقهای اعتباری و قرض الحسنه در یک دهه گذشته و با توجه به قدرت عظیم خلق پول اعتباری توسط اینها، نظام بانکداری ایران و بالتبع مجموعه اقتصاد ایران به ورطه بحران همه جانبه و غیر قابل کنترل وارد شده است. اما باید بدانیم، خلق اعتباری که بانک می‌کند بدین معنا است که پولی را که وجود ندارد در ذهن تسهیلات گیرنده به گونه‌ای وانمود می‌کند که در حسابش واریز شده

است. بانک نمی گوید، برو با اعتباری که من در بازار دارم خرید کن. بلکه بانک وانمود می کند، این پول در بانک من وجود دارد. بر این اساس شما برو و خریدهای خود را انجام بده. لذا از حیث فقهی می توان عنوان اکل مال به باطل را بر آن صادق دانست. زیرا، مالی را که وجود ندارد برایش فرض وجود می کند. پس این اندیشه که بانک حق انتشار پول اعتباری دارد باطل است. اندیشه سوم می گوید، بانکداری کنونی ایران نه تنها بدون ربا بلکه اسلامی است. پرسشی مطرح شده مبنی بر اینکه آیا بانکداری کنونی و اصلاحات اخیر که ادعا می شود نه تنها بدون ربا بلکه اسلامی است، آیا واقعیت دارد؟ پاسخ این است که قانون بانکداری بدون ربا سال ۶۲ و اصلاحات پیشنهادی اخیر در مرحله بدون ربا کردن بانکداری است و تا مرحله بانکداری اسلامی راه طولانی در پیش است. زیرا، بانکداری اسلامی شاخصه هایی دارد که این قانون و اصلاحات اخیر از پس احراز و تأمین کامل آنها بر نمی آید. با توجه به اینکه تعداد معتناهی از مراجع عظام بانکداری کنونی را ربوی دانستند عللی را به اجمال برای حضور ربا از مسیرهای مختلف در بانکداری کنونی بر شمردیم.

حال سؤال اینجاست آیا با تغییرات شکلی و فرمیستی مشکلات غیرشرعی بانکها حل می شوند؟ پاسخ منفی است زیرا مشکل اصلی از ساختار و ریشه بانک نشأت می گیرد. حتی اگر قانون هم کاملاً درست باشد ماهیت بانکداری متعارف اقتضاء می کند قراردادها صوری شود و از این ناحیه در عمل ربا رخ دهد. زیرا در قسمت تجهیز منابع سود ثابت و تضمین شده می پردازد لذا نمی تواند در سمت تخصیص منابع سود مشارکتی غیر ثابت و ریسکی دریافت کند. بنابر این، باید رویکرد متعارف کنونی را تغییر داده و با رویکرد اسلامی و در سطح تحول اساسی و همه جانبه تغییر و تحول نظام پولی و بانکی را براساس شاخصهای بانکداری اسلامی به سرانجام برسانیم. براساس این شاخصها طراحی این نظام باید به گونه ای باشد که:

۱. حفظ ارزش پول در تمام ترتیبات نهادی و تقنینی هدف اصلی باشد.
۲. قاعده عدم اکل مال به باطل بر تمام ترتیبات این نظام حاکم باشد.
۳. ربا و شبهه ربا از ساحت آن به طور کامل زدوده شود.
۴. از انباشت ثروت میان طبقاتی خاص جلوگیری کرده و عادلانه به توده های مردم توسعه یابد.

توصیه های سیاستی

۱. حفظ ارزش پول و مبارزه با تورم از مشترکات دیدگاههای مختلف است و اثر منفی خلق پول اعتباری بر ارزش پول و در نتیجه افزایش تورم روشن و واضح است. لذا بایستی در تمام سیاستهای پولی و مالی از طرف دولت مد نظر قرار گیرد.
۲. برای جلوگیری از حاکمیت سیاست مالی بر سیاست پولی، نظام اسلامی لازم است بانک مرکزی قدرتمند و مستقل داشته باشد تا بتواند ضمن کنترل پایه پولی قدرت نظارت کامل و شدید بر بانکهای خصوصی تجاری همانند بانکهای تجاری دولتی داشته باشد تا نتوانند بی رویه خلق پول و نقدینگی کنند. اعطای استقلال عملی و واقعی به بانک مرکزی، می تواند در کنترل حجم نقدینگی، در نتیجه ثبات قیمت ها و حفظ ارزش پول بسیار مؤثر باشد.

۳. دولت باید ضمن متعادل کردن بودجه از پولی شدن کسر بودجه اجتناب کرده و در بکارگیری سیاستهای مالی و سیاستهای پولی، تعهد به حفظ ارزش پول و ثبات قیمت‌ها را به‌طور جدی مدنظر قرار دهد. نتیجه وفای به این تعهد، ثبات بخش پولی و در نتیجه ثبات بخش واقعی و رفاه اقتصادی کل کشور و رسیدن به اهداف اقتصادی پایدار و بلندمدت نظام می‌باشد.

۴. دولت باید در مسئله جبران حقوق‌ها و دستمزدها کوتاهی نکرده، این امر را تسریع کرده و متناسب با نرخ تورم سال به سال اعمال کند. در این صورت از انباشت قدرت خرید کاهش یافته حقوقها طی سالهای تورم جلوگیری شده، بحران‌های روانی و اقتصادی ناشی از تورم بر طرف شده و مردم به دولت اعتماد پیدا می‌کنند.

۵. بانک مرکزی با قدرت و سرعت برای «ترتیبات خلق پول» چاره‌ای بیندیشد، والا بحران عظیمی اقتصاد ایران را در بر گرفته و بزودی زمینگیر خواهد شد. قدرت پول آفرینی شبکه بانکی باعث می‌شود بانکهای مرکزی تسلط کامل را در کنترل حجم نقدینگی نداشته باشند.

۶. اگر ذخیره صد درصد به بانکها تحمیل نشود خلق پول بصورت قهری اتفاق می‌افتد. خلق پول لازمه صندوقهای قرض الحسنه نیز هست زیرا در آن وام پرداخت می‌شود گرچه وام در آن غیر ربوی است. لذا صندوقهای قرض الحسنه هم باید تحت نظارت شدید بانک مرکزی قرار گیرند.

۷. در مورد کل حجم نقدینگی اعم از پول بانک مرکزی و پول اعتباری قاعده اصلی به هدف حفظ ارزش پول و نیز برخورداری از نرخ رشد اقتصادی پایدار باید بر محدودیت و منضبط بودن استوار باشد و نرخ رشد نقدینگی باید رابطه تناسبی مشخصی را با نرخ رشد محقق شده یا انتظاری تولید ناخالص ملی حفظ کند.

منابع و مأخذ:

- القرآن الکریم
- احمدی، محمد حسین و حسینی، سید محمد (۱۳۹۳ش)، راه های شرعی سپرده گذاری در بانکها، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، گروه مطالعات و پژوهشهای اقتصاد اسلامی دفتر تبلیغات اسلامی خراسان
- الحرالعاملی، الشیخ محمد بن حسن (بی تا)، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه: دار احیاء التراث العربی، بیروت.
- امام خمینی، سید روح الله (۱۳۷۸ش)، کتاب البیع، جلد ۲، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی
- توسلی، محمد اسماعیل (۱۳۹۶ش)، نشست بررسی مشروعیت خلق پول اعتباری در نظام بانکی، دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی، باز نشر: خبرگزاری فارس، گروه اقتصاد، ۱۲ / ۱۲ / ۱۳۹۶
- توسلی، محمد اسماعیل، (۱۳۹۴ش)، تحلیل ماهیت پول و بنیانهای اعمال سیاست پولی در اقتصاد اسلامی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم
- خورسندی، مرتضی (۱۳۹۷ش)، نظام بانکداری ذخیره جزئی و تورم: کاربردی از روش گشتاورهای تعمیم یافته پانلی، دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی، این مطالعه بزودی منتشر خواهد شد.
- دفتر همکاری حوزه و دانشگاه (۱۳۷۴ش)، پول در اقتصاد اسلامی، انتشارات سمت، تهران
- سبزواری، حاج ملاهادی (بی تا)، شرح منظومه، مصطفوی، قم
- شاکری، عباس (۱۳۹۷ش)، نگاهی به نقش شوک درمانی در بحران سازی نقدینگی، پایگاه خبری الف، گروه اقتصاد، ۲۵ شهریور ۱۳۹۷.
- شهنازی، روح اله و پناهی مجتبی (۱۳۹۵ش)، مجله اقتصاد و بانکداری اسلامی، سال پنجم، شماره ۱۶، پاییز ۱۳۹۵.
- صدر، محمد باقر (دت)، الاسلام یقود الحیاه، دارالتعارف للمطبوعات، بیروت.
- ضیایی، منوچهر (۱۳۷۲ش)، مجموعه قوانین پولی و بانکی و سایر قوانین مربوطه از سال ۱۲۸۵ تا سال ۱۳۷۰، مؤسسه تحقیقات پولی و بانکی، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، تهران.
- طباطبائی، سید محمد حسین، (۱۳۹۰ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت
- قانون پولی و بانکی کشور (مصوب ۱۳۵۱ش) (با اصلاحات سال های بعد)، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، تهران.
- مرکز پژوهشهای مجلس شورای اسلامی (۱۳۹۵ش)، آسیب شناسی نظام بانکی ۷. نظارت شرعی بانک مرکزی، تهیه و تدوین، سیدعلی روحانی، سیدمهدی بنی طبا، اردیبهشت ۱۳۹۵
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۷ش)، یادداشتهای استاد مطهری، انتشارات صدرا، تهران
- معصومی نیا، علی (۱۳۹۶ش)، صوری بودن ۸۵ درصد قراردادهای بانکی، خبرگزاری تسنیم، ۴ مهر ۱۳۹۶
- موسوی بجنوردی، سید محمد (۱۳۷۲ش)، نظر خواهی از فقهاء پیرامون مسائل فقهی و حقوقی ناشی از کاهش ارزش پول، مجله رهنمون، مدرسه عالی شهیدمطهری، شماره ۶، سال ۱۳۷۲، تهران.

- موسویان، سید عباس (۱۳۹۶ش)، نشست بررسی مشروعیت خلق پول اعتباری در نظام بانکی، دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی، باز نشر: خبرگزاری فارس، گروه اقتصاد، ۱۲ / ۱۲ / ۱۳۹۶
- موسویان، سید عباس و میسمی، حسین (۱۳۹۳)، بانکداری اسلامی (مبانی نظری- تجارب عملی)، پژوهشکده پولی و بانکی، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.
- موسویان، سید عباس و میثمی، حسین (۱۳۹۶)، بانکداری اسلامی (بانکداری مرکزی اسلامی و سیاستگذاری پولی و ارزی)، پژوهشکده پولی و بانکی، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.
- موسویان، سید عباس و همکاران (۱۳۸۶ش)، نقد و بررسی قانون عملیات بانکی بدون ربا و پیشنهاد قانون جایگزین، فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، سال هفتم، شماره ۲۵، ۱۳۸۶
- هاشمی شاهرودی، سید محمود (۱۳۷۴ ش)؛ احکام فقهی کاهش ارزش پول، مجله فقه اهل بیت(ع)، شماره دوم.
- یوسفی، احمد علی (۱۳۷۷ ش)، ماهیت پول، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم.

بررسی خودکنترلی در نظام نظارت عملیاتی تسهیلات مشارکت مدنی

الهه دانشفر^۱

پرستو محمدی^۲

چکیده

هدف از انجام این تحقیق ارزیابی سطح خودکنترلی در بخش نظارت عملیاتی تسهیلات مشارکت مدنی بانک است. در این تحقیق در ابتدا با استفاده از مفهوم خودکنترلی در ۵ مرحله، به ترتیب شامل تنبیه، تشویق، تشویق‌های اجتماعی همچون ارتقا شغلی، القای عوامل خودکنترلی به فرد که در نهایت منجر به این می‌شود که فرد اخلاقاً و بااراده و اختیار کامل، خود را متعهد به سازمان بداند. لذا از نظریه دوعاملی هرزبرگ در ۳ مرحله ابتدایی و همچنین نظام نظارت باورها در مراحل ۴ و ۵ استفاده شده است. در این تحقیق از روش میدانی استفاده شده، لذا در برخی شعب یکی از بانک‌های کشور ۴۰ نفر از مسئولان مربوطه در چهار رده شغلی به‌عنوان جامعه آماری انتخاب شدند و اطلاعات لازم طی پرسشنامه طراحی شده از آن‌ها گردآوری گردید. سپس به وسیله آمار استنباطی اطلاعات داده شده مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج این تحقیق نشان داد هر یک از عوامل بهداشتی، عوامل انگیزشی و باورهای افراد به سازمان، برای تعهد داشتن نسبت به سازمان، ارتباط مستقیمی با خودکنترلی دارند. از دیگر نتایج منتج از پرسشنامه‌ها این است که سطح خودکنترلی در بازرسان از همه بالاتر و سپس ارزیابان، روسای شعب و در نهایت مسئولین اعتبارات به ترتیب در رده‌های بعدی قرار دارند.

واژگان کلیدی: نظارت، خودکنترلی، باورها، عوامل انگیزشی، نظریه دوعاملی هرزبرگ

مقدمه

در ساختار سیستم بانکی کشور به نظارت و کنترل چه در سطح کلان و چه در سطوح پایین تر مانند پروژه‌ها و اعطای تسهیلات به آن‌ها برای جلوگیری از به وجود آمدن مشکلاتی از قبیل بدهی‌های معوق ناشی از عدم پایان موفقیت‌آمیز پروژه، عدم بکارگیری تسهیلات در محل خود و ... نیاز است. نظارت عبارت است از فعالیتی که باعث تطبیق عملیات با برنامه می‌شود. به عبارت دیگر نظارت چیزی است که نظام را در زمینه هدف‌های موردنظر از انحراف حفظ می‌کند. (صادق پور و مقدس، ۱۳۷۲) به طور مثال در تبصره ۵ ماده ۳ "بسته سیاستی - نظارتی سیستم بانکی" آمده است که بانک‌ها موظفاند کلیه اطلاعات مربوط به پرداخت تسهیلات طرح‌های فوق‌الذکر در بخش‌های مختلف را به منظور نظارت بر طرح‌های معرفی شده در اختیار دبیرخانه کارگروه مذکور قرار دهند. این امر نافی مسئولیت بانک‌ها در نظارت بر پرداخت تسهیلات نیست. (گروه پژوهشی انستیتو بانکداران خاورمیانه، ۱۳۸۹)

در این تبصره اشاره به نظارت کارگروه از یک طرف و نظارت خود بانک از طرف دیگر نشان‌دهنده وجود بخش‌های مختلف نظارتی هست. همچنین به نظر می‌رسد راهکارهایی همچون اعطای تسهیلات مرحله‌ای و متناسب با پیشرفت پروژه که در ماده ۴ همین بسته آمده است می‌تواند در حل مشکلات مذکور کاملاً مؤثر باشد، ولیکن عاملی که می‌تواند چنین قانونی را به صورت صحیح جامه عمل ببوشاند کارشناس و یا کمیته کارشناسی است که پیشرفت پروژه‌ها را ارزیابی و میزان آن را تأیید و به اطلاع بانک می‌رساند تا مرحله بعدی پرداخت صورت گیرد.

از طرف دیگر یکی از وظایف مهم مدیران در سازمان‌ها، شناسایی استعدادهای بالقوه کارکنان و فراهم نمودن زمینه‌های رشد و شکوفایی آنان است که زمینه ارتقای بهره‌وری را فراهم می‌کند. امروزه نمی‌توان بدون توجه به میزان بهره‌وری در تولید و بدون آگاهی از عوامل مؤثر بر افزایش آن، به سوی توسعه پایدار گام برداشت. از آنجاکه انسان در توسعه نقش کلیدی دارد و تحقق توسعه به دست انسان صورت می‌پذیرد، برطرف کردن نیازهای روحی و روانی افراد از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ بنابراین یکی از وظایف مهم مدیر، انگیزش افراد است، انسان‌هایی با نیازهای متعدد برای نیل به اهداف سازمانی. انگیزه را چرایی رفتار گویند. به عبارت دیگر هیچ رفتاری را فرد انجام نمی‌دهد که انگیزه‌ای یا نیازی محرک آن نباشد. انگیزش انسان اعم از خودآگاه یا ناخودآگاه، ناشی از نیازهای اوست؛ بنابراین در تعریف انگیزه می‌توان گفت: انگیزه یا نیاز عبارت است از حالتی درونی و کمبود یا محرومیتی که انسان را به انجام یک سری فعالیت وامی‌دارد. (جوادین، ۱۳۸۶)

در این میان عقود مشارکت مدنی در آمیختن سهم الشرکه نقدی و غیر نقدی بانک و مشتری حقیقی یا حقوقی بر طبق قرارداد و به صورت مشاع و به منظور انتفاع طرفین قابل پرداخت در بخش‌های تولیدی (صنعتی، معدنی، کشاورزی و مسکن) بازرگانی (داخلی، صادرات و واردات) و خدماتی به منظور گسترش فعالیت‌های مذکور هست. همچنین سرمایه مشارکت مدنی، متشکل از نقدی و غیر نقدی است و می‌تواند به دفعات پرداخت گردد. (نجفی، حقوق بانکی: روش‌های وصول مطالبات، ۱۳۹۱) با عنایت به گسترش معوقات بانکی که بخشی از آن ناشی از عدم نظارت واحدهای درگیر در نظارت عملیاتی پروژه‌های مشارکت مدنی است، این‌طور به نظر رسید که با افزایش سطح خودکنترلی افراد، می‌توان از خطای انسانی موضوع مذکور کاست. اولین قدم برای

رسیدم به این امر این است که مشخص شود در حال حاضر در چه مرحله‌ای از مراحل رسیدن به خودکنترلی هستیم. هرگاه عامل کنترل‌کننده از خارج به داخل انسان منتقل گردد بطوریکه شخص با اختیار و آگاهی به ارزیابی و اصلاح عملکرد خود در قالب استانداردهای مشخص و در جهت اهداف مطلوب پردازد خودکنترلی تحقق یافته است. (سجادی، ۱۳۸۵)

با عنایت به گسترش معوقات بانکی که بخشی از آن ناشی از عدم نظارت واحدهای درگیر در نظارت عملیاتی پروژه‌های مشارکت مدنی است، این‌طور به نظر رسید که با افزایش سطح خودکنترلی افراد، می‌توان از خطای انسانی موضوع مذکور کاست. اولین قدم برای رسیدن به این امر این است که مشخص شود در حال حاضر در چه مرحله‌ای از مراحل رسیدن به خودکنترلی هستیم. با این تفصیل مسئله تحقیق حاضر این است که در حال حاضر کارکنان مربوط به نظارت عملیاتی مشارکت مدنی بانک مورد مطالعه در چه سطحی از خودکنترلی قرار دارند؟ نقاط ضعف این واحد برای رسیدن به خودکنترلی کدام است؟

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

در این جا به بحث در مورد سازمانی با الگوی خودکنترلی پرداخته می‌شود. این الگو از مقاله (Yunna Wu, 2012) برگرفته شده است. با توجه به اینکه این الگو برای بانک مسکن مورد ارزیابی قرار می‌گیرد، می‌بایست افراد را با توجه به نوع مشارکت و نظارتشان بر پروژه‌ها دسته بندی کرد؛ که در ادامه این کار انجام می‌گردد. در ادامه به منظور شناسایی و تحلیل فرآیندها پس از مطالعه و بررسی تحقیقات به مصاحبه با کارشناسان بانکی در سمت تسهیلات و اعتبارات و با سمت‌های رئیس شعبه و مسئول اعتبارات و کارشناس اعتباری پرداخته شد و فرآیند اعطای تسهیلات عقود مشارکتی شناسایی و پنج مرحله برای رسیدن به خودکنترلی ارائه شد. در نهایت، مدل مفهومی این پژوهش ارائه شد.

سیستم خودکنترلی

به روابط موجود در میان فعالیت‌های گوناگونی که در یک سیستم انجام می‌گیرد، ساختار اطلاق می‌شود. منظور از ساختار فراهم آوردن نظم و ترتیب در میان فرآیندهای سیستم است تا اهداف به طور مؤثر برآورده شود. (Scott, 1969)

مفاهیم زیر در طراحی ساختار هر سازمان و سیستمی تعیین می‌گردد:

۱. روابط مکتوب رسمی که شامل تعدادی از سطوح سلسله مراتب و حیطة نظارت مدیریت و سرپرستان است

۲. گروه‌بندی افراد با یکدیگر در داخل طبقات و گروه‌بندی طبقات در کل سیستم

۳. طراحی نظام‌ها برای اطمینان از اثربخشی ارتباطات، هماهنگی و تلفیق تلاش‌ها در سرتاسر طبقات (Daft R. , Organization theory and design, 1992)

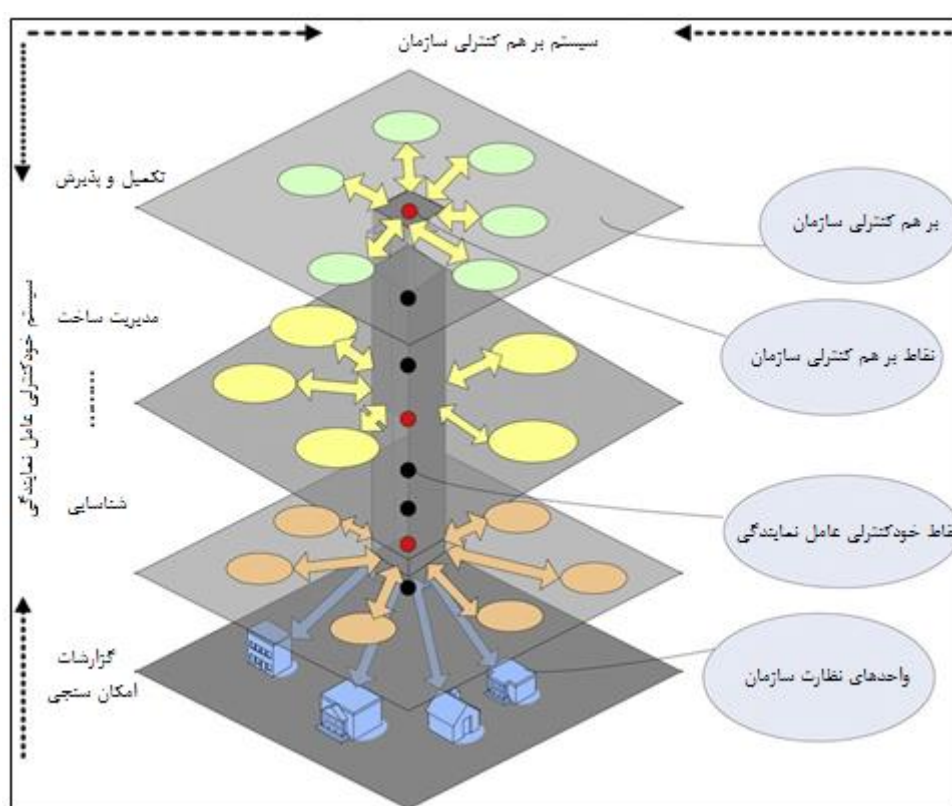
به اعتقاد ایوانز در کنترل اثربخش، فعالیت‌هایی به شرح زیر صورت می‌پذیرد:

(۱) دسته‌بندی هدفها یا استانداردهای کار

- ۲) تدبیر و چاره‌اندیشی پیرامون شیوه‌های سنجش واقعی عملکرد
- ۳) سنجش عملکرد واقعی نسبت به اهداف یا استانداردها
- ۴) ارزشیابی میزان انحرافات که از نتایج برنامه‌ای وجود داشته و ذکر اینکه چرا آنها روی داده‌اند.
- ۵) دریافت کنش اصلاحی برای بهبود موقعیت تا جاییکه امکان‌پذیر است (Evans, 1993)
- توصیه شده است که پیش از به اجرا گذاشتن نظام نظارت در ارتباط با هر پروژه‌ای پرسش‌های زیر باید مطرح و پاسخ داده شود: (معمارزاده، ۱۳۷۱)
- ۱) فعالیت نظارتی و ارزشیابی معطوف به چه هدفهایی است؟
 - ۲) چه نوع اطلاعاتی را باید گردآوری کرد؟
 - ۳) گردآوری اطلاعات به چه نحو انجام خواهد گرفت؟
 - ۴) برای تجزیه و تحلیل از چه روش‌هایی استفاده خواهد شد؟
 - ۵) یافته‌های حاصل از نظارت و ارزشیابی در اختیار چه کسانی قرار خواهد گرفت و چگونه بکار گرفته خواهد شد؟
 - ۶) سازماندهی نظام نظارتی و ارزشیابی از چه قرار خواهد بود؟
 - ۷) هزینه نظارت و ارزشیابی چقدر است؟ چه مقدار از کل هزینه‌های پروژه باید به نظام‌های نظارت و ارزشیابی اختصاص یابد؟
 - ۸) درس‌ها و مشکلاتی که به احتمال از اجرای نظام نظارت و ارزشیابی فراگرفته خواهد شد، کدامند؟
- در این جا به بحث در مورد سازمانی با الگوی خودکنترلی پرداخته می‌شود. این الگو از مقاله (Yunna Wu, 2012) برگرفته شده است. در این مقاله سیستم خودکنترلی به صورت نمودار ۱- به نمایش در آمده است. همانطور که می‌بینید این الگو دارای دو بعد عمودی و افقی می‌باشد. ابتدا می‌بایست سیستم خودکنترلی کارگزار را در بعد عمودی و بر اساس هدف گذاری کیفیت تنظیم نمود، سپس سیستم نظارت بخش‌های عملکردی مدیریت در بعد افقی پایه گذاری شود:
- ✓ در بعد عمودی پیمانکار نقاط خود کنترلی را بر اساس قرارداد پیمانکاری، گزارشات امکان سنجی، طرح اولیه، طراحی ساخت و مناقصه تنظیم می‌کند.
- ✓ در بعد افقی کارفرما نقاط سرپرستی و نظارت خود را بر اساس سیستم خودکنترلی پیمانکار و قرارداد پیمانکاری و قوانین مربوطه انتخاب می‌کند.
- مهم‌ترین نکته در روند نظارت، انتخاب نقاط نظارتی می‌باشد. هنگامی که خود کنترلی همزمان با نظارت دولت باشد، این نقطه به عنوان یک نقطه نظارتی تأیید می‌شود. با توجه به اینکه تعداد نقاط خودکنترلی بیشتر از نقاط نظارت مدیریتی می‌باشد لذا نقاط نظارت کارفرما بر اساس درجه اهمیت نقاط خودکنترلی پیمانکار تعیین می‌گردد.
- برای داشتن یک سیستم نظارتی کارآمد می‌بایست نقاط مهم و کلیدی در سیستم نظارتی به درستی مشخص و معین گردد. نقاط کلیدی آن بخش از عملیات یا واحدهایی هستند که نتایج و عملکردشان در کل برنامه و اتخاذ تصمیم، نقش مهم و تعیین کننده‌ای دارند. این نقاط غالباً شامل فعالیت‌های اصلی برنامه یا

عوامل مهم و قابل انتظار یک تصمیم هستند. همچنین بخش نظارت به دنبال استخراج نقاط کلیدی نظارت بوده و سپس وظایف نظارت را به هر واحد اختصاص می‌دهد. در روند اجرای نظارت، سازمان می‌تواند فرایند ارزیابی را معرفی نموده و روش‌های ارزیابی را به کار بندد. نمودار نظارت سازمانی به صورت سیستماتیک در نمودار ۱- نشان داده شده است.

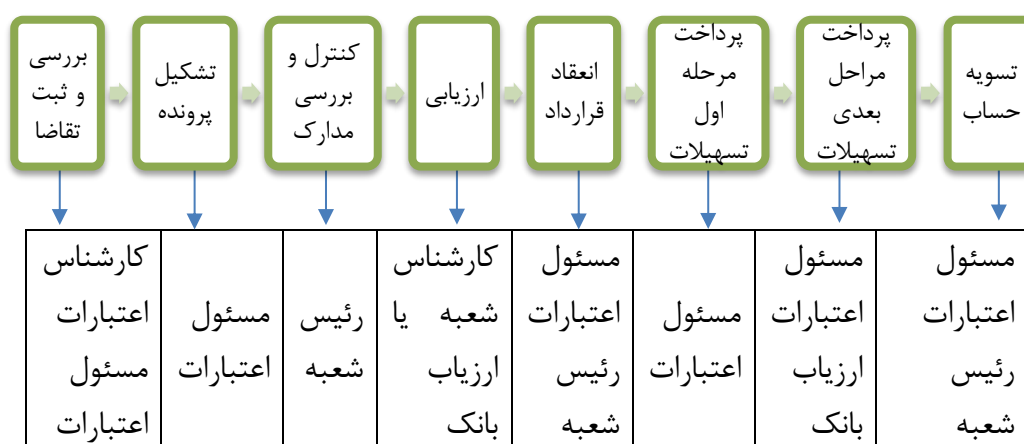
لذا با توجه به اینکه این الگو در بانک مسکن مورد ارزیابی قرار می‌گیرد، می‌بایست با توجه به موارد گفته شده افراد را با توجه به نوع مشارکت و نظارتشان بر پروژه‌ها دسته بندی کرد؛ که در ادامه این کار انجام می‌گردد.



نمودار ۱. نظارت سازمانی (Yunna Wu, 2012)

شناسایی سطوح مختلف نظارتی بانک جهت کنترل عقود مشارکتی

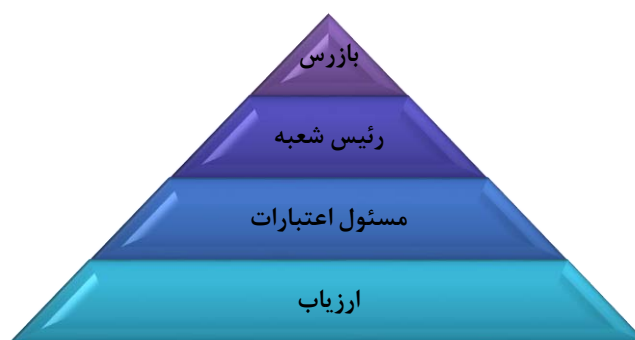
در ابتدا به منظور شناسایی و تحلیل فرآیندها پس از مطالعه و بررسی تحقیقات به مصاحبه با کارشناسان بانکی در سمت تسهیلات و اعتبارات و با سمت‌های رئیس شعبه و مسئول اعتبارات و کارشناس اعتباری پرداخته شد و فرآیند اعطای تسهیلات عقود مشارکتی شناسایی گردید که در نمودار ۲ آورده شده است:



نمودار ۲. روند اعطای تسهیلات و کارمند مربوطه

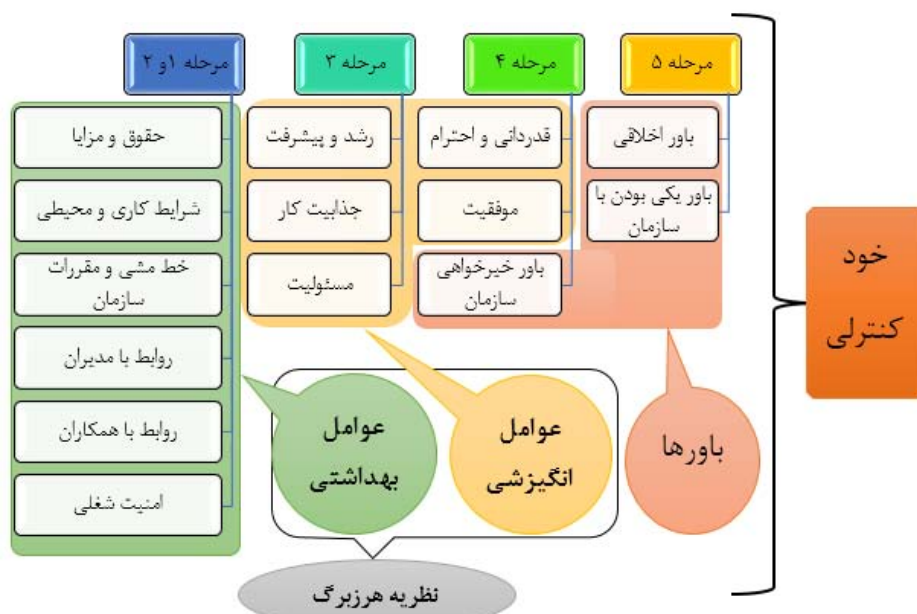
با توجه به این نمودار، از آنجا که در این تحقیق نظارت از مرحله بعد از انعقاد قرارداد بررسی می شود، نقش‌های درگیر ما مسئول اعتبارات، رئیس شعبه و ارزیاب می‌باشد. همچنین با توجه به مصاحبات صورت گرفته اشاره شد که بازرسانی نیز هستند که یکی از وظایفشان در بازرسی و ارزیابی کار کل شعبه می‌باشد که این نظارت بر این عقود نیز یکی از وظایف شعبه است. لذا می‌توان سطح چهارمی نیز به مسئولان درگیر اضافه کرد که بازرسان می‌باشند.

پس می‌توان این سطوح را بصورت نمودار ۳ به تصویر کشید:



نمودار ۳. سطوح مختلف ناظران تسهیلات مشارکت مدنی

پنج مرحله برای رسیدن به خودکنترلی وجود دارد که در نمودار ۴- آمده است.

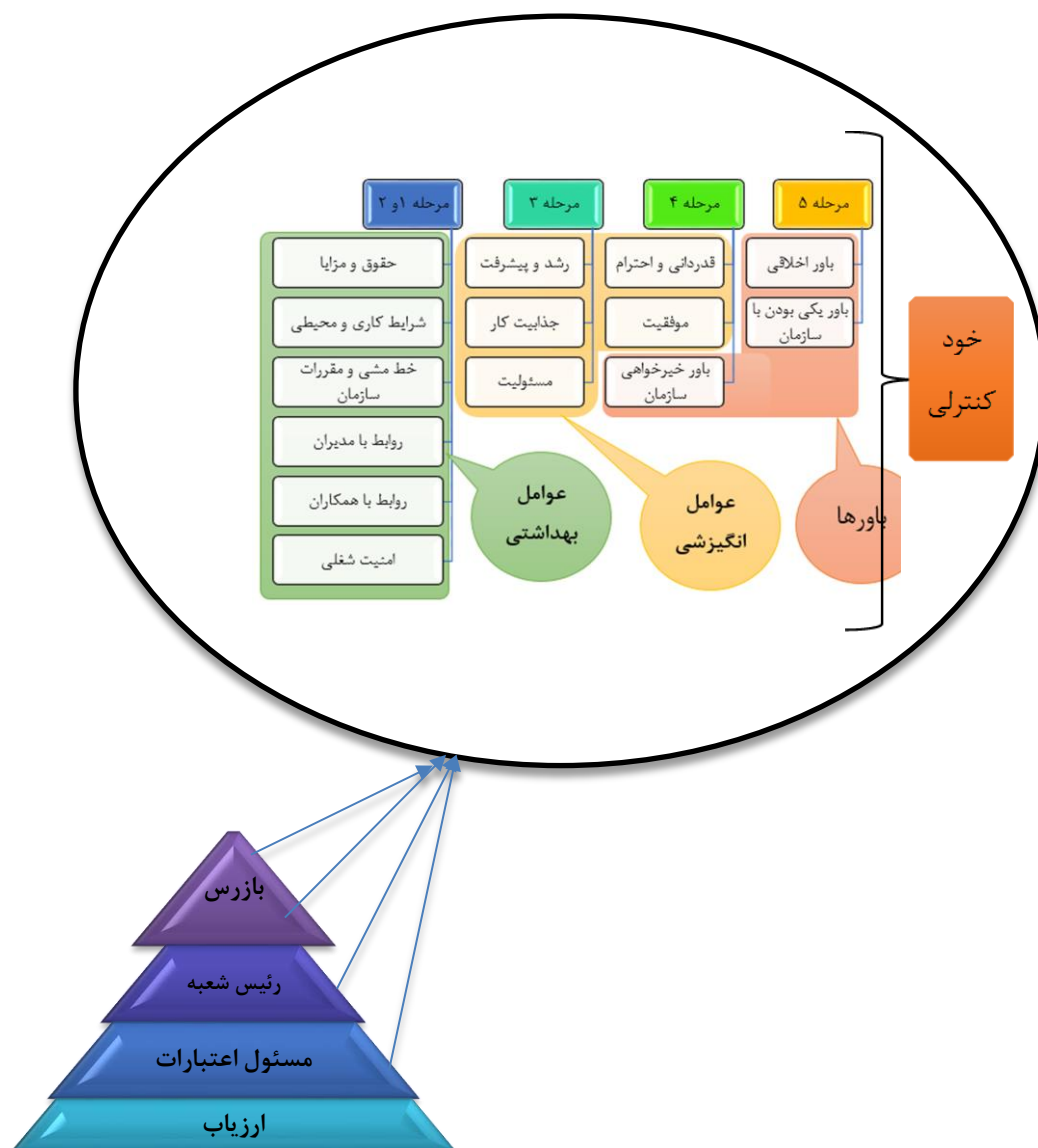


نمودار ۴. مراحل رسیدن به خودکنترلی

در نهایت، مدل مفهومی این پژوهش که بر اساس مطالعات صورت گرفته می‌باشد و بصورت پیش فرض است بصورت نمودار ۵- می‌باشد که در ادامه بررسی می‌شد.

روش شناسی پژوهش

طرح تحقیق مطالعه موردی از نوع پیمایشی است. جامعه آماری مورد مطالعه نیز شامل بانک‌های مسکن شهر



نمودار ۵. مدل مفهومی تحقیق

تهران است که ۴۰ نفر به عنوان نمونه در چهار طبقه شغلی ارزیاب، مسئول ارتباطات، رئیس شعبه و بازرس انتخاب شدند. پرسشنامه این تحقیق از ترکیب پرسشنامه استاندارد خود کنترلی تانجی (Tangney, Baumeister, & Boone, 2004) و پرسشنامه پژوهش هاشمی (۱۳۸۵) شکل گرفته است. پرسشنامه با ۳۴ سوال که ۲۲ سوال در زمینه عوامل انگیزشی هرزبرگ، ۷ سوال در زمینه نظام نظارت باورها و ۵ سوال در زمینه سنجش خودکنترلی شرکت کنندگان، طراحی گردید. در نظریه هرزبرگ، عواملی که منجر به رضایت شغلی می‌شوند بعنوان عوامل انگیزشی معرفی شده‌اند در حالی که عواملی که در بوجود آمدن عدم رضایت شغلی و ناراضیاتی مهم هستند و از بین بردن آنان به رضایت شغلی نمی‌انجامد تحت عنوان عوامل بهداشتی طبقه‌بندی شده‌اند (نوربخش، ۱۳۷۶). لذا پرسشنامه بر اساس نظریه دوعاملی هرزبرگ تدوین شد.

پرسشنامه استاندارد مذکور در پژوهش موسوی مقدم و همکاران (۱۳۹۴) نیز مورد تایید قرار گرفته است (موسوی مقدم، ۱۳۹۴). هم چنین در پرسشنامه هاشمی (۱۳۸۵) از دو روش ممکن برای اعتبارسنجی محتوا استفاده شده است: ۱. بررسی ادبیات مربوط به موضوع که شرح آن در قسمت قبل آورده شده است. ۲. استفاده از راهنمایی دو تن از اساتید دانشگاه، ۲ تن از مدیران رده بالا و ۴ تن از کارشناسان ارشد سازمان مورد مطالعه. پایایی این پرسشنامه در تحقیق حاضر با استفاده از آزمون آلفای کرونباخ بوسیله نرم افزار SPSS حدود ۹۳٪ بدست آمده است که قابل قبول می باشد. بطور خلاصه می توان سؤالات طراحی شده را به شرح جدول ۱- طبقه بندی نمود:

جدول ۱. جدول خرده مقیاس‌ها

تعداد سؤالات	خرده مقیاس‌ها	
۲	عوامل بهداشتی - حقوق و مزایا	مرحله ۱ و ۲ خودکنترلی (تشویق و تنبیه)
۲	عوامل بهداشتی - شرایط کاری و محیطی	
۲	عوامل بهداشتی - خط و مشی و مقررات سازمان	
۲	عوامل بهداشتی - ارتباط با مدیران	
۲	عوامل بهداشتی - ارتباط با همکاران	
۲	عوامل بهداشتی - امنیت شغلی	
۲	عوامل انگیزشی - مسؤولیت	مرحله ۳ خودکنترلی (تشویق اجتماعی)
۲	عوامل انگیزشی - رشد و پیشرفت	
۲	عوامل انگیزشی - جذابیت کار	
۲	عوامل انگیزشی - شناخت و قدردانی	مرحله ۴ خودکنترلی (صداقت و ایمان)
۲	عوامل انگیزشی - موفقیت شغلی	
۲	باورها - باور خیرخواهی سازمان برای فرد	
۳	باورها - باور اخلاقی	مرحله ۵ خودکنترلی (اخلاقی)
۲	باورها - باور یکی بودن با سازمان	
۵	خودکنترلی	

به منظور تجزیه و تحلیل داده ها از آزمون ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل واریانس یکراهه با کاربرد نرم افزار spss استفاده شد.

یافته های پژوهش

آزمون فرضیه اول: میان عوامل بهداشتی و میزان خودکنترلی افراد رابطه معنادار وجود دارد. نتایج تحلیل حاصل از آزمون همبستگی پیرسون بیانگر آن است که در سطح معناداری ۰/۰۵، بین عوامل

بهداشتی و سطح خودکنترلی رابطه معنادار مثبتی وجود دارد.

جدول ۲. یافته‌های مربوط به ارتباط عوامل بهداشتی و خودکنترلی

خود کنترلی/بهداشتی	آزمون آماری
,۴۲۹**	ضریب همبستگی پیرسون
,۰۰۶	سطح معناداری
۴۰	تعداد پاسخگویان

آزمون فرضیه دوم: میان عوامل انگیزشی و میزان خودکنترلی افراد رابطه مثبت معنادار وجود دارد. نتایج تحلیل حاصل از آزمون همبستگی پیرسون بیانگر آن است که در سطح معناداری ۰/۰۵، بین عوامل انگیزشی و سطح خودکنترلی رابطه معنادار مثبتی وجود دارد.

جدول ۳. یافته‌های مربوط به ارتباط عوامل انگیزشی و خودکنترلی

خود کنترلی/انگیزشی	آزمون آماری
,۵۵۹**	ضریب همبستگی پیرسون
,۰۰۰	سطح معناداری
۴۰	تعداد پاسخگویان

آزمون فرضیه سوم: میان صداقت و میزان خودکنترلی افراد رابطه مثبت معنادار وجود دارد. نتایج تحلیل حاصل از آزمون همبستگی پیرسون بیانگر آن است که در سطح معناداری ۰/۰۵، بین صداقت و سطح خودکنترلی رابطه معنادار مثبتی وجود دارد.

جدول ۴. یافته‌های مربوط به ارتباط صداقت و خودکنترلی

خودکنترلی/صداقت	آزمون آماری
.۴۴۹**	ضریب همبستگی پیرسون
,۰۰۴	سطح معناداری
۴۰	تعداد پاسخگویان

آزمون فرضیه چهارم: میان اخلاق و میزان خودکنترلی افراد رابطه مثبت معنادار وجود دارد. نتایج تحلیل حاصل از آزمون همبستگی پیرسون بیانگر آن است که در سطح معناداری ۰/۰۵، بین اخلاق و سطح خودکنترلی رابطه معنادار مثبتی وجود دارد.

جدول ۵. یافته‌های مربوط به ارتباط اخلاق و خودکنترلی

خودکنترلی/اخلاق	آزمون آماری
,۳۷۶*	ضریب همبستگی پیرسون
,۰۱۷	سطح معناداری
۴۰	تعداد پاسخگویان

آزمون فرضیه پنجم: میان باورها و میزان خودکنترلی افراد رابطه مثبت معنادار وجود دارد. نتایج تحلیل حاصل از آزمون همبستگی پیرسون بیانگر آن است که در سطح معناداری ۰/۰۵، بین باورها و سطح خودکنترلی رابطه معنادار مثبتی وجود دارد.

جدول ۶. یافته‌های مربوط به ارتباط باورها و خودکنترلی

خودکنترلی/باورها	آزمون آماری
.۴۶۱**	ضریب همبستگی پیرسون
,۰۰۳	سطح معناداری
۴۰	تعداد پاسخگویان

آزمون فرضیه ششم: میان کارکنان در سمت‌های سازمانی مختلف از جهت میزان خودکنترلی تفاوت معنادار وجود دارد.

نتایج تحلیل حاصل از آزمون تحلیل واریانس یکراهه، بیانگر آن است که در سطح معناداری ۰/۰۵، هیچ تفاوت معناداری بین گروه‌ها وجود ندارد. در نتیجه فرضیه پژوهشگر رد و فرضیه صفر پذیرفته خواهد شد. به عبارتی بین افراد در ۴ سمت سازمانی ارزیاب، مسئول اعتبارات، رئیس شعبه و بازرس، از جهت سطح خودکنترلی تفاوت معناداری وجود ندارد.

جدول ۷. سطح خودکنترلی در ۴ رده سازمانی

F	sig	df	N				Mean			
			ارزیاب	مسئول اعتبارات	رئیس شعبه	بازرس	ارزیاب	مسئول ارزیاب	رئیس شعبه	بازرس
۱,۶۱۸	,۲۰۲	۳۹	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۶,۳	۱۵,۲	۱۵,۴	۱۶,۷

در جدول ۸ نمرات به صورت جزئی در هر رده شغلی و بر اساس هر خرده مقیاس به نمایش گذاشته شده است.

جدول ۸. نمرات هر خرده مقیاس در هر رده شغلی

مقیاس	خرده مقیاس	ارزیاب	مسئول اعتبارات	رئیس شعبه	بازرس	کل
عوامل بهداشتی	حقوق و مزایا	۱,۷۰	۱,۹۵	۱,۸۰	۲,۲۵	۱,۹۳
	شرایط کاری و محیطی	۲,۱۰	۱,۸۵	۱,۸۰	۲,۶۰	۲,۰۹
	خط مشی و مقررات سازمان	۲,۱۵	۲,۳۰	۲,۱۰	۲,۳۰	۲,۲۱
	روابط با مدیران	۳,۴۵	۳,۳۵	۳,۱۰	۳,۸۰	۳,۴۳
	روابط با همکاران	۳,۸۰	۴,۲۰	۴,۰۵	۴,۶۰	۴,۱۶
	امنیت شغلی	۳,۹۰	۳,۹۵	۳,۷۵	۴,۵۰	۴,۰۳
مرحله ۱ و ۲- تنبیه و تشویق						
عوامل انگیزشی	رشد و پیشرفت	۴,۲۵	۴,۱۰	۳,۷۰	۴,۳۰	۴,۰۹
	جذابیت کار	۴,۰۵	۳,۳۵	۳,۵۰	۴,۴۰	۳,۸۳
	مسئولیت	۲,۸۰	۲,۸۰	۳,۰۰	۲,۷۵	۲,۸۴
مرحله ۳- تشویق اجتماعی						
عوامل انگیزشی	انگیزشی- قدردانی و احترام	۳,۶۵	۳,۴۰	۳,۱۰	۳,۸۰	۳,۴۹
	انگیزشی- موفقیت	۳,۹۵	۴,۳۰	۴,۰۵	۴,۶۵	۴,۲۴
باورها	باورها-خیرخواهی سازمان برای فرد	۲,۷۰	۲,۶۰	۲,۵۰	۳,۴۵	۲,۸۱
مرحله ۴- صداقت و ایمان						
باورها	باورها- اخلاقی	۲,۲۰	۲,۲۷	۲,۱۳	۲,۹۰	۲,۳۸
	باورها- یکی بودن	۲,۵۰	۲,۷۵	۲,۶۵	۲,۵۵	۲,۶۱
مرحله ۵- اخلاق						
عوامل بهداشتی						
عوامل انگیزشی						
باورها						
خودکنترلی						

نتیجه گیری

مبحث خودکنترلی مبحث نو و تازه‌ای است که جای کار بسیار دارد. لذا پژوهش حاضر برای پیاده‌سازی این مفهوم از نظریه هرزبرگ و همچنین نظام باورها استفاده کرد. در مورد مباحث انگیزشی تاکنون مطالعات زیادی صورت گرفته است، ولیکن وجه تمایز این تحقیق در ترکیب این مباحث با باورهای افراد است تا بتوان به خودکنترلی در سازمان دست یافت. نتایج تحلیل حاصل از آزمون همبستگی پیرسون بیانگر آن بود که در سطح معناداری ۰/۰۵ میان عوامل بهداشتی و خودکنترلی کارکنان رابطه معنادار مثبتی وجود داشت. به عبارتی با ارتقاء عوامل بهداشتی ما شاهد افزایش میزان خودکنترلی افراد خواهیم بود. به طور مثال افزایش میزان حقوق و مزایا، بهبود شرایط کاری و مقررات سازمانی، وجود امنیت شغلی و روابط خوب با مدیر و سایر همکاران، منجر به افزایش سطح خودکنترلی کارکنان خواهد شد. همچنین طبق نتایج گزارش شده از آزمون همبستگی پیرسون، با ۹۵ درصد اطمینان می توان گفت که میان عوامل انگیزشی و میزان خودکنترلی کارکنان بایکدیگر نیز رابطه معنادار مثبت برقرار است که با ارتقاء عوامل انگیزشی شاهد افزایش میزان خودکنترلی افراد خواهیم بود. لذا از آنجا که عوامل بهداشتی به از بین رفتن نارضایتی در افراد می‌انجامد و عوامل انگیزشی موجب افزایش انگیزه کاری در آنان می‌شود، می بایست برای ارتقا سطح خودکنترلی در سازمان آنها را ارتقا داد. به طور مثال فراهم کردن شرایط رشد و پیشرفت در کار به شکل واضح، سپردن مسئولیت کار به فرد، افزایش جذبه مسئولیت سپرده شده و درعین حال قدردانی و احترام کارفرما، منجر به افزایش خودکنترلی کارکنان می شود. در ادامه نتایج ذکر شده همچنین می توان با ۵ درصد احتمال خطا اظهار داشت که میان میزان صداقت، اخلاق و باورهای کارکنان با سطح خودکنترلی رابطه معنادار مثبت دارد. به عبارتی هرچه فرد در زمینه ویژگی های فردی صادق تر، اخلاق مدارتر و دارای باورهای قوی تری باشد، انتظار می رود در محیط شغلی نیز خودکنترلی بالایی داشته باشد. لذا پاداش مادی نباید لزوماً بعنوان قوی ترین انگیزه در شغل مورد نظر قرار بگیرد، مواردی غیر از پاداش مادی مانند مزایای جانبی، خط مشی سازمان که محیط شغلی اطراف کارکنان را احاطه می کند نیز می تواند در انگیزش شغلی آنان مؤثر باشند. لذا مدیران باید به عواملی چون فرصت پیشرفت، موفقیت و شناخت که در رفتار کارکنان تأثیر مهمی دارد، توجه ویژه داشته باشند. طبق نتایج میان سطح خودکنترلی در میان بازرسان، ارزیابان، روسای شعب و در نهایت مسئولین اعتبارات نیز رابطه معناداری وجود نداشت. در گام ۱ و ۲ که به عوامل بهداشتی مرتبط است نقاط ضعف بر اساس اظهارات افراد در پرسشنامه، حقوق و مزایا، شرایط کاری و محیطی، خط مشی و مقررات سازمان است. ولیکن کارکنان از روابط با مدیران، روابط با همکاران و میزان امنیت شغلی خود تا حد قابل قبولی راضی می‌باشند. نتایج کلی آزمون نشان می‌دهد که سازمان در گام ۳ به خوبی عمل کرده و رشد و پیشرفت سازمانی یکی از عواملی است که به خوبی افراد را برای انجام وظایف خود تشویق می‌نماید. در گام ۴ نقطه ضعف سازمان و جایی که می‌بایست آن را تقویت کرد باورهای افراد است. باور اینکه سازمان نیز برای رشد آن‌ها تلاش می‌کند. لذا می‌بایست اعتماد بیشتری در افراد ایجاد گردد. با توجه به نمرات کسب شده در هر ۵ مرحله، اگر نمره قابل قبول را برای هر مرحله نمره ۳ در نظر بگیریم، به این نتیجه می‌رسیم که سازمان با کمی تلاش بیشتر مراحل ۱ و ۲ و ۴ را نیز می‌تواند پشت سر بگذارد؛ اما در مرحله ۵ که باورهای افراد است نیاز به انجام فعالیت‌های بیشتری

در این زمینه است. این باورها می‌تواند از سطح مدیران بالادستی به تدریج در تمام سازمان نهادینه شود. نتایج بسیاری از مطالعات داخلی در زمینه انگیزه‌های کاری در سازمانها نیز تا حدودی همسو با نتایج این پژوهش است. به عنوان نمونه، یافته‌های حاصل از پژوهش حجازی نشان داد که سه عامل ماهیت کار، امنیت شغلی و حقوق و دستمزد از عوامل بسیار مهم در ایجاد انگیزه از دیدگاه کادر پرستاری دانشگاه علوم پزشکی مشهد می‌باشند. (حجازی، ۱۳۷۷). از طرف دیگر حسن آبادی نیز نشان داد که سه عامل حقوق و دستمزد، امنیت شغلی بیش از هر عامل دیگری می‌تواند یک عامل انگیزشی محسوب شود (حسن آبادی، ۱۳۷۹). مقایسه نتایج حاصل از پژوهشهای انجام شده در ایران و سایر جوامع مشخص کرد که شباهت‌های بسیاری علی‌رغم برخی تفاوت‌ها در زمینه عوامل انگیزشی موثر بر عملکرد کارکنان در جوامع مختلف وجود دارد. دنستن در تحقیقی به این نتیجه دست یافت که استقلال داخلی، وضع و حالات حرفه‌ای و پرداخت‌ها از مهمترین عوامل ایجاد رضایت و بهبود عملکرد کارکنان هستند (Densten, 2002). پژوهش مودی و پسوت در حاکی از آن است که «کاربرد و گسترش تئوری انگیزش در حرفه پرستاری» نیازمند رهبری ویژه و مدیریتی استراتژیک برای پشتیبانی از یک فرهنگ انگیزش شغلی در سازمانهای بهداشتی درمانی است. این فرهنگ نیز با ویژگی‌های فردی پرستاران و میزان تلاش آنان ارتباط مستقیم دارد (Moody & Pesut, 2006). مقایسه این پژوهش با سایر پژوهش‌ها نشان می‌دهد که در جوامع و دوره‌های مختلف و با توجه به شرایط اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی هر جامعه، انگیزه‌های شغلی کارکنان متفاوت می‌باشد. لذا باید هرگونه برنامه ریزی جهت افزایش بهره‌وری و بهبود عملکرد در هر دوره و بر اساس شرایط فوق صورت پذیرد که این خود نیازمند شناخت عوامل انگیزشی کارکنان می‌باشد.

پیشنهادهای

با استفاده از تجربیات بدست آمده در این مطالعه و با توجه به محدودیت‌های این تحقیق از قبیل انجام این تحقیق در یک سازمان و نیز کافی نبودن تعداد نمونه‌ها برای مدل خودکنترلی تحقیقات آتی به صورت زیر پیشنهاد می‌شود:

طراحی و اجرای بسته‌ی آموزشی ارتقاء عوامل انگیزشی و تعیین اثربخشی آن بر میزان خودکنترلی کارکنان

بررسی اثربخشی عوامل بهداشتی بر ارتقای سطح خودکنترلی افراد

طراحی بسته آموزشی ارتقاء صداقت، اخلاق و تحکیم باورهای کارکنان جهت افزایش خودکنترلی آنها با توجه به این که از یک طرف یکی از عوامل ضعف سازمان برای انگیزش افراد مربوط به حقوق و مزایا می‌باشد و از طرف دیگر افزایش حقوق و مزایا باعث کاهش سود بانک می‌باشد لذا پیشنهاد می‌شود در تحقیقی جداگانه سطح بهینه میزان حقوق و دستمزد بررسی گردد.

منابع و مأخذ

- الوانی، سید محمد و معمارزاده، غلامرضا (۱۳۷۴). رفتار سازمانی، تهران: انتشارات مروارید.
- جوادین، سید رضا. (۱۳۸۶). مبانی سازمان و مدیریت. تهران: نگاه دانش.
- حجازی، علی. (۱۳۷۷). ارزیابی نظرات پرستاران در مورد عوامل انگیزشی شغلی در بیمارستان های مربوط به دانشگاه پزشکی مشهد. تهران.
- حسن آبادی، علی. (۱۳۷۹). عوامل موثر بر انگیزه نیروهای انسانی شرکت توسعه منابع آب و برق ایران بر اساس نظریه هرزبرگ. تهران: موسسه مطالعات مدیریت و برنامه ریزی.
- سجادی، سید علی. (۱۳۸۵). خودکنترلی در نظام کنترل و نظارت اسلامی. پژوهش نامه علوم انسانی، ۳-۱۶.
- صادق پور، ابوالفضل و مقدس، جلال. (۱۳۷۲). مدیریت و علم مدیریت. تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی.
- گروه پژوهشی انستیتو بانکداران خاورمیانه، ا. (۱۳۸۹، ۰۷/۰۷). مبانی و اصول نظارت بر طرحها و اعتبارات. تهران.
- معمارزاده، قدرت الله. (۱۳۷۱). نظام های نظارت بر پروژه های توسعه کشاورزی و روستایی. وزارت جهاد و سازندگی.
- موسوی مقدم، سید رحمت الله. (۱۳۹۴). بررسی رابطه هوش معنوی با خودکنترلی و مکانیسم های دفاعی در دانش آموزان دختر سال سوم متوسطه. مجله علوم پزشکی دانشگاه آزاد اسلامی، دوره ۲۵، شماره ۱، ۵۹-۶۴.
- نجفی، علی. (۱۳۹۱). حقوق بانکی: روش های وصول مطالبات. تهران: ققنوس.
- نوربخش، مهوش. (۱۳۷۶). بررسی انگیزش شغلی اعضای هیئت علمی سراسر کشور بر اساس نظریه هرزبرگ. تهران: دانشگاه تهران.
- هاشمی، مه سیما. (۱۳۸۵). بررسی عوامل انگیزش شغلی در سازمان بر اساس تئوری هرزبرگ؛ مطالعه موردی شرکت توسعه صنایع نفت و انرژی. تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- Daft, R. (1992). Organization theory and design. USA: west publishing.
- Densten, I. (2002). Clarifying inspirational motivation and its relationship to extra effort. Leadership & Organization development Journal, 40-44.
- Evans, D. (1993). Supervisory Management. London: Cassell.
- Moody, C., & Pesut, J. (2006). Application and extension of motivation theory to professional nursing work. J Health Organ Manag, 15-48.
- Scott, W. (1969). Organization theory: A behavioral Analysis Is for Management. Homewood.
- Tangney, J. B. (2004). High Self-Control Predicts Good Adjustment. Journal of Personality, 271-324.
- Tangney, J., Baumeister, R. F., & Boone, A. L. (2004). High self-control predicts good adjustment, less pathology, better grades, and interpersonal success. Journal of Personality, 72, 271-324.
- Yunna Wu, Y. H. (2012). Quality self-control and co-supervision mechanism of construction agent. Habitat International, 36(4), 471-480.

بررسی اثر شاخص اسلامی شدن مالی بر توزیع درآمد و رشد اقتصادی

سکینه سجودی^۱

آیلار جلیلی^۲

چکیده

رشد اقتصادی و توزیع درآمد از مهمترین متغیرهای منعکس کننده وضعیت اقتصادی یک جامعه به شمار می‌روند و بخش عظیمی از ادبیات اقتصادی به مطالعه متغیرهای موثر بر این دو معیار اقتصادی اختصاص یافته است. یکی از عوامل تأثیر گذار بر این دو متغیر نظام مالی حاکم بر جامعه است. اگر چه مطالعات فراوانی در خصوص تأثیر شاخص‌های مختلف توسعه مالی بر رشد اقتصادی و نابرابری درآمد انجام یافته است، موضوع تأثیر اسلامی شدن بازارهای مالی بر این دو متغیر مورد توجه چندانی واقع نشده است. هدف اصلی این مطالعه بررسی اثر شاخص اسلامی شدن بازارهای مالی در ایران و برخی کشورهای اسلامی بر رشد اقتصادی و توزیع درآمد این کشورها است. نتایج این مطالعه می‌تواند در برنامه‌ریزی‌های اقتصادی کشورهای اسلامی برای پیشبرد اهداف رشد اقتصادی و عدالت درآمدی مورد استفاده قرار گیرد. برای این منظور با ارایه چارچوب نظری و با استفاده از یک مدل رگرسیونی از داده‌های پانل در کشورهای منتخب اسلامی در دوره ۲۰۱۷-۲۰۱۲ و با استفاده از روش FGLS اثر شاخص کشوری اسلامی شدن مالی بر ضریب جینی و رشد تولید ناخالص داخلی سرانه تخمین زده شده است. نتایج نشان می‌دهد که این شاخص اثر مثبت بر بهبود توزیع درآمد دارد ولی اثر آن بر رشد تولید ناخالص داخلی سرانه معنی‌دار نیست.

واژگان کلیدی: اسلامی شدن مالی، رشد اقتصادی، توزیع درآمد

۱- مقدمه

رشد اقتصادی همراه با عدالت یکی از دغدغه‌های اقتصادی دولت است که در برنامه‌های توسعه سال‌های پس از انقلاب اسلامی مورد توجه خاصی قرار گرفته است، برای نمونه در ماده ۴- بند "ز" - قانون برنامه ششم توسعه: دولت مکلف است به منظور نیل به رشد و توسعه اقتصادی بر پایه عدالت نسبت به اعمال سیاست‌های اشتغال‌زایی، مهارت‌افزایی و ارتقای دانش حرفه‌ای و حمایت از مشاغل کوچک خانگی و دانش‌بنیان مبتنی بر سند ملی کار شایسته که حداکثر تا پایان سال اول اجرای قانون برنامه با پیشنهاد وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، اتاق تعاون و سازمان به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید، اقدام نماید. بنابراین در کنار ارتقای نرخ رشد اقتصادی، کاهش فقر و نابرابری در صدر اهداف سیاست‌های دولتی بعد از انقلاب بوده است.

کاهش نابرابری درآمدی موضوعی جهانی است که توجه و پاسخگویی متخصصان توسعه و همچنین سیاست‌گذاران و مسئولان برنامه ریز در بسیاری از کشورها را به خود جلب کرده است. مسئله افزایش نابرابری‌ها و چالش کاهش فقر در صدر برنامه‌های توسعه در سراسر جهان بوده و هنوز هم در صدر قرار دارد. در سپتامبر سال ۲۰۰۰، رهبران جهان در مقر سازمان ملل به اتفاق آرا اجرای اعلامیه هزاره سازمان ملل متحد را تصویب نموده و اعضای خود را به مشارکت جهانی جدید متعهد نمودند تا فقر شدید را کاهش دهند و مجموعه‌ای از اهداف معروف به اهداف توسعه هزاره (MDG)^۱ با محدودیت زمانی - با مهلت سال ۲۰۱۵ - را اتخاذ کنند (عبدالحمید بشیر، ۲۰۱۸، ص ۹۴). دبیرکل سازمان ملل اظهار داشت، ریشه کن کردن فقر شدید همچنان یکی از اصلی‌ترین چالش‌های زمان ما است و نگرانی عمده جامعه بین‌المللی است. پایان دادن به این معضل تلاش‌های مشترک همه، دولت‌ها، سازمان‌های جامعه مدنی و بخش خصوصی را در چهارچوب مشارکت جهانی قوی‌تر و مؤثرتر برای توسعه می‌طلبد (کیمون^۲، ۲۰۰۸، ص ۲). در سپتامبر ۲۰۱۵، جامعه جهانی ۱۷ هدف توسعه پایدار (SDG)^۳ را به عنوان ادامه MDGs قبلی اتخاذ کرد. ریشه کن کردن فقر و مبارزه با گرسنگی بارز در اهداف جدید توسعه در بین SDG ها است (سازمان ملل متحد، شماره دوم، اهداف توسعه پایدار).

فقر یک پدیده چند بعدی است که شامل بسیاری از پدیده‌ها از جمله دسترسی محدود به خدمات اجتماعی (به عنوان مثال، آموزش و بهداشت)، درآمد کم، دریافت کالری روزانه کم و حتی امید به زندگی کوتاه‌تر است. گستردگی و چند بعدی بودن فقر باعث شده تا کاهش آن دشوار یا در بهترین حالت چالش برانگیز باشد. در واقع، مسئله کاهش فقر یک چالش مهم در مسیر توسعه است که بسیاری از کشورهای در حال توسعه با آن روبرو هستند. فقر درآمدی عمدتاً ناشی از رشد کند اقتصادی است. براساس تحقیقات بانک جهانی، کاهش ۱ درصد در نرخ رشد کشورهای در حال توسعه، ۲۰ میلیون نفر دیگر را به دام فقر می‌کشانند. بنابراین چنین نتیجه گرفته می‌شود که وقتی رشد اقتصادی کند می‌شود، تأثیرات منفی بر وضعیت فقر می‌گذارد (ابراهیم، ۲۰۱۰، حسن و همکاران، ۲۰۰۹، دلار و کرای^۴، ۲۰۰۲). بر همین اساس در طول ۷۰ سال گذشته، بانک‌های

1. Millennium Development Goals
2. Kimoon
3. Sustainable Development Goals
4. Dollar & Kraay

توسعه چند جانبه (MDB)^۱ و نهادهای مختلف سازمان ملل (سازمان ملل) میلیارد ها دلار برای تحریک رشد در کشورهای در حال توسعه هزینه نموده‌اند. تنها بانک جهانی بیش از ۵۰۰ میلیارد دلار برای تأمین اعتبار پروژه های کشورهای در حال توسعه پرداخت کرده است. بدون شک این تلاش ها نتایج قابل ملاحظه ای را از نظر گسترش دسترسی به آموزش و خدمات درمانی، ظرفیت های ساختمانی، زیرساخت ها و افزایش دسترسی به آب، فاضلاب و برق به وجود آورده است. با این حال، ثمرات این "پیشرفت" به ندرت نصیب فقرا شده است، زیرا افزایش سریع درآمد جهانی با افزایش مداوم نابرابری های جهانی همراه بوده است (عبدالحمید بشیر^۲، ۲۰۱۸، ص ۹۴). برآوردهای اخیر نشان می دهد که تعداد فقرا به حدود ۱/۳ میلیارد افزایش یافته است (صالح، ۱۹۹۹، ص ۲۸). از این رو، کاهش روند رو به رشد نابرابری برای سیاست گذاران در بسیاری از کشورها در اولویت قرار گرفته است.

دین نقش مهمی در کاهش نابرابری درآمد و بهبود رفاه مردم از طریق افزایش تعهد و مسئولیت اجتماعی می تواند داشته باشد، از سوی دیگر دین موجب انباشت سرمایه اجتماعی در اقتصاد می شود، که یکی از عوامل مهم در توسعه اقتصادی است (فوکویاما^۳، ۲۰۰۱). در اسلام نهادهای خاصی برای مقابله با نابرابری درآمدی و فقر وجود دارد. اسلام وجود برابری درآمدی در بین مردم را به رسمیت می شناسد و راه حل هایی مانند قرض الحسنه، زکات، صدقه و وقف را برای رفع آن ارائه می دهد. اما، در مورد تأثیر اسلام بر نابرابری درآمدی و رشد اقتصادی، تحقیقات کافی وجود ندارد (وان عمر و همکاران^۴، ۲۰۱۷، ص ۶۲).

اسلامی شدن اقتصاد به فرآیند ترویج ارزش ها و سیاست های اسلامی در روند توسعه اقتصادی اطلاق می شود که می تواند با استفاده از شاخص های مختلف تغییرات آن در زمان را اندازه گیری نمود. میزان پیروی از اصول و آموزه های اسلام (رحمان و عسکری^۵، ۲۰۱۰) در بخش های مختلف اقتصاد را می توان به عنوان شاخص اسلامی شدن در آن بخش اقتصاد مورد استفاده قرار داد.

اگر چه مطالعات فراوانی در خصوص تأثیر شاخص های مختلف توسعه مالی بر رشد اقتصادی و نابرابری درآمد انجام یافته است، موضوع تأثیر اسلامی شدن بازارهای مالی بر این دو متغیر مورد توجه چندانی واقع نشده است. هدف اصلی این مطالعه بررسی روند اسلامی شدن بازارهای مالی در ایران و مقایسه آن با سایر کشورهای اسلامی و همچنین بررسی اثر این متغیر بر رشد اقتصادی و توزیع درآمد این کشورها است.

1. Multilateral Development Banks
2. Abdel-Hameed Bashir
3. Fukuyama
4. Wan Omar et al.
5. Rehman & Askari

۲- مبانی نظری

۲-۱- اسلام، کاهش نابرابری و رشد تولید

فقر برای چندین نسل با شدت متفاوت در مرکز توجه جامعه جهانی بوده است. تحقیقات مربوط به فقر به قرن نوزدهم میلادی باز می‌گردد و از آن زمان، رویکردها و سیاستهای مختلفی برای مبارزه با فقر وجود دارد (بورگوینون و موریسون^۱، ۲۰۰۲). تقریباً در همه کشورهای در حال توسعه، تلاش‌های هماهنگی برای کمک به فقرا صورت گرفته است. تعداد فزاینده‌ای از کشورهای در حال توسعه برای بهبود زندگی و معیشت میلیاردها نفر از مردم فقیر و آسیب‌پذیر در شبکه‌های تأمین اجتماعی سرمایه‌گذاری می‌کنند^۲. شواهد نشان می‌دهد که چگونه انتقال نقدی شبکه‌های تأمین اجتماعی نه تنها به ملت‌ها کمک می‌کند تا در سرمایه‌های انسانی سرمایه‌گذاری کنند، بلکه به عنوان منبع درآمد برای فقرا نیز محسوب شده و سطح زندگی آنها را بهبود می‌بخشد (فیزبین و شیریدی^۳، ۲۰۰۹). مطالعات اخیر بانک جهانی نشان می‌دهد که بیش از ۱/۹ میلیارد نفر در حدود ۱۳۰ کشور کم درآمد و متوسط از برنامه‌های خالص تأمین اجتماعی بهره‌مند می‌شوند (بانک جهانی^۴، ۲۰۱۵، ص ۱).

ظهور اسلام، در گستره جغرافیایی بود که فقر بسیار گسترده بود و اکثر مردم در سطح پایینی از معیشت زندگی می‌کردند. نابرابری در ثروت و دسترسی به خدمات وجود داشت و حتی، خود پیامبر (ص) و بسیاری از اصحابش نیز در فقر زندگی می‌کردند. از این رو در آیات و احادیث متعددی به تقبیح این نابرابری پرداخته و برقراری عدالت و برابری را به عنوان یکی از مهمترین اهداف دین معرفی نموده‌اند (عبدالحمید بشیر، ۲۰۱۸، ص ۹۷). در آیه ۲۵ از سوره حدید آمده است:

لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ

همانا ما پیامبران خود را با ادله و معجزات فرستادیم و با ایشان کتاب و میزان عدل نازل کردیم تا مردم به راستی و عدالت گرایند.

چارچوب نظری در مورد بررسی اثر اسلامی شدن بر توزیع درآمد، توسط صادق^۵ (۱۹۸۹)، شفیع^۶ (۱۹۸۹)، مانان^۷ (۱۹۷۰) و سایر اقتصاددانان اسلامی مورد بحث قرار گرفته است. اسلام عامل قیمت‌گذاری مناسب را که براساس مقاصد شریعت است تبیین می‌کند و براساس آن نیز توزیع کارکرد درآمد و ثروت در یک اقتصاد را بیان می‌کند. اگر رشد اقتصادی به گونه‌ای باشد که منجر به تمرکز درآمد و ثروت در میان درصد کمی از افراد جامعه شود، رشد اقتصادی به سختی می‌تواند نابرابری درآمد و فقر را کاهش دهد. در چارچوب اقتصادی نئوکلاسیک، عامل قیمت‌گذاری تأثیر قابل توجهی بر توزیع درآمد دارد (پن^۸، ۱۹۷۱). اگرچه قرآن و سنت

1. Bourguignon and Morrison

۲. برنامه‌های خالص امنیت اجتماعی شامل نقل و انتقالات نقدی و غیرنظامی است که به خانواده‌های فقیر و آسیب‌پذیر با هدف حمایت از خانواده‌ها از تأثیر شوک‌های اقتصادی، بلایای طبیعی و سایر بحران‌ها انجام می‌شود.

3. Fiszbein & Schady

4. World Bank

5. Sadeq

6. Shafi

7. Mannan

8. Pen

به صورت مستقیم به عوامل تولید اشاره مستقیم ندارند، در اسلام اشاره غیرمستقیم به آن‌ها وجود دارد که این شامل: شریعت عاملی را فراهم می‌کند که عادلانه باشد، بنابراین هر عامل تولید پاداش عادلانه‌ای را برای خدمات خود دریافت می‌کند و در نتیجه امکان نابرابری درآمد ناخالص را کاهش می‌دهد. (صادق، ۱۹۸۹). به بیان دیگر، در اسلام مکانیسم قیمت‌گذاری عوامل تولید به نحوی است که درآمد حاصل از تولید در طی یک دوره زمانی بین عوامل تولیدی که در فرآیند تولید دخیل هستند به صورت عادلانه توزیع شود. این مکانیسم را در قالب عقود اسلامی به وضوح می‌توان مشاهده نمود.

علاوه بر تقسیم عادلانه درآمدها به عوامل تولید، پرداخت‌های انتقالی توسط دولت و نهاد مربوطه می‌تواند در عادلانه‌تر نمودن توزیع درآمد موثر باشد. نهاد مربوطه که به مسئله فقر و نابرابری درآمدی در اسلام می‌پردازد، بیت‌المال است که درآمد خود را از زکات، صدقه، موقوفات و سایر کمک‌های مسلمانان جمع‌آوری می‌کند (وان عمر و همکاران، ۲۰۱۷، ص ۶۴). در واقع دو منبع درآمدی اجباری (مانند خمس و زکات) و اختیاری (صدقه و موقوفات) برای دولت اسلامی وجود دارد که از محل آنها می‌تواند پرداخت‌های انتقالی برای برابرنمودن درآمدها انجام دهد. با این اوصاف، این فقط دولت‌ها نیستند که مسئول کاهش فقر و توزیع عادلانه درآمد در جامعه هستند، بلکه هر عضو از جامعه که توان مالی داشته باشد باید در دستیابی جامعه اسلامی به عدالت مشارکت نماید. بر این اساس، در اسلام زکات و خمس به عنوان نوعی مالیات اسلامی اجباری برای پیشبرد برنامه‌های خیریه و برای کمک به فقرا و افراد بی‌بضاعت و کاهش نابرابری درآمدی طراحی شده است. علاوه بر این پرداخت‌های اجباری، احسان و نیکی به فقرا یکی از دستورات مورد تأکید در آیات و احادیث اسلامی بوده است:

و (ای رسول ما) تو خود حقوق خویشاوندان و ارحام خود را ادا کن و نیز فقیران و رهگذران بیچاره را به حق خودشان برسان و هرگز (در کارها) اسراف روا مدار (قرآن، سوره اسراء، آیه ۲۶). همچنین استدلال می‌کند که مالک واقعی ثروت، خداوند است و ثروت امانتی است که به ثروتمندان داده شده تا به واسطه آن به خیرخواهی نسبت به فقرا مبادرت نمایند:

به خدا و پیامبرش ایمان بیاورید و از آن مال که به وراثت به شما رسانده است انفاق کنید از میان شما هر که را ایمان آورده و انفاق کرده، مزدی فراوانش دهند (قرآن، سوره حدید، آیه ۷).
در جایی دیگر آمده است:

همانا صدقات (زکات)، برای نیازمندان و درمانده‌گان و کارگزاران زکات و جلب دل‌ها و آزادی بردگان و ادای بدهی بدهکاران و (هزینه جهاد) در راه خدا و تأمین در راه مانده است، این دستور، فرمانی است از جانب خدا و خداوند، دانا و حکیم است (قرآن، سوره توبه، آیه ۶۰).

همچنین اشاره شده است که:

مثل آنان که مالشان را در راه خدا انفاق می‌کنند به مانند دانه‌ای است که از آن هفت خوشه بروید و در هر خوشه صد دانه باشد، و خداوند از این مقدار نیز برای هر که خواهد بیفزاید، و خدا را رحمت بی‌منتهاست و (به همه چیز) داناست (قرآن، سوره بقره، آیه ۲۶۱).

ستون دیگری از شبکه‌های تأمین در اسلام وقف (موقوفات) است. از نظر تاریخی، وقف نقش مهمی در

توسعه اقتصادی و اجتماعی دولت‌ها و جوامع در سراسر جهان اسلام داشته است. به عنوان بنیادهای خیریه، موقوفات مؤسسات مهم مالی اسلامی بودند که گردش مالی کمک‌های خیرخواهان و اهداکنندگان به فقرا و جامعه را تسهیل می‌کردند. در حقیقت، وقف منبع اصلی بودجه خدمات رفاهی اجتماعی از جمله آموزش، بهداشت، کتابخانه‌ها، یتیم‌خانه‌ها و مؤسسات مذهبی است.

در دنیای اسلام امروزی، نهاد وقف تخریب شده است و نقش آن به عنوان ابزاری مؤثر برای توسعه اجتماعی و اقتصادی کاهش یافته و اغلب به حاشیه رانده می‌شود. با این حال، نهاد وقف همچنان در ارتقاء وحدت و نیکوکاری در بسیاری از کشورهای اسلامی نقش ایفا می‌کند و یکی از اصلی‌ترین و فعال‌ترین جنبه‌های ساختارهای اجتماعی و اقتصادی دولت است. تقریباً در تمام کشورهای مسلمان، یک سازمان/بخش خصوصی مسئولیت مراقبت و نظارت بر خواص اوقاف را بر عهده می‌گیرد. این سازمان‌های غیرانتفاعی وظیفه تهیه برنامه‌های پرداختی برای ذینفعان موقوفات را با توجه به شرایط مقرر، پیشنهاد پروژه‌های خیریه مناسب برای واگذاری موقوفات، نظارت بر اجرای اوراق موقوفات و هماهنگی با مراجع ذیربط در اجرای برنامه‌ها و فعالیت‌های درآمدی موقوفات را بر عهده دارند (عبدالحمید بشیر، ۲۰۱۸، ص ۱۰۰).

بنابراین هم دولت و هم افرادی از جامعه که استطاعت مالی دارند در قبال فقرا مسئول هستند. با این وجود، اسلام از خود افراد به صورت کامل رفع مسئولیت ننموده و به روشنی بیا می‌کند که مردم مسئول بهبود همه جنبه‌ها و شرایط زندگی خود از نظر اجتماعی، اقتصادی و معنوی هستند:

در حقیقت خدا حال قومی را تغییر نمی‌دهد تا آنان حال خود را تغییر دهند. (قرآن، سوره رعد، آیه ۱۱).
به این ترتیب، کاهش فقر از طریق تشویق افراد به تلاش بیشتر و کار مجدانه مکانیسم دیگری است که در اسلام برای کاهش فقر و در نتیجه نابرابری درآمد به کار می‌رود. در واقع رویکرد اسلامی برای کاهش فقر فراتر از تشویق مردم به نیکوکاری نسبت به فقر است. کار به عنوان روشی برای درآمدزایی بر کاهش فقر از طریق امور خیریه و کمک‌های مالی ترجیح داده می‌شود. در اسلام جایگاه کار و تلاش بالاست. قرآن کریم می‌فرماید: «وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى» یعنی «و اینک نیست برای انسان، رسول اکرم (ص) می‌فرماید «هر کس برای کمک به یتیم و بینوایی کار کند، مانند کسی است که در راه خدا جهاد کند، و مانند کسی است که شب را به عبادت می‌گذراند و روز را روزه می‌دارد». (داستان‌هایی از زندگی پیامبر (ص)، ص ۱۳۵) همچنین امام باقر (ع) فرمود: «کسی که برای بی‌نیازی از مردم و تلاش برای (کسب درآمد) خانواده و عطوفت و مهربانی بر همسایه خویش کار می‌کند، روز قیامت در حالی خدا را ملاقات می‌کند که صورتش مثل ماه شب چهاردهم (نورانی) است» (وسائل، ج ۱۲، ص ۱۱؛ تهذیب، ج ۲، ص ۹۸). در حدیثی دیگر پیامبر اعظم می‌فرماید که «عبادت هفتاد بخش است که برترین آن کسب حلال است» (همان؛ فروع، ج ۱، ص ۳۴۹).

علاوه بر موارد فوق، اسلام تسهیل دسترسی به منابع مالی را به عنوان مکانیسم دیگر افزایش درآمد و کاهش فقر تأیید می‌کند. دسترسی به امور مالی، چه در سطح خرد و کلان، برای رشد در هر اقتصادی ضروری است. در اسلام، دسترسی به امور مالی از طریق کانال‌های مختلفی از جمله قرض‌الحسنه (وام بدون بهره)، وام‌های وثیقه دار و سایر روش‌های تأمین مالی سازگار با شرع انجام می‌شود. ثروتمندان انگیزه دارند تا به نیازمندان و فقرا وام دهند. آیات زیادی در قرآن وجود دارد که بر اهمیت اعتبارات رایگان یا تمدید اعتبارات

برای مدت معینی تأکید می کند.

کیست آن کس که به [بندگان] خدا وام نیکویی دهد تا [خدا] آن را برای او چند برابر بیفزاید و خداست که [در معیشت بندگان] تنگی و گشایش پدید می آورد و به سوی او بازگردانده می شوید (قرآن، سوره بقره، آیه ۲۴۵)،

همچنین مستندسازی این وام ها به صورت کتبی برای محافظت از حقوق مالکیت مهم است. خداوند متعال می گوید،

اگر در سفر بودید و کاتبی نیافتید برای وثیقه دین گروهی گرفته شود؛ و اگر برخی از شما برخی دیگر را امین دانست، پس آن کس که امین شمرده شده، باید سپرده وی را بازپس دهد؛ و باید از خداوند که پروردگار اوست، پروا کند. و شهادت را کتمان نکنید، و هر که آن را کتمان کند قلبش گناهکار است و خداوند به آنچه انجام می دهید داناست (قرآن، سوره بقره، آیه ۲۸۳). همچنین، در قرآن چندین بار به رباخواری اشاره شده است. در سوره بقره رباخواری به شدت مورد انتقاد قرار گرفته است. کسانی که ربا می خورند، (در قیامت) بر نمی خیزند مگر مانند کسی که بر اثر تماس شیطان، دیوانه شده (و نمی تواند تعادل خود را حفظ کند). این به خاطر آن است که گفتند: «داد و ستد هم مانند ربا است». در حالی که خدا بیع را حلال کرده، و ربا را حرام! (زیرا فرق میان این دو، بسیار است) و اگر کسی اندرز الهی به او رسد و (از رباخواری) خودداری کند، سودهایی که در سابق به دست آورده، مال اوست؛ و کار او به خدا واگذار می شود؛ اما کسانی که باز گردند، اهل آتشند؛ و همیشه در آن می مانند. (قرآن، سوره بقره، آیه ۲۷۵). و یا:

ای کسانی که ایمان آورده اید، از خدا پروا کنید؛ و اگر مؤمنید، آنچه از ربا باقی مانده است واگذارید؛ و اگر (چنین) نکردید، بدانید به جنگ با خدا و فرستاده وی، برخاسته اید؛ و اگر توبه کنید، سرمایه های شما از خودتان است. نه ستم می کنید و نه ستم می بینید (قرآن، سوره بقره، آیه ۲۷۸ و ۲۷۹).

در این جا ذکر این نکته ضروری است که تمامی نهادهای اسلامی که در بخش های قبلی ذکر شد، علاوه بر توزیع درآمد بر رشد تولید و اقتصاد نیز اثرگذار هستند، با مباحثی از قبیل پرداخت خمس و زکات این امر محقق می شود. این در حالی است که چنین ساز و کارهایی که بدون دخالت و اجبار دولت باشند؛ در سایر نظام های اقتصادی وجود ندارد. فلسفه زکات عمدتاً رفع فقر و ایجاد عدالت اقتصادی می باشد (سبحانی، ۱۳۹۱، ص ۵۸۳). از این رو، زکات می تواند در رسیدن به رشد اقتصادی بالاتر و توزیع عادلانه تر ثروت، نقش آفرینی کند. ذکر یک نکته ضروری است و آن این است که به منظور بررسی اثر زکات بر تعدیل و توزیع ثروت، ممکن است اینگونه تلقی شود که زکات به عنوان مالیات وارد الگوهای اقتصاد کلان شده و اثرات آن بررسی می شود. اما بایستی به این نکته توجه شود که مالیات با زکات متفاوت است. به عبارت دیگر، مالیات یک امر متغیر و اجباری است که از طرف دولت تعیین می شود؛ در حالیکه زکات یک عبادت است و بدون دخالت و اجبار دولت می باشد. به بیان دیگر، زکات نه تنها یک فریضه دینی است، بلکه یک ابزار مالی بوده و نقش بسزایی در رفع نابرابری در جامعه ایفا می کند (ابوبکر و عبدالرحمن، ۲۰۰۷، ص ۲۵).

زکات از جمله ضروریات دین است و از عبادات مهم محسوب می شود بطوریکه در هر آیه ای که قرآن انسان را به نماز دعوت کرده، آن را با زکات مقرون ساخته است (بی آزار شیرازی، ۱۳۵۹، ص ۸۱). در واقع

مبنای حقوقی دستور شارع مقدس است که صریح ترین آیه در تشریح آن، آیه ۱۰۳ سوره توبه قرآن کریم می باشد. همچنین، طبق شریعت اسلام، زکات بصورت اخذ مقداری از ثروت و درآمد فرد مسلمان و تعلق آن به افراد فقیر، مسکین و سایر مشمولان ذکر شده در آیه ۶۰ سوره توبه در قرآن کریم تعریف می شود. بنابراین، مشاهده می شود که مهمترین دلیل اقتصادی تشریح زکات، ایجاد توازن اقتصادی و رفع محدودیت های اقتصادی و اجتماعی است و از این رو مسأله عدالت اقتصادی و اجتماعی به عنوان زیر بنای حقوقی تشریح زکات می باشد.

زکات و خمس به عنوان مالیات های اسلامی برخلاف مالیات های معمول، به خاطر ثابت و مستقیم بودن با نرخ کم و تناسبی، اثر منفی بر رشد ندارند (توسلی، ۱۳۸۶، ص ۷). زکات نه تنها فقر را از جامعه ریشه کن می کند، بلکه زمینه توسعه اقتصادی جامعه را نیز فراهم می سازد. از این رو، احیای زکات می تواند زمینه رشد و پویایی اقتصادی هر جامعه را تأمین کند. بنابراین، یکی از ویژگی های اصلی و مهم زکات در این است که می تواند به رشد اقتصادی کمک نماید. کمک به رشد اقتصادی از چهار طریق صورت می گیرد؛ یعنی زکات با حل مسئله بیکاری، ارتقای سرمایه انسانی و سرمایه اجتماعی و جلوگیری از حبس پول و ثروت اندوزی مقدمات رشد اقتصادی را فراهم می کند (کاشیان، ۱۳۸۳، ص ۱۴۴).

مهم ترین هدف زکات و خمس، به جهت رفاه، عدالت و رفع فقر است و بیشتر به دنبال فقرزدایی در جامعه و توازن در مصرف است (اثنی عشری و میکائیلی، ۱۳۹۳، ص ۱۰).

علاوه بر آن کار و تلاش یکی از عوامل اصلی رشد اقتصادی محسوب می شوند و در واقع تشویق به تلاش در کسب و کار که در آیات به آن اشاره شده است، به نوعی مروج بهره‌وری نیروی انسانی بوده و منبع رشد اقتصادی می تواند باشد.

تشویق به قرض الحسنه و تسهیل استقراض برای تحریک رشد و افزایش تولید نیز بسیار مهم است. به ویژه، هنگامی که افراد فقیر به امور مالی دسترسی پیدا کنند (از طریق اعتبار خرد)، نابرابری ها و فقر کاهش می یابد. موفقیت برنامه های وام های خرد اسلامی در بسیاری از کشورها (به عنوان مثال بنگلادش و سودان) گواهی بر اثر بخشی وام های خرد در تغییر زندگی افراد فقیر و افزایش رشد اقتصادی است (عبدالحمید بشیر، ۲۰۱۸، ص ۹۹).

در جمع بندی این بخش می توان چنین عنوان نمود که سیستم اقتصادی اسلام بر عادلانه بودن توزیع درآمد در بین عوامل اقتصادی از طریق شیوه های قیمت گذاری در عقود اسلامی تأکید داشته و علاوه بر آن به تأمین مالی پروژه های فقرزدایی و عدالت گسترده از طریق پرداخت های اجباری همچون زکات تکیه دارد. همچنین ضمن تشویق افراد به قرض الحسنه، ربا را مذموم دانسته و آن را مخل سیستم اقتصادی دانسته است. بنابراین انتظار می رود حرکت به سمت اسلامی نمودن سیستم مالی به کاهش نابرابری درآمدی کمک نموده و فقر را کاهش دهد. علاوه بر این نهاد های اسلامی مذکور که اکثراً مالی هستند از طریق تأمین مالی کلان مخارج عمومی، افزایش بهره‌وری نیروی انسانی و تسهیل تأمین در سطوح خرد به رونق تولید و رشد اقتصادی نیز منتهی خواهند شد.

۲-۳- رابطه رشد اقتصادی و نابرابری در ادبیات اقتصادی تعارف

مطالعات مربوط به رابطه بین نابرابری درآمد و رشد اقتصادی از زمان انتشار آثار سیمون کوزنتس^۱ (۱۹۵۵) بسیار فعال بوده است، که بیانگر رابطه بین مراحل توسعه اقتصادی و نابرابری درآمد است. در ابتدا، نابرابری درآمد در مراحل اولیه توسعه اقتصادی در یک کشور در حال توسعه افزایش یافته و به اوج نابرابری می‌رسد. در مرحله دوم نابرابری درآمد در مرحله بلوغ توسعه اقتصادی کاهش می‌یابد. منحنی کوزنتس یک رابطه U معکوس بین نابرابری درآمدی و رشد اقتصادی است. درباره تأثیر نابرابری درآمد بر رشد اقتصادی بحث قطعی وجود ندارد، زیرا برخی از مطالعات تأثیر مثبتی را نشان می‌دهند (بارو^۲، (۲۰۰۰)، لی و زو^۳، (۲۰۰۲) و همکاران^۴، در حالی که سایر محققان تأثیر منفی در نتایج مطالعه خود نشان می‌دهند (آلسینا و رودریک^۵، (۱۹۹۱)، استیگلیتز^۶، (۲۰۱۲) و همکاران). ارتباط مثبت بین نابرابری درآمد و رشد اقتصادی را می‌توان به صورت زیر توضیح داد. در کشورهای توسعه یافته، نرخ پس انداز مردم ثروتمند بالاتر از فقرا است. توزیع مجدد درآمد از افراد ثروتمند به مردم فقیر نرخ پس انداز اقتصاد را به عنوان یک کل کاهش می‌دهد و این امر می‌تواند به کاهش رشد اقتصادی منجر شود. دلیل دیگر این است که توزیع مجدد درآمد می‌تواند موجب کاهش انگیزه در ثروتمندان برای انجام کار بیشتر و سخت شود که این امر نیز موجب کاهش رشد اقتصادی خواهد شد. به عنوان یک نتیجه می‌توان استنباط کرد که برابری درآمد موجب رشد اقتصادی پایین‌تر و نابرابری درآمد باعث بالا رفتن رشد اقتصادی است. در همین حال، رابطه منفی بین نابرابری درآمد و رشد اقتصادی را می‌توان به صورت زیر توضیح داد. در کشورهای در حال توسعه، مردم فقیر تحت محدودیت‌های اعتباری هستند. بر این اساس آن‌ها هیچ فرصتی برای سرمایه‌گذاری را نداشته و مردم بسیار فقیر در نابرابری درآمد حتی نمی‌توانند در فعالیتهای تولیدی شرکت کنند. در این شرایط نابرابری درآمد ممکن است به بی‌ثباتی سیاسی و اجتماعی و در نتیجه به کاهش رشد اقتصادی منجر شود. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که نابرابری درآمد باعث کاهش رشد اقتصادی و برابری درآمد موجب افزایش آن خواهد بود (شین^۶، (۲۰۱۲).

نیکلاس کالدور^۷ ضمن ارائه مدلی بر اهمیت توزیع نابرابر درآمد بر اهمیت توزیع نابرابری درآمد بر رشد تأکید کرد. در مدل او از آنجا که در مقایسه درآمد ناشی از سود با درآمد ناشی از دستمزد، نرخ پس انداز بالاتری را می‌توان از طریق افزایش نرخ کسب درآمد ناشی از سود به دست آورد، توزیع درآمد بین سود و دستمزد مهم‌ترین محرک رشد از طریق انباشت سرمایه است. در واقع دلالت مدل کالدور چنین است که اگر سهم بیشتری از درآمد را سود تشکیل دهد، احتمال پس انداز بیشتر شده و در نتیجه مسیر رشد اقتصادی هموارتر است به همین جهت حداقل در مراحل اولیه توسعه اقتصادی توزیع درآمد مطلوب‌تر است (احمد، (۱۹۸۴).

1. Simon Kuznets
2. Barro
3. Li & Zou
4. Alesina and Rodrik
5. Stiglitz
6. Shin
7. Nichols Kaldor

۳- پیشینه تحقیق

در این بخش به بررسی مطالعات انجام شده مرتبط با موضوع پرداخته، ابتدا مطالعات انجام شده در خارج و سپس مطالعات داخل کشور مرور می شود.

جاله^۱ (۱۹۹۴)، در مطالعه خود به بررسی تأثیر زکات بر نابرابری درآمد در کشور پاکستان طی سال های ۱۹۸۷ تا ۱۹۸۸ پرداخته است. نتایج نشان می دهد که زکات، نابرابری درآمدی در کشور پاکستان را کاهش می دهد.

زین العابدین (۱۹۹۷)، در مطالعه خود تحت عنوان زکات و کاهش فقر در جهان اسلام نشان می دهد که بسیاری از کشورهای مسلمان می توانند فقر را در جوامع خود از طریق موسسات زکات از بین ببرند؛ در صورتیکه جمع آوری آن از طریق قانون مقرر شود، منابع آن گسترش یابد تا تمام ابزار کسب ثروت را شامل شود و فقط برای اعضای نیازمند جامعه هزینه شود. همچنین، این محقق بیان می کند که همبستگی متقابل میان مسلمانان در سطح جهان با دعوت به انتقال مازاد زکات از کشورهای ثروتمند و کشورهای فقیر، به کاهش فقر در جهان اسلام کمک بسزایی می کند.

عبدالباکی^۲ (۲۰۰۶)، در مطالعه خود تحت عنوان اثر زکات بر فقر و نابرابری درآمد در بحرین به تحلیل این موضوع می پردازد که چگونه زکات می تواند شکاف درآمدی را رفع کرده و فقر را در جامعه اسلامی ریشه کن کند. با توجه به نتایج به دست آمده از این پژوهش، پیشنهاد می شود همان طور که زکات از افراد حقیقی اخذ می شود؛ به منظور جمع آوری زکات از بخش های مختلف، ادارات و نهادها نیز می بایست قانون وضع شود.

کبیر حسن و جوانید مسرور خان (۲۰۰۷)، به بررسی آثار زکات در برنامه توسعه بنگلادش پرداخته اند. به اعتقاد ایشان اگرچه دولت بنگلادش تلاش زیادی برای کاهش فقر می کند، اما هنوز به زکات به عنوان برنامه ای در الگوی توسعه این کشور که بتواند در کاهش فقر نقش داشته باشد، توجه نکرده است. ایشان در ادامه به بررسی درآمدهای حاصل از زکات می پردازد و نشان می دهند که اگر دولت به مسئله زکات توجه نماید در این صورت، مقدار قابل توجهی از مخارج برای کاهش فقر را تأمین می کند. بنابراین، پولی را که برتی تأمین مالی منابع لازم برای فقر استفاده می کرده است را می تواند در جهت سرمایه گذاری و ایجاد توسعه اقتصادی خرج نماید (به نقل از عسگری و کاشیان، ۱۳۸۹، ص ۹).

حسن (۲۰۱۰)، در مطالعه خود تحت عنوان الگوی کاهش فقر ادغامی از زکات، اوقاف و تأمین مالی خرد، الگویی را ارائه می کند که در آن، دو ابزار سنتی اسلام برای تعدیل فقر یعنی زکات و اوقاف را با مفهوم تأمین مالی خرد اسلامی جمع می کند. نتیجه حاصل از این مطالعه نشان می دهد چنین الگویی منجر به منفعت رسانی به رفاه کل جامعه می شود. اگر سازمان ها و تشکیلات غیر دولتی را وارد الگو کنیم، منفعت کل بیشتر خواهد بود.

خلفائی (۲۰۱۵)^۲، در مطالعه خود به بررسی تأثیر ارتباط اسلام و رشد اقتصادی از یک سو و عوامل موثر

1. Jehle
2. Abdelbaki
3. Khalfaoui

بر این ارتباط از سوی دیگر با استفاده از داده های پانلی در ۲۰ کشور مسلمان طی سال های ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۴ پرداخته است. نتایج نشان می دهد که اسلام، رشد اقتصادی را بهبود نمی بخشد. به عبارت دیگر در رگرسیون اول اسلام با رشد اقتصادی همبستگی منفی دارد و در رگرسیون دوم و سوم نشان می دهد که تأثیر اسلام جزئی و منفی است به گونه ای که کشورهای اسلامی نرخ بی سواد و بیکاری بالایی دارند.

دالی و فریخا^۱ (۲۰۱۵)، در مطالعه خود با معرفی بانک های اسلامی و شناسایی نیاز به زکات به عنوان ابزاری برای تأمین ثبات اقتصادی- اجتماعی و تثبیت چرخه اقتصادی، نقش اساسی در اقتصاد اسلامی دارد. به این معنی که زکات شکاف بین ثروتمندان و فقر را کاهش می دهد.

وان عمر و همکاران^۲ (۲۰۱۵)، در مطالعه خود به بررسی تأثیر اسلامی شدن بر نابرابری درآمد و روند رشد اقتصادی در مالزی با استفاده از رویکرد ARDL طی سال های ۱۹۶۹ تا ۲۰۱۳ پرداخته اند. نتایج نشان می دهد که اسلام ارتباط معنی داری در نابرابری درآمدی و رشد اقتصادی مالزی دارد.

عبدالحمید بشیر (۲۰۱۸)، در مطالعه خود رویکرد اسلامی را با تمرکز بر سازوکارهای اصلی (زکات و صدقه) که برای کاهش نابرابری ها مورد استفاده قرار گرفته است، برای کاهش نابرابری درآمد و فقر بررسی می کند. نتایج نشان می دهد که جمع آوری و استفاده مؤثر از عواید حاصل از زکات و صدقه سازوکارهایی است که اسلام برای توزیع مجدد درآمد و کاهش نابرابری درآمدی از سوی اسلام حمایت می کند.

کوران^۳ (۲۰۱۸)، در مطالعه خود به بررسی روابط علی بین اسلام و عملکرد اقتصادی پرداخته است. نتایج نشان می دهد که روزه گرفتن زنان باردار در ماه مبارک رمضان برای بارداری مضر است و باعث زایمان زودرس می شود؛ موسسات خیریه اسلامی اغلب به نفع طبقه متوسط است؛ اسلام به نتایج آموزش کمتر از طریق پژوهش اسلامی نسبت به فاکتورهای ساختاری که به طور کلی باعث نقص یادگیری می شوند، تأثیر می گذارد؛ تأمین مالی اسلامی به سختی روی رفتارهای مالی مسلمانان تأثیر می گذارد؛ و اعتماد عمومی پایین، تجارت مسلمانان را تضعیف می کند.

زمانی فر (۱۳۸۲)، در مطالعه خود به بررسی توانایی زکات بالقوه در رفع فقر استان های تهران، سمنان، اصفهان، مرکزی، چهارمحال و بختیاری، بوشهر و ایلام پرداخته اند. نتایج نشان می دهد که مقایسه درآمدی حاصل از زکات بالقوه دلالت بر آن دارد که درآمد به تنهایی برای رفع فقر استان های مورد نظر کفایت نمی کند. کميجانی و عسکری (۱۳۸۳)، در مطالعه خود تحت عنوان تحلیل نظری آثار اقتصادی زکات و مقایسه آن با مالیه تورمی، نتایج حاصل از وضه این دو نوع مالیات را بر رشد اقتصادی، تورم و رفاه اقتصادی مورد بررسی قرار می دهند. نتایج نشان می دهد که تعلق زکات به مال راکد و عدم تعلق آن به سپرده های پس انداز، می تواند موجبات سرمایه گذاری و رشد اقتصادی را فراهم آورد. این در حالی است که اثرات مالیه تورمی بر رشد قابل اعتنا نمی باشد. اگرچه یک رابطه مستقیم بین تورم و مالیه تورمی وجود دارد، زکات از یک سو تثبیت کننده خودکار اقتصادی و از سوی دیگر موجب چرخش مال از صاحبان ثروت به فقرا و نوعی نظام تخصیص مجدد منابع است.

1. Daly & Frikha

2. Wan Omar et al.

3. Kuran

گیلک حکیم آبادی (۱۳۸۵)، با مطالعه موردی استان گلستان به بررسی تأثیر زکات (گندم و جو) در کاهش فقر پرداخته است. نتایج نشان می‌دهد اگر زکات با درایت و مدیریت گردآوری و هزینه شود، قادر به تأمین مالی گروه بزرگی از فقیران است. ویژگی عمده این تحقیق در طرح مباحث اساسی فقهی اقتصادی زکات، به ویژه در برآورد صحیح و همچنین مصارف آن است.

توسلی (۱۳۸۸)، در مطالعه خود زکات و اثر آن بر رشد و توسعه اقتصادی را ارزیابی نموده است. نتایج نشان می‌دهد زکات نه تنها اثر منفی بر رشد و توسعه اقتصادی نداشته، بلکه آثار مثبت بر آن داشته است. عسکری و کاشیان (۱۳۸۹)، به منظور بررسی فرضیه کفایت زکات با فرض انحصار آن در موارد نه گانه، با استفاده از روش تحلیل آماری، به محاسبه ظرفیت بالقوه زکات، زکات فطره و خمس در اقتصاد ایران پرداخته اند. نتایج بررسی آن‌ها نشان داده است که در سال‌های اخیر، درآمدهای خمس و زکات آن قدر زیاد بوده که برای رفع فقر در جامعه کفایت می‌کرده است. به طور ضمنی نشان می‌دهد که فتوای فقهای شیعه مبنی بر انحصار زکات در موارد نه گانه، از نظر تجربی، منافاتی با فلسفه اصلی وضع زکات نداشته است.

شعبانی و کاشیان (۱۳۹۲)، در مطالعه خود ظرفیت بالقوه زکات پول در اقتصاد ایران مورد بررسی قرار گرفته است و میزان کارایی آن را در رفع فقر مورد آزمون قرار داده اند. نتایج تحقیق نشان داده است که بر مبنای مانده سپرده‌های بانکی بخش خصوصی، میزان زکات بالقوه پول توانایی قابل توجهی در رفع فقر داشته و می‌تواند سطح مخارج دهک اول و دوم در نیازهای اساسی را به ترتیب به سطح زندگی دهک‌های دوم و سوم ارتقا دهد.

اثنی عشری و میکائیلی (۱۳۹۲)، در مطالعه خود به بررسی تأثیر زکات بر فقرزدایی و رشد اقتصادی: مطالعه موردی استان‌های شمالی (مازندران، گیلان و گلستان) طی دوره ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۰ با استفاده از روش مقایسه‌ای و به صورت توصیفی پرداخته اند. نتایج بیانگر نقش موثر و معنی‌دار درآمد زکات بر رشد اقتصادی استان‌های منتخب بوده است.

اکبریان و ساجدیان فرد (۱۳۹۳)، در مطالعه خود به بررسی اثر زکات بر تعدیل و توزیع ثروت و رشد اقتصادی پرداخته اند. نتیج حاصل از این مطالعه نشان می‌دهد که زکات باعث توزیع مناسب ثروت در جامعه می‌شود و همچنین زکات از طریق اثرگذاری بر مصرف و پس انداز و در نتیجه سرمایه‌گذاری موجب رشد اقتصادی می‌شود.

۴- روش تحقیق

کشورهای منتخب در این مطالعه را ایران و ۱۶ کشور اسلامی الجزایر، آذربایجان، مصر، ایران، اندونزی، اردن، قزاقستان، مالزی، موریس، نیجریه، پاکستان، سنگال، آفریقای جنوبی، سری‌لانکا، ترکیه، تونس و غنا شامل می‌شود. داده‌ها برای سال‌های ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۷ جمع‌آوری گردیده است و تخمین با استفاده از روش پانل دیتا و با نرم افزارهای استاتا^۱ و اکسل^۲ انجام شده است. با ذکر این نکته که تمامی اطلاعات آماری مربوط به

1. STATA 14
2. Excel 2013

متغیرهای به کار برده شده در این مطالعه بجز شاخص اسلامی شدن مالی از پایگاه داده های آماری بانک جهانی استخراج شده است. آمار مربوط به شاخص اسلامی شدن مالی کشوری^۱ (IFI) از سال ۲۰۱۱ توسط بانک اسلامی دبی^۲ ایجاد شده است و قدیمی ترین شاخص برای رتبه بندی کشورهای مختلف با توجه به وضعیت بانکی و امور مالی اسلامی (IBF) و نقش رهبری آنها در صنعت در سطح ملی و بین المللی است. در این مطالعه از دو الگوی زیر برای بررسی اثر شاخص اسلامی شدن مالی بر روی دو متغیر رشد اقتصادی و توزیع درآمد استفاده شده است.

$$\ln(Gini)_{it} = \alpha_{it} + \beta \ln Y_{it} + \gamma (\ln(Y)^2)_{it} + \delta \ln(Hc)_{it} + \delta \ln(Islam)_{it} + \theta \ln(OP)_{it} + \varepsilon_{it} \quad (1)$$

که در آن:

$Gini_{it}$: ضریب جینی به عنوان معیاری از شاخص نابرابری، Y_{it} : لگاریتم تولید ناخالص داخلی سرانه به قیمت ثابت، که با توجه به ادبیات اشاره شده به منظور کنترل اثر کوزنتسی، توان دو این متغیر نیز در مدل وارد شده است، HC_{it} : معرف سرمایه انسانی (که از شاخص درصد ثبت نام کننده در دبیرستان به کل جمعیت استفاده شده است)، OP : درجه باز بودن تجاری که از مجموع صادرات و واردات به تولید ناخالص داخلی حاصل می شود، $Islam_{it}$: شاخص اسلامی شدن مالی و ε_{it} خطای تصادفی است. همچنین برای تخمین معادله رشد تولید ناخالص داخلی از رابطه زیر استفاده شده است:

$$\ln Y_{it} = B_0 + B_1 \ln Gini_{it} + B_2 \ln Indust_{it} + B_3 \ln OP_{it} + B_4 \ln HC_{it} + B_5 \ln Islam_{it} + \quad (2)$$

ر این رابطه $Indust$ نشان دهنده نسبت ارزش افزوده بخش صنعت از تولید ناخالص داخلی است.

۵- یافته‌های تحقیق

با توجه به استفاده از روش پانل دیتا در این مطالعه، ابتدا پیش آزمون‌های لازم برای تعیین دقیق روش تخمین انجام گرفته است. بر اساس آزمون F همگن بودن مقاطع و آزمون هاسمن در هر دو معادله روش اثرات ثابت به عنوان روش مناسب تعیین شده و معادلات ۱ و ۲ بر اساس این روش تخمین زده شد. بعد از تخمین معادلات به روش اثرات ثابت، آزمون‌های تشخیص جهت آزمون وجود همسانی واریانس و عدم خودهمبستگی سریال انجام شد که نتایج نشان دهنده نقض فروض رگرسیون کلاسیک همسانی واریانس و عدم خودهمبستگی بود. از این رو، معادلات ۱ و ۲ به روش FGLS تخمین زده شده است که نتایج آن در جدول های (۱) و (۲) ارائه شده است.

طبق نتایج جدول ۱، تمامی متغیرهای مدل بجز سرمایه انسانی در سطح ۹۵ درصد معنی دار بوده و بر روی توزیع درآمد تأثیر دارند. نتایج حاصل از برآورد مدل به روش FGLS در جدول ۱، نشان می دهد متغیر لگاریتم تولید ناخالص داخلی سرانه دارای تأثیر مثبت و معنی دار و مجذور لگاریتم تولید ناخالص داخلی سرانه دارای تأثیر منفی معنی دار بر توزیع درآمد است؛ به این معنی که هر چه نرخ رشد تولید ناخالص داخلی یا به عبارتی رشد اقتصادی بیشتر باشد، باعث بهبود توزیع درآمد می شود اما مطابق با فرضیه کوزنتس علامت

1. Islamic Finance Country Index
2. Dubai Islamic Bank

ضریب لگاریتم تولید ناخالص داخلی سرانه مثبت و علامت ضریب مجذور لگاریتم تولید ناخالص داخلی سرانه منفی است. کوزنتس بیلان می دارد که در مراحل اولیه توسعه، توزیع درآمد رو به وخامت می گذارد (بیشتر شدن ضریب جینی) و در مراحل بعد توسعه، توزیع درآمد بهبود می یابد (کاهش ضریب جینی). در نتیجه یک رابطه به شکل L معکوس بین رشد تولید و ضریب جینی باید وجود داشته باشد. لگاریتم اسلامی شدن مالی داری تأثیر منفی و معنی داری بر توزیع درآمد است؛ به این معنی که هر چه مقدار شاخص اسلامی شدن مالی بیشتر باشد، توزیع درآمد بهتر خواهد بود. متغیر درجه باز بودن تجاری دارای تأثیر مثبت و معنی دار بر توزیع درآمد است در حالی که متغیر ثبت نام کنندگان در مدارس دبیرستان دارای تأثیر منفی بر توزیع درآمد است و از لحاظ آماری در سطح ۱۰ درصد معنی دار است. این بدان معنی است که درجه باز بودن بالاتر با بدتر شدن توزیع درآمد همراه است ولی بهبود سرمایه انسانی توزیع درآمد را نیز بهبود می بخشد.

جدول ۱. نتایج تخمین اثر اسلامی شدن مالی بر ضریب جینی با استفاده از روش FGLS

متغیر	ضریب	خطای استاندارد	آماره Z	ارزش احتمال
LnY	۲/۷۲۸۹	۱/۱۵۱۶	۲/۳۷	۰/۰۱۸
LnY ²	-۰/۱۵۰۸	۰/۰۶۳۳	-۲/۳۸	۰/۰۱۷
LnIslam	-۰/۰۳۴۹	۰/۰۱۳۹	-۲/۴۹	۰/۰۱۳
Op	۰/۰۰۲۴	۰/۰۰۰۹	۲/۶۶	۰/۰۰۸
H	-۰/۰۰۴۴	۰/۰۰۲۵	-۱/۷۵	۰/۰۸۱
-cons	-۸/۷۳۸۹	۵/۲۴۹۱	-۱/۶۶	۰/۰۹۶
Wald chi2(5)=		Prob>chi2=		Log likelihood=
۲۲/۰۰		۰/۰۰۰۵		۱۹/۷۷۸۶۹

مأخذ: یافته های تحقیق

براساس نتایج جدول ۲، متغیرهای درجه باز بودن تجاری و سرمایه انسانی در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنی دار هستند. متغیر درجه باز بودن تجاری و متغیر سرمایه انسانی دارای تأثیر مثبت و معنی داری بر رشد اقتصادی دارند. نتایج تخمین در این جدول نشان می دهد متغیر لگاریتم اسلامی تأثیر معنی داری بر رشد اقتصادی ندارد. متغیر لگاریتم ضریب جینی به عنوان معیاری از شاخص نابرابری و متغیر سهم ارزش افزوده صنعت نیز تأثیر معنی داری بر رشد تولید ناخالص داخلی ندارند.

جدول ۲. نتایج تخمین اثر اسلامی شدن مالی بر رشد اقتصادی با استفاده از روش FGLS

متغیر	ضریب	خطای استاندارد	آماره Z	ارزش احتمال
LnIslam	-۰/۰۲۷۲	۰/۰۳۷۱	-۰/۷۳	۰/۴۶۴
Op	۰/۰۰۴۷	۰/۰۰۲۱	۲/۲۱	۰/۰۲۷
H	۰/۰۲۷۳	۰/۰۰۴۳	۶/۳۲	۰/۰۰۰
LnGini	-۰/۰۸۵۷	۰/۳۱۵۹	-۰/۲۷	۰/۷۸۶
Indust	۳.۰۸e-۱۳	۵.۵۹e-۱۳	۰/۵۵	۰/۵۸۱
-cons	۸/۴۵۳۶	۱/۱۴۳۸	۷/۳۹	۰/۰۰۰
Wald chi2(4)= ۷۶/۷۸		Prob>chi2= ۰/۰۰۰۰		Log likelihood= -۱۷/۰۱۷۴۷

مأخذ: یافته های تحقیق

۶- نتیجه گیری

اسلام دین عدالت و مساوات است. در احادیث و آیات به لزوم توجه به مسئله فقر و تلاش برای برقراری عدالت اشارات فراوانی شده است و در نظام اقتصادی اسلام مکانیسم‌های مختلفی برای عادلانه نمودن توزیع درآمد اندیشیده شده است. علاوه بر این، کسب روزی حلال مورد تشویق قرار گرفته و مالکیت خصوصی که موتور افزایش ثروت و در نتیجه رشد جوامع است به رسمیت شناخته شده است. بر اساس اصول و مبانی اقتصادی اسلام، انتظار بر این است که این دین در پیشبرد اهداف اقتصادی از جمله توزیع عادلانه درآمد و کاهش فقر و همچنین توسعه و رشد اقتصادی نقش بسزایی داشته باشد. با این اوصاف در بسیاری از کشورهای اسلامی وضعیت این دو شاخص اسلامی چندان خوب نیست. برخی مطالعات با بررسی اثر مسلمان بودن یا نبودن کشورها بر این دو متغیر این گونه نتیجه گرفته‌اند که اسلام اثر منفی بر این متغیرها داشته است. در صورتی که مسلمان بودن یک کشور به مفهوم عمل به اصول اقتصادی اسلام در آن کشور نمی‌باشد. این مطالعه با بررسی اثر شاخص اسلامی شدن مالی در نمونه کوچکی از کشورهای اسلامی نشان داد که بالا بودن این شاخص در بهبود وضع توزیع درآمد در این کشورها تاثیر مثبت داشته است. با این وجود رشد اقتصادی این کشورها از این شاخص متاثر نشده است. بر اساس یافته‌های این مطالعه و با توجه به غفلت اغلب کشورهای اسلامی از برخی نهادهای اسلامی مانند زکات می‌توان عنوان نمود که پیاده‌سازی اصول اسلامی در اقتصاد کشورها می‌تواند در بهبود برخی از شاخص‌های توسعه مانند توزیع درآمد نقش بالایی داشته باشد و چه بسا با عمق بخشیدن به اصول اسلامی در ساختار اقتصادی و مالی برخی شاخص‌های دیگر نیز رو به بهبود گذارند.

منابع و مأخذ

- اثنی‌عشری، ابوالقاسم و میکائیلی، سیده وجیهه (۱۳۹۳). "تأثیر زکات بر فقرزدایی و رشد اقتصادی: مطالعه موردی استان های (مازندران، گیلان و گلستان)". پژوهش های مالیة اسلامی. سال ۲، شماره ۳، صص ۲۴-۷.
- اکبریان، رضا و ساجدیان‌فرد، نجمه (۱۳۹۳). "اثر زکات بر تعدیل و توزیع ثروت و رشد اقتصادی". فصلنامه علمی-ترویجی اقتصاد و بانکداری اسلامی، شماره ۸، صص ۴۷-۷۴.
- بی‌آزاری شیرازی، عبدالکریم (۱۳۵۹). رساله نوین- تحریرالوسیله امام خمینی مسایل اقتصادی. چاپ اول. تهران: موسسه انجام کتاب.
- توسلی، محمدحسین (۱۳۸۸). "زکات و اثر آن بر رشد و توسعه اقتصادی". مجموعه مقالات دومین همایش مالیات های اسلامی. قم: دانشگاه مفید.
- زمانی‌فر، حسین (۱۳۸۲). "ارزیابی توان فقرزدایی زکات در برخی از استان های منتخب". پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تهران، دانشکده اقتصاد، دانشگاه تهران.
- زین‌العابدین، طیب (۱۹۹۷). "زکات و کاهش فقر در جهان اسلام". مترجم: محمد عباس‌پور، مشکوه، شماره ۵۸ و ۵۹، صص ۵۱-۸۸.
- سبحانی، حسن (۱۳۹۱). گسترده اقتصاد اسلامی. چاپ اول. تهران: سمت.
- شعبانی، احمد و کاشیان، عبدالمحمد (۱۳۹۲). "زکات پول از منظر فقه فریقین و بررسی ظرفیت بالقوه آن در فقرزدایی (مطالعه سال های ۱۳۸۷ تا ۱۳۸۹ اقتصاد ایران)". دوفصلنامه مطالعات اقتصاد اسلامی، سال ۶، شماره ۱۱، صص ۳۵-۶۰.
- عسکری، محمدمهدی و کاشیان، عبدالمحمد (۱۳۸۹). "آزمون بسندگی زکات و خمس در تأمین حداقل معیشت خانوارهای نیازمند در اقتصاد ایران طی سال های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۷". معرفت اقتصادی، سال ۲، شماره ۱، پیاپی سوم، صص ۵-۳۴.
- کاشیان، عبدالمحمد (۱۳۸۳). "نقش بالقوه زکات در کمک به فرآیند توسعه اقتصادی کشورهای مسلمان". بلغ مبین، شماره ۲۱ تا ۲۳، صص ۱۳۷-۱۵۸.
- کمیجانی، اکبر و عسکری، محمدمهدی (۱۳۸۳). "تحلیل نظری آثار اقتصادی زکات و مقایسه آن با مالیة توری". مجله تحقیقات اقتصادی. شماره ۶۴، صص ۷۳-۱۰۲.
- گیلک حکیم آبادی، محمدتقی (۱۳۸۵). "بررسی توان زکات گندم و جو در کاهش فقر، مطالعه موردی استان گلستان". نامه مفید، شماره ۵۴، صص ۱۰۱-۱۲۲.
- مهرگان، نادر، موسایی، میثم و کیهانی حکمت، رضا (۱۳۸۷). "رشد اقتصادی و توزیع درآمد". فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی. دوره ۷، شماره ۲۸، صص ۵۷-۷۷.
- Abdelbaki, H. H. (2013). The Impact of Zakat on Poverty and Income Inequality in Bahrain. Rev. Integr. Bus. Econ. Res, 2(1), pp: 133-154.
- Ahmad, A. (1984). A macro model of distribution in an Islamic economy. Journal of King Abdulaziz University: Islamic Economics, 2(1).

- Alesina, A., & Rodrik, D. (1991). Distributive Politics and Economic Growth. NBER Working Paper, No. 3668.
- Barro, R. J. (2000). Inequality and Growth in a Panel of Countries. *Journal of economic growth*, 5(1), 5-32.
- Bashir, A. H. M. (2018). Reducing Poverty and Income Inequalities: Current Approaches and Islamic Perspective. *Journal of King Abdulaziz University: Islamic Economics*, 31(1), pp: 93-104.
- Daly, S., & Frikha, M. (2015). Islamic Finance in Favor to Development and Economic Growth: An Illustration of the Principle of "Zakat". *Arabian J Bus Manag Review*, 5, 145.
- Dollar, D., & Kraay, A. (2002). Growth is Good for the Poor. *Journal of economic growth*, 7(3), 195-225.
- Fiszbein, A., & Schady, N. R. (2009). "Conditional Cash Transfers: Reducing Present and Future Poverty. The World Bank.
- Fukuyama, F. (2001). Culture and Economic Development. In *International Encyclopedia of Social and Behavioral Sciences*, by Francis Fukuyama. Amsterdam, Holland: Elsevier Scienc.
- Harris, R., & Sollis, R. (2003). Applied time series modeling and forecasting .
- Hassan, M. K. (2010). An integrated poverty alleviation model combining zakat, awqaf and micro-finance. In *Seventh International Conference–The Tawhidic Epistemology: Zakat and Waqf Economy*, Bangi, Malaysia. pp: 261-281.
- Hasan, R., Magsombol, M. R., & Cain, J . S. (2009). Poverty Impact of the Economic Slowdown in Developing Asia: Some Scenarios. *Asian Development Bank Economics Working Paper*, (153). Retrieved from:
<https://www.adb.org/sites/default/files/publication/28244/economicswp153.Pdf>
- Ibrahim, M. J. (2010). The Challenge of Poverty Reduction in IDB Member Countries in the Post-Crisis World (IDB Occasional Paper No. 15). Jeddah: Islamic Development Bank.
- Jehle, G. A. (1994). Zakat and inequality: some evidence from Pakistan. *Review of Income and Wealth*, 40(2), 205-216.
- Khalfaoui, H. (2015). Islam and Economic Growth. *International Journal of Science Studies*, 3(6), pp: 62-69.
- Ki-moon, B. (2008). Committing to action: achieving the Millennium Development Goals. High-level event on the Millennium Development Goals, Background note by the Secretary General. Retrieved from:
<http://www.un.org/millenniumgoals/2008highlevel/pdf/committing.pdf>
- Kuran, T. (2018). Islam and economic performance: Historical and contemporary links. *Journal of Economic Literature*, 56(4), 1292-1359.
- Kuznets, S. (1955). Economic growth and income inequality. *The American economic review*, 45(1), 1-28.
- Li, H., & Zou, H. F. (2001). Income inequality is not harmful for growth: theory and evidence. *Review of development economics*, 2(3), 318-334.
- Mannan, M. A. (1970). *Islamic Economics*. Lahore, Pakistan: Ashraf Publication.
- Nur Barizah, A. B., & Abdul Rahim, A. R. (2007). A Comparative study of zakah and modern taxation. *J. KAU: Islamic Econ*, 20(1), pp: 25-40.
- Omar, W. A. W., Rahim, H. A., & Hussin, F. (2017). The Impact of Islamization on Income Inequality and Economic Growth Nexus in Malaysia. *Journal of Applied Business and Economic Research*, 15(6), pp: 61-80.
- Pen, J. (1971). *Income Distribution*. London: Penguin Books.
- Rehman, S. S., & Askari, H. (2010). An Economic Islamicity Index (EI2). *Global Economy*

- Journal, 10(3), pp: 1-37.
- Sadeq, A. H. M. (1989). Factor Pricing and Income Distribution from Islamic Perspective. *Journal of Islamic Economics*, 2(1): pp: 45-64.
 - Salih, S. A. (1999). The Challenges of Poverty Alleviation in IDB Member Countries. Islamic Development Bank.
 - Shafi, M. M. (1979). *Distribution of wealth in Islam*. Ashraf Publications, Karachi.
 - Shin, I. (2012). Income inequality and economic growth. *Economic Modelling*, 29(5), pp: 2049-2057.
 - Stiglitz, J. E. (2012). *The price of inequality: How today's divided society endangers our future*. WW Norton & Company.
 - United Nations. (n.d.). *Sustainable Development Goals: 17 Goals to Transform Our World*. Retrieved from: <https://www.un.org/sustainabledevelopment/>
 - United Nations. (n.d.). *We Can End Poverty: Millennium Development Goals and Beyond 2015*. Retrieved from: <http://www.un.org/millenniumgoals/>
 - World Bank. (2015). *The State of Social Safety Nets 2015*. Washington, DC: World Bank.

تأثیر سیاست پولی بر نابرابری درآمد *

مهناز سرخوندی^۱

کیومرث سهیلی^۲

شهرام فتاحی^۳

چکیده

از جمله مهمترین وظایف اقتصادی دولت‌ها، کنترل وضعیت نابرابری درآمد است. امروزه سیاست‌های پولی دولت بر توزیع عادلانه درآمد بسیار اثرگذار است. بنابراین در این پژوهش به بررسی تأثیر سیاست پولی دولت بر توزیع درآمد با استفاده از حداقل مربعات معمولی پرداخته شده است. بازه زمانی مورد پژوهش در این پژوهش، سال‌های ۱۳۵۳ - ۱۳۹۶ است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که فرضیه تأثیرپذیری توزیع درآمد از سیاست پولی تأیید می‌شود و از طریق افزایش توان تولید است که می‌توان فقر را کاهش داد.

واژگان کلیدی: سیاست پولی، توزیع درآمد، ضریب جینی

طبقه‌بندی JEL: C32, E52.

E-mail: m.sorkhvandi@yahoo.com

۱. دانشجوی دکتری اقتصاد، دانشگاه رازی

qsoheily@yahoo.com E-mail:

۲. دانشیار گروه اقتصاد، دانشکده اقتصاد و مدیریت کارآفرینی، دانشگاه رازی، نویسنده مسئول مکاتبات،

E-mail: sh_fatahi@yahoo.com

۳. دانشیار گروه اقتصاد، دانشکده اقتصاد و مدیریت کارآفرینی، دانشگاه رازی،

*. این مقاله از پایان‌نامه دکتری خانم مهناز سرخوندی با راهنمایی دکتر کیومرث سهیلی و مشاوره دکتر شهرام فتاحی در دانشگاه رازی کرمانشاه استخراج شده است.

۱. مقدمه

توزیع نابرابر درآمد و ثروت در جامعه سبب بروز مشکلات بسیاری در حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشور خواهد شد. از اینرو یکی از وظایف اقتصادی دولت، توزیع مناسب درآمد و ثروت است. (سیفی‌پور و رضایی، ۱۳۹۰: ۱۲۲).

ضمن اینکه نظریات امروزی اقتصاد کلان، حتی در نظام‌های سرمایه‌داری غرب که معتقد به عملکرد کامل مکانیسم بازار در اقتصاد هستند، هنگام مواجهه با مسائلی که دست نامرئی قادر به حل آنها نیست، اهمیت نقش دولت در امور اقتصادی را هرچه بیشتر مورد تأکید قرار می‌دهند. دولت‌ها هم برای ایفای نقش در امور اقتصادی با توجه به وضعیت خاص اقتصادی، سیاسی و اجتماعی کشور، از سیاست‌های اقتصادی مختلفی استفاده می‌کنند. یکی از عمده‌ترین سیاست‌های اقتصادی دولت سیاست‌های پولی^۱ هستند که البته با دخالت بانک مرکزی و از طریق تغییر در تقاضای کل، اثرات خود را به اقتصاد منتقل می‌کنند (شاکری، ۱۳۸۲).

سیاست‌های پولی دولت قطعاً می‌تواند در کاهش نابرابری و توزیع مجدد درآمد مؤثر باشد. به عبارت دیگر، دولت می‌تواند به نحوی توزیع مجدد درآمدها را تنظیم نماید که باعث افزایش درآمد فقرا و تعدیل درآمد ثروتمندان شود یعنی فاصله طبقاتی درآمد بین گروه‌های مختلف جامعه کاهش یابد (سیفی‌پور و رضایی، ۱۳۹۰: ۱۲۲). در این مقاله ابتدا به مبانی نظری و سپس به پیشینه‌های تحقیق، الگو تحقیق و روش‌های برآورد پرداخته شده است. در ادامه داده‌ها و نتایج تجربی و نتیجه‌گیری حاصل از تحقیق بررسی شده است. و در نهایت منابع مورد استفاده در تحقیق بیان شده‌اند.

۲. مبانی نظری

هنگامی که آدام اسمیت^۲ درصد برآمد که اندیشه‌های خود در مورد توسعه اقتصادی را نظم بخشید، عنوان ثروت ملل^۳ را برای آن برگزید. اما گفته می‌شود که اگر آدام اسمیت می‌خواست همین موارد را در زمان حاضر شرح دهد، به احتمال بسیار زیاد در عنوان کتاب خود در کنار ثروت به فقر هم اشاره می‌کرد. فقر و توزیع درآمد موضوعاتی هستند که امروزه اقتصاددانان بیش از ثروت نگران آن هستند. نگرانی نسبت به فقر و توزیع درآمد به عنوان اجزاء جدایی ناپذیر جریان توسعه طی سال‌های دهه ۱۹۷۰ مقبولیت گسترده‌ای یافت. در حالی که استراتژی اولین دهه توسعه سازمان ملل (۷۰-۱۹۶۱) قبل از هرچیز نگران رشد اقتصادی بود، استراتژی دوم (۸۰-۱۹۷۱) گرایش به روندی را منعکس می‌ساخت که توزیع درآمد را با رشد اقتصادی به عنوان اهداف توسعه شریک می‌ساخت. اما توزیع مجدد درآمد منوط به حضور دولت است (شاکری، ۱۳۸۲). کوزنتس^۴ در سال ۱۹۵۵ با بررسی اثر رشد اقتصادی بر توزیع درآمد، پایه‌گذار بررسی اثرات متغیرهای اقتصاد کلان بر توزیع درآمد شد. نتایج تحقیق وی حاکی از آن بود که در مراحل اولیه‌ی رشد اقتصادی، توزیع درآمد

1. Monetary policy

2. Adam Smith

3. The wealth of nations

4. Kuznets

نابرابر می‌گردد، در حالی که با ادامه‌ی رشد اقتصادی و در بلندمدت این نابرابری کمتر می‌شود. این مسأله از سوی بسیاری از محققان مورد رد یا تأیید قرار گرفت. گسترش ادبیات موضوع، به نقش دولت نیز در این خصوص رسید (سامتی، خانزادی، یزدانی، ۱۳۸۸: ۵۲). امروزه، اهمیت نقش دولت در مسئله توزیع درآمد به حدی است که تقریباً تمامی اقتصاددانان یکی از اهداف و وظایف عمده دولت را توزیع درآمد ذکر می‌کنند. مضافاً این که، نظریات امروزی اقتصاد کلان - حتی در نظام‌های سرمایه‌داری غرب که معتقد به عملکرد کامل مکانیسم بازار در اقتصاد هستند - هنگام مواجهه با مسائلی که دست نامرئی قادر به حل آنها نیست، اهمیت نقش دولت در امور اقتصادی را هرچه بیشتر مورد تأکید قرار می‌دهند (شاگری، ۱۳۸۲).

دولت‌ها هم برای ایفای نقش در امور اقتصادی با توجه به وضعیت خاص اقتصادی، سیاسی و اجتماعی کشور، از سیاست‌های اقتصادی مختلفی استفاده می‌کنند. یکی از عمده‌ترین سیاست‌های اقتصادی دولت سیاست‌های پولی^۱ هستند که البته با دخالت بانک مرکزی و از طریق تغییر در تقاضای کل، اثرات خود را به اقتصاد منتقل می‌کنند (شاگری، ۱۳۸۲).

۳. پیشینه تحقیق

تاینین^۲ (۱۹۹۹) در پژوهش‌های به بررسی ارتباط بین رشد اقتصادی و نابرابری درآمدی در کشورهای در حال توسعه پرداخته است. بر اساس نتایج این تحقیق، یک رابطه منفی بین نابرابری درآمدی و رشد اقتصادی برقرار است که در واقع مطابق با نتایج مطالعات قبلی در این زمینه است. اما در این تحقیق تاینین بیان کرده است که در صورت وجود نابرابری درآمدی بالا در یک اقتصاد، اجرای سیاست‌های مالی با دولت منجر به افزایش تقاضا برای توزیع مجدد درآمد می‌گردد و چون دولت برای تأمین مالی سیاست اجرایی خود مجبور به افزایش مالیات‌های اختلازی می‌گردد. از این رو، تخصیص بهینه‌ی منابع در این حالت از بین خواهد رفت و منجر به کاهش رشد اقتصادی می‌گردد. بنابراین، وی نتیجه گرفته است که بین مخارج دولت که از طریق اجرای سیاست‌های مالی صورت می‌پذیرد و رشد اقتصادی، یک رابطه غیرخطی وجود دارد به نحوی که در سطوح پایین مخارج دولت این ارتباط مثبت بوده است؛ اما در سطوح بالا این ارتباط منفی خواهد بود.

چو، داودی و گوپتا^۳ (۲۰۰۰) نشان داده‌اند که هرچند کشورهای در حال توسعه برخلاف کشورهای صنعتی، قادر به استفاده از سیاست‌های مالیاتی و پرداخت‌های انتقالی برای کاهش نابرابری نبوده‌اند، اما توزیع درآمد قبل از مالیات در کشورهای در حال توسعه نسبت به کشورهای صنعتی، نابرابری به نسبت کمتری دارد. در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ بسیاری از کشورهای در حال توسعه افزایش نابرابری درآمد را تجربه کرده‌اند. برنامه‌های بهداشت و آموزش ابتدایی و مباحی دولت در کشورهای در حال توسعه خوب هدف‌گذاری نشده‌اند، اما روند کلی آن‌ها رو به بهبود بوده است.

1. Monetary policy

2. Tanninen

3. Chu, Davoodi and Gupta

شان^۱ (۲۰۰۲) در قالب یک الگو خود رگرسیون برداری (VAR) اثرات عملکرد اقتصاد کلان (متغیرهایی چون عرضه پول، مخارج دولت، تورم و بیکاری) بر نابرابری درآمدی را بررسی کرده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که مخارج دولت و بیکاری در برابر عوامل کلان اقتصادی دیگر، منابع مهمتری برای تغییر پراکندگی درآمد هستند.

بک و همکاران^۲ (۲۰۰۴) داده‌های تابلویی وسیعی شامل ۵۲ کشور توسعه یافته و در حال توسعه را بین سال‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۹۹ برای آزمون فرضیه بالا مورد استفاده قرار دادند. بر اساس یافته‌های ایشان، نابرابری توزیع درآمد در کشورهای با توسعه مالی بالاتر، به طور نسبی با شدت بیشتری کاهش می‌یابد و توسعه واسطه‌های مالی نابرابری درآمد را به وسیله افزایش در درآمد افراد فقیر کاهش می‌دهد.

لیانگ^۳ (۲۰۰۶) برای آزمون ارتباط توسعه مالی و نابرابری توزیع درآمد، اطلاعات مربوط به ۲۹ استان چین را در دوره ۱۹۸۶-۲۰۰۰ به عنوان نمونه انتخاب کرده است. وی در این پژوهش نابرابری را در بخش شهری کشور چین بررسی نموده است. بر اساس نتایج به دست آمده، توسعه مالی در کشور چین به شکل معنی‌داری در کاهش نابرابری شهری مؤثر بوده است.

آنگ^۴ (۲۰۱۰) رابطه بخش مالی و نابرابری را در کشور هند و با توجه به داده‌های سری زمانی این کشور در دوره ۱۹۵۱-۲۰۰۳ بررسی می‌نماید. نتایج نشان می‌دهد که حتی با در نظر گرفتن شاخص‌های متفاوت توسعه مالی، توسعه مالی نقش قابل توجهی در کاهش نابرابری توزیع درآمد داشته است.

کوبین و همکاران^۵ (۲۰۱۲) به بررسی تأثیرات شوک‌های سیاست پولی و نقش تاریخی آن‌ها در مصرف و نابرابری درآمد در ایالات متحده از سال ۱۹۸۰ به وسیله نظرسنجی هزینه‌های مصرف‌کننده پرداختند. سیاست‌های تضعیف پولی به طور سیستماتیک نابرابری را در درآمد کار، درآمد کل، مصرف و کل هزینه‌ها افزایش می‌دهد. علاوه بر این، شوک‌های سیاست پولی، به عنوان یک تغییرات دوره‌ای تاریخی در نابرابری درآمد و مصرف برخی از کانال‌های مختلف را که از طریق آن شوک‌های سیاست پولی بر نابرابری‌ها اثر می‌گذارند، را پیدا کردند و همچنین با استفاده از این کانال‌ها به ماهیت تغییر در سیاست پولی پرداختند. سایکی و فرست^۶ (۲۰۱۴) به بررسی تأثیر سیاست پولی بر نابرابری در ژاپن با استفاده از الگو VAR پرداختند. نتایج پژوهش آن‌ها حاکی از آن است که سیاست پولی نامتعارف نابرابری درآمدی را افزایش داده است.

فورسریا، لانگانیا و زدزینیسکا^۷ (۲۰۱۶) در مقاله‌ای تحت عنوان تأثیر شوک‌های سیاست پولی بر نابرابری بر روی ۳۲ کشور پیشرفته و نوظهور پرداختند. نتایج پژوهش‌های آن‌ها نشان می‌دهد که سیاست‌های پولی انقباضی به طور مبادی افزایش نابرابری درآمد را افزایش می‌دهد، همچنین اثر نامتقارن سیاست، نابرابری را افزایش می‌دهد.

1. Shan

2. Beck. et al

3. Liang

4. Ang

5. Coibion O., Y. Gorodnichenko, L. Kueng and Silvia, J

6. Saiki, A. and Frost, J

7. Furceri, D, Loungani, P., & Zdzienicka, A.

ممتاز و دفیلوپولو^۱ (۲۰۱۷) به بررسی موضوع پرداختند که آیا شوک‌های سیاست پولی در توضیح این افزایش نابرابری نقش دارند یا خیر پرداختند. آن‌ها به این نتیجه رسیدند که شوک‌های سیاست‌های انقباضی پولی منجر به افزایش درآمد، نابرابری درآمد و مصرف می‌شود و به نوسان آن‌ها کمک می‌کند، پاسخ درآمد و مصرف در معادلات مختلف نشان می‌دهد که سیاست‌های انقباضی تأثیر منفی بیشتری بر خانواده‌های کم درآمد و کسانی که دست کم در مقایسه با افرادی که در بالای توزیع هستند مصرف می‌کنند. همچنین شواهد نیز نشان می‌دهد که سیاست کاهش تساوی ممکن است به افزایش نابرابری در اثر رکود بزرگ کمک کند. داوتیان^۲ (۲۰۱۷) اثر توزیعی سیاست پولی را برای ایالات متحده ارزیابی می‌کند. نتایج بدست آمده نشان می‌دهد که سیاست پولی انقباضی نابرابری درآمد را کاهش می‌دهد. این نتایج می‌تواند پیامدهای مهمی برای طراحی سیاست‌هایی برای کاهش داشته باشد.

ابونوری (۱۳۷۶) در مقاله‌ی خود که برای دوره‌ی ۱۳۷۰-۱۳۵۰ انجام شده است، به این نتیجه رسید که عوامل نسبت اشتغال و بهره‌وری کار آثار کاهشی بر سطح نابرابری داشته‌اند، ولی عوامل تورم، سهم نسبی درآمد شخصی از تولید ناخالص داخلی، مبالغ کلیات‌های دریافتی از هر خانوار و هزینه‌ی دولت برای هر خانوار، آثار افزایشی بر توزیع درآمد داشته و آن را نابرابرتر نموده است.

نیلی (۱۳۷۷) در بررسی فرضیه‌ی کوزنتس در ایران به این نتیجه دست می‌یابد که رشد اقتصادی و توزیع درآمد با جهت‌گیری علی دو طرفه، حرکتی هم جهت دارند. رشد اقتصادی باعث بهبود توزیع درآمد می‌شود، ضمن آنکه بیکاری و تورم، وضعیت توزیع درآمد را نامطلوبتر می‌نماید. بدتر شدن توزیع درآمد نیز کندی رشد اقتصادی را به دنبال خواهد داشت. در این تحقیق نشان داده شده است که حلقه‌ی میانی توزیع درآمد و رشد اقتصادی، مخارج دولت است. نامطلوب شدن توزیع درآمد، افزایش مخارج دولت را در پی دارد و افزایش مخارج دولت، موجب کاهش رشد اقتصادی می‌شود. از نظر محققان، فراهم آوردن شرایط رشد پایدار اقتصادی که ضروری‌ترین اقدام در جهت کنترل مشکل انفجار بیکاری است، نه تنها برای توزیع درآمدها زیان آور نیست، بلکه موجب بهبود آن نیز می‌شود.

پروین و زیدی (۱۳۸۰) با استفاده از شبیه‌سازی سیاست‌ها با یک الگو کلان اقتصاد سنجی، اثرات سیاست‌های تعدیل بر نابرابری را بررسی نموده‌اند. طبق نتایج تحقیق، اجرای سیاست‌های جاری در مقایسه با اهداف برنامه، تأثیر کمتری بر نابرابری دارد، در حالی که سیاست‌های تعدیل باعث افزایش نابرابری در جامعه شده است. بیشترین نابرابری ایجاد شده مربوط به نرخ ارز و کمترین نابرابری ایجاد شده مربوط به افزایش مخارج اسمی دولت بوده است. البته تأخیر در اجرای سیاست‌های تعدیل، در مقایسه با اجرای اهداف برنامه، باعث افزایش کمتر نابرابری درآمد می‌شود. دلیل این امر ادامه‌ی اعمال سیاست‌های حمایتی دولت و عدم تغییر نرخ ارز است.

جرجرزاده و اقبالی (۱۳۸۴) تأثیر درآمدهای نفتی بر توزیع درآمد در ایران بررسی کرده‌اند. نتایج نشان می‌دهند که سرانه‌ی تولید را طی سال‌های ۸۰-۱۳۴۷ ناخالص داخلی، سرمایه‌گذاری بخش خصوصی،

درآمدهای مالیاتی و مخارج سرمایه‌ای اثر مثبت بر توزیع درآمد داشته‌اند، در حالی که تورم، بیکاری، درآمدهای نفتی و مخارج جاری دولت اثر منفی بر توزیع درآمد داشته و وضعیت را بدتر کرده‌اند.

داوودی و براتی (۱۳۸۵) در مقاله خود به بررسی آثار سیاست‌های اقتصادی بر توزیع درآمد پرداختند. هدف این مقاله شبیه‌سازی آثار سیاست‌های مختلف اقتصاد کلان بر توزیع درآمد با تأکید بر آثار سیاست‌های پولی و ارزی است. این عمل با استفاده از پیوند یک الگو اقتصاد کلان سنجی با یک شبیه‌سازی خرد که الگو سازی کلان به خرد نامیده می‌شود، انجام می‌گیرد. شبیه‌سازی مورد نظر برای سال‌های ۱۳۸۲ تا ۱۳۹۰ می‌باشد. نتایج شبیه‌سازی نشان می‌دهد، که سیاست افزایش درآمدهای دولت منجر به کاهش در نابرابری می‌شود. مقدار حساسیت ضریب جینی برای سیاست‌های افزایش درآمدهای نفتی و مالیاتی مستقیم و مالیاتی غیر مستقیم به ترتیب در حدود ۰/۰۱، ۰/۰۲ و ۰/۰۵ درصد بوده است.

آرانی و همکاران (۱۳۸۸) به بررسی تأثیر سیاست‌های پولی بر توزیع درآمد پرداختند. نتایج تحقیق با استفاده از یک الگوی خودتوضیح نشان می‌دهد که تأثیر سیاست پولی بر توزیع درآمد در ایران در کوتاه VAR برداری مدت، میان مدت و بلند مدت متفاوت است. افزایش حجم پول به عنوان معیار سیاست پولی، بلافاصله موجب افزایش نابرابری درآمدی نمی‌شود، بلکه از سال دوم به بعد اثرات تشدید کننده‌ی نابرابری سیاست انبساطی پولی آغاز می‌شود و در دوره‌های بعد تداوم می‌یابد.

رحمانی و همکاران (۱۳۹۱) به بررسی رابطه‌ی بی‌ثباتی سیاست‌های اقتصاد کلان و توزیع درآمد در کشورهای در حال توسعه پرداختند. برای بررسی کمی رابطه مذکور، با استفاده از یک الگوی رگرسیونی مبتنی بر داده‌های تابلویی متشکل از ۴۰ کشور در حال توسعه و با استفاده از شاخص‌های بی‌ثباتی مختلف و ضریب جینی، رابطه‌ی مستقیم میان بی‌ثباتی سیاست‌های اقتصاد کلان و نابرابری درآمد را مورد آزمون قرار داده‌ایم. نتایج بدست آمده از برآورد الگو نشان می‌دهد که افزایش بی‌ثباتی سیاست‌های اقتصاد کلان موجب افزایش ضریب جینی می‌گردد و نابرابری درآمدی را افزایش می‌دهد.

کمیحانی و محمدزاده (۱۳۹۳) به بررسی تأثیر تورم بر توزیع درآمد و عملکرد سیاست‌های جبرانی با استفاده روش دست کم مربعات و روش رگرسیون‌های به ظاهر نامرتب پرداختند، نتایج حاصل از برآورد الگو شاخص جینی نشان داد متغیرهای تورم، بیکاری، مخارج دولت و نسبت سهم ۱۰ درصد گروه درآمدی بالا به ۱۰ درصد فقیر روی نابرابری تأثیر منفی داشته و با افزایش یارانه کالاهای اساسی و سهم ۴۰ درصد فقیر نابرابری بهبود می‌یابد. به منظور تجزیه و تحلیل دقیق تر تأثیر متغیرها بر نابرابری از الگوی عوامل موثر بر بیستک‌ها استفاده شده است. نتایج حاصل از این الگو نشان داد که افزایش نرخ تورم، نرخ بیکاری، یارانه کالاهای اساسی و نسبت سهم ۱۰ درصد ثروتمند به ۱۰ درصد فقیر به نفع بیستک‌های با درآمد بالا بوده و به افزایش نابرابری منجر می‌شود و افزایش در سهم ۴۰ درصد فقیر به نفع بیستک‌های با درآمد پایین بوده و به کاهش نابرابری می‌انجامد.

کرمی و مردانی (۱۳۹۴) در پژوهشی به بررسی تأثیر متغیرهای کلان اقتصادی بر شاخص‌های فقر در مناطق روستایی ایران پرداختند. از جمله نتایج آن می‌توان گفت فقر و نابرابری درآمد در طی برنامه‌های توسعه تا حدودی کاهش یافته است. همچنین نتایج نشان داد که با افزایش نابرابری و نرخ مشارکت اقتصادی درصد

خانوارهای فقیر افزایش یافته است، اما افزایش نرخ پس انداز شدیداً متغیر سرانه فقر را کاهش داده است و اثر رشد اقتصادی بر فقر بسیار ناچیز است.

موتمنی (۱۳۹۴) به بررسی اثر نوسانات رشد اقتصادی بر نابرابری درآمد در ایران با استفاده از رگرسیون هم‌جمعی کانونی پرداخت. نتیجه برآورد نشان از وجود رابطه‌ی معنادار و بلندمدت بین دو متغیر است، به نحوی که با افزایش نوسانات رشد اقتصادی، نابرابری درآمد نیز بیشتر می‌شود. با مقایسه دور، مشخص می‌شود که این رابطه تحت تاثیر عدم تقارن نوسانات قرار نمی‌گیرد. این نتیجه نشان می‌دهد که سطح و علامت رشد اقتصادی نمی‌تواند توضیح کافی در مورد توزیع درآمد داشته باشد. به عبارتی مثبت و یا منفی بودن رشد اقتصادی به تنهایی نقشی در توزیع درآمد ندارد. اما افزایش یا کاهش رشد اقتصادی در صورتی که منجر به تحریک نوسانات شود، تشدید نابرابری درآمد را به همراه خواهد داشت.

حسین‌زاده (۱۳۹۶) در پژوهش خود به بررسی تاثیر رشد اقتصادی بر توزیع درآمد در کشورهای منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا با استفاده رهیافت اقتصادسنجی فضایی پرداخت. نتایج حاصل از برآورد الگوشان می‌دهد رشد اقتصادی دارای تاثیر مثبت و معنی دار بر نابرابری توزیع درآمد بوده در حالی که مجذور رشد اقتصادی دارای تاثیر منفی و معنی دار بر نابرابری توزیع درآمد است. بنابراین فرضیه کوزنتس در کشورهای مورد نظر تایید می‌شود. همچنین سرمایه انسانی دارای تاثیر مثبت و معنی داری بر نابرابری توزیع درآمد بوده و تراکم جمعیت نیز نابرابری درآمد را افزایش می‌دهد.

۴. الگو تحقیق

در این تحقیق از داده‌های آماری سری زمانی ۱۳۹۲-۱۳۵۳ استفاده شده است. کلیه آمار و اطلاعات متغیرهای سری زمانی مورد استفاده در تحقیق (ضریب جینی، نرخ بیکاری، حجم نقدینگی، شاخص قیمت‌ها، تولید ناخالص داخلی واقعی) از اسناد رسمی منتشر شده با بانک مرکزی و مرکز آمار ایران بدست آمده است. برای انجام محاسبات کامپیوتری از نرم افزارهای Excel، Eviews6 استفاده گردیده است. در این پژوهش به منظور بررسی تأثیر سیاست پولی بر توزیع درآمد از فرم یک معادله به شکل زیر استفاده شده است:

$$\text{GINI} = C + \text{GDP} + \text{INF} + \text{UN} + \text{M2} + \quad (9)$$

GINI(-1)

در رابطه فوق از GINI ضریب جینی به عنوان شاخص نابرابری درآمد، نرخ رشد حجم نقدینگی M2 به عنوان معیاری از سیاست پولی و تولید ناخالص داخلی واقعی GDP استفاده شده است. از طرفی می‌توان گفت به طور کلی متغیرهایی که بر روی هزینه و درآمد خانوارها تأثیر می‌گذارند بر روی ضریب جینی نیز اثرگذارند. دو متغیر مهم و تأثیر گذار بر هزینه و درآمد خانوارها تورم و بیکاری است. بنابراین در رابطه فوق از نرخ تورم INF و بیکاری UN نیز استفاده شده است

برای تولید ناخالص داخلی از اطلاعات تولید ناخالص داخلی براساس سال پایه ۱۳۸۳ منتشره از بانک مرکزی استفاده شده است.

برای متغیر نرخ تورم از شاخص قیمت مصرف کننده استفاده شده است.

۵. داده‌ها و نتایج تجربی

۵-۱. آزمون مانایی^۱ (ریشه واحد)

استفاده از روش‌های معمول اقتصادسنجی در کارهای تجربی مبتنی بر فرض ایستایی متغیرهای سری زمانی موجود در الگو می‌باشد. اغلب متغیرهای اقتصاد کلان، دارای یک روند تصادفی یا به عبارتی ریشه‌ی واحد هستند که با یک یا چند بار تفاضل گیری، روند مذکور حذف می‌شود. وجود چنین روندی، تخمین و استنباط‌های آماری به روش‌های اقتصادسنجی سنتی را غیر معتبر می‌سازد و رگرسیون کاذب ایجاد می‌شود. (نوفرستی، ۱۳۷۸: ۷۵) از این رو قبل از استفاده از متغیرهای سری زمانی لازم است نسبت به ایستایی یا نایستایی آن اطمینان حاصل کرد. برای دستیابی به ایستایی یا نایستایی متغیرهای سری زمانی مورد استفاده در الگو از آزمون‌های دیکی فولر تعمیم یافته (ADF) استفاده شده است.

جدول ۱. نتایج آزمون ریشه واحد دیکی فولر تعمیم یافته (ADF) در سطح متغیرها

نتیجه پایایی	مقادیر بحرانی			مقدار محاسبه شده	نام متغیر
	در سطح ۱۰٪	در سطح ۵٪	در سطح ۱٪		
در سطح ۵٪ پایا	۲/۶۰	۲/۹۳	۳/۵۹	۳/۲۳	ضریب جینی
نا پایا	۲/۶۰	۲/۹۲	۳/۵۸	۱/۰۱	تولید ناخالص داخلی واقعی
پایا	۲/۶۰	۲/۹۳	۳/۵۹	۵/۸۶	نرخ رشد حجم نقدنگی
پایا	۲/۶۰	۲/۹۳	۳/۵۹	۴/۶۷	تورم
پایا	۲/۶۰	۲/۹۳	۳/۶۱	۴/۲۳	بیکاری

مأخذ: محاسبات پژوهش

در این پژوهش چون قدر مطلق آماره آزمون تولید ناخالص داخلی و ضریب جینی از قدر مطلق کمیت بحرانی در آزمون ایستایی دیکی فولر تعمیم یافته کوچکتر است با یک مرتبه تفاضل آزمون را انجام خواهیم داد.

جدول ۲. نتایج آزمون ریشه واحد دیکی فولر تعمیم یافته (ADF) با یک مرتبه تفاضل

نتیجه پایایی	مقادیر بحرانی			مقدار محاسبه شده	نام متغیر
	در سطح ۱۰٪	در سطح ۵٪	در سطح ۱٪		
پایا	۲/۶۰	۲/۹۳	۳/۵۹	۸/۰۷	ضریب جینی
پایا	۲/۶۰	۲/۹۳	۳/۵۹	۶/۱۸	تولید ناخالص داخلی واقعی
پایا	۲/۶۰	۲/۹۳	۳/۶۰	۷/۹۷	نرخ رشد حجم نقدینگی
پایا	۲/۶۰	۲/۹۳	۳/۶۰	۶/۶۳	تورم
پایا	۲/۶۰	۲/۹۴	۳/۶۱	۶/۳۹	بیکاری

مأخذ: محاسبات پژوهش

همانطور که مشاهده می‌شود با یک مرتبه تفاضل متغیرها قدر مطلق آماره آزمون از قدر مطلق کمیت بحرانی در آزمون ایستایی دیکی فولر تعمیم یافته بزرگتر است، نتیجه گرفته می‌شود که همه متغیرهای الگو با یک مرتبه تفاضل پایا هستند.

۲-۵. تصریح و برآورد الگو به روش حداقل مربعات معمولی

برای بررسی تأثیر سیاست‌های پولی بر توزیع درآمد از روش حداقل مربعات معمولی استفاده خواهد شد

جدول ۳. نتایج آزمون حداقل مربعات معمولی

/Prob	Error/Std	Coefficient	
۰/۰۱۰	۰/۰۶۵	۰/۱۷۷	C
۰/۰۴۴	۰/۰۰۰۰۰۰۰۷	-۰/۰۰۰۰۰۰۰۱۴	GDP
۰/۲۶	۰/۰۰۰۰۳۲	-۰/۰۰۰۰۳۶	INF
۰/۶۱	۰/۰۰۰۱۳	-۰/۰۰۰۰۶۹	UN
۰/۰۶	۰/۰۳۸۸	۰/۰۷۳۳	M2
۰/۰۰	۰/۱۱۳۳	۰/۵۹۷	GINI(-1)

مأخذ: محاسبات پژوهش

همانطور که از جدول مشخص است، تأثیر حجم نقدینگی به عنوان معیار سیاست‌های پولی، تولید ناخالص داخلی و ضریب جینی باوقفه معنی‌دار و ضرایب متغیرهای تورم و بیکاری بی معنی هستند و سیاست‌های پولی، تورم و بیکاری علامت منفی دارند. این نتایج نشان می‌دهد که هنگامی ضریب جینی و در نتیجه نابرابری کم یا زیاد باشد نرخ تورم و بیکاری تأثیر معنی‌داری بر کاهش یا افزایش نابرابری ندارد ولی سیاست

پولی و تولید ناخالص داخلی هنگامی که ضریب جینی زیاد و توزیع درآمد نامتعادل است تأثیر منفی دارد. به این معنی که با افزایش تولید ناخالص داخلی باعث کاهش نابرابری خواهد شد. همچنین میزان نابرابری دوره گذشته اثر مثبت بر ضریب جینی دوره دارد به طوری که با افزایش یا کاهش نابرابری دوره گذشته، نابرابری دوره جاری نیز افزایش یا کاهش پیدا خواهد کرد.

۶. نتیجه‌گیری

از مهمترین وظایف اقتصادی دولت‌ها، کنترل وضعیت نابرابری درآمد است، به این ترتیب دولت‌ها باید به منظور کاهش نابرابری، چگونگی تغییرات درآمدهای افراد جامعه را با استفاده از ابزارهای موجود، تجزیه و تحلیل کنند. سیاست‌های دولت می‌توانند به نحوی تنظیم شوند که باعث افزایش درآمد فقرا و تعدیل درآمد ثروتمندان و گاه برعکس شود. لذا در این مقاله به بررسی آثار سیاست‌های پولی بر توزیع درآمد پرداخته شده است. نتایج نشان داد که در ایران این نتایج نشان می‌دهد که هنگامی ضریب جینی و در نتیجه نابرابری کم یا زیاد باشد نرخ تورم و بیکاری تأثیر معنی‌داری بر کاهش یا افزایش نابرابری ندارد ولی سیاست پولی و تولید ناخالص داخلی هنگامی که ضریب جینی زیاد و توزیع درآمد نامتعادل است تأثیر منفی دارد. به این معنی که با افزایش تولید ناخالص داخلی باعث کاهش نابرابری خواهد شد. همچنین میزان نابرابری دوره گذشته اثر مثبت بر ضریب جینی دوره دارد به طوری که با افزایش یا کاهش نابرابری دوره گذشته، نابرابری دوره جاری نیز افزایش یا کاهش پیدا خواهد کرد، از اینرو اتخاذ سیاست‌های مناسب در جهت افزایش تولید جامعه بر مبنای استفاده بیشتر از عوامل تولید داخلی به عنوان مهمترین عامل کاهش فقر، قابل تأمل است. با اجرای سیاست‌هایی که موجب افزایش و تداوم تولید ملی شود، می‌توان انتظار داشت که درصد افرادی که فقیر محسوب می‌شوند کاهش یابد.

۷. منابع و مآخذ

- ابونوری، اسمعیل (۱۳۷۶)، "اثر شاخص‌های اقتصاد کلان بر توزیع درآمد در ایران"، تحقیقات اقتصادی، شماره ۵۱، ص ۱-۳۱.
- پروین، سهیلا و زیدی، راضیه (۱۳۸۰)، "اثر سیاست‌های تعدیل بر فقر و توزیع درآمد (پژوهش موردی سیاست‌های برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ایران)"، تحقیقات اقتصادی، شماره ۱۱، دوره ۳۶، ص ۱۱۳-۱۴۶.
- جرجرزاده، علیرضا و اقبالی، علیرضا (۱۳۸۴)، "بررسی اثر درآمدهای نفتی بر توزیع درآمد در ایران"، فصلنامه رفاه اجتماعی، شماره ۱۷، ص ۱-۱۹.
- حسین زاده، هدایت (۱۳۹۶). تاثیر رشد اقتصادی بر توزیع درآمد در کشورهای منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا: رهیافت اقتصادسنجی فضایی. پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، دوره ۲۵، شماره ۸۲، ص ۲۳۳-۲۶۰.
- داوودی، پرویز و براتی، محمدعلی (۱۳۸۶)، "بررسی آثار سیاست‌های اقتصادی بر توزیع درآمد در ایران"، پژوهشنامه بازرگانی، تابستان ۱۳۸۶، دوره ۱۱، شماره ۴۳، ص ۲۸۳-۳۲۲.
- رحمانی، تیمور، پور رحیم، پروین و منشادی، محمد دهقان (۱۳۹۱)، "بررسی رابطه‌ی بی‌ثباتی سیاست‌های اقتصاد کلان و توزیع درآمد در کشورهای در حال توسعه"، پاییز ۱۳۹۱، دوره ۴، شماره ۸، ص ۱۸۱-۲۰۱.
- سامتی، مرتضی، خانزادی، آزاد و یزدانی، مهدی (۱۳۸۸)، "اثرات درآمدهای نفتی و تزریق آن به اقتصاد بر توزیع درآمد: پژوهشی موردی کشور ایران"، فصلنامه اقتصاد مقداری (بررسی‌های اقتصادی سابق)، زمستان ۱۳۸۸، دوره ۶، شماره ۴، ص ۵۱-۷۲.
- سیفی‌پور، رویا و رضایی، محمدقاسم (۱۳۸۹)، "بررسی عوامل مؤثر بر توزیع درآمد در اقتصاد ایران با تأکید بر مالیات‌ها"، پژوهشنامه مالیات، شماره دهم، ص ۱۲۱-۱۴۲.
- شاکری، عباس (۱۳۸۲)، کلان‌تئوری و سیاست‌های اقتصاد، تألیف ویلیام اچ براتسون، تهران: نشرنی.
- عساری آرانی، عباس، عاقلی کهنه شهری، لطفعلی، شفیعی، سعید و رسولی میر، میثم (۱۳۸۸)، "بررسی تأثیر سیاست‌های مالی بر توزیع درآمد در ایران"، پژوهشنامه اقتصادی، شماره ۴۹، ص ۳۱-۴۸.
- فتاحی، شهرام، مرادی، محمد و عباسپور، سحر (۱۳۹۱)، "اثر باز بودن اقتصاد بر روی تورم با استفاده از رگرسیون چندک"، فصلنامه تحقیقات توسعه اقتصادی، شماره ۶، ص ۸۱-۱۰۸.
- کرمی، آیت‌اله و مردانی، یاسر (۱۳۹۴)، "بررسی تاثیر متغیرهای کلان اقتصادی بر شاخص‌های فقر در مناطق روستایی ایران"، دوره ۷، شماره ۲۶، ص ۱۰۹-۱۲۳.
- کمیجانی، اکبر و محمدزاده، فریدون (۱۳۹۳)، "تأثیر تورم بر توزیع درآمد و عملکرد سیاست‌های جبرانی"، فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، دوره ۲۲، شماره ۶۹، ص ۵-۲۴.
- مومنی، مانی (۱۳۹۴)، "بررسی اثر نوسانات رشد اقتصادی بر نابرابری درآمد در ایران با استفاده از رگرسیون هم‌جمعی کانونی"، دو فصلنامه جستارهای اقتصادی ایران، شماره ۱۶۳، ص ۱۶۳-۱۷۹.

- نوفرستی، محمد (۱۳۷۸)، ریشه واحد و همجمعی در اقتصاد سنجی، تهران: موسسه خدمات، فرهنگی رسا.
- نیلی، مسعود و فرح بخش، علی (۱۳۷۱)، "ارتباط رشد اقتصادی و توزیع درآمد"، مجله برنامه و بودجه، شماره ۳۴ و ۳۵، ص ۱۲۱-۱۵۴.
- Ang, James, B (2009), "Financial Liberalization and Income Inequality", MPRA, Paper No, 14496.
- Beck, T, Demirguc-Kunt, A, and Levine, R (2004), "Finance, Inequality and Poverty ,pp Cross-Country Evidence", workd Bank Policy Researh Working Paper, 3338, world Bank, Washington D,C.
- Chu, K, H, Davoodi, s, Gupta (2000), "Income Distribution and Tax and Government Social Spending Policies in Developing Countries", Working paper 214, UN-WIDER.
- Coibion O., Y. Gorodnichenko, L. Kueng and Silvia, J (2012), "Innocent Bystanders? Monetary Policy and Inequality in the U.S", IMF Working Paper, WP/12/199.
- Davtyan, Karen (2017) , "The distributive effect of monetary policy: The top one percent makes the difference", Economic Modelling, 65, P 106-118.
- Furceri , D, Loungani, P,. & Zdzienicka, A. (2017) , "The Effects of Monetary Policy Shocks on Inequality", IMF Working Papers 16/245, International Monetary Fund.
- Liang, Zhicheng (2006), "Financial development and Income Distribution : A System GMM Panel Analysis With A ,pplication To Urban China", Journal Of Economic Development, Volume 31.
- Mumtaz, H. and Theophilopoulou, A (2016) , "The Impact of Monetary Policy on in the UK. An Empirical Analysis", European Economic Review, 2017, vol. 98, P 410-423
- Saiki, A. and Frost, J (2014) , " How Does Unconventional Monetary Policy Affect Inequality? ",Evidence from Japan, DNB Working Paper 423.
- Shan, J (2002), "A Macroeconometric Model of Income Disparity in China", International Economic Journal, 16(2) ,pp 47-63.
- Tanninen, H (1999), "Income Inequality, Government Expenditures and Growth", A ,plied Economics, 31(9) ,pp 1109-17.

صندوق سرمایه‌گذاری اجتماعی؛ الگوی نوین تامین مالی اسلامی سازمان‌های مردم نهاد

مهدي صادقي شاهداني^۱

محمود خطيب^۲

چکیده

سازمان‌های غیرانتفاعی در حقیقت مشغول دو نوع «کسب و کار» هستند، یکی مربوط به فعالیت‌ها و برنامه‌های خودشان و دیگری در رابطه با افزایش میزان کمک‌های اهدایی و خیریه می باشد. جنبه‌های مختلف مدل‌های جذب منابع مالی سازمان‌های غیرانتفاعی باید جدا از مدل‌های موجود در دنیای شرکت‌های تجاری مورد بحث و بررسی قرار بگیرند. یک مدل کسب و کار دربرگیرنده انتخاب‌های مختلف در رابطه با ساختار هزینه‌ها و میزان ارزش برای دریافت‌کنندگان خدمات خیریه است. در این تحقیق با بررسی انواع روش‌های جذب کمک مالی در سازمان‌های غیر انتفاعی به شناسایی انواع نهادهای مالی نیکوکاری با تاکید بر سرمایه گذاری اجتماعی برای سازمان های مردم نهاد پرداخته است .

هدف این مقاله ارائه الگو بومی از صندوق های سرمایه گذاری نیکوکاری به عنوان نهاد مالی اسلامی برای جذب منابع مالی سازمان های مردم نهاد با تاکید بر سرمایه گذاری اجتماعی با استفاده از روش کتابخانه ای است. رویکرد این تحقیق، اکتشافی با روش تحلیلی - توصیفی است و در قلمرو تحقیقات کاربردی به شمار می‌آید . یافته های این تحقیق که بر اساس تحلیل های نظری بدست آمده اند، نشان می دهد که "صندوق سرمایه‌گذاری نیکوکاری" با توجه به مدیریت غیرمتمرکز، ارتباط با خیرین، متنوع روش های مشارکت، قدرت تبلیغ و اشتراک، ارائه محتوا (گزارش) مختلف از سودآوری و سرمایه گذاری به خیرین ، اعتبار فعالیت و رعایت موازین شرعی به عنوان نهاد مالی نیکوکاری مناسب برای جذب منابع خیرین در ایران می باشد که سمن ها با استفاده از آن به منبع مالی پایدار و قابل اتکا در جهت توسعه فعالیت های خیرانه و ارتقا سطح رفاه، امنیت و سلامت کشور دست می یابند.

واژگان کلیدی: صندوق سرمایه‌گذاری نیکوکاری ، سازمان مردم نهاد(سمن)، تامین مالی اسلامی

(SHAHDANI@YAHOO.COM)

(mahmudkhatib@gmail.com)

۱. عضو هیات علمی دانشکده معارف اسلامی و اقتصاد دانشگاه امام صادق(ع)

۲. دانشجو دکترا، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه علامه طباطبایی(ره)

۱. مقدمه

بیشتر کشورها پژوهش‌هایی پیرامون جذب و جلب مشارکت‌های مردم صورت گرفته است و کشورهایمانند آلمان، استرالیا، اسپانیا، انگلستان و غیره، راهکارهایی قانونی را برای این امر پیشب‌ینی نموده‌اند؛ اما در ایران مردم همواره به صورت خودجوش و غیررسمی با عنوان‌هایی چون "وقف" و "امور خیر" به این مهم پرداخته‌اند (اکرامی فر، ۱۳۸۳، ص ۵۳)

اهمیت نقش خیرین هنگامی آشکارتر می‌شود که می‌بینیم در کشوری درحال توسعه زندگی می‌کنیم که علاوه بر انقلاب، جنگ تحمیلی و تحریم اقتصادی بین‌المللی، تحولات درونی شگرفی در فرهنگ و مدنیت را تجربه می‌کند. کشورهای صنعتی پیشرفته‌ای که هیچ‌یک از این گرفتاری‌ها را نداشته و در گذشته نزدیک نیز نداشته‌اند، نیاز فراوانی به خیرین دارند (با وجود اینکه تعداد مؤسسات خیریه در آن کشورها و ارقامی که هزینه می‌شود، بسیار بیشتر از کشور ما است)؛ لذا، باید بدانیم که این موضوع، خاص کشور ما و یا شرایط تاریخی ما نمی‌باشد و در این حیطة، نیاز به امور خیریه بسیار متنوعی احساس می‌شود (منصوری، ۱۳۹۰، ص ۳)

امروزه، اساس پیشرفت و توسعه، تفکر گروهی است که جز با مشارکت همگانی و آحاد مردم تحقق نمی‌یابد. (متین، ۱۳۸۹، ص ۱۹۳)

بخشی از فرهنگ دینی، مذهبی و ملی را فرهنگ و سنت حسنه وقف و انفاق تشکیل داده است که آثار و برکات آن در کلیه ابعاد بر هیچ‌کس پوشیده نمی‌باشد. امروزه، با توجه به رشد جمعیت، کمیابی منابع و گسترش رقابت در تمامی عرصه‌های اجتماعی و بازارهای جهانی، استفاده بهینه و کارآمد از منابع موجود وقفی و ایجاد منابع تازه با ظهور موقوفات جدید از اهمیت به‌سزایی برخوردار است (معراجی، ۱۳۸۵، ص ۱۹۲)

مدل تامین مالی سرمایه‌گذاری اجتماعی در چندین سطح مختلف و موازی با بازارهای متعارف و سنتی ظهور کرده است. شناسایی صندوق‌های سرمایه‌گذاری مناسب با امور خیریه به عنوان واسطه‌های مالی نقش حیاتی در جذب منابع خیرین و کسب بازده برای تامین مالی فعالیت خیرانه دارد.

۲. پیشینه تحقیق:

گلدان و همکاران (۲۰۰۵) انگیزه‌ها و دلایل مهم مشارکت خیرین در بخش‌های ورزشی را میل به حمایت و بهبود برنامه‌های ورزشی، منافع بلیطی (اولویت‌صندلی)، کمک به دانشجویان ورزشکار و عوامل نوع دوستانه دانسته‌اند.

اونیل و اسپنک (۲۰۰۷) نیز به این نتیجه دست یافتند که چهار عامل اصلی که می‌توانند به طور بالقوه کمک‌های مالی به ورزشکاران را برای بخش‌های ورزشی دانشگاهها تحت تأثیر قرار دهند، عبارت هستند از: عدم شناسایی محل تحصیل خود، تجربه دانشجویان ورزشکار، احساس انزوا به عنوان یک ورزشکار و احساساتی که فارغ‌التحصیلان ورزشکار اکنون طی تمرین و رقابت نسبت به گروه آموزشی ورزش خود دارند.

مادن (۲۰۰۶) نیز محدودیتهای کمک‌های مالی مردم استرالیا در بخش غیرانتفاعی را مسائل مربوط به اطلاعات، عدم نیاز و مسائل مربوط به سازمانها عنوان کرد.

شاپیرو و همکاران (۲۰۰۹) پنج مانع کمک‌های مالی به ورزشکاران را عدم اهمیت، قطع ارتباط، دانش مسائل مربوط به ارتباطات، مسائل مربوط به تجربه و نارضایتی بیان کردند.

موسویان (۱۳۸۶) ضمن بیان تاریخچه اوراق مشارکت، به تبیین ارکان، ویژگیها و آثار اقتصادی عملکرد انتشار این اوراق پرداخته و سپس ماهیت فقهی و روابط حقوقی عناصر مربوط با یکدیگر را در این نوع اوراق مورد توجه قرار داده است.

صابری نیا (۱۳۸۷) ضمن بررسی اقسام اوراق مشارکت، به بررسی وجوه شباهت و تمایز اوراق مشارکت، اوراق قرضه و سهام پرداخته است. وی سپس ضمن بررسی فقهی اوراق مشارکت، ابهامات شرعی و حقوقی را پیرامون این اوراق بیان نموده و راه حل‌هایی را ارائه کرده است.

علیزاده (۱۳۸۷) مهمترین موانع مشارکت خیرین در ارائه خدمات به آموزش و پرورش را رواج دنیاگرایی، اجازه ندادن خیرین به دخالت در اداره مدرسه‌ای که خود ساخته و یا تجهیز کرده اند، عدم روحیه تعاون، عدم تجلیل مناسب از خیرین، نداشتن الگوی مناسب، عدم تبلیغات مناسب، کم شدن درآمد مردم، موانع اداری خارج از حیطه آموزش و پرورش، عدم اطلاع رسانی مناسب، عدم احترام مناسب به خیرین از سوی مسئولان و کم شدن روحیه دیگرخواهی عنوان نمود.

اسکینی (۱۳۸۸) با بیان اینکه تدقیق در مقررات حاکم بر اوراق مشارکت نشان می‌دهد که رابطه میان ناشر و صاحبان ورقه، ماهیت عقد شرکت را دارد، نه مضاربه و قرض و امثال آن، اشاره مینماید که علت این امر آن است که اموال ناشر و اموال (وجوه) صاحبان اوراق مشارکت در طرح موضوع مشارکت ممزوج میشوند و مالکیت مشاع بر آنها برقرار میگردد.

موسویان و سروش (۱۳۹۰) با بیان این نکته که ممنوعیت استفاده از ابزارهای ربوی جهت تأمین مالی بنگاهها و طرحهای اقتصادی سبب شده تا شرکتهای به دنبال استفاده از ابزارهای جایگزین باشند، اوراق مشارکت را از جمله ابزارهای مالی معرفی می‌نمایند که می‌تواند به تأمین مالی شرکتهای و طرحها کمک نماید.

شعبانی و قلیچ (۱۳۹۰) پس از تبیین علل بوجود آورنده تورم در ایران طی چند دهه اخیر به نقش اوراق بهادار اسلامی پرداخته و با بررسی فقهی جواز چهار اوراق بهادار اسلامی مشارکت، اجاره، مرابحه و استصناع به واکاوی نقش این اوراق در کاهش و کنترل تورم اشاره داشته‌اند.

حسن زاده سروستانی و سرشار (۱۳۹۱) در پژوهش خود، تفاوت‌های دو گونه اوراق مشارکت منتشره در ایران با مجوز بانک مرکزی و نیز سازمان بورس و اوراق بهادار و صکوک مشارکت منتشر شده در کشورهای خارجی از ابعاد مختلفی چون آمار انتشار، تعاریف، ارکان، سازوکار انتشار و بررسی فقهی مورد واکاوی و تحلیل قرار داده و پیشنهادهای جهت انتشار صکوک مشارکت در ایران و رفع ضعف‌های ساختاری اوراق مشارکت فعلی ارائه نموده است.

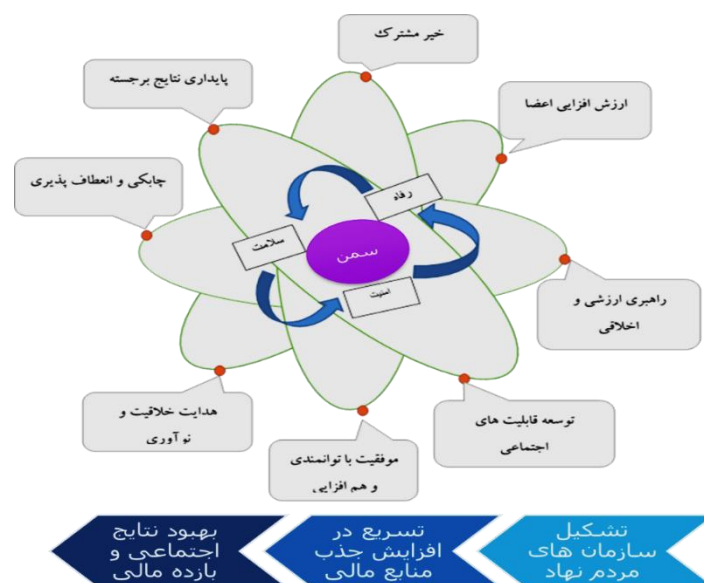
آقازاده (۱۳۹۲) نشان داد که موانع و کاستی‌های موجود در مشارکتهای مردم در امر مدرسه‌سازی شامل: کمبود تبلیغات، اطلاع رسانی و تشویق مردم، عدم آگاهی مردم با نحوه مشارکت و تأثیر آن، عدم فرهنگسازی در زمینه مشارکت بی‌اعتمادی مردم نسبت به برخی از مسئولان، عدم توجیه مردم از نظر شرعی، پشت گرمی به اعتبارات دولتی و نقص در قانون تحصیل رایگان و احساس طلب از دولت، عدم وجود برنامه ریزی منظم و

تشکیلاتی در نهادهای پیگیر و کمبود نیروی انسانی متخصص در زمینه مشارکت های مردمی می باشد .
 سلیمی و همکاران (۱۳۹۲) به اولویت بندی موانع توسعه حمایت مالی شرکتهای خصوصی از ورزش قهرمانی پرداختند که نتایج آن بیانگر این موارد می باشد: موانع اقتصادی، موانع فرهنگی - اجتماعی، موانع دولتی، موانع رسانه ای، موانع مدیریتی و سازمانی و مشکلات مربوط به تماشاگران و اماکن ورزشی .

۳. ادبیات تحقیق :

۳.۱. سازمان مردم نهاد (سمن)^۱

به سازمانی اطلاق می شود که باشخصیت حقوقی مستقل، غیردولتی، غیرانتفاعی، غیرسیاسی، برای انجام فعالیت داوطلبانه با گرایش فرهنگی، اجتماعی، ماهی و بشردوستانه و بر اساس قانونمندی و اساسنامه ای مدون، رعایت چارچو قوانین موضوعه کشور و مفاد آیین نامه های اجرایی آن فعالیت میکند (استون، ۲۰۰۴، ص ۵۵۰). این سازمانها، لایه گسترده ای از مسائل پیش روی انسان امروزی را چون آموزش و در سطوح مختلف مسائل دینی، مذهبی، فرهنگی، هنری، محیط زیست، مبارزه با فقر و اعتیاد و سایر مسائل به جهت تلاش در بهبود امور و ایجاد پیشرفتهای مردمی شامل می شوند.



شکل ۱. ویژگی سازمان های مردم نهاد

وجود سمن ها با توجه به نوع مسئولیتها و اهدافی که پیش رو دارند و توجه به فرایند جهانی سازی در هر جامعه ای، دارای اهمیت بوده و می تواند سبب پیشبرد چشم اندازهای مهمی را فراهم آورد . هر یک از این سمن ها با توجه به نوع نیاز خود و خلاقیت موجود در اعضا و دیگر مسائل متفاوت و با توجه به مسئله استقلال از تأمین منابع دولتی می توانند به روش های مختلف برای رسیدن به مأموریت های

1. Non-Government Organization(NGO)

خود کسب درآمد داشته باشند. (مبشر راد و غنبر طهرانی، ۱۳۹۷، ص ۱۰۹)

۳.۲. توسعه اقتصادی و سازمان‌های مردم‌نهاد

به معنای افزایش پایدار سرانه تولید ناخالص داخلی، همراه با دگرگونی ساختار اقتصادی و بهبود کلی زندگی بخش‌های بزرگی از شهروندان است. توسعه اقتصادی موفقیت‌آمیز، اساساً بازتاب گسترش یافتن روند صنعتی شدن در بخش‌های بزرگی از جامعه است. (مسعودنیا و همکاران، ۱۳۹۱)؛ توسعه اقتصادی فرایندی است که در طی آن شالوده‌های اقتصادی و اجتماعی جامعه دگرگون می‌شود؛ به طوری که حاصل چنین دگرگونی و تحوّل‌ی در درجه‌ی اول کاهش نابرابری‌های اقتصادی و تغییراتی در زمینیه‌های تولیدی، توزیع و الگوهای مصرف جامعه خواهد بود. براین مبناست که گفته شده برای آنکه توسعه اقتصادی پدید آید، لزوماً باید شبکه‌ای به هم پیوسته، متشکل از مجموعه محصولات و درآمدها، با توجّه به منابع و تمام موجودی‌های داخلی و با در نظر گرفتن وابستگی‌های متقابل دیگر کشورها پدید آورد. لیکن برای اخذ چنین نتیجه‌ای و همچنین به منظور توزیع عادلانه درآمد ملی و بهبود سطح زندگی ملت، باید به استقرار ساختار و نهادهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی منطبق با شرایط جدید پرداخت. (از کیا و غفاری، ۱۳۹۰)

توسعه و سازمان‌های مردم‌نهاد از آنجایی که توسعه هر جامعه‌ای متضمن یک سری مبانی، معیارها و عوامل می‌باشد، به همین جهت، حضور فعالانه افراد در صحنه‌های گوناگون جامعه و به اصطلاح مشارکت سیاسی و اجتماعی آنان، از عوامل بسیار مهم و حیاتی در امر توسعه اجتماعی به شمار می‌آید. مدیریت و بهبود این حضور فعالانه از جمله تلاش‌های دولت در تمامی عرصه‌ها و با توجّه به همه‌ی گروه‌های جامعه است. اما سازمان‌های مردمی به نوعی مزایایی در این امر ایجاد می‌کنند، به نوعی این سازمان‌های توانایی تکمیل تلاش‌های دولت را دارا هستند. ویژگی‌هایی سسازمان‌های مردم‌نهاد که آنها را از سازمان‌های دولتی متمایز می‌سازد عبارتند از:

- سازمان‌های مردم‌نهاد با مشارکت داوطلبانه شهروندان شکل می‌گیرند. یعنی روش شکل‌گیری و اداره آنها توسط گروهی از مردم و به شکل داوطلبانه است.
- سازمان‌های مردم‌نهاد متشکل از افرادی هستند که انگیزه‌ی بالایی برای فعالیت گروهی در راستای هدف مشخصی هستند و فعالیت آنها معطوف به منافع همگانی است. سازمان غیرانتفاعی، خدمت‌مدار و توسعه‌محور که در جهت منافع افراد جامعه عمل می‌نماید.
- سازمان‌های مردم‌نهاد غالباً به دنبال سود به معنای درآمدزایی نیستند و اکثراً به اصطلاح غیرانتفاعی هستند. سازمانی که از نظر ساختاری انعطاف‌پذیر و مردمی است و بدون منفعت‌طلبی در جهت ارائه‌ی خدمات به جامعه تلاش می‌کند.
- غالباً این سازمان‌ها با توجّه به اهداف ویژه‌ای تعریف می‌شوند و هدف آن توانمندسازی افراد جامعه است.
- سازمانی که به هیچ حزب سیاسی وابسته نبوده و به طور کلی متعهد به خدمت برای توسعه و رفاه اجتماعی است

• سازمانهای مردم نهاد با اراده ی دولتها تأسیس نشده و توسط دولتها مدیریت نمیشوند (معاونت امور سازمانهای مردم نهاد، ۱۳۹۲)

سازمان های مردم نهاد، می توان به کمک دولت بشتابند و سیاستها و با تعمیق خودباوری و استحکام هویت مردم، انسجام ملی را بهبود و گام های مؤثری در جهت بهبود برنامه های توسعه نیز برداشت؛ چراکه این سازمانهای عالوه بر خدمات رسانی و حمایتی بودن، توانایی تکمیل تلاش های دولت، مشاوره دادن به دولت، تجهیز منابع در جهت دستیابی بهتر به توسعه را نیز دارا هستند. از طرفی این سازمانها منعطف تر هستند و می توانند با توجه به نیازهای جمعیتی و ظرفیتهای جمعیتی برنامه های اجرایی و توسعهای خاص خود را با تکنیک های نوآورانه تاحدی تغییر و از پیش ببرند .

این سازمانها به نوعی، نمود اصلی توسعه ی درونزا در جامعه هستند، به نوعی که الگویی با منشا و جهت گیری داخلی را تنظیم و بر طبق آن پیش رفته و در آن شرایط تاریخی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی جامعه مدنظر است.

۳.۳. مدل های جمع آوری کمک مالی در سازمان های غیر انتفاعی

ایجاد یک چارچوب برای جمع آوری کمک مالی در سازمانهای غیرانتفاعی یک چالش است اما هر سازمانی باید یک مدل کارآمد برای جمع آوری کمکهای مالی داشته باشد که به خوبی توسعه یافته است.

برای پیدا کردن یک مدل کارآمد جمع آوری کمکهای مالی باید به سه عامل منبع کمک مالی، انواع تصمیم گیرندگان، و انگیزه های تصمیم گیرندگان توجه کنید.

• مدل اول «مرتبط کننده های احساسی»: برای سازمانهایی مناسب است که هدف سازمانشان منعکس کننده دغدغه های تعداد زیادی از مردم با سطح درآمد مختلف است. رسالت بیش تر این گونه سازمانها در زمینه های تحقیقات محیط زیست، بین الملل و سلامت متمرکز است. این سازمانها متفاوت از آنهایی هستند که به سراغ افراد با باور دینی خاص، گرایشات سیاسی و یا علاقه ورزشی خاص می روند که با هم برای بیان عقاید و علایق مشترکشان سازمانی را تشکیل داده اند.

• مدل دوم «متکی بر دریافت کنندگان خیریه»: برای سازمانهایی کارآمد است که به ازای خدمات ارائه شده به هر فرد، کمک مالی دریافت می کنند. این سازمانها سعی می کنند رابطه خوب و طولانی مدتی با افرادی که زمانی از خدماتشان استفاده کرده اند، برقرار کنند اگر چه این کمکهای مالی در مقابل هزینه ها بسیار اندک هستند اما این کمکهای مالی منبع مهمی برای تامین بودجه پروژه های بزرگی مانند ساختمان سازی، تحقیقات و صندوق پشتوانه مالی هستند. مانند دانشگاه پرینستون

• مدل سوم «مشوق اعضا»: در سازمانهایی کاربرد دارد که اعضا در آن کمک مالی می کنند زیرا هدف سازمان را جزئی از زندگی روزمره خود می دانند، بنابراین در نهایت خود این افراد هستند که از این کمکها بهره خواهند برد. سازمانهایی که از مدل مشوق اعضا استفاده می کنند، دارای اساس و پایه خاصی برای ایجاد فعالیت های گروهی جدیدی نیستند و در مقابل، با اعضا (کمک کنندگان مالی) از طریق حمایت از فعالیت هایی که آن افراد به دنبال تحقق آنها هستند، ارتباط برقرار می کنند. این سازمانها اغلب در زمینه های مذهبی،

محیط زیست، هنر، فرهنگ و کارهای انسان دوستانه فعالیت می‌کنند.

• مدل چهارم «شرط‌بندی کننده بزرگ»: در تعداد محدودی از سازمان‌های غیرانتفاعی کاربرد دارد که بزرگ‌ترین اهداکننده سازمان، موسس آن نیز هست. در اغلب موارد، هدف موسس برطرف کردن معضلی است که احساس و انگیزه شخصی عمیقی نسبت به آن دارد.

• مدل پنجم «ارائه‌دهنده خدمات عمومی»: در بسیاری از سازمان‌های غیرانتفاعی به کار گرفته می‌شود که با ارگان‌های دولتی در راستای ارائه خدمات اجتماعی اساسی مورد نیاز مانند مسکن، کمک‌های بشردوستانه و آموزش و پرورش همکاری می‌کنند. سازمان‌های غیرانتفاعی را که ارائه‌دهنده این نوع از خدمات هستند ارائه‌دهنده خدمات عمومی می‌نامیم. دولت در بعضی از موارد، این ارائه خدمات را کاملاً به سازمان‌های غیرانتفاعی واگذار می‌کند ولی مقررات خاصی را هم برای دریافت کمک مالی وضع کرده است که می‌توان از فرمول بازپرداخت هزینه‌ها و یا درخواست طرح پیشنهادی نام برد. سازمان‌های ارائه‌دهنده خدمات عمومی هم‌گام با رشد و توسعه، به دنبال منابع مالی دیگر هم می‌روند.

• مدل ششم «ابداع‌کننده قوانین و سیاست‌ها»: در برخی از سازمان‌های غیرانتفاعی کاربرد دارد که روش‌های جدیدی را برای مقابله با مشکلات اجتماعی ایجاد کرده‌اند که لزوماً با برنامه‌های جاری کمک‌های مالی دولت سازگار نیست.

• مدل هفتم «کارگزار ذی‌نفعان»: در برخی از سازمان‌های غیرانتفاعی استفاده می‌شود که با رقبای خود بر سر ارائه خدماتی که از سوی دولت عرضه یا پشتیبانی می‌شود، رقابت می‌کنند. این سازمان‌ها در زمینه مسکن، خدمات استخدامی، خدمات درمانی و وام‌های دانشجویی فعالیت می‌کنند. وجه تمایز این دسته از سازمان‌های غیرانتفاعی با بقیه برنامه‌های دولتی این است که دریافت‌کنندگان خدمات خیریه، آزادی کاملی در انتخاب سازمان غیرانتفاعی برای دریافت خدمات دارند.

• مدل هشتم «بازیافت‌کننده منابع»: در برخی از سازمان‌های غیرانتفاعی کاربرد دارد که از طریق دریافت اجناس و کالاهای خیریه و اهدایی از شرکت‌ها و افراد مختلف و رساندن آن‌ها به افراد نیازمندی که توانایی خرید آن‌ها را ندارند، فعالیت می‌کنند. کسب و کارها تمایل زیادی به اهدا کالا و اجناس مختلف مثل غذاهایی با تاریخ مصرف مشخص دارند زیرا در غیر این صورت این اقلام به هدر می‌روند و یا هزینه‌هایی تولید اجناس زیاد از حد پایین است و در بازار رقابت با تولیدکننده عرضه نخواهند شد، مثل دارو در کشورهای در حال توسعه. اجناس و کالاهای اهدایی بخش بزرگی از دارایی اصلی شرکت هستند ولی برای پرداخت هزینه‌های عملیاتی باید منابع مالی دیگری را پیدا کرد. اکثریت بازیافت‌کننده منابع در زمینه برنامه‌های غذایی، کشاورزی، درمانی و تغذیه در سطح بین‌المللی فعال هستند.

• مدل نهم «ایجادکننده بازار»: در آن دسته از سازمان‌های غیرانتفاعی کاربرد دارد که خدماتی را ارائه می‌دهند که هم‌زمان نیاز به آن‌ها در بازار وجود دارد اما پرداخت مستقیم پول برای آن‌ها در جامعه غیراخلاقی یا حتی غیرقانونی است. به‌عنوان نمونه می‌توان از اهدای عضو نام برد. تقاضای زیادی برای اعضای بدن انسان وجود دارد ولی فروش آن غیرقانونی است. این سازمان‌های غیرانتفاعی عمده بودجه خود را از طریق دریافتی‌های خیریه و هزینه‌های دریافتی مستقیم در ازای فعالیت و خدمات، تأمین می‌کنند. بیشتر

ایجادکنندگان بازار در زمینه سلامت و بیماری فعالیت می‌کنند ولی نمونه‌هایی نیز در زمینه حفاظت از محیط زیست وجود دارد.

• مدل دهم «اجراکننده در سطح محله ولی در سرتاسر کشور»: سازمان‌های غیرانتفاعی که با ایجاد شبکه‌ای ملی در داخل یک کشور از افراد مختلف در محله و منطقه‌های خودشان، رشد و توسعه پیدا کرده‌اند از این مدل استفاده می‌کنند. این سازمان‌ها روی مسائلی مانند مدارس با شرایط بد و یا بچه‌های نیازمند به الگویی مناسب در میان بزرگسالان می‌پردازند که این مشکلات در میان انجمن‌های محلی از اهمیت زیادی برخوردار است و دولت به تنهایی قادر به حل این مشکلات نیست. بیشتر کمک‌های مالی این سازمان‌ها از محلات جمع‌آوری می‌شود و دولت مقدار خیلی کمی به آن‌ها کمک می‌کند. (Landes Foster, 2009, P32)

۳،۴. انواع صندوق‌های سرمایه‌گذاری در امور خیریه :

۳،۴،۱. صندوق‌های توصیه شده به اعطا کننده (DAF)^۱

ابزاری در امور نیکوکارانه است که در یک موسسه خیریه عمومی یا هر نهاد دیگری که قصد انجام امور خیریه دارد، تاسیس می‌شود (کارگزاری‌های آمریکا غالباً چنین صندوقی هستند). این صندوق‌ها به اعطا کنندگان اجازه می‌دهند تا بلافاصله بعد از اعطای آنچه در امور خیر مد نظر دارند، از منابع کسر مالیات بهره‌مند شوند و آنچه را که اعطا نموده‌اند، خود مدیریت کنند. شاید بتوان صندوق‌های توصیه شده به اعطا کننده را یک حساب پس انداز^۲ خیریه دانست که فرد اعطاکننده در فواصل زمانی که خود تشخیص دهد، به صندوق کمک کرده و به هر میزان که تمایل دارد به امور خیریه مد نظری که در صندوق امکان سرمایه‌گذاری در آن فراهم شده است، کمک می‌کند.

ویژگی‌های سرمایه‌گذاری در این صندوق‌ها عبارتند از :

- مبلغ اعطا شده (یادارایی اعطا شده سهام، ملک و حتی سهام اختصاصی) غیر قابل بازگشت^۳ به فرد است.
- بلافاصله پس از اعطای دارایی، حداکثر میزان کسر مالیات لحاظ می‌گردد.
- مبالغ اعطایی در حساب صندوق نشسته و قابلیت سرمایه‌گذاری دارد.
- در هر زمان پس از سرمایه‌گذاری، فرد اعطا کننده می‌تواند مبالغ مدنظر خود را به موسسه خیریه واجد شرایط یا امور خیریه پذیرش شده، اختصاص دهد.
- معافیت مالیاتی کامل برای اعطای سهام و معافیت ۳۰ تا ۵۰ درصدی درآمدهای مشمول مالیاتی برای اعطای وجوه وجود دارد.
- امکان افتتاح دوگانه حساب وجود دارد: حساب اصلی^۴ و حساب مدیریت شده^۵.

1. Donor Advised Funds
 2. Charitable Savings Account
 3. Irrevocable Contribution
 4. Core Account
 5. Professionally Managed Account

- ساختار شکل‌گیری صندوق بسیار ساده است و صرفاً موسسه یا نهاد خیریه به عنوان حامی^۱ در نظر گرفته می‌شود. (هیچ‌گونه رکن دیگری صندوق ندارد)

۳،۴،۲. صندوق‌های سرمایه‌گذاری اجتماعی (CIF):^۲

این صندوق‌ها مشابه صندوق‌های سرمایه‌گذاری مشترک دارای واحدهای سرمایه‌گذاری می‌باشند. این صندوق‌های ابزار سرمایه‌گذاری مشترکی است که به طور خاص برای مؤسسات و نهادهای خیریه تاسیس می‌شود. این صندوق‌ها فرصت سرمایه‌گذاری در سهام، اوراق قرضه، مستغلات و دارایی‌های صندوق پوششی را فراهم می‌آورد. منابع تجمیع شده از سوی سرمایه‌گذاران در اختیار مدیر صندوق قرار گرفته و مدیر، گستره‌ای از سرمایه‌گذاری‌ها را طبق سیاست منتشر شده صندوق، اعمال می‌کند.

ویژگی‌های سرمایه‌گذاری در این صندوق‌ها عبارتند از:

- بازده سرمایه‌گذاری صندوق صرفاً امور خیریه مدنظر می‌گردد.
- سرمایه‌گذاری صندوق صرفاً از منابع مالی موسسه یا نهاد خیریه تأمین می‌گردد.
- نیاز به اخذ مجوز از سوی نهاد ناظر خدمات مالی (FCA)^۳ نیست و می‌توان سرمایه‌گذاری آنها را نظارت نشده در نظر گرفت (

۳،۴،۳. صندوق‌های سپرده‌گذاری اجتماعی (CDF):^۴

این صندوق‌های از نظر ماهیت مشابه صندوق‌های سرمایه‌گذاری اجتماعی می‌باشند با این تفاوت که به جای سرمایه‌گذاری در بازار سرمایه، سپرده‌گذاری در بازار پول انجام می‌دهند. این صندوق‌ها، سرمایه‌های خرد را از مؤسسات و نهادهای مالی گردآوری کرده، با تجمیع منابع قدرت چانه‌زنی بالا برده و با سپرده‌گذاری حجم زیادی از منابع، بهره بالاتری نسبت به بازار در یافت می‌کنند.

این صندوق‌ها هیچ‌گونه واحدی منتشر نمی‌کنند و صرفاً هر موسسه یا نهاد به اندازه سرمایه تخصیص داده شده به صندوق مالک آن است و به همان نسبت از بهره پرداختی سهم می‌برد. امین به مؤسسات یا نهادهای خیریه گواهی سپرده‌گذاری اعطا می‌کند. در صورت درخواست بازپرداخت اصل سپرده از سوی موسسه یا نهاد، چنانچه در توافق بین مؤسسات و صندوق مدت نگه‌داشت سپرده ذکر شود، منطبق بر دوره و در غیر این صورت با درخواست سپرده‌گذار، سپرده قابل استرداد است.

در انگلیس حدود ۲۱۰۰۰ موسسه یا نهاد خیریه در صندوق‌های سپرده‌گذاری اجتماعی منابع دارند که براساس گزارش سال ۲۰۱۴ دولت، حدود ۱،۳۵ میلیارد پوند را به خود اختصاص داده است.

۳،۴،۴. صندوق‌های سرمایه‌گذاری خیریه دارای مجوز (CAIF):^۵

1. Sponsor
2. Common Investment Funds
3. Financial Conduct Authority
4. Common Deposit Funds
5. Charity Authorized Investment Fund

بازار سرمایه گذاری مؤسسات خیریه در انگلیس بازار منحصر به فردی است که حدود ۱۰ شرکت سرمایه گذاری معتبر و مشهور، ۳۲ میلیارد پوند از دارایی های حدود ۱۶۰۰ موسسه یا نهاد خیریه را مدیریت می کنند. در اختیار داشتن نهادی برای سرمایه گذاری مشترک، که تحت نظارت FCA بوده، کارایی مالیاتی داشته و خصوصیتی داشته باشد که نیاز خاص سرمایه گذاران در امور خیریه را تامین کند. این مهم با پیشگامی گروه سرمایه گذاران مؤسسات خیریه (CIG)^۱، کمیسیون خیریه، نهاد ناظر بر رویه های مالی (FCA)، کانون سرمایه گذاری (IA) و کانون قانون خیریه در سال ۲۰۱۶ عملیاتی شد. صندوق های سرمایه گذاری خیریه دارای مجوز (CAIF) هم صندوق سرمایه گذاری تحت نظارت FCA است و هم موسسه خیریه ثبت می شود. ویژگی های سرمایه گذاری در این صندوق ها عبارتند از:

- هم صندوق سرمایه گذاری تحت نظارت نهاد خدمات مالی و هم موسسه خیریه ثبت شده هستند.
- این صندوق ها موسسه خیریه محسوب می شوند
- انواع معافیت های مالیاتی اعم از مالیات مستقیم، هزینه های مدیریتی صندوق و مالیات ارزش افزوده را دارد.
- این صندوق به جای هیات مدیره مشورتی، کمیته مشورتی دارد که مستقل از مدیر و امین می باشد و وظیفه مشاوره به امین و مدیر را برعهده دارد. (حامدی و بیات منش، ۱۳۹۵، ص ۱۶)

۳.۴.۵. صندوق وقف^۲

اصطلاح Endowment عبارت است از وجوه یا اموالی که به یک موسسه، فرد یا گروهی از افراد، جهت ایجاد درآمد، اعطا می شود.

صندوق وقف زمانی ایجاد می شود که واقف یا جمعی از متولیان^۳ تعیین می کنند که هدیه یا اعطا شده ای (موقوفه) سرمایه گذاری شود و فقط رآمد های حاصل از هدیه، برای مقاصد خاص مصرف گردد. سه نوع صندوق وقف وجود دارد: صندوق وقف حقیقی^۴، صندوق وقف مدت دار^۵ و صندوق شبه وقف^۶ صندوق های وقف کاملاً از طریق موقوفات، هدایا یا مبالغ اعطایی تامین مالی می شوند و بلافاصله پس از تخصیص منابع به صندوق، برای اعطا کننده یا واقف، سپر مالیاتی محسوب می گردد. توزیع منابع صندوق عموماً براساس یکی از روش های زیر صورت می گیرد:

الف- صرفاً درآمدها: درآمدهای صندوق توزیع می گردد و اصل سرمایه باقی می ماند. از آنجایی که اصل پول یا اموال برای سالیان متمادی دست نخوره باقی می ماند و با کمک های بیشتر نیز مقدار آن افزایش می یابد، صندوق مبنای مالی قوی برای تحقق چشم انداز آتی موسسه یا نهادی که آن را راه اندازی نموده

1. Charities Investors Group

۲. در این تحقیق صرفاً معرفی Endowment Fund انجام گرفت. به دنبال مطرح کردن بحث فقهی صندوق وقف، حفظ اصل موقوفه، صحیح بودن وقف پول نمی باشد.

3. Trustees

4. True Endowment

5. Term Endowment Fund

6. Quasi Endowment

است، ایجاد می‌کند.

ب- درصدی از ارزش صندوق: به دلیل افق بلند مدت سرمایه‌گذاران صندوق‌های وقفی و تمایل ایشان برای سرمایه‌گذاری صندوق در صندوق‌های سرمایه‌گذاری مشترک، تعیین درآمد را مشکل ساخته است. بنابراین نهادهای تاسیس‌کننده صندوق‌های وقفی به سمت سیاست توزیع درصدی از ارزش صندوق تمایل پیدا کرده‌اند. معمولاً این درصد بین ۴ تا ۶ درصد می‌باشد و بدان معنی است که طی سالیان، اگر بازده بیش از این درصد شود، صندوق رشد می‌کند. این رشد موجب می‌شود تا در سال‌هایی که عملکرد ضعیف است، توزیع درصد مشخصی از ارزش صندوق همچنان ادامه داشته باشد. (قلیچ، ۱۳۹۵، ص ۵)

ویژگی‌های سرمایه‌گذاری در این صندوق‌ها عبارتند از:

- واقف یا هبه‌کننده می‌تواند محل مصرف هدیه را مشخص یا تصمیم را به مدیر صندوق واگذار کند.
- هدایایی نظیر پول نقد، بیمه عمر، دارایی با نقدینگی بالا مانند اوراق بهادار قابل معامله در بورس و... به صندوق وقفی اعطا می‌شود.
- همچنین انواع ملک بدون معارض، سهام راهبردی یا کنترلی شرکت، احشام و محصولات کشاورزی و... نیز قابلیت اعطا به صندوق را دارد.
- هدایا اعطا شده به صندوق موجب کسر مالیات در همان سال و کاهش مالیات بر ارث می‌شود.
- اهدای دارایی‌های سرمایه‌ای (غیر وجه نقد) به صندوق موجب مزیت عدم پرداخت مالیات بر عایدی سرمایه می‌باشد.
- صندوق‌های وقفی برای امور عام‌المنفعه مانند دانشگاه‌ها، مدارس، کلیساها، بیمارستان‌ها و... راه‌اندازی می‌شوند بنابراین معاف از مالیات می‌باشند.

۳،۴،۶. صندوق‌های قرض الحسنه (BF):

صندوق‌های قرض‌الحسنه مؤسساتی غیرتجاری محسوب می‌شوند، بر اساس مواد ۵۸۴ و ۵۸۵ قانون تجارت به ثبت می‌رسند و مطابق بند (ه) ماده ۶ آئین‌نامه اصلاحی ثبت مؤسسات غیر تجاری، مصوب سال ۱۳۳۷ موظف به کسب اجازه نامه از شهرداری هستند.

پس از پیروزی انقلاب، هیئت وزیران در تاریخ ۱۳۶۳/۱۱/۲۰ مصوبه‌ای را تصویب نمود که بر اساس آن، صندوق‌های قرض‌الحسنه موظف شدند، زیر نظر وزارت کشور و بانک مرکزی و بر اساس ضوابط زیر عمل کنند.

- تاسیس صندوق‌های قرض‌الحسنه موکول به تایید اساسنامه آنها به وسیله وزارت کشور می‌باشد.
- وزارت کشور باید با توجه به اهداف و نوع فعالیت صندوق‌ها، موافقت سازمان دولتی ذیربط را قبلاً جلب نماید.
- مرجع ثبت شرکت‌ها، با رعایت ضوابط و مقررات مربوطه، نسبت به ثبت آن اقدام نماید.
- مرجع صدور پروانه فعالیت صندوق، کماکان شهرداری جمهوری اسلامی ایران است.
- بر عملیات جاری صندوق‌های قرض‌الحسنه، وزارت کشور و بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران نظارت نموده، تا بر طبق اساسنامه مصوب فعالیت نمایند.
- مراجع تدوین آئین‌نامه اجرایی بند ۵ این مصوبه، وزارت کشور و بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

هستند و پس از تصویب باید توسط وزرای کشور و امور اقتصادی و دارایی به مرحله اجرا گذارده شود. با توجه به خلا قانونی، از سال ۱۳۷۰ تا ۱۳۸۱، صندوق های قرض الحسنه رشد بی رویه ای یافت و با سوء استفاده از شرایط، از هدف عالی، یعنی قرض الحسنه بازماندند و به سوء استفاده های مالی پرداختند. در پی این جریانها، قانونگذار در ماده ۹۲ قانون برنامه سوم توسعه، و هیئت وزیران در مصوبه مورخ ۸۱/۱۱/۹ مجدداً نظارت بر کلیه فعالیت های مالی و پولی سازمان ها، موسسات و صندوق ها را به بانک مرکزی محول کرد و پس از ابلاغ مصوبه هیئت وزیران، ضوابط و نحوه فعالیت اینگونه صندوق ها تدوین، و جهت تصویب به شورای پول و اعتبار ارسال گردید. (موسویان، ۱۳۸۳، ص ۳۵)

در حال حاضر بانک قرض الحسنه برای نظارت و کنترل مؤسسه های بزرگ قرض الحسنه، ساختار جدیدی زیر نظر مستقیم بانک مرکزی و با محوریت رفتار انسانی قرض الحسنه، شکل گرفته اند. این بانک ها براساس قرارداد قرض الحسنه، به تجهیز و تخصیص منابع اقدام می کنند.

۳،۴،۷. صندوق های سرمایه گذاری نیکوکاری (EIF):

صندوق سرمایه گذاری نیکوکاری در ایران به صورت درآمد ثابت، سهامی و مختلط می باشند. هدف از تشکیل صندوق، جمع آوری سرمایه از خیرین و واقفین و تشکیل سبدی از دارایی ها و مدیریت این سبد است؛ با توجه به پذیرش ریسک مورد قبول، تلاش می شود، بیشترین بازدهی ممکن نصیب سرمایه گذاران گردد. انباشته شدن سرمایه در صندوق، دو مزیت های مهم نسبت به سرمایه گذاری انفرادی سرمایه گذاران دارد:

- هزینه بکارگیری نیروهای متخصص، گردآوری و تحلیل اطلاعات و گزینش سبد بهینه اوراق بهادار بین همه سرمایه گذاران تقسیم می شود و سرانه هزینه هر سرمایه گذار کاهش می یابد.

- صندوق از جانب سرمایه گذاران، کلیه حقوق اجرایی مربوط به صندوق از قبیل دریافت سود سهام و کوپن اوراق بهادار را انجام می دهد و در نتیجه سرانه هزینه هر سرمایه گذار برای انجام سرمایه گذاری کاهش می یابد. ثالثاً، امکان سرمایه گذاری مناسب و متنوع تر دارایی ها فراهم شده و در نتیجه ریسک سرمایه گذاری کاهش می یابد.

واحد های سرمایه گذاری صندوق به چهار نوع تقسیم می شود: مدیریتی قابل انتقال، مدیریتی غیر قابل انتقال، عادی قابل انتقال، عادی غیر قابل ابطال. (خطیب، ۱۳۹۵)

جدول ۱. نوع مشارکت نیکوکاران در صندوق سرمایه‌گذاری نیکوکاری

نوع مشارکت	اصل سرمایه	سود حاصل از سرمایه
هبه	متعلق به صندوق	متعلق به مدیر اجرا
قرض الحسنه	متعلق به سرمایه‌گذار	متعلق به مدیر اجرا
هبه بخشی از سود	متعلق به سرمایه‌گذار	متعلق به مدیر اجرا و سرمایه‌گذار

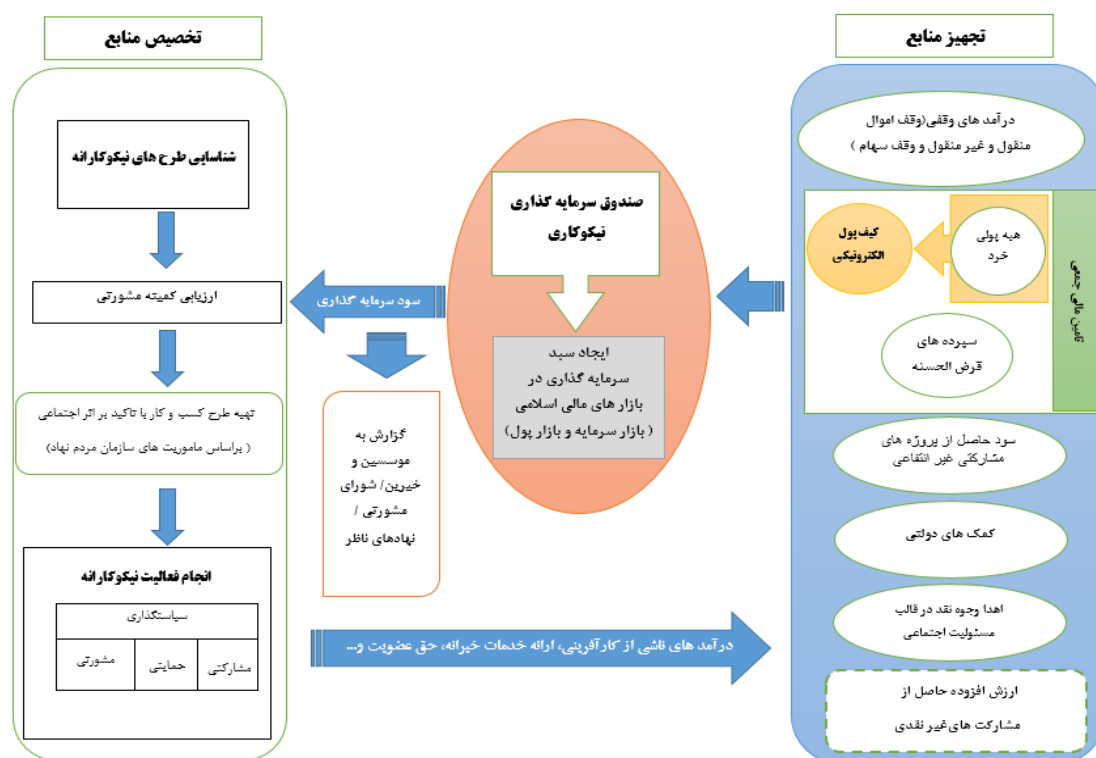
سه تفاوت اصلی میان صندوق‌های نیکوکاری در سطح جهان و صندوق‌های نیکوکاری در ایران می‌توان برشمرد:

- ۱- عدم ثبت این صندوق‌ها نزد نهاد ناظر و متعاقباً سهولت در راه‌اندازی
 - ۲- تعداد ارکان اندک در ساختار صندوق
 - ۳- معافیت مالیاتی هم برای صندوق و هم برای سرمایه‌گذار
- ارکان صندوق سرمایه‌گذاری نیکوکاری در اندازه کوچک (حداقل سرمایه ۲۰ میلیارد ریال) شامل: مجمع، مدیر، ضامن، متولی، حسابرس و در صندوق‌های سرمایه‌گذاری در اندازه بزرگ (با حداقل سرمایه ۵۰ میلیارد ریال) مدیر ثبت نیز به آن افزوده می‌شود. است.
- مجمع صندوق با حضور دارندگان حداقل نصف به علاوه یک واحدهای سرمایه‌گذاری ممتاز (در صندوق‌های سرمایه‌گذاری با حضور دارندگان واحدهای مدیریتی) دارای حق رأی صندوق رسمیت می‌یابد. واحدهای سرمایه‌گذاری ممتاز آن بخش از سرمایه اولیه است که توسط مؤسسين تأمین می‌گردد و پس از پرداخت این مبلغ، مجوز عرضه عمومی برای تأمین باقی‌مانده سرمایه اولیه (به عنوان واحدهای سرمایه‌گذاری عادی) صادر خواهد شد. مجمع صندوق بالاترین رکن صندوق قلمداد می‌گردد و مهم‌ترین وظیفه آن انتخاب مدیر، مدیر ثبت، متولی، ضامن، نصب و عزل حسابرس و معرفی به سازمان بورس و اوراق بهادار جهت تأیید است.

۴. آرایه مدل صندوق سرمایه‌گذاری اجتماعی با قابلیت جذب منابع خرد و تخصیص بهینه:

اصلی‌ترین محدودیت‌های و موانع پیش روی صندوق‌های سرمایه‌گذاری نیکوکاری کشور عبارتند از: تعریف نشدن امر خیر به عنوان پدیده‌ای اجتماعی، وضع عمومی اقتصاد و توسعه بازار سرمایه، عدم جذب منابع خیریه به علت اعتماد بالاتر مردم به نهادهای خیریه دولتی و حکومتی، عدم فرهنگ سازی در خصوص انجام کارهای خیر از طریق سرمایه‌گذاری، عدم شفافیت اطلاعاتی مدیر اجرا، قلمرو محدود اهداف و عدم جذابیت اهداف صندوق‌های نیکوکاری، فقدان مزیت کافی برای ورود به صندوق‌های نیکوکاری برای سرمایه‌گذاران، هزینه‌های صندوق‌های نیکوکاری و سیاست‌های توسعه آن، حداقل سرمایه ۱۰ میلیارد تومانی و تعداد سرمایه‌گذاران بیشتر از ۵۰۰ نفر، عدم امکان ارزیابی دقیق اثر اجتماعی، بی‌انگیزگی مدیران صندوق، عدم وجود راهکارهای دیگر برای جذب منابع خیریه در بازار سرمایه و عدم جذب منابع خرد (واحدهای سرمایه‌گذاری حداقل ۱۰۰ هزار تومان) و پیچیدگی ثبت و صدور واحدهای سرمایه‌گذاری برای خیرین حقیقی و

مدل صندوق سرمایه گذاری اجتماعی که بر مبنای صندوق سرمایه گذاری نیکوکاری بورسی طراحی شده است، تجهیز منابع بصورت خرد و کلان و تخصیص منابع بر اساس خواسته های (نیت) نیکوکاران را ممکن می سازد. در این مدل تامین مالی اسلامی قابلیت جذب منابع افراد حقیقی به سهولت و به مقدار مختلف بدون ارائه مدارک و انجام اقدامات پیچیده در قالب ایجاد کیف پول الکترونیکی می باشد و تخصیص منابع



شکل ۲. ارائه الگوی نوین جذب منابع مالی سازمان های مردم نهاد

ناشی از سود سرمایه گذاری صندوق در بازار های مالی را براساس شناسایی طرح ها ، ارزیابی و تهیه طرح کسب و کار با رویکرد سرمایه گذاری اجتماعی در امور خیریه را محقق می سازد.

۵. نتیجه گیری و پیشنهادها

پیشرفت یک جامعه در گروهی همت و حرکت مثبت عناصر تشکیل دهنده ی آن جامعه است. هرکدام از این عناصر باید در کنار یکدیگر، با یک هدف مشترک و به یک سمت حرکت کنند تا همچون سیلی عظیم موانع را پشت سر گذاشته و برای رسیدن به تعالی و پیشرفت، قدرتمندانه به پیش بروند. تبلور چنین فرایندی در یک جامعه، شکل گیری و فعال بودن سازمانهای مردم نهاد در آن می باشد. شکل گیری و گسترش سازمانهای مردم نهاد در هر جامعه ای میتواند نویدبخش رشد و شکوفایی آن جامعه در سایه ی مشارکت و همکاری مردم باشد. اینگونه سازمانها تأثیرات بسزایی بر رشد و توسعه ی یک جامعه خواهند گذاشت که یکی از مصداق های

مهم آن تأثیرگذاری آنها بر بهبود توسعه ملی می باشد. مشارکت مردمی و جذب منابع از آحاد مردم در حیات سازمان های مردم نهاد نقش اساسی دارد.

به طور کلی صندوق سرمایه‌گذاری نیکوکاری با توجه به مدیریت غیرمتمرکز، ارتباط با خیرین، متنوع روش‌های مشارکت، قدرت تبلیغ و اشتراک، ارائه محتوا (گزارش) مختلف از سودآوری و سرمایه‌گذاری به خیرین، اعتبار فعالیت و رعایت موازین شرعی به عنوان نهاد مالی نیکوکاری مناسب برای جذب منابع خیرین در ایران محسوب می شود. این ابزار مالی اسلامی قابلیت استفاده از روش های تامین مالی خرد بصورت پاداش و بخشش را دارد.

در الگوی نوین تامین مالی اسلامی طراحی شده به تبیین روشهای تجهیز منابع مالی برای موسسه از طریق بخش خصوصی و دولتی و خیرین و واقفین (شامل وقف اموال منقول و غیرمنقول، وقف سهام، کمک‌های دولتی و...) و دریافت وجوه نقدی، قرض الحسنه در قالب تامین مالی جمعی و همچنین بیان روشهای تخصیص منابع با استفاده از کمیته مشورتی و فعالیتهای خیرانه بصورت حمایتی، سرمایه‌گذاری مشترک، مشورتی و سیاستگذاری در امور خیر جدید و کسب درآمد بیشتر برای سرمایه‌گذاری مجدد در نهاد مالی با هدف ارتقای مشارکت خیرین و واقفین در کشور و دستیابی به منابع پایدار توجه شده است.

برای جذب منابع مالی خرد خیرین در صندوق های نیکوکاری بایستی از تامین مالی جمعی با تکیه بر فناوری اطلاعات و کمپین های اجتماعی استفاده شود. با استفاده از کیف پول الکترونیکی می توان جذب منابع هبه کنندگان وجوه نقدی خرد (کمتر ۱۰۰ هزار تومان) با صدور واحدها به نام مدیر اجرا را تسهیل کرد و با دریافت کمترین مدارک شناسایی برای ورود به درگاه اینترنتی مشارکت در صندوق، میزان مشارکت را افزایش داده و عملیات اهدای وجوه نیکوکاری را سرعت بخشید. همچنین شبکه ای شفاف از خیرین و واقفین برای ارتباطی موثر با امور خیریه کشور را ایجاد نمود.

مدیران سازمان‌های غیرانتفاعی غیر دولتی (NGO) با استفاده از الگوی نوین صندوق های سرمایه‌گذاری نیکوکاری می توانند با افزایش جذب منابع مالی و کسب بازده سرمایه از بازار پول و سرمایه موجب رشد و توسعه سازمان و افزایش اثر اجتماعی گردد.

منابع و مأخذ:

- ازکیا، مصطفی؛ غفاری، غالمرضا. (۱۳۹۱)، جامعه شناسی توسعه، تهران: کیهان، چاپ نهم.
- اسکینی، ربیعا، تاملاتی در خصوص ساختار و ماهیت حقوقی اوراق مشارکت موسسات و شرکت های دولتی و خصوصی، فصلنامه مدرس علوم انسانی، ۱۳۸۸، شماره ۴، صفحات ۱۸-۱.
- حامدی، میثم و بیات منش، مهدی، گزارش آسیب شناسی صندوق های نیکوکاری، مرکز پژوهش، توسعه و مطالعات اسلامی، بهمن ماه ۱۳۹۵، تهران
- حسن زاده سروستانی، حسین و سرشار، مهدی یار، مطالعه تطبیقی اوراق مشارکت منتشره در ایران و صکوک مشارکت، تحقیقات مالی اسلامی، ۱۳۹۱، سال دوم، شماره ۱، صفحات ۹۶-۶۷.
- خطیب، محمود، "مدل جامعه خادم المصطفی (ص)؛ الگوی نوین تامین مالی اسلامی علم و فناوری جهان اسلام"، اولین همایش ملی خیر ماندگار، اسفند ماه ۱۳۹۵، تهران
- شریفیان، اسماعیل و حیدری فرد، سمیه، شناسایی و مقایسه موانع مشارکت خیرین در توسعه فضاهای ورزشی، مطالعات مدیریت ورزشی شماره ۴۱، فروردین و اردیبهشت ۱۳۹۶، صفحات ۹۶-۸۱
- شعبانی، احمد و قلیچ، وهاب، قابلیت اوراق بهادار اسلامی در مهار تورم به عنوان ابزار سیاستی؛ مطالعه موردی: اوراق مشارکت، اجاره، مرابحه و استصناع، فصلنامه اقتصاد اسلامی، ۱۳۹۰، سال یازدهم، شماره ۴۳، صفحات ۱۵۶-۱۲۷.
- صابری نیا، بررسی فقهی و حقوقی اوراق مشارکت، پایان نامه کارشناسی ارشد، ۱۳۸۷، دانشگاه مفید قم
- قلیچ، وهاب، تبیین ظرفیت های ابزارهای مالی اسلامی در تامین مالی طرح های غیرانتفاعی، پژوهشکده پولی و بانکی، مهرماه ۱۳۹۵، تهران
- مبشر راد، فاطمه و غنبر طهرانی، نسیم، عوامل تأثیرگذار بر کارکرد رسانه های اجتماعی در تأمین مالی جمعی مؤسسات خیریه، فصلنامه مطالعات مدیریت کسب و کار هوشمند، سال ششم، شماره ۴۲، تابستان ۱۳۹۷، صفحات ۱۳۶-۱۰۹
- مسعودنیا، حسینی؛ توسلی، حسین؛ شهریاری، حیدر. (۱۳۹۰). هدفمندی یارانه ها و توسعه سیاسی، اطلاعات سیاسی- اقتصادی ۲۸۸، ۱۴۲-۱۵۳.
- موسویان، سیدعباس، طرحی برای ساماندهی صندوق های قرض الحسنه، فصلنامه اقتصاد اسلامی، ۱۳۸۳، سال چهارم، صفحات ۴۰-۳۸
- موسویان، سیدعباس، ابزارهای مالی اسلامی (صکوک)، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۶، تهران.
- موسویان، سیدعباس؛ سروش، ابوذر آسیب شناسی فقهی، اقتصادی و مالی انتشار اوراق مشارکت در ایران، فصلنامه بورس اوراق بهادار، ۱۳۹۱، سال چهارم، شماره ۱۰، صفحات ۶۰-۲۹.
- Aghazadeh Kalibar, R. (2013). Ways of public participation in education. <http://www.emdad.ir>. 2013/02/10. 02:09 Am.
- Alizadeh, M. (1999). Barriers, strategies to increase the number of donors in providing services to education Khorasan province. Master's thesis. Public Administration Training Center of Khorasan.
- GIIN, 2014, Global Impact Investing Network website. Available at:

- www.thegiin.org/cgibin/iowa/resources/about/index.html, accessed 3 February 2014.
- Gladden, J. M., Mahony, D. F., & Apostolopoulou, A. (2005). Toward a better understanding of college athletic donors: What are the primary motives? (Electronic version). *Sport Marketing Quarterly*, 14(1), 18-30.
 - Madden, K. (2006). Giving and identify: Why affluent give-or don't-to community causes. *Australian Journal of Social Issues*, 41(4), 453-76.
 - Kohler, J., T. Kreiner, and J. Sawhney, 2011, *Coordinating Impact Capital: A New Approach to Investing in Small and Growing Businesses: An examination of impact investors and phased investing for the launch and growth of social enterprises*, Santa Clara University and The Aspen Network of Development (ANDE), Santa Clara, California.
 - Landes Foster, William, Kim, Peter, Christiansen, Barbara, Ten Nonprofit Funding Models, *Stanford Social Innovation Review*, Spring 2009, 32-39
 - Mansouri, R. (2011). Public -spirited what to build? Donors School construction site. <http://khayerinemadresesaz.ir/articles>.
 - Matin, N. (2010). The motivations of donors in providing services to education. *Renovation, expansion and equipping school's organization*.
 - Meraji, S. (2006). *Vaghf lasting tradition. Foundation research and development of Vaghf culture*. First Edition. O'Neil, J., & Schenke, M. (2007). An examination of factors impacting athlete alumni donations to their alma mater: A case study of a U.S. university (electronic version). *International Journ*
 - Salimi, M., Sultan Hussein, M., & Nasr Esfahani, D. (2013). Prioritize obstacles to the development of the private sponsorship of athletics. *Sports Management Studies*. 21: 149-72.
 - Shapiro, S. L., Gianoulakis, C., Drayer, J., & Wang, Ch. (2009). An examination of athletic alumni giving behavior: Development of the former Student-Athlete Donor Constraint Scale *Sport Management Review* 13 (2010) 283-95.
 - Stone D. (2004), "Transfer Agents and Global Networks in the 'Transnationalisation' of Policy", *Journal of European Public Policy*, vol.11, P. 550.

تعیین شیوه مطلوب برون سپاری نظارت عملیاتی تسهیلات مشارکت مدنی در بانک مسکن با استفاده از روش AHP

سید محمد جواد طباطبایی^۱
پرستو محمدی^۲

چکیده

در این پژوهش ابتدا بررسی مقدماتی از برون سپاری نظارت عملیاتی تسهیلات مشارکت مدنی در بانک مورد مطالعه انجام گردید که نشان داد بانک به صورت مطلوبی به منافع مورد انتظار از برون سپاری دست نیافته است و به صورت جدی با ریسک از دست دادن کنترل بانک بر روی فرایند نظارت و وابستگی بانک به شرکت تامین کننده مواجه شده است. در ادامه پژوهش اولویت اهداف بانک از برون سپاری این فرایند با استفاده از آزمون علامت رتبه دار شناسایی گردید که نتایج حاکی از آن است که بانک به دنبال منافی از برون سپاری مانند کاهش هزینه، افزایش کارایی عملیاتی، آزادسازی وقت ناظرین و استفاده از آنان در موارد و مکان های دیگر و افزایش رضایت تسهیلات گیرنده می باشد. در پایان با استفاده از روش AHP، از بین چهار شیوه درون سپاری (وضعیت گذشته)، برون سپاری با یک تامین کننده (وضعیت فعلی)، برون سپاری با چند تامین کننده و برون سپاری به شرکت وابسته (به عنوان دو روش پیشنهادی)، نظر خبرگان اخذ گردید. نتایج حاکی از آن است که در اولویت بندی معیار های هدف، کارایی عملیاتی و رضایت گیرنده تسهیلات از اهمیت بیشتری برخوردار هستند. در مورد ارجحیت گزینه ها نسبت به یکدیگر با توجه به تمامی معیار های در نظر گرفته شده، دو شیوه پیشنهادی (برون سپاری با چند تامین کننده و برون سپاری به شرکت وابسته) مطلوب تر از وضعیت فعلی و وضعیت گذشته بانک و برون سپاری به شرکت وابسته به عنوان مطلوب ترین شیوه، شناسایی گردید.

واژگان کلیدی: برون سپاری، نظارت، تسهیلات مشارکت مدنی

طبقه بندی JEL: G21

۱. کارشناسی ارشد مدیریت سیستم و بهره وری، دانشکده مهندسی صنایع و سیستم های دانشگاه تربیت مدرس

p.mohammadi@modares.ac.ir

۲. استادیار دانشکده مهندسی صنایع و سیستم ها، دانشگاه تربیت مدرس، نویسنده مسوول

۱ مقدمه

برون‌سپاری در دهه های اخیر نفوذ قابل توجهی در صنایع مختلف داشته و به عنوان یک ابزار راهبردی مورد توجه مدیران قرار گرفته است. همانگونه که در تحقیقات مختلفی به مزایای کسب شده از برون‌سپاری اشاره شده است، مواردی نیز وجود دارد که به دلیل عدم توجه به نحوه صحیح پیاده سازی راهبرد برون‌سپاری، نه تنها سازمان منفعتی از این راهبرد کسب نکرده است، بعضاً دچار برخی مشکلات و چالش ها نیز شده است. برخی از بانک های کشور ما نیز در رابطه با نظارت بر تسهیلات مشارکت مدنی دارای تجاربی از برون‌سپاری هستند. با توجه به این حقیقت، در این پژوهش به دنبال آن هستیم که ابتدا با بررسی تجربه بانک از برون‌سپاری فرایند نظارت، مشکلات و چالش های آن را شناسایی کرده و سپس الگویی مطلوب تر از وضعیت فعلی را طبق نظر خبرگان تعیین کنیم. در این مقاله به دنبال پاسخ به سوالات زیر می باشیم:

(۱) میزان مطلوبیت از تجربه برون‌سپاری نظارت تسهیلات مشارکت مدنی بانک مورد مطالعه چه میزان است؟

(۲) اولویت اهداف مدیران بانکی از برون‌سپاری نظارت بر تسهیلات مشارکت مدنی دستیابی به کدام منافع برون‌سپاری است؟

و در نهایت پاسخ به سوال نهایی پژوهش که هدف اصلی پژوهش می باشد به شرح ذیل می باشد:

(۳) مطلوب ترین شیوه برون‌سپاری فرایند نظارت بر تسهیلات مشارکت مدنی از بین گزینه های پیشنهادی با توجه به معیار های شناسایی شده کدام شیوه می باشد؟

(۴)

۲- پیشینه تحقیق

پژوهش های مرتبط با موضوع برون‌سپاری در بانک ها به سه دسته قابل تقسیم است: دسته اول پژوهش هایی که به عوامل موثر بر تصمیم برون‌سپاری در بانک ها چون منافع و ریسک های آن می پردازد، دسته دوم پژوهش هایی که به نحوه انجام فرایند برون‌سپاری چون انتخاب شیوه برون‌سپاری، انتخاب تامین کننده می پردازد و دسته سوم پژوهش هایی که به ارزیابی برون‌سپاری در بانک ها مانند تعیین میزان منافع تحقق یافته و ریسک های به دست آمده می پردازد.

۲-۱- مطالعات در مورد تصمیم برون‌سپاری فعالیت

در این نوع از مطالعات پژوهش گر دنبال عوامل موثر بر تصمیم گیری برون‌سپاری است. با ارزیابی این عوامل پژوهش گر به این نتیجه می رسد که آیا فعالیت مورد مطالعه بهتر است که برون‌سپاری شود یا خیر. همچنین پیش بینی ریسک برون‌سپاری نیز در این بخش قابل بررسی است. این نوع مطالعات، مطالعات پیش نیازی محسوب شده و باعث جلوگیری از شکست پیاده سازی برون‌سپاری (مرحله بعد) و همچنین باعث موفقیت آن می شود.

در سال ۱۳۹۱ الفت و براتی مدلی برای تصمیم برون‌سپاری در بانک صنعت و معدن ارائه کردند. به منظور طراحی مدل از مطالعه ادبیات، پیمایش مبتنی بر تجربیات، نظر سنجی و برای تجزیه و تحلیل اطلاعات از

فرایند تحلیل سلسله مراتبی استفاده شده است و از سه شاخص برای ارزیابی تصمیم برون سپاری استفاده نمودند شاخص امکان پذیری، شاخص تناسب کیفی و شاخص تناسب هزینه ای. این مدل برای ارزیابی تصمیم تامین و پشتیبانی دستگاه های خودپرداز بکار گرفته شد. نتایج حاکی از توصیه به برون سپاری از هر سه منظر است.

در سال ۲۰۰۹ جی والد و دیبرن به بررسی ریسک و فایده برون سپاری در بانک های آلمان پرداختند. آنها طبق یک مدلی اینگونه به مساله نگریستند که ریسک ها باعث اثرات منفی در تصمیم گیری برون سپاری می شود و فواید آن اثرات مثبت می گذارد. چهار نوع فرایند های تراکنش برای این پژوهش انتخاب شدند: فرایندهای توازن/ پشت باجه ای، اعتبار مشتری، پرداخت داخلی، توازن ارز و پول. داده ها از طریق پرسشنامه جمع آوری شده اند و نتایج زیر را در برداشتند: در نظر گرفتن تاثیرات مثبت نسبت به ریسک های برون سپاری، تاثیر بیشتری بر برون سپاری فرایند دارد. همچنین فایده بهبود کیفیت فرایند بر فایده کاهش هزینه اهمیت بیشتری دارد. بانک هایی که در حال حاضر تصمیم به برون سپاری گرفته اند، بیشتر کارایی را مدنظر دارند تا اثربخشی ولی بانک هایی که هنوز تصمیم خود را نگرفته اند بیشتر بر کیفیت فرایند تاکید دارند. همچنین بنا به الزام قانونی برای پذیرش مسئولیت فرایندها توسط خود بانک ها، فقط توجه به افزایش کارایی فرایند برون سپاری شده و تمرکز بر فرایندهای اصلی خود می تواند در آینده برای بانک مشکل ساز باشد.

در سال ۲۰۱۰ جی والد (در ادامه پژوهش خود در سال ۲۰۰۹ به همکاری دیبرن) به بررسی بیشتر پیرامون منافع برون سپاری فرایند کسب و کار BPO در بانک های آلمان پرداخت. یافته های تجربی در این مطالعه نشان می دهد که منافع درک شده، نقش مهمی در شکل گیری قصد مدیریت ارشد به برون سپاری فرایندهای کسب و کار بازی می کند. همچنین دیگر تمرکز صرف بر کاهش هزینه در برون سپاری نیست بلکه دیگر فواید آن نظیر برنامه ریزی بهتر در مورد هزینه، دستیابی به تخصص های موجود در بازار و تمرکز بهتر مدیریت بر فرایندهای اصلی مورد توجه بیشتر است.

در سال ۲۰۱۱ کومار جین و ناتاراجان به عوامل موثر در تصمیم گیری برون سپاری در بانک های هند پرداختند. بر مبنای ادبیات موضوع، مدلی توسعه داده شد که برای شناسایی عوامل کلیدی منافع، ریسک ها، موانع، و بحران های برون سپاری مورد استفاده قرار گرفت. نتایج حاکی از آن است که منافع در نظر گرفته شده، موانع در نظر گرفته شده و بحران های در نظر گرفته شده به طور قوی و معناداری بر تصمیم برون سپاری اثر می گذارد در حالی که ریسک های در نظر گرفته شده تاثیر ضعیفی بر تصمیم گیری دارد.

از بررسی مطالعات فوق می توان دریافت که با در نظر گرفتن امکان پیاده سازی برون سپاری، دو معیاری که برای پاسخ به سوال بهره گیری از راهبرد برون سپاری یا عدم بهره گیری از آن در نظر گرفته می شود، مزیت ها و ریسک های آن می باشد. مزیت های برون سپاری انگیزه و هدف سازمان را نشان می دهد و ریسک های برون سپاری این انگیزه به دست آمده را کاهش می دهد و حتی ممکن است سازمانی را از برون سپاری فرایندی منصرف گرداند. از آنجایی که ریسک های برون سپاری را می توان مدیریت کرد، مزیت های برون سپاری معیار مهمتری در تصمیم گیری مدیران ارشد سازمان ها در نظر می آیند.

۲-۲- پژوهش‌ها در خصوص نحوه اجرای برون‌سپاری

در این نوع از پژوهش‌ها، محقق به دنبال شیوه‌های درست پیاده‌سازی برون‌سپاری است، به عنوان مثال مطالعه در مورد اینکه قرار داد برای چه مدت زمانی تنظیم شود، یک ارائه دهنده خدمت انتخاب شود یا با چند ارائه دهنده خدمت قرار داد تنظیم شود، نحوه انتخاب تامین‌کننده خدمت چگونه باشد و در قرار داد به چه نکاتی توجه شود.

در سال ۱۳۸۹ نهادندی و همکاران یک مدل تصمیم‌گیری برای تعیین راهبرد برون‌سپاری فناوری اطلاعات در بانک‌های ایران را با استفاده از روش فرایند سلسله‌مراتبی پیشنهاد کردند. در این مقاله معیارهای مهم در سه دسته مسائل مدیریتی، مربوط به محصول و محیطی دسته‌بندی شدند. با توجه به بازار ایران، چهار گزینه برای برون‌سپاری فناوری اطلاعات (ستاد بانک، شرکت فناوری اطلاعات، پیمانکاران خارجی، پیمان‌کاران داخلی) در نظر گرفته شد. این مدل در یکی از بانک‌های ایران اجرا و با استفاده از مقایسات زوجی، راهبرد مناسب تاسیس شرکت فناوری اطلاعات توسط بانک اتخاذ گردید.

در سال ۱۳۸۹ آسوشه و همکاران طی پژوهشی مهمترین ریسک‌های برون‌سپاری سیستم‌های اطلاعات بانک‌های تجاری ایران و در نتیجه عوامل موثر در موفقیت آن را شناسایی کردند. ابتدا مهمترین دلایل برون‌سپاری سیستم‌های اطلاعاتی مشخص گردید. برای آنکه مهمترین ریسک‌ها انتخاب و مورد توجه قرار گیرد، ریسک‌هایی که در راستای مهمترین دلایل قرار نگرفت، حذف گردید و برای ریسک‌های باقی‌مانده عواملی را که موجب موفقیت در مدیریت اینگونه ریسک‌ها می‌گردد، استخراج شد. در پایان ۱۶ عامل حیاتی موفقیت در ریسک به دست آمد.

در سال ۲۰۰۷ سوهایمی و همکاران علاوه بر بررسی انگیزه، به راهبرد پیاده‌سازی برون‌سپاری سیستم‌های اطلاعات در یک بانک مالزی پرداختند. یافته‌های پژوهش حاکی از این است که عوامل برانگیزاننده عبارتند از تمرکز بر شایستگی محوری، تبدیل فعالیت‌های غیر سودده به سودآور و کاهش هزینه. راهبرد برون‌سپاری شان، راه اندازی یک رابطه دو‌گانه بین بانک و ارائه‌دهندگان سرویس جهت کاهش ریسک می‌باشد. در این حالت بانک همواره با دو تامین‌کننده در ارتباط می‌باشد چرا که وجود دو تامین‌کننده را مطلوب‌ترین حالت می‌داند. چالشهای مرحله‌گذار، مدیریت ارائه‌دهندگان سرویس به عنوان شریک‌ها و هماهنگ کردن انتقال کارکنان و رعایت اخلاق و روحیه آنان هستند.

در سال ۲۰۱۲ کاو و همکاران یک مدل ترکیبی برای انتخاب تامین‌کننده برون‌سپاری فناوری اطلاعات بانک با استفاده از فرایند تحلیل شبکه‌ای^۱ و آنالیز شرایط خاکستری^۲ (اطلاعات کاملی در دست نیست) ارائه کردند.

این دست از مطالعات نشان می‌دهد که بانک‌ها پس از آنکه تصمیم به برون‌سپاری فرایندی دارند، آن را به چه نحوی پیاده‌سازی نمایند. در ابتدا می‌بایست مشخص شود که کدام شیوه برون‌سپاری مطلوب آن‌ها خواهد بود. گزینه‌هایی که در پژوهش‌ها معمولاً مطرح می‌شود استفاده از یک تامین‌کننده یا چند تامین‌کننده است.

1. analytic network process (ANP)
2. grey relational analysis (GRA)

کننده و یا استفاده از تامین کنندگان داخل کشور یا خارج کشور و ... می باشد. پس از تعیین شیوه برون سپاری، دیگر موارد چون ساز و کار های جزئی بین شرکت خریدار و تامین کننده، نحوه عقد قرارداد و ... مورد مذاکره قرار خواهد گرفت تا سازمان خریدار به منافع مورد انتظار خود دست یابد و ریسک های برون سپاری را هر چه بهتر مدیریت نماید.

۳-۲- پژوهش ها در خصوص ارزیابی برون سپاری

در این نوع از مطالعات، فعالیت مورد نظر برون سپاری شده و پژوهشگر به دنبال یافتن داده هایی از قبیل درصد برون سپاری فعالیت مورد نظر، تاثیر برون سپاری بر کارایی و اثر بخشی می باشد.

در سال ۱۳۸۹ محمودی میمند و همکاران به بررسی اثر استفاده از برون سپاری بر بهره وری صنعت بانکداری (شعب بانک اقتصاد نوین استان مازندران) پرداختند. اهم فعالیت های برون سپاری شده در سطح شعب: برون سپاری نیرو های خدماتی، برخی تبلیغات خاص، فناوری اطلاعات، تعمیر و نگهداری ادوات اداری و بانکی (پول شمار، دستگاه صف، پایانه فروش و ...)، بازاریابی مربوط به دستگاه های پایانه فروش، خدمات حمل و نقل، تامین امنیت شعب، کارشناسان و ارزیابان پروژه های اقتصادی، ساخت و ساز، تعمیرات، وکلای دعاوی مستقل، بازرسان و حسابرسان خارجی و قراردادی شناسایی شد. افزایش بهره وری به صورت کاهش هزینه ها، افزایش سرعت فرآیند ها، آزادسازی منابع درون سازمانی و تخصیص بهینه آنها، افزایش کیفیت خدمات و افزایش رضایت ذینفعان در نظر گرفته شد. مدل حاصل از این تحقیق بیانگر عدم وجود ارتباط معناداری بین برون سپاری انجام شده در این بانک و اجزای بهره وری می باشد. برون سپاری تنها باعث افزایش در مولفه کیفیت خدمات گردیده است و سایر مولفه های بهره وری را تحت تاثیر قرار نداده است.

در سال ۱۳۹۱ براتلو به بررسی اثربخشی برون سپاری در حوزه فناوری اطلاعات (مورد مطالعه: شرکت داده ورزی سدادوابسته به بانک ملی) پرداخت. عوامل هزینه، کیفیت خدمات و رضایت کارفرما به وسیله پرسشنامه محقق ساخته سنجیده شدند و جهت تحلیل اطلاعات گرد آوری شده از آزمون مقایسات زوجی استفاده شد. نتایج نشان داد برون سپاری در حوزه فناوری اطلاعات از نظر هزینه اثربخش بوده و شفافیت در هزینه و وجود نظام کنترل را در پی داشت. کیفیت خدمات و رضایت کارفرما نیز بعد از برون سپاری سیر صعودی طی کرده است و اگرچه که با سطح مورد نظر بانک دارای فاصله است ولی در مقایسه با قبل از برون سپاری اثر بخش بوده است.

در سال ۲۰۰۴ ادلیه و همکاران به بررسی ریسک برون سپاری سیستم اطلاعاتی در بانک های تجاری نیجریه پرداختند. نتایج حاصل از آن است که تنها ۴۳٪ بانک ها، راهبرد برون سپاری داشتند و دیگر بانک ها یا راهبرد روشنی نداشته اند یا در پی آن نبوده اند. نتایج تاثیرات برون سپاری به ترتیب بهبود رابطه با مشتری، افزایش کارایی، کاهش خطاها، بهره گیری بهتر از کارکنان، بهبود سیستم مدیریت اطلاعات و افزایش امنیت اطلاعات به دست آمده است. این تاثیرات به عنوان انگیزه های برون سپاری مطرح می شود. از بانک های مورد بررسی توسط یک بازه لیکرتی در مورد رعایت مدیریت ریسک پرسش شده است که مصاحبه با کارکنان و

جلسات با تمامی ذی نفعان از جمله مواردی است که رعایت آن در هنگام تصمیم برون‌سپاری، تضمینی برای موفقیت برون‌سپاری است.

در سال ۲۰۰۸ باراکو و گیتز به بررسی برون‌سپاری در ۴۰ بانک کنیا در قاره آفریقا پرداختند. نتایج نشان می‌دهد که خدمات مربوط به ماشین‌های خود پرداز ATM بیشترین سهم را در برون‌سپاری و خدمات مربوط به حساب‌های مشتری کمترین سهم را در برون‌سپاری داشته است. مزایای برجسته برون‌سپاری عبارتند از: آزادی منابع، کاهش هزینه، دسترسی به تامین‌کنندگان تخصصی، تمرکز بر شایستگی‌های محوری، انعطاف‌پذیری و خدمات بهبود یافته. ریسک‌های اعتباری، عملیاتی، قراردادی و استراتژیک ریسک‌های اصلی مرتبط با شیوه‌های برون‌سپاری می‌باشد. همچنین نتایج نشان می‌دهد که اندازه بانک‌ها (دارایی‌های بانک) به طور قابل توجهی با تصمیمات برون‌سپاری در ارتباط است. در حالی که عملکرد بانک (بازگشت سرمایه) و مجموع هزینه‌های عملیاتی با تصمیمات برون‌سپاری در ارتباط نیست.

در سال ۲۰۱۲ تایوا به بررسی مزایا و معایب برون‌سپاری در بانک‌های کشور قزاقستان پرداخت. در این پژوهش به سه رویکرد منبع محور، مزیت رقابتی و هزینه توجه شده است. نتایج از مصاحبه با مدیران سه بانک به دست آمده است. مزایای قابل توجه برون‌سپاری "تمرکز بر فعالیت‌های هسته‌ای، صرفه جویی در هزینه، دسترسی به تجربه، بهبود عملکرد و انعطاف‌پذیری" و معایب اصلی برون‌سپاری "از دست دادن کنترل مدیریتی در عملیات برون‌سپاری، تهدیدی برای امنیت و محرمانه بودن، مشکلات کیفیت، هزینه‌های پنهان و تخصیص مجدد تیم‌های موجود" می‌باشد.

بررسی پژوهش‌های ارزیابی پیاده‌سازی برون‌سپاری، نشان می‌دهد که منافع و ریسک‌های تجربه شده بانک‌ها از برون‌سپاری با منافع و ریسک‌های مورد انتظار آن‌ها اختلاف دارد و همیشه به صورت مطلوبی رضایت آن‌ها را جلب نکرده است. صرف نظر از علل پیدایش چنین اختلافی، می‌توان به این نتیجه رسید که پیاده‌سازی برون‌سپاری به یک مرحله ختم نمی‌شود و همواره آن‌را می‌بایست مورد ارزیابی قرار داد تا در صورت پیدایش اختلاف جدی بین مطلوبیت کسب شده و مطلوبیت مورد انتظار در نحوه پیاده‌سازی آن تجدید نظر گردد. به همین دلیل است که در پژوهش حاضر ابتدا میزان مطلوبیت کسب شده بانک از تجربه برون‌سپاری فرایند نظارت بررسی شده است و پس از درک عدم رضایت بانک از نتیجه مورد انتظار به تعیین شیوه مطلوب برون‌سپاری پرداخته شده است.

۳ روش تحقیق

در این پژوهش ابتدا مصاحبه‌های باز و عمیقی با خبرگان بانکی جهت آشنایی با فرایند نظارت بر تسهیلات مشارکتی و چالش‌های آن و همچنین شناسایی منافع (اهداف) و ریسک‌های برون‌سپاری فرایند مورد نظر انجام شد. در ادامه پرسشنامه اول جهت بررسی اولیه از میزان رضایت بانک از برون‌سپاری فرایند مورد نظر و چالش‌ها و ریسک‌های مواجه شده توسط متخصصین و خبرگان حوزه عقد مشارکت مدنی پاسخ داده شد. ارزیابی اولیه نشان می‌داد که شیوه فعلی برون‌سپاری جز در افزایش رضایت گیرنده تسهیلات و کاهش زمان اجرای فرایند، موفقیت کامل و مطلوبی را برای بانک به ارمغان نیاورده است. سپس در پرسشنامه دوم از

بالاترین مسئولین بانک مسکن در حوزه مربوطه در مورد شناسایی اهداف بانک مسکن از برون سپاری نظارت بر تسهیلات مشارکت مدنی پاسخ هایی اخذ گردید. برای تعیین اولویت اهداف بانک مسکن از برون سپاری نظارت از آزمون رتبه علامت دار و نرم افزار SPSS استفاده شد. در نهایت با استفاده از نتایج این دو پرسشنامه و مطالعه ادبیات پرسشنامه اصلی پژوهش که مربوط به انتخاب الگوی مطلوب برون سپاری نظارت بر تسهیلات مشارکت مدنی است تدوین گردیده و توسط خبرگان و متخصصین این حوزه پاسخ داده شد. سپس مطلوب ترین شیوه برون سپاری با استفاده از روش تحلیل سلسله مراتبی (AHP) استخراج شد.

۱-۳ جامعه و نمونه آماری

جامعه آماری پژوهش حاضر، خبرگان و متخصصان مرتبط با عقد مشارکت مدنی می باشند. نمونه آماری از بانک مسکن که تجربه برون سپاری فرایند نظارت را داشته است انتخاب گردید. نمونه جهت پاسخگویی به پرسش نامه اصلی پژوهش شامل خبرگانی از بخش های اعتبارات، ارزیابی، وصول مطالبات ساختمان مرکزی، مدیریت شعب و برخی شعبه های بانک می باشند.

جدول ۱. اطلاعات توصیفی پاسخ دهندگان به پرسشنامه در خصوص میزان مطلوبیت سازوکار

فعالی برون سپاری

سمت	محل فعالیت	تحصیلات	سابقه
رئیس دایره فنی و ارزیابی	مدیریت شعب	کارشناسی	۱۷
معاون دایره فنی و ارزیابی	مدیریت شعب	کارشناسی	۱۷
رئیس دایره فنی و ارزیابی (سابق)	مدیریت شعب	دیپلم	+۳۰
رئیس دایره اعتبارات	مدیریت شعب	کارشناسی ارشد	۱۶
معاون دایره اعتبارات	مدیریت شعب	فوق دیپلم	۱۸
معاون تسهیلات تکلیفی دایره اعتبارات	مدیریت شعب	کارشناسی ارشد	۱۲
متصدی امور اداری دایره اعتبارات	مدیریت شعب	کارشناسی ارشد	۱۴
متصدی امور اعتباری	مدیریت شعب	کارشناسی	۵
معاون دایره حقوقی و وصول مطالبات	مدیریت شعب	کارشناسی	۱۰
بازرس	مدیریت شعب	کارشناسی	۱۹
بازرس	مدیریت شعب	کارشناسی	۱۵
معاون مالی	شعبه	کارشناسی	۲۰
رئیس اعتبارات	شعبه	فوق دیپلم	۱۵

جدول ۲. اطلاعات توصیفی پاسخ دهندگان به پرسشنامه در خصوص اهداف برون سپاری

سمت	محل فعالیت	تحصیلات	سابقه
رئیس اداره کل اعتبارات و تامین مالی	ساختمان مرکزی	کارشناسی	۲۴
رئیس اداره کل امور مدیریت ها و شعب استان تهران	ساختمان مرکزی	کارشناسی	۱۹
رئیس اداره کل امور مدیریت های شعب استان ها	ساختمان مرکزی	کارشناسی	۲۹
رئیس اداره کل حسابداری و بودجه	ساختمان مرکزی	کارشناسی ارشد	۲۲
معاون اداره کل حسابداری و بودجه	ساختمان مرکزی	کارشناسی ارشد	۱۸
معاون اداره کل حسابداری و بودجه	ساختمان مرکزی	کارشناسی ارشد	۲۱
رئیس دایره نظارت و ارزیابی	ساختمان مرکزی	کارشناسی	۱۳

جدول ۳. اطلاعات توصیفی پاسخ دهندگان به پرسشنامه در خصوص تعیین شیوه مطلوب برون سپاری

سمت	محل فعالیت	تحصیلات	سابقه
رئیس اداره کل امور مدیریت ها و شعب استان تهران	ساختمان مرکزی	کارشناسی	۱۹
معاون اداره کل حسابداری و بودجه	ساختمان مرکزی	کارشناسی ارشد	۱۸
رئیس دایره نظارت و ارزیابی	ساختمان مرکزی	کارشناسی	۱۳
رئیس دایره نظارت بر طرح ها	ساختمان مرکزی	کارشناسی ارشد	۸
رئیس دایره فنی و ارزیابی	مدیریت شعب	کارشناسی	۱۷
رئیس دایره فنی و ارزیابی	مدیریت شعب	کارشناسی	۱۷
معاون دایره فنی و ارزیابی	مدیریت شعب	کارشناسی	۱۷
معاون دایره فنی و ارزیابی	مدیریت شعب	کارشناسی	۱۷
رئیس دایره فنی و ارزیابی (سابق)	مدیریت شعب	دیپلم	+۳۰
رئیس دایره اعتبارات	مدیریت شعب	کارشناسی ارشد	۱۳
معاون دایره اعتبارات	مدیریت شعب	فوق دیپلم	۱۱
معاون دایره اعتبارات	مدیریت شعب	کارشناسی	۱۰
معاون تسهیلات تکلیفی دایره اعتبارات	مدیریت شعب	کارشناسی ارشد	۱۲
معاون تسهیلات تکلیفی دایره اعتبارات	مدیریت شعب	کارشناسی ارشد	۱۶
متصدی امور اداری دایره اعتبارات	مدیریت شعب	کارشناسی ارشد	۱۴
متصدی امور اعتباری	مدیریت شعب	کارشناسی	۵
رئیس دایره حقوقی و وصول مطالبات	مدیریت شعب	کارشناسی ارشد	۱۱
معاون دایره حقوقی و وصول مطالبات	مدیریت شعب	کارشناسی	۱۰
بازرس	مدیریت شعب	کارشناسی	۱۹
بازرس	مدیریت شعب	کارشناسی	۱۵
معاون خدمات بانکی	مدیریت شعب	کارشناسی ارشد	۱۲
رئیس	شعبه	کارشناسی	۱۶
معاون مالی	شعبه	کارشناسی	۲۰
معاون اعتباری	شعبه	کارشناسی	۲۳

۳-۲- استخراج منافع (اهداف) و ریسک های برون سپاری فرایند نظارت

با توجه به اینکه پژوهشی وجود ندارد که به طور خاص برون سپاری فرایند نظارت بر تسهیلات مشارکت مدنی را مورد ارزیابی قرار دهد، طی جلساتی با خبرگان مزایا و ریسک های متناسب با فرایند نظارت بر تسهیلات مشارکت مدنی حاصل گردید. در برخی موارد بعضی از واژگان ها متناسب با فرایند نظارت تغییر یافت و در برخی موارد دیگر منفعت خاصی متناسب با فرایند نظارت اضافه گردید که در جدول ذیل آمده است.

جدول ۴. اهداف و ریسک های برون سپاری نظارت بر تسهیلات مشارکت مدنی

مؤلفه	معیار (شاخص)	منابع
اهداف (منافع) برون سپاری	کاهش هزینه ها	Klepper & Jones (2004) Suhaimi et al. (2007) Barako & Gatere (2008) Gewald & Dibbern (2009) Kumar Jain & Natarajan (2011) Tayauova (2012) چشم به راه و مرتضوی (۱۳۸۶) رهنورد و سیف الهی (۱۳۹۰) کمیته نظارت بر بانکداری بال (۲۰۰۵)
	بهبود کارایی عملیاتی	Adeleye et al. (2004) Barako & Gatere (2008) Gewald & Dibbern (2009) Kumar Jain & Natarajan (2011) Tayauova (2012) چشم به راه و مرتضوی (۱۳۸۶) رهنورد و سیف الهی (۱۳۹۰) کمیته نظارت بر بانکداری بال (۲۰۰۵)
	تمرکز بانک بر روی بهبود فعالیت ها و خدمات دیگر	Klepper & Jones (2004) Suhaimi et al. (2007) Barako & Gatere (2008) Gewald & Dibbern (2009) Kumar Jain & Natarajan (2011) Tayauova (2012) چشم به راه و مرتضوی (۱۳۸۶) رهنورد و سیف الهی (۱۳۹۰) کمیته نظارت بر بانکداری بال (۲۰۰۵)
	کاهش اشتباهات محاسباتی	Adeleye et al. (2004) Gewald (2010)
	کسب و ارتقا دانش کارشناسان بانک از طریق مراوده با شرکت های ارائه دهنده خدمات نظارت	Barako & Gatere (2008) Gewald & Dibbern (2009) Kumar Jain & Natarajan (2011) Tayauova (2012) چشم به راه و مرتضوی (۱۳۸۶) رهنورد و سیف الهی (۱۳۹۰) کمیته نظارت بر بانکداری بال (۲۰۰۵)
	روشن تر شدن استاندارد های فرایند نظارت	Klepper & Jones (2004) چشم به راه و مرتضوی (۱۳۸۶) رهنورد و سیف الهی (۱۳۹۰)
	آزاد سازی وقت ناظرین و استفاده آنان در موارد و مکان های دیگر	Klepper & Jones (2004) Kumar Jain & Natarajan (2011) رهنورد و سیف الهی (۱۳۹۰)
	کاهش ریسک عملیاتی از قبیل اعلام نادیده گرفتن بعضی اقلام طرح ها	رهنورد و سیف الهی (۱۳۹۰)
	افزایش رضایت مندی گیرنده تسهیلات	Adeleye et al. (2004) Kumar Jain & Natarajan (2011)
	اهداف (منافع) برون سپاری نظارت بر تسهیلات مشارکت مدنی به طور خاص	تکمیل به موقع طرح ها
بازگشت به موقع منابع بانک		نظر خبرگان
دیگر منافع		طبق نظر خبرگان به صورت باز ذکر گردد.
ریسک های برون سپاری	از دست رفتن امنیت اطلاعات مشتری و بانک	Tjader et al. (2010) Kumar Jain & Natarajan (2011)
	از دست رفتن کنترل بانک بر روی فرایند نظارت	Kumar Jain & Natarajan (2011) رهنورد و سیف الهی (۱۳۹۰)
	نقض قانون و تعهدات قانونی توسط بانک	Kumar Jain & Natarajan (2011)
	وابستگی شدید بانک به شرکت ارائه دهنده خدمات نظارتی	Kumar Jain & Natarajan (2011) کمیته نظارت بر بانکداری بال (۲۰۰۵)
	افزایش پیچیدگی های مدیریتی	Kumar Jain & Natarajan (2011)
دیگر ریسک ها و چالش ها	طبق نظر خبرگان به صورت باز ذکر گردد.	

۳-۳- تعیین معیار های انتخاب شیوه مطلوب برون سپاری با استفاده از آزمون رتبه علامت دار در این آزمون، تفاضل گزینه ها از مقدار در نظر گرفته شده و بر حسب قدر مطلق مقادیرشان مرتب می شوند. اگر قدر مطلق دو یا چند تفاضل یکسان باشد، به هریک از آن ها میانگین رتبه هایی را که توامان اشغال می کنند، تخصیص می دهیم. برای تشکیل آماره آزمون، T^+ رتبه های مربوط به مشاهدات مثبت را با هم جمع می کنیم. (آذر و مومنی ۱۳۹۰) برای این آزمون دو فرضیه آماری به شرح ذیل تعریف شد:

H_0 : هدف مربوطه جز اهداف اصلی بانک از برون سپاری نظارت به شمار نمی آید.

H_1 : هدف مربوطه جز اهداف اصلی بانک از برون سپاری نظارت به شمار می آید.

برای این آزمون سطح اطمینان ۰,۰۵ و عدد برش ۲,۵ در نظر گرفته شد و بر این اساس هر یک از سوالات مورد آزمون قرار گرفتند. بر این اساس اگر مقدار بحرانی که نرم افزار آن را محاسبه می نماید، بیشتر از ۰,۰۵ به دست آید، دلیلی بر رد H_0 نیست و هدف مربوطه جز اهداف اصلی بانک از برون سپاری نظارت به شمار نمی آید و در صورتی که مقدار بحرانی خروجی نرم افزار کمتر از ۰,۰۵ باشد، H_0 رد شده و هدف مربوطه جز اهداف اصلی بانک از برون سپاری نظارت بر تسهیلات مشارکت مدنی خواهد بود و در واقع منفعتی است که بانک هرچه بیشتر به دنبال تحقق آن می باشد.

جدول ۵. خروجی نرم افزار SPSS برای آزمون رتبه علامت دار پرسشنامه اهداف بانک از برون سپاری نظارت

اهداف	مقدار بحرانی	نتیجه آزمون
کاهش هزینه ها	۰,۳۷	رد فرضیه صفر
بهبود کارایی عملیاتی	۰,۱۵	رد فرضیه صفر
تمرکز بانک بر روی بهبود فعالیت ها و خدمات دیگر	۰,۰۵۸	پذیرش فرضیه صفر
تکمیل به موقع طرح ها	۱,۰۰۰	پذیرش فرضیه صفر
کاهش اشتباهات محاسباتی	۰,۲۵۷	پذیرش فرضیه صفر
کسب و ارتقا دانش کارشناسان بانک از طریق مراوده با شرکت های ارائه دهنده خدمات نظارت	۰,۶۰۳	پذیرش فرضیه صفر
روشن تر شدن استاندارد های فرایند نظارت	۰,۷۹۲	پذیرش فرضیه صفر
آزاد سازی وقت ناظرین و استفاده آنان در موارد و مکان های دیگر	۰,۳۳	رد فرضیه صفر
کاهش ریسک عملیاتی از قبیل اعلام نادیده گرفتن بعضی اقلام طرح ها	۰,۰۵۹	پذیرش فرضیه صفر
افزایش رضایت مندی گیرنده تسهیلات	۰,۰۴۶	رد فرضیه صفر
تکمیل به موقع طرح ها	۰,۲۰۶	پذیرش فرضیه صفر

اهدافی چون کاهش هزینه ها و بهبود کارایی عملیاتی از جمله اهدافی است که طبق مطالعات از جمله اهداف اکثر قریب به اتفاق سازمان ها می باشد که فرایندی را برون سپاری می کنند. همانطور که در خروجی نرم افزار مشاهده می شود این دو هدف از جمله اهداف مهم بانک به حساب می آیند. هدف آزاد سازی وقت ناظرین که با هدف تمرکز بانک بر دیگر وظایف خود ارتباط تنگاتنگی دارد نیز از جمله اهداف بانک شناسایی شده است. در نهایت رضایت گیرنده تسهیلات که برای موسسات خدماتی لازم و حیاتی است جهت تاکید

بیشتر جز اهداف بانک محسوب گشته است. این اهداف اولیه مشخصا جز حداقل منافی است که بانک می بایست از برون سپاری فرایند نظارت به دست آورد تا بعد از آن با استفاده از همین منافع و منافع دیگر و با تعیین ساز و کار های جزئی تر بر بهبود اجرای تسهیلات مشارکت مدنی متمرکز شود.

برای تکمیل نگاهی جامع به انتخاب الگوی مطلوب برون سپاری، طبق آزمون رتبه علامت دار که پیش از این توضیح داده شد، ریسک هایی که برای بانک جز ریسک های برون سپاری نظارت محقق شده بود نیز جز معیار های انتخاب الگوی مطلوب قرار گرفت. در این صورت شیوه مطلوب برون سپاری بر این اساس به دست خواهد آمد که بانک هر چه بیشتر به منافع مورد انتظار خود دست یابد و ریسک های مواجه شده را هر چه بهتر مدیریت نماید.

جدول ۶. خروجی نرم افزار SPSS برای آزمون رتبه علامت دار پرسشنامه ریسک های کسب شده از برون سپاری نظارت

نتیجه آزمون	مقدار بحرانی	ریسک ها
پذیرش فرضیه صفر	۰,۲۳۳	از دست رفتن امنیت اطلاعات مشتری و بانک
رد فرضیه صفر	۰,۰۰۲	از دست رفتن کنترل بانک بر روی فرایند نظارت
پذیرش فرضیه صفر	۰,۸۸۶	نقض قانون و تعهدات قانونی توسط بانک
رد فرضیه صفر	۰,۰۱۰	وابستگی شدید بانک به شرکت ارائه دهنده خدمات نظارتی
پذیرش فرضیه صفر	۰,۱۲۲	افزایش پیچیدگی های مدیریتی

همانطور که در جدول فوق مشخص است، از ۵ ریسک مورد سنجش ریسک از دست رفتن کنترل بانک بر روی فرایند نظارت و ریسک وابستگی بانک به شرکت تامین کننده از مهمترین ریسک هایی است که بانک با آن مواجه شده است و باید به سمت الگو هایی پیش رود که کمتر دچار اینگونه ریسک ها گردد. با توجه به اینکه قانونی بودن برون سپاری فرایند نظارت به شرکت مشاوره در سال ۱۳۸۱ تصویب شده است، ریسک نقض قوانین بانک را تهدید نمی کند و نتایج نیز گویای این حقیقت می باشد.

۴-۳- روایی و پایایی پرسشنامه

نظر کارشناسان و خبرگان می تواند کمک خوبی برای بهبود روایی^۱ ابزار اندازه گیری باشد. موضوع روایی از آن جهت اهمیت دارد که اندازه گیری های نامتناسب می تواند هر پژوهش علمی را بی ارزش سازد. از همین رو پرسشنامه گام اول با جلساتی با خبرگان و بر اساس پژوهشی با پرسشنامه ای که روایی آن مورد تایید قرار گرفته است انجام گردید. طبق نظر خبرگان برخی از کلمات و عبارات متناسب با فرایند نظارت تغییر یافت و مواردی به آن اضافه گردید.

پایایی ابزار که از آن به اعتبار، دقت و اعتماد پذیری نیز تعبیر می شود، عبارت است از اینکه اگر یک وسیله اندازه گیری که برای سنجش متغیر و صفتی ساخته می شود در شرایط مشابه و در زمان و مکان دیگر مورد

۱. مقصود از روایی این است که آیا ابزار اندازه گیری موردنظر می تواند ویژگی و خصوصیتی که ابزار برای آن طراحی شده است را اندازه گیری کند یا خیر؟

استفاده قرار گیرد، نتایج مشابهی از آن حاصل شود. به عبارت دیگر ابزار پایا یا معتبر ابزاری است که از خاصیت تکرار پذیری و سنجش نتایج یکسان برخوردار باشد (حافظ نیا ۱۳۹۱). برای محاسبه ضریب پایایی ابزار اندازه‌گیری، شیوه‌های مختلفی به کار برده می‌شود. از جمله روش آلفای کرونباخ که طبق این روش باید ضریب پایایی به دست آمده از ۰,۷۰ بیشتر باشد تا پایایی مورد تایید قرار بگیرد. نرم افزار SPSS یکی از نرم افزارهای متداول برای تعیین پایایی با استفاده از روش آلفای کرونباخ می‌باشد. پایایی پرسشنامه شناسایی وضعیت مطلوبیت برون سپاری با استفاده از نرم افزار SPSS عدد ۰,۷۷۰ و پایایی پرسشنامه شناسایی اهداف برون سپاری با استفاده از نرم افزار SPSS عدد ۰,۸۴۳ به دست آمد که نشان از پایایی پاسخ‌ها دارد. با تایید روایی و پایایی پرسشنامه‌ها، معیارهای انتخاب شیوه مطلوب برون سپاری نظارت بر تسهیلات مشارکت مدنی مشخص گردید. در ادامه می‌بایست گزینه‌های دیگری علاوه بر گزینه فعلی مشخص شود تا بتوان طبق معیارهای به دست آمده، شیوه مطلوب را مشخص کرد. در زیر بخش بعدی به نحوه انتخاب گزینه‌ها پرداخته می‌شود.

۳-۵ شناسایی گزینه‌ها در خصوص شیوه‌های برون سپاری

برای تعیین گزینه‌های روش AHP مورد استفاده در این پژوهش، می‌بایست گزینه‌هایی که می‌تواند مطلوب تر از وضعیت الگوی فعلی برون سپاری فرایند نظارت باشد، شناسایی گردد تا با توجه به معیارهای به دست آمده، مطلوب‌ترین آن‌ها طبق نظر خبرگان به دست آید. برای دستیابی به این گزینه‌ها می‌توان به سه منبع رجوع کرد. منبع اول ادبیات موضوع در حوزه انواع برون سپاری است و منبع دوم مراجعه به پیشنهادات پژوهش‌های پیشین برای رفع چالش‌های عقد مشارکت مدنی است. منبع سوم گزینه‌های پیشنهادی خبرگان در حوزه مرتبط با عقد مشارکت جهت بهبود چالش‌های وضع فعلی بانک می‌باشد.

به صورت کلی سازمان می‌تواند از بین سه حالت برون سپاری، درون سپاری و برون سپاری به شرکت وابسته فرایند مورد نظر خود را انجام دهد.

- برون سپاری: برون سپاری می‌تواند به یک تامین‌کننده یا چند تامین‌کننده واگذار گردد. مزیت برون سپاری با تامین‌کننده یگانه سهولت مدیریت برون سپاری و تعهد بیشتر تامین‌کننده می‌باشد و ریسک آن فرصت طلبی تامین‌کننده و تعطیلی ناگهانی تامین‌کننده می‌باشد. مزیت برون سپاری با چند تامین‌کننده رقابت بین تامین‌کنندگان در ارائه قیمت، کیفیت و خدمات بهتر، اجتناب از ریسک تامین‌کننده‌ای که قوی شده است و عدم توقف تامین خدمات در صورت بروز رویدادهای پیش‌بینی نشده می‌باشد و ریسک آن از دست رفتن تخفیفات ناشی از حجم بالای تقاضا، نگاه خصمانه تامین‌کننده به سازمان خریدار و عدم وجود مبنایی برای همکاری استراتژیک می‌باشد. برون سپاری می‌تواند به تامین‌کنندگانی از خارج کشور نیز واگذار گردد. صرف نظر از مزیت‌ها و ریسک‌های این حالت، این گزینه هیچ‌گاه در بانک‌های کشور مشاهده نشده است. برون سپاری می‌تواند به صورت کلی یا گزینشی نیز انجام شود. برخی سازمان‌ها برای کاهش ریسک‌های برون سپاری تمامی فرایندهای مورد نظر خود را به شرکت تامین‌کننده واگذار نمی‌نمایند تا از وابستگی خود به شرکت تامین‌کننده بکاهند. همچنین در صورتی که در بازار تامین‌کنندگان هیچ تامین‌کننده‌ای

مورد رضایت سازمان خریدار نباشد، خود سازمان به توسعه این بازار با وارد کردن یک شرکت توانمند در حوزه مورد نظر اقدام می نماید. این راهبرد در بانک ها بیش از سایر سازمان ها به چشم می آید.

• درون سپاری: زمانی که سازمانی با موازنه مزایا و ریسک های برون سپاری و شرایط موجود به این نتیجه برسد که انجام فرایند در خود سازمان مطلوبیت بیشتری دارد، از راهبرد درون سپاری یا برون سپاری صفر استفاده می کند. مزیت این راهبرد اطمینان از تحقق کیفیت مورد نظر، جلوگیری از افشای اطلاعات، در دست گیری کنترل و معایب آن کاهش کارایی عملیاتی و رقابت پذیری، عدم انعطاف پذیری، عدم بهره گیری از ظرفیت های بیرون از سازمانی می باشد. همچنین زمانی که سازمانی بعد از برون سپاری فرایندی تصمیم به درون سپاری فرایند می کند، اصطلاحا راهبرد عقب گرد را پیش گرفته است.

• برون سپاری به شرکت وابسته (برون سپاری مشارکتی): برون سپاری به شرکت وابسته راهبردی بین دو روش فوق می باشد. سازمان به شرکتی فرایند مورد نظر خود را واگذار می نماید که متعلق به خود می باشد و در عین حال اداره آن مستقل از شرکت اصلی می باشد. مزیت این روش همسو سازی اهداف سازمان خریدار و تامین کننده، تسهیم ریسک و حرکت به سوی ساختار های سازمانی نوین (شبکه ای) و ریسک های آن عدم انعطاف پذیری سازمان خریدار در تغییر تامین کننده و احتمال پیدایش تعارض می باشد.

در منبع دوم به دنبال تعیین الگو هایی از برون سپاری هستیم که به طور غیر مستقیم در پژوهش های رفع چالش های عقد مشارکت مدنی به آن ها اشاره شده است و می تواند چالش های فرایند نظارت بر تسهیلات مشارکت مدنی را نیز تحت تاثیر خود بگذارد که در جدول زیر به آن اشاره شده است.

جدول ۷. شیوه های برون سپاری منتج از پژوهش های چالش ها و راهکار های عقد مشارکت مدنی

منبع	ساز و کار های جزئی اشاره شده	الگوی برون سپاری اشاره شده (غیر مستقیم)	راهکار پیشنهادی
احمدی حاجی آبادی و بهاروندی (۱۳۸۹)		برون سپاری به شرکت وابسته برون سپاری به بازار تامین کنندگان	تشکیل صندوق های سرمایه گذاری وابسته به بانک ها و یا تشکیل صندوق های سرمایه گذاری مستقل از بانک ها
نظر پور و کشاورزبان (۱۳۹۲)	اخذ یارانه مردم با هدف سرمایه گذاری در قالب مشارکت حقوقی	برون سپاری به شرکت وابسته	تاسیس یک شرکت سرمایه گذاری توسط موسسه اعتباری
نظر پور و لطفی نیا (۱۳۹۴)	شریک کردن صندوق ها در فعالیت های بانک در اعطای تسهیلات	برون سپاری به بازار تامین کنندگان برون سپاری به شرکت وابسته	کمک صندوق های پروژه محور طی سر مرحله بررسی تقاضا، نظارت و اجرا و حسابرسی و تسویه به بانک ها در اجرای صحیح تسهیلات مشارکتی

در نهایت به الگو هایی از برون سپاری اشاره شده در مصاحبه با خبرگان ذکر می گردد. تمامی ارزیاب هایی که در مدیریت شعب بانک مشغول به فعالیت بودند، برون سپاری فرایند نظارت را به نفع بانک نمی دانستند و خواهان بازگشت آن به بانک و انجام فرایند به روش گذشته بودند. همچنین در رابطه با سوالی که از مدیران ارشد بانک در خصوص میزان ضرورت برون سپاری فرایند نظارت پرسیده شد، میانگین پاسخ ها ضرورت بالایی را نشان نمی داد. برون سپاری صفر و یا روش گذشته بانک انعکاس نظرات این طیف از خبرگان می باشد. در مصاحبه با یکی از

روسای شعب، ایده تاسیس شرکت نظارتی زیر نظر بانک مطرح گردید. بدین صورت که این شرکت جزئی از بانک باشد و در عین حال اداره آن مستقل باشد. این ایده همچنین مورد تایید رئیس دایره ارزیابی و رئیس دایره بررسی طرح ها نیز قرار گرفت. گزینه برون سپاری به شرکت وابسته منعکس کننده این الگو می باشد. در این شیوه برون سپاری، بانک کنترل بیشتری بر روی شرکت تامین کننده دارد و در عین حال مدیریت آن مستقل از بانک می باشد. این گزینه به نوعی حالتی ما بین درون سپاری و برون سپاری در نظر گرفته می شود. همچنین در مصاحبه با خبره دیگری، ایشان ایده برون سپاری کامل را مطرح ساختند. بدین منظور که بررسی فنی طرح ها می بایست به شرکتی که نظارت بر مصرف را انجام می دهد واگذار گردد تا به این صورت آن شرکت پاسخگوی هر گونه انحراف در تسهیلات و یا معوق شدن تسهیلات باشد. برای تحقق این ایده، گزینه برون سپاری به شرکت وابسته، به دلیل تعامل زیاد بانک با شرکت و اعتماد بیشتر بانک، می تواند تحقق یابد. در مصاحبه با یکی از مدیران شعبه های استان تهران، ایشان دو پارامتر افزایش سرعت فرایند و کاهش هزینه ها را به عنوان دو پارامتر مهم برای بانک جهت انتخاب الگوی برون سپاری برشمردند. بانک با انتخاب گزینه برون سپاری با چند تامین کننده به علت رقابت بین تامین کنندگان در ارائه خدمت به سازمان خریدار، می تواند به این مهم دست یابد. همچنین به علت آنکه وجود تامین کنندگان بیشتر، میزان ریسک از دست دادن کنترل بانک بر روی فرایند نظارت را افزایش می دهد و این ریسک یکی از ریسک های شناسایی شده در برون سپاری فرایند نظارت توسط خبرگان می باشد، تعداد بیش از دو تامین کننده نمی تواند در نظر گرفته شود. همچنین در پژوهشی که سوهامی و همکاران (۲۰۰۷) انجام داده بودند، به حالت مطلوب قرارداد بین بانک و دو تامین کننده اشاره کرده بودند.

با توجه به ادبیات انواع برون سپاری، راهکار های پیشنهادی جهت رفع چالش های عقود مشارکتی و نظر خبرگان، ۴ شیوه برون سپاری به شرح ذیل استخراج می گردد.

جدول ۸. انواع شیوه های برون سپاری برای گزینه های پرسش نامه نهایی از خبرگان

توضیح	شیوه برون سپاری
بانک طبق روال گذشته، با جذب نیروی لازم فرایند نظارت بر تسهیلات مشارکت مدنی را انجام دهد و این فرایند را برون سپاری نکند.	برون سپاری صفر یا درون سپاری (روش پیشین)
بانک مانند روش فعلی فقط از یک تامین کننده جهت انجام فرایند نظارت بر تسهیلات مشارکت مدنی بهره ببرد.	برون سپاری با تامین کننده یگانه (روش فعلی)
بانک همواره از ۲ تامین کننده جهت انجام فرایند نظارت بر تسهیلات مشارکت مدنی بهره ببرد. با توجه به رضایت از هر یک از شرکت ها، پروژ های بیشتری را به شرکت مطلوب تر واگذار نماید و در صورت عدم رضایت از یک شرکت به طور جدی آن را با شرکت دیگری از بازار تامین کنندگان جایگزین نماید.	برون سپاری با تامین کنندگان چندگانه (روش پیشنهادی)
با توجه به اینکه تخصص فرایند نظارت بر تسهیلات مشارکت مدنی در احداث ساختمان و مسکن در دست خود بانک می باشد، می تواند با تاسیس شرکتی فرایند نظارت (و همینطور بررسی فنی طرح ها) را به این شرکت بسپارد. این شرکت وابسته به بانک در اداره خود از استقلال کافی برخوردار می باشد.	برون سپاری به شرکت وابسته یا برون سپاری شراکتی (روش پیشنهادی)

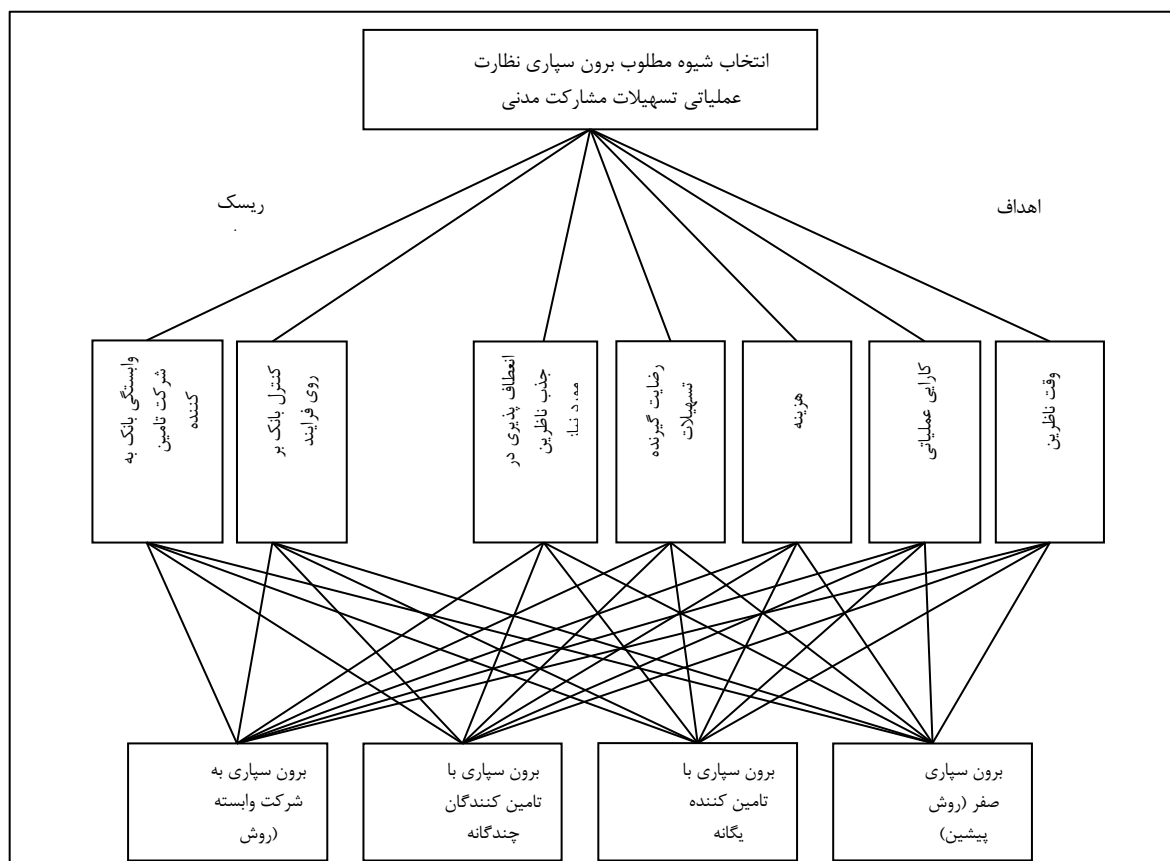
با مشخص شدن معیار های انتخاب شیوه مطلوب برون سپاری نظارت بر تسهیلات مشارکت مدنی و تعیین گزینه ها، می توان مدل نهایی پژوهش بر اساس روش AHP را تنظیم نمود.

۳-۶- تعیین شیوه مطلوب برون سپاری

یکی از بهترین روش هایی که برای اولویت بندی مطلوبیت چند گزینه با توجه به یک سری معیار وجود دارد، روش تصمیم گیری چند شاخصه (MADM)^۱ می باشد که خود شامل مدل های مختلفی است. با توجه به مطالعات گذشته مدل AHP^۲ برای انتخاب مطلوب ترین شیوه برگزیده شده است. این روش هنگامی که عمل تصمیم گیری با چند گزینه و شاخص تصمیم گیری روبرو است، می تواند مفید باشد. (اصغر پور ۱۳۸۸) در این روش ابتدا معیار ها بر اساس اهمیت رتبه بندی می شوند و سپس گزینه ها بر اساس ارجحیت رتبه بندی می شوند.

۱-۶-۳- ساخت مدل سلسله مراتبی AHP

در این مرحله مسئله تعریف می شود و هدف از تصمیم گیری به صورت سلسله مراتبی از عوامل و عناصر تشکیل دهنده تصمیم ترسیم می شود. بدین منظور از درخت تصمیم استفاده می شود که از سه سطح تشکیل شده است: سطح اول شامل هدف کلی تصمیم گیری است. در سطح دوم معیار های تصمیم گیری قرار دادند و در آخرین سطح نیز گزینه های تصمیم می آیند.



شکل ۱. مدل سلسله مراتبی پژوهش

با تکمیل مدل سلسله مراتبی پژوهش دو به دو بین معیارها و گزینه‌ها مقایسه‌هایی صورت می‌پذیرد که در ادامه این مقایسات زوجی تشریح می‌شود.

۲-۶-۳- مقایسه‌های زوجی در روش AHP

در این مرحله خبرگان ابتدا تمامی معیارها را دو به دو بایکدیگر مقایسه می‌کنند و متناسب با اهمیت هر معیار بر معیار دیگر طبق جدول راهنمای ذیل امتیازی را نسبت می‌دهند.

جدول ۹. جدول راهنمای پرسشنامه AHP

کاملاً مهم (مرجح)	بینابین	خیلی مهم (مرجح)	بینابین	مهم (مرجح)	بینابین	نسبتاً مهم (مرجح)	بینابین	اهمیت (ترجیح) یکسان
۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱

در مرحله بعد خبرگان گزینه ها را با توجه به در نظر گرفتن یک معیار با یکدیگر مقایسه کرده و طبق جدول فوق به هر گزینه ای که ارجحیت بیشتری بر دیگر گزینه دارد امتیازی را نسبت می دهد.

۳-۶-۳- تحلیل نتایج روش AHP

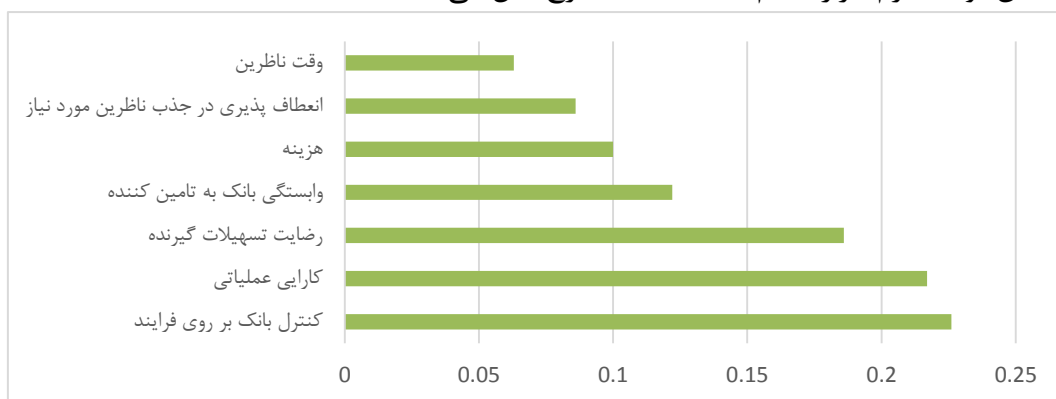
تحلیل نظرات خبرگان با استفاده از نرم افزار Expert Choice صورت می گیرد. برای جمع بندی نظرات خبرگان از میانگین هندسی نظرات استفاده می شود. در نهایت، رتبه بندی گزینه ها از مجموع حاصلضرب اهمیت معیار ها در وزن گزینه ها به دست می آید. در هر مرحله از جمع بندی نظرات نرخ ناسازگاری پاسخها توسط نرم افزار محاسبه شده که این نرخ جهت تایید پاسخ ها می بایست کمتر از ۰,۱ به دست آید.

۴- نتایج تحقیق

با توجه به نتایج گام اول، پرسش نامه نهایی پژوهش بر اساس مدل AHP طراحی گردید. برای این مدل هفت معیار برای تعیین مطلوبیت گزینه ها و چهار گزینه تعیین شد. این روش دارای دو مرحله می باشد. در مرحله اول طبق نظر خبرگان اهمیت معیار ها نسبت به یکدیگر مشخص می شود و در مرحله دوم ارجحیت گزینهها نسبت به معیار ها مشخص می شود. در ادامه نتایج هر مرحله آمده است.

۴-۱- مقایسه زوجی معیار ها

در مرحله اول از پرسش نامه نهایی، از خبرگان خواسته شد اهمیت هریک از معیار ها را نسبت به یکدیگر مشخص کنند. با توجه به اینکه ۷ معیار وجود داشت، طبق فرمول^۱ ۲۱ مقایسه زوجی بین معیار ها می بایست توسط هر یک از خبرگان انجام می گرفت. نظر خبرگان وارد نرم افزار EC شده و رتبه بندی معیار ها که محاسبات آن توسط نرم افزار انجام شده است به شرح ذیل می باشد.



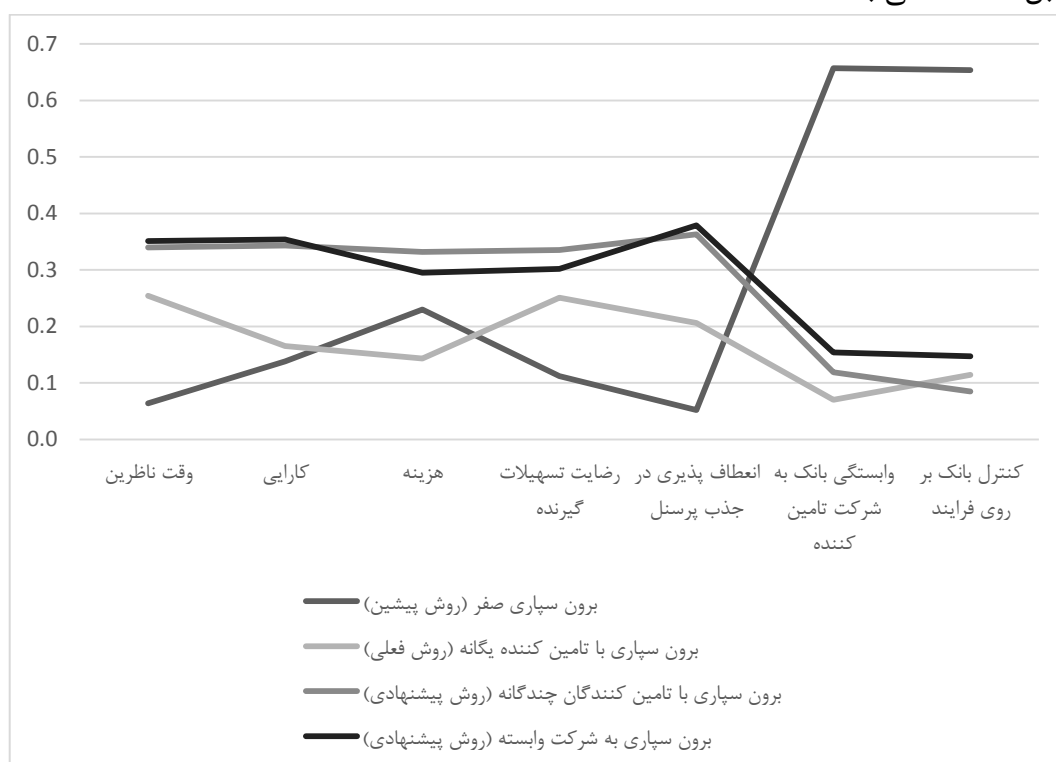
نمودار ۱. خروجی نرم افزار EC برای رتبه بندی معیار ها از جهت اهمیت

1. $(n*(n-1))/2$

همانطور که در نمودار فوق مشخص شده است، کارایی فرایند نظارت از جمله مهمترین معیار های با اهمیت بانک در خصوص تصمیم گیری می باشد که با توجه به مطالعات پیشین این حقیقت را مشخص می سازد که سازمان ها بر خلاف گذشته بیشتر بر کارایی تاکید دارند تا کاهش هزینه. رضایت گیرنده تسهیلات نیز با توجه به ماهیت بانک که سازمان خدماتی است و حیات آن وابستگی شدیدی به رضایت مشتریانش دارد، از مهمترین معیار هایی شناسایی شده است که بانک باید بر روی آن تمرکز نماید. با توجه به اینکه بانک تخصص کافی در زمینه نظارت بر تسهیلات مشارکت مدنی احداث مسکن و ساختمان را دارد، ریسک وابستگی از اهمیت کمتری نسبت به ریسک کنترل بانک بر روی فرایند شناسایی گردیده است. با توجه به اینکه ناسازگاری^۱ پاسخ ها کمتر از ۰,۱ می باشد، پاسخ های فوق مورد قبول می باشد.

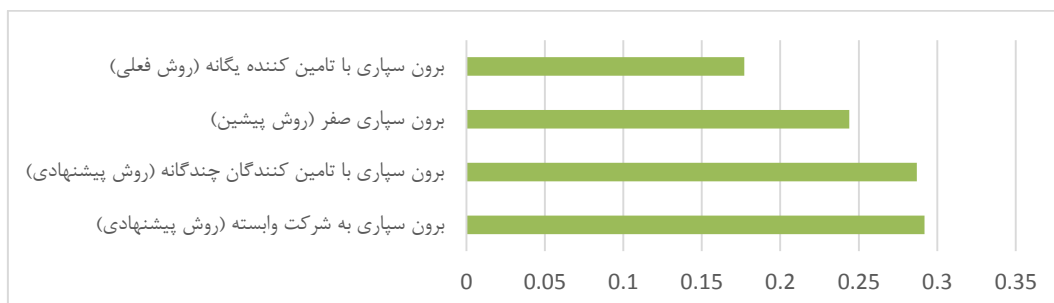
۴-۲- مقایسه زوجی گزینه ها بر اساس معیار ها

در مرحله دوم از پرسشنامه نهایی خبرگان به ارزیابی گزینه ها در مقایسه با یکدیگر با توجه به در نظر گرفتن یک تک معیار پرداختند. از آن جا که چهار گزینه می بایست مورد مقایسه قرار می گرفت، برای هر معیار ۶ مقایسه باید انجام می گرفت و با توجه به اینکه ۷ معیار وجود داشت، در کل تعداد ۴۲ مقایسه در این مرحله توسط هر خبره انجام گرفته است. به طور خلاصه و برای تمامی معیار ها ارجحیت گزینه ها در نمودار ذیل قابل مشاهده می باشد.



نمودار ۲. رتبه بندی گزینه ها برای هر معیار

در نهایت با توجه به اهمیت هر یک از معیارها که در گام اول محاسبه شده است و ترجیح گزینه‌ها نسبت به هر معیار، اولویت مطلوبیت الگوهای برون سپاری به شرح ذیل می‌باشد.



نمودار ۳. رتبه‌بندی گزینه‌های برون سپاری با توجه به در نظر گرفتن تمامی معیارها

همانطور که در جدول فوق مشاهده می‌شود گزینه درون سپاری با یک تامین کننده که وضعیت فعلی برون سپاری را نشان می‌دهد از کمترین ارجحیت برخوردار است و همسو با نتایج گام اول می‌باشد که بانک از این شیوه به حداکثر منفعت خود از برون سپاری دست نیافته است. گزینه‌های برون سپاری با تامین کنندگان چندگانه و برون سپاری مشارکتی به عنوان گزینه‌های مطلوب تر برون سپاری نسبت به وضعیت فعلی برون سپاری انتخاب شده‌اند. با توجه به اینکه نرخ ناسازگاری $0,03$ به دست آمده است صحت نتایج تایید می‌گردد.

۴-۳- مقایسه نظر خبرگان در بخش‌های مختلف

خبرگانی که نظراتشان در خصوص تعیین شیوه مطلوب برون سپاری نظارت بر تسهیلات مشارکت مدنی اخذ شده بود به ۴ دسته تقسیم بندی شده‌اند تا مقایسه‌ای بین نظر خبرگان در بخش‌های مختلف به دست آید.

جدول ۱۰. رتبه بندی گزینه‌ها بر اساس نظر خبرگان در بخش‌های مختلف

میانگین رتبه	رتبه‌های گزینه‌ها بر اساس نظر خبرگان				گزینه‌ها
	دیگر بخش‌ها	بخش شعب	بخش اعتباری	بخش ارزیابی	
۲,۷۵	۴	۳	۳	۱	درون سپاری
۳,۷۵	۳	۴	۴	۴	برون سپاری با تامین کننده یگانه
۱,۷۵	۱	۲	۱	۳	برون سپاری با تامین کننده چندگانه
۱,۷۵	۲	۱	۲	۲	برون سپاری به شرکت وابسته

همانطور که در جدول فوق آمده است، دو روش پیشنهادی برون‌سپاری با تامین‌کننده چندگانه و برون‌سپاری به شرکت وابسته در بین شیوه‌های برون‌سپاری بیشترین ارجحیت را در تمامی بخش‌ها به دست آورده‌اند و از این رو با نتایج کلی پژوهش هماهنگ می‌باشد. در خصوص مقایسه وضعیت فعلی که برون‌سپاری با تامین‌کننده یگانه می‌باشد و وضعیت گذشته بانک، خبرگان ۳ بخش ارزیابی، اعتباری و شعب به ارجح بودن روش گذشته بانک که نظارت بر تسهیلات توسط خود بانک انجام می‌شده است معتقد هستند. این ارجحیت در خصوص بر آورد نظر خبرگان در بخش ارزیابی به حدی است که شیوه درون‌سپاری (روش گذشته) را از هر نوع شیوه برون‌سپاری مطلوب‌تر می‌دانند.

۵ جمع بندی و نتیجه گیری

در بررسی وضعیت فعلی برون‌سپاری نظارت بر تسهیلات مشارکت مدنی بانک مورد مطالعه مشخص شد که بانک نسبتاً به منفعت افزایش رضایت گیرنده تسهیلات دست یافته و با توجه به کاهش زمان اجرای فرایند نظارت به افزایش کارایی نظارت نیز نسبتاً دست یافته است. اما در باقی منافع مورد انتظار نتیجه مطلوبی کسب نشده است و لزوم بازنگری در اجرای برون‌سپاری را مشخص می‌کند. همچنین تجربه بانک از این برون‌سپاری نشان می‌دهد که بانک با دو ریسک از دست رفتن کنترل بانک بر روی فرایند نظارت و وابستگی بانک به تامین‌کننده تهدید می‌شود که می‌بایست این دو ریسک مدیریت گردد.

در ادامه به بررسی اولویت اهداف بانک مسکن از برون‌سپاری نظارت پرداخته شد. ۵ هدف آزاد سازی وقت ناظرین و استفاده از آنان در موارد و مکان‌های دیگر، کاهش هزینه، افزایش کارایی عملیاتی، افزایش رضایت گیرنده تسهیلات و انعطاف پذیری در جذب ناظرین مورد نیاز متناسب با حجم فعالیت بانک شناسایی گردید. با توجه به ۷ معیار شناسایی شده از گام قبل در خصوص تصمیم‌گیری در مورد الگوی مطلوب برون‌سپاری و شناسایی ۴ گزینه برای برون‌سپاری (برون‌سپاری صفر (درون‌سپاری)، برون‌سپاری با یک تامین‌کننده (وضعیت فعلی)، برون‌سپاری با چند تامین‌کننده و برون‌سپاری به شرکت وابسته یا برون‌سپاری مشارکتی) روش AHP به کار گرفته شده نشان داد که گزینه برون‌سپاری به شرکت وابسته نسبت به در نظر گرفتن تمامی معیارها از بیشترین ارجحیت برخوردار می‌باشد. گزینه‌های برون‌سپاری با تامین‌کنندگان چندگانه، برون‌سپاری صفر و برون‌سپاری با تامین‌کننده یگانه به ترتیب ارجحیت اولویت بندی شدند. در خصوص اهمیت معیارها نیز در بین اهداف (منفعت‌ها) افزایش کارایی عملیاتی و رضایت گیرنده تسهیلات از دیگر موارد مهم‌تر شناخته شدند و از بین دو ریسک، ریسک کنترل بانک بر روی فرایند نظارت نسبت به ریسک وابستگی بانک به تامین‌کننده با اهمیت بیشتر شناسایی گردید.

منابع و مآخذ

- احمدی حاجی آبادی، سید روح الله و بهاروندی، احمد (۱۳۸۹) راهکار های اجرای صحیح عقد های مشارکتی در نظام بانکی ایران، فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، سال دهم، شماره ۳۸
- اصغرپور، محمد جواد (۱۳۸۸) تصمیم گیری های چند معیاره، انتشارات دانشگاه تهران
- الفت، لعیبا و براتی، مسعود (۱۳۹۱) مدلی برای تصمیم برون سپاری در بانک صنعت و معدن (تامین و پشتیبانی دستگاه های خود پرداز) فصلنامه راهبرد های بازرگانی، شماره دوم
- آذر، عادل و مومنی منصور (۱۳۹۰) آمار و کاربرد آن در مدیریت، انتشارات سمت
- آسوشه، عباس و دیواندری، علی و کرمی، امیر و یزدانی، حمیدرضا (۱۳۸۸) شناسایی عوامل حیاتی موفقیت در مدیریت ریسک برون سپاری سیستم های اطلاعاتی در بانک های تجاری ایران، نشریه مدیریت فن آوری اطلاعات، دوره ۱، شماره ۳، صفحات ۳ الی ۱۸
- براتلو، سهیلا (۱۳۹۱) بررسی اثربخشی برون سپاری در حوزه فناوری اطلاعات (مورد مطالعه : شرکت داده ورزی سدادوابسته به بانک ملی) ، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه پیام نور غرب تهران
- چشم براه و مرتضوی، (۱۳۸۶)، مدیریت اثربخش برون سپاری، نشر مهربان
- حافظ نیا، محمد رضا (۱۳۹۱) مقدمه ای بر روش تحقیق در علوم انسانی، انتشارات سمت
- رهبر شمس کار، صدیقه و فریدونی، مهناز (۱۳۸۶) برون سپاری خدمات مالی، گروه مطالعاتی بانکی و اعتباری، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران
- رهنورد، فرج اله و سیف الهی، علی بابا (۱۳۹۰) مدیریت برون سپاری، انتشارات موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه ریزی
- محمودی میمند، محمد و رحمانی، زین العابدین و بصیرت نیا، مهدی (۱۳۸۹) بررسی اثر استفاده از استراتژی برون سپاری بر بهره وری صنعت بانکداری: مطالعه موردی شعب بانک اقتصاد نوین استان مازندران، فصلنامه مدیریت صنعتی دانشکده علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج، سال پنجم، شماره ۱۳
- نظر پور، محمد نقی و کشاورزبان پیوستی، اکبر (۱۳۹۲) الزامات احیای عقد مشارکت حقوقی راهبردی برای تحقق بانکداری PLS در نظام بانکداری بدون ربا، فصلنامه علمی پژوهشی راهبرد اقتصادی، سال دوم، شماره هفتم
- نظر پور، محمد نقی و لطفی نیا، یحیی (۱۳۹۴) اجرای صحیح تسهیلات مشارکتی در بانکداری اسلامی به کمک صندوق های پروژه محور، فصلنامه علمی پژوهشی تحقیقات مالی اسلامی، سال چهارم، شماره اول
- نهبانندی، نسیم و یوسفیان، محمد حسین و بیات، علی (۱۳۸۷) تعیین راهبرد برون سپاری فناوری اطلاعات در بانک های ایران، فصل نامه اقتصاد و تجارت نوین، شماره ۱۳، صفحات ۸۹ - ۱۱۰
- Adeleye, Bunmi Cynthia & Annansingh, Fenio & Nunes, Miguel Baptista (2004), Risk management practices in IS outsourcing: an investigation into commercial banks in Nigeria, International Journal of Information Management 24 (2004) 167-180

- Barako, Dulacha and Gatere, Peter (2008) OUTSOURCING PRACTICES OF THE KENYAN BANKING SECTOR, African Journal of Accounting, Economics, Finance and Banking Research, Vol. 2. No. 2
- Cao, J. Cao, G. Wang, W (2012) A hybrid model using analytic network process and gray relational analysis for bank's IT outsourcing vendor selection, Kybernetes, Vol. 41 Iss 7/8 pp. 994 – 1013
- Gewald, Heiko & Dibbern, Jens (2009) Risks and benefits of business process outsourcing: A study of transaction services in the German banking industry, Information & Management, Vol 46, pp249–257
- Gewald, Heiko (2010) The perceived benefits of business process outsourcing: An empirical study of the German banking industry, Strategic Outsourcing, Vol. 3 Iss 2 pp. 89 – 105
- Klepper, R., & Jones, W. (2004) Outsourcing information technology systems and services, Retrieved form: <http://www.businessforum.com/Woj01.html>
- Kumar Jain, R & Natarajan, R (2011) Factors influencing the outsourcing decisions: a study of the banking sector in India, Strategic Outsourcing: An International Journal, Vol. 4 Iss 3 pp. 294 – 322
- Suhaimi, Mohd Adam. Hussin, Husnayati. Mustaffa, Muzzafar (2007) Information systems outsourcing, Business Process Management Journal, Vol. 13 Iss 5 pp. 644 – 661
- Tayauova, Gulzhanat (2012) Advantages and disadvantages of outsourcing: analysis of outsourcing practices of Kazakhstan banks, Procedia - Social and Behavioral Sciences, Vol 41, pp 188 – 195
- Tjader, Y., Sh, Ang, J., Vargas, L. 2010. Offshore Outsourcing Decision Making With Anp: A Policy-Maker's Perspective. European Journal Of Operational Research

تحلیلی بر شاخص عدالت اقتصادی در ایران^۱

محمدجواد عزتی^۲

چکیده

در این پژوهش تلاش بر بررسی مقایسه‌ای برترین شاخص‌های ارائه شده در زمینه عدالت در ایران شده تا به راهکاری برای موفقیت و اثرگذاری پژوهش‌های آتی کمک شود. از اینرو ابتدا ادبیات و پایه‌های مفهومی عدالت و زیرشاخص‌های مورد بررسی ارائه شده، شاخص‌ها از نظر ویژگی‌های کلی، مولفه‌های مشترک بین شاخص‌ها و مولفه‌های یکتا و خاص هر شاخص بیان گردیده، تحلیل روند و نتیجه ارائه شده در هر یک از شاخص‌ها با یکدیگر و سپس با نظرسنجی انجام شده در این پژوهش مقایسه شده است. با وجود ارزندگی بسیار پژوهش‌های انجام شده در این زمینه، جهت بهبود این شاخص مهم زیرشاخص‌ها مورد تحلیل قرار گرفته و در پایان پژوهش وضعیت نماگری واقعی هر شاخص و پیشنهادهای برای شاخص‌سازی‌های آتی ارائه شده‌است که با در کنار هم قرار گرفتن زیرشاخص‌های این پژوهش و زیرشاخص‌های مورد قبول در این پژوهش از شاخص‌های منتخب، شاخص جدید می‌توان طرح کرد.

واژگان کلیدی: شاخص عدالت^۳، اقتصاد ایران، مقایسه، شاخص ترکیبی و عدالت

۱. مقدمه

با توجه به جایگاه عدالت در اقتصاد، قانون اساسی ایران، آرمان‌های انقلاب اسلامی و آموزه های قرآنی، بررسی عدالت و روند حرکت کشور در راستای تحقق عدالت از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. همچنین اهمیت شاخص‌ها و چگونگی تحلیل آن‌ها در زمینه سیاست‌گذاری‌ها و اثرات سیاست‌ها در زندگی تمام مردم جامعه واضح است. به دلیل این اهمیت در این زمینه بررسی‌هایی انجام شده و با دیدگاه اسلامی شاخص‌هایی برای بررسی وضعیت عدالت در ایران ساخته شده است. پژوهش‌های انجام شده و شاخص‌های ایجاد شده در این زمینه به دلیل اهمیت موضوع، بسیار ارزشمند هستند و در جایگاه خود گامی به جلو در زمینه شاخص‌سازی در حوزه عدالت برداشته و کار علمی بسیار با ارزشی انجام داده‌اند. اهمیت شاخص در زمینه سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های کشور با اطلاع از وضعیت موجود و پیش‌بینی از وضعیت آتی نیز نمود واضحی دارد. اما این شاخص‌ها و روند عدالتی که نشان می‌دهند با چالش‌هایی روبرو است. نخست اینکه این شاخص‌ها نتیجه متفاوتی را نشان می‌دهند و دوم اینکه ممکن است با برداشت عمومی از تحقق عدالت هماهنگ نباشند. از این‌رو هم بررسی عدالت و هم بررسی شاخص‌های ساخته شده در این زمینه می‌تواند مساله بررسی‌های علمی باشد. بر این پایه در این مقاله کوشش می‌شود. روند عدالت در ایران بر پایه این شاخص‌ها به صورت انفرادی و ترکیب آنها بررسی شود و افزون بر آن با ارایه معیارهایی علمی به بررسی مزایا و معایب هر یک از این شاخص‌ها پرداخته شود تا زمینه ساختن شاخصی مناسب فراهم شود. بررسی پژوهش‌های انجام شده در این زمینه و مقایسه کارکرد شاخص‌های ارائه شده در جهت تبیین نحوه عملکرد و حرکت بر محور عدالت و نیز ارزیابی عدالت در ایران محورهای بررسی این مقاله هستند.

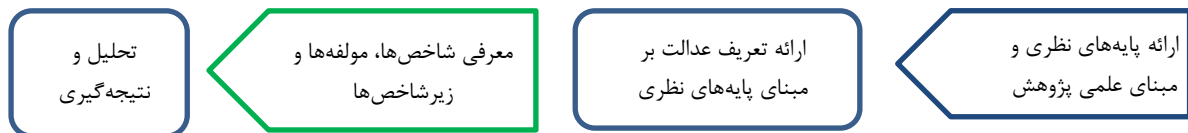
بررسی عدالت و شاخص مورد استفاده برای آن در ایران می‌بایست بر پایه علم اقتصاد، علوم مرتبط دیگر (دارای پایه علمی بر مبنای روش‌های محاسباتی پذیرفته شده)، قانون و فرهنگ جمهوری اسلامی ایران و مردم ایران، آموزه‌های دینی اجرایی مردم (رفتار مردم)، قرآن به عنوان منبع دینی موثق با حداکثر درست‌نمایی در دسترس و برداشتها و نظریه‌های اندیشمندان در هر یک از این حوزه‌ها باشد.

بررسی مقایسه‌ای از چند جهت دارای اهمیت است. اول آنکه مقایسه بین آنچه انجام شده است می‌تواند مشترکات پذیرفته شده و رد شده در پژوهش‌های متخصصین را روشن کند و در موارد رد شده بر پایه استدلال‌های علمی، پژوهش‌های جدیدی صورت نپذیرد و به جای آن در رفع کاستی‌ها و ایرادات جهت بهبود کارکرد شاخص عدالت در موضوع قدم برداشته شود. از سوی دیگر می‌توان با توجه به مبانی نظری موجود برخی مبانی به‌کار رفته که درست‌نمایی شاخص را کاهش می‌دهند حذف نمود و با مبنای نظری کامل‌تری به شاخص‌سازی‌های هرچه کارا تر رسید.

در موضوعات علمی هرچه بررسی بیشتری انجام شود تکامل بیشتری صورت می‌گیرد که بنا به خاصیت رو به رشد بی وقفه علم، برای انجام فعالیت علمی در هر زمینه‌ای نیاز به آگاهی نسبت به نقاط ضعف و قوت کارهای پیشین به عنوان چراغی برای راه فعالیت‌های آتی می‌باشد. بررسی مقایسه‌ای بر پایه معیارهای پذیرفته شده شکل می‌گیرد که مطابقت شاخص‌ها با اصول، مبنای درست‌نمایی و صحت و مطابقت نتایج با واقعیت را مورد بررسی قرار می‌دهد.

از آنجا که هر موضوع علمی لازم است پایه‌های علمی روشن داشته باشد، اصل اولیه پایه‌های علمی و مبنای محاسبات را در بر می‌گیرد. معیارهای نظری چون عدالت به دلیل کیفی بودن و وابستگی به اصول اعتقادی و اجتماعی نیازمند شاخص‌سازی و کمی شدن و همچنین نیازمند پایه‌های فکری در زمینه باورها نیز می‌باشد. از سوی دیگر، بررسی عدالت مستلزم شناخت از جامعه یا جوامع مورد بررسی، ویژگی‌ها و خصوصیات مشترک و منحصر به هر یک می‌باشد.

در این پژوهش ابتدا تعاریف و مبانی نظری شاخص عدالت بیان می‌شود، سپس شاخص‌های انتخاب شده جهت بررسی معرفی، ویژگی‌های آنها به صورت جداگانه و با یکدیگر با معیارهای به دست آمده از مبانی نظری مورد تحلیل و مقایسه قرار می‌گیرد و پس از آن با یک نظر سنجی طراحی شده مختص این پژوهش، نتایج و روند هر یک مقایسه می‌شود و در پایان نتیجه‌گیری و پیشنهادهایی برای بهبود پژوهش‌ها و شاخص‌سازی‌های آتی ارائه می‌شود.



شکل ۱. روند کلی پژوهش

۲. ادبیات و پایه‌های نظری مورد استفاده در پژوهش

با توجه به تفاوت تعریف عدالت از منظرهای مختلف بویژه از منظر علم اقتصاد و منظر اسلامی، لذا در هریک از پژوهش‌ها تعریفی با مولفه‌های مدنظر خود ارائه کرده‌اند. از آنجا که مبنای عقلا عمده ترین منبع شناسایی تعریف و مفهوم در موارد این چنینی است، با بررسی نظرات متخصصان می‌توان به جمع‌بندی بهتری در تعریف رسید. از اینرو پس از ارائه تعاریف و نظرات معتبر در این زمینه برای عدالت، ارائه پایه‌های نظری شاخص عدالت و بررسی هریک از مولفه‌ها با معیاری در زمینه عدالت به بررسی شاخص‌های ارائه شده پرداخته می‌شود. سپس به جهت پوشش بیشتر مفهوم عدالت، زیر شاخص‌های جدیدی برای تبیین بهتر این شاخص ارائه می‌شود. تمام این مراحل نیازمند مبنای نظری می‌باشد که این پایه‌ها در این بخش ارائه می‌شود.

۲.۱. معنای لغوی عدالت

در نوشته سجادی آمده است: عدل مقابل ظلم و به فرهنگ معارف اسلامی در معنای احقاق حق و اخراج حق از باطل است و امر متوسط میان افراط و تفریط را نیز عدل گویند^۱. به نقل از جرجانی عدالت را به معنای استقامت معنی کرده و لغت نامه دهخدا اضافه کرده که عدالت در شریعت عبارت است از استقامت در طریق حق و اجتناب از آنچه در دین محظور است^۲.

۱. سجادی، ۱۳۶۲، ص ۲۷۵

۲. دهخدا، ۱۳۴۱، ص ۱۱۹

نفیسی در کتاب فرهنگ خود عدل را به معنای برابری و تساوی و انصاف و داد و ضد جور دانسته است و عدل را به معنای مانند و مثل چیزی از وزن و قدر و تنگ بار و یک لنگه از دو لنگه بار ستور (چهار پایان) آورده است.^۱

۲.۲. معنای اصطلاحی عدالت

عدالت در اصطلاح متفکران اسلامی و غیر آن در معانی مختلفی به کار رفته که از جنبه کاربردی آن می‌توان به برابری، مساوات، انصاف و بیطرفی معنا نمود.

مطهری عدالت را به معنای تساوی و نفی تبعیض، رعایت تساوی در زمینه استحقاق‌های متساوی ذکر کرده است.^۲

فارابی آن را به معنای تقسیم کالاهای مشترک آورده است.^۳ رالز^۴ نیز عدالت را حق برخوردار ی یکسان از آزادی‌های اساسی برابر دانسته است. دیاس^۵ آن را تخصیص عادلانه مزیت‌ها و نامزیت‌ها بیان کرده است. به تفسیر مرحوم علامه اصل محوری در بهره برداری از ثروت‌ها آن است که ثروت‌ها برای همه مردم است.^۶ مطهری، عدالت را به معنای ایجاد امکانات مساوی قانونی و اجرای اقدامات اسلامی در قانون به طور مساوی معرفی کرده است.^۷ فارابی نیز یکی از اقسام عدالت را تقسیم عادلانه خیرات و منافع عمومی در میان افراد جامعه دانسته است.^۸

در این زمینه روایات زیادی وجود دارند که از آن جمله می‌توان به این روایت معروف از امام علی (ع) اشاره کرد: اگر این اموال از ملک شخصی خودم بود به طور یکسان تقسیم می‌کردم، تا چه رسد به اینکه اینها، مال خدا و مربوط به همه مردم است.^۹ به فرمایش قرآن کریم نیز در اسلام هر کس کار نیکو انجام دهد پاداش او ضایع نمی‌شود.^{۱۰} همچنین در سوره نسا آیه ۳۲ و زخرف آیه ۳۲ نیز به این موضوع اشاره کرده است. نقل از حضرت علی (ع):^{۱۱} خداوند به حکمت خود بین همت‌ها و خواسته‌های مردم و سایر حالاتشان تفاوت قرارداد و این تفاوت‌ها را وسیله برپایی زندگانی و معاش مردم گردانید.

امیرمومنان علی (ع) در عهدنامه مالک اشتر^{۱۲} عدالت اقتصادی را دارای ویژگی‌هایی در هشت مورد تعریف می‌کند، که سیاست‌های تامین اجتماعی و کاهش فقر، انتخاب افراد مطمئن برای رسیدگی به فقیران عقیف،

۱. نفیسی، ۱۳۵۵، صص ۲۳۲۰-۲۳۲۳

۲. مطهری، ۱۳۵۲، ص ۵۹

۳. فارابی، بی تا، ص ۱۴۲

4. Rawls, 1964, p.164

5. Dias, 1982, p66

۶. طباطبایی، بیتا، ص ۱۷۱

۷. مطهری، ۱۴۰۳، ق.، ص ۱۶۲

۸. فارابی، ۱۳۶۱، صص ۱۴۲

۹. عیوضلو، ۱۳۷۹، صص ۲۲۵

۱۰. قرآن کریم، کهف ۳۰

۱۱. العالمی، ۱۹۵۲، م، ج ۱۳، ص ۲۲۴

۱۲. نهج البلاغه

نفی رانت خواری و امتیاز ویژه به نزدیکان، سیاست اصالت رونق و عدالت مالیاتی، ممانعت از تخصیص منابع عمومی به افراد ممتاز، نظارت بر بازار^۱، نظارت بر دادوستدهای عادلانه و اصل عدم سوء استفاده از قدرت و اختصاص اموال عمومی به خود^۲ خلاصه آن توضیحات می‌باشد.

بنابراین، تفاوت‌های فردی مردم وسیله قوام جامعه است. زیرا اگر همه افراد از توان بدنی و فکری و ذوق و سلیقه مشابه برخوردار باشند و در صدد کارهای مشابه برآیند، سایر کارها انجام نمی‌شود و نظام اجتماعی از هم می‌پاشد. از دیگر شرایط قوام جامعه آن است که انجام هر کاری به اهل آن سپرده شود و از آنجا که مال خدا است و به طور امانی در اختیار انسان‌ها قرار می‌گیرد، شایسته است این مال به هر کس تعلق گیرد به بهترین نحو از آن استفاده کند.

نگاه اسلامی به ابعاد دیگر عدالت اقتصادی به طور همزمان با شمول بیشتری توجه دارد. با این همه تأکید مجدد به این نکته لازم به نظر می‌رسد که هرگونه عایدی حاصل از عملکرد بازار مورد تأیید دیدگاه اسلامی نیست، بلکه عملکرد بازاری که شرایط و موازین اسلامی در آن حاکم است عادلانه تلقی می‌گردد. توجه به مصالح نظام اجتماعی و جامعه و حق اموال و برقراری تناسب و توازن نیز جهت رعایت استحقاق‌ها و ضایع نشدن حق هیچ صاحب حقی که از تعالیم اسلامی نیز می‌باشد، مورد توجه است. در این مورد مبحث اصالت فرد یا اجتماع نیز مطرح است اما می‌توان با توجه به اینکه برقراری عدالت در سطح فردی لازمه برقراری عدالت در سطح اجتماعی است در اینجا نیز اصل بودن حقوق فردی را پذیرفت.

بر اساس نگرش اسلامی، مالکیت انسان‌ها بر اشیا و اموال مطلق نیست و باید در چارچوب حدودی باشد که خداوند تعیین کرده است.

۲.۳. عدالت اقتصادی

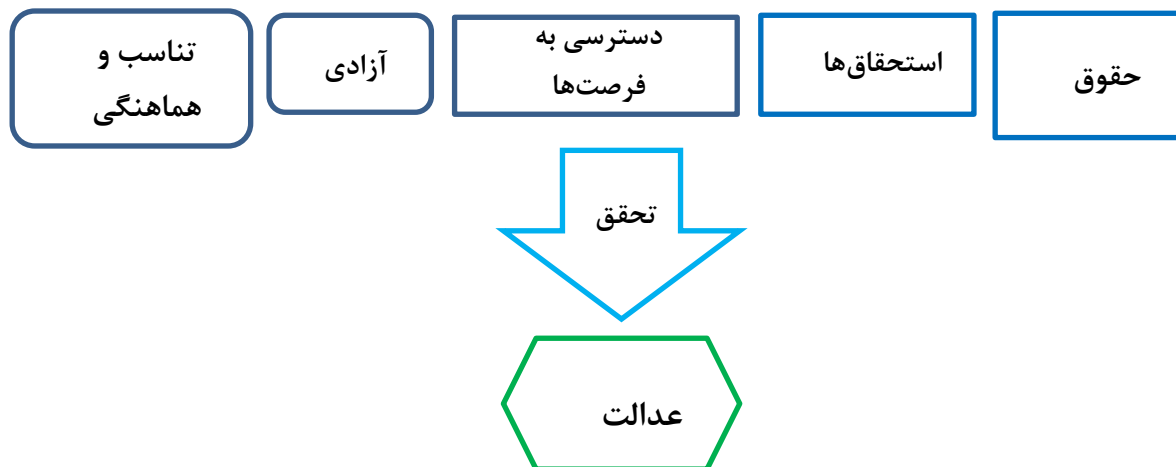
در عدالت اقتصادی مساله اصلی، یعنی مراعات حقوق اقتصادی در حوزه رفتارها و روابط اقتصادی و عدم تبعیض در امکانات و فرصت‌های اولیه در اختیار افراد است. این امر به صورت هدف اقتصادی، هنگامی کامل محقق می‌شود که هر یک از افراد جامعه به حق خود از ثروت و درآمدهای جامعه دست یابند. باید توجه داشت که عدالت به هیچ وجه مترادف برابری نمی‌باشد و رعایت عدالت به مفهوم بهرمندی یکسان همه افراد از منابع و درآمدهای کشور نمی‌باشد، بلکه هر کس بنابر معیار حق خود از تلاش، استعداد، سرمایه اجتماعی، انسانی و مالی و سطح ارزش اقتصادی فرد به استحقاق خود باید برسد تا عدالت رعایت شده باشد. این تعریف با قوانین کشورهای مختلف از جمله ایران در زمینه قوانین مالکیت و کسب و با آموزه‌های اسلامی از جمله سوره کهف^۳،

۱. مبارزه با انحصار و احتکار

۲. دشتی، ۱۳۸۱، ص ۴۱۴

۳. آیه ۳۰

هود^۱، تعریف فارابی از عدل طبیعی^۲، تعریف منتظری در ذیل عدل که محصول تلاش هرکس بایستی به خودش برگردد^۳ نیز مطابقت دارد و هماهنگ است.



شکل ۲. فرآیند پایه‌ای تحقق عدالت

۳. پیشینه پژوهش

در زمینه عدالت، مفهوم، تعریف و شاخص عدالت پژوهش‌های بسیاری در سطح کشور و در سطح بین‌المللی انجام شده‌است. با توجه به اهمیت موضوع از نظر اقتصادی و اسلامی که اهمیت بررسی آن را در ایران دو چندان می‌کند، با وجود این اهمیت، پژوهش‌های انجام شده در ایران نسبت به لزوم موضوع به نظر به حد کافی نبوده و نیاز به پژوهش‌های بیشتر می‌باشد. از این میان به برخی که از اهمیت بیشتر برخوردار بوده و به نوعی خاص‌تر می‌باشند، در این بخش اشاره می‌شود.

خاندوزی، سرآبادانی و مصطفوی^۴ (۲۰۱۷) در پژوهشی با عنوان بررسی شاخص‌های عدالت در اقتصاد متعارف و ارزیابی آنها از منظر اسلامی^۵ به بررسی قابلیت استفاده شاخص‌های عدالت تعریف شده برای ایران، نقاط اشتراک و افتراق آنها و مقایسه با معیار چند بعدی عدالت اسلامی پرداخته‌اند.

عیوضلو^۶ (۲۰۱۰) در پژوهشی با عنوان مروری بر معیارهای عدالت اجتماعی و اقتصادی در تطبیق با چارچوب شریعت اسلام^۷ اقدام به استخراج معیارهای عدالت برای تبیین شاخص عدالت پرداخته است.

۱. آیه ۸۵

۲. فارابی، ۱۳۶۱، صص ۳۲۰ تا ۳۲۹

۳. منتظری، ۱۳۶۳

۴. سید احسان خاندوزی، حسین سرآبادانی و علی مصطفوی

۵. هفتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، اردیبهشت ۱۳۹۷

۶. حسین عیوضلو

۷. دوفصلنامه علمی-تخصصی مطالعات اقتصاد اسلامی، سال دوم، بهار و تابستان ۱۳۸۹، صص ۲۶-۵

عیوضلو و کریمی ریزی^۱ (۲۰۱۴) در مقاله‌ای با عنوان شناسایی و اندازه‌گیری شاخص عدالت و کارایی در نظام بانکی؛ مورد مطالعه: بانک توسعه صادرات ایران، استان اصفهان^۲ به بررسی ارتباط عدالت با کارایی و تعریف معیارهای محاسبه شاخص عدالت پرداخته است.

سید نورانی و خاندوزی^۳ (۲۰۱۴) در مقاله مبنای نظری سنجش عدالت اقتصادی در اسلام، به بررسی مفهوم عدالت اقتصادی و مبنای نظری آن در دیدگاه‌های مختلف پرداخته‌اند.

یوسفی و زندیه^۴ (۲۰۱۵) در مقاله بررسی عملکرد اقتصاد ایران از دید عدالت^۵ به بررسی وضعیت و روند اقتصاد ایران از منظر عدالت با محور قرار دادن رویکرد حضرت علی (ع) در عهدنامه مالک اشتر پرداخته است.

رجایی^۶ (۲۰۱۲) در مقاله مفهوم و شاخص عدالت اقتصادی^۷ به تبیین مفهوم عدالت اقتصادی از منظر توازن پرداخته است. همچنین وی در مقاله مشترکی با معلمی، سید مهدی، با عنوان درآمدی بر مفهوم عدالت اقتصادی و شاخص‌های آن به تبیین مفهوم عدالت اقتصادی از منظر اسلام پرداخته است.

ملکی (۲۰۱۰) در مقاله عدالت‌خواهی از نظر قرآن و نهج‌البلاغه^۸ به بررسی مفهوم عدالت در اندیشه سیاسی و اسلامی پرداخته است.

کیستین، ایتن^۹ (۲۰۰۶)، در کتاب عدالت اقتصادی در جهانی غیرمنصفانه به بررسی و تشریح عدالت اقتصادی و چگونگی وضعیت آن پرداخته است.

حسینی (۲۰۱۱) در مقاله‌ای با عنوان مفهوم و ماهیت عدالت اجتماعی با رویکرد اسلامی^{۱۰} به بررسی عدالت از منظر اجتماعی پرداخته است.

دیمسن، مارش و استاتن^{۱۱} (۲۰۰۶) در مقاله عدالت جهانی، یک معمای کوچکتر^{۱۲}، وضعیت عدالت در ۱۷ کشور را با شاخص ارائه شده خاص، محاسبه و بررسی نموده‌اند.

صدیق^{۱۳} در پژوهشی (۲۰۰۹) با عنوان دیدگاه شریعت در حفظ حضور سرمایه در منظر سهم عدالتی مشترک^{۱۴} عدالت، این دیدگاه را بررسی و مبنای نظری و محاسباتی آن را ارائه نموده است.

۱. حسین عیوضلو و مجید کریمی ریزی

۲. دوفصلنامه علمی پژوهشی مطالعات اقتصاد اسلامی، سال هشتم، شماره اول، پیاپی ۵۱، پاییز و زمستان ۱۳۹۵، صص ۵۱۶-۵۱۵

۳. سید محمدرضا سیدنورانی و سید احسان خاندوزی

۴. محمدرضا یوسفی شیخرباط و مهناز زندیه

۵. فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، سال شانزدهم، شماره ۶۳، پاییز ۱۳۹۵

۶. سیدمحمدکاظم رجایی

۷. نشریه معرفت اقتصاد اسلامی، سال پنجم، شماره اول پیاپی ۹، پاییز و زمستان ۱۳۹۲، صص ۱۰۴-۷۹

۸. ماهنامه حافظ، شماره ۷۲، مرداد ۱۳۸۹

۹. Ethan B. Kapstein

۱۰. فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، شال یازدهم، شماره ۴۴، زمستان ۱۳۹۰

11. Elroy Dimson, Paul Marsh and Mike Stauton

12. The worldwide equity premium: a smaller puzzle

13. Muhammad Abdurrahman Sadique

14. Shariah position on ensuring presence of capital in joint equity based financing

کشور مالزی نیز با انتشار طرح اقتصاد اسلامی مالزی^۱ توسط وزارت برنامه‌ریزی ملی این کشور در سال ۲۰۱۹ به بررسی و تبیین راهکارهای اقتصاد اسلامی قابل استفاده در مالزی پرداخته است.

گاویندر^۲ و مکگوبا^۳ در پژوهشی^۴ (۲۰۱۳) با عنوان شاخص انصاف در آفریقای جنوبی^۵ به بررسی نوعی از عدالت در این کشور و منصفانه بودن وضعیت کشور پرداخته‌اند.

عزتی و همکاران^۶ (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان شاخص تبعیض اقتصادی به عنوان زمینه ساز تهدید نرم و ارزیابی آن در جمهوری اسلامی ایران^۷، به بررسی تبعیض اقتصادی که یکی از مولفه‌های عدالت است پرداخته‌اند.

سیمپورو^۸، موسسه نظارت بر شمول اجتماعی^۹، (۲۰۱۹)، مبنای تعاریف و پایه‌های نظری شاخص عدالت را بررسی نموده‌است.

OECD (۲۰۱۹)، این سازمان که در راستای بهبود قواعد برای زندگی بهتر فعالیت می‌کند برای کشورهای عضو شاخص عدالت را بررسی و محاسبه نموده‌است.

پروژه عدالت جهانی^{۱۰} (۲۰۱۹)، با بررسی نقش قانون در عدالت این شاخص را مورد بررسی قرار داده‌است.

کاووری، آنیل ساویو^{۱۱} (۲۰۱۷)، به بررسی اثر عدالت بر عملکرد اقتصاد پرداخته و رابطه عدالت و اقتصاد را مورد بررسی قرار داده است.

۴. معرفی شاخص‌های منتخب

از میان شاخص‌های ارایه شده در زمینه عدالت، بنابر بررسی انجام شده، چهار شاخص که از پایه قوی‌تری نسبت به سایر بررسی‌ها برخوردار بودند برای بررسی و مقایسه انتخاب شده‌اند که ابتدا به توضیح هر کدام و سپس به مقایسه و بررسی مولفه‌ها و نتایج آنها پرداخته می‌شود.

۴.۱. شاخص اول

شاکری، مومنی و همکاران^{۱۲} در مقاله درآمدی بر شاخص ترکیبی عدالت اقتصادی با رویکردی اسلامی^{۱۳} به بررسی عدالت در ایران با رویکرد اسلامی بر اساس مولفه‌های عدالت درون نسلی و بین نسلی از زیر شاخص‌های

1. Indonesia Islamic Economic Masterplan 2019-2024
2. Kesh S. Govinder1
3. Malegapuru W. Makgoba2
4. South African Journal of Science
5. An Equity Index for South Africa

۶. مرتضی عزتی، اله‌مراد سیف، و مجتبی ملکی شهرپور

۷. فصلنامه مطالعات راهبردی بسیج، سال شانزدهم، شماره ۶۱، زمستان ۱۳۹۲

8. Sim europe
9. Social inclusion monitor eu
10. WJP
11. Anil Savio Kavuri

۱۲. عباس شاکری، فرشاد مومنی، امیر خادم‌زاده و سیدهادی مخزن موسوی

۱۳. فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، سال نوزدهم، شماره ۷۴

توزیع منصفانه منابع، فرصت‌ها و امکانات براساس شایستگی‌ها، توجه به حق منابع و عوامل تولید، توجه به حق نسل‌های آتی، سهم‌بری عوامل تولید براساس استحقاق‌ها و میزان مشارکت، بازتوزیع درآمد و ثروت و توجه به وضعیت رفاه جامعه استفاده نموده‌اند که از آن در ادامه این بررسی با عنوان شاخص یک یاد می‌شود.

جدول ۱. معرفی شاخص منتخب اول

مفهوم عدالت	زیرشاخص‌های موجود در شاخص اول
عدالت اقتصادی	سهم‌بری عوامل تولید بر اساس میزان مشارکت و استحقاق
عدالت اجتماعی	توجه به حق منابع و عوامل تولید توزیع منصفانه منابع، فرصت‌ها و امکانات براساس شایستگی‌ها، بهبود رفاه جامعه، توجه به حق نسل‌های آتی
عدالت در حکمرانی	بازتوزیع درآمد و ثروت
عدالت سیاسی	-

۴.۲. شاخص دوم

در مقاله تدوین شاخص ترکیبی عدالت بر پایه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و سنجش آن طی یک دوره هشت ساله^۱، مرتضی عزتی به تحلیل شاخص عدالت در ایران بر پایه محور قراردادن قانون اساسی کشور، زیر شاخص‌های عدالت به معنای برابری، عدالت اقتصادی، عدالت اجتماعی، عدالت سیاسی، و عدالت حقوقی قضایی را با بکارگیری برابری جنسیتی و بین منطقه‌ای، نرخ بیکاری، تورم، آزادی اقتصادی، فقر انسانی، آموزش، بیمه، امنیت اقتصادی، سازمان‌های حمایتی، شمار جرم، خانوارهای تک‌نفره، حق اعتراض مردم و پاسخگویی دولت، آزادی مطبوعات، نرخ مشارکت در انتخابات، ثبات سیاسی، کنترل فساد، نظام حقوقی و حق مالکیت، نقش قانون و کیفیت مقررات به تبیین و بررسی چگونگی وضعیت و روند آنها در ایران پرداخته است، که در ادامه این بررسی از آن با عنوان شاخص دو یاد می‌شود.

جدول ۲. معرفی شاخص منتخب دوم

مولفه عدالت	زیرشاخص‌های موجود در شاخص دوم
عدالت اقتصادی	نرخ بیکاری، تبعیض بین منطقه‌ای، تورم، آزادی اقتصادی،
عدالت اجتماعی	آموزش، تبعیض جنسیتی، بیمه و سازمان‌های حمایتی، فقر انسانی، و خانوارهای تک‌نفره
عدالت سیاسی	حق اعتراض مردم و پاسخگویی دولت، آزادی مطبوعات، مشارکت در انتخابات و ثبات سیاسی
عدالت در حکمرانی	کنترل فساد، امنیت اقتصادی، شمار جرم، نظام حقوقی و حق مالکیت، نقش قانون، و کیفیت مقررات

۴.۳. شاخص سوم

سید نورانی و خاندوزی^۲ در مقاله معرفی و محاسبه شاخص ترکیبی عدالت اقتصادی از منظر اسلامی در ایران^۳، عدالت را صرفاً از جنبه اقتصادی آن، با عناصر حق مالکیت مشروع (موارد نقص مالکیت)، حق مبادله مشروع

۱. فصلنامه علمی-پژوهشی راهبرد اقتصادی، سال سوم، شماره دهم، پاییز ۱۳۹۳

۲. سیدمحمدرضا سید نورانی و سید احسان خاندوزی

۳. فصلنامه مجلس و راهبرد، سال بیست و سوم، شماره ۸۵، بهار ۱۳۹۵

(عدم تعهد به قراردادهای مبادلاتی)، حق سهم‌بری عادلانه از تولید (نسبت دستمزد سرانه به بهره‌وری نیروی کار)، حق نیازمندان در اموال عمومی و خصوصی (به عنوان نماگر درصد جمعیت زیر خط فقر)، حق دسترسی عموم به منابع عمومی (اختلاف بودجه عمرانی سرانه در استان‌ها)، حق نسل‌های آتی از منابع بین نسلی (سهم صادرات خام فروشی منابع طبیعی از کل صادرات) و حق استفاده بهینه از اموال (به عنوان نماگر سطح بهره‌وری کل عوامل تولید) بررسی نموده‌اند، که از آن در ادامه این بررسی با عنوان شاخص سه یاد می‌شود.

جدول ۳. معرفی شاخص منتخب سوم

مولفه عدالت	زیرشاخص‌های موجود در شاخص سوم
عدالت اقتصادی	حق مبادله، حق مالکیت، حق سهم‌بری عادلانه از تولید
عدالت اجتماعی	حق دسترسی عموم به منابع، حق نسل‌های آتی از منابع،
عدالت سیاسی	حق نیازمندان در اموال
عدالت در حکمرانی	حق استفاده بهینه از اموال

۴.۴. شاخص چهارم

خاندوزی^۱ نیز در مقاله طراحی و برآورد شاخص ترکیبی عدالت اجتماعی در ایران با تاکید بیشتر بر بعد اجتماعی در اقتصاد با بررسی^۲ حوزه‌های اقتصادی، تبادلات اقتصادی، تعاملات اجتماعی و حکمرانی با بکارگیری زیرشاخص‌های توزیع درآمد و ثروت (الگوی توزیع درآمد)، فقر (درآمدی یا قابلیت)، بخشی (عدالت‌های مضائف در بخش‌های اقتصاد)، شاخص‌های ترکیبی همسایه (رفاه اقتصادی، توسعه انسانی و فساد اقتصادی)، با بررسی بازار کار، بازارهای مالی، مسکن، مالکیت، چرخه تولید، مبادله و مصرف، کاهش فقر، رفاه اقتصادی، توزیع درآمد و نابرابری، آموزش، سلامت و محیط زیست در حوزه اقتصادی، خانواده، انسجام و امنیت ملی و عدالت بین نسلی در حوزه اجتماعی و عدالت قضایی، عدالت سیاسی و مدنی، بودجه‌ای و اداری در حوزه حکمرانی به بررسی موضوع عدالت پرداخته است، که از آن در ادامه این بررسی با عنوان شاخص چهارم یاد می‌شود.

۱. سید احسان خاندوزی

۲. ۱۳۹۵-۱۳۸۵

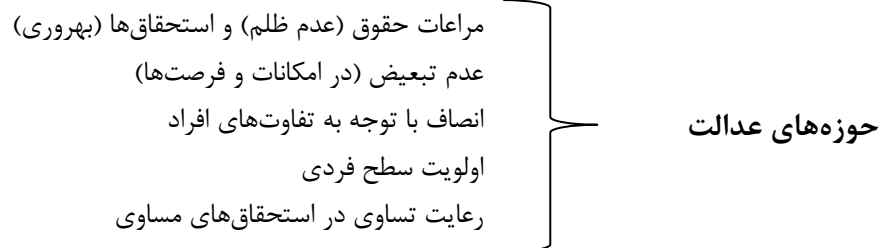
جدول ۴. معرفی شاخص منتخب چهارم

مؤلفه عدالت	زیرشاخص‌های موجود در شاخص
عدالت اقتصادی	فقر، عدالت میان بخشی اقتصاد، شاخص ترکیبی همسایه، بازارها
عدالت اجتماعی	توزیع درآمد و ثروت، عدالت بین نسلی، تعاملات اجتماعی
عدالت سیاسی	محیط زیست
عدالت در حکمرانی	حکمرانی و قضایی

تحلیل شاخص‌ها

۴,۵. تحلیل مؤلفه‌ها و زیر شاخص‌ها

اکنون با توجه به آنچه در ادبیات موضوعی این پژوهش ذکر شد، به بررسی مؤلفه‌های شاخص‌های ارائه شده، نحوه محاسبات، مطابقت با پایه‌های معرفی شده در این پژوهش برای هر یک از شاخص‌ها می‌پردازیم. جهت این بررسی از پنج مفهوم "عدالت اقتصادی" به معنای رعایت حقوق و استحقاق‌ها در رفتارها و روابط اقتصادی و "عدم تبعیض" در امکانات و فرصت‌های در دسترس افراد، "اولویت برقراری عدالت در سطح فردی"، "انصاف و همسانی با توجه به تفاوت‌های افراد" و "رعایت تساوی در استحقاق‌های متساوی" بهره می‌گیریم.



۴,۶. بررسی عناصر مشترک بین شاخص‌ها (مؤلفه‌های بایسته در شاخص عدالت)

با توجه به مفاهیم و تعاریف ارائه شده در ادبیات این پژوهش، محور مفهوم عدالت احقاق حق و نبودن تبعیض است. بر این پایه، عدالت در مفهوم برابری نمی‌باشد، از اینرو در بررسی و زیرشاخص‌های برابری می‌بایست مفهوم حق و استحقاق رعایت شود. زیر شاخص‌های حق سهم‌بری عادلانه از تولید، حق نیازمندان در اموال عمومی و خصوصی، حق دسترسی عموم به منابع طبیعی، حق نسل‌های آتی از منابع بین نسلی، سیاست عدالت مالیاتی، توزیع منصفانه منابع، فرصت‌ها و امکانات، توزیع درآمد و ثروت، رفاه اقتصادی، مبادله و مصرف، آموزش، سلامت، عدم تبعیض جنسیتی، عدم تبعیض بین منطقه‌ای، امنیت، عدالت سیاسی، حق اعتراض و پاسخگویی دولت و عدالت در بخش‌های اقتصاد از جمله مواردی هستند که در بررسی آنها باید توجه ویژه‌ای به رعایت استحقاق و برابری فرصت‌ها داشت. برابری فرصت‌ها به معنای عدم تبعیض در امکانات اولیه در اختیار افراد در جامعه است که این موجب استفاده بهینه از توانایی افراد و حرکت به سمت حداکثر بهره‌وری از امکانات موجود جامعه می‌شود که هرگونه انحصار، امتیازات ویژه در بهرمندی و محدودیت‌های قانونی موجب دور شدن از عدالت می‌گردد.

از میان مولفه‌های مورد بررسی در شاخص‌های منتخب، رعایت حق سهم‌بری از تولید، توزیع منابع، توزیع درآمد، تخصیص بودجه، مصرف و برداشت بین نسلی و تخصیص منابع به بخش‌های مختلف اقتصاد مواردی هستند که در آنها تقسیم مساوی به هیچ وجه مفهومی نداشته و تنها به مقدار استحقاق‌ها وابسته است. در مورد حق سهم‌بری از تولید مطابق پایه‌های علمی اقتصاد سهم هر فرد در چرخه تولید به میزان بهروری و تولید نهایی او بستگی دارد و بر خلاف برخی دیدگاه‌های تندرو، هرگز نه از نظر علمی و نه در هیچ بخشی از قرآن کریم، توزیع یکسان و پرداختی به سربارهای اجتماع توصیه نشده است. همچنین در تخصیص منابع بین بخش‌های اقتصادی برابری تخصیص جایگاهی ندارد و مطابق با اصول اولیه علم اقتصاد، می‌بایست تخصیص بیشتر به بخش‌هایی صورت پذیرد که مزایای تولید کشور در آن باشد و بهروری بیشتری در تولید آن با توجه به صرفه‌ها، ویژگی‌های و مزایای اقتصاد کشور وجود دارد.

در مورد عدالت در برداشت و مصرف بین نسلی منابع نیز این مورد صادق است. برخی منابع که تجدید پذیرند با افزایش برداشت و هزینه کرد در تولید مجدد آنها می‌توان ظرفیت تولید را افزایش داد و برای منابع تجدید ناپذیر نیز با سه حالت روبرو هستیم، حالت اول منابع جانشین‌پذیر که در صورت عدم برداشت نسل فعلی، برای نسل‌های آتی منفعتی نخواهند داشت اما برداشت و سرمایه‌گذاری درآمد حاصل از فروش این منابع می‌تواند موجب بهبود بخش‌های دیگر اقتصاد و در صورت لزوم ایجاد تکانه برای رشد کشور شود.

توزیع درآمد و ثروت نیز می‌بایست بر پایه استحقاق‌ها باشد که واحدها و بخش‌ها متناسب با اثر و بهروری خود، سهم از درآمد و ثروت داشته باشند و با جلوگیری از درآمدهای کسب شده به ناحق (عدالت در بازار و رقابت عادلانه) مانع از بین رفتن انگیزه‌های بخش‌های موثر در اقتصاد شد. عدم سهم‌بری واحدها به میزان اثر آنها موجب تضعیف بخش‌های موثر و کاهش تلاش جامعه در راستای بهبود بهروری می‌شود. از سوی دیگر مطابق آنچه بیان شد، نباید از تحلیل وضعیت حداقل معیشتی نیز دور ماند. با توجه به اینکه افرادی که به هر علتی دچار فقر هستند نیز می‌بایست شرایط برای زندگی حداقلی این دسته فراهم باشد. ولی عایدی آنها نباید به قدری باشد که موجب رواج بیکاری و کاهلی در جامعه گردد.

با توجه به آنچه بیان شد، معیارهای سرانه، تقسیم برابر، ضریب جینی، تخصیص‌های برابر و مشابه آنها که یکنواختی و یکسانی توزیع‌ها را نشان می‌دهند، در این سه دسته نمی‌تواند چه از نظر علمی و چه از منظر اسلامی پذیرفته شده باشد. پس در تبیین هرگونه شاخصی که دارای زیر شاخص‌های این چنینی است، می‌بایست از اینگونه محاسبات دوری کرد.

دسته دیگر زیر شاخص‌های مشترک، زیرشاخص‌های نظارتی و قانونی است که در جوامع مختلف میزان اثر و نوع آن متفاوت است. در راستای عدالت اقتصادی، قانون باید به گونه‌ای طراحی و اجرا شود که امکانات فعالیت، شرایط شکوفایی استعداد و امکان حضور هریک از واحدهای اقتصادی در هریک از بخش‌ها صرفاً محدود به تمایل، انگیزه و توانایی فرد باشد نه محدودیت‌های قانونی در سر راه فعالیت اقتصادی که موجب از بین رفتن عدالت می‌شوند. کنترل فساد، حمایت از حقوق مالکیت، عدم سوءاستفاده از موقعیت‌ها، عدم وجود رانت، عدم وجود حق و امتیاز ویژه و سلامت فضای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی را می‌توان با تنظیم شاخصی با بررسی آمار تعداد موارد نقص آنها که نشانگر عدم کفایت قانون یا عدم بازدارندگی قانون دانست. در مورد

شاخصه‌های حکمرانی، عدالت سیاسی، قضایی، پاسخگویی حکمران، حق اعتراض سیاسی مردم، آزادی مطبوعات و اختصاص اموال عمومی به خود نیز می‌توان موارد نقض را در نظر گرفت و هرچه بیشتر بودن این موارد در کشور به مفهوم بدتر شدن وضعیت عدالت در آن کشور است و افزایش آن به منزله افت شاخص عدالت خواهد بود. در این مورد شاخص‌های انتخاب شده جهت بررسی نیز این توضیح را پذیرفته و بررسی خود را معطوف به آمار فساد و نقض قانون گزارش شده نموده‌اند، اما مساله اصلی در بررسی این موارد نوع بررسی داده‌ها، نحوه محاسبات و از همه مهمتر صحت و قابل اتکا بودن آمارهای تعداد نقص‌ها می‌باشد. همچنین می‌توان برای این موارد می‌توان از مولفه‌هایی با آمار قابل اتکاتری استفاده کرد. از جمله تعداد تشکل‌های سیاسی دانشجویی و میزان فعالیت آنها به عنوان شاخصی برای آزادی سیاسی، یا تعداد گروه‌ها و احزاب فعال در کشور یا تعداد احزاب تعطیل شده، همچنین تعداد مرگ و میر ناشی از بیماری‌هایی که تنها چنانچه در دوره‌های پایانی دیر تشخیص داده شوند منجر به مرگ می‌شوند یا تعداد کودکان بدسرپرست و بی‌سرپرست بیمار به عنوان شاخص‌های تامینی سلامت، وضعیت معیشتی و سلامت کودکان دهک پایین درآمدی جامعه، میزان بهرمندی دهک پایین درآمدی از سبدکالای حداقلی، عدم وجود منع تهیه و مصرف کالاهای ضروری و تعداد محروم ماندگان از تحصیل به علت مشکلات مالی به عنوان شاخص عملکرد توزیع درآمدی می‌توانند شاخص‌های واقع بینانه‌تر با داده‌های قابل اتکاتر جهت بررسی باشند.

دسته پایانی زیر شاخص‌های بررسی شده مشترک در این شاخص‌ها مربوط به فقر، جهت‌گیری سوق منابع جامعه و نوع استفاده از اموال و دارایی‌ها است که با توجه به فرهنگ، شرایط و ویژگی‌های هر جامعه تعریف متفاوتی می‌تواند داشته باشد. برای بررسی این موضوع در بیشتر پژوهش‌های انجام شده در زمینه فقر یا از تعریفی برای خط فقر و سنجش جامعه نسبت به آن خط مفروض یا شاخصی ترکیبی برای فقر از وضعیت معیشت، سبدکالاهای مصرفی، درآمد و قابلیت‌ها، بازتوزیع درآمد در جامعه، نسبت درآمدی دهک اول پردرآمد به دهک دهم (کم‌درآمد) و نظیر آن استفاده شده است. با توجه به تعاریف ارائه شده در این پژوهش در مورد عدالت و بررسی فقر از جنبه‌های اقتصادی، اجتماعی، انسانی، آموزشی و فرهنگی که هر یک به سهم خود بر اقتصاد اثرگذارند، می‌توان بررسی فقر را نیازمند شاخصی ترکیبی و گسترده و لازمه توجه به حداقل‌های جامعه در تبیین مفهوم فقر دانست. مطابق با آنچه در این پژوهش تعریف شد، از آنجا که در مساله رعایت استحقاق در عدالت عدم بهرمندی برخی و بهرمندی برخی بیشتر از اثرشان در چرخه درآمد ملی موجبات فقر و همچنین موجبات ایرادات سیستم توزیع درآمد و نمونه فساد است و با توجه به اهمیت بررسی آن باید در نظر داشت که ممکن است ایجاد همبستگی در مدل و در نتیجه عدم توضیح دهندگی شاخص تعریفی شود. از سوی دیگر برخی تبعیض‌ها موجب فقر می‌شوند که به علت عدم دسترسی برخی واحدها یا گروه‌های جامعه به امکانات متناسب با توانایی‌های آنها است و رعایت تساوی در استحقاق‌های متساوی را برهم می‌زند و عدم برخورداری از آزادی‌های یکسان افراد و واحدهای یک کشور می‌تواند موجب فقر آموزشی، سلامت و سایر انواع فقر گردد. از اینرو فقر را می‌توان زیرشاخص مهمی در تبیین مفهوم عدالت دانست هرچند که می‌تواند در محاسبات سنجش و تحلیل شاخص، مشکلات فراوانی را ایجا کند، ولی نمی‌توان از آن در تحلیل عدالت صرف نظر کرد.

جدول ۵. زیرشاخص‌های مشترک

زیرشاخص‌های مشترک	نزدیکی به حوزه تحت پوشش در عدالت
رعایت حق سهم‌بری از تولید، توزیع منابع، توزیع درآمد، تخصیص بودجه، مصرف و برداشت بین نسلی و تخصیص منابع به بخش‌های مختلف اقتصاد	رعایت استحقاق‌ها
عدالت در برداشت و مصرف بین نسلی منابع	انصاف و آینده‌نگری
توزیع درآمد و ثروت	رعایت استحقاق‌ها
زیرشاخص‌های نظارتی و قانونی	عدم تبعیض و رعایت حقوق
فقر، جهت‌گیری سوق منابع جامعه و نوع استفاده از اموال و دارایی‌ها	رعایت انصاف و استحقاق‌ها

۴.۷. تحلیل شاخص‌های منحصر به فرد هریک از شاخص‌ها

علاوه بر مشترکات بین شاخص‌های منتخب در این پژوهش که موارد اساسی و زیر شاخصه‌های همه پذیر در اقتصاد برای مفهوم عدالت را بیان می‌دارند، هریک از این شاخص‌ها در برخی زیرشاخص‌ها، نوع محاسبه، بررسی و تحلیل نتایج، یکتا و منحصر هستند. در این بخش از پژوهش به بررسی زیرشاخص‌های معرفی شده منحصر به هر شاخص می‌پردازیم و سپس در بخش‌های بعدی نتایج و محاسبات هریک را نیز بررسی می‌کنیم. در شاخص منتخب اول شاکری، مومنی و همکاران^۱ ویژگی خاص بررسی توجه به زیرشاخص توزیع منصفانه منابع، فرصت‌ها و امکانات بر اساس شایستگی‌ها و مولفه عدالت درون نسلی و بین نسلی است. در این مورد، عبارت شایستگی‌ها مشکلات متعددی را در تعریف بوجود می‌آورد. هرچند که در تعریف آن سعی کرده‌اند شایستگی را معادل استحقاق بدانند و از آنجا که در جوامع بطور معمول افراد خود را شایسته‌تر از دیگران، پس از آن نزدیکان خود را شایسته می‌دانند و به همین ترتیب مشکل تعریف شایستگی به عنوان مفهوم ذهنی افراد در جوامع مختلف می‌تواند متفاوت باشد و لزوماً همان مفهوم رعایت استحقاق‌ها را به همراه ندارد. اگرچه که این تعریف با تلفیق با مفهوم سهم‌بری به میزان اثر و نقش آفرینی در تولید ملی و ارزش آفرینی می‌تواند موثرتر و روشن‌تر باشد، اما به علت نزدیکی با توزیع درآمد و حق منابع و عوامل تولید می‌توانند همبستگی قابل توجهی باهم داشته‌باشند که می‌تواند شاخص تعریفی را با مشکل و نتیجه آن را با تردید مواجه کند. علاوه بر این در تبیین عدالت بین نسلی بیان عدم مزیت نسل‌ها بر هم در استفاده و بهرمندی از منابع نسبت به هم این موضوع را مشابه حق استفاده یکسان نموده که طبق آنچه پیشتر نیز در این مقاله بیان شد در راستای توسعه مزیت استفاده در دوره‌های مختلف می‌تواند متفاوت باشد و از اینرو از نظر اقتصادی در عمل دوره‌ها و نسل‌های مختلف می‌توانند در استفاده و بهره‌برداری از منابع نسبت به هم مزیت داشته باشند. پس این مساله در واقع از پایه مستحکم علمی اقتصاد در برخی موارد برخوردار نیست.

جدول ۶. زیرشاخص‌های خاص شاخص اول

شاخص اول	
زیرشاخص‌های خاص	نزدیکی به حوزه تحت پوشش در عدالت
توزیع منصفانه منابع، فرصت‌ها و امکانات بر اساس شایستگی‌ها	رعایت استحقاق‌ها و عدم تبعیض
عدالت درون نسلی	انصاف، عدم تبعیض و رعایت حقوق و اولویت فردی
عدالت بین نسلی	انصاف، عدم تبعیض و رعایت حقوق

در شاخص منتخب دوم^۱ عزتی عدم تبعیض از لحاظ جنسیتی و بین منطقه‌ای، مفهوم استحکام خانواده در عدالت اجتماعی و حق اعتراض مردم و پاسخگویی دولتی و آزادی و مشارکت و ثبات سیاسی به عنوان عدالت سیاسی و کیفیت مقررات را به صورت منحصر در شاخص خود بررسی کرده‌است. در مورد تبعیض محدود بودن معیار به دو مورد ساده‌سازی مساله را نشان می‌دهد اما مطابق آنچه پیش‌تر گفته شد به علت اهمیت عدم وجود تبعیض در رعایت استحقاق‌ها که بخش اصلی مفهوم عدالت است می‌توان این زیرشاخص را با مولفه‌های بیشتری نیز علاوه بر آنچه در این شاخص و سایر شاخص‌های منتخب ارائه شده محاسبه نمود. هرگونه وجود عدم دسترسی به امکانات اولیه همسان در شرایط مشابه را می‌توان به عنوان نماد تبعیض در نظر گرفت. هرچند که این تعریف به سختی قابل اعمال عملی در پژوهش است و به ناچار می‌بایست برخی نمادهایی برای این مورد در نظر گرفت اما معیارهایی نظیر محدودیت‌های کسب و کار، امتیازات انحصاری، نژادی، قومی، مذهبی، گروهی و سهم گروه‌های خاص در بیت‌المال و بودجه دولت می‌توانند معیارهایی در این مورد باشند که در ادامه به این موارد خواهیم پرداخت.

جدول ۷. زیرشاخص‌های خاص شاخص دوم

شاخص دوم	
زیرشاخص‌های خاص	نزدیکی به حوزه تحت پوشش در عدالت
عدم تبعیض جنسیتی و بین منطقه‌ای	رعایت استحقاق‌ها
استحکام خانواده	اولویت فرد، رعایت حقوق و استحقاق‌ها
عدالت اجتماعی	اولویت فرد و رعایت حقوق
حق اعتراض مردم و پاسخگویی دولتی و آزادی و مشارکت	رعایت حقوق، انصاف و عدم تبعیض
ثبات سیاسی به عنوان عدالت سیاسی	انصاف و عدم تبعیض
کیفیت مقررات	رعایت حقوق و عدم تبعیض

در شاخص سوم^۲ سید نورانی و خاندوزی که بیشتر تمرکز بر اقتصادی بودن تمام مولفه‌ها دارند، حق بهینه استفاده از اموال به عنوان نماگر سطح بهره‌وری کل عوامل تولید و حق نیازمندان در اموال عمومی و خصوصی به عنوان نماینده درصد جمعیت زیر خط فقر ویژگی منحصر آن است. هرچند که در آموزه‌های دینی و به‌خصوص در قرآن معادل واژه بخشی که سهم فقرا در اموال است آمده، ولی به علت شرایط سخت بررسی این سهم و مطابق آنچه پیش‌تر در این

۱. شاخص ترکیبی عدالت بر پایه قانون اساسی ایران

۲. شاخص ترکیبی عدالت اقتصادی

پژوهش عنوان شد، همه افراد می‌بایست از حداقل معیشت و حقوق زندگی برخوردار باشند اما این مساله نباید توازن استحقاق دریافتی‌ها بر اساس ارزش در تولید ملی را بر هم زند یا موجب رواج کاهلی و بیکاری در جامعه گردد. از سوی دیگر در احکام استفاده در اسلام، صاحبان حق تا زمانی صاحب حق استفاده‌اند که استفاده صحیح نمایند، این موضوع کنار قوانین حمایت از حقوق مالکیت است و توزیع درآمد بر مبنای استحقاق‌ها تا حدودی تعریف معیاری برای آن را پیچیده می‌کند و نمی‌توان به سطح بهروری تنها به عنوان شاخصی جامع در این موضوع نگاه کرد.

جدول ۸. زیرشاخص‌های خاص شاخص سوم

شاخص سوم	
زیرشاخص‌های خاص	نزدیکی به حوزه تحت پوشش در عدالت
حق بهینه استفاده از اموال	رعایت حقوق و استحقاق‌ها
حق نیازمندان در اموال	انصاف، اولویت فرد و عدم تبعیض

در شاخص چهارم^۱ خاندوزی علی‌رغم عنوان عدالت اجتماعی، بیشتر مولفه‌های محاسبه خود را اقتصادی انتخاب کرده و تاثیر و پیامدهای اقتصادی را بررسی کرده است. ویژگی مهم این شاخص لحاظ نمودن وضعیت بازارها، محیط زیست، انسجام و امنیت ملی و عدالت در حوزه حکمرانی با مولفه‌های بودجه‌ای، اداری و سیاسی و مدنی می‌باشد. مساله بررسی اداری، سیاسی و مدنی مشابه محاسبات سایر شاخص‌ها در زیرشاخص‌های قضایی و سیاسی است که بیان دیگری از آن می‌باشد. اما توجه به ساختار بازارها و محیط زیست می‌تواند ویژگی مهمی به نظر برسد، و لب به علت کلیت بررسی، می‌بایست برای آنها زیرشاخص‌هایی تعریف کرد که در واقع این کار آن را شبیه به زیر شاخص‌های دیگر می‌کند و این نزدیکی می‌تواند عامل ایجاد همبستگی نیز باشد. اما از آنجا که مطابق تعاریف، در مفهوم عدالت حق صرفاً محدود به انسان‌ها نیست و تمام موجودات را در بر می‌گیرد از اینرو بررسی عدالت در حوزه محیط زیست بسیار حائز اهمیت و محاسبه آن به واقعی‌تر شدن و شمول شاخص معرفی شده کمک می‌کند. در حوزه تخصیص بودجه نیز همانطور که پیش‌تر در این پژوهش مورد بحث قرار گرفت، داده‌های سرانه نمی‌توانند نماینده خوبی در زمینه عدالت باشند. اما از آنجا که در تعالیم دینی بر عدالت حاکم اسلامی تاکید فراوان شده است، بررسی وضعیت عدالت در سطح حکمرانی نیز از مولفه‌های مهم در تبیین شاخص عدالت است.

جدول ۹. زیرشاخص‌های خاص شاخص چهارم

شاخص چهارم	
زیرشاخص‌های خاص	نزدیکی به حوزه تحت پوشش در عدالت
وضعیت بازارها	عدم تبعیض، اولویت فرد و رعایت حقوق
محیط زیست	عدم تبعیض و رعایت حقوق و استحقاق‌ها
انسجام و امنیت ملی	عدم تبعیض، رعایت حقوق
عدالت اداری، سیاسی و مدنی	عدم تبعیض، رعایت حقوق
تخصیص بودجه	عدم تبعیض

۵. تحلیل نتایج شاخص‌ها

در شاخص اول که محاسبات آن توسط نویسندگان انجام نشده است به صورت انتظاری شاخص فیزیکی زندگی^۱، میزان یهرمندی از امکانات رفاهی، بهروری کل عوامل تولید^۲، شاخص رفاه آمارتیاسین با بهبود و شاخص فوستر، گریر و توربک به صورت منفی بر شاخص عدالت اثرگذار بوده و با توجه به وزن دهی می‌توان نتیجه گرفت که انتظار بهبود وضعیت ایران با استفاده از شاخص خود را دارند که این امر بر اساس مشاهدات تجربی و شاخص‌های دیگر منطقی به نظر نمی‌رسد. با توجه به آنچه در بخش‌های پیشین این پژوهش در مورد این شاخص بیان شد، می‌توان از نوع نگاه شاخص به برابری، استفاده از زیر شاخص عدالت بین نسلی، نوعی گنگی در تعریف شایستگی، توجه به مولفه‌های برابری و در پایان نتیجه‌گیری انتظاری خلاف واقع این پژوهش در زمینه عدالت به عنوان معایب آن و از مطرح کردن مباحث مربوط به توزیع منصفانه، استحقاق‌ها و ارایه پایه‌های علمی و اسلامی به عنوان مزایای این شاخص‌سازی اشاره نمود.

در شاخص دوم، عزتی با توجه به بررسی و انتخاب شاخص‌ها و وزن‌دهی آنها با شیوه نظرخواهی از نخبگان منتخب اقدام نموده که با تخصصی تر شدن بررسی می‌توان احتمال خطاهای انتخاب را کاهش داد. همچنین وی روند تغییر شاخص‌های ترکیبی را برای تبعیض نشان دهنده اندکی بهبود، عدالت اقتصادی بدتر شدن، عدالت اجتماعی اندکی بهبود، عدالت سیاسی بدتر شدن و عدالت قضایی نیز بدتر شدن وضعیت را نشان می‌دهد که با توجه به وزن‌دهی یکسان شاخص‌ها در شاخص ترکیبی کل، وضعیت عدالت را بدتر شده دانسته و با وجود افزایش درآمدهای نفتی و منابع دیگر در سال‌های مورد بررسی، کشور را لز راه قانون اساسی و آرمان‌های نظام دور شده می‌بیند. از معایب این شاخص‌سازی می‌توان به کم بودن متغیرهای بررسی تبعیض و فساد و همچنین استفاده از آمار خانوارهای تک نفره در بعد عدالت اجتماعی که مبنای علمی یا دینی موافق با آن ذکر نشده است. هرچند که تعریف عرف جامعه ایرانی نسبت به این مساله نگاه بدی وجود دارد اما بیشتر مساله فرهنگی است تا مساله حقیقی در تعریف عدالت، همچنین از مزایای آن پژوهش می‌توان به پایه قوی اقتصاد اسلامی در تبیین موضوع، بهرمندی از زیرشاخص عدالت سیاسی با مولفه‌هایی نظیر حق اعتراض و پاسخگویی دولت، ثبات سیاسی، بررسی عدم تبعیض به عنوان جایگزین مفهوم برابری که موجب نزدیک‌تر شدن به مفهوم عدالت شده و بررسی فقر انسانی به عنوان مولفه‌ای نوظهور در پژوهش‌های انجام شده در این موضوع در ایران نام برد.

در شاخص سوم، سیدنورانی و خاندوزی در شاخص خود که با هفت نماگر کلی با وزن یکسان تشکیل شده، روند کاهشی و منفی ملموسی را نتیجه گرفته که عامل اصلی این کاهش را چهار مولفه عملکرد ضعیف در استفاده غیر بهینه منابع، عدم مراعات سهم نسل‌های آتی و ضعف حقوق مالکیت (که به علت افزایش سرقت‌ها است) و توزیع بودجه‌های عمرانی سرانه استانی عنوان نموده است. با توجه به آنچه در بخش‌های پیشین این پژوهش بیان شد مراعات سهم نسل‌های آتی به عنوان سهم برابر نسل‌ها و توزیع بودجه سرانه معیارهای مناسبی جهت سنجش در زمینه عدالت نیستند و با توجه به اثر بزرگ بیان شده آنها در شاخص می‌توان بیان داشت که این شاخص میزان کاهش عدالت را بیش از مقدار واقعی نشان داده است. این مورد از معایب این

1. PQLI
2. TFP

شاخص است و از مزایای آن می‌توان بیان حق استفاده بهینه از اموال، پایه گذاری فلسفی برای پژوهش و آرایه پیشنهادات در سیاست‌گذاری‌های آتی را به عنوان نکته مثبت و شاخصه مهم پژوهش عنوان کرد. در شاخص چهارم، خاندوزی با بررسی شاخص معرفی شده خود بیان می‌دارد که هرچه از حوزه‌های اقتصادی به سمت حوزه‌های اجتماعی حرکت کنیم، شاخص با کاهش شدیدتری روبرو می‌شود و بزرگترین چالش عدالت در ایران را حوزه خانواده و روابط اجتماعی می‌داند. همچنین با کل شاخص، کاهش و بدتر شدن وضعیت عدالت در ایران را نتیجه گرفته است. از ویژگی‌های مثبت این شاخص سازی می‌توان توجه به حوزه‌های اجتماعی و اثر اقتصادی آنها، توجه به زیر شاخص‌های حکمرانی و امنیت ملی دانست و از معایب آن تا حدودی دور شدن از فضای اقتصاد، وجود معیارهای برابری در شاخص‌ها به جای عدالت و توصیف حقوق برابر و یکسان برای افراد دانست. همچنین روند منفی به دست آمده در نتیجه این شاخص، با واقعیت سازگارتر است که خود ویژگی مثبتی محسوب می‌شود.

۶. تحلیل روند شاخص‌ها

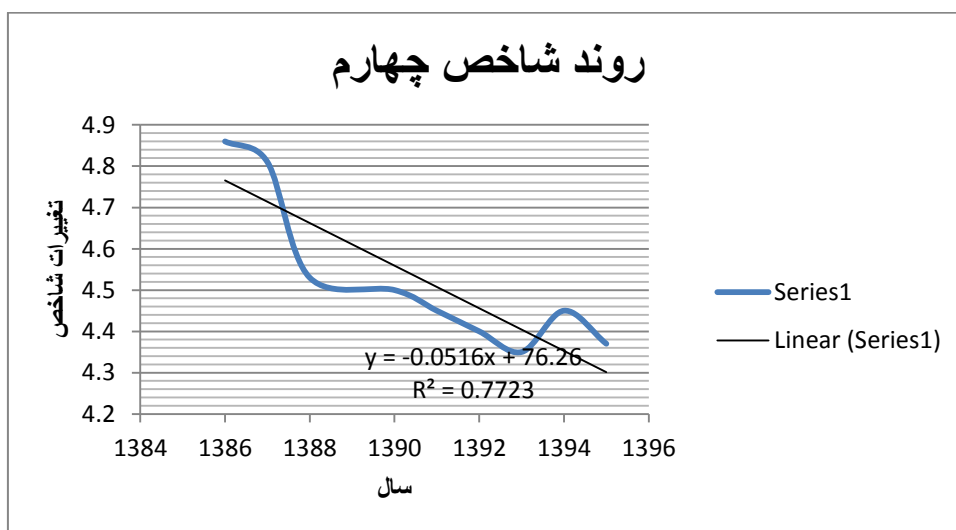
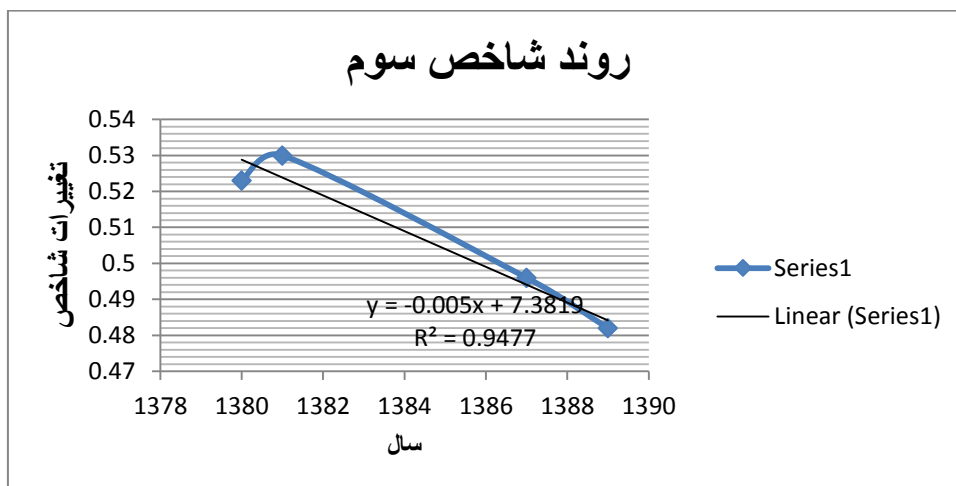
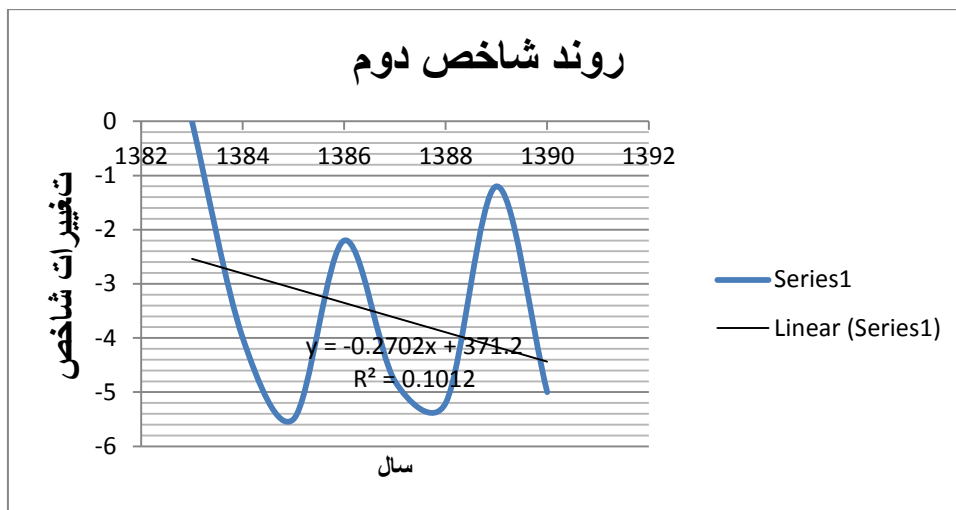
شاخص اول^۱ پیش بینی روند صعودی به موازات صعود وضعیت مصرف و رفاه بیشتر را با توجه به تعاریف خود داشته است. شاخص دوم^۲ با توجه به وزن یکسان مولفه‌ها روند را منفی و منتج به بدتر شدن وضعیت عدالت در روند کاهشی شاخص بیان نموده است. شاخص سوم^۳ روند را با اوج بدتر شدن در چندسال پیش از ۱۳۸۹، به صورت کلی منفی و موجب بدتر شدن شاخص در کل دوره بیان می‌دارد. شاخص چهارم^۴ روند کاهش را تقریباً با ثبات به دست آورده است که این مغایر با سایر شاخص‌ها و به خصوص مشاهدات واقعی در اواخر سالهای دهه ۱۳۸۰ و اوایل ده ۱۳۹۰ است. در اینجا روند تغییرات شاخص مورد بررسی هر یک شاخص‌ها با اطلاعات ارائه شده از هرکدام، بجز شاخص سوم که فاقد مبنای محاسباتی است، که در این پژوهش نیز به عدم امکان محاسبه دست آن اشاره شد، ارائه شده و برازش خطی هرکدام که نشان‌دهنده رفتار هر شاخص است، نشان داده شده است. این روند بطور واضح تصدیقی بر تحلیل این پژوهش می‌تواند باشد. همچنین برازش بدست آمده تفاوت در ویژگی‌ها و زیرشاخص‌های هر شاخص مطابق آنچه در این پژوهش تحلیل شد را تایید می‌کند که زیادتر یا کمتر از حد واقعی نشان دادن شاخص‌ها را می‌توان به سادگی در آن مشاهده نمود. به این ترتیب می‌توان بیان داشت که با توجه به تحلیل‌های مطرح شده، سه شاخص که محاسبات را نیز انجام داده‌اند، سوی تغییرات و ماهیت تغییر شاخص را مطابق با واقعیت پیش بینی نموده‌اند، اما این پیش بینی کماکان می‌تواند دقیق‌تر و منطبق‌تر بر واقعیت باشد.

۱. شاکری، مومنی و همکاران

۲. عزتی

۳. سیدنورانی و خاندوزی

۴. خاندوزی



شکل ۳. نمودار رفتار تغییرات شاخص‌ها در طول زمان و برازش آن

۷. تحلیل نظر سنجی عمومی

با توجه به مفهوم بسیط عدالت، ادراک کلی از عدالت می‌تواند یک نماگر مفید در این زمینه باشد. درک مفهوم عدالت توسط مردم می‌تواند نشانه اثرگذاری آن بر یکایک افراد جامعه باشد. از این‌رو، جهت واقعی‌تر کردن بررسی مشاهدات عملی واقعی از روند عدالت در ایران در این بررسی اقدام به ارایه یک نظرسنجی اینترنتی در شبکه‌های مجازی با حق رای حداکثر یک رای به ازای هر پروفایل پذیرفته شده حقیقی و عدم امکان رای دهی روباتیک، شد.

این نظر سنجی با عنوان سوال "آیا شاخص عدالت در سال‌های اخیر به تدریج نسبت به قبل‌تر بدتر یا بهتر شده است؟" بصورت دوگزینه‌ای با توضیح اینکه سال منظور زمانی است که فرد به‌طور کامل آن را درک کرده باشد و صلاحیت نظردهی در آن داشته باشد، روند بررسی از سال ۸۵ تا ۱۳۹۸ را بیشتر مد نظر دارد. همچنین در این سوال مولفه‌های برابری فرصت‌ها و امکانات، عدم وجود انواع تبعیض، آزادی فضای کسب و کار، و سطوح عایدی و درآمدی بر مبنای شایستگی‌ها تعریف و برای رای‌دهندگان توضیح داده شده است.



شکل ۴. نماگر نتیجه نظرسنجی

پاسخ‌های این نظر سنجی با ۱۰۹۰ رای به گزینه بدتر شده است و ۲۴۰ رای به گزینه بهتر شده است، با حضور ۱۳۳۰ رای دهنده یکتا که در بازه سنی درک سال‌های مورد بررسی بوده‌اند، نشانگر مشاهده افراد جامعه از وضعیت عدالت در جامعه است. در این نظر سنجی، شرکت‌کنندگان ۴۰٪ متولدین دهه ۱۳۶۰، ۴۰٪ متولدین دهه ۱۳۷۰ و ۲۰٪ متولدین سایر دهه‌ها بوده‌اند. ۹۵ درصد شرکت‌کنندگان دارای تحصیلات آکادمیک، ۵۰ درصد دانشجو و ۴۰ درصد دارای تحصیلات عالی فوق‌لیسانس و بالاتر بوده‌اند.

در ذیل این نظرسنجی، نظرات تکمیلی شرکت‌کنندگان که ادله آنها برای پاسخ انتخابی خود بوده را با مثال‌هایی ارائه نموده‌اند، که قابل توجه بوده و به مواردی که از نظر خود نقض عدالت می‌دانستند اشاره کرده‌اند. از این میان می‌توان به ترتیب بیشترین موارد ذکر شده توسط شرکت‌کنندگان در نظرسنجی (حداقل ۵ مورد تکرار) به عنوان مثال ناقض عدالت به موارد زیر اشاره نمود.

۱. عدم وجود فرصت‌های برابر در راه‌اندازی کسب‌وکارها
۲. تبعیض در امتیازهای ویژه و وجود امضاهای طلایی
۳. ممنوعیت و محدودیت واردات خودرو و سایر کالاها
۴. بهرمندی نامتناسب افراد از منابع به واسطه ارتباطات خانوادگی
۵. وجود شرکت‌های شبه دولتی و رانتی
۶. زمین‌داری و زمین‌خواری سازمان‌ها و افراد قضایی و نظامی
۷. حضور نظامیان در عرصه‌های مختلف با اعمال فشار نظامی

۸. بی کفایتی و عدم رعایت استحقاق‌ها در انتخاب و بکارگیری مدیران بخش عمومی
۹. عدم بهروری بنگاه‌های دولتی و ادامه کار آنها
۱۰. عدم رضایت از وضعیت آزادی‌های سیاسی و مطبوعاتی
۱۱. برخورد ناهمسان و دور از قانون در ارگان‌ها بخصوص قوه قضائیه و شهرداری‌ها
۱۲. و سایر موارد دیگر که تعداد تکرار کمتری داشته‌اند، می‌توان اشاره نمود.

تحلیل این نتیجه می‌تواند با توجه به مشاهدات تجربی و با توجه به اینکه شاخص‌های محاسبه شده روند کاهش شاخص عدالت را نشان می‌دهند و انتظارات مردم نیز منفی است می‌توان نتیجه گرفت که محاسبات منطبق بر برداشت عامه مردم می‌تواند به واقعیت نزدیک‌تر باشد.

۸. پیشنهادها

در راستای بهبود، واقعی‌تر کردن، جامعیت و مطابقت بیشتر شاخص عدالت با تعاریف علمی، اسلامی و قانونی برای کاربردی‌تر شدن شاخص برای بررسی وضعیت ایران، با توجه به آنچه در این پژوهش بیان شد، دوری از مفهوم برابری و نزدیکی به مفهوم عدالت بر اساس رعایت استحقاق‌ها و بهرمندی از فرصت‌هایی که حق افراد باشد چه از منظر قانونی و چه از منظر علمی و اسلامی پسندیده‌تر و واقع‌گرایانه‌تر می‌باشد. در مورد این موضوع برای نمونه حق و امکان تاسیس مهدکودک برای تمام افراد دارای تخصص، عدم سوء پیشینه، سلامت روان و توانایی‌های متناسب با کار می‌باید یک روال و رویه باشد، ولی برای افراد بدون تخصص و سابقه‌دار به‌طور کامل ممنوع باشد، این مورد عینا خلاف برابری و عینا مطابق عدالت است. هرچند که در این موارد باید از انحصاری شدن بازارها و ایجاد حقوق انحصاری توسط افراد به بهانه‌های مختلف جلوگیری کرد. برای نمونه فرآیند داروسازی عملی تخصصی و نیازمند مجوزهای لازم است اما عمل داروفروشی و مدیریت داروخانه به عنوان یک بنگاه اقتصادی نیازی به تخصص دارویی و پزشکی ندارد که طی دوره‌های مختلف کم کم با توجه به نفوذ نظام پزشکی این چنین حقوق انحصاری در کشور که موجب دور شدن بازارها از شرایط رقابت و در تضاد با عدالت است، رواج یافته است. پس شاخص‌ها برای بررسی دقیق‌تر مفهوم عدالت و نماگری بهتر می‌بایست این مساله را در فرآیند شاخص سازی به‌ویژه در انتخاب زیرشاخص‌ها در نظر بگیرند.

از سوی دیگر با توجه به تعریف رعایت استحقاق در عدالت، بیان یکنواختی‌های توزیع و تخصیص نیز نمی‌تواند معیار خوبی باشند. بهتر است از تحلیل‌های سرانه ساده پرهیز و تخصیص‌ها بر مبنای تخصیص و توزیع وزن‌دار که تخصیص بیشتر به بخش‌های دارای مزیت بیشتر، و توزیع مایل به سمت بخش‌های بیشتر اثرگذار در جریان تولید ملی در نظر گرفته شوند تا مطابقت بیشتری با تعریف معیار عدالت جمع‌بندی شده در این بررسی داشته باشند.

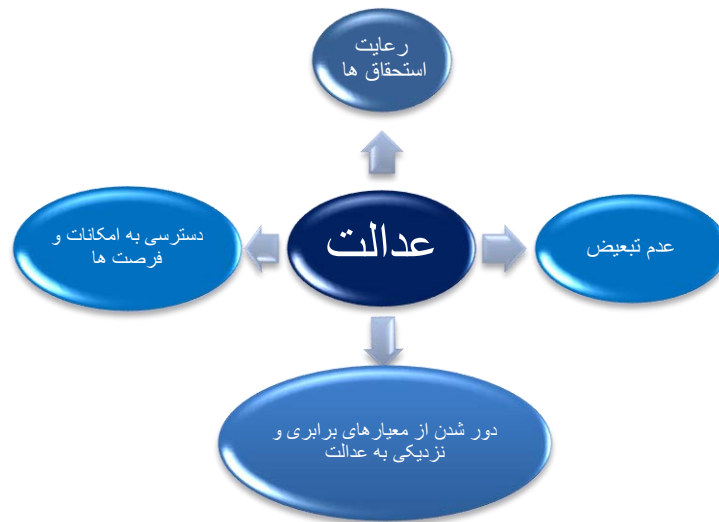
همچنین می‌توان در بخش سیاسی از مولفه‌های با آمار قابل اتکاتری استفاده کرد. از جمله تعداد تشکل‌های سیاسی و احزاب و میزان فعالیت و آزادی فعالیت آنها یا تعداد احزاب تعطیل شده، همچنین تعداد مرگ و میر ناشی از بیماری‌هایی که تنها چنانچه در دوره‌های پایانی دیر تشخیص داده شوند، منجر به مرگ می‌شوند، عدم وجود منع تهیه و مصرف کالاهای ضروری و تعداد محروم ماندگان از تحصیل به عنوان شاخص عملکرد

ایجاد فرصت‌های عادلانه، می‌توانند در زمینه سیاسی اعمالی نظیر فیلترینگ می‌توانند موجب کاهش دسترسی به موضوعات علمی، منابع روز دانش و در نتیجه فقر آموزشی جامعه نیز شوند. همچنین نوع سیاست‌های محدود کننده مبادلات بانکی در عرصه بین‌المللی می‌تواند موجب فقر در زمینه‌های دیگر به دلیل عدم دسترسی شود، به ویژه در زمینه‌های سلامت، آموزش و تکنولوژی که زمینه‌ساز فقر در زمینه‌های دیگر نیز می‌شوند و از راه فقر، عدالت را تضعیف و شاخص آنرا کاهش می‌دهند.

در رابطه با شاخص فقر نیز می‌توان بیان داشت که مطابق با آنچه در این پژوهش تعریف شد، از آنجا که در مساله رعایت استحقاق در عدالت عدم بهرمندی برخی از منابع و بهرمندی برخی بیشتر از اثرشان در چرخه درآمد ملی موجبات فقر و همچنین موجبات ایرادات سیستم توزیع درآمد و نمونه فساد است، با توجه به اهمیت بررسی آن باید در نظر داشت که ممکن است ایجاد همبستگی در مدل و در نتیجه عدم توضیح دهندگی شاخص تعریفی شود. از سوی دیگر برخی تبعیض‌ها موجب فقر می‌شوند که به علت عدم دسترسی برخی واحدها یا گروه‌های جامعه به امکانات متناسب با توانایی‌های آنها بوده و رعایت تساوی در استحقاق‌های متساوی را برهم زده و عدم برخورداری از آزادی‌های یکسان افراد و واحدهای یک کشور می‌تواند موجب فقر آموزشی، سلامت و سایر انواع فقر گردد. از این‌رو فقر را می‌توان زیرشاخص مهمی در تبیین مفهوم عدالت دانست هرچند که می‌تواند در محاسبات سنجش و تحلیل شاخص مشکلات فراوانی را ایجا کند اما نمی‌توان از آن در تحلیل عدالت صرف نظر کرد.

جدول ۱۲. زمینه‌های زیرشاخص‌های جدید

زمینه‌های عدالت	زیرشاخص‌های جدید
تعریف و پایه	دوری از مفهوم برابری و نزدیکی به مفهوم عدالت بر اساس رعایت استحقاق‌ها و بهرمندی از فرصت‌هایی که حق افراد باشد
رعایت استحقاق‌ها	بکارگیری زیرشاخص‌های وزن دار و دوری از معیارهای همسانی و یکنواختی
عدالت سیاسی	آزادی فعالیت به مفهوم تعمیم یافته آن و وجود فرصت‌های عادلانه
فقر	توزیع بر اساس استحقاق و سهم‌بری وزن دار به وزن نقش در تولید
سلامت	سهولت دسترسی به موقع در زمان نیاز
عدالت قضایی و حکومتی	عدم تبعیض، شفافیت و سیاست‌های محدودکننده
آموزشی	عدم دسترسی به منابع آموزشی
اجتماعی	نوع طبقه‌بندی جامعه



شکل ۵. لازمه‌های مبنایی عدالت

۹. نتیجه‌گیری

با توجه به بررسی انجام شده در این پژوهش، از میان شاخص‌های منتخب که به بررسی این پژوهش بهترین و قوی‌ترین کارهای انجام شده در این زمینه بوده‌اند، جهت مقایسه که مزایا و معایب آنها در پژوهش بیان شد. با توجه به اهمیت عدالت و شاخص آن جهت تبیین و بررسی وضعیت موجود و برنامه‌ریزی آتی پژوهش‌های انتخابی در این پژوهش شاخص‌های ارزنده‌ای هستند که در این زمینه قابل توجه می‌باشند. شاخص اول که توسط شاکری، مومنی و همکاران تبیین شده، دورترین شاخص از واقعیت و روندی مخالف با رخدادهای اجتماع را پیش‌بینی نموده و با استفاده از مفهوم برابری از معنای عدالت دور شده است. البته در بخش توجه به توزیع منصفانه براساس شایستگی‌ها و ورود این معیار به شاخص، گام موثری در تبیین شاخص‌های عدالت در ایران داشته است. شاخص دوم که توسط عزتی تبیین شده است، از نظر روند و نتیجه مطابقت قابل قبولی با روند بدتر شدن قابل مشاهده وضعیت عدالت دارد و از نظر ورود عدم تبعیض‌ها و عدالت سیاسی در بررسی گام موثر خود را در توسعه شاخص عدالت در ایران برداشته است. شاخص سوم که توسط سیدنورانی و خاندوزی ارائه شده است بنا به تعریف بسیار وابسته خود در راستای برابری و یکسانی حقوق و سهم‌ها، نتایج دور از واقعی ارائه نموده ولی با ورود حق استفاده بهینه از اموال گام موثری را در تبیین شاخص‌های فقر در ایران برداشته است. در شاخص چهارم که توسط خاندوزی بررسی شده است علاوه بر انطباق نتایج با روند بدتر شدن وضعیت عدالت در ایران، استفاده از مولفه‌های محیط زیست، امنیت ملی و بررسی بازارها گام موثری در ساخت شاخص‌های عدالت در ایران بوده است، ولی از جهت متغیرهای بیشتر تعریف شده و وجود همبستگی بین اجزای شاخص و همچون سایر شاخص‌ها دارای ویژگی‌های برابری و نه عدالت محور را می‌توان از معایب آنها نام برد.

با توجه به بررسی انجام شده در این پژوهش و آنچه بیان و تحلیل شد، و همچنین مقایسه نتایج شاخص‌ها با نظرسنجی انجام شده این شاخص‌ها با وجود مزایای خوبی که هر یک دارند، ولی می‌توان در پژوهش‌های آتی در این زمینه، شاخص‌هایی ساخته شوند که منطبق‌تر بر تعریف عدالت و نماگر دقیق‌تری از وضعیت، چگونگی و روند عدالت در کشور باشند.

منابع و مأخذ

- ابن ماجه، محمد بن یزید (بی تا)، سنن ابن ماجه، تحقیق محمدفؤاد عبدالباقی، بیروت: دار الفکر.
- آذر، عادل و فرجی، ح. (۱۳۸۱) علم مدیریت فازی، تهران: انتشارات اجتماع
- بلیکی، نورمن (۱۳۸۴)، طراحی پژوهشهای اجتماعی، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: انتشارات نی.
- پایگاه داده‌های بانک مرکزی ایران
- پایگاه داده‌های مرکز آمار ایران
- پایگاه داده‌های بانک جهانی
- پناهی بروجردی، نعمت الله (۱۳۹۰)، شاخص تکریم مشتری در الگوی اسلامی - ایرانی، دوفصلنامه معرفت اقتصادی
- جایگاه قرض الحسنه در نظام بانکداری، عرب مازار، عباس و سعید کیقبادی (۱۳۸۵)، فصلنامه اقتصاد اسلامی
- جعفری، ن. و منتظر، غ. (۱۳۸۷) استفاده از روش دلفی فازی برای تعیین سیاست‌های مالیاتی کشور، پژوهش‌های اقتصاد
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۳ ق)، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، تهران: مکتبه‌الاسلامیه
- حکیمی، محمدرضا و دیگران (۱۳۶۸) الحیاء، تهران، مکتب نشر الثقافه الاسلامیه.
- خاندوزی، سید احسان، طراحی و برآورد شاخص ترکیبی عدالت اجتماعی در ایران.
- خاندوزی، ا. سرآبادانی، ح. و مصطفوی، ع. (۱۳۹۷)، بررسی شاخص‌های عدالت در اقتصاد متعارف و ارزیابی آنها از منظر اسلام، هفتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ اردیبهشت ۱۳۹۷
- خدایانه، م. انصاری، ا. و زراءنژاد، م. (۱۳۹۵)، تخمین شاخص ترکیبی اقتصاد اسلامی و بررسی روند تغییرات آن در ایران
- رجایی، سید کاظم و مصطفی کاظمی (۱۳۹۰)، شاخص ترکیبی صداقت در بازار، فصلنامه معرفت اقتصادی
- زراءنژاد، م. انصاری، ا. شاخص ترکیبی اندازه‌گیری میزان انطباق نظام‌های اقتصادی با اصول اقتصاد اسلامی
- سیدنورانی، م. خاندوزی، ا. (۱۳۹۱)، مبنای نظری سنجش عدالت اقتصادی در اسلام، دوفصلنامه علمی-پژوهشی جستارهای اقتصادی ایران، بهار و تابستان ۱۳۹۱
- سیدنورانی، م. خاندوزی، ا. (۱۳۹۵)، معرفی و محاسبه شاخص ترکیبی عدالت اقتصادی از منظر اسلامی در ایران، فصلنامه مجلس و راهبرد، بهار ۱۳۹۵
- شاکری، ع. و همکاران. (۱۳۹۷) دآمدی بر شاخص ترکیبی عدالت اقتصادی با رویکرد اسلامی، فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، تابستان ۱۳۹۸
- صدوق، محمد بن علی بن الحسین بن بابویه (۱۴۱۳ ق) من لا یحضره الفقیه قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ سوم.
- طباطبایی، سید محمدحسین (۱۴۱۷ ق)، المیزان فی تفسیر القرآن بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، چاپ اول.

- طوسی، محمد بن حسن (۱۳۶۵) تهذیب الاحکام، تهران: دار الکتب الاسلامیه، چاپ چهارم
- عزتی، مرتضی (۱۳۹۷) اقتصاد خرد ۳، سمت
- عزتی، مرتضی (۱۳۹۳). تدوین شاخص ترکیبی عدالت بر پایه قانون اساسی ج.ا. ایران و سنجش آن طی یک دوره هشت ساله، فصلنامه علمی-پژوهشی راهبرد اقتصادی، ۱۳۹۳
- عزتی، مرتضی (۱۳۹۵)، گزارش اقتصاد اسلامی ایران، تهران: پژوهشکده اقتصاد
- عزتی، محمدجواد. (۱۳۹۸)، بررسی مقایسه‌ای شاخص اقتصاد اسلامی در ایران، پاییز ۱۳۹۸
- عمید، حمید (۱۳۸۹)، فرهنگ لغت عمید، تهران: انتشارات اشجع
- عیوضلو، ح. (۱۳۸۹)، مروری بر معیارهای عدالت اجتماعی و اقتصادی در تطبیق با چارچوب شریعت اسلام، دوفصلنامه علمی-تخصصی مطالعات اقتصاد اسلامی، شماره دوم سال ۱۳۸۹
- عیوضلو، ح. و کریمی ریزی، م. (۱۳۹۳)، شناسایی و اندازه‌گیری شاخص عدالت و کارایی در نظام بانکی، دوفصلنامه علمی پژوهشی مطالعات اقتصاد اسلامی، سال هشتم، شماره اول، پاییز ۵۱، زمستان ۱۳۹۵
- مبارک، اصغر (۱۳۹۲)، بررسی اثرات فساد اقتصادی بر رشد اقتصادی در کشورهای اسلامی، فصلنامه دانش حسابداری
- مطهری، مرتضی (۱۴۰۳ ق)، بررسی اجمالی مبانی اقتصاد اسلامی، انتشارات حکمت
- مطهری، مرتضی (۱۳۵۹)، بررسی اجمالی مبانی اقتصاد اسلامی، تهران: انتشارات حکمت.
- میر، جerald (۱۳۷۸) اقتصاد توسعه، مترجم: غلامرضا آزاد ارمکی، تهران: نشرنی.
- هادوی نیا، علی اصغر (۱۳۸۲)، انسان اقتصادی از دیدگاه اسلام، قم: سازمان انتشارات پژوهشکده فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- یوسفی شیخ رباط، م. و افشاریه، م. (۱۳۹۴)، بررسی عملکرد اقتصاد ایران از دیدگاه عدالت، فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، پاییز ۱۳۹۵
- Azzi, C. and R. Ehrenberg (Feb 1975) "Household Allocation of Time and Church Attendance," Journal of Political Economy.
- Barrett, D. B., Kurian, G. T., and Johnson, T. M. (2001) World Christian encyclopedia: A Comparative Survey of Churches and Religions in the Modern World (New York: Oxford University Press).
- Barrett, David (1892) World Christian Encyclopedia: A Comparative Study of Churches and Religions in the Modern World, AD 1900-2000 (New York: Oxford University Press).
- Barro, Robert J. "Spirit of Capitalism: Religion and Economic Development," Harvard International Review: Religion, 2004.
- Barro, R. J., & Lee, J.-W. (2000). International data on educational attainment: www.cid.harvard.edu
- Barro, R.J and Joshua Mitchell (June 17, 2004) "Religious Faith and Economic Growth: What Matters Most – Belief or Belonging?" Heritage Lectures, The Heritage Foundation.
- Barro, R. J., & McCleary, R. M. (2003) "Religion and Economic Growth Across Countries," American Sociological Review.
- Global Economy Journal
- Delacroix, Jacques (1995) "Religion and Economic Action: The Protestant Ethic, the Rise of Capitalism and the Abuses of Scholarship," Journal of the Scientific Study of Religion.

- Rehman and Askari: An Economic Islamicity Index (EI2) Published by Berkeley Electronic Press, 2010
- Hume, D (1993) The Natural History of Religion in edited by J.C.A. Gaskin (Oxford: Oxford University Press).
- Inglehart, Ronald (1997) Modernization and Postmodernization: Cultural, Economic, and Political Change in 43 Societies (Princeton: Princeton University Press).
- Inglehart, Ronald, Flanagan, Scott (1987) "Value Change in Industrial Societies," American Political Science Review.
- Inglehart, Ronald, Norris, Pippa (2003) Rising Tide: Gender Equality and Cultural Change (New York: Cambridge University Press).
- Kuran, Timur (1992) "The Economic System in Contemporary Islamic Thought," in K. S. Jomo (ed.), Islamic Economic Alternatives (London: Macmillan).
- Kuran, Timur (1993) "The Economic Impact of Islamic Fundamentalism," in M.E. Marty and R.S. Appleby (ed), Fundamentalisms and the State (Chicago: University of Chicago Press).
- Kuran, Timur (2003) "Islamic Redistribution Through Zakat: Historical Record and Modern Realities," in M. Bonner, M. Ener, & A. Singer (ed.), Poverty And Charity In Middle Eastern Contexts (Albany, NY: State University of New York Press).
- Kuran, Timur (2004) Islam and Mammon: The Economic Predicaments of Islamism, (Princeton: Princeton University Press).
- Lewis, Bernard (2002) What Went Wrong? Western Impact and the Middle Eastern Response (New York: Oxford University Press).
- Lewis, Bernard (2003) The Crisis of Islam: Holy War and Unholy Terror (New York: Random House).
- Mirakhor, Abbas (2003) The General Characteristics Of An Islamic Economic System (New York: Global Scholarly Publication).
- Mirakhor, Abbas (1989) "The General Characteristics Of An Islamic Economic
- Siddiqi, M. N. (1981) Muslim Economic Thinking (Jeddah: International Centre for Research in Islamic Economics, King Abdul Aziz University).
- Smith, Adam ([1790], 2002) The Theory of Moral Sentiments, (Cambridge: Cambridge University Press).
- Smith, Adam ([1776] 1965) An Inquiry Into the Nature and Causes of the Wealth of Nations (New York: Modern Library).
- Weber, Max (2002) The Protestant Ethic And The "Spirit" Of Capitalism And Other Writings (New York: Penguin Books).
- Weber, Max (1930) The Protestant Ethic and the Spirit of Capitalism, translated by Talcott Parsons (London: Allen & Unwin).

بررسی مقایسه‌ای شاخص‌های اقتصاد اسلامی ایران^۱

محمدجواد عزّتی^۲

چکیده

در این پژوهش، به جهت بررسی شاخص اسلامی بودن اقتصاد، سه شاخص که از پایه بهتری برخوردار بوده انتخاب شدند، از چند منظر که پایه‌های هر یک در ادبیات این پژوهش ذکر شده، بررسی گردیده و سپس نتیجه، روند، زیرشاخص‌ها و مولفه‌های آن‌ها بطور جداگانه و با یکدیگر مورد بررسی قرار گرفته‌است. سپس نتیجه گیری و ارائه پیشنهادات در مورد شاخص اقتصاد اسلامی کاراً ارائه شده‌است. از میان سه شاخص منتخب، شاخص گزارش اقتصاد اسلامی ایران، شاخص اسلامی بودن اقتصاد زحمان و عسگری و شاخص ترکیبی اقتصاد اسلامی ایران خدایانه، انصاری و خاندوزی، به ترتیب از کارآیی بیشتر به کمتر برخوردار می‌باشند و با رفع نواقص و ترکیب کار همه با هم، می‌توان در پژوهش‌های بعدی در این حوزه به شاخص‌های ایده‌آلی رسید.

واژگان کلیدی: اقتصاد اسلامی، شاخص، ایران، شاخص اقتصاد اسلامی ایران، اسلامی بودن اقتصاد

۱. مقدمه

با توجه به اسلامی بودن ساختار نظام ایران، داعیه های اسلامی در سطح بین المللی و داخلی، اصل و مبنا بودن اقتصاد در تحقق هرگونه پیشرفت و توسعه، پژوهش های انجام شده در زمینه شاخصی برای میزان مطابقت وضعیت و حرکت اقتصادی کشور بر مبنای اقتصاد اسلامی بسیار محدود می باشد.

شاخص های اقتصاد اسلامی همانطور که از نام آن برمی آید سه وجه دارد که در ایجاد آن بررسی هر سه حوزه اهمیت دارد. حوزه اقتصادی که بنا به تعاریف موضوعی و پایه های علمی دانش اقتصاد، دارای متغیرها و مولفه های گوناگون است، حوزه اسلامی مبنای چگونگی رفتارها و تبیین هدفها و حوزه شاخص سازی که مبحثی آماری با شیوه های مختص خود است. این بررسی ها در راستای بهبود کیفیت شاخص اقتصاد اسلامی ساخته شده، مطابقت بیشتر با علم و دین، همراهی با اهداف سیاست گذاری و مبنای هدف گذاری های کلان در راستای موفقیت اقتصادی و اسلامی تر شدن وضعیت اقتصاد دارای اهمیت فراوان است.

در حوزه های مورد بررسی، سعی شده است تا از منابع قابل اتکا و پذیرفته شده در نظر متخصصان استفاده شود تا ارزش بررسی را تا حد امکان افزایش دهد. از اینرو در زمینه اسلامی مبنای اصلی قرآن کریم و در مباحث فقهی و شریعت نظرات صاحب نظران دارای اعتبار و مورد پذیرش و متخصصان بنام امروزی اقتصاد اسلامی در ایران و جهان بهره برده شده است. همچنین در زمینه علم اقتصاد مبنای مقایسه کتب پایه اقتصادی و مقالات تخصصی با درجه اعتبار بین المللی بوده که به روزترین و مرتبط ترین آنها انتخاب شده است. به جهت مطابقت بیشتر شاخص با نظام موجود در ایران و کاربردی تر کردن شاخص برای استفاده در ایران از منظر قانونی نیز مطابقت با قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مبنای بررسی قرار گرفته است. با توجه به حساسیت اعتبار موضوعات دینی و احکام بروز آن در بررسی سعی در دقت هرچه بیشتر منابع به عمل آمده و تا حد امکان از منابع دارای شبهه و نظرات فعالان سیاسی و غیرتخصصی پرهیز شده است.

علاوه بر سه حوزه مطرح شده، مطابقت این شاخص ایجاد شده با قانون هر کشور و قوانین و مقررات بین المللی اهمیت دارد، هرچند که قانون نیز نیازمند بررسی است تا مطابقت آن با معیارهای اسلامی بررسی شود. با این وجود دایره بررسی، شناخت و منابع اسلامی منتخب نیز در تبیین اسلام واقعی از اهمیت ویژه ای برخوردار است. گاهی در برخی متون اسلام بازیچه سیاست، اهداف زودگذر دنیایی افراد، جعل احادیث، دروغ بستن ها به خدا و پیامبر، حکومت های فاسد با نام دین و دیگر از این دست موارد که منابع قابل اتکای دینی را بسیار محدود ساخته و بررسی را بسیار سخت نموده است.

شاخصه های اقتصاد اسلامی بر مبنای بهرمندی از شرایط تعالی و حرکت در راستای توسعه و بهبود روزافزون در تعریف آن علاوه بر وابستگی به تعریف موضوعی اقتصاد در راستای مطابقت با تعالیم و آموزه های اسلامی نیز می باشد. بر این مبنا تعاریف مختلف و موجود در این زمینه مطالعه و پژوهش های انجام شده در این زمینه مطالعه و بررسی شده است که از این میان سه پژوهش که اهمیت بیشتر و محاسبه دقیق تری در مورد شرایط ایران داشتند، جهت مقایسه و بررسی انتخاب گردیده اند.

در این راستا ابتدا خود شاخص ها سپس پایه علمی و تعریفی آنها، محاسبات و دقت آماری، سندیت داده ها، زیر شاخص ها، محورهای بررسی و مولفه های هر شاخص جداگانه بررسی می شود و سپس در کنار هم با یکدیگر

مقایسه می‌گردند تا مزایا و معایب تخمین‌ها جهت پژوهش‌های آتی مشخص گردد.

۲. ادبیات پژوهش

شاخص معیاری است برای ارزیابی میزان نزدیکی به هدف مورد نظر است. شاخص‌ها بر اساس اطلاعات موجود طراحی و ساخته می‌شوند. شاخص سازی به معنای کمی کردن مقادیر جهت بیان ساده‌تر می‌باشند که به منظور درک بهتر اثر ساخته می‌شوند. پیش نیاز ساخت یک شاخص خوب شفافیت و تعریف روشن همه پذیر شاخص و زیرشاخص‌های آن است. در تعریف شاخص، جهت قابل استفاده کردن متغیرهای کیفی، نیاز به تعریف معیارهای سنجشی برای اندازه‌گیری است. از سوی دیگر جامعیت شاخص نیز معیار مهمی در تبیین شاخص است. در محاسبات و گردآوری داده‌ها نیز، انتخاب داده‌های قابل اتکا و روش محاسباتی مناسب در کیفیت شاخص اثرگذار است. به این منظور روش محاسباتی با شیوه‌های متداول یا روش جدید با پایه محاسباتی اثبات‌پذیر که پاسخی در بازه قابل قبولی از اطمینان حاصل کند، انتخاب می‌شود. اهمیت ساخت شاخص ترکیبی در مورد ساده سازی تشخیص و شناسایی آن نسبت به بررسی روندهای جداگانه معیارها نیز بطور کامل در عمل مشهود است. از سوی دیگر اشتباه در ساختار و بیان شاخص یا نتیجه‌گیری‌های ناصحیح از شاخص می‌تواند منجر به سیاست‌گذاری‌های نادرست و در نتیجه عملکرد اشتباه در راستای نتیجه‌گیری غلط با اثرات جبران ناپذیر در جامعه و حتی خسارات جبران ناپذیر به نسل یا نسل‌های یک کشور یا دنیا گردد.

جهت ساخت یک شاخص ترکیبی مناسب، معیاری که به عنوان مرجع مقبولیت عام داشته باشد توسط سازمان همکاری اقتصادی و توسعه (OECD) و مرکز تحقیقات مشترک (JRC) تهیه شده است که ده مرحله ارائه چارچوب نظری، انتخاب داده، معین سازی مقادیر مفقود، تحلیل چند متغیره، نرمال سازی داده‌ها، وزن دهی، تحلیل نااطمینانی و حساسیت، بازگشت به داده‌ها، ارتباط با سایر شاخص‌ها و ترسیم نتایج مراحل مذکور در این مورد بیان شده‌است که البته در هر مرحله با توجه به نوع متغیرها و شرایط، می‌توان روش‌های متفاوتی را بکار گرفت.^۱

مفهوم اسلامی بودن اقتصاد نیز مفهومی کیفی است که نیاز به ترکیب معیارهای گوناگون در مفاهیم مختلف جهت شاخص سازی دارد. انتخاب معیارها برای ایجاد شاخصی برای بررسی اسلامی بودن اقتصاد در کشورها، باید توجه به مفاهیم و آموزه‌های اسلامی، قواعد فقهی و معیارهای دینی جامعه صورت گیرد. بطور کلی متغیرها بر مبنای ارتباط، صحت، به روز بودن، دسترسی و دیگر شرایط انتخاب می‌شوند. در بررسی‌های مدنظر این پژوهش نیز همچون بیشتر پژوهش‌های هم محور از نوعی روش دلفی^۲ جهت انتخاب متغیرها استفاده شده است، به این صورت که صائب‌ترین نظر، نظر سنجی از متخصصان آن حوزه در نظر گرفته می‌شود. اما از آنجا که روش سنتی دلفی دارای مشکل همگرایی پایین نظرات، هزینه اجرایی زیاد و احتمال حذف برخی نظرات را

1. OECD

2. Delphi method

با خود همراه دارد، از روش دلفی فازی^۱ که ترکیبی از روش دلفی و تحلیل بر اطلاعات با استفاده از نظریه مجموعه فازی، که یک منطق و قالب جدید ریاضی جهت پیکر بندی مفاهیم نادقیق و تحلیل آنهاست، استفاده شده است.

از آنجا که در شاخص‌های ترکیبی، معیارهای مختلف دارای واحدهای اندازه‌گیری متفاوت هستند، پیش از تجمیع داده انجام فرآیند نرمال‌سازی ضروری است. همچنین وزن دهی داده‌ها در تجمیع بر اساس اهمیت نسبی معیارهای بکار گرفته شده در شاخص ترکیبی تعیین می‌گردد. جهت شفافیت شاخص نیز تحلیل نا اطمینانی^۲ و تحلیل حساسیت، مقاومت شاخص ترکیبی را ارزیابی می‌کند. در آخر تحلیل همبستگی نیز باید مورد بررسی قرار گیرد. البته این بررسی بدلیل ماهیت متغیرهای کیفی، می‌بایست با درک تفاوت علیت و همبستگی و همچنین درک اثر وزن‌ها بر درجه همبستگی انجام پذیرد.

استراتژی‌های تئوری سازی را می‌توان به دو دسته استراتژی استقرایی، قیاسی و ترکیبی از ایندو تقسیم کرد. استراتژی استقرایی که چند متغیر را طی فرآیندی به متغیری کلی تر و واحد تبدیل می‌کند، روشی مناسب استفاده در این موضوع می‌باشد.

علم اقتصاد را می‌توان علم تخصیص منابع محدود به نیازهای نامحدود گفت و از اینرو با توجه به دانش علمی، توان اجرایی و سایر ابزارهای در دست، به دست آوردن سعادت هرچه بیشتر در سطح معینی از منابع را می‌توان بهروری اسلامی اقتصاد فرض کرد. از آنرو که اسلام برای سعادت و تکامل همه‌جانبه بشر آمده و اقتصاد در اسلام نیز از این قاعده استثنا نبوده و هرچه یک اقتصاد با همان منابع محدود در اختیار خود بتواند، سعادت بیشتری برای مردم جامعه خود از لحاظ دنیوی و اخروی بدست آورد، می‌توان گفت که مطابقت بیشتری با اسلام دارد و اصطلاحا اسلامی تر است.

۲.۱. مبانی اقتصادی

مبنای اقتصاد اسلامی نیز همچون هر نظریه اقتصادی دیگر، اصول و مبانی علم اقتصاد است. مبانی رفتار مصرف‌کننده، تولیدکننده، بازارها، انگیزه فعالیت، ساختار و وظایف دولت، مطلوبیت، قانون تقاضا و عرضه، پیش فرض‌هایی چون رفتار عقلایی و کاهنده بودن مطلوبیت نهایی و سایر اصول علمی پذیرفته شده اقتصاد می‌باید باشد.

از اینرو یک جنبه بررسی این پژوهش از نظر مطابقت شاخص‌ها با اصول علم اقتصاد است. با تلفیق آموزه‌های اسلامی با علم اقتصاد ترکیبی با عنوان ساختار اقتصاد اسلامی بوجود آمده است که مطابقت عملکرد کشورها با این معیار نیازمند شاخصی است که علاوه بر جامع بودن و پوشایی مشخصه‌ها نیازمند تبیینی است تا برای تمام کشورها قابل محاسبه باشد. لذا هرگونه مغایرت در هر قسمت نظریه، شاخص سازی، محاسبات، تحلیل یا نتیجه گیری با اصول علم اقتصاد، ارزش شاخص و نتیجه آن را مشکل‌دار یا حتی در کل فاقد ارزش می‌نماید.

1. Kaufman and Gupta

۲. چگونگی انتشار نااطمینانی داده ورودی در ساختار شاخص ترکیبی

۲.۲. مبانی اسلامی

منابع اسلامی را می‌توان به سه دسته نوشته‌های عمومی^۱، مکتوبات تاریخ اقتصادی اسلام و نظریه‌های علمی و بررسی‌های تجربی در زمینه اقتصاد اسلامی^۲ تقسیم‌بندی کرد. آموزه‌های دینی اسلامی نیز بر پایه وحی^۳، کتاب آسمانی قرآن کریم^۴، عقل، دانش، تجربه و فقه می‌باشند.^۵

در مبنای اعتقادی در اسلام اعتقاد به الله خدای یگانه و مالکیت، قادربودن و ربانیت^۶ خدا، توحید و هدف‌داری آفرینش^۷، جانشینی انسان برای خدا در زمین^۸، اصل عدالت^۹، اصل رستاخیز^{۱۰} و زندگی پس از مرگ، اصل هدایت انسان^{۱۱} با ابزار دورنی عقل و ابزار بیرونی و بدی کسب حلال^{۱۲}، فقر و کم‌اندیشی و عدم بهرمندی از مواهب^{۱۳} و فرصت‌هایی که از جانب خدا در اختیار انسان قرار داده شده^{۱۴} است.

بر این مبنا اقتصاد اسلامی را می‌توان دانستنی‌های منظم و اثبات‌پذیر بر پایه روش‌های علمی در زمینه علم اقتصاد دانست که سازگار و هماهنگ با آموزه‌های اسلامی است. لذا علاوه بر مطابقت با علم اقتصاد، مطابقت با اصول و آموزه‌های اسلامی نیز در تبیین و نتیجه‌گیری هر شاخص اقتصاد اسلامی ضروری است.

ربا که تقریباً معادل واژه انگلیسی "usury" است اصطلاحی در قرآن است که به معنی سود ظالمانه در معامله یا تجارت است. ربا چندین بار در قرآن در سوره‌های بقره، آل عمران، نساء و روم به شدت مورد انتقاد قرار گرفته‌است و تنها گناهی است که از آن به عنوان "جنگ با خدا" نام برده شده‌است.

با اینکه مسلمانان همه متفق هستند که ربا در اسلام حرام است، تعریف دقیق ربا در بین مسلمانان مورد اتفاق نیست. در گذشته بیشتر دانشمندان اسلامی مانند مسیحیان هرگونه سود بر روی پول را معادل ربا می‌دانستند ولیکن بیشتر علمای اسلامی امروزه آن را معادل سود ظالمانه و نه هر نوع سودی می‌دانند. دانشمندان اسلامی همچنین در مورد اینکه آیا ربا حرام است یا مکروه با یکدیگر اختلاف دارند

بیشتر دانشمندان اسلامی ربا را به دوگونه تقسیم می‌کنند:

ربای نسبه (ربای قرضی): که در آن سود بر روی پول اخذ می‌شود.

ربای فضل (ربای معاملی): مبادله هم‌زمان دو جنس با ارزش نابرابر. به عبارت دیگر؛ مبادله دو کالای همجنس

۱. فقهی-حقوقی، اخلاقی و فلسفی

۲. می‌باشند که بیشتر معاصر

۳. الهام خدا بر پیامبر جهت ابلاغ به مردم در راستای آگاهی

4. The Holly Quran

۵. عزتی، اقتصاد خرد^۳، سمت، ۹۷

۶. قرآن کریم، اعراف، ۵۴

۷. قرآن کریم، مومنون، ۱۱۵

۸. قرآن کریم، بقره، ۳۰، قصص ۵ و حدید ۷

۹. قرآن کریم، آل عمران ۱۸ و الرحم ۱۰

۱۰. قرآن کریم، حج، ۴۱

۱۱. قرآن کریم، طه، ۵۰

۱۲. قرآن کریم، آل عمران ۷۱ و نسا ۲۹

۱۳. قرآن کریم، انعام، ۱۵۱، الرحمن، ۱۰، نساء، نحل ۱۴ و هود، ۶

۱۴. قرآن کریم، عنکبوت، ۶۲، شوری ۲۰ و زخرف ۳۲

مثل طلا با طلا^۱

ربا یا ربوا در لغت به معنای زیاده است و در اصطلاح فقهاء معمولاً ربا چنین تعریف شده است: معاوضه مالی به مالی دیگر که این دو اولاً هم جنس باشند ثانیاً باکیلی یا وزن اندازه گیری شوند یا قرض دادن به شرط زیاده قید معاوضه ذکر شده است تا شامل همه مبادلات و معاوضات بشود و اعم از بیع باشد حتی صلح و هبه معاوضه را نیز در بر می گیرد. البته فقهاء دونکته را متذکر شده اند:

الف) در ضمن تعریف چند مورد را استثناء نموده اند که عبارتند از: معاوضه یا قرض بین پدر و فرزند، زن و شوهر و بین مسلمان و کافر در صورتی که کافر حربی و گیرنده زیاده مسلمان باشد، چنین معاوضه یا قرضهایی ولو با زیاده ربا نمی باشد. استثنائات فوق دقیقاً در روایات شیعه موجود است.

ب) مکیلی و موزون ممکن است در بین جوامع متفاوت باشد، آنچه اکثر فقهاء استنباط کرده اند این است که مکیلی و موزون در زمان حکومت پیامبر و شرع مراد است. البته اگر کالائی در آن زمان موجود نبوده یا مشخص نیست واحد اندازه گیری آن کیلی یا وزن بوده یا خیر، در این صورت در هر جامعه ای موکول به عرف همان جامعه کرده اند.

انواع ربا^۲: از تعریف ربا چنین بدست می آید که ربا بردونوع است، ربا در معامله و ربای در قرض نوع اول این است که مال را به مثل خودش و با زیاده معاوضه کنند. در ربای معاملی فقهاء معمولاً سه شرط را ذکر کرده اند: ۱- اتحاد ثمن و مثنی در جنسیت ۲- اندازه گیری آنها با کیلی یا وزن ۳- زیاده. ضابطه این که برای جنسیت بیان نموده اند اینست که کل شیئین یتناولهما لفظ خاص کالحنط بمثلها والارز بمثلها دو کالائی که مشمول یک نام قرار گیرند، مثل گندم با گندم و رنج با رنج. در رابطه با جنسیت و اصولاً ربای معاملی بحثهای زیادی در کتب فقهی شده است، اما در حرمت آن مسلمین اتفاق نظر دارند. فقهاء اهل سنت ربا را به دو قسم تقسیم کرده اند ۱- ربای نسیه به این معنی که پرداخت زیاده در مقابل زمان تاخیر پرداخت عوض باشد، مثلاً ۱۰ کیلو گندم در تابستان می فروشد به ۱۵ کیلو گندم در زمستان. ۲- ربای فضل - و ان مبیع یکی از دو متجانس به دیگری است بدون تاخیر در قبض. مذاهب اربعه اهل سنت همه فتوای به حرمت این دونوع ربا داده اند البته شافعیه علاوه بر ربای فضل و نسیه قسم سومی ذکر کرده اند که ربای قرض است. در رابطه با شرط مکیلی و موزون در ربای معاملی بین مذاهب اهل سنت تنها حنابله و حنفیه هستند که معتقد به این شرط می باشند مرحوم آیه الله مطهری در رابطه با علت تحریم ربای معاملی می فرمایند: این (ربای معاملی) حریمی است برای ربای قرض یعنی این معامله به این دلیل حرام شده که جلوی ربای قرضی گرفته شود، یعنی اگر ربای معاملی حرام نباشد و فقط ربای قرضی حرام باشد همین حیل‌های ربائی که الان انجام می دهند رواج می یابد، مثلاً من به جای اینکه بگویم صد من گندم به شما قرض می دهم که سه سال بعد صدوپنجاه من گندم بگیرم، می گویم صد من گندم به شما می فروشم در مقابل صدوپنجاه من گندم به نظر من اینطور آمده که حکمت ربای معاملی با اینکه از باب قرض نیست این است که قرض به این صورت در نباید مرحوم امام (ره) نیز ربا را منحصر به ربای قرض گرفته می فرمایند: قضیه بیع مثل به مثل مسئله دیگری است. اگر چه نام ربا

1. www.Wikipedia.org

۲. پایگاه اطلاع‌رسانی اینترنتی حوزه www.Hawzeh.net

شامل آن هم می‌شود ولی مربوط به ربا نیست. در خصوص مکیل و موزون هم مرحوم شهید مطهری بیانی دارند که جای بحث دارد و خالی از وجه نیست خلاصه کلامشان اینست که مکیل و موزون خصوصیت ندارند، مقدار خصوصیت دارد یعنی قابل تقدیر بودن و دارای کمیت بودن، ایشان مکیل و موزون را با بیان مقدر و کمیت مقداری توسعه می‌دهند تا شامل معدودهایی که ملاک ارزش آنها به کمیت است نیز بشود. نوع دوم، یعنی ربای در قرض، منظور از قرض تملیک مال به شخص دیگر باقید ضمانت نسبت به اداء آن می‌باشد. ربای معمول در دنیا همین نوع از ربا است که سودی در مقابل قرض می‌گیرند و نام آنرا بهره می‌گذارند البته برخی از مسلمین اروپا که توسعه و پیشرفت کشورهای غربی را مرهون وجود نرخ بهره می‌دانستند با این مشکل مواجه شده‌اند که الحاق بهره به ربا لازمه اش از بین رفتن توسعه سریع و چشمگیر صنایع و بازرگانی خواهد بود، بنابراین قرض را به قروض مصرفی و تولیدی تقسیم نموده و ربای محرم را منحصر به قرضهای مصرفی کرده‌اند و می‌گویند بانکهای جدید چون وامشان جنبه تولیدی دارد و بهره‌ای که در مقابل آن می‌گیرند هزینه استفاده از پول در فعالیتهای تولیدی صنایع و بازرگانی جدید می‌باشد حرام نیست. ولی در ادله حرمت ربا و اطلاعات و عمومات موجود چیزی که ربای تولیدی را استثنا کند نداریم، بلکه شواهد زیادی بر حرمت این نوع ربا نیز موجود است. و صرف مصرف ربا در امور تولیدی موجب حلیت آن نمی‌شود، مگر اینکه شرایط یکی از عقود اسلامی (مضاربه، مشارکت، ...) را داشته باشد که در این صورت ربا نیست. علاوه بر این وام بانکهای جدید منحصر به تولیدی نیست، بلکه درصد زیادی از آنها مصرفی است ضمن اینکه زمان تحریم ربا قرض تولیدی هم بین مردم رایج بوده است. البته بعضی خواسته‌اند از آیه شریفه و ان تبتم فلکم رؤس اموالکم، استفاده کنند که ربا شامل قرضهای تولیدی می‌شود چون رؤس اموالکم بمعنی سرمایه است. ولی شاید بتوان گفت که منظور آیه اینست که اگر رباخوار توبه کند سرمایه اش از خودش است و اضافه و مازاد آن بایستی به صاحبان اصلی برگردد. منظورش از سرمایه، سرمایه اولیه است که به قرض داده شده، خواه قرض کننده آن را سرمایه گذاری و یا مصرف کرده باشد.

۲.۳. مبانی قانونی

اصل ۲ قانون اساسی که نظام جمهوری اسلامی را بر پایه ایمان به خدای یکتا، معاد، عدل خدا در خلقت و تشریح، امامت، کرامت انسانی، اجتهاد مستمر، استفاده از دانش پیشرفته، نفی ستمگری، نفی سلطه‌پذیری، قسط و عدل، همبستگی ملی معرفی می‌دارد.

اصل ۳ که دولت را موظف به ایجاد محیط مساعد رشد، آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان برای همه، بالابردن سطح آگاهی، تقویت روحیه بررسی، تامین آزادی‌ها، مشارکت عامه در تعیین سرنوشت، ایجاد نظم اداری، پی ریزی اقتصاد صحیح و عادلانه طبق ضوابط اسلامی، تامین خودکفایی در علوم و فنون، تامین حقوق همه جانبه افراد و امنیت قضایی عادلانه و تساوی همه در برابر قانون می‌دارد.

اصل ۴. کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر اینها باید بر اساس موازین اسلامی باشد.

اصل ۹ که اصل و مبنا بودن تمامیت ارضی کشور و ترسیم چارچوب ابزارها و راه‌های توسعه برای اسلامی

بودن کشور و عدم مخاطره تمامیت ارضی را بیان می‌دارد.

قانون‌های با محور عدالت از جمله قانون توزیع عادلانه آب^۱، قانون تهیه مسکن برای کم درآمدها^۲، قانون الزام دولت در خصوص نحوه اجرای اصل چهل و هشتم قانون اساسی^۳، قانون الزام دولت بر جبران عقب ماندگی‌های استان‌ها و مناطق محروم دارای شاخص زیر میانگین^۴، قانون تامین کالاهای اساسی برای اقشار آسیب‌پذیر^۵، قانون استفاده متوازن از امکانات کشور، توزیع عادلانه، رفع تبعیض و ارتقای سطح مناطق کمتر توسعه یافته و تحقق پیشرفت و عدالت^۶ را می‌توان نام برد.

از جمله قانون‌های مهم در زمینه تامین اجتماعی می‌توان قانون خدمت نیمه وقت بانوان^۷، قانون نقل و انتقال حق بیمه بازنشستگی^۸، قانون بیمه بیکاری^۹، قانون تامین زنان و کودکان بی سرپرست^{۱۰}، قانون بیمه همگانی خدمات درمانی کشور^{۱۱}، قانون ساختار نظام جامع رفاه و تامین اجتماعی^{۱۲}، قانون جامع خدمات رسانی به اینترگران^{۱۳}، قانون حمایت خانواده^{۱۴} و قانون حمایت از کودکان و نوجوانان بی‌سرپرست و بدسرپرست^{۱۵} را نام برد.

از قوانین در زمینه سلامت اقتصادی نیز می‌توان قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا و اختلاس و کلاهبرداری^{۱۶}، قانون شمول اجرای قانون نحوه اجرای اصل چهل و نهم قانون اساسی در مورد ثروت‌های ناشی از احتکار^{۱۷}، گرانفروشی و قاچاق، قانون مجازات اخلاک‌گران در نظام اقتصادی کشور^{۱۸}، قانون ممنوعیت اخذ پورسانت در معاملات خارجی^{۱۹}، قانون مبارزه با پولشویی^{۲۰}، قانون ارتقا سلامت نظام اداری و مقابله با فساد^{۲۱}

۱. مصوب ۱۳۵۹/۱۲/۱۷
۲. مصوب ۱۳۷۲/۶/۹
۳. مصوب ۱۳۸۰/۵/۲۴
۴. مصوب ۱۳۸۱/۱/۲۵
۵. مصوب ۱۳۹۲/۳/۸
۶. مصوب ۱۳۹۳/۷/۳۰
۷. مصوب ۱۳۶۲/۳/۵
۸. مصوب ۱۳۶۵/۳/۲۷
۹. مصوب ۱۳۶۶/۳/۲۴
۱۰. مصوب ۱۳۸۱/۷/۲۴
۱۱. مصوب ۱۳۷۳/۸/۳
۱۲. مصوب ۱۳۸۳/۲/۲۱
۱۳. مصوب ۱۳۹۱/۱۰/۲
۱۴. مصوب ۱۳۹۱/۱۲/۱
۱۵. مصوب ۱۳۹۲/۶/۳۱
۱۶. مصوب ۱۳۶۴/۶/۲۸
۱۷. مصوب ۱۳۶۸/۱۱/۹
۱۸. مصوب ۱۳۶۹/۹/۱۹
۱۹. مصوب ۱۳۷۲/۴/۲۷
۲۰. مصوب ۱۳۸۶/۱۱/۲
۲۱. مصوب ۱۳۹۰/۲/۲۹

و قانون رسیدگی به دارایی مقامات جمهوری اسلامی ایران^۱ را نام برد. از قوانین در زمینه تولید و بازارها می‌توان قوانین برنامه پنج ساله توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران^۲، قانون اجازه تاسیس بانک‌های غیردولتی^۳، قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران^۴، قانون حمایت از شرکت‌ها و موسسات دانش‌بنیان و تجاری سازی نوآوری و اختراعات^۵، قانون بهبود مستمر محیط کسب و کار^۶، قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقای نظام مالی کشور^۷ را نام برد.

از جمله قوانین در زمینه اسلامی سازی اقتصادی نیز می‌توان قانون عملیات بانکی بدون ربا (بهره)^۸، قانون ابطال اسناد فرئش رقبات، آب و اراضی موقوفه^۹، قانون نحوه اجرای اصل چهل و نهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران^{۱۰}، قانون تشدید مجازات محترکان و گرانفروشان^{۱۱}، قانون نحوه انتشار اوراق مشارکت^{۱۲} و قانون زکات^{۱۳} را نام برد.

لذا بر اساس قانون اساسی ایران، اقتصادی بر پایه کرامت و ارزش والای انسان و آزادی توأم با مسوولیت در برابر خدا، افزایش متغیرهای اقتصادی توان تولید، رفاه، تامین اجتماعی، سلامت اقتصادی، قانون‌مداری و برابری با آموزه‌های اسلامی بیان شده‌است.

از اینرو هرگونه شاخص‌سازی، محاسبات یا تحلیلی که مغایرت با قانون اساسی ایران باشد، جهت استفاده در ایران کارکرد مناسبی نخواهد داشت و بررسی و مقایسه شاخص‌ها از این بعد نیز برای کارکرد بهتر و مطابقت بیشتر برای ایران لازم بنظر می‌رسد.

۳. پیشینه پژوهش

رحمان و عسگری (۲۰۱۰) در پژوهشی به نام شاخص اسلامی بودن اقتصاد^{۱۴} بر بررسی وضعیت و میزان اقتصادی بودن کشورهای دنیا پرداخته، میزان بهبود عملکرد در این راستا و رتبه‌بندی کشورها را بر این اساس محاسبه نموده‌اند. این شاخص با تلاش برای تبیین شاخصی متناسب با تمام کشورهای جهان و معیاری برای

۱. مصوب ۱۳۹۱/۲/۱۷

۲. مصوب ۱۳۷۰/۶/۱۳

۳. مصوب ۱۳۷۹/۱/۲۱

۴. مصوب ۱۳۸۴/۹/۱

۵. مصوب ۱۳۸۹/۸/۵

۶. مصوب ۱۳۹۰/۱۱/۱۶

۷. مصوب ۱۳۹۴/۲/۱

۸. مصوب ۱۳۶۲/۳/۲۲

۹. مصوب ۱۳۶۲/۱۰/۱۳

۱۰. مصوب ۱۳۶۳/۵/۱۵

۱۱. مصوب ۱۳۶۷/۱/۲۳

۱۲. مصوب ۱۳۷۶/۶/۳۰

۱۳. مصوب ۱۳۹۰/۸/۸

محاسبه و رتبه‌بندی کشورها بوده و تا حدودی به معیارهای آرمانی و بهرمندی‌های همگانی توجه بیشتری شده‌است.

خداپناه، انصاری و زراءنژاد (۲۰۱۶)، در پژوهشی با عنوان تخمین شاخص ترکیبی اقتصاد اسلامی و بررسی روند تغییرات آن در ایران، شاخص اسلامی بودن اقتصاد ایران و تغییرات آن را طی یک دوره ۱۸ ساله بررسی کرده‌اند و تحلیل روند و تغییرات در شاخص‌ها و مولفه‌ها را بررسی نموده و دلایل نماگرها را نیز ذکر نموده‌اند. زراءنژاد و انصاری (۲۰۱۴)، در پژوهشی با عنوان شاخص ترکیبی اندازه‌گیری میزان انطباق نظام‌های اقتصادی با اصول اقتصاد اسلامی، به بررسی و ساخت شاخص در راستای ارائه مبنایی برای سیاست‌گذاری‌ها پرداخته‌اند و میزان موفقیت جوامع مسلمان در اجرای اصول و قواعد اسلامی را مبنای کار خود قرار داده‌اند. عیوضلو، حسین (۲۰۰۸)، در پژوهشی با عنوان درآمدی بر معرفی ارکان و هسته سخت اقتصاد اسلامی، به تبیین ساختار نظری و چارچوب نهادی و اصول حاکم بر اقتصاد اسلامی پرداخته و روابط و قواعد ارزشی و اثباتی این موضوع را مورد بررسی قرار داده‌است.

عسگری و غفورزاده (۲۰۱۳) در پژوهشی با عنوان تحلیل مقایسه‌ای شاخص فقر چند بعدی در اسلام و اقتصاد متعارف، به بررسی میزان و معیار اسلامی بودن اقتصاد با تاکید بر وضعیت فقر با زیرشاخص تامین و عدم تامین نیازهای بشر و دید اسلامی و شرعی بر موضوع فقر، سطح زندگی اقتصادی را در مطابقت با معیار اسلامی بودن بررسی کرده‌اند.

سید نورانی و خاندوزی (۲۰۱۴) در مقاله مبنای نظری سنجش عدالت اقتصادی در اسلام، به بررسی مفهوم عدالت اقتصادی و مبنای نظری آن در دیدگاه‌های مختلف پرداخته‌اند و مفهوم‌های اقتصادی اسلام را با محوریت عدالت مورد بررسی قرار داده‌اند.

آنتوا^۱ (۲۰۰۷) در مقاله‌ای با عنوان معرفی شاخص I-HDI جهت بررسی توسعه در کشورهای OIC^۲ به بررسی این موضوع از منظر عدالتی اسلام پرداخته و میزان اسلامی شدن و تاثیر آن بر روند رشد و مطابقت با آموزه‌ها را تحلیل و بررسی نموده‌است.

کشور مالزی نیز با انتشار طرح اقتصاد اسلامی مالزی^۳ توسط وزارت برنامه‌ریزی ملی این کشور در سال ۲۰۱۹ به بررسی و تبیین راهکارهای اقتصاد اسلامی قابل استفاده در مالزی پرداخته‌است و ویژگی‌های اقتصاد اسلامی برای اسلامی بودن یک کشور و چگونگی آن بر مبنای آموزه‌های اسلام متعارف بررسی شده‌است.

عزتی، مرتضی (۲۰۱۵) در کتاب گزارش اقتصاد اسلامی ایران، به بررسی وضعیت اقتصاد اسلامی ایران، روند، ارائه شاخص، تبیین داده‌ها و روند، پایه ریزی نظری و شاخص‌های و تحلیل روند و تغییرات شاخص بر پایه مولفه‌های ارائه شده، پرداخته‌است. این بررسی مربوط به تمام دوره‌های پس از انقلاب اسلامی در ایران می‌باشد.

صدیق^۴ در پژوهشی (۲۰۰۹) با عنوان دیدگاه شریعت در حفظ حضور سرمایه در منظر سهام عدالتی

1. MB Hendrie Anto

2. Introducing an Islamic Human Development index to measure development in OIC countries

3. Indonesia Islamic Economic Masterplan 2019-2024

4. Muhammad Abdurrahman Sadique

مشترک^۱، این دیدگاه را بررسی و مبنای نظری و محاسباتی آنرا ارائه نموده و پایه‌های شریعتی در حوزه اقتصاد را بررسی و ارائه نموده‌است.

عزتی و همکاران^۲ (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان شاخص تبعیض اقتصادی به عنوان زمینه ساز تهدید نرم و ارزیابی آن در جمهوری اسلامی ایران^۳، به بررسی تبعیض اقتصادی به عنوان یکی از مولفه‌های اقتصاد، پرداخته‌اند.

عثمان، طسمن و عولوم^۴ (۲۰۱۹) در بررسی نقش توانمندسازی کارآفرینی در اقتصاد اسلامی، این مولفه را در تبیین اسلامی بودن اقتصاد بررسی نموده‌اند و پایه‌های نظری و شریعتی موضوع را ارائه نموده‌اند.

۴. تحلیل مقایسه‌ای شاخص‌های اسلامی بودن اقتصاد ایران

۴.۱. انتخاب شاخص‌های ساخته شده

با توجه به محدودیت منابع پژوهشی در این زمینه و نوپا بودن موضوع در ایران، و با بررسی انجام شده در پژوهش‌های موجود و اطلاعات و داده‌های در دسترس، سه پژوهش انجام شده در این زمینه انتخاب شده است که در ادامه این پژوهش به مقایسه و تحلیل آنها پرداخته می‌شود. نخست گزارش اقتصاد اسلامی ایران^۵، مورد دوم مقاله شاخص اسلامی بودن اقتصاد از رحمان و عسکری^۶ چاپ شده به سال ۱۳۸۹ در نشریه اقتصادی جهانی^۷، و سوم مقاله تخمین شاخص ترکیبی اقتصاد اسلامی و بررسی روند اغییرات آن در ایران از خداپناه، انصاری و زراء نژاد^۸ چاپ شده در فصلنامه پژوهشنامه اقتصادی به سال ۱۳۹۵ در این مورد^۹ جهت بررسی و مقایسه انتخاب شده‌اند.

1. Shariah position on ensuring presence of capital in joint equity based financing

۲. مرتضی عزتی، اله‌مراد سیف، و مجتبی ملکی شهرپور

۳. فصلنامه مطالعات راهبردی بسیج، سال شانزدهم، شماره ۶۱، زمستان ۱۳۹۲

4. A. S. Usman; R. Tasmin; & Z.K.A.B Ulum

۵. عزتی، مرتضی، ۱۳۹۵

6. An Economic Islamicity Index, S.Rehman & Hossein Askari

7. Global Economy Journal, Volume 10, Issue 3, 2010, Article 1.

۸. مسعود خداپناه، الهه انصاری و منصور زراء نژاد

۹. فصلنامه پژوهشنامه اقتصادی، سال شانزدهم، شماره ۶۳، زمستان ۱۳۹۵، ص ۱۶۷ تا ۱۹۴

۴,۲ شاخص‌ها

۴,۲,۱ شاخص اول

شاخص معرفی شده در گزارش اقتصاد اسلامی ایران^۱ پایه نظری ساخت شاخص را بر پایه اعتقاد اسلامی، پایه قانونی و جایگاه آن در نظام اقتصادی بناکرده است. در این شاخص شش مولفه چارچوب نظری اسلامی بودن اقتصاد تحت عناوین رشد، توسعه و رفاه اقتصادی جامعه بر پایه اصل جانشینی انسان در اسلام، عدالت، تامین اجتماعی، سلامت اقتصادی و نبود فساد، حاکمیت قانون و رعایت مقررات اسلامی در جامعه و رعایت آموزه‌های اسلامی در زمینه اقتصاد در نظر گرفته شده است. از سوی دیگر زیر نظام‌های معرفی شده در آن به بازار پولی، بازار سرمایه، نظام تولید، نظام مصرف، بازار کار، نظام مالیاتی و قوانین و مقررات می‌باشند. سپس با تعریف متغیرهای شاخص در هشت مورد درآمد ملی سرانه، اندازه تبعیض اقتصادی، تامین اجتماعی، کنترل فساد، اندازه سازگاری قوانین اقتصادی با چارچوب اسلامی، قرض الحسنه، فساداداری و پرداخت‌های دینی و اسلامی بودن نظام‌ها به تعیین داده‌ها می‌پردازد. سپس با استفاده از اسناد و پرسشنامه^۲ها به گردآوری داده پرداخته است. در این پژوهش نحوه ترکیب متغیرها و وزن‌دهی با نظرخواهی از متخصصان^۳ حوزه شکل‌دهی شده است. سال پایه این پژوهش سال ۵۸ در نظر گرفته شده و داده‌ها تا سال ۹۴ را محاسبه و تبیین و روندنمایی کرده‌است.

۴,۲,۲ شاخص دوم

شاخص ارائه شده توسط رحمان و عسکری^۴ شاخصی برای محاسبه اسلامی بودن اقتصاد در کشورهای مختلف دنیا بر پایه تعریف ادغام اسمیت از نقش دین در اقتصاد، تبیین شده در کتاب نظریه احساسات اخلاقی^۵ که مبنای اعمال را حس وظیفه با اثرات پی‌درپی در زندگی انسان می‌داند، مبنای قواعد پایه و اساسی اسلامی تبیین شده در قرآن کریم و روایات مکتوب و مستند از پیامبر اسلام (ص)، قانون محور بودن دین اسلام، بیان قاعده لزوم اسلام بر حداکثرسازی ظرفیت و سرمایه انسانی و حفظ سلامت^۶ و افزایش سرمایه کل جامعه اسلامی در جهت عدالت اساس نظریه خود را بیان نموده‌است. در این شاخص از شاخصه‌های فرصت‌های اقتصادی و آزادی اقتصادی، عدالت و برابری، فقر، تامین اجتماعی و سلامت، توزیع ثروت و درآمد، زیرساخت‌های اجتماعی و خدمات عمومی، سرمایه اجتماعی، آزادی، استانداردهای صداقت در بازار و قراردادهای سیستم مالی، نرخ بهره، موفقیت در توسعه اقتصادی و میزان جهانی شدن استفاده شده‌است.

۱. عزتی، مرتضی. پژوهشکده اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس. ۱۳۹۵

۲. مصاحبه مکتوب

۳. اعضای پیوسته انجمن اقتصاد اسلامی

4. Global Economy Journal, Volume 10, Issue 3, 2010, article 1.

5. Theory Of Moral Sentiments

6. see Mirakhor and Askari(2010)

۴,۲,۳. شاخص سوم

در شاخص معرفی شده توسط خداپناه، انصاری و زراءنژاد^۱ در این شاخص به بررسی روند تغییرات کشور ایران طی یک دوره ۱۸ ساله^۲ با هدف تبیین شاخص و روند جهت استفاده در سیاست‌گذاری کلان پرداخته شده است، که در واقع میزان مطابق اقتصاد ایران با شاخص اسلامی بودن را بررسی می‌کند. در این پژوهش برای صورت کمی داده به مفهوم مورد نظر اقدام به ترکیب و ادغام معرف‌های گوناگون شده است.^۳ در این پژوهش با استناد به مراحل شاخص سازی ارائه شده توسط OECD فرآیند شاخص سازی با استفاده از متغیرهای نرخ بهره (ربا)، سهم سپرده‌های قرض الحسنه، شاخص حکمرانی خوب، ضریب جینی، شاخص توسعه انسانی، تورم، نرخ باسوادی، سهم مخارج مذهبی در هزینه خانوار، نرخ بیکاری و درآمد سرانه تجمیع و وزن دهی انجام شده است.

۴,۳. بررسی زیرشاخص‌های اقتصاد اسلامی

۴,۳,۱. بررسی زیرشاخص‌های مشترک

از آنجا که مشترک بودن برخی زیرشاخص‌ها بین شاخص‌های ساخته شده، می‌تواند نشان‌دهنده لزوم بکارگیری زیرشاخص در تبیین اسلامی بودن اقتصاد از نظر تخصصی می‌باشد. از اینرو بررسی جداگانه زیرشاخص‌های مشترک می‌تواند به نوعی بررسی پایه و اساس شاخص‌های ساخته شده در این زمینه و تحلیل‌های انجام شده باشد.

در میان شاخص‌های منتخب، لحاظ نمودن زیر شاخص‌های عدالت، درآمد ملی سرانه و توزیع ثروت، نرخ بهره، آموزش و توسعه انسانی، قرض الحسنه، تامین اجتماعی، عمل به آموزه‌های اسلامی در حوزه اقتصاد، عدم وجود تبعیض و فساد به طور مشترک قابل توجه است.

به عنوان بررسی عدالت بطور معمول از شاخص‌های سنجش عدالت استفاده شده است و عدالت از منظر اسلامی مورد توجه می‌باشد. از این منظر در تعاریف با توجه به آموزه‌های اسلامی در شاخص سازی، توجه بیشتری به وضعیت فقرا و حداقل معیشت دهک پایین درآمدی شده است.

در گزارش اقتصاد اسلامی ایران عدالت بر مبنای شاخص تبعیض با بررسی تبعیض بودجه بین منطقه‌ای، نابرابری جنسیتی، شاخص فقر با بررسی فقر قابلیت‌ی و شاخص برخورداری همگان از فرصت‌ها به عنوان نماگر توسعه انسانی استفاده شده است که هرچند معایب استفاده از خط فقر تعریفی و حداقل درآمد را ندارد اما برای بررسی شاخص‌ها، استفاده از زیرشاخص‌های گسترده‌تر با پوشش بیشتر موضوع مورد بررسی می‌توانست موثرتر باشد. از جمله زیر شاخص‌های درمان، آموزش، معافیت‌های مالیاتی و درصد تحقق به هدف رسیدن کمک‌های نوع‌دوستانه جامعه و هزینه‌های فقرزدایی بخش عمومی جهت رفاه دهک‌های پایین می‌توانند در زمینه عدالت موثرتر باشد که با توجه به بررسی عملکرد صحیح دولت و نبود فساد نیز می‌توان این موارد را به

۱. فصلنامه پژوهشنامه اقتصادی، سال شانزدهم، شماره ۶۳، زمستان ۱۳۹۵، ص ۱۶۷-۱۹۴

۱۳۷۴-۱۳۹۱,۲

۳. شاخص بندی

گونه‌ای دیگر در این شاخص مطرح شده دانست.

در شاخص دوم که توسط رحمان و عسگری ایجاد شده‌است نیز عدالت به عنوان مولفه‌ای از اسلامی بودن اقتصاد استفاده شده و مبنای برابری در آن به وضوح به چشم می‌خورد به خصوص با جداسازی عدم وجود تبعیض از عدالت و ورود ایم متغیر به بخش فرصت‌های اقتصادی که وجود فرصت‌های همسان شکوفایی برای افراد جامعه خود بخشی از عدالت در تعاریف اسلامی است، این مدل را با شبهه وجود همبستگی در متغیرهای محاسبات و همچنین با نزدیک‌تر شدن معنای عدالت تعریفی این پژوهش به مفهوم برابری و دور شدن از مفهوم دقیق‌تر عدالت به معنای برابری فرصت‌ها در استحقاق‌ها، این بررسی را دچار ایراداتی می‌کند.

در شاخص سوم که توسط خداپناه، انصاری و زراءنژاد بررسی شده، با توجه بیشتر به آموزه‌های اسلامی و دور شدن از مبناهای علمی و مفاهیم مطابق روز ضریب جینی که بیشتر نمایانگر یکنواختی توزیع درآمد و ثروت می‌باشد را به عنوان معیاری برای بررسی عدالت در نظر گرفته‌اند. از اینرو می‌توان گفت که این شاخص عدالت را در جنبه‌ای بسیار محدود که لزوماً به مفهوم اصل عدالت نیست بررسی نموده‌است. هرچند که با در نظر گرفتن شاخص توسعه انسانی، نرخ تورم و شاخص حکمرانی خوب، این مورد تا حدودی تعدیل شده‌است.

نرخ بهره، به عنوان شاخصی برای اسلامی بودن در مبحث تحریم ربا مطرح شده‌است، اما تعریفی دقیق از ربا توسط دانشمندان اسلامی این حوزه هنوز ارائه نشده‌است. در شاخص‌های اقتصاد اسلامی و مربوط به ربا معمولاً فرض شده است که وجود نرخ بهره غیر اسلامی و عدم وجود بهره (بهره صفر) به منزله اسلامی بودن تلقی می‌گردد. با توجه به تعریف ارائه شده از ربا در ادبیات موضوعی این پژوهش، ربا در تمام موارد می‌تواند مصداق داشته‌باشد، اما این تعاریف کمی با آنچه در قرآن تحریم شده‌است متفاوت است. قرآن، سود ظالمانه را تحریم کرده‌است و نه هرگونه سودی، با توجه به تعریف عدالت و در مقابل آن نبود عدالت به معنای ظلم، سود چنانچه در مبادله و فعالیت اقتصادی منجر به ظلم به هر طرفی گردد، این عمل می‌تواند ربا باشد. از این منظر به دلیل وجود متغیرهای اقتصادی از جمله تورم، تراز تجاری و از این جمله، پول در طول زمان ارزش خود را از دست داده و در صورت عدم وجود افزایشی که این زیان‌ها را جبران کند می‌تواند موجب ظلم به مالک سرمایه شود. این موضوع از این سو کمتر بررسی شده و صرفاً پرداخت سود به سرمایه بررسی شده است. از سوی دیگر نکته دوم در تعریف فقهی ربا، مبادله دو کالاس همجنس و هم سنگ، بدون انجام کاری بر آنها که یکی مقدار ارزشی بیشتری داشته باشد است. با توجه به متغیرهای اقتصادی ذکر شده در این مبحث می‌توان بیان کرد که پول امسال با همان پول در یک‌سال بعد، یک کالای مشابه نیستند، به این دلیل که اصلی ترین ویژگی و صفت پول، قدرت خرید آن است و این قدرت خرید به دلیل تورم و سایر متغیرهای اقتصادی در طول زمان تغییر می‌کند و با تغییر مشخصه اصلی و صفت بارز در هر چیزی دیگر ثبات در آن نبوده و تبدیل به چیز دیگری می‌گردد. پس مبادله پول با همان میزان پول که کمتر یا بیشتر نباشد باید با معادل ارزشی آن صورت گیرد پس حداقل یک نرخ بهره عادلانه می‌توان با توجه به شرایط هر کشور در هر زمان تعریف و آنرا پذیرفت تا از ظلم به قرض‌دهنده نیز جلوگیری شود. مشاهدات تجربی هم نشان می‌دهد که در شرایط غیر خاص در کشورهای مختلف نرخ بهره تعادلی بازار در وفور سرمایه، به این نرخ جبرانی نزدیک می‌شود. از اینرو تعریف یک نرخ بهره عادلانه می‌تواند جایگزین نرخ بهره صفر در این محاسبات شود و مازاد یا کمتر از آن را غیر

اسلامی دانست و اسلامی بودن را در نزدیکی حدی مقدار آن دانست.

آموزش و امکانات آموزشی به به عنوان معیاری برای امکان توسعه انسانی که در شاخص سوم نیز با عنوان نرخ با سوادی نیز مطرح شده است. از آنجا که در اسلام علم و دانش آموزی تاکید بسیار شده است و به نقل عطار در تذکره‌الاولیا از امام صادق (ع) آمده که توصیه به زیادت خواستن هیچ چیز نیامد مگر علم، از اینرو علم آموزی و تمایل جامعه به سمت دانش و آگاهی و توسعه انسانی نوعی عمل به آموزه‌های اسلامی است اما وجود امکان تحصیل برای تمام افراد جامعه می‌تواند معیار مناسبی در راستای وجود عدالت باشد که در شاخص عدالت و همچنین در شاخص بررسی زیرساخت‌های آموزشی می‌تواند بررسی شود و قابل پرداخت بودن هزینه‌های تحصیلات عالی برای مردم و امکان دسترسی به منابع علمی و آموزشی برای همه مردم معیار بهتری نسبت به نرخ باسوادی خواهد بود. از اینرو با رفع همبستگی بین بررسی‌های فرصت توسعه انسانی، عدالت، زیرساخت‌ها و شاخص عمل به آموزه‌های اسلامی می‌توان امکان سوادآموزی و فرصت آنرا نیز در اسلامی بودن بررسی کرد. با توجه به آنچه ذکر شد لزوم بررسی آموزش در رابطه با بررسی میزان اسلامی بودن از اهمیت بسزایی برخوردار است.

عدم وجود تبعیض و عدم وجود فساد هم مطابق با آموزه‌های اسلامی و هم علمی است و بر هیچ متخصصی اهمیت آن پوشیده نیست و مولفه‌ها و زیرشاخص‌های گسترده‌ای دارد که در شاخص‌های منتخب اول و دوم این پژوهش، توجه به این موضوع صورت گرفته است. در شاخص سوم نیز این موضوع در شاخص حکمرانی خوب در بررسی امنیت اقتصادی تا حدودی پوشش داده شده است. هرچند به دلیل ابعاد گسترده تبعیض و فساد این زیرشاخص‌ها نیاز به گستردگی بیشتر در مولفه‌ها و زیرشاخص‌ها دارد اما بررسی شاخص اول و دوم انتخابی این پژوهش از نظر جامع بودن، نسبت به سایر کارهای انجام شده در این زمینه مزیت دارند، اما این بررسی در زمینه بازار، حکمرانی، قضایی، اجرایی، امکانات، بهروری، شکوفایی استعدادها، حفظ کرامت انسان، کسب حلال، بهرمندی از مواهب در حیطة استحقاق‌ها و امکان تعال و تلاش برای زندگی پس از مرگ و آبادانی آخرت برای افراد جامعه بررسی جامعتری را نیازمند است.

تامین اجتماعی در قالب حفظ کرامت انسان‌ها می‌بایست انجام پذیرد و در اسلام توجه به آبروی مومن بسیار اهمیت دارد و با توجه به آنچه در ادبیات این پژوهش ذکر شد، این مورد نباید در راستای بنده سازی افراد باشد و با اصول اسلامی توحید، عدالت، و کسب حلال منافاتی نداشته باشد و در واقع فقط افرادی را در بر بگیرد که به میزان توان خود سهمی در تولید ملی داشته یا بدلیل محرومیت و عدم توانایی امکان سهم داشتن در تولید را ندارند. پس بررسی پوشانندگی تامین اجتماعی برای همه هرچند مهم است اما بهتر است چگونگی و کیفیت آن با شاخص بصورت کمی شده بررسی و معیارهای سلامت و عادلانه بودن این تامین نیز در زیرشاخص‌های مربوط به آن بررسی شود.

قرض الحسنه به عنوان نحوه تامین سرمایه اسلامی جایگزین وام‌های بهره‌دار در تعاریف جدید اسلامی بر پایه آموزه‌های اسلامی آمده است. در آیه ۱۲ سوره مائده، آیه ۲۰ سوره مزل، ۱۷ تغابن و ۲۴۵ بقره با عنوان قرض دادن به خدا، از قرض الحسنه یاد شده است. در قرآن بیشتر قرض الحسنه در مفهوم صدقه یاد شده و ثواب ده برابری آن، بر طبق حدیث از امام صدق (ع)، ثواب صدقه را ده مقابل می‌دهند و ثواب قرض را هیجده

مقابل^۱، پیامبر(ص) طبق سوره بقره آیات ۱۱۰ و ۲۴۵، مردم را به کمتر قرض گرفتن توصیه نموده‌اند. رسول خدا صلی الله علیه و آله یادداشت نکردن وام مدت دار به دیگران را مانع استجابت دعای طلبکار دانسته فرمودند: چند گروهند که دعاهایشان مستجاب نمی‌شود؛ از جمله این گروه‌ها کسانی هستند که وام مدت دار از کسی می‌گیرند؛ اما آن را یادداشت نکرده، برای آن شاهدهی نمی‌گیرند.^۲ همچنین در مهلت دادن به بدکار و نوع قرض نیز مواردی وجود دارد که مفهوم آنرا گسترده‌تر می‌کند. رسول خدا صلی الله علیه و آله پیوسته بر رعایت بدهکاران تنگدست تأکید می‌کردند^۳ و مسلمانان را از دچار شدن به نفرین بدهکار تنگدست برحذر می‌داشتند^۴. ایشان می‌فرمودند: هر که به تنگدستی مهلت دهد خداوند در روزی که هیچ سایه‌ای جز سایه او نیست، وی را در سایه خود درآورد^۵. ایشان پیوسته مسلمین را به جوانمردی در امر قرض سفارش می‌کردند و به آن گوشزد می‌کردند که برترین مؤمنان و محبوبترین بندگان خدا را فردی معرفی کردند که در خرید و فروش و پس دادن و پس گرفتن قرض جوانمرد باشد^۶. ایشان وام را مایه غصه شب و خواری روز بیان داشته و از سنگینی کمرشکن آن به خدا پناه می‌بردند و می‌فرمودند: خدایا از غم و اندوه و ناتوانی و کاهلی و بخلی و بزدلی و سنگینی کمرشکن بار قرض و چیرگی مردمان به تو پناه می‌برم^۷. همچنین می‌فرمودند: اگر کسی بتواند حق کسی را بپردازد و تعلق ورزد هر روز که بگذرد، گناه باج‌گیر برایش نوشته می‌شود^۸. با توجه به تعاریف ذکرشده قرض، وام و نرخ بهره نیز در اسلام وجود داشته اما ثواب کار مستحب کمک کردن به دیگران بدون چشم‌داشت به سود مادی می‌تواند سود اخروی در پی داشته باشد که در تمام موارد غیر از این نیز در اسلام صادق است. اما تعریف امروزی قرض‌الحسنه با مفهوم تعریف شده در قرآن متفاوت است. اگر به قرض‌الحسنه با دید شیوه تامین مالی نگاه کنیم، یا تامین مالی نیازمندان یا تامین مالی ضروریات یا بطور کلی به عنوان عمل خدایسندانه نگاه کنیم، شیوه محاسبه آن متفاوت می‌شود. اما در اسلامی بودن و کار نیکو توسط جامعه اسلامی، نبود یا پایین بودن نرخ تامین مالی می‌تواند موجب کاهش هزینه تامین مالی در جهت رشد شود اما همزمان می‌تواند از آنجا که نرخ بهره نماگر قیمت پول است، پایین نگه داشتن دستوری نرخ بهره می‌تواند موجب کم شدن ارزش پول، خروج سرمایه از کشور و در کل به زیان کشور باشد که این زیان به هشیج وجه اسلامی نبوده و موجب دور شدن جامعه از اسلام می‌شود. پس نوع نگاه به قرض‌الحسنه در کنار تعریف نرخ بهره و مفهوم ربا در شاخص‌سازی در زمینه اسلامی بودن اقتصاد دارای اهمیت ویژه‌ای است. در سه شاخص منتخب این پژوهش، گزارش اقتاد اسلامی نگاه دقیق‌تری به پایه قانونی قرض‌الحسنه با تعریف امروزی کاربردی آن در جامعه دارد، شاخص رحمان و عسگری بطور صرف تعریف فقهی را مبنا قرار داده و شاخص سوم نیز

۱. فیض کاشانی، محسن؛ ترجمه الشریعه، قم، توحید، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۵۹

۲. وسائل‌الشیعه، ج ۷، ص ۱۲۶

۳. کلینی؛ اصول کافی، تهران دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵، ج ۳، ص ۱۸۲

۴. کنزالعمال، پیشین، ج ۶، ص ۲۲۰

۵. ثواب‌الاعمال، ص ۱۳۸

۶. شیخ طوسی، التهذیب؛ تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵، ج ۷، ص ۱۸

۷. شیخ طوسی، مصباح‌المتهدج، بیروت، موسسه فقه‌الشیعه، ۱۴۱۱، ص ۲۰۵

۸. شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۱۳، ج ۴، ص ۱۵

بطور کلی بهره را مصداق ربا دانسته و تامین مالی از طریق قرض‌الحسنه را مثبت و در راستای اسلامی شدن دانسته‌است.

عمل به آموزه‌های اسلامی که در شاخص اول در گزارش اقتصاد اسلامی ایران بطور بررسی شده‌است و در شاخص رحمان و عسگری بطور مجموعه‌اس از شاخص‌های جداگانه در کنار هم در نظر گرفته شده‌اند در شاخص سوم تنها به دسترسی به دانش و معرفت اسلامی و سهم مخارج مذهبی در هزینه خانوار بسنده شده‌است. عمل به آموزه‌های اسلامی به عنوان کیفیت عمل به آموزه‌ها توسط افراد، نیازمند معیارگذاری برای مولفه‌های نشانگر عمل به آموزه‌های دینی‌است. از این باب با استناد به قرآن کریم می‌توان نماز، زکات، قرض‌الحسنه، نیکی به دیگران و هزینه‌ای در راه خدا با قصد فعالیت خدایسندانه را معیار گذاری و سنجش نمود که به نظر کار بسیار دشوار و نیازمند بررسی‌های جامع در تبیین شاخصی برای میزان عمل به آموزه‌ها می‌باشد. اما همانطور که در شاخص اول اسلامی بودن زیرنظام‌ها در نظر گرفته شده یا در شاخص دوم که وضعیت بازارها و عمل به تعهدات و معیارهای صداقت در بازار بررسی شده، میتوان این شاخص‌ها را تا حدودی قابل قبول دانست اما عدم بررسی این مولفه در زیر شاخص سوم به مفهوم عدم پوشش این بخش در این شاخص می‌باشد.

۴.۳.۲. بررسی زیرشاخص‌های غیرمشترک

زیرشاخص‌های غیرمشترک شاخص اول که توسط عزتی در گزارش اقتصاد اسلامی ایران بررسی شده، رشد، توسعه و رفاه اقتصادی جامعه بر پایه اصل جان‌شینی انسان برای خدا مطرح شده‌است. اندازه تبعیض اقتصادی بررسی به عنوان اینکه نبود تبعیض اسلامی است در زیرشاخص عدالت بررسی شده‌است. کنترل فساد با زیرشاخص‌های جرائم، بیکاری، فساد اداری و فساد مردم در ادارات به عنوان ناگر سلامت اقتصاد بیان شده‌است. سازگاری قوانین با چارچوب اقتصاد اسلامی، سهم قرض‌الحسنه از تولید ناخالص داخلی، کم‌فروشی، گران‌فروشی، رواج خمس، زکات، صدقه و وقف، نذر، پرداخت‌های واجب دینی، رواج اخلاق اسلامی در بازار، و اسلامی بودن (سازگاری با اسلام) زیرنظام‌ها به عنوان مبنای اسلامی بودن کل نظام اقتصادی مورد بررسی قرار گرفته‌است.

از میان این زیرشاخص‌ها، توصیه به توسعه و رفاه در اسلام بسیار آمده و پیشرفت جامعه اسلامی نیز از اهمیت برخوردار است اما باید توجه داشت که این پیشرفت کل جامعه تا چه میزان موجب برهم خوردن استحقاق‌ها و خروج از عدالت شده‌است. از آنجا که معمولاً در مراحل ابتدایی توسعه و در کل همراه با توسعه بیشتر، بخش‌هایی از اقتصاد منفعت‌هایی خارج از عرف برده و برخی گروه‌های جامعه از منافع توسعه بی‌نصیب می‌مانند و این بررسی میزان توسعه عدالت محور می‌تواند شاخص بهتری در مورد باشد. هرچند که نیاز به توجه به تفاوت مفهومی عدالت و برابری نیز در این بررسی به وضوح قابل مشاهده‌است. اما لحاظ نمودن آن در این شاخص بسیار ارزشمند است.

بررسی میزان فساد در سلامت اقتصاد ایران، ساخت شاخص بسیار ارزشمندی را فراهم نموده‌است که به دلیل ساختار ایران معمولاً امکان بررسی فسادها و وضعیت آن در ایران همواره به سختی قابل بررسی بوده‌است

و بررسی آن نیازمند شفافیت در همه ابعاد آن می‌باشد. از اینرو می‌توان بررسی میزان شفافیت را معیار قابل قبولی برای بهبود سلامت اقتصاد ایران دانست.

رواج هزینه‌ها و پرداخت‌های مذهبی می‌تواند نشانگر میزان باور به پایه‌های اعتقادی این پرداخت‌ها، باور به شرایع اسلامی، و از همه مهمتر اعتماد مردم بر نحوه هزینه کرد نهادهای دریافت کننده این پرداخت‌ها باشد. که بررسی این موضوع می‌تواند با بررسی وضعیت، نحوه و شفافیت عملکرد نهادهای مذهبی در کشور نیز بررسی گردد.

میزان عمل به آموزه‌های اسلامی نیز نقطه قوت این شاخص است و بررسی آن را ارزشمندتر نموده‌است و در توسعه و بسط این زیرشاخص می‌توان پژوهش‌های بیشتری نیز انجام گیرد.

در شاخص دوم که توسط رحمان و عسگری بررسی شده، از برابری فرصت‌ها اقتصادی و آزادی اقتصادی استفاده شده است که برابری فرصت‌ها تا حدودی با مفهوم عدالت دارای همبستگی بوده و می‌تواند محاسبات را دچار ایراداتی نماید. در مورد آزادی اقتصادی نیز هرچند که بر اساس پایه‌های علمی و مشاهدات تجربی آزادی‌های اقتصادی، کشورها را به سمت بازار آزاد و در نهایت به سوی پیشرفت و توسعه سوق داده‌است اما این پژوهش مبنایی صریح در ادبیات و آموزه‌های اسلامی بر تایید بازار آزاد نیافته و تنها با اتکا بر این موضوع که هرچه باعث پیشرفت جامعه اسلامی شود، بهبود وضعیت بندگان خدا را در پی داشته باشد و موجب ضایع شدن حقی نگردد در اسلام جای دارد، می‌توان این موضوع را پذیرفت.

در این شاخص از سهولت فضای کسب و کار نیز استفاده شده که مشابه بررسی عدم وجود موانع اداری و قانونی برای کسب و کار در بررسی سلامت اقتصادی در شاخص اول است. همچنین حقوق مالکیت، قراردادهای و زیرساخت‌ها و خدمات عمومی و سرمایه اجتماعی و سلامت در باب اسلامی بودن در بعد اجتماعی بررسی شده است، که نشانگر توجه به بعد اجتماعی اقتصادی نیز در این شاخص می‌باشد. سطح مالیات، آزادی مالی و استقلال نهادها از دولت زیرشاخص‌هایی هستند که در این شاخص‌سازی می‌توانند ایجاد مشکل همبستگی داشته باشند با سایر معیارهای سلامت و اسلامی بودن اقتصاد، و شاخص را دچار مشکل محاسباتی نمایند.

در شاخص دوم از معیارهای میزان جهانی شدن برای بررسی میزان اسلامی بودن استفاده شده است که در بررسی این پژوهش پایه‌ای بر توصیه اسلام بر جهانی شدن یافت نشده‌است. همچنین از بعد علمی نیز با توجه به رویکردهای نئولیبرالیسم و کاهش میزان جهانی شدن در کشورهای توسعه یافته با وضع تعرفه‌های تجاری و دیگر موانع جهانی شدن و مزایای دور شدن از جهانی شدن برای آن کشورها، به نظر می‌رسد پایه علمی آن نیز دارای ضعف‌هایی می‌باشد. پس حضور این زیرشاخص به عنوان نماگر اسلامی بودن اقتصاد به بررسی این پژوهش پیش رو، دارای پایه مستحکم نیست. همچنین موفقیت در توسعه اقتصادی نیز بکار گرفته شده که با توجه به وظیفه دین در رساندن بشر به سعادت دنیا و آخرت و پیشرفت در دنیا و آخرت، این زیر شاخص دینی و اسلامی است.

در شاخص سوم که توسط خداپناه، انصاری و زراءنژاد تبیین شده است، اثر تورم بر توزیع درآمد و رشد به کار گرفته شده به تورم بیشتر به مفهوم دور شدن از اسلامی بودن در نظر گرفته شده که به دلیل لزوم وجود نرخ‌های پایین تورم (غیر صفر) در مسیر رشد و مشکلات تورم منفی، این زیر شاخص می‌توانست با زیر شاخصی

دقیق‌تر مورد بررسی قرار گیرد و بطور کلی می‌توان تمام موانع رشد را حداقل امکان شناسایی و در اسن شاخص لحاظ نمود.

همچنین در این شاخص از ضریب جینی جهت بررسی توزیع درآمد و عدالت استفاده شده‌است که با توجه به آنچه در این پژوهش ذکر شد، نمی‌تواند نماگر خوبی برای عدالت و رعایت استحقاق‌ها باشد. نرخ باسوادی نیز به عنوان عامل توسعه انسانی در نظر گرفته شده‌است. با توجه به اینکه هر سوادى تا در شرایط شکوفایی قرار نگیرد موجب توسعه نمی‌شود و لزوماً مدارج علمی نشانگر سواد افراد نیست به همین جهت نماینده کاملی برای این بررسی نمی‌باشد.

این شاخص از شاخص حکمرانی، نرخ بیکاری، توسعه انسانی و سهم سپرده‌های قرض‌الحسنه به عنوان مولفه‌های اسلامی بودن اقتصاد استفاده نموده که در این مورد اهمیت شاخص در بررسی و ایجاد شاخص افزایش یافته‌است.

۴.۴. بررسی روند، نتیجه و کلیت شاخص‌ها

در شاخص‌های منتخب، شاخص اول که توسط عزتی محاسبه شده‌است، تغییرات اندکی در طول دوره بررسی (۹۴/۰٪) را نشان داده و در سال‌های اواخر دهه ۱۳۸۰ و اوایل ۱۳۹۰ روند کاهشی شاخص را نمایش داده‌است. در شاخص دوم محاسبه شده توسط رحمان و عسگری نیز این روند دیده شده و رتبه ایران در اسلامی بودن اقتصاد در میان کشورهای مورد بررسی ۱۳۹ معرفی شده‌است. شاخص سوم نیز تغییر مقدار مطلق شاخص را ناچیز نشان داده و کاهش نرخ سود بانکی را راهکاری به عنوان بهبود وضعیت معرفی نموده‌است.

بطور کلی می‌توان گفت که شاخص اول از تعریف رایج اقتصاد اسلامی برای ساخت شاخص و از قانون اساسی ایران برای متناسب سازی شاخص برای استفاده در ایران استفاده نموده و سعی بر علمی تر نمودن موضوع داشته‌است. شاخص دوم در بررسی بر بخش آماری و استفاده از داده‌های جهان‌شمول و ساخت شاخصی قابل استفاده برای تمام کشورها سعی نموده و تاکید بر معیارهای رفاه داشته که در نتیجه این نوع تفکر در شاخص‌سازی، دولت‌های رفاه رتبه بهتری در آن کسب کرده‌اند. می‌توان گفت که شاخص دوم برخوردارى از رفاه بیشتر را به عنوان اسلامی‌تر شدن در نظر گرفته‌است. شاخص سوم نیز اسلامی شدن را در افزایش برابری در نظر گرفته و شاخص‌های خود را با این نظر در ساخت شاخص بکار گرفته‌است. از اینرو ارزشمندی و کارایی شاخص‌ها برای استفاده در ایران امروز به ترتیب شاخص اول بیشتر از دوم و دوم بیش از سوم است.

بطور کلی می‌توان روند را اینگونه تحلیل کرد و نتیجه گرفت که روند وضعیت اقتصاد و تغییرات آن در سال‌های پس از انقلاب به مقدار بسیار اندکی بهبود داشته‌است بخصوص در سال‌های اولیه پس از انقلاب بدلیل روحیه انقلابی و پر رنگی آرمان‌ها بهبود داشته، با شروع جنگ بدتر شده اما تلاش‌ها بر بهبود بوده، این روند در سال‌های پایانی جنگ بدلیل جنگ‌زدگی و طولانی شدن جنگ فرسایشی، رانت‌های بوجود آمده به دلیل جنگ و فرسایش توان مردم کاهش یافته، در سال‌های سازندگی با بر هم خوردن توازن‌ها برخی نقایص در بعضی سال‌ها وجود داشته اما در مجموع بهبود داشته، در سال‌های ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۴ هرچند در اکثر سال‌ها اندک اما بطور کلی مثبت بوده و بیش از ۲۰ واحد بهبود حاصل شده و پس از آن تا سال ۱۳۹۲ کاهش

چشم‌گیری داشته و هرچند که پس از آن به نزدیکی صفر از سمت مثبت میل داشته، اما تغییرات کل شاخص را بررسی‌ها ناچیز و در سمت مثبت حدی صفر دانسته‌اند. با توجه به موارد مذکور در این پژوهش می‌توان شاخصی کارآتر با دقت بالاتری ایجاد نمود و هرچند که روند نشان داده شده در شاخص‌های موجود نیز با مشاهدات واقعی سازگاری قابل قبولی دارد.

۵. نتیجه‌گیری

با توجه با آنچه در این پژوهش بیان شد، می‌توان با توجه بیشتر به آموزه‌های قرآن کریم نسبت به سایر متون دینی و لحاظ نمودن تبعیض در همه ابعاد آن تا حد ممکن، ابعاد گسترده شفافیت، حکمرانی خوب و اسلامی قرآنی، بررسی و وضعیت و تغییر و وضعیت درآمدی کل اقشار و گروه‌های جامعه و نه فقط دهک‌های پایین، رشد و توسعه و در پی آن اعتلای جامعه اسلامی با حفظ شئون مسلمانان، دور شدن از مفهوم برابری و نزدیک‌تر شدن به مفهوم عدالت در همه جنبه‌ها، وضعیت بازار، عدم وجود ظلم و فساد در تمام ابعاد آن با تعریف حداکثر زیرشاخص‌های ممکن، تعریف نرخ بهره حداقلی غیر ربایی، رعایت استحقاق‌ها، میزان تغییرات قوانین و مقررات اقتصادی در جهت اسلامی‌تر شدن، و مهمتر از همه بررسی برابری فرصت‌ها در شرایط برابر در شاخص اسلامی بودم اقتصاد در کنار رفع همبستگی‌های داده‌ها و مفهوم زیرشاخص‌های تعریف شده، با زیر شاخص‌های پیشنهادی در این پژوهش و زیر شاخص‌های جدید دیگر، می‌توان به ساخت شاخصی کارآتر برای بررسی این موضوع رسید.

منابع و مأخذ

- ابن ماجه، محمد بن یزید (بی تا)، سنن ابن ماجه، تحقیق محمدفؤاد عبدالباقی، بیروت: دار الفکر.
- آذر، عادل و فرجی، ح. (۱۳۸۱) علم مدیریت فازی، تهران: انتشارات اجتماع
- بلیکی، نورمن (۱۳۸۴)، طراحی پژوهش‌های اجتماعی، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: انتشارات نی.
- پایگاه اطلاع رسانی اینترنتی بانک مرکزی ایران
- پایگاه اطلاع رسانی اینترنتی مرکز آمار ایران
- پایگاه اطلاع رسانی اینترنتی بانک جهانی
- پناهی بروجردی، نعمت الله (۱۳۹۰)، شاخص تکریم مشتری در الگوی اسلامی - ایرانی، دوفصلنامه معرفت اقتصادی
- جایگاه قرض الحسنه در نظام بانکداری، عرب مازار، عباس و سعید کیقبادی (۱۳۸۵)، فصلنامه اقتصاد اسلامی
- جعفری، ن. و منتظر، غ. (۱۳۸۷) استفاده از روش دلفی فازی برای تعیین سیاست‌های مالیاتی کشور، پژوهش‌های اقتصاد
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۳ ق)، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، تهران: مکتبه‌الاسلامیه
- حکیمی، محمد رضا و دیگران (۱۳۶۸) الحیاء، تهران، مکتب نشر الثقافه الاسلامیه.
- خاندوزی، سید احسان، طراحی و برآورد شاخص ترکیبی عدالت اجتماعی در ایران.
- خاندوزی، ا. سرآبادانی، ح. و مصطفوی، ع. (۱۳۹۷)، بررسی شاخص‌های عدالت در اقتصاد متعارف و ارزیابی آنها از منظر اسلام، هفتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ اردیبهشت ۱۳۹۷
- خدایانه، م. انصاری، ا. و زراءنژاد، م. (۱۳۹۵)، تخمین شاخص ترکیبی اقتصاد اسلامی و بررسی روند تغییرات آن در ایران
- دانشنامه اینترنتی ویکیپدیا
- رجایی، سید کاظم و مصطفی کاظمی (۱۳۹۰)، شاخص ترکیبی صداقت در بازار، فصلنامه معرفت اقتصادی
- زراءنژاد، م. انصاری، ا. شاخص ترکیبی اندازه‌گیری میزان انطباق نظام‌های اقتصادی با اصول اقتصاد اسلامی
- سیدنورانی، م. خاندوزی، ا. (۱۳۹۱)، مبنای نظری سنجش عدالت اقتصادی در اسلام، دوفصلنامه علمی-پژوهشی جستارهای اقتصادی ایران، بهار و تابستان ۱۳۹۱
- سیدنورانی، م. خاندوزی، ا. (۱۳۹۵)، معرفی و محاسبه شاخص ترکیبی عدالت اقتصادی از منظر اسلامی در ایران، فصلنامه مجلس و راهبرد، بهار ۱۳۹۵
- شاکری، ع. و همکاران. (۱۳۹۷) دآمدی بر شاخص ترکیبی عدالت اقتصادی با رویکرد اسلامی، فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، تابستان ۱۳۹۸
- صدوق، محمد بن علی بن الحسین بن بابویه (۱۴۱۳ ق) من لا یحضره الفقیه قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ سوم.
- طباطبایی، سید محمدحسین (۱۴۱۷ ق)، المیزان فی تفسیر القرآن بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، چاپ اول.

- طوسی، محمد بن حسن (۱۳۶۵) تهذیب الاحکام، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم
- مطهری، مرتضی (۱۴۰۳ ق)، بررسی اجمالی مبانی اقتصاد اسلامی، انتشارات حکمت
- عزتی، مرتضی (۱۳۹۳). تدوین شاخص ترکیبی عدالت بر پایه قانون اساسی ج.ا.ایران و سنجش آن طی یک دوره هشت ساله، فصلنامه علمی-پژوهشی راهبرد اقتصادی، ۱۳۹۳
- عزتی، مرتضی (۱۳۹۵)، گزارش اقتصاد اسلامی ایران، تهران: پژوهشکده اقتصاد
- عزتی، محمدجواد. (۱۳۹۸)، تحلیل مقایسه‌ای شاخص‌های ترکیبی عدالت اقتصادی در ایران
- عمید، حمید (۱۳۸۹)، فرهنگ لغت عمید، تهران: انتشارات اشجع
- عیوضلو، ح. (۱۳۸۹)، مروری بر معیارهای عدالت اجتماعی و اقتصادی در تطبیق با چارچوب شریعت اسلام، دوفصلنامه علمی-تخصصی مطالعات اقتصاد اسلامی، شماره دوم سال ۱۳۸۹
- عیوضلو، ح. و کریمی ریزی، م. (۱۳۹۳)، شناسایی و اندازه‌گیری شاخص عدالت و کارایی در نظام بانکی، دوفصلنامه علمی پژوهشی مطالعات اقتصاد اسلامی، سال هشتم، شماره اول، پیاپی 51، پاییز و زمستان ۱۳۹۵
- مبارک، اصغر (۱۳۹۲)، بررسی اثرات فساد اقتصادی بر رشد اقتصادی در کشورهای اسلامی، فصلنامه دانش حسابداری
- مطهری، مرتضی (۱۳۵۹)، بررسی اجمالی مبانی اقتصاد اسلامی، تهران: انتشارات حکمت.
- میر، جerald (۱۳۷۸)، اقتصاد توسعه، مترجم: غلامرضا آزاد ارمکی، تهران: نشرنی.
- هادوی نیا، علی اصغر (۱۳۸۲)، انسان اقتصادی از دیدگاه اسلام، قم: سازمان انتشارات پژوهشکده فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- یوسفی شیخ رباط، م. و افشاریه، م. (۱۳۹۴)، بررسی عملکرد اقتصاد ایران از دیدگاه عدالت، فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، پاییز ۱۳۹۵
- Azzi, C. and R. Ehrenberg (Feb 1975) "Household Allocation of Time and Church Attendance," Journal of Political Economy.
- Barrett, D. B., Kurian, G. T., and Johnson, T. M. (2001) World Christian encyclopedia: A Comparative Survey of Churches and Religions in the Modern World (New York: Oxford University Press).
- Barrett, David (1892) World Christian Encyclopedia: A Comparative Study of Churches and Religions in the Modern World, AD 1900-2000 (New York: Oxford University Press).
- Barro, Robert J. "Spirit of Capitalism: Religion and Economic Development," Harvard International Review: Religion, 2004.
- Barro, R. J., & Lee, J.-W. (2000). International data on educational attainment: www.cid.harvard.edu
- Barro, R.J and Joshua Mitchell (June 17, 2004) "Religious Faith and Economic Growth: What Matters Most – Belief or Belonging?" Heritage Lectures, The Heritage Foundation.
- Barro, R. J., & McCleary, R. M. (2003) "Religion and Economic Growth Across Countries," American Sociological Review.
- Global Economy Journal
- Delacroix, Jacques (1995) "Religion and Economic Action: The Protestant Ethic, the Rise of Capitalism and the Abuses of Scholarship," Journal of the Scientific Study of Religion.

- Rehman and Askari: An Economic Islamicity Index (EI2) Published by Berkeley Electronic Press, 2010
- Hume, D (1993) The Natural History of Religion in edited by J.C.A. Gaskin (Oxford: Oxford University Press).
- Inglehart, Ronald (1997) Modernization and Postmodernization: Cultural, Economic, and Political Change in 43 Societies (Princeton: Princeton University Press).
- Inglehart, Ronald, Flanagan, Scott (1987) "Value Change in Industrial Societies," American Political Science Review.
- Inglehart, Ronald, Norris, Pippa (2003) Rising Tide: Gender Equality and Cultural Change (New York: Cambridge University Press).
- Kuran, Timur (1992) "The Economic System in Contemporary Islamic Thought," in K. S. Jomo (ed.), Islamic Economic Alternatives (London: Macmillan).
- Kuran, Timur (1993) "The Economic Impact of Islamic Fundamentalism," in M.E. Marty and R.S. Appleby (ed), Fundamentalisms and the State (Chicago: University of Chicago Press).
- Kuran, Timur (2003) "Islamic Redistribution Through Zakat: Historical Record and Modern Realities," in M. Bonner, M. Ener, & A. Singer (ed.), Poverty And Charity In Middle Eastern Contexts (Albany, NY: State University of New York Press).
- Kuran, Timur (2004) Islam and Mammon: The Economic Predicaments of Islamism, (Princeton: Princeton University Press).
- Lewis, Bernard (2002) What Went Wrong? Western Impact and the Middle Eastern Response (New York: Oxford University Press).
- Lewis, Bernard (2003) The Crisis of Islam: Holy War and Unholy Terror (New York: Random House).
- Mirakhor, Abbas (2003) The General Characteristics Of An Islamic Economic System (New York: Global Scholarly Publication).
- Mirakhor, Abbas (1989) "The General Characteristics Of An Islamic Economic
- Siddiqi, M. N. (1981) Muslim Economic Thinking (Jeddah: International Centre for Research in Islamic Economics, King Abdul Aziz University).
- Smith, Adam ([1790], 2002) The Theory of Moral Sentiments, (Cambridge: Cambridge University Press).
- Smith, Adam ([1776] 1965) An Inquiry Into the Nature and Causes of the Wealth of Nations (New York: Modern Library).
- Weber, Max (2002) The Protestant Ethic And The "Spirit" Of Capitalism And Other Writings (New York: Penguin Books).
- Weber, Max (1930) The Protestant Ethic and the Spirit of Capitalism, translated by Talcott Parsons (London: Allen & Unwin).

پایگاه داده‌های ثانویه و کاربرد آن در تحقیقات اقتصاد اسلامی

فیروزه عزیزی^۱

چکیده

استفاده از پایگاه داده‌های ثانویه ابزار کارآمدی است که با بهره‌گیری از آن می‌توان، تحلیل و تحقیقات تجربی متنوعی را انجام داد. سرعت زیاد و هزینه نسبتاً کم پایگاه داده‌های ثانویه در حوزه اقتصاد اسلامی، استفاده از آن را برای دست‌یابی به یافته‌ها و نتایج تحقیقات، ایده‌آل ساخته است.

هدف از این مقاله، معرفی اجمالی پایگاه داده‌های ثانویه و نیز تشویق محققین اقتصاد و مالیه اسلامی در خصوص استفاده از آنها به عنوان جایگزین و یا تکمیل‌کننده‌های داده‌های اولیه، با توجه به مزایا و معایب آنهاست. شایان ذکر است که استفاده از پایگاه داده‌های ثانویه نه تنها مزایایی از نظر هزینه و زمان دارد بلکه در اغلب موارد سبب می‌شود که مشکلات عدیده محققین اقتصاد اسلامی در جمع‌آوری داده‌های اولیه را برطرف سازد.

در این مقاله تلاش می‌شود در راستای تشویق محققین اقتصاد اسلامی به استفاده از مزایای پایگاه داده‌های ثانویه، اشکال مختلف و متنوعی که اینگونه داده‌ها ممکن است داشته باشند ارائه و زمینه‌های استفاده از داده‌ها و نقش احتمالی آنها با توجه به کاربردهایشان، بیان خواهد شد.

واژگان کلیدی: پایگاه، پایگاه دسته دوم، تحقیقات، اسلامی

۱- مقدمه

امروزه پایگاه داده های دست دوم به ویژه پایگاههای داده های الکترونیکی از طریق گرد آوری منابع فراوان برای موضوعات متنوع تحول عظیمی را در تحقیقات ایجاد کرده اند. در این راستا از آنجا که در سالهای اخیر فعالیت‌های علمی در زمینه اقتصاد و مالیه اسلامی رشد کرده، مشارکت اقتصاددانان اسلامی با اعلام "اسلامی کردن علوم اجتماعی" افزایش یافته است. همزمان با آن گرایش به سمت تحقیقات تجربی تشدید شده است. بگونه‌ای که افق‌های جدیدی که با دیگر انواع پرسش‌ها و جستارها قابل دسترس نیست، را فراهم نموده است (فردریک، ۱۹۹۲). در نتیجه تحقیقات تجربی جای پایگاه‌ها را حداقل با انتشار تحقیقات تجربی در مجلات علمی همانند "اقتصاد اسلامی" مرکز تحقیقات اقتصاد اسلامی در دانشگاه شاه‌عبدالعزیز KAAU، مجله همکاری مرکز تحقیقات آماری، اقتصادی و اجتماعی و آموزش کشورهای اسلامی (SESRTCIS)؛ مطالعات اقتصاد اسلامی موسسه تحقیقات و آموزش اسلامی IDB منتشر می‌شود، باز کرده است. همچنین "بررسی اقتصاد اسلامی" که مشترکاً توسط سازمان بین‌المللی اقتصاد اسلامی و بنیاد اسلامی انتشار می‌یابد نیز در این زمینه فعال است. از دیگر مجلات می‌توان به مجله اقتصاد اسلامی و مدیریت UK و IIUM که بوسیله دانشگاه بین‌المللی اسلامی مالزی منتشر می‌شود اشاره کرد.

واضح است که یکی از مشکلات اصلی در پیشبرد تحقیقات تجربی و مشارکت در زمینه اقتصاد اسلامی، فقدان داده از منابع اصلی است. امروزه اکثریت مطالعات تجربی بر مبنای پرسشنامه است. شاید یکی از دلایل آن است که استفاده از پرسشنامه عموماً ساده‌ترین، آسانترین و سریعترین ابزار برای استفاده در مطالعات تجربی است به ویژه در صورتی که هدف، چاپ و انتشار یافته‌های آن باشد (بین، ۱۹۹۵). در این راستا اینکه شکل پرسشنامه‌ای که برای تحقیقات تجربی استفاده شود، مناسب‌ترین راه و شیوه پیشرفت اقتصاد، بانکداری و تأمین مالی اسلامی است، موضوعی مورد مناقشه است.

استفاده از شیوه و روش مصاحبه گرچه ممکن است از عمق بیشتری برخوردار باشد، اما دسترسی به متن اصلی ممکن است قدغن باشد. حتی مطالعات مبتنی بر پرسشنامه از جنبه‌های مختلف مورد انتقاد است که برخی از موارد ممکن است به صاحب‌ها نیز قابل تسری باشد، بگونه‌ای که می‌تواند تردیدهایی نسبت به تحقیقات تجربی که تاکنون انجام شده ایجاد نماید (لیدکا ۱۹۹۲).

انتقادهای واقعی و قطعی از تحقیقات مبتنی بر پرسشنامه، شامل طراحی ضعیف پرسشنامه به جای استفاده از نمونه‌های تصادفی، بکارگیری نمونه‌های راحت‌تر و آسوده‌تر، نرخ پائین پاسخ‌ها و نیز وجود مشکل در توضیح اریب‌هایی که ناشی از عدم پاسخ به سوالات است (رانندال و گیبسون ۱۹۹۰) و نیز استفاده از سناریوهای ضعیف می‌باشد (وبر ۱۹۹۲). تمام این موارد از جمله مباحث و موارد استاندارد در طراحی هر مطالعه و تحقیق است. اما اقتصاد اسلامی مشکلات خاص خود را دارد. پیشنهاداتی برای فائق آمدن بر این مشکلات ارائه شده است که از آن میان می‌توان به روش‌های پاسخ‌های تصادفی (دالتون و متوگر، ۱۹۹۲) و نیز بازیابی اریب‌های ناشی از شرایط مطلوب اجتماعی پاسخ‌ها اشاره کرد (فرناندز و رانندال، ۱۹۹۲)، اما بنظر می‌رسد که برای ابزارهای موجود استفاده ناچیز و کمی داشته باشد.

از طرف دیگر، نیاز بسیاری به تحقیقات تجربی در حوزه اقتصاد و مالیه اسلامی است. مباحث و موضوعات

مهم زیادی که صنعت مالی اسلامی با آن مواجه است می تواند با اینگونه مطالعات پاسخ داده شود. بدیهی است تحقیقات تجربی، پیچیده و هزینه بر است و بدون داده و اطلاعات، شدنی نیست. شایان ذکر است، جمع آوری داده ها توسط دانشجویان و اساتید دانشگاه بصورت انفرادی، کار مشکل، پرهزینه و زمان بر است. بنابراین بسیاری از محققین به دلیل این مشکلات، عموماً به سراغ تحقیقات تجربی نمی روند.

یکی از راههای ممکن پیش رو برای فائق آمدن بر مشکلات بر شمرده آنست که نباید بسراغ جمع آوری داده های اولیه رفت. راهکار اصلی آن است که از داده های دست دوم یعنی داده های موجود بهره جست. هدف از این مقاله آن است که امکانات و ویژگی های مندرج در داده های دست دوم تبیین شود. این کار با شناسایی و معرفی منابع پایگاه های داده های دست دوم و استفاده و کاربرد آن در تحقیقات اقتصاد اسلامی صورت می گیرد.

بخش دوم مقاله، انواع و اقسام و شکل های متنوعی که داده های دست دوم می تواند داشته باشد ارائه و به نقش هر یک اشاره می کند. بخش سوم بر منابع مختلف پایگاه داده های دست دوم در حوزه اقتصاد و مالیه اسلامی تأکید دارد. در بخش چهارم، به کاربرد داده های دست دوم اشاره می شود که شامل مزایا و معایب آنها نیز می شود. در بخش پنجم، بصورت فهرست وار برخی پایگاه های داده های دست دوم برای تحقیق در علوم اسلامی در ایران ارائه می شود. در بخش ششم، نتایج و پیشنهادات تبیین می شود.

۲- داده های دست دوم

منظور از داده های دست دوم، داده هایی است که توسط سایرین و نه لزوماً به خاطر تحقیق سوال مورد نظر، جمع آوری شده اند (استوارت ۱۹۸۴، فرانکفورت ناچمایس و ناچمایس، ۱۹۹۲). استفاده و کاربرد داده های دست دوم در چند سال گذشته بسیار افزایش یافته است. اولاً به این دلیل که توسعه فناوری و افزایش ابزارهای مدیریت سبب شده که داده های بیشتری در دسترس باشند. دوم اینکه برای طراحی تحقیقات بعدی مفید هستند. افزون بر آن، اینگونه داده ها می تواند بنیان و پایه ای را فراهم نمایند که با آن بتوان مقایسه ای میان نتایج تحقیقاتی که توسط محققین مختلف صورت گرفته، انجام داد. بنابراین عاقلانه است که برای شروع هر تحقیقی، مروری بر داده های موجود و دست دوم داشت (نواک، ۱۹۹۶).

شایان ذکر است، داده های دست دوم، عموماً برای مقاصد دیگری تهیه می شوند و منبع ارزانی برای ارزشیابی و نیز تحقیقات هستند. آنها داده های متنوع، با مقیاس بزرگ و با پتانسیلی را فراهم می کنند که می توانند چشم انداز هایی را برای جنبه های مختلف مطالعات ارائه نمایند.

پایگاه های داده دست دوم به ویژه پایگاه های داده الکترونیکی از طریق گردآوری منابع فراوان برای موضوع مختلف تحول عظیمی را در تحقیقات ایجاد کردند. ساخت پایگاه داده دست دوم، فعالیت و اقدام جدیدی نیست. سازمان ملل در دهه ۱۹۵۰، پیشگام بود. کراویس در سال (۱۹۶۰، ۱۹۶۲) و کوزنتس (۱۹۵۵ و ۱۹۶۳)، آن را ادامه داده و ارتقاء دادند بگونه ای که پایه های تحلیلی را به آنها اضافه نمودند. در دهه ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ سایر نهادهای بین المللی به عرضه مجموعه داده های دست دوم، اقدام نمودند که از

آنجمله می‌توان به سازمان بین‌المللی کار (ILO) اشاره کرد (وان گینکن و پارک ۱۹۸۴). دهه ۱۹۹۰ شاهد ایجاد پایگاه‌های داده بیشتری بود که نهادهای دیگری مانند بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول، (ILO) سازمان بین‌المللی کار و (SESRTCIC) مرکز تحقیقات آماری، اقتصادی، اجتماعی و آموزش کشورهای اسلامی و ... درگیر آن شدند. ILO جزوه‌ای را به مناسبت سال بین‌المللی فقرزدائی، منتشر کرد (طباطبائی ۱۹۹۶). بانک جهانی که سال‌ها داده‌های توزیع درآمد را در "گزارش توسعه جهانی" منتشر می‌کرد، پایگاه داده‌های دست دوم را در مقیاس و به شکل اطلاعات منتشر کرد. در سال ۱۹۹۰، پایگاه‌های داده‌های دست دوم در مراکز آمار و نیز بانک‌های مرکزی کشورهای اسلامی بوجود آمد. سپس، مرکز تحقیقات آماری، اقتصادی، اجتماعی و آموزش کشورهای اسلامی (SESRTCIC) ایجاد شد که پایگاه داده پانل برای ۵۷ کشور مسلمان را شامل می‌شد که در آن اطلاعات مرتبط با آموزش، جمعیت، متغیرهای سیاسی، سیاست‌های تجاری، توزیع درآمد و غیره جمع‌آوری و منتشر می‌شد.

بسیاری از پایگاه‌های داده‌های دست دوم، عمدتاً به گونه‌ای تنظیم شده‌اند که مجموعه‌ای از اطلاعات کامپیوتری قابل خواندن را در حوزه موضوعی خاص که می‌تواند در یک زمینه خاص (مانند اقتصاد اسلامی) یا مسئله محور (مانند محیط زیست، آلودگی) و غیره باشد، طبقه‌بندی کرده است. بنابراین، پایگاه داده‌های دست دوم نقش فزاینده‌ای را در تحقیقات تجربی اقتصاد اسلامی آغاز کردند.

۲-۱- انواع پایگاه‌های داده دست دوم و نقش آنها

در طول سه دهه گذشته، رشد بسیار سریعی در صنعت مالی و بانکداری اسلامی در سطح جهانی رخ داده است. از این نظر، کیفیت اطلاعات منتشر شده در این حوزه ارتقاء یافته است. اما هیچگونه خدمات شاخص سازی تخصصی در حوزه اقتصاد مالیه اسلامی تا بحال ایجاد نشده است. بنابراین برای محققین و اقتصاددانان بسیار مشکل است تا اطلاعات خود در زمینه موضوعی خاص را بارگذاری و یا از طریق آن بتوانند اطلاعاتی کسب کنند. بدون مراجعه به پایگاه داده‌های دست دوم، برخی از نویسندگان صرفاً منابع داده‌ها را ذکر می‌کنند، در حالی که برخی دیگر، تلاش می‌کنند تا آنها را به شکل خاصی دسته‌بندی نمایند. در این بخش از مقاله انواع پایگاه داده‌های دست دوم و نقش آنها به اختصار ارائه می‌شود.

۲-۱-۱- فهرست (کتاب شناسی) شاخص‌ها و چکیده‌ها

اطلاعات مبتنی بر مکتوبات، مستندات، متون و کتب در زمینه اقتصاد و مالیه اسلامی پراکنده است. برخی از این موارد شامل موضوعات منتشر شده یا نشده مانند تک نگاریهاست که عمدتاً به زبان عربی، انگلیسی و ترکی هستند. سطح پوشش این مستندات و مکتوبات چندان وسیع نیست (علی و علی ۱۹۹۴). از میان مطالعات کلی، یکی از اولین کارها توسط خان انجام گرفت که در اوایل دهه ۱۹۷۰ فهرست، مستندات مکتوب و مجموعه‌ای از واژه‌های مورد استفاده در اقتصاد اسلامی را ارائه کرد. این فهرست شامل اطلاعات ۱۳۹ قلم به زبان انگلیسی و اردو بود. افزون بر آن مجموعه‌ای از لغتها و واژه‌های اقتصادی را نیز ارائه کرد. سپس خان همان کار را به روز کرده و به عنوان تک نگاری منتشر نمود. این کار جدید خان مشتمل بر ۷۴۹

واژه بود.

با گذشت بیش از ۱۰ سال از تولید فهرست اولیه، خان در سال ۱۹۸۳، نسخه جدید دیگری از کار اولیه همراه با متمم آن را منتشر کرد. ناشر، بنیاد اسلامی بود. این جلد از کار، واژه ها واقلامی را ارائه می کرد که افزون بر ۷۴۹ قلم قبلی، ۱۲۱ قلم دیگر اضافه راکرده بود. جلد دوم آن در سال ۱۹۹۱، به چاپ رسید و بیانگر واژه های جدید بود (خان، ۱۹۹۱). این فهرست ها بطور منظم و مرتبی تدوین شده بود که منضم به فهرست ها، تفاسیر و حاشیه نویسی های نویسنده بود. بگونه ای که راهنمای محققین در یافتن نیازهایی بود که بدنبالش بودند.

کارهای جدی فهرست نویسی در حوزه اقتصاد اسلامی توسط صدیق (۱۹۷۸) ادامه یافت. کار صدیق در واقع مروری بر ادبیات معاصر مشتمل بر ۷۰۰ واژه و شاخصی مرتبط با کتاب هایی که به زبان عربی، انگلیسی و اردو نوشته شده بودند، بود. کار دیگر در این حوزه، مروری بر ادبیات معاصر به زنان ترکی بود که زعیم در سال ۱۹۷۶ آن را نگاشت. این کار به عنوان یک فصل و تک نگاری و با عنوان "مطالعات در اقتصاد اسلامی" بود که به وسیله احمد در سال ۱۹۷۶ تدوین شد. این کتاب شامل منتخبی از مقالات اولین "کنفرانس بین المللی اقتصاد اسلامی" بود که در دانشگاه شاه عبدالعزیز عربستان سعودی از ۲۱ تا ۲۶ فوریه ۱۹۷۶ در شهر مکه برگزار شد.

اقتصاد اسلامی، کتابی بود که خان در سال ۱۹۸۴ ارائه کرد. این کتاب به وسیله موسسه تحقیقات و آموزش اسلامی بانک توسعه اسلامی (IDB) منتشر شد و موارد و واژه های مرتبط از ۱۹۵۵ تا ۱۹۸۴ را در قالب ۶۰۰ واژه و عبارت به زبان انگلیسی شامل می شد.

منان (۱۹۸۴)، همچنین چکیده های تمام کتاب ها، مستندات، مکتوبات، همچنین مقالات راکه در مجله (KAAU) اقتصاد اسلامی در مرکز تحقیقات اقتصاد اسلامی به زبان انگلیسی تا به چاپ رسیده بود ۱۹۸۴ را منتشر کرد. این مجموعه گردآوری شده از مستندات، دیدگاه و چشم اندازی را به اقتصاددانان اسلامی در خصوص کارهای انجام شده در مرکز بین المللی تحقیقات در اقتصاد اسلامی ارائه داده و برای سایر محققینی که علاقه مند به فعالیت در این حوزه بودند، بسیار مفید بود. افزون بر آن، اطلاعات در خصوص بیش از ۲۰۰ مورد پایان نامه کارشناسی ارشد و رساله دکتری همراه به چکیده هایی در حوزه اقتصاد و با تکراری اسلامی که توسط مرکز تحقیقات اقتصاد اسلامی، KAAU جده انجام شده بود را به راحتی و به صورت برخط در اختیار همه قرار داد.

گردآوری فهرست های دیگر توسط صدیقی (۱۹۸۵) صورت گرفت که این کار صرفاً به بانکداری اسلامی اختصاص داشت و در کراچی منتشر شد. محققین دریافتند که اقلام و واژه های مندرج در این فهرست، در فهرست هایی که سایر اقتصاددانان اسلامی قبلاً ذکر کرده اند، تکرار شده است. در انگلستان، Presley (۱۹۸۸) راهنمای نهادهای مالی اسلامی را منتشر کرد. وی اسامی و اطلاعات مختصری از ۵۰۶ نهاد مالی که از دهه ۱۹۵۰ فعالیت خود را شروع کرده بودند را منتشر کرد.

موسسه بانکداری و بیمه اسلامی لندن هم در سال ۱۹۹۹، کتاب راهنمای بیمه اسلامی (تکفل) را منتشر کرد. این کتاب به معرفی بیش از ۵۰ شرکت بیمه اسلامی همراه با آدرس محل شرکت ها در نقاط مختلف

جهان پرداخته بود.

سپس در سال ۱۹۹۳، موسسه آموزش و تحقیقات اسلامی بانک توسعه اسلامی، کار جدی تری را در حوزه اقتصاد اسلامی با عنوان تاریخچه ای از "اقتصاد اسلامی" منتشر کرد. پایگاه داده آن کلیه متون اقتصاد اسلامی منتشره تا سال ۱۹۹۲ را پوشش می داد. این کار، متشکل از پنج بخش بود و به محققین حداکثر اطمینان را برای استفاده از آن می داد، زیرا شامل انواع شاخص ها بود مثلاً شاخص توصیف گر (شرح دهنده)، شاخص موضوعی، شاخص نویسنده و شاخص در خصوص نحوه مشارکت نویسندگان. این کار تحقیقات را از هر نظر و زاویه تسهیل کرده و استفاده از مدارک و مستندات را بر اساس کد طبقه بندی و ... میسر ساخت. خان (۱۹۹۵)، فهرست جدیدی متشکل از ۱۶۲۱ عنوان را به زبان انگلیسی برای بازه زمانی از دهه ۱۹۷۰ تا ۱۹۹۳ منتشر کرد. اقلام جدید از درون مستندات چاپ شده، منتشر نشده، کتاب، مقاله، پایان نامه، رساله و مقالات کنفرانس بود.

کتاب حاوی شاخص نویسنده، شاخص موضوعی و ضمیمه ای از فهرست مهمترین مجله هایی که منحصرأً به نظریه ها و کاربردهای اقتصاد اسلامی می پرداختند، بود.

کتاب اصلاحی (۲۰۰۵) با عنوان "مشارکت دانشمندان اسلامی در عقاید و تحلیل اقتصادی" کتاب بسیار ارزشمندی در حوزه تاریخ عقاید اقتصادی مسلمانان از ۱۵۰۰-۶۳۲ میلادی است. از جمله کارهای دیگری می توان به کتاب طهیر (۲۰۰۷) در حوزه بانکداری و مالیه اسلامی نیز اشاره کرد که با عنوان نظریه و کاربرد بانکداری اسلامی: بررسی و جمع آوری ادبیات (۲۰۰۵-۱۹۹۵) است. وی در این کتاب، فهرست طبقه بندی شده از ادبیات در حوزه بانکداری و مالیه اسلامی که از سال ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۵ منتشر شده بود را ارائه کرد. این کتاب پایه و بنیان استواری برای درک مسیری که تحقیقات در این حوزه در این دوره زمانی طی کرده اند و نیز راهی که باید تحقیقات در سال های آتی طی کنند را نشان داده است. کتاب از جنبه های مختلفی منحصر بفرد است و می تواند راهگشایی برای محققین در این زمینه باشد. تردیدی وجود ندارد که این مستندات حداقل اطلاعات دست اول در زمینه ادبیات اقتصاد و مالیه اسلامی را برای محققین فراهم می کنند. برخی از نویسندگان این مستندات، طبقه بندی هایی را نیز برای اقتصاد اسلامی مشخص و تعیین کرده اند. این دسته بندی ها عمدتاً مبتنی بر دسته بندی ارائه شده به وسیله سازمان اقتصادی آمریکا (American Economics Association) است. خدمات فهرست بندی مستندات و مکتوبات، در واقع شاخصی برای دستیابی محققین به منابع اصلی و اولیه را فراهم می سازد. این پایگاه های اطلاعاتی برای بررسی و تحقیق در حوزه های خاص به محققین کمک شایانی می کند. برخی از این خدمات پایگاه های داده در شکل قابل خواندن بصورت برخط قابل بازیابی و در دسترس برای همه هستند. از آنجا که این منابع به همه محققین اقتصاد اسلامی کمک شایانی می کند لذا لازم و ضروری است که فرآیند به روز آوری و بروز رسانی همواره مد نظر قرار گیرد.

۲-۱-۲- پایگاه اطلاعاتی متون کامل

روند جدید در پایگاه های اطلاعاتی الکترونی، ایجاد سیستم تحقیقاتی مبتنی بر متن کامل و قابل بازیابی

است. اینگونه پایگاه‌های اطلاعاتی شامل چکیده و متن کامل مستندات است، که شامل قوانین، دایره‌المعارف، مجلات مانند مجله اقتصاد اسلامی منتشره به وسیله KAA و ... و یا کتاب‌هایی مانند کتاب‌هایی درباره اقتصاد، مالیه و بانکداری اسلامی است که توسط بانک توسعه اسلامی منتشر می‌شود. نرم‌افزار قوانین اسلامی، اولین نرم‌افزاری بود که در پایگاه داده‌ها در کشورهای اسلامی بصورت متن کامل مورد استفاده قرار گرفت. زیرا از جنبه حقوقی لازم بود که وکلا به متن کامل قوانین اسلامی دسترسی داشته باشد. پایگاه داده‌های حقوقی، مرتبط با قراردادهای بانکداری و مالیه اسلامی بود که با گذر زمان و با برخورد با موارد حقوقی جدید، همواره رو به گسترش است و لذا قوانین و مقررات جدید لازم بود (حسن، ۱۹۸۴، نیازی، ۱۹۹۰؛ کمالی، ۲۰۰۱).

محققین دانشگاهی و آکادمیک با پشتوانه اینگونه داده‌های دست دوم، شروع به مطالعات بنیادی و قوی در خصوص اقتصاد اسلامی نمودند. داده‌های دست دوم در واقع چارچوب نظری را ارائه می‌کند که در آن نظم حاکم است. امروزه، دامنه گسترده‌ای از پایگاه‌های اطلاعاتی با ویژگی دست‌ساز به متن کامل همراه با چکیده، در حوزه اقتصاد اسلامی وجود دارد که زمینه را برای تحقیقات نظری و تجربی عمیق‌تری فراهم ساخته است. دامنه آن شامل روزنامه‌ها، مجلات، دایره‌المعارف اسلام و نیز حقوق اسلامی است. این منابع نظری سبب شده که مالیه و بانکداری اسلامی در زمره یکی از حرفه‌ای‌ترین صنایع با سریع‌ترین رشد در دنیا قرار گیرد.

۳- منابع داده‌های دست دوم

پایگاه‌های داده برای تحلیل‌های دست دوم در تحقیقات اقتصاد اسلامی از منابع متعددی قابل دستیابی است. داده‌های دست دوم می‌تواند از افراد محقق، نهادهای تحقیقاتی یا شرکت‌های عرضه کننده داده‌های تجاری بدست آید. از همه مشهورتر و رایج‌تر، استفاده از پایگاه داده‌های دست دوم از منابع دولتی کشورهای مسلمان است. به عنوان نمونه، این پایگاه داده‌ها بگونه‌ای هستند که نسبت به هرگونه اطلاعات حساس بوده و استفاده‌کنندگان مجاز هستند که آنها را شناسایی و مستقیماً مورد استفاده قرار دهند.

از سوی دیگر مقادیر متنابهی از پایگاه‌های داده دست دوم در حوزه بانکداری و مالیه اسلامی در بخش خصوصی وجود دارند که ذکر آنها از حوصله این مقاله خارج است. با وجود این، اکثریت پایگاه‌های دست دوم شامل دایره‌المعارف‌ها، فهرست‌ها، چکیده‌ها و متون کامل، همچنین داده‌های عددی و منابع و مآخذ است. برخی پایگاه‌ها داده‌های دست دوم که برای تحقیق در حوزه اقتصاد و مالیه اسلامی مفید است ذیلاً ارائه می‌شود.

۳-۱- بدنه دولتی کشورهای اسلامی

دولت‌ها در کشورهای اسلامی ناشران مهم داده هستند، زیرا حساب‌های درآمد و مخارج ملی، جمعیت، سرشماری و برخی دیگر از آمارهای اجتماعی سیستماتیک بسیار مهم هستند. بسیاری از دولت‌های کشورهای مسلمان بطور سنتی داده‌ها خود را از منابع اداری کسب می‌کنند. از دهه ۱۹۸۰ برخی کشورهای در حال توسعه همگام با کشورهای توسعه یافته، بجای سرشماری از نمونه‌گیری‌های آماری برای جمع‌آوری داده

استفاده می‌کنند. همچنین برخی منابع شبه دولتی و یا منابع رسمی دیگری نیز داده‌های زیادی را تولید می‌کنند.

۳-۱-۱- پایگاه‌های داده آماری کشورهای عضو کنفرانس اسلامی

مرکز آمار کشورهای اسلامی یا کشورهای عضو کنفرانس اسلامی OIC؛ حجم عظمی از اطلاعات و داده‌های آماری موجود در پایگاه داده‌ها را که شامل آمارهای حساب‌های ملی، آمار انرژی، مخارج مصرف کننده، بررسی‌های آماری صنایع، آمار دامداری، کشاورزی، درآمد و پس‌انداز را ارائه می‌کنند. اینها نمونه‌هایی از داده‌های بخش دولتی هستند. این داده‌ها به راحتی قابل دانلود از وب سایت مراکز آماری کشورهای مسلمان هستند.

۳-۱-۲- پایگاه داده‌های برخط بانک‌های مرکزی کشورهای اسلامی

بانک‌های مرکزی کشورهای اسلامی عموماً انبوهی از داده‌ها که مرتبط با نهادهای مالی و بانکداری کشورهای خود است را منتشر می‌کنند.

۳-۲- مرکز تحقیقات اقتصاد اسلامی

در تاریخ اقتصاد اسلامی، اولین کنفرانس اقتصاد اسلامی در فوریه ۱۹۷۶ به همت دانشگاه شاه عبدالعزیز در عربستان سعودی برگزار شد. برگزاری این کنفرانس فرصتی را برای اقتصاددانان اسلامی و نیز دانشمندان اسلامی فراهم آورد که ضمن ملاقات، عناوین و موضوعات مهم معاصر در حوزه اقتصاد اسلامی را مورد بررسی قرار دهند. توصیه و پیشنهاد اصلی کنفرانس این بود که باید این دانشگاه، مرکزی بین‌المللی را برای تحقیق در اقتصاد اسلامی تأسیس نماید که از آن پس یعنی در سال ۱۹۷۷، مرکز تحقیقات اقتصاد اسلامی نام گرفت.

تحقیق و انتشار مستندات، مهمترین محورهای این مرکز است. از این نظر مرکز، بیش از صدها کتاب، مقالات تحقیقی و پژوهشی، تاریخچه و ... به زبان انگلیسی و عربی منتشر کرده است. مجله‌ای نیز که همزمان به دو زبان عربی و انگلیسی با عنوان "مجله تحقیقات اقتصاد اسلامی" منتشر می‌شود. اولین جلد این مجله در سال ۱۹۸۳ منتشر و تا سال ۱۹۸۵ ادامه یافت در سال ۱۹۸۹، تغییر نام داده و به نام مجله دانشگاه عبدالعزیز: اقتصاد اسلامی منتشر شد. این مجله، دو فصلنامه است. برخی از مقالات این مجله، منتبع از تحقیقات تجربی مبتنی بر داده‌های دست دوم بود که توسط بسیاری از محققین در مقالات و تحقیقاتشان در اقتصاد اسلامی مورد استفاده قرار گرفت.

این مرکز از سال ۱۹۷۹ از تحقیقات و پژوهش‌های کاربردی در حوزه‌های متنوع اقتصاد اسلامی، پشتیبانی و حمایت می‌کند. از سال ۱۹۷۹، این مرکز، موضوعات تحقیقاتی در زمینه اقتصاد اسلامی همه ساله پیشنهاد می‌کند. بسیاری از محققین عرب و نیز محققین سایر کشورهای اسلامی، اروپائی و آمریکایی با این مرکز در زمینه پژوهشی و موضوعات مورد نظر، همکاری می‌کنند.

تعدادی از این کارهای تحقیقاتی از زبان انگلیسی به عربی و برعکس ترجمه شده است. برخی از پروژه‌های تحقیقاتی اتمام یافته بر اساس داده‌های دست دوم با فهرست، چکیده، متن کامل و شاخص بودند (صدیقی، ۱۹۷۸؛ زعیم، ۱۹۷۶؛ صدیقی، ۱۹۸۵؛ منان، ۱۹۸۴؛ اصلاحی، ۲۰۰۵). افزون بر آن بسیاری از مقالات منتشر شده در شماره‌های مختلف مجله مذکور، بر اساس مطالعات تجربی مبتنی بر داده‌های دست دوم بودند (Shahimi, Ismail & Ahmad, 2000b; Yousof & Majid 2007)، که محققین می‌توانند به عنوان منابع دست دوم از آن استفاده کنند. این مرکز از محققین و جوامع دانشگاهی با در اختیار قرار دادن امکانات اطلاعاتی در حوزه اقتصاد اسلامی حمایت می‌کند.

۳-۳- موسسه تحقیقات و آموزش اسلامی بانک توسعه اسلامی

این موسسه در سال ۱۹۸۵ بر اساس تصمیم متخذه در پنجمین نشست و کنفرانس اسلامی که در کشور کویت برگزار شد، تأسیس گشت. هدف از تأسیس این موسسه جمع‌آوری، تحلیل، ذخیره سازی و ارزیابی اطلاعات در حوزه‌ها و زمینه‌های اولویت‌دار و در راستای توسعه کشورهای عضو OIC، استفاده از آخرین فناوری و ابزارهای کارآمد و به روز بوده است. این موارد شامل سیستم بانک اطلاعات اسلامی (IBIS)، پایگاه داده صادرات بانک توسعه اسلامی (IOBDE)، سیستم اطلاعات تشویق تجارت (TIPSYS)، بانک داده وقف و مجله IRTI می‌باشد. افزون بر موارد مذکور، موسسه تحقیقات و آموزش اسلامی بانک توسعه اسلامی، مجله سیستم مدیریت برخط دارد. این سیستم مشتمل بر تاریخچه، چکیده و متن کامل کتب، تک نگاریها، مقالات سمینارها، بررسی تحقیقات و مقالات دانشمندان که توسط IRTIC به زبان عربی و فرانسه از بدو تأسیس تاکنون انجام شده، با دسترسی آزاد و برخط می‌باشد. افزون بر آن، گزارشات سالانه بانک توسعه اسلامی IDB و IRTI، آمار کشورهای عضو IDB شامل آمارهای کلیدی اقتصادی-اجتماعی کشورهای عضو بانک توسعه اسلامی و ... منتشر می‌شود.

مجله IRTIC هر ۶ ماه یکبار منتشر می‌شود که بصورت برخط قابل دسترسی است. بسیاری از مقالاتی که در این مجله چاپ می‌شود منتج از مطالعات تحقیقی مبتنی بر پایگاه‌های داده‌های دست دوم است که از آن میان می‌توان به مقالات حسین ۲۰۰۴، بشیر ۲۰۰۳ و ... اشاره کرد. بدیهی است نتایج این مطالعات می‌تواند توسط سایر محققین به عنوان منابع دست دوم مورد استفاده قرار گیرد. مجله مطالعات اقتصاد اسلامی Islamic Economic Studies در Journal of Economic Literature یا همان پایگاه ECONLIT ایندکس شده است. از سال ۲۰۰۶، IRTIC نقش تعیین کننده راهبری را در جمع و تدوین قوانین، گردآوری، ذخیره‌سازی، خلق، توسعه، ارائه، مشارکت و انتقال دانش و داده برای اعضای بانک و نیز کشورهای بانک توسعه اسلامی ایفا می‌کند.

۳-۴- مرکز آموزش و تحقیقات آماری، اقتصادی و اجتماعی کشورهای اسلامی SESRTCIS

این مرکز اقدام به جمع‌آوری داده‌های آماری جدید مبتنی بر نرم افزار کرده است. به نحوی که محققین می‌توانند با مراجعه به این سایت، داده‌های بسیار کارآمد و مورد اعتمادی را به دست آورند. پایگاه داده مرکز

شاخص‌های اصلی اقتصادی و اجتماعی، بیش از ۱۷۰ متغیر اقتصادی و اجتماعی را در ۱۵ گره برای ۵۷ کشور عضو OIC از ۱۹۷۰ به بعد ارائه می‌کند. محتوای این پایگاه داده، همواره در حال به روز شدن است که این مهم از طریق استفاده از منابع حساب‌های ملی کشورهاست. افزون بر آن گزارش‌هایی در زمینه محیط زیست، علم، تکنولوژی و فناوری، فقر و کشاورزی نیز تهیه می‌شود.

۳-۴-۱- سالنامه آماری کشورهای عضو OIC

همه ساله، SESRTCIS، سالنامه آماری برای همه کشورهای عضو OIC منتشر می‌کند. این مرکز همچنین "مجموعه گزارشات اطلاعاتی" برای کشورهای عضو را به زبان انگلیسی همه ساله انتشار می‌دهد. این مرکز نخستین کتابخانه الکترونیکی مرجع در میان کشورهای OIC را بوجود آورده است. این مهم با حمایت مالی بانک توسعه اسلامی انجام شده است. انتظار می‌رود که با استفاده از این پایگاه، خدمات کتابخانه‌ای برخط بتواند تسهیلاتی را برای محققین فراهم نماید.

۳-۴-۲- مجله همکاری اقتصادی Journal of Economic Cooperation

یکی از مجلاتی است که تحقیقات کاربردی در توسعه اقتصادی را منتشر می‌کند. این مجله توجه خاصی به آن دسته از مقالاتی دارد که درباره پتانسیل‌ها و امکانات تشویق و گسترش همکاری فنی و اقتصادی میان دولت‌های عضو OIC در سطح منطقه‌ای، محلی و یا بین‌المللی است. این مجله به صورت فصلی و به زبان انگلیسی منتشر می‌شود. برخی از مقالات منتخب نیز به زبان عربی در یک شماره مجله در سال منتشر می‌شود. این مجله نیز در Econlit ایندکس شده است. چکیده مقالات این مجله از ۱۹۸۷ و از سال ۱۹۹۰، مقالات کامل به صورت برخط در دسترس است.

۳-۴-۳- Roster of statistics expert

این مجله ارتباط میان متخصصین آمار و محیط زیست را در میان کشورهای OIC فراهم می‌کند. این مجله اطلاعات و تجربیات درون کشورهای اسلامی را برای تشویق فعالیت‌ها و همکاری‌های فنی تسهیل می‌کند. همچنین جریان اطلاعات میان مرکز و سازمان‌های ملی آمار کشورها را با مراکز و سازمان‌های آماری سراسر دنیا سهولت می‌بخشد.

۳-۵- سازمان ملل، بانک جهانی و سازمان بین‌المللی کار

آمار مربوط به چگونگی توزیع درآمد میان کشورهای عضو سازمان ملل از سال ۱۹۶۷ توسط کمیسیون اقتصادی سازمان ملل منتشر می‌شود. در دهه ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰، برخی نهادها و سازمان‌های بین‌المللی به ارائه و عرضه‌کنندگان مجموعه داده‌ها اضافه شدند که از آن میان می‌توان به سازمان بین‌المللی کار اشاره کرد. در دهه ۱۹۹۰ مجموعه داده‌های دیگری ایجاد شد. سازمان بین‌المللی کار همه ساله آمارها و گزارشاتی را درباره فقرزدایی منتشر می‌کند (طباطبایی، ۱۹۹۶).

۳-۶- پایگاه داده های مالی

اطلاعات مالی شرکت ها یا سهام مرتبط با آنها امروزه به راحتی در دسترس است که عمدتاً از پایگاه های داده های دست دوم قابل استخراج است. در حال حاضر پیشرفت قابل توجهی در گردآوری داده های مالی و نیز قیمت سهام ایجاد شده است به گونه ای که پایگاه داده های دست دوم دانشگاه شیکاگو، DataStream، International, Bloomberg تأثیر قابل توجهی بر حوزه مالیه اسلامی از نظر پایگاه داده داشته است. در این پایگاه ها، اطلاعات و داده های شرکت ها پذیرفته شده در شاخص داو جونز اسلامی، FTSE شاخص اسلامی منتشر می شود. آنها همچنین داده های شاخص های منطبق بر شریعت از بورس های اوراق بهادار سراسر دنیا، داده های مربوط به شاخص بازدهی صندوق های سرمایه گذاری مشترک اسلامی و نیز نسبت قیمت به درآمد، سود و ... را منتشر می کنند. اطلاعات مربوط به پس انداز و سرمایه گذاری بسیاری از بانک های اسلامی نیز در این پایگاه داده موجود است. همچنین پروژه مالیه اسلامی (IFP) دانشگاه هاروارد از سال ۱۹۹۷، پایگاه داده در باره مالیه اسلامی تشکیل داده است که در آن، اطلاعات و داده، مقالات و ... را در اختیار محققین قرار می دهد.

۳-۷- بانک ها و شرکت های اسلامی

به منظور انجام مطالعه مرتبط با نحوه عملکرد و فعالیت بانک ها و شرکت های اسلامی، مهمترین منبع، داده های دست دوم حوزه بانک ها و شرکت های اسلامی هستند. بسیاری از اطلاعات و مستندات قابل دسترس عموم هستند به ویژه در حوزه گزارشات و حساب های سالانه. برخی از این اطلاعات به صورت مکتوب مانند گزارشات سالانه ای که مدیر عامل در خصوص فعالیت های عملیاتی می دهد که مجدداً می تواند در سطوح جزئی تر (Gowler & Legge, 1986) به ویژه با استفاده از روش تحلیل محتوا مورد تحلیل قرار گیرد، ارائه می شود.

۳-۸- پایگاه های داده منحصر به بانکداری و مالیه اسلامی

تعدادی از مراکز تحقیقاتی و سازمان های تجاری، در زمینه اطلاعات و تحقیقات بانکداری و مالیه اسلامی فعال هستند. این موسسات خود پایگاه داده و اطلاعات در خصوص بانکداری و مالیه اسلامی ارائه می کند که برخی از آنها به شرح ذیل فهرست و ارائه می شوند:

- 1- IPE Data bank (Islamic Finance Project Data Bank)
- 2- IBF Net (The Islamic Business and Finance Network)
- 3- CIBAFI (General Council of Islamic Bank and Financial Institution)
- 4- IFIS (Islamic Finance Information Service)

۳-۹- جمع آوری قوانین و مقررات شرعی

پایگاه داده درباره جمع آوری و گردآوری قوانین و مقررات شرعی توسط چندین سازمان یا بانک اسلامی انجام می شود. مثلاً مرکز تحقیقات Dallah al-Barana در تحقیقاتی که درباره جمع آوری فتاوا و مقررات مذهبی و شرعی است، فعالیت می کند. آکادمی بین المللی فقه اسلامی (IIFA) در خصوص قوانین مرتبط بانکداری

اسلامی به زبان عربی فعال است. نتایج این تحقیقات در قالب کتاب‌های مدون در کتابخانه‌های دانشگاهها و سایر سازمانها و موسسات آموزشی قابل دسترسی است. از این قبیل موارد می‌توان مرکز تحقیقات ریاض، Rijhi Research Center، و مرکز مالی کویت Kuwait Finance House نیز اشاره کرد.

۳-۱۰- مطبوعات

مطبوعات از جمله منابع اطلاعاتی به روز هستند. مطبوعات زیادی توسط ۵۷ کشور عضو OIC منتشر می‌شود. بدیهی است در این مطبوعات اخبار اقتصادی، داده‌های مربوط به شاخص سهام از جنبه‌های مختلف ملی، محلی، منطقه‌ای و ... منتشر می‌شوند. مطالب بسیاری از این مطبوعات منحصراً به مالیه و بانکداری اسلامی اختصاص داد که در نقاط مختلف دنیا به چاپ رسیده و منتشر می‌شوند.

۳-۱۱- مجلات الکترونیکی گروه مدیریت

از ۲۰۰۱، پایگاه داده‌های مبتنی بر وب بسیار گسترده و قابل استفاده شده‌اند. EBSCO، Emerald، Econlit، ProQuest، Jstor، Ingenta، Swets، (S&P) Standard & Poors و بسیار مجلات الکترونیکی دیگر که می‌توانند داده‌ها و مستندات مکتوب و کامل را در اختیار محققین قرار دهند.

۴- کاربرد داده‌های دست دوم

عموماً، طراحی تحقیق در حوزه اقتصاد، مالیه و بانکداری اسلامی به گونه‌ای است که نیاز نیست محققین داده‌های مورد نظر خود را جمع‌آوری نمایند، بلکه می‌توانند فرضیه‌های خود را با استفاده از پایگاه داده‌ها که قبلاً بدانها اشاره شد، مورد آزمون قرار دهند. این داده‌ها ممکن است کوچک، ساده و در سطح خرد باشند یا ممکن است داده‌های رفتار اجتماعی و با تمایلات نسبت به سرمایه‌گذاری درباره صندوق‌های اسلامی باشند. گاهی ممکن است داده‌ها بسیار پیچیده و پر هزینه باشند مانند سرشماریهای جمعیتی و یا تحقیقات پانل مرتبط با درآمد. همچنین بسیاری از داده‌های سطح کلان مانند آمارهای مالی اسلامی وجود دارند. چالش‌های مرتبط با داده‌های دست دوم، آن است که محققین خود بتوانند اطمینان یابند که با اطلاعات موجود می‌توانند فرضیه خود را مورد آزمون قرار دهند نه آنکه برای فائق آمدن بر مشکلات تحقیق، فرضیه خود را متناسب با داده‌های موجود تغییر دهند.

۴-۱- مزایای داده‌های دست دوم

مزایای زیادی برای استفاده و بکارگیری داده‌های دست دوم در تحقیقات وجود دارد که ذیلاً به آنها پرداخته می‌شود.

- تحلیل داده‌های دست دوم می‌تواند با سرعت بیشتری در مقایسه با جمع‌آوری رسمی داده‌های اولیه انجام شود.

- زمانی که داده‌های دست دوم معتبر وجود دارد، محققین می‌توانند در زمان و هزینه صرفه‌جویی کرده و از داده‌های موجود بجای گردآوری داده‌های اولیه استفاده نمایند، لذا از دوباره‌کاری اجتناب می‌شود.
- استفاده از داده‌های دست دوم، ابزار نسبتاً کم هزینه‌ای برای انجام مطالعات به ویژه در سطح دولت‌ها، دستگاه‌ها، کشورها و ... است. این نکته را باید در نظر داشت که شیوه‌ها و روش‌های جمع‌آوری داده میان محققین، کشورها و یا دستگاه‌های مختلف، متناوب است و این امر می‌تواند به قابلیت همسنجی و مقایسه داده‌ها آسیب رساند.
- با توجه به سطح جدائی زدائی داده‌ها، تحلیل داده‌های دست دوم منتهی به تحلیل روند نیز می‌شود و به راحتی می‌توان تغییرات متغیرها را در فرآیند تغییر زمان مشاهده نمود.
- استفاده از داده‌های دست دوم، جمع‌آوری داده‌های اولیه را تکمیل نموده و معنادار می‌کنند، در زمان صرفه‌جویی می‌شود. این داده‌ها غالباً با انبوهی از داده‌های اولیه همراه هستند.
- افراد با حداقل آموزش و مهارت فنی می‌توانند برای استفاده از داده‌های اولیه آموزش ببینند.

۴-۲- معایب داده‌های دست دوم

- معایب استفاده و کاربرد داده‌های دست دوم در تحقیق به شرح ذیل است:
- داده‌های دست دوم کمک می‌کند که شرایط و موقعیت گروه درک شود. اما در مقایسه با داده‌های اولیه، آنها واکنش‌ها و عکس‌العمل‌های ناقصی از واقعیت هستند. بدون تفسیر مناسب و تحلیل صحیح، داده‌های دست دوم نمی‌توانند بما کنند که چرا بعضی مسائل رخ می‌دهد.
 - محققینی که از داده‌های دست دوم استفاده می‌کنند، می‌توانند به سهولت با انبوهی از حجم داده‌های دست دوم روبرو شوند و در صورتی که نتوانند از میان داده‌ها، برخی از آنها را انتخاب و برگزینند، دچار ابهام و سردرگمی شوند.
 - بسیار مشکل است که بتوان کیفیت برخی داده‌ها را مشخص نمود.
 - منابع ممکن است با یکدیگر در تعارض باشند.
 - از آنجا که داده‌های دست دوم عموماً به همان منظور محقق جمع‌آوری نمی‌شوند، اهداف و مقاصد محققین اصلی ممکن است برای مطالعات بعدی منجر به اریب شود.
 - از آنجا که داده‌ها ممکن است برای سایر محققین جمع‌آوری شود و آنها تصمیم می‌گیرند که کدام داده جمع‌آوری و کدامیک حذف شود، تمام اطلاعات مورد نظر ممکن است موجود نباشد.
 - بسیاری از داده‌های موجود عموماً معیارهای غیر مستقیمی از مشکلات و مسائلی هستند که در کشورها و یا مناطق وجود دارند.
 - داده‌های دست دوم، بیانگر ارزش‌ها، عقاید و دلایل گروه به توجه به روند جاری نیستند (Beaulieu, 1992).

۴-۳- درک ماهیت داده

این حقیقت که محقق درگیر جمع‌آوری داده نبوده، بدان معناست که لازم است درک صحیحی از ماهیت داده

و چگونگی گردآوری داده بدست آورد. در واقع می‌توان گفت به همان اندازه که داده‌ها مواردی را آشکار می‌سازند به همان اندازه مواردی است که آشکار نمی‌سازند.

بدون داشتن درک صحیح از روش‌های موجود، این خطر وجود دارد که محقق از داده به شکل بد و نامتناسب استفاده کند، و در نتیجه به نتایج اشتباه دست یابد. مشکل به طور مشخص اریب شدن داده، خواسته یا ناخواسته، می‌باشد که بدان معناست که باید به طور دقیق مورد ارزیابی قرار گیرند (Stewart, 1984). برای درک ماهیت داده مورد استفاده، محقق باید کوشش زیادی برای تحلیل آنها به خرج دهد تا از داده‌ها به نحو مناسب و صحیحی برای مقاصد خود استفاده نموده و بهره گیرد.

۴-۴- پایگاه داده‌ها و اقتصاددانان اسلامی

پیشرفت بسیار زیادی طی سال‌های اخیر در زمینه اقتصاد و مالیه اسلامی به دلیل افزایش قابل توجهی در پایگاه داده‌ها دست دوم روی داده است. به گونه‌ای که توانایی محققین در بکارگیری داده‌ها و تحلیل‌ها بسیار افزایش یافته است. به ویژه وجود مجموعه داده‌های خرد از گذشته تا بحال مانند پایگاه داده SESRTCISO و داده‌های توزیع درآمد در گزارش سالانه توسعه جهان، سرشماری در کشورهای مسلمان و ... بر خط شدن بسیاری از پایگاه داده‌های استاندارد و قابلیت آنها برای تحلیل‌ها در سطوح خرد، کمک زیادی به محققین کرده است.

به رغم آنکه پیشرفت‌های بسیار زیادی برای جمع‌آوری داده‌های مالی اسلامی و قیمت اوراق بهادار صورت گرفته، اما باید گفت محققین هنوز در مراحل بدوی و اولیه تحقیق در این باره هستند. بسیاری از داده‌های خرد موجود در سطح بنگاه، عمدتاً مبتنی بر درخواست دستگاه‌های دولتی بوده و احتمالاً دقیقاً منطبق با تفکرات و خواسته‌های محقق نیست.

از آنجائیکه مجموعه داده‌های خرد بسیار زیادی از منابع دست دوم وجود دارد، این امکان را برای محققین فراهم ساخته که بتوانند درباره مباحث و موضوعات جدید هم تحقیق نمایند. پس از گذشته یکی دو دهه از مطالعات و تحقیقات محققین که تلاش کردند از این داده‌ها استفاده کنند، نتایج تا حدودی ناامید کننده بود. مواجهه میان اقتصاددانان اسلامی با داده‌ها تا حدود زیادی ناامیدکننده بود زیرا داده‌ها ناکافی و ناقص بود. سه دلیل عمده برای تبیین مشکل برشمرده می‌توان ارائه داد.

(i) تئوری ناقص یا اشتباه است.

(ii) واحدها اشتباه هستند. به گونه‌ای که یا سطح داده‌ها بسیار کلی است یا اینکه نمی‌توان پاسخی برای عدم تجانس نتایج و واکنش‌ها ارائه کرد.

(iii) داده‌ها دقیق نیستند و یا نامربوط به آنچه که قرار است اندازه بگیرند، می‌باشند.

لذا تحقیقات کاربردی اقتصاد اسلامی باید با این موارد برخورد نماید. در سطح کلان و حتی در سطح معمول مطالعات و تحقیقات صنعت، فرض وجود عدم تجانس افراد و تحلیل داده با چارچوب بنگاه نماینده یا ... کاملاً معمول است.

این فرآیند از تجمیع مشکلات ملازم با این مفاهیم، اجتناب می‌کند. در تحلیل داده‌های خرد، بسیار مشکل است که از این مبحث و موضوع دوری کرد و لذا صرفنظر کردن از داده‌های دست دوم در سطح خرد می‌تواند بسیار هزینه‌بر باشد.

استفاده از داده های دست دوم، امکان انجام تحقیقات طولانی مدت در زمینه اقتصاد و مالیه اسلامی را فراهم کرده است. این امر صرفاً بخاطر کاهش هزینه و یا زمان تحقیق نیست. گرچه این موارد بسیار نیز مهم هستند. با استفاده از پایگاه داده های دست دوم، می توان تحقیقات بهتری انجام داد.

۵- پایگاه های داده دست دوم اقتصاد و مالیه اسلامی در ایران

در ایران پایگاه داده های دست دوم متعددی وجود دارد که ذیلاً به تعدادی از آنها اشاره می شود.

۵-۱- انجمن ها و موسسات علمی

انجمن اقتصاد اسلامی ایران، انجمن علمی اقتصاد اسلامی حوزه علمیه قم، انجمن علمی مدیریت اسلامی حوزه علمیه قم، انجمن مالی اسلامی ایران، پژوهشکده مطالعات اسلامی در علوم انسانی (گروه اقتصاد اسلامی)، پژوهشکده اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس، انجمن مالی اسلامی ایران، پژوهشکده مطالعات اسلامی در علوم انسانی (گروه اقتصاد اسلامی)، پژوهشگاه بین المللی المصطفی (ص)، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، دفتر مطالعات و پژوهشهای اقتصاد اسلامی، شبکه اجتهاد، مدیریت پژوهش، توسعه و مطالعات اسلامی سازمان بورس و اوراق بهادار، مرکز پژوهشهای مجلس شورای اسلامی، مرکز تحقیقات اقتصاد اسلامی دانشگاه شهید بهشتی، مرکز تحقیقات دانشگاه امام صادق (ع)، موسسه آموزش و تحقیقات فقه اقتصادی (طیبات)، موسسه مطالعات دین و اقتصاد، موسسه بین المللی مطالعات و تحقیقات بانکداری اسلامی صدر.

۵-۲- پایگاه های اطلاعاتی

اطلاعات شیعی (مدرسه فقهت)، بانک اطلاعات نشریات ایران، پایگاه شرکت مدیریت دارایی مرکزی بازار سرمایه (سایت صکوک)، ویکی فقه دانشنامه حوزوی پایگاه پیمان پولی دو جانبه تارنمای قوانین بانکی جمهوری اسلامی، پایگاه مجلات تخصصی نور، سازمان بورس و اوراق بهادار.

۶- نتیجه گیری

داده های دست دوم، داده هایی هستند که در حال حاضر وجود دارند و به منظور مقاصد و اهداف دیگری غیر از مشکل موجود گردآوری شده اند. پایگاه داده های دست دوم در حوزه اقتصاد اسلامی از منابع دانشگاهی، موسسات تحقیقات اقتصاد و بانک های اسلامی و ... شرکت های اسلامی بدست آمده اند و ناشی از منابع خارجی مانند دولت کشورهای اسلامی، صنایع و نیز منابع تحقیقات صنعت مالی بدست آمده اند. همانگونه که در این مقاله بدان اشاره شد مزایای زیادی (مانند کم هزینه و موجود و در دسترس بودن) و نیز معایبی در استفاده از داده های دست دوم وجود دارد. با اینحال به نظر می رسد که بسیاری از محققین از پتانسیل های استفاده از پایگاه داده های دست دوم آگاه نیستند. این پایگاه های داده، دید ارزشمندی را در خصوص سوالات و پرسش های مهم به شیوه ای کم هزینه فراهم می کنند.

بسیاری از تحقیقات تجربی در زمینه اقتصاد و مالیه اسلامی که تاکنون انجام شده، عمدتاً مبتنی بر داده های

اولیه بوده به ویژه به شکل پاسخ به سوالات پرسشنامه و در واقع بررسیهای علمی به روش پرسشنامه‌ای. البته شواهدی نیز بر استفاده محققین از پایگاه‌های داده‌های دست دوم نیز وجود دارد. پایگاه داده‌های دست دوم که در این مقاله به اختصار معرفی شدند، می‌توانند پتانسیل‌ها و فرصت‌های زیادی را در اختیار محققین قرار دهند تا بتوانند متغیرهای مختلف در تحقیقات اقتصاد و مالیه اسلامی را بدقت تحلیل نمایند.

هدف از این مقاله آن است که در خصوص استفاده و بکارگیری داده‌های دست دوم توسط محققین اقتصاد اسلامی راهنمایی نموده و آنها را تشویق به بکارگیری این داده‌ها بنماید. شاید بالا رفتن آگاهی محققین از ارزش‌های داده‌های دست دوم سبب شود که آنان روی بسوی تحقیقات تجربی آورند که تاکنون به خاطر فقدان اطلاعات، مورد کم توجهی بوده است. مطمئناً مطالب بسیاری هنوز در پایگاه داده‌های دست دوم وجود ندارد. با اینحال این مقاله تلاش کرد تا نشان دهد که در چه حوزه‌هایی می‌توان از پایگاه داده‌ها به ویژه برای مطالعات در خصوص اقتصاد و مالیه اسلامی استفاده نمود.

گرچه باید اذعان نمود که برای برخی سوالات، داده‌های دست دوم تقریب‌های ضعیفی هستند، اما در مقایسه با نتایج حاصل از مصاحبه یا پرسشنامه بسیار مفیدتر و قابل اتکاءتر هستند. دو ویژگی مهم داده‌های دست دوم که استفاده از آنها را ارزشمند می‌نماید به شرح ذیل است:

- (۱) امکان دسترسی به متون و مستندات قدیمی که در سالهای دور انجام شده است
 - (۲) مسیری که در آن داده‌های دست دوم نه تنها انجام تحقیقات تجربی و کاربردی را تسهیل می‌کنند بلکه همچنین آن را گسترش می‌دهند زیرا محققین علاقه‌مند به تحقیق در موضوعات دیگر هم می‌شوند.
- حتی در شرایط جدیدی که جهانی شدن برای محیط‌های دانشگاهی بوجود آورده، اما همچنان گفته می‌شود که تحقیقات و مطالعات موثر در حوزه اقتصاد و مالیه اسلامی باید توسط کسانی انجام شود که نسبت به آن آگاهی دارند (صدیقی، ۲۰۰۶).

تحقیقات چه کیفیتی باید داشته باشد؟ چهار جنبه مهم از نتایج تحقیق باید وجود داشته باشد که بر قضاوت و ارزیابی تأثیر گذارد:

- (۱) کیفیت طراحی تحقیق
- (۲) استفاده از مجموعه اطلاعات یا داده در شواهد تجربی
- (۳) انتشار نتایج و یافته‌ها
- (۴) پتانسیل داشتن اثر مثبت بر دیگران

مجموعه پایگاه داده‌هایی که در این مقاله بدانها اشاره شد، مثال‌های خوبی از داده‌های دست دوم هستند و بنابراین توصیه می‌شود که اقتصاددانان اسلامی به ویژه محققین ایرانی برای مطالعات آتی خود در حوزه اقتصاد و مالیه اسلامی از آنها بهره‌برند. با گذشت بیش از ۴۰ سال از انقلاب اسلامی و در دسترس بودن این منابع، تحقیقات انجام شده در ایران در زمینه اقتصاد و مالیه اسلامی به هیچ عنوان انتظارات را برآورده نساخته و بنظر می‌رسد با درنظر گرفتن توان علمی محققین ایرانی و نیز ضرورت انجام اینگونه تحقیقات، به ویژه تحقیقاتی که جنبه کاربردی داشته باشد، باید تلاشها دو چندان شود.

۷- منابع و مأخذ

- Ahmed, Habib (2002), "Financing Micro-enterprises: An Analytical Study of Islamic Microfinance Institutions", Islamic Economic Studies, Vol. 9(2).
- Ahmad, K. (1976), Studies in Islamic Economics (Ed), Leicester and Jeddah: The Islamic Foundation, UK and International Centre for Islamic Economics, KAAU.
- Ahmad, K(1995), Pakistan Shari'ah Court Judgement on Interest(Riba), Jeddah:IRTIIDB
- Ali, S., Nazim, A. and Ali, Naseem N. (1994), Information Sources on Islamic Banking and Economics 1980-1990, London and New York: Kegan Paul International.
- Abul Hassan, Secondary Databases and their Use in Research in Islamic Economics, Markfield Institute of Higher Education, The Islamic Foundation.
- Bain, W.A. (1995), "Ethical Problems in Ethics Research", Business Ethics: A European Review, Vol. 4(1)
- Bashir, A.M. (2003), "Determinants of Profitability in Islamic Banks: Some Evidence from the Middle East", Islamic Economic Studies, Vol. 11(1);
- Beaulieu, L.J. (1992), "Identifying Needs Using Secondary Data Sources, Institute of Food and Agricultural Services", University of Florida (Working paper).
- Dalton, D.R. and Metzger, M.B. (1992), "Towards Candor, Cooperation, & Privacy in Applied Business Ethics Research: The Randomized Response Technique (RRT)", Business Ethic Quarterly, Vol. 2(2).
- Fernandes, M.F. and Randall, D.M. (1992), "The Nature of the Social Desirability Response Effects in Ethics Research", Business Ethics Quarterly, Vol. 2(2).
- Frankfort-Nachmias, C. and Nachmias, D. (1992), Research Methods in the Social Sciences, Fourth Edition, London: Edward Arnold.
- Frederick, W.C. (1992), "Whither Method? And Why?", Business Ethics Quarterly, Vol. 2(2).
- Gowler, D. and Legge, K. (1986), "Images of Employees in Company Reports – Do Company Chairmen View their Most Valuable Asset As Valuable?" Personnel Review, Vol. 15(5).
- Hasan, 'Alawi Haji. (1984), Sales and Contracts in Early Islamic Commercial Law, Islamabad: Islamic Research Institute.
- Hassan, A. and Latiff, S. (2006), "Corporate Social Responsibilities of Islamic Financial Institutions and Businesses: Optimizing Charity Values", forthcoming in Humanomics.
- Hussain, K. (2004), "Ethical Investment: Empirical Evidence from FTSE Islamic Index", Islamic Economic Studies, Vol. 12(1) .
- Hassan, M.K. (2003), "Dividend Signalling Hypothesis and Short-term Asset Concentration of Islamic Interest Free Banking", Islamic Economic Studies, Vol. 11(1).
- Islahi, A.A. (2005), Contribution of Muslim Scholars to Economic Thought and Analysis, Jeddah: Scientific Publishing Centre (KAAU).
- Kamali, M.H. (2001), Islamic Commercial Law: An Analysis of Futures and Options, Cambridge. Islamic Texts Society.
- Khan, M.A. (n d), Annotated Bibliography of Contemporary Economic Thought in Islam & Glossary of Economic Terms in Islam, Lahore; All Pakistan Islamic Education Congress.159
- Khan, M.A. (1983), Islamic Economics Annotated Sources in English and Urdu, Vol. 1; Leicester: Islamic Foundation, UK.
- Khan, M.A. (1991), Islamic Economics Annotated Sources in English and Urdu, Vol. 2; Leicester: Islamic Foundation, UK.
- Khan, T. (1984), Islamic Economics: A Bibliography, Jeddah: IRTI-IDB.

- Khan, J.A. (1995), *Islamic Economics and Finance A Bibliography*, London: Mansell Publishing Ltd.
- Kravis, I.B. (1960), "International Differences in the Distribution of Income", *Rev. Econ. Statist.* Vol. 42(4),.
- Kravis, I.B. (1962), *The Structure of Income, Some Quantitative Essays*, Philadelphia: University of Pennsylvania.
- Kuznets, S. (1955) "Economic Growth and Income Inequality", *American Economic Review.* Vol. 45(1)..
- Kuznets, S. (1963), "Quantitative Aspects of the Economic Growth of Nations: VIII. Distribution of Income by Size", *Econ. Devel. Cult. Change*, Vol. 11 (2), part 11.
- Liedtka, J.M. (1992), "Exploring Ethical Issues Using Personal Interviews", *Business Ethics Quarterly*, Vol. 2(2).
- Mannan, M.A. (1984), *Abstracts of Researches in Islamic Economics*, Jeddah: ICRIE King Abdulaziz University.
- Niazi, L.A.K. (1990), *Islamic Law of Contract*, Lahore. Research Cell.
- Novak, T.P. (1996), "Secondary Data Analysis Lecture Notes", *Marketing Research*, Vanderbilt University. Available online (telnet): <www2000.ogsm.vanderbilt.edu/marketing.research.spring.>
- Presley, J.R. (1988), *Directory of Islamic Financial Institutions*, London: Coorm Helm.
- Randall, D.M. and Gibson, A.M. (1990), "Methodology in Business Ethics Research: A Review and Critical Assessment", *Journal of Business Ethics*, Vol. 9(6).
- .Shahimi, S.Bt., Ismail A.G., and Ahmad, S.B. (2006), "A Panel Data Analysis of Fee Income Activities in Islamic Banks", *Journal of KAU: Islamic Economics*, Vol. 19(2).
- Siddiqi, M.N. (1978), *A Survey of Contemporary Literature*, Leicester and Jeddah: The Islamic Foundation, UK and International Centre for Islamic Economics, KAAU.
- Siddiqi, M.N. (2006), "Islamic Banking and Finance in Theory and Practice: A Survey of State of the Art", *Islamic Economic Studies*, Vol. 13 (2), pp.1-48.
- Siddiqui, A.H. (1985), "A Bibliography of Islamic Banking", Karachi: Islamic Documentation and Information Centre.
- Stewart, D.W. (1984), *Secondary Research: Information Sources and Methods*, Beverly Hills: Sage.
- Tabatabai, H. (1996), *Statistics on Poverty and Income Distribution: An ILO Compendium of Data*, Geneva: ILO.
- Tahir, S. (2007), "Islamic Banking Theory and Practice: A Survey and Bibliography of the 1995-2005 Literature", *Journal of Economic Cooperation*, Vol. 28(1).
- Weber, J. (1992), "Scenarios in Business Ethics Research: Review, Critical Assessment, and Recommendations", *Business Ethics Quarterly*, Vol. 2(2).
- vanGinneken, W. and Park, J. (1984), *Generating internationally comparable Income Distribution Estimates*, Geneva: ILO.
- Yusof, R.M. and Majid, M.S.A. (2007), "Stock Market Volatility Transmission in Malaysia: Islamic Versus Conventional Stock Market", *Journal of KAU: Islamic Economics*, Vol. 20(2).
- Zaim, S. (1976), "Contemporary Turkish Literature on Islamic Economics", *Studies in Islamic Economics* (ed) by KhurshidAhamd, Leicester and Jeddah: The Islamic Foundation, UK and International Centre for Islamic Economics, KAAU.

اهداف نظام اقتصادی اسلام در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

محمد کهندل^۱

چکیده

هر نظامی مجموعه به هم پیوسته‌ای است که اجزای آنها بر اساس مبانی آن نظام دارای روابط منطقی با هم می‌باشند. اقتصاد کشور در عرصه عمل بدون تعیین اهداف عالی و دائمی نشئت گرفته از مبانی اسلام، عملکردها با سیکل‌های سینوسی، تدوین برنامه‌ها در فضایی مبهم و در حوزه نظریه مطالعات و پژوهشها یا با اهداف ناشی از مبانی التقاطی یا با مبانی غربی انجام می‌شوند. با اهداف و مبانی التقاطی دستاوردهای تحقیقات علمی نخواهند بود و با اهداف و مبانی غربی برای کشورهای اسلامی کارآمد نیستند. این مقاله از طریق بررسی؛ چالشهای مطالعات انجام شده در اهداف نظام اقتصادی، تعریف الگو، تعیین ارکان الگو، تعریف مبانی، برای اهداف ویژگیهایی استخراج نموده است. در مرحله بعد با احصاء اهداف نظام اقتصادی اسلام در مطالعات انجام شده اقتصاددانان مسلمان در حوزه اقتصاد خرد و کلان و دسته‌بندی آنها و مقایسه آنها با ویژگیهای استخراج شده اهداف دائمی که هم راه و مسیرند و هم هدفند ارائه شده است. از این فرآیند سه هدف؛ معنویت، عدالت و پیشرفت از نتایج این کار پژوهشی می‌باشند.

واژگان کلیدی: الگو، ویژگیهای اهداف نظام اقتصادی اسلام، اهداف نظام اقتصادی اسلام و الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی

۱. مقدمه

استخراج اهداف نظام اقتصادی اسلام برای تبیین اهداف الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی یک ضرورت است. اسلام یک نظام است. این نظام دارای انسجام، همگرایی، همسویی و مبتنی بر یک مبانی و جهان بینی است. بنابر این زیر نظامهای نظام اسلامی چون نظام اقتصادی، بانکداری، مدیریتی، سیاسی و تربیتی آن همه دارای اهدافی هستند که در راستا و برگرفته از نظام اسلامی هستند. چرا که همه آنها باید اهداف کلی اسلام را تامین کنند. این موارد یک امر عقلی و بدیهی است. یک نظام و سیستم مجموعه اجزاء به هم پیوسته و هماهنگی هستند که در نهایت هدف واحدی را دنبال می کنند. به همین دلیل اهداف نظام اقتصادی اسلام با نظامهای اقتصادی اومانستی فردی و جمعی غرب و شرق متفاوت است.

در مطالعات انجام شده توسط محققین این حوزه از یکی بودن هدف نهایی همه نظامهای اقتصادی تا ابهام در نظام اهداف اقتصادی اسلامی مطرح شده است. نکته حائز اهمیت در این ارتباط این است که هدف یا اهداف نظام اقتصادی اسلام یا الگوی اسلامی پیشرفت در حوزه اقتصاد کدامند و چالشها و روش یا روشهای تبیین آنها چیست؟ برای پاسخ به این موارد لازم است، ابتدا پیشینه تحقیق و بررسی روند مطالعات بررسی و چالشها فراروی این مسیر را کشف و با ارائه طریق از آن عبور کرد. باید آنچه نیاز است و ویژگیهای آن را بر شمرد و در راستای آن مطالعات را مدیریت نمود. بر همین اساس این مقاله در صدد تبیین اهداف نظام اقتصادی اسلام برآمده است.

۲. پیشینه تحقیق

مطالعاتی در خصوص اهداف نظام اقتصادی اسلام صورت گرفته است. برخی بین نظام اسلامی و غیر اسلامی در تبیین اهداف تفاوتی قایل نشده اند و عنوان شده است؛ هدف نهایی همه نظامهای اقتصادی پیشرفته یکی است. و هدف نهایی نظامهای فرعی اقتصاد (از جمله نظام اقتصاد اسلامی) این است که با تولید و توزیع به حد کفایت همه کالاها و خدمات مورد نیاز اعضای یک جامعه، نیازهای مصرفی آنان را تأمین کند. (جهانیان، ۱۳۸۲، ص ۸) و یا عنوان شده است؛ اهداف نظام اقتصاد اسلامی از اهداف هیچ نظام دیگری متمایز نیست. همه نظامها روی به سوی اهدافی از این دست دارند؛ تأمین منافع عمومی، ثبات اقتصادی، توسعه فراگیر و کار برای همه (یوسفی، ۱۳۷۹، صص ۲۸۱ و ۲۸۲) این برداشت ناشی از طرح اهداف بدون تکیه بر مبانی اسلام است. اهداف نظام اقتصادی اسلام به عنوان بخشی از اسلام لازم است برگرفته از نظام اسلامی باشد. نظام اقتصادی اسلام از اسلام جدا نیست. کما اینکه نظام سیاسی اسلام نیز جزئی از نظام اسلامی است. به لحاظ تفکر سیستمی و فراگیر بودن اسلام در همه شئون زندگی نمی توان پذیرفت اهداف بخشی از اسلام همان اهداف نظام اقتصاد اومانسیسم غربی است. کما اینکه در بسیاری از مطالعات که در همین مقاله ذکر آنها می آید بین اهداف نظام اقتصادی اسلام و دیگر نظامها تفاوت قایل شده اند

برخی محققین حاکمیت سیاسی اسلام، تحکیم ارزشهای معنوی و اخلاقی، برپایی عدالت اجتماعی، عدم وابستگی اقتصادی، خودکفایی و اقتدار اقتصادی، توسعه و رشد، و رفاه عمومی (دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۴، ص ۱۹۳) را اهداف نظام اقتصادی اسلام برشمرده اند. سیدی نیا بیان می کند؛ رشد اقتصادی، عدالت

اقتصادی و امنیت اقتصادی اهداف غایی نظام اقتصادی اسلام است. (سیدی نیا، ۱۳۸۷، صص ۱۱۱-۱۴۲) در همین ارتباط آمده است؛ رفاه و آسایش زندگی در داشتن امنیت است (آمدی، ۱۳۷۳، ج ۱، ص ۱۰۰) حال آنکه امنیت هدف مقدمی رفاه اقتصادی است. در خصوص رفاه نیز به عنوان یکی از اهداف نظام اقتصادی اسلام بیان شده است و برخی عنوان کرده‌اند؛ اگر دولت اسلامی را دولت رفاه نامیم، به طور کامل از انصاف به دور افتاده‌ایم (خورشید احمد، ۱۳۷۴، ص ۲۰۱) رفاه اقتصادی نیز یک واژه‌ای است که به دلیل اینکه در مکاتب مختلف تعبیر متفاوت از آن می‌شود برای الگوی به عنوان هدف قابل طرح نیست. این گروه از محققین بین اهداف غایی، میانی و مقدمی تفاوتی قایل نشده‌اند.

محقق دیگری بر این باور است که کشف اهداف نظام اقتصادی اسلام همانند دیگر آموزه‌های اسلامی باید از راه مراجعه به منابع اسلامی انجام شود (میرمعزی، ۱۳۷۸ ص ۱۰۴) از این طریق اهداف نظام اقتصادی اسلام را امنیت اقتصادی، عدالت اقتصادی و رشد اقتصادی (میرمعزی، ۱۳۷۸، ص ۱۰۴) و در جایی دیگر اهداف غایی نظام اقتصادی اسلام را در پنج جنبه فراخی در روزی، همدم سازگار، تندرستی، امنیت و آسایش روحی و جسمی (میرمعزی، ۱۳۹۰، ص ۷۶) استخراج نموده است. برخی از اهداف بر شمرده در مقاله دوم نیازهای اولیه یا اهداف مقدمی هستند. یعنی ایشان از یک طرف روش را محدود به مراجعه به منابع اسلامی و از طرفی نیز بین اهداف غایی، میانی و مقدمی تفاوتی در نظر نگرفته است. بنابر این با مرور مطالعات انجام شده در قالب یک الگوی مشخص نبوده و فرآیند انجام مطالعات دارای چالشهای زیر^۱ می‌باشند:

- فقدان مبانی اسلامی و واحد در مطالعات
- تفاوت قائل نبودن بین اهداف غایی، میانی و مقدمی
- محدود کردن استخراج اهداف از روش خاص
- انجام مطالعات برای استخراج هدف بدون توجه به این موضوع که هدف رکن اصلی هر الگویی از جمله الگوی پیشرفت اسلامی در حوزه اقتصاد است.

شاید به همین دلیل یوسفی در این ارتباط ابهام در اهداف نظام اقتصادی اسلامی و ساماندهی آن را بیان می‌کند. (یوسفی، احمد علی، ۱۳۸۶، صص ۱۰۱-۱۲۶) لذا در این مقاله با بررسی روش‌هایی با تکیه بر مبانی واحد توحیدی و ارائه اهدافی مختص الگو که فارق از چالشهای مطالعات انجام شده باشد دنبال می‌شود.

۳. الگو

واژه Pattern به معانی الگو (شایان‌مهر، علی‌رضا؛ ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۷۹) و معنی مدل، انگاره، شکل و نمونه در نظر گرفته شده است. اصطلاح الگو را انسان‌شناسان، حداقل از سال ۱۸۷۱ به مفهومی چند جانبه به کار برده‌اند. بر همین مبنا از الگو، گاه در توجه به کیفیت‌های رفتاری، الگوهای آرمانی و رفتاری و گاه در توجه به اصول فرهنگ‌ها یاد شده است. (گولد، جولیوس و همکاران، ترجمه. گروه مترجمان ۱۳۷۶، ص ۹۱) واژه Pattern بیشتر به ساخت و روابط بین عناصر یک واقعیت توجه دارد و طرح ساده شده‌ای است که خطوط اساسی یک مجموعه اجتماعی و نسبت‌های موجود بین آن‌ها را مشخص می‌کند. (مندارس، هانری، ترجمه. باقر پرهام،

۱. در مطالعات انجام شده که در متن می‌آیند این چالشهای برای هر یک مطالعات بیان می‌شود.

۱۳۴۹، ص ۳۷۰) اما تعریف این دو تفاوت‌هایی با هم دارند. الگو یک نقشه جامع است که به ما می‌گوید که به کدام سمت و به سوی کدام هدف حرکت کنیم به طوریکه حرکت‌های بی‌هدف، زیگزاکی و سردرگم حذف شود. چنانکه بیان شده است؛ الگوی ایرانی - اسلامی، یعنی یک نقشه‌ی جامع. بدون نقشه‌ی جامع، دچار سردرگمی خواهیم شد. همچنان که در طول این سی سال، به حرکت‌های هفت و هشتی، بی‌هدف و زیگزاگ مبتلا بودیم و به این در و آن در زدیم. (خامنه‌ای، حضرت آیت الله العظمی الامام سید علی، نخستین نشست اندیشه‌های راهبردی، ۱۳۸۹/۹/۱۰) مدل چگونگی حرکت در راستای هدف را ارائه می‌دهد. اما ارائه مدل بدون تعیین هدف ممکن نیست. مدل یک نیاز برای بهره‌برداری از الگو از طریق تبیین رابطه بین اجزا می‌باشد. تعریف الگوها باید صریح و جامع باشد تا عملیات ریاضی روی آن‌ها امکان‌پذیر شود؛ ساخت الگوها نیز به هیچ وجه نباید پیچیده باشد. (توسلی، غلام‌عباس، ۱۳۶۹، ص ۱۴۳) بدون هدف، الگو معنی ندارد و از طرفی برای اجرایی کردن آن و ساخت مدل بدون هدف میسر نیست. الگو امکان همسو نمودن و جهت‌دار کردن اجزا را به سمت هدف مشخص فراهم می‌کند. مجموعه روابط بین اجزای یک الگو را مدل آن می‌گویند. الگو دارای سه رکن هدف، اجزا و روابط است. با توجه به نظر جولیوس گلد و همکارانش چنین منتج می‌شود که هدف الگو از مبانی استخراج می‌شود. مبانی و اهداف هسته سخت الگو و از جنس مباحث فلسفی هستند.

با مشخص شدن اهداف و در مرحله بعد با تبیین اجزا، و سپس ارائه تعریف روابط و توابع، این فرآیند و مجموعه منسجم یک الگوی عملیاتی است. روابط از طریق نظریه یا ارائه فرضیه و بررسی آن با روش‌های اجتهادی یا تجربی میسر است. با تبیین روابط (مدل)، الگو کامل یا به تعبیری عملیاتی می‌شود.

۲,۱. اولین قدم تبیین و ارائه الگو تعیین اهداف ب اولویت در تبیین ارکان الگو

عد از مبانی الگو می‌باشد. اگر اهداف یک الگو تبیین نشود هرگز نمی‌توان بین اجزاء رابطه معنی‌دار، هماهنگ و منسجمی مشخص نمود. بنابر این برای ارائه الگو لازم است، ابتدا مطالعات به صورتی انجام شود که مبانی و سپس هدف یا اهداف استخراج شوند. لازم است مبانی و اصول اسلام در حوزه مورد نظر را تعریف نمود و اهداف از آنها استخراج گردد. این کاری مشکل، ولی امری ضروری است. در واقع ارائه الگو و مدل به منظور آسان‌سازی و همسو نمودن همه بخشها و آحاد مردم در سطوح مختلف علمی و اجرایی در جهت اهداف خاص است. آحاد مردم فیلسوف نیستند. ولی تبیین مبانی یک موضوع میان رشته‌ای و فلسفی است. این مسایل کلی و ثقیل را باید بسیار ساده و عملیاتی ارائه نمود. به طوریکه همه اقشار مختلف مردم در مدیریت کلان و بنگاه با توجه به مبانی فکری، فرهنگی و اقتصادی از بکارگیری آن خرسند و نبود آنرا گم شده خود بدانند.

۳. مبانی

اصولاً آن چه موجب اراده، نوع تصمیم و اقدام به عملی ساختن تصمیم می‌گردد فلسفه رفتاری یا مبانی رفتاری نام دارد. عناصری که انگیزه در نوع انتخاب، اراده و تصمیم موثرند و آن‌ها را عملی می‌سازد مبانی نام دارند. آن‌ها در حوزه اقتصادی، مبانی اقتصادی اسلام نام می‌گیرند. مبانی برای تدوین اهداف و ساخت ساختار الگوی اسلامی به عنوان پیش‌فرض‌های اولیه تلقی می‌شوند. (کهندل، محمد، ص ۵۰، ۱۳۸۲) اصولاً تا تعاریف

واژه‌های اولیه یا پیش فرض‌های اولیه تعیین و مشخص نشوند عملاً بحث پیرامون سایر واژه‌های الگو گمراه کننده خواهد بود. این همان جنبه فلسفی الگوست که اصطلاحاً در حوزه اقتصاد به آن فلسفه اقتصادی می‌گویند. در نظام اسلامی انسان تنها برای مسائل مادی کار نمی‌کند. یگانه محرک او حوائج مادی زندگی نیست. او برای هدف‌ها و آرمان‌هایی بس عالی می‌جنبد و می‌جوشد. او ممکن است که از حرکت و تلاش خود جزء رضای آفریننده خود مطلوب دیگری نداشته باشد. (سوره فجر، آیه ۸۲) بنابر این انسان موجودی است برگزیده. از طرف خداوند، خلیفه و جانشین، (سوره انعام، آیه ۱۶۵) نیمه ملکوتی و نیمه مادی، دارای فطرتی خدا آشنا، آزاد، مستقل، امانت‌دار خدا و مسئول خویشتن و جهان، مسلط بر طبیعت و زمین و آسمان که ملهم به خیر و شر وجودش از ضعف و ناتوانی آغاز می‌شود و به سوی قوت و کمال سیر می‌کند و بالا می‌رود. اما جزء در بارگاه الهی و جزء با یاد او آرام نمی‌گیرد. ظرفیت علمی و عملی او نامحدود است، از شرافت و کرامت ذاتی برخوردار است. احیاناً انگیزه‌هایش هیچ‌گونه رنگ مادی و طبیعی ندارد. حق بهره‌برداری مشروع از نعمت‌های خداوند به او داده شده است. نظر قرآن این است که انسان همه کمالات را بالقوه دارد و باید آن‌ها را به فعلیت برساند و این خود او است که باید سازنده و معمار خویشتن باشد شرط اصلی و اصولی انسان به کمالاتی است که بالقوه دارد. ایمان از تقوا و عمل صالح و کوشش در راه خدا برمی‌خیزد. در بعد هدف و آرمان‌گرایی، او خدا جو و خداپرست می‌باشد. خود محور نیست. بلکه کمال خود و حلاوت رسیدن به معبود را هدف خویش و جامعه می‌داند، (قرآن کریم، فجر آیه‌های ۲۷ و ۲۸) هیچ چیز غیر خداوند باری تعالی هدف غایی نیست. منافع مادی و امکانات اقتصادی و رفاه همه اهداف میانی برای حرکت در مسیر سیر الی الله می‌باشد. لذا هیچ‌گاه منافع مادی در حد معبود و پرستش مطرح نیست. بدون ابزار امکان حرکت وجود ندارد. لذا اقتصاد ابزاری است برای رسیدن به کمال خداگونه انسان. انسان نفع پرست نیست. نفع طلب است. خدا پرست و خدا محور است و خود محور نیست. (کهندل، محمد، ۱۳۸۲، ص ۵۰) یعنی اهداف بر گرفته از مکتب و ایدئولوژی اسلامی باشند. بدون مکتب و بدون ایدئولوژی نمی‌توان یک تمدن را به وجود آورد؛ احتیاج به ایمان است. این تمدن دارای علم خواهد بود، دارای صنعت هم خواهد بود، دارای پیشرفت هم خواهد بود؛ و این مکتب، هدایت کننده و اداره کننده‌ی همه‌ی اینها خواهد شد. آن که مکتب توحید را مبنای کار خودش قرار می‌دهد، آن جامعه‌ای که به دنبال توحید حرکت می‌کند، همه‌ی این خیراتی را که متوقف بر تمدن‌سازی است، به دست خواهد آورد. (خامنه‌ای، حضرت آیت الله العظمی الامام سید علی، دیدار جوانان استان خراسان شمالی، ۲۳ / ۰۷ / ۱۳۹۱) یعنی معظم له معتقد به تدوین الگو بر اساس مکتب و ایدئولوژی توحیدی و مبانی نظام اسلامی می‌باشد. بطوریکه امام خامنه‌ای عنوان می‌کنند؛ دستور کار قطعی نظام جمهوری اسلامی، الگوهای غربی با شرائط خودشان، با مبانی ذهنی خودشان، با اصول خودشان شکل پیدا کرده؛ بعلاوه ناموفق بوده. بنده به طور قاطع این را می‌گویم: الگوی پیشرفت غربی، یک الگوی ناموفق است. درست است که به قدرت رسیده‌اند، به ثروت رسیده‌اند؛ اما بشریت را دچار فاجعه کرده‌اند. آنچه که موجب می‌شود ما الگوی غربی را برای پیشرفت جامعه‌ی خودمان ناکافی بدانیم، در درجه‌ی اول این است که نگاه جامعه‌ی غربی و فلسفه‌های غربی به انسان (البته فلسفه‌های غربی مختلفند؛ اما برآیند همه‌ی آنها این است) با نگاه اسلام به انسان، بکلی متفاوت است. اومانیزم غربی هم انسان محور است. اومانیزم (که محور فلسفه‌های قرن نوزدهمی و بعد و قبل از آن است)

انسان را محور قرار می‌دهد. اما چه جور انسانی؟ انسان در منطق غرب و اومانیزم غربی، بکلی با این انسانی که در منطق اسلام هست، تفاوت دارد. انسان در الگو و نگاه اسلامی موجودی است هم طبیعی و هم الهی؛ دو بُعدی است. (خامنه‌ای، حضرت آیت الله العظمی الامام سید علی، دیدار دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۸۶/۰۲/۲۵) ما پیشرفت را به شکلی که غرب دنبال کرد و پیش رفت، نمی‌خواهیم؛ پیشرفت غربی هیچ جاذبه‌ای برای انسان آگاه امروز ندارد. پیشرفت کشورهای پیشرفته‌ی غربی نتوانست فقر را از بین ببرد، نتوانست تبعیض را از بین ببرد، نتوانست عدالت را در جامعه مستقر کند، نتوانست اخلاق انسانی را مستقر کند. (خامنه‌ای، حضرت آیت الله العظمی الامام سید علی، دیدار اساتید دانشگاه‌ها ۱۳۹۲/۵/۱۵) ایشان ضمن تاکید بر نیازمند بودن جرأت، شجاعت و انگیزه‌ی بسیار قوی برای طراحی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت در ادامه عنوان داشتند در تمام مراحل طراحی این الگو باید مبانی اسلامی به صورت جامع و دقیق مد نظر قرار گیرد و در این خصوص، هیچ ملاحظه و رودربایستی هم نشود. (خامنه‌ای، حضرت آیت الله العظمی الامام سید علی، دیدار اعضای شورای عالی مرکز طراحی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، ۱۳۹۱/۱۲/۱۴) ایشان در نام گذاری اسلامی ایرانی می‌گویند؛ الگوی اسلامی ایرانی: چرا می‌گوئیم ایرانی؟ اسلامی به خاطر اینکه بر مبانی نظری و فلسفی اسلام و مبانی انسان‌شناختی اسلام استوار است. چرا می‌گوئیم ایرانی؟ چون فکر و ابتکار ایرانی، این را به دست آورده. (خامنه‌ای، حضرت آیت الله العظمی الامام سید علی، دیدار دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۸۶/۲/۲۵) بنابر این اهداف الگوی اسلامی باید از مبانی اسلام استخراج شوند.

۴. ویژگیهای اهداف

اهداف الگو دارای ملاک و معیارهایی است. لازم است بعد از تعیین اهداف معیار و آزمون برای صحت انتخاب درست اهداف وجود داشته باشد. این ویژگیها برگرفته از تعریف الگو و امری بدیهی و منطقی تلقی می‌شوند اما بعضا مستند به بیانات امام خامنه‌ای می‌باشند.

۴،۱. اهداف از مبانی استخراج شود و یا اهداف استخراج شده در طول مبانی خدا محوری باشد و با آن هیچگونه تعارضی نداشته باشد.^۱

۴،۲. اهداف میانی و مقطعی الگو ساز نیستند و از ارکان الگو محسوب نمی‌شوند. ارکان الگو حذف شدنی نیستند. اهداف الگو ویژگی ماندگاری دارند یعنی اهداف بایستی هم راه باشند هم هدف و در این صورت یکی از ارکان الگو خواهد بود. امام خامنه‌ای در این ارتباط عنوان می‌کنند؛ پیشرفت، هم راه و مسیر است، هم هدف است. ما می‌گوئیم هدف، پیشرفت است؛ در حالی که پیشرفت یعنی حرکت به جلو. چطور حرکت به جلو می‌تواند هدف قرار بگیرد؟ توضیحش این است که پیشرفت انسان هرگز متوقف نمی‌شود. یعنی خدای متعال انسان را آنچنان آفریده است که حرکت او به جلو در میدانهای مختلف، هیچ وقت به حد یقف نمی‌رسد. به هر مرحله‌ای که شما برسید (چه در مراحل مادی و چه معنوی) مطمئناً توقف در آن مرحله، برای انسان علاقه‌مند به پیشرفت، معنا ندارد. بنابراین پیشرفت، هم راه است، هم هدف است. باید دائم به حرکت ادامه داد و پیش

۱. در پاراگراف فوق این مطلب به استناد بیانات حضرت آیت الله العظمی الامام سید علی خامنه‌ای از جمله دیدار دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد در تاریخ ۱۳۸۶/۰۲/۲۵ ارائه شد.

رفت. (خامنهای، حضرت آیت الله العظمی الامام سید علی، دیدار جوانان استان خراسان شمالی 1391/07/23) باید اهدافی ترسیم شوند که در میان راه به طور کامل حاصل نشوند بلکه در هر مرحله از اجرای الگو همچنان اهداف باقی خواهند ماند و قوام الگو به وجود آنها بستگی دارد. اینکه گفته می‌شود اهداف الگو از ارکان الگو می‌باشد دقیقاً به معنی حذف نشدن اهداف در میانه راه و به تعبیر فرزانه و راهبر انقلاب اسلامی هم راه و میسرند و هم هدفند. این ویژگی دوم اهداف الگوست.

۴,۳. اهداف الگو برای همه حوزه‌ها هدفند. شاخص‌های این اهداف در حوزه‌های مختلف ممکن است متفاوت باشند، اما شاخصهای حصول هر کدام از اهداف در حوزه‌های مختلف نه تنها با شاخصهای حصول دیگر اهداف از حوزه‌های دیگر در تناقض نیستند، بلکه حصول آنها در هر حوزه منجر به تحقق درصدی از اهداف دیگر حوزه‌ها یا بسترساز تحقق آنها خواهند بود. اهداف و شاخصهای اهداف هر کدام از اجزای الگو یا حوزه‌های مختلف با اهداف الگو کاملاً با هم منطبق می‌باشند.

۴,۴. اهداف الگو چون از یک مبانی منتج می‌شوند وحدت و یک سویی در آنها وجود دارد و هرگز تعارض یا تناقضی در بین آنها وجود ندارد. یعنی ضمن وجود کثرت از وحدت برخوردارند. بطوریکه گویی الگو داراری یک هدف است.

۴,۵. اهداف ارائه شده نباید با آموزه‌های قرانی، سنت، اجماع و عقل تناقض داشته باشند. در حوزه مطالعات علمی هر فرضیه اثبات شده اگر و فقط اگر یک مورد نقض گردد، ابطال می‌شود.

۴,۶. اهداف ارائه شده با دلایل متقن و روشهای علمی قابل اثبات باشند.

۵. روش استخراج اهداف

یک راه تبیین اهداف استخراج اهداف از طریق روشهای فلسفی و از کل به جزء آمدن است. در این مقاله مطالعات انجام شده اقتصاددانان مسلمان در خصوص اهداف در سطح حوزه کلان اقتصادی و بنگاه را با توجه به معیارهای ارائه شده مورد بررسی و تحلیل قرار داده و از این فرآیند اهداف نظام اقتصادی اسلام با ویژگیهای؛ مبتنی بر مبانی توحیدی، دائمی بودن، وجود وحدت در اهداف، عدم تعارض با آموزه‌های اسلام و قابل اثبات بودن آنها ارائه می‌شوند.

۵,۱. تبیین اهداف از نظر اقتصاددانان مسلمان

بنابر این در اینجا اهداف برشمرده اقتصاددانان برای اقتصاد در سطح کلان و بنگاه در دستور کار قرار می‌گیرند. در زیر ابتدا اهداف کلان و سپس اهداف بنگاه ارائه می‌شود. در هر کدام از این دو با توجه به قرابت اهداف نسبت به هم طبقه‌بندی شده و بر اساس ویژگیهای آنها مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرند.

۵,۱,۱. اهداف نظام اقتصادی اسلام

در سطح کلان اهداف نظام اقتصادی از نظر اقتصاددانان مسلمان به صورت زیر احصاء شده است. ابتدا بطور مستند و سپس این اهداف به طور جداگانه در ۲۵ مورد که برخی تکراری نیز هستند در ذیل آنها می‌آیند.

۱. حاکمیت سیاسی اسلام، تحکیم ارزش‌های معنوی و اخلاقی، برپایی عدالت اجتماعی، عدم وابستگی اقتصادی، خودکفایی و اقتدار اقتصادی، توسعه و رشد، و رفاه عمومی (دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۴، ص ۱۹۳)
۲. تولید و توزیع به حد کفایت همه کالاها و خدمات مورد نیاز اعضای یک جامعه، نیازهای مصرفی آنان را تأمین کند. (جهانیان، ۱۳۸۲، ص ۸)
۳. تأمین منافع عمومی، ثبات اقتصادی، توسعه فراگیر و کار برای همه (یوسفی، ۱۳۷۹، صص ۲۸۱ و ۲۸۲)
۴. رشد اقتصادی، عدالت اقتصادی و امنیت اقتصادی اهداف غایی نظام اقتصادی اسلام است. (سیدی نیا، ۱۳۸۷، صص ۱۱۱-۱۴۲)
۵. رفاه و آسایش زندگی در داشتن امنیت است (آمدی، ۱۳۷۳، ج ۱، ص ۱۰۰)
۶. امنیت اقتصادی، عدالت اقتصادی و رشد اقتصادی (میرمعزی، ۱۳۷۸، ص ۱۰۴)
۷. فراخی در روزی، همدم سازگار، تندرستی، امنیت و آسایش روحی و جسمی (میرمعزی، ۱۳۹۰، ص ۷۶)

۱،۱،۵. تفکیک اهداف هفتگانه ترکیبی

۱. حاکمیت سیاسی اسلام
۲. تحکیم ارزش‌های معنوی و اخلاقی
۳. برپایی عدالت اجتماعی
۴. عدم وابستگی اقتصادی
۵. خودکفایی و اقتدار اقتصادی
۶. توسعه و رشد
۷. رفاه عمومی
۸. تولید و توزیع به حد کفایت همه کالاها و خدمات مورد نیاز اعضای یک جامعه برای تأمین نیازهای مصرفی آنان
۹. تأمین منافع عمومی
۱۰. ثبات اقتصادی
۱۱. توسعه فراگیر
۱۲. کار برای همه
۱۳. رشد اقتصادی
۱۴. عدالت اقتصادی
۱۵. امنیت اقتصادی
۱۶. رفاه و آسایش زندگی
۱۷. امنیت

۱۸. امنیت اقتصادی
۱۹. عدالت اقتصادی
۲۰. رشد اقتصادی
۲۱. فراخی در روزی
۲۲. همدم سازگار
۲۳. تندرستی
۲۴. امنیت
۲۵. آسایش روحی و جسمی

۵.۱.۲. بررسی و تحلیل اهداف کلان

یکی از ملاکهای اهداف الگو، ماندگاری در اهداف است بر این اساس اهداف میانی و اهداف مقدماتی الزاما باید حذف شوند. با این موضوع اهداف ۱۰، ۱۵، ۱۷، ۱۸، ۲۳ و ۲۴ پیش نیاز هدف رشد محسوب می‌شوند و اهداف محوری متناسب با الگو تلقی نمی‌شوند.

اهداف ۱، ۴، ۵، ۶، ۱۳، ۲۰ و ۲۱ هدف رشد با تعبیر متفاوت تلقی می‌شوند. اهداف ۳، ۱۲، ۱۴ و ۱۹ هدف عدالت با واژه‌های متفاوت می‌باشند. هدف ۲ هدفی معنوی تلقی می‌شود. با توجه به تعریف سازمان ملل متحد از رفاه اجتماعی مبنی بر اینکه آن دامنه وسیعی از فعالیت‌ها و برنامه‌هایی که تحت نظارت و با کمک دولت برای بهزیستی افراد و جامعه انجام می‌شود را در بر می‌گیرد. (یزدانی، ۱۳۸۳ ص ۳۸) لذا اهداف ۷، ۸، ۹ و ۱۶ اهداف مقدماتی برای هر کدام از اهداف رشد، عدالت و معنویت تلقی می‌شوند. نکته حائز اهمیت در اینجا این بود که اهداف بیست و پنجگانه به سه رشد، معنویت و عدالت تبدیل شدند. با این تفاوت که برخی حذف شدند اما اینکه این سه هدف ویژگیهای یاد شده را دارند یا خیر؟ نکته‌ای است که باید در ادامه مقاله لازم است مورد بحث قرار گیرند.

۵.۱.۲. تبیین اهداف بنگاه اقتصادی در جوامع اسلامی

آنچه در این قسمت می‌آید نظر اقتصاددانان مسلمان در سطح اقتصاد خرد است. این مطالعات در چهار گروه تقسیم‌بندی شده‌اند که به‌طور خلاصه شرح آنها ارائه می‌گردند. نکته حائز اهمیت گروه اول در قالب مدل حداکثر سازی سود که مبتنی بر نظریه اقتصاددان نئوکلاسیک ارائه شده است. اما طرح قیود و محدودیت‌های برای هر کدام به نوعی از نظر اقتصاددانان مسلمان اهدافی تلقی می‌شوند که به‌طور ضمنی به نظریه اقتصاد غرب اضافه شده‌اند. اما گروه دوم با یک هدف حداکثر سازی محصول به نظر می‌رسد هدف مفروضی نوعی عدالت باشد. در گروه سوم عملا با طرح مطلوبیت بین دو موضوع دو هدف ارائه شده است. گروه چهارم در کنار هدف رشد مادی یا حداکثر سازی سود اهداف دیگری نیز بیان شده است. در جمع‌بندی گروه اول از اقتصاددانان مسلمان دو نوع اهداف اصلی و ضمنی را بیان کرده‌اند. عملا در سه گروه دیگر اهداف دیگری غیر

از سود و رشد مادی، اهداف دیگری به شکلهای مختلف اضافه شده است.^۱ در زیر با این رویکرد به دسته‌بندی و تحلیل آنها پرداخته می‌شود.

گروه اول

هدف اصلی: حداکثرسازی سود با قیود

نظریه پردازان:

صدیقی (۱۹۷۹ بازنویسی ۱۹۹۲)، دار (۱۹۸۸)، اقبال (۱۹۹۲)، زبیر حسن (۱۹۹۲ و ۲۰۰۸)، نقوی (۱۹۹۷)، عرف (۱۹۹۷)، البعلی (۲۰۰۰)، المصری (۲۰۰۱)، میرمعزی (۱۳۸۳)

اهداف ضمنی یا قیود: عدالت، نوع دوستی، انجام هزینه در راه خدا، رعایت ضوابط شرعی و احکام اسلامی، محدودیت‌های اخلاقی و قوانین اسلامی

ویژگی این مطالعات وجود اهداف رشد (سود)، عدالت و معنویت (انجام هزینه در راه خدا) به‌اشکال مختلف در مطالعات این گروه از محققان است.

گروه دوم

هدف: حداکثرسازی محصول

نظریه پردازان:

علی (۱۹۸۰)، الفروغی (۱۹۸۳)، علی (۱۹۹۳)، اختر (۱۹۹۳) و میرمعزی (۱۳۸۳)

این نظریه بر اساس اصالت جامعه و برنامه‌ریزی متمرکز طرح شده است. نیازهای فردی مورد غفلت قرار گرفته و چنین اقتصادی درونزا نیست و از موتور محرک توسعه یا انگیزه کافی برای تحریک فعالیت اقتصادی محروم است. اما به‌نظر می‌رسد هدف مفروضی عدالت است.

گروه سوم

هدف: حداکثرسازی مطلوبیت

نظریه پردازان

گاساو (۱۹۸۸)، قحف (۱۹۹۱)، حلاق (۱۹۹۵)، متولی (۱۹۹۷) و عزتی (۱۳۸۹ یا ۲۰۱۰)

در این مطالعات فرد بدنبال مطلوبیت بیشتر از سود و کار خیرخواهانه می‌باشد. به‌تعبیر دیگر رشد (سود) و معنویت (کار خیرخواهانه) هدف مفروضی این گروه از محققان است.

گروه چهارم

هدف: حداکثرسازی سود به‌عنوان یکی از چند هدف

نظریه پردازان

رحیم (۱۹۷۹)، گاساو (۱۹۸۸)، سعد مرطان (۱۹۹۲)، عباس (۱۹۹۵) و زبیر حسن (۲۰۰۸)

هدف: سطح معقولی از سود - فروش محصول به قیمت منصفانه - سود عادلانه حلال - اعطای دستمزد عادلانه - تامین منافع اجتماعی - کسب رضایت الهی کسب - تداوم فعالیت بنگاه - کسب مطلوبیت اعمال

خدا پسندانه - منافع اجتماعی - حداکثرسازی سود - اعمال خیر خواهانه - حداکثرسازی سود با قید ارزشهای اسلامی - عدالت در توزیع منافع بنگاه

۵.۱.۲.۱. جمع‌بندی گروه چهارگانه مذکور

در یک جمع‌بندی نهایی اهداف برشمرده بنگاه اقتصادی در جوامع اسلامی توسط اقتصاددانان مسلمان به صورت زیر می‌باشند؛

۱. عدالت
۲. نوع دوستی
۳. سود در چارچوب قوانین بازارهای اسلامی
۴. حداکثر کردن محصول
۵. عدالت در توزیع منافع بنگاه
۶. حداکثر کردن مطلوبیت سود و کار برای خداوند
۷. حداکثرسازی سود با قید ارزشهای اسلامی
۸. کسب رضایت الهی
۹. سود حلال و اعطای دستمزد عادلانه
۱۰. سطح معقولی از سود
۱۱. تداوم فعالیت بنگاه
۱۲. اعمال خیر خواهانه
۱۳. رفاه عمومی
۱۴. حداکثرسازی سود
۱۵. تامین منافع اجتماعی
۱۶. فروش محصول به قیمت منصفانه
۱۷. رفتار در قالب ارزشهای اسلامی

اهداف مذکور در سه هدف رشد، معنویت و عدالت دسته‌بندی می‌شوند.

I. رشد: حداکثرسازی سود، تداوم فعالیت بنگاه، سود حلال و اعطای دستمزد عادلانه، سطح معقولی از سود، حداکثر کردن مطلوبیت سود و کار برای خداوند، حداکثرسازی سود با قید ارزشهای اسلامی، سود در چارچوب قوانین بازارهای اسلامی، حداکثر کردن محصول

II. معنویت: سود در چارچوب قوانین بازارهای اسلامی، حداکثر کردن مطلوبیت، سود و کار برای خداوند، حداکثرسازی سود با قید ارزشهای اسلامی، کسب رضایت الهی، سود حلال و اعطای دستمزد عادلانه، اعمال خیر خواهانه، رفتار در قالب ارزشهای اسلامی

III. عدالت، نوع دوستی، حداکثر کردن محصول، عدالت در توزیع منافع بنگاه، سود حلال و اعطای دستمزد عادلانه، سطح معقولی از سود، رفاه عمومی، تامین منافع اجتماعی، فروش محصول به قیمت منصفانه

بنابر این در بخش کلان و خرد مطالعات اقتصاددانان مسلمان را می‌توان در سه هدف رشد، عدالت و معنویت جمع‌بندی کرد. این اهداف، اهدافی جامع و مستمر می‌باشند که تمام اهداف برشمرده اقتصاددانان مسلمان را در درون خود دارند. با این توضیحات ۲۵ اهداف در سطح کلان که از اهداف هفتگانه ترکیبی استخراج شده‌اند و ۱۷ هدف در سطح خرد که از جمع‌بندی چهار گروه از نظریه‌پردازان اقتصاددانان مسلمان در سطح خرد بدست آمده‌اند در مجموع به سه هدف یاد شده تبدیل شدند. این اهداف از قبل تعیین نشده بودند. ۴۲ هدف تعیین شده اقتصاددانان مسلمان که هر کدام سعی کرده‌اند با آموزه‌های اسلامی ارائه دهند با معیارهای یاد شده مورد بررسی قرار گرفت. حال لازم است این اهداف تعریف و در مرحله بعد از نظر آیات و روایات نیز اثبات شوند.

۵.۲. تعریف اهداف سه گانه از نظر آیات و روایات

در بخش مقدمی مقاله هر کدام از اهداف بدون تعریف مشخصی از اهداف رشد، معنویت و عدالت به دیدی کلی در هر کدام از این اهداف قرار داده شد. مثل دستمزد عادلانه. در ابتدا لازم نبود راجع به اینکه دستمزد عادلانه چیست بحث شود. صرف عنوان کفایت جایگذاری در گروه عدالت را موجه می‌کرد ولی در این مرحله ضروری است هر کدام از اهداف تعریف شوند.

۵.۲.۱. معنویت

خداوند باری تعالی می‌فرماید؛ وَ مَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِي (سوره ذاریات، آیه ۵۶) جن و انسان را فقط برای عبادت (به معنی بندگی کردن نه صرفاً نماز خواندن یا یک نوع دیگر عبادت) خلق کردیم. این هدف نهایی است که دارای مراحل است و جوهره و کنه آن ربوبیت است. معنویت انگیزش فکری و فعالیت‌های انسان در محیط توحیدی و معاد به‌طوری که قلمروی انگیزشی فعالیت‌های انسان را به عوالم دیگر وجود تسری نماید. به بیان دیگر پدیده‌ای است که در صورت تحقق آن در انسان، مقاومت و دژ تسخیرناپذیر در وجود آدمی ایجاد می‌شود که می‌تواند در مقابل هر فضای اجتماعی و انگیزه و جاذبه اقتصادی یا غیراقتصادی برای انجام تکلیف مقاومت کند. فقط در این شرایط انسان مسلمان با اختیار واقعی دست به انتخاب برتر می‌زند. این نتیجه عقل انسان انتخاب‌گری است که حوزه قلمروی تصمیمات و تعیین گزینه‌های او به بزرگی جهان مادی، جهان برزخ، قیامت و آخرت است. "إِنِّي أُحِبُّ أَنْ أُطَاعَ مِنْ حَيْثُ أُرِيدُ لَا مِنْ حَيْثُ تُرِيدُ" (بحار الانوار، ج ۱۱، باب ۲، ص ۱۴۵) خداوند باری تعالی می‌فرماید؛ من می‌خواهم شما آنچه را من می‌گویم انجام دهید نه آنچه خود می‌خواهید. اینها ایدئولوژی است. بایدها و نبایدهاست. "يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهِ" (سوره انشقاق، آیه ۵) هدف غایی ملاقات پروردگار است. وقتی داستان خلقت انسان و شیطان، ملاحظه می‌شود که اگر عبادتی در کنار عصیان باشد و آن هم از نوع بهترین عبادتها باشد از جمله عبادت شش هزار ساله شیطان (نهج‌البلاغه خطبه ۱۹۲) قابل قبول و هدف نیست. عدم قبول اقامه نماز شیطان توسط باری تعالی این نکته را تفهیم می‌کند که غرض خداوند نماز نیست. خداوند می‌گوید به انسان سجده کن. شیطان می‌گوید خودت را سجده می‌کنم. ابلیس طرد می‌شود. هدف "عبد" شدن و "بندگی در پیشگاه رب" است. افزایش ظرفیت برای ملاقات با پروردگار یعنی ماندگاری در فضای معنویت است. فلسفه زجر (کدح) در

آیه ۵ سوره انشقاق برای ملاقات رب و پیدا کردن ظرفیت برای حضور در پیشگاه خداوند است. این افزایش ظرفیت با اطاعت از رب محقق می‌شود. پس عبادت به معنی مصطلح هدف نیست. خدا محوری در همه حال، اطاعت او در همه حال، این اولین و مهمترین هدف نظام و الگوی اسلامی است. اولین مسئله‌ای که باید در نظر گرفته شود، مسئله‌ی مبدأ است، مسئله‌ی توحید است؛ «أَنَا اللَّهُ وَاَنَا إِلِيهِ رَاجِعُونَ» (۱) مهمترین مشکل دنیائی که امروز رنگین‌ترینش در غرب متجلی است و به آن داریم اشاره می‌کنیم، جدائی از خدا و اعتقاد به خدا و التزام به اعتقاد به خداست. (خامنه‌ای، حضرت آیت الله العظمی الامام سید علی، نخستین نشست اندیشه‌های راهبردی، ۱۰ / ۰۹ / ۱۳۸۹) در راه اطاعت هر روز، هر ساعت و دقیقه درجه قرب به رب باید بیشتر شود. این یعنی کمال طلبی به سوی رب، این یعنی معنویت و شاخصی برای خدا محوری است. عبادت معنویت آفرین است. ولی عبادت گاهی به معنویت و کمال آفرینی ختم نمی‌شود. چون خدا محوری در آن رعایت نشده است. إِنَّهُ يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ لِيَجْزِيَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ بِالْقِسْطِ (سوره یونس، آیه ۴) او آفرینش را آغاز می‌کند، سپس آن را باز می‌گرداند تا کسانی را که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند به عدالت جزاء دهد ملاحظه می‌شود عمل صالح به تنهایی کافی نیست. معنی این آیه و عبادت شش هزار ساله شیطان دلالت بر این دارند که ایمان یا توحید نظری هم به تنهایی کافی نیست. وَالْعَصْرُ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ (سوره العصر) در فضای زمان انسانی که از ایمان و عمل صالح و نیکو به دور باشد و در فضای ایمان به خداوند باری تعالی و حوزه و قلمروی جهان ماده و معنی عمل صالح انجام ندهد به اهداف مادی خود هم که برسد با خسران قطعی روبرو خواهد بود. این یعنی معنویت در کنار سایر اهداف خود یک هدف است.

۵.۲.۲. عدالت

عدالت عبارت است از حد وسط بین افراط و تفریط. که خط مستقیم و سیر معتدل است. (امام خمینی، ۱۳۸۹، ص ۱۴۷) « منظور از عدالت در اینجا عدالت فردی نیست که در این ارتباط مشهور بین متأخران از فقها این است که عدالت ملکه نفسانی است که انسان را بر تقوا و مروت برمی‌انگیزاند. بعضی گفته‌اند: عدالت، اجتناب مکلف عاقل از گناهان کبیره و صغیره است. این جمله را شهید ثانی به شیخ مفید، ابی صلاح حلبی، قاضی بن براج، ابن ادریس و طبرسی نسبت داده است. بعضی نیز عدالت را به اجتناب از تمام کبایر و عدم اصرار بر صغایر تعریف کرده‌اند. (رجایی، سید محمد کاظم و معلّمی، سیدمهدی ۱۳۹۰، ص ۹) آنچه مد نظر است در بعد اجتماعی آن است که رسول خدا صلوات الله علیه و اله فرموده است؛ بِالْعَدْلِ قَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ يَعْنِي بِهِ سَبَبُ عَدْلِ أَسْمَانِهَا وَ زَمِينِهَا بِرَجَاسْتِ. (یوسفی، ۱۳۸۴، ص ۹۹) و در جای دیگر داریم؛ إِنَّ الْعَدْلَ مِيزَانُ اللَّهِ تَعَالَى فِي الْأَرْضِ، فَمَنْ أَخَذَهُ قَادَهُ إِلَى الْجَنَّةِ وَمَنْ تَرَكَهُ سَاقَهُ إِلَى النَّارِ (شیخ حر عاملی، ج ۱۱، ص ۳۱) عدالت میزان و ترازوی خداوند در روی زمین است. هر کس آن را دریابد به بهشت هدایت می‌شود و هر کس آن را رها کند به دوزخ سوق پیدا می‌کند. یعنی میزان خداوند باری تعالی است. بین دو مفهوم عدالت و معنویت تمایز وجود دارد. معنویت در رابطه فرد یا افراد با خداوند باری تعالی و عدالت در رابطه بین فرد با دیگران یا رابطه جوامع مختلف با هم موضوعیت دارند. عدل حق است و میزان الله عدل است با این تفاوت

معنا پیدا می‌کند. اگر قایل به این باشیم که حق عدل است. در آن صورت هر کشوری هر قانونی را وضع کند منشاء حق تلقی شده و هر کسی از آن تخطی نماید، این قانون به عنوان معیار عدالت برای محاکمه فرد خاطی ملاک قرار می‌گیرد. اگر در کشور دیگر قانونی خلاف آن تصویب شود آن قانون در آن کشور باز ملاک داوری و عدالت قرار می‌گیرد. این موضوع علاوه بر اینکه وجود تناقض را به وفور به نمایش می‌گذارد، مدیریت نظام جهانی را با مشکل مواجه می‌کند. با این تفکر و نظریه هر کسی و یا هر کشوری خود را محق می‌داند و دیگری را ظالم و منازعات جهانی را در پی خواهد داشت. این تفکر مردود و قابل اعتناء نیست. لذا حق عدل نیست بلکه عدل حق است. از طرفی شهید آیت‌الله مطهری عنوان می‌کنند؛ عدالت عبارت است از اعطا حق به ذی حق یا عدم تجاوز به حق ذی حق" (مطهری، استاد شهید مرتضی، ص ۱۶، تهران، ۱۴۰۳ق). ملاحظه می‌شود که موضوع عدالت در رابطه فرد با دیگران و جوامع با هم بکار می‌رود. به همین دلیل در حوزه اقتصاد آن گاه می‌توان گفت اقتصاد عادلانه داریم که رفتارها و روابط اقتصادی عادلانه تنظیم شده باشد. (یوسفی، ۱۳۸۴، ص ۹۹) اصلاً عدالت معیار حق و باطل حکومتهاست. یعنی در اسلام اگر چنانچه شاخص عدالت وجود نداشت، حقانیت و مشروعیت زیر سؤال است. ... قطعاً عدل هدف است. (خامنه‌ای، حضرت آیت الله العظمی الامام سید علی، در نخستین نشست اندیشه‌های راهبردی، ۱۰/۰۹/۱۳۸۹)

همه انسانها در بهره‌مندی از نعمت‌های الهی برابرند. به تعبیر دیگر ایجاد امکانات مساوی برای عموم یک معنای عدالت است. بهره‌مندی از کالاهای عمومی مثل پارک و خیابان برای همه، امنیت برای همه، دسترسی به آب، برق، تلفن، آموزش برای همه، برابری سیاه و سفید، کارفرما و کارمند، مسئولان سیاسی و مردم عادی در برابر قانون، برابری سازوکار فرآیند تبیین قیمت در اقتصاد برای همه، دستیابی برابر به اطلاعات اقتصادی و حذف رانت اطلاعات برای همه، وجود شرایط رقابت و حذف انحصار و حق رای آحاد مردم در انتخابات برای همه از این مقوله عدالت هستند. در دیدگاه اسلامی، آنچه می‌تواند حقیقتاً (یکی دیگر از) منشأ حق باشد رابطه فاعلی است. رابطه فاعلی ذی حق با حق بدین نحو است که ذی‌حق مورد حق را خودش برای خودش به وجود می‌آورد؛ برای مثال، کسی درختی را می‌کارد و از آن مراقبت می‌کند تا به ثمر برسد. رابطه این شخص با میوه آن رابطه فاعلی می‌باشد. یعنی فاعلیت او سبب شده است که این میوه پدید آید. بنابراین، حق اوست که از ثمره کار خودش استفاده کند. اینجا بحث تساوی مفهومی ندارد. (رجایی، سید محمد کاظم و معلّی، سیدمهدی ۱۳۹۰، ص ۱۳) این نوع عدالت می‌تواند منشاء علم و دانش، تلاش و فعالیت عملی، نوآوری و اختراع ناشی از تفکر یا تجربه و دارایی افراد که در فرآیند فعالیت اقتصادی به عرضه محصول یا ارائه خدمت منجر می‌شوند، باشد. این نوع عدالت نیز یکی دیگر از مصادیق "اعطای حق به ذی حق" است و بدیهی است که اگر کسی یا جامعه‌ای این موارد را انجام ندهد از عدالت فاصله گرفته است.

خداوند متعال «نیاز» را منشأ ایجاد حق برای نیازمندان قرار داده است. امام صادق فرموده‌اند: خداوند برای فقرا به اندازه‌ای که وسعت یابند (حد کفاف)، در اموال ثروتمندان، حق واجب قرار داده است. (کلینی، محمدبن یعقوب، الکافی، ج ۳، ص ۴۹۷) امیرالمؤمنین علی فرمود: به درستی که خداوند متعال بر ثروتمندان واجب کرده است تا از اموالشان، به قدری که فقیران را بی‌نیاز کند، به آنها بپردازند. بنابراین، اگر فقیران تلف شوند یا به مشقت بیفتند یا برهنه بمانند، به سبب آن است که اغنیاء از پرداخت اموال خود به آنها خودداری می‌کنند. پس خداوند

به همین جهت، روز قیامت، از آنها حساب می‌کشد و آنها را به عذابی دردناک گرفتار می‌کند. (حکیمی، محمدرضا، الحیاء، ج ۳، ص ۳۰۹) بنابر این فقرزدایی خود عدالت است و نه تنها فقیران در بیت‌المال و اموال مردم حقی به اندازه کفاف زندگی آنها دارند بلکه دولت‌ها به اسم رشد یا تامین منافع جامعه یا کشور حق ندارند سیاست‌هایی اتخاذ نمایند که بر خلاف منافع فقرا باشد. یعنی عدالت در هیچ شرایطی معامله پذیر نیست. ضرورت فقدان فقر در جامعه اسلامی یکی از مشخصه‌های این اصل مسلم است. لذا در هیچ شرایطی نمی‌توان رشد اقتصادی را به هزینه فقر گروهی از مردم تجویز کرد. (یوسفی، ۱۳۷۸، ص ۱۸۰) به طوری که در این راستا از امام صادق (ع) نقل از پیامبر اکرم صلوات‌الله‌علیه توصیه کردند «وَلَمْ يُفْقِرْهُمْ فَيَكْفِرْهُمْ» زمامداران امت مسلمان دست به سیاست‌هایی نزنند که جامعه دچار فقر شود، زیرا فقر، آنان را به کفر می‌کشاند.

۵،۲،۳. پیشرفت یا رشد

اگر بخواهیم هدفهای ملت ایران را در یک مفهوم خلاصه کنیم که بتواند تا حدود زیادی خواسته‌های عمومی کشور و ملت را بیان کند و آن را در بر بگیرد، آن مفهوم کلیدی عبارت است از پیشرفت. (خامنه‌ای، حضرت آیت‌الله‌العظمی‌الامام سید علی، در نخستین نشست اندیشه‌های راهبردی، ۱۳۹۱/۰۷/۱۹) البته پیشرفت مادی مطلوب است اما به عنوان وسیله. هدف، رشد و تعالی انسان است. پیشرفت کشور و تحولی که به پیشرفت منتهی می‌شود، باید طوری برنامه‌ریزی و ترتیب داده شود که انسان بتواند در آن به رشد و تعالی برسد؛ انسان در آن تحقیر نشود. هدف، انتفاع انسانیت است. نه طبقه‌ای از انسان، حتی نه انسان ایرانی. پیشرفتی که ما می‌خواهیم بر اساس اسلام و با تفکر اسلامی معنا کنیم، فقط برای انسان ایرانی سودمند نیست، چه برسد بگوئیم برای طبقه‌ای خاص. این پیشرفت، برای کل بشریت و برای انسانیت است. نقطه‌ی تفارق اساسی، نگاه به انسان است (خامنه‌ای، حضرت آیت‌الله‌العظمی‌الامام سید علی، نخستین نشست اندیشه‌های راهبردی‌دیدار دانشجویان دانشگاه مشهد ۱۳۸۶/۲/۲۵)

نتیجه فرآیند دستیابی به هدف یا اهداف بالاتر را رشد تلقی می‌کنند. در اسلام چون انسان دارای ابعاد مادی و معنوی است، تعریف رشد فراتر از مکاتب مادی معنی می‌شود. به همین دلیل در اینجا واژه پیشرفت بر این واژه ترجیح داده می‌شود. باید اذعان داشت که اهداف مادی از معنوی قابل تفکیک نیست. و این هدف در درون خود برای یک جامعه اسلامی و فرد مسلمان نمی‌تواند رشد غیر مادی را نداشته باشد. عقلانیت کمال طلبی را در حوزه فردی و اجتماعی برای انسان و جامعه پیرامونی او تأیید، ترغیب و ترویج می‌کند. ولی با این حال در زیر دلایلی از دیدگاه آیات و روایات می‌آید.

خداوند تبارک و تعالی فرموده‌اند هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا (هود، آیه ۶۱) اوست که شما را آفرید و آبادانی آن را به شما واگذاشت. (سوره هود، آیه ۶۱) اگر چه این آیه در حوزه اقتصادی است ولی آیه وَأَعِدُوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ (سوره انفال، آیه ۶۰) دلالت بر عمومیت کمال‌طلبی و اقتدارطلبی یک انسان مسلمان و جامعه اسلامی در همه حوزه‌ها دارد. حضرت امام خمینی (ره) که می‌فرماید؛ «هر که ارزش کاری می‌آید باید راجع به اقتصاد باید بکند. این طور نیست که یک وقت آرامش باشد بگویند خوب ما نمی‌خواهیم زیاد منفعت ببریم. این جا اختیار با مردم نیست این اختیاری است که در دست خداست و اوامر کرده است به این معنی که نمی‌شود که ما تحت نظارت یک کشور باشیم که به این اعتقاد ندارد و ما برویم تحت بیرق کفر،

این یکی از مسائل مهم است. «(امام خمینی، ص، ج ۱۱، ص ۴۴۵) وَ لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلاً (سوره نساء، آیه ۱۴۱) عزت بدون تمکین بلاد اسلامی از بیگانگانی که در صدد سیطره بر مسلمانان هستند خواست قرآن مجید است. این فقط با رشد و پیشرفت محقق می‌شود. چرا که ضعف در حوزه‌های مختلف نقطه نفوذ و ابزار سلطه بیگانگان است.

نحوه دریافت مالیات زکات در اسلام به‌صورتی است که فعالیت بیشتر اقتصادی و افزایش ظرفیت اقتصادی و گسترش فعالیت در بطن سیاست مالیاتی وجود دارد. به‌طوری‌که نسبت زکات در تجارت (درهم و دینار) ۲/۵ درصد و برای گوسفند از ۲/۵ درصد شروع و با افزایش تعداد آن به ۱ درصد، برای گاو ۱/۵ درصد، برای شتر ۲ درصد، زکات محصولات کشاورزی برای محصولات دیمی ۱۰ درصد و برای محصولات آبی ۵ درصد تعیین شده است (صدر، ۱۳۷۵، بخش مالیات‌ها) دقت در موارد فوق کاملاً مشهود است که دریافت مالیات با افزایش دارایی و تولید محصول به‌صورت تصاعدی افزایش نیافته، در بسیاری موارد با افزایش آن زکات نیز کمتر شده و از این صریح‌تر این که حضرت امیر المؤمنین علی (ع) می‌فرماید: وَ مَنْ طَلَبَ الْخَرَجَ بِغَيْرِ عِمَارَةٍ أَخْرَبَ الْبِلَادَ وَ أَهْلَكَ الْعِبَادَ وَ لَمْ يَسْتَقِمْ أَمْرُهُ إِلَّا قَلِيلاً کسی که (دولتی که) مالیات را بدون انجام عمران و آبادانی بگیرد، شهرها را خراب و مردم را تباہ می‌سازد و حکومت او عمر کوتاهی خواهد داشت. (نهج البلاغه، نامه ۵۳)

۶. نتیجه‌گیری و پیشنهادات:

- اهداف نظام اقتصادی اسلام در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت عدالت، معنویت و پیشرفت می‌باشند.
- لازم است در مراحل بعدی شاخصهای سه هدف بدست آمده طراحی و تبیین شوند.
- با مشخص شدن اهداف در مرحله بعد برای تکمیل الگو باید به تبیین اجزای و روابط بین آنها پرداخت.

منابع و مأخذ

- قرآن مجید شرف الله تعالی
- آمدی، محمد تمیمی، شرح غرر الحکم و درر الکلم، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ چهارم، ۱۳۷۳
- البعلی، عبدالحمید محمود، اصول الاقتصاد الاسلامی، الاولی، دارالداوی، ۱۴۲۱ بیروت،
- توسلی، غلامعباس؛ نظریه‌های جامعه شناسی، تهران، سمت، ۱۳۶۹، ص ۱۴۳
- جهانیان، ناصر، اهداف توسفه با نگرش سیستمی، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۲
- حرّ عاملی، وسائل الشیعه، جلد ۱۱، ۱۲ و ۱۳، مؤسسه آل‌البیت لإحياء التراث العربی، قم، قطع وزیری، سال ۱۴۰۹ ق
- حکیمی، محمد رضا، الحیاء جلد ۳ و ۵، انتشارات دلیل ما، چاپ اول ۱۳۹۳
- خامنه‌ای، حضرت آیت الله العظمی الامام سید علی، دیدار اساتید دانشگاه‌ها ۱۳۹۲/۵/۱۵
- خامنه‌ای، حضرت آیت الله العظمی الامام سید علی، دیدار اعضای شورای عالی مرکز طراحی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، ۱۳۹۱/۱۲/۱۴
- خامنه‌ای، حضرت آیت الله العظمی الامام سید علی، دیدار جوانان استان خراسان شمالی، ۱۳۹۱ / ۰۷ / ۲۳
- خامنه‌ای، حضرت آیت الله العظمی الامام سید علی، دیدار دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۸۶/۰۲/۲۵
- خامنه‌ای، حضرت آیت الله العظمی الامام سید علی، نخستین نشست اندیشه‌های راهبردی، ۱۳۸۹/۹/۱۰
- خمینی، حضرت آیت الله العظمی الامام سید روح الله، صحیفه نور، جلد‌های ۷، ۱۱ و ۲۰
- خورشید، احمد، مطالعاتی در اقتصاد اسلامی. ترجمه محمدجواد مهدوی. چ ۱. مشهد: بنیاد پژوهش‌های، ۱۳۷۴
- دفتر همکاری‌های حوزه و دانشگاه، مبانی اقتصاد اسلامی، انتشارات سمت، چاپ اول، ۱۳۷۴
- رجایی، سید محمد کاظم و معلّی، سیدمهدی، معرفت اقتصادی سال دوم، شماره دوم، پیاپی چهارم، بهار و تابستان ۱۳۹۰
- سورین، ورنر و تانکارد، جیمز؛ نظریه‌های ارتباطات، علیرضا دهقان، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۶
- سیدی نیا، سید اکبر، کرامت انسانی و اقتصاد، فصلنامه اقتصاد اسلامی، سال هشتم، شماره ۲۹، ۱۳۸۷
- شایان‌مهر، علی‌رضا؛ دایرةالمعارف تطبیقی علوم اجتماعی، ج ۱، تهران، کیهان، ۱۳۷۷
- صدر، کاظم، نظام اقتصادی اسلامی، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۵
- عزتی، مرتضی، نظریه رفتار تولیدکننده مسلمان، فصلنامه اقتصاد اسلامی، شماره ۳۹، ۱۳۸۹
- کلینی، محمد ابن یعقوب... اصول کافی ج ۱، ۲، ۳ و ۵ انتشارات دارالکتب الاسلامیه، در تهران، به سال ۱۳۶۵ ش
- کهن‌دل، محمد، نظام اقتصادی صدر اسلام، نشر مشاوران ۱۳۸۲
- گولد، جولیس و همکاران؛ فرهنگ علوم اجتماعی، گروه مترجمان، تهران، مازیار، ۱۳۷۶
- مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۱۱، ۷۲ و ۱۰۳ چاپ جدید

- مطهری، استاد شهید مرتضی، ربا و قرض در اسلام، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۷۲
- مندارس، هانری؛ مبانی جامعه‌شناسی، باقر پرهام، تهران، امیر کبیر، ۱۳۴۹
- میرمعزی، سید حسین، نظریه رفتار تولیدکننده و تقاضای کار در اقتصاد اسلامی، فصلنامه اقتصاد اسلامی، شماره ۱۳، بهار ۱۳۸۳
- میرمعزی، سید حسین، نقدی بر اهداف نظام سرمایه داری از دیدگاه اسلام، قم، ۱۳۷۸
- نهج‌البلاغه، سید رضی، ۱۴۰۶
- همان، ابهام در اهداف نظام اقتصادی اسلام و ساماندهی آن، فصلنامه اقتصاد اسلامی، سال ششم، شماره ۲۳، ۱۳۸۵.
- همان، بررسی اجمالی مبانی اقتصاد اسلامی، ص ۱۶، تهران، حکمت، ۱۴۰۳.ق.
- همان، نظام اقتصادی اسلام (مبانی، اهداف، اصول راهبردی و اخلاق)، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۰
- یوسفی، احمد علی، عدالت اقتصادی، فصلنامه اقتصاد اسلامی شماره ۱۷، ۱۳۸۴
- یوسفی، احمد علی، ماهیت و ساختار اقتصاد اسلامی، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۷۹
- یوسفی، احمد علی، نظام اقتصاد علوی، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۶
- یوسفی، محمدرضا، بررسی فقهی مبادله رشد اقتصادی و عدالت، مجموعه مقالات اولین همایش دو سالانه اقتصاد اسلامی، پژوهشکده اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۸
- یونس المصری، رفیق، بحوث فی الاقتصاد الاسلامی، الاولى، دارالمکتبی، ۱۴۲۱، سوریه، ۲۰۰۱
- Abbas, Abdel Rahman, B.M. Islamic Economics: A Psycho-ethical Paradigm, Al-Ta'sil 2: 116-23, 1995
- Akhtar, M. Ramzan, Modelling the Economic Growth of an Islamic Economy, The American Journal of Islamic Social Sciences, 10(4): 491-511, 1993
- al-Faruqi, Ismail Raji, Tawhid: The Principle of the Economic Order, Tawhid for Thought and Life, 1: 187-222, 1983
- Ali, Mohammad Yousuf, Optimal Utilization of Resources and Maximization of Production in Islam, in Thoughts on Islamic Economics. Bangladesh: Islamic Economics Research Bureau: 218-27, 1980
- Ariff, Mohamed, The Role of the Market in the Islamic Paradigm, IIUM Journal of Economics and Management 5(2): 97-107, 1997
- Dar, Muhmmad Ilyas, Islamic Economic System, Journal of Islamic Banking and Finance, 5(3): 37-51, 1988
- Gusau, Sule Ahmad, The Nature and Methodology of Islamic Economics, in Frontiers and Mechanics of Islamic Economics, Rafikul Islam Molla, Abdul Rashid Moten, Sule Ahmad Gusau and Abubakar Aliyu Gwandu (ed.) Nigeria: University of Sokoto, 1988
- Hallaq, Said, Rationality in Production: The Case of the Muslim Firm, Humanomics, 11 (4): 29-38, 1995
- Hasan, Zubair, Profit-maximization: Secular versus Islamic, in Readings in Microeconomics: An Islamic Perspective, Syed Tahir, Aidit Ghazali and Syed Omar Syed Agil (ed.), Selangor, Malaysia: Longman, 1992
- “ , Theory of profit from Islamic perspective MPRA Paper No. 8129, posted 08. April, 2008

-
- Iqbal, Munawar, Organization of Production and Theory of Firm Behaviour from an Islamic Perspective, in Lectures on Islamic Economics, Ausaf Ahmad and Kazim Raza Awan (ed.). Jeddah: Islamic Research and Training Institute, IDB: 205-15, 1992
 - Metwally, M.M. Economic Consequences of Applying Islamic Principles in Muslim Societies, International Journal of Social Sciences, 24(7, 8, 9): 941-57, 1997
 - Monzer kahaf” contemporary challeye to Islamic Economists” paper presented at the first national conference of the association of Muslim social scientists
 - Naqvi, Syed Nawab Haider, Economics of Human Rights: An Islamic Perspective, Hamdard Islamicus 4: 31-51, 1981
 - “, The Dimensions of an Islamic Economic Model, Islamic Economic Studies, 4(2): 1-24, 1997
 - Siddiqi, Muhammad Nejatullah, The Economic Enterprise in Islam, 2nd edition, Lahore, Pakistan: Islamic Publications, 1979
 - “, Islamic Producer behaviour, in Readings in Microeconomics: An Islamic Perspective, Syed Tahir, Aidit Ghazali and Syed Omar Syed Agil (ed.). Selangor, Malaysia: Longman, 1992

بررسی سازوکار مدیریت ریسک و نقش آن در بهبود عملکرد نظام بانکی (با تأکید بر بانک‌های اسلامی)

لیلا محرابی^۱

کامران ندیری^۲

چکیده

ماهیت ریسک در نظام بانکداری به دلیل عواملی از جمله تعداد و تنوع عملیات بانکی، وضعیت سرمایه بانک و محدودیت میزان آن، حفظ منافع سهامداران بانک و سپرده‌گذاران کاملاً متفاوت از ریسک در دیگر واحدهای اقتصادی است و تمام این موارد ضرورتاً ایجاب می‌کند که مدیریت ریسک در بانک‌ها حساس‌تر، پیچیده‌تر و مشکل‌تر از مدیریت ریسک در واحدهای دیگر اقتصادی باشد. در این راستا، فعالیت بانک‌های اسلامی با به‌کارگیری قراردادهای اسلامی و مبتنی بر مشارکت، این نوع از نظام بانکی را با ریسک‌های متفاوت و مدیریت ریسک را با حساسیت و پیچیدگی بیشتری روبه‌رو کرده است. از این رو، توسعه فرآیندهای مدیریت ریسک می‌تواند منجر به طراحی روش‌ها، ابزارها و سیستم‌هایی برای کنترل، کاهش و پیشگیری از رخدادهای نامطلوبی گردد که اثر تخریبی بر حیات بانک‌های اسلامی دارد. لذا، در این مقاله تلاش شده است با روش تحلیلی-توصیفی، مهم‌ترین ریسک‌های مربوط به نظام بانکی علی‌الخصوص بانک‌های اسلامی، شناسایی و سازوکار مدیریت انواع ریسک‌ها (معرفی ابزارهای مدیریت ریسک) در نظام بانکداری اسلامی علی‌الخصوص ریسک نقدینگی، اعتباری و ریسک‌های خاص عقود اسلامی مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد.

واژگان کلیدی: ریسک، مدیریت ریسک، بانک اسلامی، عقود اسلامی

مقدمه

ریسک در نظام بانکداری به کاهش قدرت سودآوری بانک منجر می‌گردد که در سه شکل سودآوری کمتر از هدف پیش‌بینی شده، از بین رفتن تمام سود پیش‌بینی شده و نهایتاً زیان نشان داده می‌شود. در این میان زیان، مخرب‌ترین شکل ریسک است که می‌تواند موجب از بین رفتن تمام یا بخشی از سرمایه بانک، یا حتی بخشی از سپرده‌ها و در شکل حاد تمام سپرده‌های بانکی شود و موجودیت بانک را با خطر مواجه کند. از این رو شناسایی ریسک‌ها در مرحله اول و سپس مدیریت آن به روشی نظام‌مند می‌تواند ابزاری برای ممانعت از بروز این رخدادهای نامطلوب باشد.

ماهیت ریسک در نظام بانکداری به دلیل عواملی از جمله تعداد و تنوع عملیات بانکی، ماهیت متفاوت این عملیات، وضعیت سرمایه بانک و محدودیت میزان آن، حفظ منافع سهامداران بانک و سپرده‌گذاران، وضعیت منابع سپرده‌گذاران و فراوانی آن و نبود تخصص کافی در زمینه‌های مدیریت منابع و ثبت عملیات زیاد مالی کاملاً متفاوت از ریسک در دیگر واحدهای اقتصادی است و تمام این موارد ضرورتاً ایجاب می‌کند که مدیریت ریسک در بانک‌ها حساس‌تر، پیچیده‌تر و مشکل‌تر از مدیریت ریسک در واحدهای دیگر اقتصادی باشد. در این راستا، فعالیت بانک‌های اسلامی با به‌کارگیری قراردادهای اسلامی و مبتنی بر مشارکت، این نوع از نظام بانکی را با ریسک‌های متفاوت و مدیریت ریسک را با حساسیت و پیچیدگی بیشتری روبه‌رو کرده است.

باید توجه داشت که از لحاظ نظری حذف انواع ریسک غیرممکن می‌باشد، اما شناسایی و مدیریت آنها به عنوان تنها راه‌حل ممکن مطرح است. مدیریت ریسک در بانکداری نیز مجموعه‌ای از فرآیندهای به هم پیوسته (تعیین، اندازه‌گیری، مشاهده و کنترل ریسک‌ها) و مدل‌هایی می‌باشد که بانک را در جهت اعمال سیاست‌ها و انجام فعالیت‌های مبتنی بر ریسک هدایت می‌نماید. در واقع، مدیریت ریسک رویه‌ای است که در تعامل با نااطمینانی‌های ناشی از بازارهای مالی، بانک را به سوی اتخاذ استراتژی مناسب سوق می‌دهد. (کارن، ۲۰۰۵) در این میان، مهندسی مالی و مدیریت یکپارچه ریسک، وظیفه کنترل ریسک‌ها را بر عهده گرفته و با ارائه راهکارهای نوین و راهبردهای بدیع توانسته برای شرکت‌های تجاری، تولیدی و خدماتی و به ویژه بانک‌ها روش‌های نظام‌مندی خلق نماید. از این‌رو هدف مدیریت ریسک، حذف ریسک‌ها از فعالیت بانک نیست بلکه ایجاد تعادل بهینه میان ریسک و بازدهی است. اهمیت مدیریت ریسک به اندازه‌ای است که در سطح جهانی نیز مورد توجه قرار گرفته است و موسسات بین‌المللی مختلفی همچون کمیته بازل و کمیته کوزو^۱ (COSO) از ابعاد مختلف به بررسی این موضوع و ارائه چارچوب‌های مدیریت ریسک پرداخته‌اند. لذا در این مقاله تلاش شده است پس از شناسایی مفهوم ریسک و فرآیند مدیریت ریسک به بررسی ریسک‌های خاص و روش‌های مدیریت آن در بانک‌های اسلامی بپردازیم.

۲- پیشینه پژوهش

مرور ادبیات و پیشینه پژوهش نشان می‌دهد که پژوهشگران و صاحب‌نظران مختلفی در خصوص ریسک در

بانکداری اسلامی مطالعاتی را انجام داده‌اند که در ادامه به آنها خواهیم پرداخت. عقیلی کرمانی (۱۳۸۱)، در مقاله خود به معرفی چهار نوع ریسک بازار، اعتباری، نقدینگی و عملیاتی اشاره می‌کند و براساس این تقسیم بندی، با توجه به ثبت دارایی‌ها در بانکداری بدون ربا تحت عنوان سرمایه‌گذاری، به این نتیجه می‌رسد که بین بانکداری سنتی و بانکداری بدون ربا فقط ریسک اعتباری متفاوت است؛ بنابراین، از نظر مدیریت ریسک در بانکداری بدون ربا فقط برای این نوع ریسک باید در پی راهکارهایی بود. وی برای این هدف دو پیشنهاد ارائه می‌کند: نخست حرکت به سمت بانکداری سنتی و اعطای تسهیلات به صورت استقراض و دیگری عمل کردن به صورت شرکت‌های سرمایه‌گذاری که به دلیل نبودن امکان پدیدآوردن پرتفوی کارا، سوق دادن فعالیت بانک‌ها به طرف بانکداری سنتی را برمی‌گزیند.

موسویان و کاوند (۱۳۹۲) در مطالعه‌ای به تحلیل و اولویت‌بندی ریسک‌های مالی در نظام بانکداری بدون ربا پرداخته است. در این مقاله ضمن معرفی انواع روش‌های تجهیز و تخصیص منابع در بانکداری بدون ربا، انواع ریسک‌های مالی در هر یک از قراردادهای معرفی و به استفاده از روش تاپسیس به اولویت‌بندی این ریسک‌ها می‌پردازد. نتیجه حاصل از رتبه بندی انواع ریسک‌های مالی در الگوی نظام بانکداری بدون ربا ایران نشان می‌دهد که بر اساس ۴ شاخص میزان اهمیت، احتمال رخداد، شدت اثر و میزان نوسان‌ها، وزن ریسک‌های مشترک بیشتر از ریسک‌های خاص است.

نظریور و رضایی (۱۳۹۲) در مطالعه‌ای به مدیریت ریسک اعتباری در بانکداری اسلامی با رویکرد بررسی عقود و الگوی پرداخت تسهیلات می‌پردازند. بر اساس یافته‌های این مقاله، عقود اسلامی غیرمشارکتی (مبادله‌ای) در مقایسه با عقود مشارکتی ریسک کمتری دربردارند، اما این عقود نیز واجد ریسک هستند و بانک‌های اسلامی را در معرض ریسک اعتباری قرار می‌دهند. آنها بر این باورند که بانک‌ها در صورت عدم استقرار یک نظام مدیریت ریسک اعتباری متناسب قادر به تشخیص میزان ریسک اعتبارات و تعیین زیان‌های احتمالی عدم بازپرداخت وام‌ها نیستند و در نتیجه سودآوری آنها با تهدید اساسی مواجه خواهد شد. در پایان نیز راهکارهایی برای کاهش ریسک اعتباری بانک‌ها ارائه شده است.

ندری و دیگران (۱۳۹۶) در مقاله‌ای با تحلیل پدیده ریسک‌های خاص بانکی در بانکداری بدون ربا ایران به این مسأله می‌پردازند که ریسک‌های خاص بانکی در ایران یک مسأله مبنایی بوده و ریشه در ساختار خاص بانکداری بدون ربا دارد. لذا در مقاله پس از بررسی جایگاه و نقش ریسک در بانکداری بدون ربا به ارائه معماری و راهکارهای خاص برای بانکداری متناسب با ماهیت عقود اسلامی و اهداف آن پرداخته تا ضمن اجرای حقیقی عقود اسلامی با ریسک‌های کمتری مواجه گردد.

خان و احمد (۲۰۰۱)، در مطالعه‌ای با عنوان «مدیریت ریسک: تحلیل بررسی موضوعات در صنعت مالیه اسلامی» که برای بانک توسعه اسلامی انجام دادند، به صورت تجربی به تحلیل مدیریت ریسک در مؤسسه‌های مالی و بانکی اسلامی پرداخته‌اند آنها با کمی کردن انواع ریسک در بانکداری اسلامی به این نتیجه رسیدند که ریسک اعتباری کمترین ریسک را در میان ریسک‌های دیگر در نظام مالی و بانکی اسلامی دارد. آنان علت این مسئله را این موضوع می‌دانند که اکثر روش‌های تأمین مالی اسلامی به پشتوانه دارایی است و این دارایی می‌تواند به عنوان وثیقه مورد استفاده قرار گیرد. علاوه بر این آنها نشان دادند به مقدار ریسک‌های عقده‌های

مالی اسلامی به ترتیب عقود مضاربه، سلم، استصناع و مشارکت نسبت به عقود مرابحه و اجاره ریسک بیشتری دارند و سرانجام با استفاده از روش رتبه‌بندی داخلی، میزان مطلوب ذخیره سرمایه مورد نیاز برای مقابله با ریسک عقود اسلامی را تعیین کردند.

محمد عبیدالله (۲۰۰۲)، در مقاله‌ای با عنوان «مدیریت ریسک اسلامی: به سوی کارایی و اخلاقیات بیشتر» به تعریف کارایی و بررسی استفاده از قرارداد اختیار معامله برای کاهش و مدیریت ریسک در چارچوب قانون‌های اسلامی پرداخته و ثابت می‌کند قرارداد اختیار معامله در چارچوب اسلامی کارا تر از اختیار معامله در نظام ربوی است. وی همچنین با استفاده از خیار شرط و بیع الوفا چندین روش برای کاهش و مدیریت ریسک ارایه می‌کند و با مقایسه این روش‌ها و روش‌های مرسوم در نظام ربوی به این نتیجه می‌رسد که با کاربرد این روش‌ها مسئله بازی با مجموع صفر به حداقل می‌رسد.

آریفین و دیگران (۲۰۰۹) در مقاله «ریسک‌ها در بانکداری اسلامی، شواهدی از پژوهش‌های تجربی» به بررسی ماهیت ریسک، اندازه‌گیری و روش‌های مدیریت آن در بانکداری اسلامی ۱۴ کشور می‌پردازد. نتیجه‌های پژوهش نشان می‌دهد که انواع ریسک‌ها در بانکداری اسلامی تا حد فراوانی مشابه بانکداری سنتی است.

ریاضت (۲۰۱۱) در مقاله «مدیریت ریسک در بانکداری اسلامی» چارچوبی برای مدیریت ریسک در بانک‌ها یاسلامی ارائه کرده و ریسک‌ها را به دو دسته کلی ریسک‌های مشترک و ریسک‌های خاص تقسیم کرده است و سپس به اهداف و اهمیت نظام بازل و مدل‌های کفایت سرمایه در بانکداری اسلامی اشاره کرده است.

۳- مفهوم ریسک و ضرورت مدیریت ریسک

ریسک یا خطر به صورت احتمال نشدن پیش‌بینی‌های آینده تعریف می‌شود. به عبارت دیگر ریسک به معنی امکان وقوع یک خسارت و زیان اعم از مالی یا غیرمالی در نتیجه انجام یک فعالیت است. (گالی، ۲۰۰۰) در واقع، ریسک در لغت به معنی امکان یا احتمال بروز خطر یا روبه‌رو شدن با خطر، صدمه دیدن، خسارت دیدن و کاهش درآمد می‌باشد. از سوی دیگر ریسک زیان بالقوه‌ای است که یا مستقیماً از زیان‌های درآمد و سرمایه حاصل می‌شود و یا به صورت غیرمستقیم از محدودیت‌هایی به وجود می‌آید که توانایی بانک را برای دستیابی به اهداف تجاری و مالی خود کاهش می‌دهد. این محدودیت‌ها، با کاهش توانایی بانک در اداره امور تجاری یا عدم دستیابی به منافع حاصل از موقعیت‌های مختلف، ریسک را به بانک تحمیل می‌نماید.

گالیتز^۱ ریسک را نوسانات در هرگونه عایدی می‌داند. این تعریف نشان می‌دهد که تغییرات احتمالی آینده برای یک شاخص خاص، چه مثبت و چه منفی ما را با ریسک مواجه می‌سازد. بنابراین، امکان دارد تغییرات موجب انتفاع یا زیان شود. اولین بار، هری مارکویتز^۲ بر اساس تعاریف کمی ارائه شده، انحراف معیار چند دوره‌ای را به عنوان شاخص عددی برای ریسک معرفی کرد. دیدگاه دیگری نیز در خصوص ریسک وجود دارد که تنها

1. Galitz

2. Harry Markowitz

به جنبه منفی نوسانات توجه دارد. هیوب^۱ ریسک را احتمال کاهش درآمد یا از دست دادن سرمایه تعریف می‌کند. بنابراین، برای تعریف ریسک می‌توان دو دیدگاه را ارائه کرد:

دیدگاه اول: ریسک به عنوان هرگونه نوسانات احتمالی در بازدهی اقتصادی در آینده.

دیدگاه دوم: ریسک به عنوان نوسانات احتمالی منفی در بازدهی اقتصادی در آینده. در رویکرد مدیریت یکپارچه ریسک، ریسک با رویکرد اول مورد توجه قرار می‌گیرد. زیرا هم ریسک‌های نامطلوب^۲ (تهدیدات) و هم ریسک‌های مطلوب^۳ (فرصت‌ها) را مدنظر قرار می‌دهد. (اسماعیل‌نژاد، ۱۳۹۲)

۱-۳- فرآیند مدیریت ریسک

مدیریت ریسک یکی از مهم‌ترین ارکان سیستم‌های مالی و بانکی می‌باشد و دربرگیرنده آن قسمت از فعالیت‌های بانک است که مجموعه ریسک‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. تعیین، اندازه‌گیری، مشاهده و کنترل ریسک‌ها فرآیند مدیریت ریسک را تشکیل می‌دهند و هدف اصلی مدیریت ریسک در هر سازمان، ارائه بهترین عملکرد و بهینه‌سازی استفاده از سرمایه و به حداکثر رساندن ارزش دارایی‌های سهامداران می‌باشد که با استفاده از تدابیر مناسب و راهکارهای به موقع، ریسک‌های اساسی از جمله ریسک اعتباری، ریسک بازار و ریسک عملیاتی را پوشش می‌دهند. از این‌رو هدف مدیریت ریسک، حذف ریسک‌ها از فعالیت بانک نیست بلکه ایجاد تعادل بهینه میان ریسک و بازدهی است.

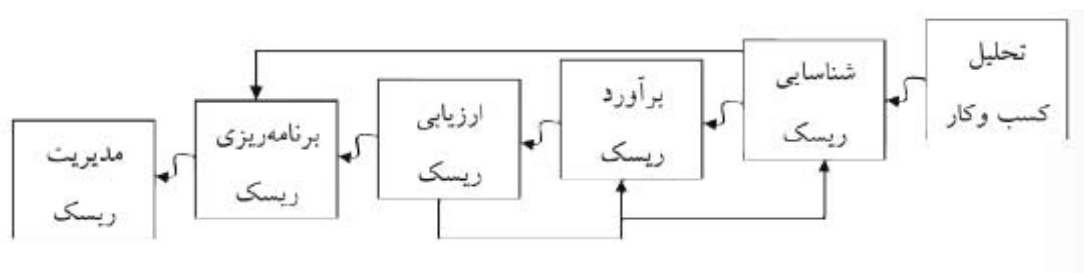
مدیریت یکپارچه ریسک (ERM)^۴، فعالیتی جامع، یکپارچه و مستقل است که به بنگاه اقتصادی کمک می‌کند تا به هدف اصلی خود یعنی حداکثرسازی ثروت سهامداران دست یابد. ERM، بایستی کلیه جنبه‌های طرح تجاری از برنامه استراتژیک را همچون طرح استراتژیک، طرح بازاریابی، طرح عملیاتی، تحقیق و توسعه، مدیریت و سازمان، پیش‌بینی‌ها و اطلاعات مالی، تامین مالی، فرآیندهای مدیریت ریسک و مکانیسم‌های کنترلی کسب و کار را مورد توجه کافی قرار دهند. امروزه بنگاه‌های اقتصادی (شرکت‌ها) در محیطی فعالیت می‌کنند که دائماً در حال تغییر است و نیاز به رویکردی یکپارچه برای مدیریت ریسک‌های خود دارند. از سوی دیگر، پویایی، سیال بودن و به هم وابسته بودن جزو ماهیت ریسک‌ها است. از این رو، مدیریت سنتی ریسک که در آن ریسک‌ها به طور جداگانه بررسی و مدیریت شوند، تحقق نخواهد یافت. (کثیری، ۱۳۸۴)

طبق تعریف کوزو، مدیریت یکپارچه ریسک عبارت است از «فرآیندی سیستماتیک در نظام کنترل داخلی که به منظور اطمینان از اجرای خط مشی‌های هیات مدیره، کمک به محقق شدن اهداف شرکت و محافظت از دارایی‌ها و ثروت سهامداران و سازمان شکل می‌گیرد. هدف این فرآیند، مدیریت و کنترل یکپارچه ریسک‌های سازمان است. این فرآیند، روابط متقابل بین ریسک‌ها را در نظر می‌گیرد و منعکس‌کننده ماهیت ریسک است که مرزهای مصنوعی سازمان را بر نمی‌تابد. به علاوه، این فرآیند به طور مداوم بازبینی می‌شود تا اصلاحات لازم در آن اعمال شود». بنابراین، به طور خلاصه می‌توان گفت که ERM چهارچوبی جامع، یکپارچه و مستقل از

1. Hube
2. Downside Risks
3. Upside Risks
4. Enter Prise Risk Management

مدیریت ریسک‌های شرکت، به منظور حداکثر کردن ثروت سهامداران است. فرآیند مدیریت ریسک را می‌توان در ۶ مرحله توصیف کرد. شکل ۱، این فرآیند را نشان می‌دهد. تجزیه و تحلیل کسب و کار اولین مرحله را تشکیل می‌دهد. در این مرحله پیشینه کسب و کار و فعالیت‌های بنگاه اقتصادی به منظور انجام صحیح مراحل بعدی با استفاده از ابزارهایی همچون SWOT و یا تحلیل مالی مورد شناسایی قرار می‌گیرد. در مرحله دوم، کلیه ریسک‌های مطلوب و غیرمطلوب شناسایی می‌شود.

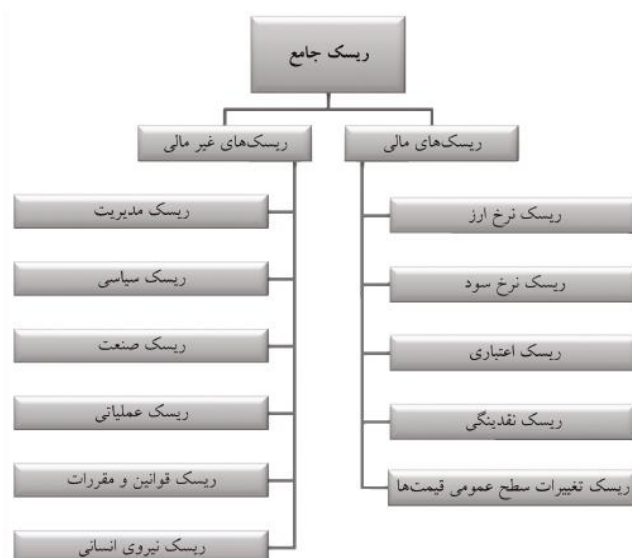
شکل ۱. فرآیند مدیریت ریسک



در مرحله سوم، احتمال و اثر ریسک‌های شناسایی شده در مرحله قبل با استفاده از ترازنامه و صورت سود و زیان و سایر ابزارهای موجود (توزیع‌های احتمال)، برآورد می‌شوند. مرحله چهارم فرآیند به دستیابی اثرات کلی و یکپارچه‌شده ریسک‌ها معطوف می‌گردد. در این مرحله برای ارزیابی ریسک از ابزارها و روش‌هایی چون درخت احتمال، تئوری مطلوبیت و تحلیل سرمایه‌گذاری استفاده می‌شود. در مرحله برنامه‌ریزی ریسک، روش‌های برخورد با ریسک‌های مطلوب و نامطلوب برنامه‌ریزی و اجرا می‌شوند و در مرحله آخر عملکرد فرآیند مدیریت ریسک فعالانه پایش می‌شود و در صورت نیاز اصلاحات لازم صورت می‌گیرد.

۲-۳- ریسک‌های رایج نظام بانکی

ریسک در نظام بانکی ممکن است در اثر تغییرات شاخص‌های اقتصادی و مالی مانند سطح قیمت‌ها، نرخ ارز و غیره باشد یا به جهت وجود عدم اطمینان در مورد مسائل غیراقتصادی و غیرمالی همانند پرسنل، قوانین و ... پدید آید؛ بنابراین می‌توان ریسک‌های موجود در بانکداری را به دو دسته تقسیم کرد. در این میان، ریسک‌های غیرمالی بر ریسک‌های مالی تأثیر زیادی دارند، بدین معنی که هر یک از ریسک‌های غیرمالی در نهایت باعث تغییرات در متغیرهای مالی می‌شوند. لذا حوزه فعالیت مدیریت ریسک، بیشتر ریسک نوع اول را پوشش دهد؛ چرا که تا حدودی قابل پیشگیری و محاسبه است. در میان ریسک‌های موجود، ریسک اعتباری، اصلی‌ترین ریسک بانک‌ها به شمار می‌رود و ریسک‌های بازار، عملیاتی و نقدینگی از دیگر ریسک‌های عمده بانک‌ها هستند.



شکل ۲. انواع ریسک

ریسک اعتباری

ریسک اعتباری در مورد اعطای تسهیلات و خرید و فروش‌ها بوده به طوری که احتمال عدم برگشت اصل و فرع تسهیلات اعطا شده و نیز احتمال زیان ناشی از مبادلات از لحاظ نوع کیفیت کالا، موارد مبادله، اطمینان و اعتبار طرفین مبادله می‌باشد. این ریسک زمانی ظهور می‌کند که وام‌گیرنده یا همتای بانک قادر به ایفای تعهد خود نباشد. تاثیر این ریسک با هزینه جایگزینی وجه نقد ناشی از نکول طرف قرارداد سنجیده می‌شود. این ریسک به حالت‌های زیر خود را نشان می‌دهد: الف- احتمال کاهش توان باز پرداخت اصل و فرع تسهیلات دریافتی ب - احتمال عدم باز پرداخت اصل و فرع تسهیلات دریافتی ج - احتمال معوق شدن بازپرداخت اصل و فرع تسهیلات دریافتی. برای اندازه‌گیری ریسک اعتباری بایستی میزان تعهد اعتباری، درصد احتمال نکول، بازیافت اعتبار در صورت نکول را در نظر گرفت. (محرابی، ۱۳۹۵)

ریسک بازار

ریسک بازار از تغییرات نرخ‌ها یا قیمت‌های بازار مانند نرخ بهره، نرخ ارز، قیمت سهام و قیمت کالاها به وجود می‌آید و عدم مدیریت صحیح و به موقع هر یک از آنها می‌تواند بر ارزش ارقام داخل و خارج ترازنامه مؤسسات مالی تاثیر جدی گذاشته و منجر به کاهش درآمد و سرمایه شوند. (ون شو و دیگران، ۲۰۰۹)

ریسک نقدینگی

در مورد بانک‌ها ریسک نقدینگی به دلیل کمبود و عدم اطمینان در میزان نقدینگی بانک ایجاد می‌شود. کفایت موجودی نقد باعث می‌شود امکان پرداخت تعهدات و نیازهای نقدینگی سپرده‌گذاران در زمان مناسب تأمین گردد. معمولاً ریسک نقدینگی با سایر ریسک‌های مالی مرتبط است و به همین دلیل سنجش و کنترل آن با

دشواری روبرو است (عقیلی کرمانی، ۱۳۸۱). علل پیدایش ریسک نقدینگی عبارت است از: ۱- خروج سپرده‌ها در سررسید و یا پیش از سررسید و یا حتی رشد منفی سپرده‌ها، ۲- قابلیت تبدیل داری‌های غیرنقد به نقد، ۳- حجم سرمایه‌گذاری‌ها و ۴- شکاف زمانی داری‌ها و بدهی‌ها.

ریسک عملیاتی

ریسک عملیاتی در برگزیده ریسک موجود در اعطای تسهیلات، خرید و فروش‌ها و معاملات و همچنین زیان ناشی از بی‌اعتبار شدن بانک به دلیل سوء مدیریت است. در صورت عدم رعایت استانداردهای لازم در این موارد، ریسک عملیاتی قادر است فعالیت یک بانک را در سطح ملی و بین‌المللی تحت تأثیر جدی قرار دهد. با توجه به پیچیده بودن ریسک عملیاتی، کمی کردن این ریسک کار دشواری است اما بانک‌ها می‌توانند برآوردی از ریسک عملیاتی را با توجه به گزارش‌های حسابرسی، گزارش‌های مدیران، برنامه کسب‌وکار و غیره داشته باشند.

ریسک پول یا نرخ ارز

ریسک نرخ ارز عبارت است از احتمال از دست‌دادن اصل و فرع سرمایه به دلیل کاهش قدرت خرید پول. در این میان تورم باعث افزایش نرخ بهره می‌شود و این امر به نوبه خود موجب کاهش ارزش اوراق بهادار خواهد شد.

ریسک شفافیت

ریسک شفافیت به محیط عملیاتی نظام بانکداری مربوط می‌گردد و کمبود شفافیت می‌تواند منجر به تحمیل هزینه‌های ناشی از تصمیم‌گیری‌های نامناسب بر اساس اطلاعات ناقص گردد. استفاده از رویه‌های غیراستاندارد برای گزارش‌دهی قراردادهای مالی و نبود استانداردهای یکسان گزارش‌دهی میان بانک‌ها از عوامل کمبود شفافیت به شمار می‌رود.

۴- ریسک‌های خاص بانک‌های اسلامی (مرتبط با عقود اسلامی)

ویژگی‌های بانک‌های اسلامی و الگوهای واسطه‌گری مالی مورد استفاده آنها باعث گردیده است که تأمین منابع مالی برای فعالیت‌های اقتصادی توسط بانک‌های اسلامی و متعارف و شیوه تجهیز منابع نیز با دو روش کاملاً متفاوت صورت گیرد. تفاوت اصلی بانکداری اسلامی از بانکداری متعارف در به‌کارگیری قراردادهای اسلامی و مبتنی بر مشارکت در سود و زیان است. این تفاوت‌ها موجب می‌شود میزان ریسک فعالیت‌های بانکی در دو نظام به‌صورتی متفاوت بین سپرده‌گذاران بانک و سرمایه‌گذاران توزیع شود. به طور کلی مهم‌ترین ریسک‌های مربوط به عقود مختلف اسلامی و نظام بانکداری اسلامی عبارتند از:

ریسک شریعت یکی از موارد تفاوت میان دو نظام بانکداری متعارف و اسلامی است که در نتیجه عدم اطمینان از انطباق فعالیت‌های موسسات مالی اسلامی با اصول شریعت و قوانین اسلامی ایجاد می‌گردد. در واقع،

یکی از این ریسک‌های مهم در بانکداری اسلامی «ریسک شریعت»^۱ است که به تبع آن ضرورت «نظارت شرعی»^۲ معنی‌دار می‌شود. ریسک شریعت به دو دسته تقسیم می‌شود: الف) ریسک‌های ناشی از تفاوت دیدگاه‌های گوناگون از قوانین شریعت، ب) ناتوانی بانک‌ها از تطابق اصول حاکم بر بانک‌ها با قوانین شرعی. متناسب با این ریسک، اهمیت نظارت شرعی مطرح است که شامل کلیه اقدامات احتیاطی و نظارتی به منظور اطمینان از انطباق فعالیت‌های بانک یا موسسه مالی اسلامی با اصول و قوانین شریعت مقدس اسلام می‌باشد. هدف از این نظارت در نهایت دستیابی به اقدامات، فعالیت‌ها، تدابیر، اصول و روش‌هایی است که به وسیله آنها بتوان ریسک شریعت در نظام بانکی (به طور عام) و یا یک موسسه مالی و یا بانک اسلامی (به طور خاص) را حداقل نمود و یا کاهش داد» (موسویان و میثمی، ۱۳۹۳)

ریسک نقدینگی در نتیجه نبود وجه نقد برای بازپرداخت تعهدات ایجاد می‌گردد. توانایی یک بانک اسلامی در فراهم کردن نقدینگی، نیازمند نگهداری دارایی‌های مالی با قابلیت نقدشوندگی بالا و قابلیت جابه‌جایی سریع است. از این‌رو، مدیریت نقدینگی یکی از بزرگ‌ترین چالش‌هایی است که سیستم بانکداری با آن روبرو است. زیرا بیشتر منابع بانک‌ها از محل سپرده‌های کوتاه‌مدت تأمین مالی می‌شود و علاوه بر این تسهیلات اعطایی بانک‌ها صرف سرمایه‌گذاری در دارایی‌هایی می‌شود که درجه نقدشوندگی نسبتاً پایینی دارند. در این میان، وجود ابزارهای گوناگون مانند بازار بین‌بانکی یا دیگر بازارهای سرمایه که بر اساس نرخ بهره عمل می‌کنند به علت حرمت ربا، قابلیت استفاده در بانک‌های اسلامی را ندارند. لذا موضوع مدیریت نقدینگی در بانک‌های اسلامی با پیچیدگی خاصی روبرو می‌باشد. (محرابی، ۱۳۹۳)

عمده مشکلات مربوط به کنترل و مدیریت نقدینگی در بانک‌های اسلامی عبارتند از: (عبدالمجید،

۲۰۰۳)

- توسعه آرام زیرساخت‌های مالی اسلامی
- تعداد محدود مشارکت‌کنندگان (بانک‌های اسلامی محدود)
- عدم وجود بازار بین بانکی اسلامی
- ممنوعیت سرمایه‌گذاری در ابزارهای مبتنی بر بهره
- عدم وجود بازار ثانویه اسلامی برای تسهیلات اعطایی
- پایین بودن درجه نقدشوندگی دارایی‌های مالی اسلامی
- وجود تفاسیرهای مختلف از شریعت (اهل تسنن و شیعه)

استفاده از عقد مشارکت و ارائه تسهیلات مشارکتی در بانک‌های اسلامی می‌تواند منجر به ایجاد ریسک نقدینگی شود. در واقع مشارکت در برخی از فعالیت‌ها به مسدود شدن نقدینگی می‌انجامد و لذا گاهی مؤسسات مالی که سرمایه نقدی خود را به این‌گونه فعالیت‌ها اختصاص می‌دهند باید سال‌ها انتظار بکشند تا به سرمایه اولیه و سود مورد انتظار دست یابند. لذا مشارکت در پروژه‌های بلندمدت می‌تواند عاملی برای بروز ریسک

1. Shariah risk

2. Shariah supervision or Shariah Governance

نقدینگی شود. در میان عقود مبادله‌ای، عقد سلف به واسطه ماهیت عدم قابلیت نقدشوندگی در بازار ثانویه و عقد جعاله^۱ با توجه به روابط خاص میان جاعل و عامل می‌تواند برای نظام بانکی ریسک نقدینگی پدیدآورد. ریسک عملیاتی: نظام بانکداری اسلامی با توجه به ویژگی‌های خاص عقود اسلامی که نیاز به نظارت و کنترل از سوی بانک دارند، به طور نسبی با ریسک عملیاتی فراوانی روبه‌رو است. از جمله عوامل مهم افزایش این ریسک عبارتند از عدم تخصص کافی و آموزش مناسب کارکنان بانکی در اجرای عقود اسلامی، عدم وجود نرم افزارهای جامع حسابداری مطابق با قراردادهای مالی اسلامی و عدم وجود یک سامانه نظارتی جامع. (طالبی و دیگران، ۱۳۹۰)

ریسک اعتباری: ریسک اعتباری در قالب ریسک پرداخت تسویه^۲ زمانی ایجاد می‌گردد که یک طرف قرارداد نسبت به پرداخت وجه (مانند قراردادهای سلف و استصناع) یا تحویل دارایی (قرارداد مضاربه) قبل از دریافت دارایی و یا وجه نقد از طرف مقابل، اقدام می‌نماید و خود را در معرض ریسک بالقوه قرار می‌دهد. لذا، ریسک اعتباری برای عقود مبادله‌ای به علت نااطمینانی در پرداخت اصل و سود حاصل از دریافت تسهیلات به طور کامل و در موعد مقرر به وسیله فرد متقاضی پدید می‌آید. با تأکید بانک‌های اسلامی بر مشارکت سپرده‌گذاران در ریسک و سود دریافتی از تسهیلات اعطایی، ریسک اعتباری از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌باشد. لذا، در عقود مشارکتی و قراردادهای سهمی از سود هم (به‌ویژه مضاربه و مشارکت مدنی) عدم تحقق سود یا عدم پرداخت به موقع و کامل سهم سود بانک به وسیله شریک یا مضارب، باعث افزایش ریسک اعتباری می‌شود که این مشکل به علت مسئله اطلاعات نامتقارن فراهم می‌آید و یکی از دلایل عدم تمایل به استفاده از عقود مشارکتی به شمار می‌رود.

ریسک اعتماد و کاهش سپرده: عدم توانایی بانک‌ها در تنظیم قراردادهای گوناگون مالی طبق قانون‌های اسلامی و صورتی شدن عقود در بانک‌ها باعث عدم اطمینان سپرده‌گذاران و مشتریان به نظام بانکی می‌شود و این مسأله خود باعث برداشت وجوه و سپرده‌ها توسط سپرده‌گذارانی که پایبند به قوانین و مقررات اسلامی هستند، می‌شود. (خان و حبیب، ۱۳۸۷)

ریسک تجاری جایگزین: بانک‌های اسلامی ممکن است به علت عدم توانایی و ضعف در مدیریت دارایی‌ها و سپرده‌های سرمایه‌گذاری خود با ریسک تجاری روبرو شوند. در این حالت بانک برای جبران کمبود سود سپرده‌گذاران و همچنین حفظ تمام و یا بخشی از سهم بازار خود در میان کل منابع سپرده‌گذاری بانک‌ها بایستی از محل کارمزد خود یا حتی سود حاصل از به‌کارگیری سپرده‌های جاری استفاده نماید. فشار رقابتی مربوط به نرخ بازدهی میان بانک‌های اسلامی و متعارف و عدم توانایی بانک در توزیع سود مورد انتظار میان صاحبان حساب در طول دوره زمانی مشخص از دلایل ایجاد این نوع از ریسک می‌باشد. (حلمی، ۲۰۱۲)

ریسک عدم تعدیل (ریسک بازدهی): این ریسک ناشی از عدم اطمینان به بازدهی دارایی‌ها در بانک‌های اسلامی است. عدم تعدیل نرخ سود در عقود مبادله‌ای مشکل‌هایی را برای نظام بانکداری بدون ربا پدید آورده

۱. در جعاله خاص شخصیت عامل برای جاعل (کارفرما) اهمیت دارد و اگر عامل انجام کار را به دیگری واگذارد، مستحق اجرت نخواهد بود. این مسئله می‌تواند برای نظام بانکی ریسک نقدینگی پدیدآورد.

و باعث ریسک عدم تعدیل می‌شود. (حسین پور و کاوند، ۱۳۹۲) نوسان قیمت و عدم تعدیل اجاره‌بها در قرارداد اجاره به شرط تملیک می‌تواند برای موجر (نظام بانکی) ریسک عدم تعدیل پدید می‌آورد. با توجه به عدم تعدیل نرخ سود و قیمت در قرارداد فروش اقساطی، هرگونه تورم و افزایش ناگهانی قیمت باعث کاهش ارزش مطالبه‌های قابل دریافت حاصل از فروش اقساطی برای بانک می‌شود و ریسک عدم تعدیل را افزایش می‌دهد. علاوه بر این، سرمایه‌گذاری مبتنی بر مباحه و مشارکت در بانک‌های اسلامی می‌تواند منجر به افزایش ریسک گردد.

ریسک قانونی: ماهیت متفاوت قراردادهای مالی، کمبود قراردادهای استاندارد و عدم وجود سیستم قضایی برای حل مشکلات با طرف مقابل در رابطه با نحوه اجرای قراردادها، منجر به افزایش ریسک‌های قانونی مرتبط با قراردادهای اسلامی می‌شود.

جدول ۱. مهم‌ترین ریسک‌های مربوط به عقود مختلف اسلامی

انواع ریسک	عقود اسلامی
اعتباری- عملیاتی- قیمت- نقدینگی- صنعت- تورم- نوسانات نرخ ارز	مشارکت
اعتباری- عملیاتی- عدم تعدیل (بازدهی دارایی)- مخاطره اخلاقی- صنعت- تورم- نوسانات نرخ ارز	مضاربه
اعتباری- عدم تعدیل (بازدهی دارایی)- قیمت- عملیاتی	اجاره
نقدینگی- اعتباری- عدم تعدیل (بازدهی دارایی)- ریسک عقد جایز	جعاله
نقدینگی- قیمت (بازار)- اعتباری	سلف
عدم تقارن اطلاعات- قیمت- طرف مقابل- عدم تعدیل (بازدهی دارایی)- عملیاتی	مباحه
اعتباری- عملیاتی	استصناع
عدم تعدیل- شفافیت- نقدینگی- تورم- نوسانات نرخ ارز	فروش اقساطی

۴-۱- دستورالعمل‌های مدیریت ریسک در بانک‌های اسلامی

کمیته بال و هیأت خدمات مالی اسلامی از جمله نهادهای مالی بین‌المللی هستند که در حوزه مدیریت ریسک دستورالعمل‌هایی را ارائه داده‌اند. با توجه به متفاوت بودن ماهیت بانکداری اسلامی و سازوکار متناظر با آن، چارچوب جدید بال فرهنگ مدیریت ریسک در بانک‌ها ارتقا داده است. در این چهارچوب (بال ۲) در محاسبه جدید کفایت سرمایه بایستی در مخرج کسر (فعلی: داراییهای مبتنی بر ریسک) ریسک‌های بازار، عملیاتی و اعتباری محاسبه شوند و ریسک اعتباری را بر اساس ارزیابی طرفین معامله و ریسک بازار را بر اساس میزان نقدشدن دارایی‌های مالی مدنظر قرار می‌دهد، در حالی که در بانکداری اسلامی کلیه معاملات بر اساس پشتوانه دارایی‌ها استوار است. در بال ۳ نیز ارتقای نسبت‌های سرمایه، نقدینگی و اهرمی مورد توجه قرار گرفته است. هیأت خدمات مالی اسلامی^۱ (IFSB) نیز به منظور شناسایی چارچوبی مناسب برای مدیریت ریسک و نسبت

1. Islamic Financial Services Board (<https://ifsb.org/standard> [1-22])

کفایت سرمایه، استانداردهایی را متناسب با ویژگی‌های بانک‌های اسلامی ارائه و بر اهمیت سپر سرمایه ضد ادواری در بال ۳ تأکید کرده است.

۲-۴- ابزارهای مدیریت ریسک در بانک‌های اسلامی

مدیریت ریسک در بانکداری اسلامی به دلیل غیرربوبی بودن و مفاهیم خاص آن علاوه بر موارد مطروحه در مدیریت ریسک نیازمند اعمال دقت در مفاهیم بانکداری اسلامی نیز می‌باشد. از این رو، به منظور مدیریت این قبیل از ریسک‌ها در بانک‌های اسلامی بایستی موارد زیر مدنظر قرار گیرد: (ندری و محرابی، ۱۳۹۷)

الف - طراحی چارچوب مدیریت ریسک

ب - ایجاد سیستم ارزیابی ریسک‌ها

ج - راه‌اندازی فناوری اطلاعات (IT)

د - افزایش شفافیت

با توجه به اهمیت ریسک اعتباری و نقدینگی در بازارهای مالی اسلامی، در این بخش تلاش شده است مهم‌ترین ابزارهای مدیریت ریسک در حوزه‌های یادشده و سایر ریسک‌های خاص بانک‌های اسلامی معرفی گردد. بانک‌های اسلامی در حوزه مدیریت نقدینگی و ریسک‌های ناشی از آن به دلیل ربوبی بودن بسیاری از ابزارهای متعارف با چالش‌های بیشتری روبرو هستند. مدیریت نقدینگی در بازارهای مالی اسلامی در درجه اول به جایگزینی وجوه مازاد و سپس به رفع کمبودها و نیازهای نقدینگی کوتاه‌مدت می‌پردازد.

✓ با توجه به اهمیت مدیریت نقدینگی در بانک‌های اسلامی، برخی از ابزارهای مدیریت ریسک نقدینگی در بازارهای مالی اسلامی عبارتند از:

✓

۱- مراحله کالایی

یکی از ابزارهایی که باعث بهبود مدیریت نقدینگی و فرصت‌های سرمایه‌گذاری می‌شود، استفاده از مراحله کالایی است که بر اساس مبادله کالا عمل می‌کند. این روش، در کشورهای حوزه خلیج فارس، به‌خصوص عربستان و امارات متحده عربی برای مدیریت نقدینگی در کوتاه‌مدت به کار می‌رود. سازوکار مورد استفاده به این صورت است که هنگامی بانکی با کمبود نقدینگی برای ارائه تسهیلات مراحله و بانک دیگر با افزایش نقدینگی مواجه است، در این صورت، بانک اول سراغ بانک دوم می‌رود. بانک دوم کالای موردنظر مشتری بانک اول را خریداری می‌کند و با سود مشخصی، به صورت کوتاه‌مدت، به بانک اول می‌فروشد. بانک اول نیز با سود دیگری، به صورت نسیه بلندمدت، به مشتری خود می‌فروشد. این روش که از دو قرارداد مراحله مدت‌دار تشکیل می‌گردد، می‌تواند ابزار مدیریت نقدینگی به حساب آید. (عبدالمجید، ص ۷، ۲۰۰۳ و موسویان و کاوند، ۱۳۸۹)

۲- صندوق سرمایه‌گذاری بازار پول غیر ربوبی (صندوق اسلامی ABC)^۱

هدف از تأسیس و ایجاد صندوق اسلامی، تأمین نقدینگی مناسب برای سهامداران (مردم، موسسات مالی بزرگ

1. Arab Banking Corporation: ABC Islamic Fund. (در سال ۱۹۹۸ در بحرین تاسیس و به ثبت رسیده است).

و موسسات تجاری) و ایجاد سودی مناسب به همراه بیشترین امنیت می‌باشد. عمده سرمایه‌گذاری‌های انجام شده در این صندوق‌ها از طریق مشارکت در مبادلات تجاری از طریق اجاره، مضاربه و استصناع صورت می‌گیرد. سهام این صندوق بر اساس ارزش خالص دارایی‌ها و به صورت روزانه قیمت‌گذاری می‌شود. به علاوه، اگر قیمت سهام از قیمت اسمی کمتر شد، صندوق تضمین می‌کند که قیمت خرید را به سهامدار پرداخت کند. از این‌رو، در بدترین حالت، بازده سهام صفر می‌شود. اگر ارزش سهام نیز رشد کند، سود آن نصیب سهامداران می‌شود. با توجه به قرارداد سهامداران با صندوق، در صورت نیاز به نقدینگی، صندوق سهام را از بانک خریداری می‌کند و نقدینگی آن را تأمین می‌نماید. (عبدالمجید، ص ۸، ۲۰۰۳)

۳- تبدیل به اوراق بهادار کردن دارایی‌ها و انتشار صکوک بانکی

تبدیل به اوراق بهادار کردن دارایی‌ها شیوه‌ای است برای افزایش وجوه جدید و کاهش ریسک‌هایی که بانک با آن روبه‌رو است. در این روش بانک‌ها دارایی‌های دارای بازدهی و عایدی را در یک گروه قرار داده و به پشتوانه این دارایی‌ها اوراق بهادار را در بازار می‌فروشند. بنابراین دارایی‌های غیرنقد به اوراق بهادار با پشتوانه دارایی که قابل خرید و فروش هستند، تبدیل می‌شود. (مشکین، ۲۰۰۴)

یکی از ابزارهای مناسبی که می‌تواند جایگزین خوبی برای اوراق قرضه و جمع‌آوری نقدینگی باشد، صکوک است. صکوک اوراق بهادار اسلامی است که با درگیر کردن یک دارایی مشخص فیزیکی و بر اساس قراردادهای مشارکت، مضاربه، مرابحه، سلف، استصناع، اجاره و یا ترکیبی از آنها (اوراق بهادار ترکیبی) طراحی می‌شود. در این راستا، آژانس پولی بحرین در این راستا با معرفی ابزار مالی اسلامی تحت عنوان اسناد دولتی کوتاه‌مدت تحت عقد سلف (صکوک سلف) با سررسید ۹۱ روزه به مدیریت بازار نقدینگی می‌پردازد. این اوراق دارای ارزش اسمی یکسان و با پشتوانه مالی تعریف می‌شود که پس از اتمام عملیات پذیرهنویسی، بیانگر پرداخت مبلغ اسمی مندرج در آن توسط خریدار به ناشر بوده و دارنده آن مالک یک یا مجموعه‌ای از دارایی‌ها، منافع حاصل از دارایی و یا ذینفع یک پروژه یا یک فعالیت سرمایه‌گذاری خاص می‌شود. رشد و توسعه بازار صکوک در چند سال اخیر، عمدتاً به دلیل نقش آن در کنترل نقدینگی مطرح شده است. زیرا، مدیریت نقدینگی به عنوان یکی از ارکان اساسی جهت گسترش بانکداری و توسعه بازارهای مالی اسلامی در نظر گرفته می‌شود.

۴- بازار پولی بین‌بانکی

بازارهای بین بانکی با توجه به وضعیت و ماهیت خاص نقدینگی و نظام بانکی، یکی از مهم‌ترین ابزارهای مدیریت نقدینگی به‌شمار می‌رود. هدف این بازار برقراری ارتباط صحیح و قانونمند بین بانک‌ها، تعامل سالم به منظور تبادل وجوه مازاد بین بانکها، تسریع در فرآیند تأمین نقدینگی و در نتیجه مدیریت کارا تر نقدینگی خواهد شد. با توجه به آنکه ابزارهای مورد استفاده در بانکداری متعارف قابل استفاده در بانکداری اسلامی نیستند، لذا بازارهای مالی اسلامی به دنبال ابزارهای مناسب جایگزین منطبق با شریعت جهت ایجاد بازار بین بانکی می‌باشند. در این میان، مالزی^۱ دارای بازار پولی بین بانکی با هدف خرید و فروش ابزارهای مالی اسلامی

۱. بانک مرکزی مالزی در سال ۱۹۹۴ اقدام به تأسیس بازار بین‌بانکی اسلامی نموده است.

میان مشارکت‌کنندگان در بازار، فعالیت‌های سرمایه‌گذاری بین بانکی از طریق طرح سرمایه‌گذاری مضاربه بین بانکی^۱، نظام تسویه و پایاپای چک^۲ از طریق سیستم تسویه چک بین بانکی اسلامی^۳ و ابزارهایی مانند گواهی‌های پذیرش بانکی سبز^۴، اسناد پذیرفته شده اسلامی^۵، اوراق قرضه رهنی^۶ و اوراق بدهی خصوصی اسلامی است که در حال حاضر در بازار پولی بین بانکی اسلامی مالزی بر اساس "بیع دین" داد و ستد می‌شود. به‌طور کلی بانک‌های اسلامی می‌توانند از جایگزین‌هایی برای ایجاد بازار بین بانکی اسلامی استفاده نمایند. از این رو، بانکی که با کمبود نقدینگی مواجه می‌گردد، می‌تواند از طریق ایجاد موافقت‌نامه‌هایی در قالب مشارکت در سود و زیان به بهره‌مندی از منابع مازاد سایر بانک‌ها (از طریق اعطای تسهیلات) و رفع مشکل نقدینگی خود بپردازد. از سوی دیگر در صورتیکه امکان استفاده از تسهیلات در یک دوره خاص وجود نداشته باشد، بانک‌ها می‌توانند یک توافق همکاری بین بانکی برای گسترش مساعدت‌های متقابل ایجاد کنند و در نهایت اینکه بانک‌ها می‌توانند با ایجاد صندوق مشترکی در بانک مرکزی، زمینه‌های ایجاد همکاری‌های مشترک را افزایش دهند. (زه‌تابیان، ۱۳۸۸) علاوه بر این، بازار بین بانکی می‌تواند افزون بر تقویت ابزار سپرده‌گذاری متقابل از ابزارهای کارتری مانند: خریدوفروش دین، خریدوفروش اسناد خزانه اسلامی، تشکیل صندوق با گواهی سپرده بانکی، اوراق مشارکت و دیگر اوراق بهادار اسلامی (صکوک) برای سازمان‌دهی بازار استفاده کند. ✓ ابزارهای مدیریت ریسک اعتباری

۵- وثیقه و ضمانت

رهن و ضمانت دو ابزار مهم تأمین در برابر ریسک و زیان اعتباری در شریعت اسلام است.

۶- ذخیره‌های زیان اعتباری

ذخیره‌های زیان اعتباری، مقدار جوهری است که بانک‌ها به ازای ریسک اعتباری قابل انتظار به صورت ذخیره نگهداری می‌کنند. مقدار این ذخیره به قابل اعتماد بودن روش محاسبه ریسک اعتباری به وسیله نظام بانکی بستگی دارد. بانک‌های اسلامی می‌توانند با تشکیل صندوق ذخیره اعتباری به میزان زیان اعتباری پیش‌بینی شده به فروش سهام بر مبنای عقد شرکت اقدام کنند. بدیهی است در این حالت سود و زیان احتمالی به تناسب سرمایه سهامداران بین آنها تقسیم می‌شود. (خان و احمد، ۲۰۰۱)

۷- تبدیل عقد مضاربه به جعاله

با تبدیل عقد مضاربه به جعاله ریسک اعتبار ناشی از اطلاعات نامتقارن برای عقد مضاربه بسیار کاهش می‌یابد. بانک‌ها می‌توانند از این روش برای مواقعی که ریسک اعتباری طرح فراوان بوده یا نظارت بر طرح مشکل باشد، عقد مضاربه را به جعاله تبدیل کنند. در این حالت (در عقد جعاله) عامل، ضامن سرمایه است.

1. Mudareba interbank investment scheme
2. Cheque clearing and settlement system
3. Islamic interbank cheque clearing system
4. Green bankers acceptance
5. Islamic acceptance bills
6. Islamic mortgage bond

✓ ابزارهای مدیریت ریسک عقد جایز و ریسک قیمت (متناسب با عقود اسلامی)

۸- به‌کارگیری قرارداد صلح

قرارداد صلح در کاهش و مدیریت ریسک در نظام بانکداری غیربوی بسیار کاربرد دارد. از جمله کاربردهای آن عبارتند از: الف) در مواردی که قرارداد، عقدها یا ایقاعی جایز است و طرفین می‌خواهند لازم باشد، می‌توانند مفاد آن قرارداد را از راه صلح انشا کنند. با استفاده از این روش می‌توان ریسک جایز بودن قرارداد جعاله را کاهش داد؛ ب) در مواردی که به جهت نبودن یکی از شرایط خاص، قراردادهای معین باطل می‌شود، می‌توان مفاد آن را به قرارداد صلح انشاء کرد. به طور مثال، می‌توان ببع سلف قبل از سررسید را به قرارداد صلح انشا کرد. (موسویان، ۱۳۸۶) بانک‌ها می‌توانند با استفاده از این عقد ریسک قیمت ناشی از قرارداد سلف را به حداقل رسانده و کالایی را که به سلف خریده اند، پیش از سررسید به فروش رسانند.

۹- ابزارهای مهندسی مالی

- ابزارهای مالکیت برای مدیریت ریسک‌های ناشی از عقود مشارکتی و سرمایه‌گذاری مستقیم
- ابزارهای بدهی برای مدیریت ریسک‌های ناشی از عقود مبادله‌ای از جمله فروش اقساطی و اجاره به شرط تملیک
- ابزارهای مشتقه (در فقه شیعه نوعی استفاده از خیار شرط است) برای مدیریت ریسک‌های ناشی از قراردادهای آپشن (اختیار معامله) و آتی
- ابزارهای ترکیبی مشتقه و مالکیت (اکبریان و دیانتي، ۱۳۸۸)

۵- نتیجه‌گیری

بروز ریسک در هر دو نظام بانکداری متعارف و اسلامی انکارناپذیر و منجر به کاهش قدرت سودآوری بانکی می‌شود که در سه شکل سودآوری کمتر از هدف پیش‌بینی شده، از بین‌رفتن تمام سود پیش‌بینی شده و نهایتاً زیان نشان داده می‌شود. در این راستا، فعالیت بانک‌های اسلامی با به‌کارگیری قراردادهای اسلامی و مبتنی بر مشارکت، این نوع از نظام بانکی را با ریسک‌های متفاوت و مدیریت ریسک را با حساسیت و پیچیدگی بیشتری روبه‌رو کرده است.

استقرار مدیریت ریسک در بانک‌ها می‌تواند زیان‌های احتمالی ناشی از ریسک معاملات و فعالیت‌های بانکی را کاهش دهد که در این صورت زمینه ارتقای سطح عملکرد و افزایش سود و ثروت سهامداران فراهم می‌گردد. بنابراین هر اندازه کنترل ریسک در دستور کار قرار گیرد، با حرکت از سوی عدم اطمینان کامل به سوی عدم اطمینان نسبی از میزان ریسک نیز کاسته می‌شود. از این رو، توسعه فرآیندهای مدیریت ریسک می‌تواند منجر به طراحی روش‌ها، استانداردها، آموزش‌ها و سیستم‌هایی برای کنترل، کاهش و پیشگیری از رخدادهای نامطلوبی که اثر تخریبی بر حیات بانک‌های اسلامی دارد، گردد.

با توجه به اهمیت بحث ریسک و مدیریت آن در ادبیات مالی و بانکی، در این مقاله تلاش گردید پس از

معرفی ریسک‌های عمومی نظام بانکی، انواع ریسک‌های خاص بانک‌های اسلامی و ابزارهای مدیریتی سازگار با اصول اسلامی مورد بررسی و تحلیل قرار گیرند. با توجه به متفاوت بودن ماهیت بانکداری اسلامی، اهمیت به اصلاحات ریشه‌ای از جمله استانداردهای بین‌المللی و تمرکز بر مدیریت ریسک‌ها از جمله ریسک نقدینگی، ریسک عملیاتی و ریسک بازار از اهمیت قابل‌زیادی برخوردار می‌باشد. در این راستا، نظارت بانکی مناسب و اصلاح ساختار سرمایه بانک‌ها (قابل قبول بودن نسبت کفایت سرمایه) و مهم‌تر از آن نیز توجه به کیفیت سرمایه بانک مطرح است، زیرا افزایش سرمایه نمی‌تواند تنها از محل تشدید دارایی‌ها باشد بلکه باید از محل ورود سهامدار و اندوخته و ذخایر افزایش سرمایه باشد. از سوی دیگر، مدیریت نقدینگی در بانک‌های اسلامی به دلیل عدم استفاده از ابزارهای متعارف از اهمیت بیشتری برخوردار می‌باشد. از این رو، نیاز به طراحی و ایجاد ابزارهای نوین منطبق بر شریعت، بیش از پیش احساس می‌شود. در این زمینه طراحی و به کارگیری ابزارهایی همچون مباحثه موازی، صندوق‌های سرمایه‌گذاری اسلامی، توسعه بازار بین‌بانکی، تبدیل به اوراق بهادار کردن دارایی‌ها و انتشار صکوک در بازارهای مالی اسلامی برای مدیریت نقدینگی معرفی شده‌اند. علاوه بر این، استفاده از ابزارهای مهندسی مالی با توجه به ظرفیت‌های عقود اسلامی و همچنین ابزارهای خاص بانک‌های اسلامی همچون وثیقه و ضمانت، به کارگیری قرارداد صلح، ذخیره‌های زیان اعتباری و تبدیل عقد مضاربه به جعاله می‌تواند در مدیریت ریسک مفید و کارساز باشد.

پیشنهادات زیر برای مدیریت ریسک مؤثر و کارآمد و در نتیجه بهبود عملکرد بانک‌های اسلامی مطرح می‌گردد:

– الزام به وجود یک چهارچوب مقرراتی و قانونی مناسب و تبیین شیوه‌های صحیح نظارت بر بانک‌ها
– ضرورت ایجاد کمیته نظارت شرعی به منظور کاهش مخاطره‌های ناشی از عدم انطباق عملیات بانکی با نظارت شرعی

– گسترش مطلوب بازار سرمایه اسلامی، نهادها و بازارهای مالی فعال (مراکز مالی فرامرزی)

– توسعه زیرساخت‌های لازم برای توسعه بازارهای مالی و مدیریت ریسک

– توسعه و طراحی ابزارهای مالی متناسب با اصول اسلامی

– رعایت استانداردهای احتیاطی و نظارتی مورد قبول بین‌المللی

منابع و مأخذ

- ابوالحسنی، اصغر، حسنی مقدم، رفیع. (۱۳۸۷). بررسی انواع ریسک و روش‌های مدیریت آن در بانکداری بدون ربای ایران، مجله اقتصاد اسلامی، شماره ۳۰.
- اسماعیل‌نژاد، مجید (۱۳۹۲). اصول و مفاهیم مدیریت ریسک، بانک سینا، اداره مطالعات و پژوهش ریسک
- اکبریان، رضا و دیانتی، محمد حسین. (۱۳۸۵). مدیریت ریسک در بانکداری بدون ربا، فصلنامه اقتصاد اسلامی، شماره ۲۴.
- حسین پور، محمد و کاوند، مجتبی (۱۳۹۲). تحلیل و اولویت‌بندی ریسک‌های مالی در نظام بانکداری بدون ربا، مجله اقتصاد اسلامی، شماره ۴۹.
- خان، طریقالله، احوذ، حبیب. (۱۳۸۷). مدیریت ریسک و بررسی عوامل بروز آن در صنعت خدمات مالی اسلامی. ترجمه سید محمد مهدی موسوی بیوکی و مجید خادم‌الحسینی، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- درگریگوریان، سیونه (۱۳۸۳). طراحی مدل اندازه‌گیری ریسک نقدینگی برای نظام بانکداری خصوصی ایران (مورد بانک سامان)، پایان نامه درجه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه شهید بهشتی.
- زه‌تاییان، مصطفی (۱۳۸۸)، زیربناهای سازمانی لازم برای مدیریت نقدینگی در بانکداری اسلامی، ماهنامه بورس، شماره ۸۶، ص ۱۶
- طالبی، محمد و دیگران (۱۳۹۰). تحلیل و رتبه‌بندی ریسک‌های عملیاتی در بانکداری اسلامی، مجله اقتصاد اسلامی، شماره ۴۴.
- عقیلی کرمانی، پرویز. (۱۳۸۱). مدیریت ریسک در بانکداری سنتی در مقایسه با بانکداری بدون ربا، مجموعه مقالات سیزدهمین همایش بانکداری اسلامی، تهران: مؤسسه عالی بانکداری.
- کشیری، حسین (۱۳۸۴). مدیریت ریسک واحد اقتصادی- چارچوب یکپارچه (ERM)، مجله حسابدار رسمی، شماره ۳۰ (ویژه‌نامه)
- محرابی، لیلا (۱۳۸۹). مدیریت ریسک اعتباری در بانکداری بدون ربا، مجله تازه‌های اقتصاد، شماره ۱۳۰.
- محرابی، لیلا (۱۳۹۳). مدیریت نقدینگی در بازارهای مالی اسلامی، مجله تازه‌های اقتصاد، شماره ۱۴۳.
- محرابی، لیلا (۱۳۹۵). نظام بانکی و ریسک‌های پیش‌روی آن، ویژه‌نامه تازه‌های اقتصاد (بهار ۱۳۹۵).
- موسویان، سید علی و میثمی، حسین. (۱۳۹۳). آسیب‌شناسی نظارت شرعی در نظام بانکی ایران و ارائه اصلاح قانونی. مجله اقتصاد اسلامی، ۱۴ (۵۴)، ۹۰-۱۱۱.
- موسویان، سید علی. (۱۳۸۶). ابزارهای مالی اسلامی (صکوک)، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، اول.
- موسویان سیدعباس و کاوند، مجتبی (۱۳۸۹) مدیریت نقدینگی در بانکداری اسلامی، دوفصلنامه معرفت اقتصادی، شماره ۳، ص ۳۵.
- ندری، کامران و دیگران (۱۳۹۶). تحلیل پدیده ریسک‌های خاص بانکی در بانکداری بدون ربای ایران، مجله اقتصاد و بانکداری اسلامی، شماره ۱۹.
- ندری، کامران، محرابی، لیلا (۱۳۹۷). انواع ریسک در نظام بانکداری اسلامی، مجله راهبرد توسعه، شماره ۵۴.

- نظریور، محمدنقی و رضایی، علی (۱۳۹۲). تحلیل و اولویت‌بندی ریسک‌های مالی در نظام بانکداری بدون ربا، مجله تحقیقات مالی-اسلامی، شماره ۲.
- Abdul Majid, Abdul R. (2003), Development of Liquidity management Instruments: Challenges and Opportunities, International Conference on Islamic Banking: Risk Management, Regulation and Supervision
 - Ariffin, N. M and Archer, S. and Abdel Karim, R. A. (2009). Risks in Islamic banks: Evidence from empirical research; Journal of Banking Regulation, Vol. 10, 2.
 - Galai, Dan & Robert, Mark (2000). Risk Management, Mcgrow Hill.
 - Helmy, M. (2012) .risk management in Islamic banks, Working Paper on MPRA, No, 38706.
 - Karen Horchor, A. (2005). Essentials of financial risk management. John Wiley and Sons Publications, Hoboken, New Jersey, united states of America.
 - Khan,T and Ahmed, H (2001), Risk Management: An Analysis of Issues in Islamic Financial Industry. Jaddah: IRTI.
 - Mishkin, F. S. (2004)., The Economics of Money, Banking and Financial Markets, New York; Harper Collins, 7th ed
 - Obaidullah, M (2002), Islamic Risk Management: Towards Greater Ethics and Efficiency, International Journal of Islamic Financial Services, 4(3).
 - Reyazat, F (2011) Islamic Banking Risk Management, New basel Accords and capital Adequacy; Global Islamic Finance.
 - WenShwo, F., & YiHao, L. & Stephen, M. (2009). Does exchange rate risk affect exports asymmetrically? Asian evidence. Journal of International Money and Finance, 28(2): 215–239

ارزیابی شاخص های منتخب حوزه ی سلامت در ایران با تأکید بر آموزه های اسلامی

امیر حسین مزینی^۱
راضیه محمدی صابر^۲

چکیده

اسلام بعنوان یک دین سلامت محور، با تأکید بر تلاش در راستای برخورداری از یک زندگی سالم، مولد و باکیفیت، جایگاه و اهمیت خاصی به بخش سلامت در دو سطح فردی و اجتماعی داده است. توجه به سلامت افراد جامعه بعنوان یکی از پیش شرط های تحقق توسعه ی پایدار، از طریق اثرگذاری بر عملکرد نیروی انسانی، زمینه های ارتقاء شرایط اقتصادی را فراهم نموده و از این رو دستیابی به اهدافی همچون رفاه عمومی، رشد اقتصادی و عدالت را که از مهم ترین اهداف یک جامعه ی اسلامی هستند، مسیر می سازد. این مطالعه با بررسی و تجزیه و تحلیل تعدادی از شاخص های سلامت، بدنبال بررسی همسویی و یا عدم همسویی عملکرد حوزه ی سلامت در ایران با ایده ال های یک جامعه ی اسلامی، همچون دسترسی عادلانه ی افراد به خدمات بهداشتی و درمانی، می باشد. بدین منظور با تأکید بر برخی شاخصهای ارزیابی در حوزه سلامت (همچون شاخص های پرداخت از جیب، پوشش بیمه و سلامت روان) به بررسی عملکرد حوزه ی سلامت در کشور طی سالهای اخیر پرداخته است. نتایج حکایت از آن دارد که هر چند در دهه های اخیر اقدامات مثبتی در حوزه سلامت کشور انجام شده و موفقیت های نسبی هم بدست آمده اما وضعیت حاکم بر بخش سلامت در ایران چندان مطلوب و منطبق با آنچه که در نهایت موجب دستیابی به اهداف یک جامعه ی اسلامی می شود، بنظر نمی رسد.

واژگان کلیدی: سلامت، عدالت، اسلام، هزینه های سلامت، بیمه و اقتصاد ایران.

۱- مقدمه

سلامت بعنوان مقوله ای که ارتباط نزدیکی با پیشرفت و توسعه ی همه جانبه دارد و دارای ابعاد فیزیکی، روانی، اجتماعی و معنوی است، از یک سو به معنای ایجاد روابط اصولی و منطقی بین اجتماع، خانواده، فرد و محیط زیست آنها و از سوی دیگر ایجاد تعادل کامل بین اندام ها و دستگاه های مختلف بدن است. طبق این تعریف می توان نتیجه گرفت که هر عاملی که این سلامت را دچار اختلال سازد عامل بیماری زا یا عامل ناهنجار تلقی خواهد شد (کریمی، ۱۳۸۴).

موضوع سلامت ابعاد گسترده ای دارد به گونه ای که افزون بر علومی چون پزشکی و داروسازی، در حوزه بهداشت روانی و روانشناسی، جامعه شناسی، اقتصاد، و نیز علوم کشاورزی و صنعتی به نحوی کاربرد دارد؛ حتی رهبران سیاسی، مدعی ایجاد نظام حکومتی سالم هستند (عبدالرحیمی، ۱۳۹۴). این موضوع علی رغم گستردگی قابل توجهی که در سال های اخیر در حوزه های مختلف شاهد آن بوده ایم، در سطح بین الملل و تا زمانی که پس از جنگ جهانی اول اساسنامه جامعه ملل تهیه می شد، از یاد رفته بود و تنها در واپسین روزها تهیه کنندگان پیش نویس اساسنامه به یاد بهداشت جهان افتادند. در کنفرانس ملل متحد در سانفرنسیکو در سال ۱۹۴۵ موضوع بهداشت بعنوان یک موضوع ویژه مطرح شد. با وجود این در چند دهه گذشته با پدید آمدن جنبشی تازه، سلامت بعنوان یک حق بشری و یک هدف اجتماعی در جهان شناخته شده است، بدین معنی که سلامت برای برآورده شدن نیازهای اساسی و بهبود کیفیت زندگی انسان لازم است و باید برای همه ی انسان ها در دسترس باشد (متقی، ۱۳۹۳).

سازمان جهانی بهداشت در سال ۱۹۴۶ میلادی در تعریف خود از «سلامت» به سه حوزه «سلامت جسمی» و «سلامت اجتماعی» و «سلامت روانی» اشاره کرده است؛ این سازمان برای تفهیم سلامت و بیماری، تعریفی از سلامتی ارائه کرد که عبارت است از: "سلامت حالتی از رفاه و راحتی کامل بدنی، روانی و اجتماعی است و نه دقیقا نبود بیماری یا ضعف و سستی" (آزاد، ۱۳۸۹). از این رو در دهه های اخیر بنا به تحقیقات پزشکان و روان شناسان مختلف، توجه نشان دادن به بُعد معنوی انسان و "سلامت معنوی" از سوی دست اندرکاران نظام سلامت و سازمان بهداشت جهانی اجتناب ناپذیر شده است.

مقوله ی سلامت و اثرگذاری آن بر جامعه از ابعاد مختلفی قابل بررسی است. افراد جامعه سالم از یک سو با نشاط تر و با انگیزه بیشتری فعالیت می کنند. از سوی دیگر ارتقای سطح سلامت باعث کاهش هزینه های مستقیم و غیرمستقیم اقتصاد ملی می شود. واضح ترین مزایای سطح بالاتر سلامت، روزهای کمتری است که صرف رسیدگی به بیماری می شود و از این طریق باعث افزایش بهره وری و فرصت های بیشتر برای یافتن شغل بهتر و زندگی کاری طولانی تر می شود (عماد زاده و همکاران، ۱۳۸۸). همچنین سلامتی تأثیر مستقیمی بر تولید و مشارکت، پس انداز و سرمایه گذاری، بهره وری نیروی انسانی و سایر عوامل جمعیت شناختی و کیفیت نیروی انسانی دارد (امینی و همکاران، ۱۳۸۶). به همین دلیل، جوامع مختلف همواره توجه ویژه ای به افزایش کیفی و کمی شاخص های سلامت داشته اند (لطفعلی پور و همکاران، ۱۳۹۰؛ کریمی، ۱۳۸۴).

تأثیر سلامت بر بهبود شرایط اقتصادی را می توان با سنجش عملکرد شاخص هایی همچون طول عمر و امید به زندگی و ... بررسی کرد. بعنوان مثال با افزایش طول عمر، میزان پس اندازها افزایش یافته و در نتیجه

روند سرمایه‌گذاری تسهیل خواهد شد. همچنین افزایش امید به زندگی، بازگشت سرمایه انسانی، سرمایه‌گذاری در نیروی انسانی و در نهایت سرمایه‌گذاری کل اقتصاد را افزایش می‌دهد. چرا که سال‌های بهره‌برداری از این منبع را بیشتر کرده و تعداد سال‌هایی که سرمایه‌گذاری بازده مثبت دارد را افزایش می‌دهد. همچنین پس‌انداز و سرمایه‌گذاری تشویق شده و گام بلندی در بهبود شرایط اقتصادی کشور برداشته می‌شود (لطفعلی پور، برجی ۱۳۸۹). به سبب تاثیر گذاری مستقیم سلامت بر رشد و تولید کل، شاخص‌های آن نیز از عوامل موثر در این زمینه هستند و همین عوامل باعث می‌شود تا در بسیاری از کشورها مذاکرات زیادی در زمینه‌ی شاخص‌های بخش سلامت و عوامل موثر در این بخش صورت گیرد و سیاست‌گذاران و پژوهشگران را به بحث و بررسی در این زمینه وادار کند (Di matteo, 1988 & 2004).

از منظر آموزه‌های دینی نیز "ایجاد و تضمین سلامت" یکی از کارکردهای مهم ادیان الهی در ابعاد مختلف فردی و اجتماعی است. در فرهنگ اسلامی سلامت از ارزش‌های بر خوردار است تا جایی که خداوند قرآن را کتاب هدایت و سلامت معرفی می‌کند. مطالعه در قرآن حکایت از رهنمودهای مختلف بهداشتی در مورد سلامت دارد. (مرزبند و افزاری، ۱۳۹۲). "سلامت" در آیات قرآنی و روایات اسلامی جایگاه بسیار بلندی دارد، به طوری که می‌توان گفت که میزان سالم بودن انسان با میزان کامل بودن او تناسب دارد. قرآن کریم، خبر از ساحتی در وجود انسان می‌دهد که امکان دارد مریض یا سالم باشد؛ سالم بودن آن، نقش اساسی در نجات و بهشتی شدن انسان دارد؛ و آن ساحت "قلب" است: "يَوْمَ لَا يُنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ؛ إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ" (الشعراء: ۸۸ و ۸۹). این آیات در ابتدای مناجات حضرت علی(ع) استفاده شده است؛ آنجا که حضرت، می‌خواهد تذکر دهد که در روز قیامت، هیچ چیز غیر از "قلب سلیم" موجب امان و مفید به حال انسان نیست: "اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْأَمَانَ يَوْمَ لَا يُنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ" (کفعمی، ۱۴۱۸ق: ۳۲۰). شاید بتوان گفت که توجه به اسلام به عنوان "دین سلامتی" و قرآن کریم از منظر "کتاب سلامتی" دیدگاه جالبی باشد؛ زیرا خدای سبحان از طریق دین اسلام که دین اعتدال است انسان‌ها را به سوی سلامتی رهنمون شده است و راه سالم شدن و سالم ماندن را به او می‌آموزد: بر اساس تعلیمات دینی، خدای متعال "سالم" و "سلام" است و انسان‌ها را به سوی "سرای سلامت" فرا می‌خواند: "وَاللَّهُ يَدْعُوا إِلَى دَارِ السَّلَامِ" (یونس: ۲۵). طبق آیه ۱۶ سوره مائده، خدای سبحان به وسیله‌ی قرآن، انسان‌ها را به راه‌های سلامت راهنمایی می‌کند، راهی که منطبق بر صراط مستقیم است و موجب خروج از تاریکی‌ها و ورود به قلمرو نور و روشنایی می‌شود^۳. مقصد چنین انسان‌هایی "سرای سلامت" نزد پروردگارشان است: "لَهُمْ دَارُ السَّلَامِ عِنْدَ رَبِّهِمْ" (الانعام: ۱۲۷). در این راستا آنچه در مستندات اسلامی از مقوله سلامت آمده می‌تواند سلامت جسمی، سلامت روانی و ... را شامل شود.

۱. دعای جوشن کبیر، بند ۲۹

۲. هو الله الذی لا إله الا هو الملک القدوس السلام المؤمن المہیمن العزیز الجبار المتکبر سبحان الله عما یشرکون (الحشر: ۲۳)

۳. یهدی به الله من اتبع رضوانه سبیل السلام و یخرجهم من الظلمات إلى النور بإذنه و یتهدیهم إلى صراط مستقیم «(المائده: ۱۶) خدا به وسیله آن (کتاب) هر که را از خشنودی او پیروی کند، به راه‌های سلامت رهنمون می‌شود، (و به توفیق خویش) آنان را از تاریکی‌ها به سوی روشنایی بیرون می‌برد و به راهی راست هدایتشان می‌کند.

از این رو قرن هاست که مسلمانان ارزش زندگی خوب، تمیز و سالم را به رسمیت شناخته اند و سبک زندگی سلامت محور بعنوان یک پدیده‌ی چند علتی، و چند دلالتی مطرح می‌شود. (دالوندی و همکاران، ۱۳۹۲). برخورداری از یک زندگی سالم، مولد و با کیفیت همراه با طول عمر قابل قبول و بدون بیماری و ناتوانی، حق همگانی است که در مکتب اسلام، اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر (ماده ی بیست و پنجم) و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (اصول ۳، ۲۹، ۴۳) مورد تاکید قرار گرفته است. مسئولیت و تولیت این امر بعهدہ‌ی دولت‌ها بوده و یکی از پیش شرط‌های تحقق توسعه‌ی پایدار به شمار می‌رود. (برجی، ۱۳۹۰). اهمیت موضوع سلامت باعث شده است تا در سند چشم انداز بیست ساله ایران بعنوان یک کشور اسلامی نیز، بر ابعاد مختلف اقتصادی و اجتماعی که منجر به سلامت می‌شوند تاکید شده و همچنین به صورت مستقیم به مقوله سلامت در این سند مهم راهبردی اشاره می‌شود.

نظر به اهمیت مقوله سلامت و تاکید فراوان بر آن در متون اسلامی و اسناد بالادستی بدون شک برقراری حداقل‌های لازم در جامعه در حوزه سلامت را می‌توان یکی از وظایف حاکمیت و مصادیق برقراری عدالت دانست که (برقراری عدالت) یکی از اصول و اهداف اولیه اسلامی می‌باشد. بگونه‌ای که می‌توان یکی از معیارهای برقراری عدالت در جامعه را برقراری حداقل استانداردهای لازم در حوزه سلامت (به معنای عام آن) دانست. این بحث در دستور کار مطالعه حاضر قرار دارد.

در مقاله حاضر در نظر است عملکرد اقتصاد ایران از منظر سلامت و با توجه به آموزه‌های اسلامی و بعنوان یکی از معیارهای برقراری عدالت مورد ارزیابی قرار گیرد. بدین منظور پس از بررسی ادبیات موضوع (مبانی نظری و مروری بر مطالعات انجام شده) به معرفی شاخص‌های سلامت و نیز شاخص‌های اسلامی بودن اقتصاد پرداخته خواهد شد. سپس به بررسی وضعیت شاخص‌های سلامت در ایران با تاکید بر ملا حظات اسلامی پرداخته شده و وضعیت حاکم بر اقتصاد کشور طی سالهای اخیر از منظر شاخصهای منتخب استخراج و مورد تحلیل قرار خواهد گرفت. جمع بندی، تحلیل و نتیجه گیری پایان بخش مقاله حاضر خواهد بود.

۲- مبانی نظری

یکی از مهمترین پارامترهای مؤثر بر عملکرد نیروی انسانی، بهداشت و سلامت فردی در ارتقای سطح اقتصادی یک کشور است که در آموزه‌های اسلامی نیز بر آن تاکید شده است. شواهد حاکی از آن است که سلامت بهتر در صورت ثابت بودن سایر شرایط، احتمالاً به منزله آن خواهد بود که منابع کمتری در آینده صرف مخارج درمانی خواهند شد. بنابراین برخی منابع که می‌توانند صرف مخارج درمانی شوند، برای مقاصد دیگری قابل استفاده خواهند بود. البته ممکن است مقادیر زیادی از این منابع صرف افزایش مصرف فعلی جامعه شود، ولی احتمالاً مقداری نیز صرف افزایش سرمایه فیزیکی و انسانی خواهد شد که به موجب آن رشد اقتصادی بالاتر را در آینده به دنبال دارد. از سوی دیگر بهبود وضعیت سلامت از مجرای افزایش بهره‌وری و کارایی نیروی کار نیز می‌تواند به ارتقاء رشد اقتصادی منجر گردد (جوادی پور، ۱۳۸۳). در ادامه مبانی نظری بحث در دستور کار قرار می‌گیرد. در این راستا در ابتدا به تعاریف مختلف از سلامت پرداخته می‌شود.

۲-۱- تعاریف سلامت

۲-۱-۱- دیدگاه کلی از تعریف سلامت

سلامت مفهوم وسیعی دارد و تعریف آن تحت تاثیر میزان آگاهی و طرز تلقی جوامع با شرایط گوناگون جغرافیایی و فرهنگی قرار می‌گیرد (Naidoo, Wills, 2000)، ضمن اینکه سلامتی یک روند پویا است و با گذشت زمان نیز مفهوم آن تغییر خواهد کرد (Kerr, 2000). قدیمی ترین تعریف از سلامتی عبارتست از "بیمار نبودن" (Naidoo, Wills, 2000). در طب سنتی برای انسان چهار طبع مختلف دموی، بلغمی، صفراوی و سوداوی قائل بودند و اعتقاد داشتند که هرگاه این چهار طبع مخالف در حال تعادل باشند فرد سالم است و زمانی که تعادل میان طبع های چهارگانه مختل شود بیماری عارض می‌شود. فرهنگ وبستر^۱ سلامتی را وضعیت خوب جسمانی و روحی و بخصوص عاری بودن از درد یا بیماری جسمی می‌داند. فرهنگ آکسفورد^۲ نیز سلامتی را وضعیت عالی جسم و روح و حالتی که اعمال بدن به موقع و مؤثر انجام شود می‌داند (Park's, 2005).

۲-۱-۲- تعریف سلامت از منظر سازمان جهانی بهداشت

رایج ترین و کلی ترین تعریفی که از سلامت از سوی سازمان جهانی بهداشت ارائه شده است عبارت است از: سلامت برخورداری از سلامت کامل روحی، جسمی و اجتماعی است و نه صرفاً فقدان بیماری یا معلولیت (WHO, 2008).

البته اقتصاددانان معتقدند سلامت، کالایی بادوام یا به عبارت دیگر سرمایه ای است که خدماتی را فراهم می‌آورد. این جریان خدمتی که از موجودی سلامت فرد تولید می‌شود، در کل دوره ی زندگی او به مصرف می‌رسد. بر این اساس هر فرد دارای ذخیره ای از موجودی کالای سلامت در ابتدای هر دوره است و در طول زمان، موجودی سلامت فرد با بالا رفتن سن کاهش یافته، با سرمایه گذاری در مراقبت های درمانی افزایش می‌یابد و زمانی که ذخیره ی موجودی سلامت فرد از حد بحرانی کمتر شود آنگاه فرد از بین خواهد رفت (صباغ کرمانی، ۱۳۸۵).

۲-۱-۳- سلامت در فرهنگ اسلام

سلامت در فرهنگ اسلام بعنوان یک ارزش مطرح شده و با تعبیرهای زیبایی مانند برترین نعمت ها، گوارا ترین بهره‌ها و نصیب‌ها، سرمایه زندگی و توصیف شده است و اصولاً سلامت ایده آل (از دیدگاه معصومین) یا حد مطلوب آن، سلامتی است که کامل، همه جانبه شفافبخش و مهمتر از همه رو به تکامل (مفهوم پویایی و طیف سلامت) و تزاید و در بردارنده سلامت دنیا و آخرت باشد (فراز دوم از دعای بیست و سوم صحیفه سجاده‌یه). به همین لحاظ طبیعی است تلاش برای دستیابی به چنین نعمت ارزشمندی کاملاً مورد توجه، تأیید و حمایت آئین اسلام باشد و برای تحقق آن در قالب احکام تکلیفی اعم از حلال و حرام، مستحب، مکروه و مباح و یا در قالب توصیه‌ها و رهنمودهایی مطرح کرده باشد. اسلام بر بهداشت و نظافت تأکید

فراوان دارد و آن را لازمه ایمان می‌داند. یکی از ویژگی‌های دین اسلام، تشویق انسان به رعایت پاکی در ابعاد گوناگون زندگی است؛ زیرا خواسته ذاتی هر انسان، دوری از آلودگی‌ها است (لطفعلی پور، برجی، ۱۳۸۹). در قرآن و حدیث واژه‌ی سلامت بیانگر ابعاد مادی و معنوی زندگی انسان است و از ارزش برتر برخوردار است. پیامبر گرامی اسلام همواره امت خود را به پاکیزگی تشویق و ترغیب می‌کرد (مستدرک الوسائل، ص ۳۱۹ جلد ۱۶) و می‌فرمود خداوند پاک است و پاکیزگی را دوست دارد (میزان الحکمه، ص ۳۳۰۲، جلد ۴). امیر مومنان علی (ع) نیز فرموده‌اند: لا لباس اجمل من السلامه، جامه‌ای زیباتر از سلامتی نیست (تصنیف غرر الحکم و درر الکلم: ۴۸۳) سلامتی در این حدیث پاکی از گناهان، عیب‌ها، دردها و بیماری‌ها و رهایی از آفات و آسیب‌های روحی و بدنی را شامل می‌شود. در حدیث دیگری که به جایگاه سلامت اشاره دارد این چنین آمده است: لا وقایه امنع من السلامه، هیچ حافظ و نگه دارنده‌ای بلند مرتبه‌تر از سلامتی نیست. در این حدیث نیز به نبود امراض روحی و روانی و جسمی و بدنی اشاره دارد. آموزه‌های وحیانی توجه به سلامت جسمی را با در نظر گرفتن اصول تنوع غذایی، ایمنی و طیب بودن مورد توجه قرار داده‌اند و با دعوت به غذای حلال و پرهیز از غذای حرام و نیز پذیرش خداوند بعنوان رزاق حقیقی، معنویت در سلامت را جستجو می‌کند. این نگرش معنوی، شاخص‌های سلامت معنوی از قبیل آرامش، اخلاق‌مداری و عمل صالح را بدنبال دارد، امری که در قرآن بر آن تاکید شده است. (مرزبند و افشاری، ۱۳۹۲).

از سوی دیگر در تعالیم اسلامی روش‌هایی برای مقابله با استرس‌ها و سازگاری با سختی‌ها آمده است که خود این تعالیم و آموزه‌ها نشان می‌دهد که استرس و سلامت روانی در اسلام مورد تأکید است. آن روش‌ها را می‌توان در سه بخش روش‌های شناختی، روش‌های عاطفی - معنوی و روش‌های رفتاری (بشرح زیر) طبقه‌بندی کرد (صانعی، ۱۳۸۲):

- ۱- روش‌های عاطفی - معنوی (یاد خدا، دعا، توسل به ائمه معصومین علیهم السلام)،
 - ۲- روش‌های شناختی (ایمان و توکل به خدا، اعتقاد به مقدرات الهی، بینش نسبت به وقوع سختی‌ها)،
 - ۳- روش‌های رفتاری (صبر، تفریحات سالم، روابط خانوادگی مطلوب، حمایت اجتماعی).
- در روش‌های عاطفی - معنوی، فرد نوعی ارتباط عاطفی با خدا و اولیای دین برقرار کرده که انسان را در مواجهه با مشکلات و حل آنها مساعدت می‌کند. روش شناختی شیوه‌ای است که با شناخت و عقاید فرد سر و کار دارد و در روش رفتاری دستورات و توصیه‌های عملی در مقابله با سختی‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرد (لطفعلی پور، برجی، ۱۳۸۹).

۴-۱-۲- ابعاد سلامت، دلایل اهمیت و اثرات آن

سلامتی یک مسئله چند بعدی است و علاوه بر بعد جسمی، روانی و اجتماعی، جنبه معنوی را هم در بر می‌گیرد. ابعاد مختلف سلامتی و یا بیماری بر یکدیگر اثر کرده و تحت تاثیر یکدیگر قرار دارند. مشکلات جسمی بر روان فرد، مشکلات روانی بر جسم وی و نیز هر دوی آنها بر جامعه اثر می‌گذارند، از این رو اقدامات انجام شده برای ارتقای سلامتی باید به تمام جوانب سلامتی فردی (جسمی، روانی و معنوی) و سلامت کلی جامعه توجه داشته باشد. در ادامه ابعاد مختلف سلامتی مورد اشاره قرار می‌گیرند.

I. **بعد جسمی:** معمول ترین بعد سلامتی، سلامت جسمی است که ناشی از عملکرد درست اعضاء بدن است. از نظر بیولوژیکی عمل مناسب سلول ها و اعضاء بدن و هماهنگی آنها با هم نشانه‌ی سلامت جسمی است.

II. **بعد روانی:** در این بعد از سلامت تنها نداشتن بیماری روانی مد نظر نیست بلکه قدرت تطابق با شرایط محیطی، داشتن عکس العمل مناسب در برابر مشکلات و حوادث زندگی جنبه مهمی از سلامت روانی را تشکیل می‌دهد. بسیاری از بیماری های روانی نظیر اضطراب، افسردگی و غیره بر روی سلامت جسمی تاثیر گذار است و ارتباط متقابلی بین بیماری های روانی و جسمی وجود دارد.

III. **بعد معنوی:** یکی از زمینه های عمده بیماری ها و مشکلات روانی و عوارض جسمی و اجتماعی آن احساس پوچی، بیهودگی و تزلزل روحی است که ناشی از فقدان بعد معنوی در افراد است. ایمان، هدف دار بودن زندگی، پایبندی اخلاقی، تعاون، داشتن حسن ظن و توجه بیشتر به مسائل معنوی زندگی باعث کاهش اضطراب، تزلزل روحی و عوارض ناشی از آن می‌شود.

اقتصاددانان بدلائل مختلفی به مراقبت های بهداشتی توجه دارند ، اول اینکه منابع برای مراقبت های بهداشتی محدود است و همانند موارد دیگر، تقاضا برای خدمات بهداشتی از عرضه آنها بیشتر است. دیگر اینکه محدودیت و کمیابی به آسانی و با افزایش اعتبارات بهداشتی از میان نمی‌رود، زیرا اهمیت هزینه های فرصت معمولاً نادیده گرفته می‌شود. برای افزایش اعتبارات بخش بهداشت لازم است اعتبارات سایر بخش ها مثلاً آموزش، راه و ترابری، دفاع و ... کاهش یابد. در بسیاری از شرایط معیار برای تخصیص کالا و خدمات در بخش بهداشت، نه میل و اشتیاق یا توانمندی پرداخت بلکه نیاز است. لذا به مجموعه ای از تکنیک های اقتصادی برای تحلیل و ارزیابی بازار مراقبت های بهداشتی نیاز است . نهایتاً آنکه یک رابطه ی دو سویه بین وضعیت سلامت فرد و فعالیت های اقتصادی وجود دارد. افراد سالم تر بهره وری بیشتری دارند و یک اقتصاد مولد توانایی بالاتری برای خرید مراقبت های بهداشتی دارد (پوررضا، ۱۳۸۲). همچنین با توجه به اینکه انسان محور توسعه ی پایدار محسوب می‌گردد، تخصیص اعتبارات هرچه بیشتر در امر سلامت، سرمایه گذاری تلقی شده و عملاً هزینه نیست (بهبهانی، ۱۳۸۴).

سلامت مبنای بهره وری شغلی، یادگیری در مدرسه و توانایی برای رشد جسمی، روانی و هوشی است. به عبارت دیگر سلامت و آموزش دو وجه اساسی سرمایه انسانی هستند. سلامت، از راه های مختلفی می‌تواند سطح تولید یک کشور را تحت تاثیر خود قرار دهد. یکی از این راهها، که در بیشتر مطالعات به آن اشاره شده است، کارایی بهتر کارگران سالم در مقایسه با دیگران است. کارگران سالم بهتر از دیگران کار می‌کنند و ذهن خلاق و آماده تری دارند. همچنین کارگران سالم از طول عمر بیشتر و عمر کاری زیادتری بهره مند هستند (قنبری، ۱۳۸۷).

لازم بذکر است که در آموزه های اسلامی به اهمیت برخورداری از عمری طولانی همراه با تندرستی نیز اشاره شده است و دستور العمل هایی برای آن ذکر شده است. بخشی از این دستورالعمل و آموزه ها بعد فیزیکی دارند (نظیر رعایت بهداشت و نظافت و مراقبت از خوراک و ...) و برخی دیگر بعد متافیزیکی (نظیر صدقه، صلح رحم، با وضو بودن، نیکی به خانواده و والدین و...). لازم بذکر است که براساس آیات و روایات

طول عمری مطلوب می باشد که در راه بندگی خدا، انجام اعمال شایسته و نیکو و خدمت به خلق خدا باشد. در غیر این صورت افزایش سالهای زندگی تنها معضلات انسان گرفتار را فراهم خواهد نمود (اکبری، ۱۳۶۷)

در کنار این اثر مستقیم، سلامت اثرات غیرمستقیمی نیز بر تولید دارد. به عنوان مثال، بهبود سلامت در نیروی انسانی، انگیزه ادامه تحصیل و کسب مهارت های بهتر را به دنبال خواهد داشت، زیرا بهبود شرایط سلامتی از یک سو جذابیت سرمایه گذاری در آموزش و فرصتهای آموزشی را افزایش خواهد داد و از سوی دیگر افزایش سلامت در جامعه با کاهش مرگ و میر و افزایش امید به زندگی، افراد را به پس انداز بیشتر تشویق خواهد کرد که در نتیجه سرمایه فیزیکی افزایش یافته و این موضوع به صورت غیرمستقیم بر بهره وری نیروی کار و رشد اقتصادی جامعه مؤثر خواهد بود. می توان چنین عنوان نمود که "افزایش امید به زندگی، بازگشت سرمایه انسانی، سرمایه گذاری در نیروی انسانی و در نهایت سرمایه گذاری کل اقتصاد را افزایش می دهد." چرا که سالهای بهره برداری از این منبع را بیشتر کرده و تعداد سالهایی که سرمایه گذاری بازده مثبت دارد را افزایش می دهد. با افزایش امید به زندگی، پس انداز و سرمایه گذاری بخش خصوصی و هم چنین سرمایه گذاری مستقیم خارجی تشویق شده و گام بلندی در بهبود شرایط اقتصادی کشور برداشته می شود (قنبری، ۱۳۸۷).

از سوی دیگر هزینه های اندک سلامتی، نرخ مرگ و میر را افزایش داده و نرخ بازدهی سرمایه گذاری بر نیروی انسانی را کاهش خواهد داد. این اثر منفی ابتدا بر سودآوری سرمایه گذاری در سلامت و آموزش و در مرحله بعد در کل اقتصاد آشکار شده و مدار بسته عدم رشد سرمایه گذاری در سرمایه انسانی شکل خواهد گرفت. (قنبری، ۱۳۸۷).

۲-۲- حوزه سلامت بعنوان یکی از بسترهای تحقق عدالت از منظر اسلامی

عدالت همواره دغدغه خاطر انسان و به ویژه متفکران هر عصر بوده است؛ از عصر باستان تا دوره های پس از آن، نه تنها از جایگاه مهم و عمیق عدالت چیزی کاسته نشده، بلکه با گذشت زمان، حجم ادبیات مربوط به آن بیشتر شده است. در غرب، از دوره کلاسیک (اندیشه های افرادی چون افلاطون و ارسطو) تا زمان معاصر و دوره تجدد، (اندیشه جان راولز) این مسئله در کانون توجه و مطالعات اندیشمندان بوده است. در فرهنگ اسلامی نیز از عصر نزول تا زمان های بعد و در اندیشه فیلسوفان و متفکران مسلمان، حجم وسیعی از ادبیات عدالت مشاهده می شود.

عدالت از موضوعاتی است که جدای از توصیه افراد به التزام به آن، یکی از وظایف و دغدغه های حکومت اسلامی نیز معرفی شده است.

در برخی متون مهم ترین اصلی که مبانی اسلام و معارف شیعی بر آن تأکید دارد، «عدالت» به معنای وسیعش دانسته شده است. شهید مطهری گفته است: «اصل عدالت از مقیاس های اسلام است که باید دید چه چیز بر آن منطبق می شود، عدالت در سلسله علل احکام است، نه در سلسله معلولات؛ نه این است که آنچه دین گفت عدل است، بلکه آن چه عدل است دین می گوید؛ این معنای مقیاس بودن عدالت است برای

دین». از منظر امام خمینی (ره) نیز عدالت، فلسفه اصلی حکومت دینی است. ضمن اینکه از نظر منطق عقلی نیز بنظر می‌رسد که هر حکومتی - دینی یا غیر دینی - پایداری حاکمیت خود را به میزان نزدیک‌تر بودن به اصول عدالت و اجرای بیشتر آن، کسب می‌نماید. حضرت علی (ع) در این باره فرموده است: «از ستم بپرهیز که بدون تردید ظلم و ستم مردم را به سوی شمشیر و شورش می‌کشاند و کیفر و انتقام الهی را سرعت می‌بخشد» (فخر زارع، ۱۳۸۸).

از نظر مفهومی برخی از لغویون عدالت را به معنای استقامت معنی کرده‌اند و معتقدند که عدالت عبارت است از استقامت در طریق حق و اجتناب از آنچه در دین محظور است. برخی دیگر عدل را مقابل ظلم و به معنای احقاق حق و اخراج حق از باطل و امر متوسط میان افراط و تفریط بیان کرده‌اند. همچنین برخی عدل را به معنای برابری و تساوی و انصاف و داد و ضد جور و مانند و مثل چیزی از وزن و قدر و یک لنگه از دو لنگه بار ستور (چهارپایان) می‌دانند. در معنای اصطلاحی نیز عدالت در دو معنا به کار رفته است: نخست، به معنی برابری، مساوات، انصاف و بی‌طرفی. از این رو، برخی عدالت را به معنای تساوی و نفی تبعیض، رعایت تساوی در زمینه استحقاق‌های متساوی ذکر کرده‌اند.

معنای دوم عدالت به معنی توازن، تعادل، اعتدال، تناسب، حد وسط و مطابقت با نظم است. در این معنی، ابن رشد عدالت را در معنای عدم افراط و تفریط به کار برده‌اند. جمله معروف حضرت علی (ع) نیز به این شرح است: «الْعَدْلُ يَضَعُ الْأُمُورَ مَوَاضِعَهَا؛ عدالت کارها را بدان جا می‌نهد که باید». بنابراین به طور کلی می‌توان عدالت را چنین تعریف کرد: برخورد قانون یکسان، دادن استحقاق‌ها و قرار گرفتن هر چیز در جایگاه مناسب و شایسته آن.

یکی از صریح‌ترین توصیه‌های اسلام در زمینه عدالت آیه ۱۳۵ سوره نساء است که می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَلَوْ عَلَىٰ أَنفُسِكُمْ أَوِ الْوَالِدِينَ وَالْأَقْرَبِينَ؛ ای کسانی که ایمان دارید، عدالت را بپا دارید و باید خدا را گواه خود قرار داده و گرچه عدالت به ضرر شما یا پدر و مادر و بستگان شما باشد».

همانگونه که مطرح شد مقوله عدالت و التزام به آن در سطح کلان و محیط اجتماع نیز مطرح می‌شود. در این باره حضرت علی (ع) می‌فرماید: «الْعَدْلُ أَسَاسٌ بِهٖ قِوَامُ الْعَالَمِ؛ عدل پایه و ستونی است که هستی بدان پابرجا و استوار است». در اصل، عدالت، عامل بقای دولت‌ها و ضامن استمرار ملت‌هاست. اگر جامعه و ملتی خود را با این اصل هماهنگ سازد، با کل هستی هماهنگ می‌شود. تعبیری که قرآن مجید دارد، ارزش عدالت را بسیار شفاف ساخته است، آن‌جا که پروردگار عالم را اولین اقامه‌کننده عدل معرفی می‌کند که خودش و ملائکه و صاحبان دانش گواه این ماجرا هستند: «شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُو الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ» (آل عمران، ۱۸) (عیسی زاده و عیسی زاده، ۱۳۹۶).

در جایی دیگر خداوند متعال قیام مردم برای تحقق قسط و عدالت را فلسفه ارسال رسل معرفی کرده می‌فرماید: «لقد أرسلنا رسلنا بالبينات و انزلنا معهم الكتاب و الميزان ليقوم الناس بالقسط» (به راستی ما پیامبران خود را با دلایل آشکار روانه کردیم و با آنها کتاب و ترازو را فرود آوردیم تا مردم به قسط برخیزند). با عنایت به توضیحات فوق مقوله عدالت در یک جامعه در سطوح مختلفی قابل طرح است که بصورت نمونه می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

- الف - عدالت در بعد فردی که ناظر بر رفتارهای فردی و تعامل افراد جامعه با یکدیگر است.
- ب- عدالت در عرصه قضایی (آنچه توسط قوه قضاییه دنبال می شود)
- ج- عدالت سیاسی (که مقولاتی چون دموکراسی، مشارکت مردم در تصمیم گیریهای حاکمیتی و ... می-توانند از مصادیق آن باشند)
- د- عدالت در عرصه اجتماعی (مواردی چون توزیع عادلانه فرصت‌ها و امکانات و ... می توانند از مصادیق آن باشند)
- ه- عدالت در عرصه اقتصادی (مواردی چون نظام مالیات ستانی بهینه، توزیع مطلوب درآمد، نبود فقر و هزینه های کمرشکن در معیشت شهروندان، پوشش مناسب نظام تامین اجتماعی، نبود رانت و ...)
- با توجه به موضوع مقاله حاضر چنانچه بر عدالت اقتصادی متمرکز شویم بنظر می‌رسد در یک جامعه اسلامی، با توجه به معیار عدالت، معیشت افراد باید به گونه‌ای باشد که تقریباً شهروندان از امکانات اولیه زندگی از جمله بهداشت و درمان، تغذیه، آموزش، تفریحات، مسکن و... بهره مند باشند. این موضوع در تعالیم اسلامی به انحاء مختلف بسیار مورد تاکید قرار گرفته است. چه در قالب کلام وحی که می توان بصورت نمونه به آیه ۲۶۸ سوره بقره اشاره نمود که می‌فرماید: «الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ؛ شيطان شما را از تهیدستی بیم می‌دهد». یا جمله علی (ع) بدین مضمون که «الفقر الموت الأكبر؛ فقر، مرگ بزرگ تر است.»
- با عنایت به توضیحات فوق بدون شک یکی از مصادیق عدالت در اسلام برقراری عدالت در حوزه اقتصاد می‌باشد که طیف وسیعی از حوزه ها را در بر می‌گیرد که با توجه به موضوع مطالعه حاضر وجود عدالت در حوزه سلامت (بهداشت و درمان) نیز یکی از مصادیق آن می‌شد.

۳-۲- عدالت در سلامت

عدالت در سلامت همواره یکی از بحث انگیزترین مباحث حوزه بهداشت و درمان بوده است که تعبیر مختلفی نیز برای توضیح آن بیان شده است. بطور کلی در بحث ارائه خدمات مراقبت سلامت، سه تعبیر از عدالت مطرح شده است:

- ✓ عدالت به مفهوم فراهم کردن میزان حداقل استاندارد از درمان برای نیازمندان.
- ✓ درمان برابر برای نیازهای برابر بدون توجه به درآمد افراد.
- ✓ برابری در دسترسی به خدمات بهداشتی و درمانی.

تعبیری دیگر از عدالت در رابطه با نحوه تامین مالی هزینه های بهداشت و درمان وجود دارد که به معنی توزیع عادلانه بار مالی هزینه های بهداشت و درمان در میان طبقات مختلف جامعه است (Keshtkar, 1994). برای بررسی عدالت در سلامت از شاخص های مختلفی استفاده می‌شود که در ادامه تعدادی از آنها بیان شده است:

- پرداخت از جیب^۱: نسبتی از هزینه های خدمات بهداشتی و درمانی که مستقیماً از جیب به هنگام

دریافت خدمت پرداخت می‌شود.^۱

- هزینه‌های کمرشکن^۲: به پرداخت برای خدمات سلامت که از حد معینی از منابع مالی خانوار فراتر رود گفته می‌شود (Doorslaer et al, 2006). در متون مختلف آستانه‌ی مورد توافقی برای این حد معین وجود ندارد و منابع مختلف آستانه‌های مختلفی را در نظر گرفته و خانوارها به شیوه‌های گوناگونی شناخته می‌شوند (Wyszewianski, 1986).

- هزینه‌های فقرزا^۳: این شاخص درصدی از خانوارها را نشان می‌دهد که از نظر درآمدی پس از کسر پرداخت به سلامت زیر خط فقر قرار می‌گیرند به عبارتی فقر ناشی از هزینه‌های درمانی را تجربه می‌کنند.

- ضریب جینی^۴: ضریب جینی یک واحد اندازه‌گیری پراکندگی آماری است که معمولاً برای سنجش میزان نابرابری در توزیع درآمد یا ثروت در یک جامعه آماری استفاده می‌شود. این ضریب با نسبتی تعریف می‌شود که ارزشی بین صفر و یک دارد. یک ضریب جینی پایین‌تر در توزیع درآمد یا ثروت را نشان می‌دهد در حالیکه ضریب جینی بالاتر توزیع نابرابر را مشخص می‌کند.

- شاخص مشارکت مالی عادلانه^۵: شاخص مشارکت عادلانه در تامین مالی با هدف اندازه‌گیری میزان عدالت در توزیع بار مالی هزینه‌های درمانی در سال ۲۰۰۰ از سوی سازمان جهانی بهداشت به عنوان یکی از ۳ هدف عمده یک نظام سلامت مطرح شده است. (Human Development Report, 2005)

۴- مروری بر مطالعات انجام شده

لطفعلی پور (۱۳۸۹) در مقاله‌ی تحت عنوان "بررسی تاثیر سلامت بر توسعه‌ی اقتصادی و سازگاری آن با آموزه‌های اسلامی" به این نتیجه رسیده است که با افزایش طول عمر افراد و ارتقای سلامتی، میزان پس اندازها افزایش و در نتیجه روند سرمایه‌گذاری تسهیل خواهد شد. همچنین افزایش امید به زندگی، بازگشت سرمایه انسانی، سرمایه‌گذاری در نیروی انسانی و در نهایت سرمایه‌گذاری کل اقتصاد را افزایش می‌دهد. چرا که سال‌های بهره‌برداری از این منبع را بیشتر کرده و تعداد سال‌هایی که سرمایه‌گذاری بازده مثبت دارد را افزایش می‌دهد. همچنین پس انداز و سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و هم‌چنین سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی تشویق شده و گام بلندی در بهبود شرایط اقتصادی کشور برداشته می‌شود. شادابی نیز باعث می‌شود که افراد با انگیزه و نشاط بیشتری به کار و فعالیت بپردازند که نتیجه این نوع زندگی سالم، افزایش رشد و تولید در جامعه خواهد بود. در نهایت این شرایط مورد تایید و منطبق با آموزه‌های اسلامی دانسته شده است.

دالوندی و همکاران (۱۳۹۱) در مقاله‌ی تحت عنوان "تبیین سبک زندگی سلامت محور مبتنی بر فرهنگ اسلامی" بیان کرده‌اند که انحراف از اعتدال فکری، اعتقادی و رفتاری بعنوان متغیر مرکزی یا مشکل اساسی

۱. یک نظام سلامت عادلانه نظامی است که در آن خانوارها متناسب با استطاعت مالی و درآمدی شان در تامین هزینه‌های خدمات سلامت مشارکت داشته باشند و بیش از توانایی پرداخت خود که منجر به بروز پرداخت‌های کمرشکن می‌شود، پرداخت نکنند.

2. Catastrophic Expenditure

3. Medical Impoverishment

4. Gini Coefficient Index

5. Fairness in Financial Contribution Index

روانی - اجتماعی پدیده‌ی سبک زندگی سلامت محور بر مبنای فرهنگ اسلامی می‌باشد. در این مطالعه بر اساس تجزیه و تحلیل داده‌ها، هفت طبقه‌ی اصلی شامل تعلیم و تربیت اسلامی، ساختار سیاست گذاری در نظام سلامت، جریان معارف اسلامی در زندگی خانواده محور، روابط، معاشرت و مشارکت، شهروند اخلاق و قانون محور، تحرک و اوقات فراغت و کار و تلاش و معاش مشخص و سپس نتیجه گیری شده است که ظرفیت سازی در خانواده، توانمند سازی آن و اصلاح الگوی سبک زندگی در روند دستیابی به سرمایه اجتماعی و جامعه سالم با بهره گیری از آموزه های دینی می‌تواند راه حل مناسبی برای مشکلات زندگی سالم در عصر حاضر محسوب گردد. نهادهای مرتبط با تعلیم و تربیت نظیر آموزش و پرورش و آموزش عالی بایستی ضمن توجه به فرهنگ کار و تلاش، نوع محتوای آموزشی و تنوع آموزش خود را در جهت مهارت آموزی و توانمند کردن فرزندان جامعه جهت ایفای نقش خود در زندگی خانوادگی و اجتماعی قرار دهند و آنان را به استفاده از معارف اسلامی تشویق و ترغیب نمایند.

عبدالملکی و مهدوی (۱۳۹۲) در مقاله ای تحت عنوان " تحلیل تأثیر شاخص های سلامت بر توسعه منطقه ای در ایران؛ رهیافت اقتصاد سنجی داده های تلفیقی " به نتایج زیر رسیده اند:

الف: عامل سلامت بر سطح توسعه منطقه ای موثر بوده است. شاخص های بخش سلامت ضمن اثرگذاری بر میزان بهره وری و کیفیت نیروی کار، بر سطح تولید و نیز سایر شاخص های کلان اقتصادی در سطح مناطق و از جمله آنها بر سطح توسعه منطقه ای موثر هستند. شواهد تجربی مربوط به سایر کشورها نیز این موضوع را تایید می‌کند.

ب: در میان شاخص های سلامت، شاخص امید به زندگی اثر مثبت و معناداری بر سطح توسعه منطقه ای در ایران به جای گذارده است. شاخص دیگر سلامت - بودجه بهداشتی دولتی در مناطق - اثری منفی و البته بسیار ناچیز در تغییر متغیر وابسته داشته است. در میان سایر متغیرهای توضیحی نیز نسبت تولید خصوصی، سرمایه انسانی بخش خصوصی و سرمایه اجتماعی (مشارکت های اجتماعی) اثرات مثبت و معناداری داشته اند.

اکبری و ستوده (۱۳۸۷) در مطالعه‌ای تحت عنوان " بررسی سازگاری و نقش آموزه‌های اسلامی با شاخص های نوین توسعه اقتصادی " به نتایج زیر رسیده اند:

الف: عمر طولانی همراه با تندرستی اجمالاً مطلوب و مورد تأیید دین اسلام می باشد اما مشروط به اینکه این عمر طولانی در مسیر نیکو و شایسته باشد. در غیر این صورت طول عمر و افزایش سال های زندگی معضلاتی برای انسان ایجاد خواهد نمود. بنابراین می‌توان بیان داشت که اجمالاً بین شاخص طول امر در HDI و آموزه های اسلامی ناسازگاری جدی وجود ندارد. هرچند که در HDI به طور مطلق و بدون هیچ قید و شرطی طول عمر بیشتر موجب ارتقاء این شاخص می‌گردد ولی در آموزه های اسلامی طول عمری که در مسیر نیکو و شایسته باشد، موجب سعادت‌مندی و رسیدن به حیات طیبه می‌گردد.

ب: نه تنها بین شاخص کسب دانش و آموزه های اسلامی سازگاری وجود دارد بلکه به نظر می‌رسد با پیگیری آموزه های اسلامی در این خصوص اهداف بلند پروازانه در شاخص کسب دانش نیز کاملاً قابل دسترس گردند.

۱. بدلیل در دسترس نبودن آمار سهم بخش خصوصی از تولید ناخالص داخلی در استان های کشور، در این مقاله از نسبت شاغلین بخش خصوصی به کل شاغلین کشور استفاده شده است.

ج: اسلام سطح مناسب زندگی را بسیار فراتر از حد نیازهای معیشتی می‌داند و کاملاً معتقد به سطح شایسته و مناسب زندگی به معنای واقعی کلمه برای همه افراد جامعه می‌باشد.

مکیان و همکاران (۱۳۹۵) در مقاله‌ای تحت عنوان "هزینه‌های سلامت و امید به زندگی در کشورهای اسلامی" با استفاده از روش رگرسیونی با رویکرد داده‌های ترکیبی به بررسی هزینه‌های صرف شده سلامت بر امید به زندگی در ۲۹ کشور اسلامی پرداخته و نشان داده‌اند رابطه‌ی منفی بین متغیر امید به زندگی و مخارج بهداشتی افراد وجود دارد. مخارج بهداشتی دولت در کشورهای با درآمد سرانه بالا رابطه‌ی مثبت و در گروه کشورهای با درآمد سرانه‌ی پایین رابطه‌ی منفی با متغیر امید به زندگی دارد. همچنین در این مطالعه رابطه‌ی مثبت بین متغیر امید به زندگی با هریک از متغیرهای آموزش، بهبود منابع آبی و درآمد ملی سرانه وجود داشته است.

مشاهده می‌شود آنچه در اسلام مورد تأکید است فراتر از سلامت جسمی است و بنظر می‌رسد می‌توان اینگونه قضاوت نمود که جامعه سالم (به معنای عام آن) یکی از پیش نیازهای جامعه اسلامی است.

۵- شاخص‌های سلامت

شاخص، ابزاری است برای ارزیابی و ارزش گذاری کردن یک یا چند فعالیت، برنامه و یا هدف‌های مورد نظر. با توجه به دیدگاه‌های متفاوت نسبت به سلامتی و گسترده بودن ابعاد سلامتی و تعیین کننده‌های آن، اندازه‌گیری و ارزیابی سلامتی کار ساده‌ای نیست. لذا شاخص‌های مختلفی برای ارزیابی سلامتی، مورد استفاده قرار می‌گیرد که توافق کلی در مورد اینکه کدامیک از آنها با اهمیت تر هستند وجود ندارد (صنم نو، ۱۳۹۴). از شاخص‌های سلامت برای ارزیابی و مقایسه وضعیت سلامت جوامع مختلف، کمک به برنامه ریزی خدمات بهداشتی و توسعه خدمات و نیروی انسانی، اثبات مؤثر بودن فعالیت‌ها و مستند کردن فعالیت‌های انجام شده استفاده می‌شود. شاخص‌های سلامت را در یک دسته بندی کلی می‌توان به دو دسته تقسیم بندی کرد:

۱-۵- شاخص‌های ملی سلامت: به منظور برنامه ریزی برای بهداشت و درمان در سطح ملی، ارزیابی عملکرد گذشته و مقایسه با وضع کنونی، ارزیابی اهداف برنامه‌های توسعه، مقایسه میان عملکرد واحد‌های مختلف و...، لازم است شاخص‌های مناسب در بخش‌های مختلف تهیه و گزارش شود. از سوی دیگر، مقایسه عملکرد کشور در بخش بهداشت و درمان با سایر کشورها، ضرورت پذیرش برخی شاخص‌های بین‌المللی و تولید اطلاعات آن‌ها را اجتناب ناپذیر نموده است. وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در سال‌های اخیر اقدام به انتشار فهرستی از شاخص‌های ملی سلامت به شرح ذیل نموده است.

جدول ۱. شاخص های ملی سلامت

A: شاخص های جمعیتی	H1: خدمات و مراقبت های تغذیه ای	N: منابع فیزیکی (تسهیلات بهداشتی و درمانی)	R: اجتماعی (مخاطرات اجتماعی سلامت)
A1: جمعیت	I1: منابع بهسازی شده (بهداشت محیط)	N1: مرکز آموزش عالی	S: سلامت سالمندان
A2: میزان های جمعیتی	I2: دسترسی به آب	N2: مراکز بهداشتی، درمانی، پایگاه ها و خانه های بهداشت	T: انتقال خون
B: میزان مرگ و میر	I3: منابع بهسازی شده	N3: مراکز مشاوره ای و توان بخشی	T1: اهدای خون
B1: مرگ و میر	I4: توالی بهداشتی	N4: بیمارستان	T2: کیفیت خون اهدایی
B2: توزیع علل مرگ و میر	I5: فاضلاب بهداشتی	N5: داروخانه	U: امور بازرگانی دارو و تجهیزات پزشکی
C: مدیریت خدمات بهداشتی	I6: اماکن بهسازی شده	N6: رادیولوژی، پرتونگاری، آزمایشگاه	U1: تولید
C1: مدیریت خدمات و مراقبت های بهداشتی	I7: دفع زباله و فضولات حیوانی	N7: امدادی و اورژانس	U2: واردات
C2: پوشش دسترسی به خدمات و مراقبت ها	I8: بهداشت حرفه ای	N8: واحدهای واگذار شده	U3: صادرات
C3: خدمات مشاوره ای و آموزشی	J1: نظارت و ارزیابی بر مراکز و کارگاه ها	O: منابع انسانی	V: تحقیقات در حوزه سلامت
D: تنظیم خانواده	J2: کارکنان کارگاه ها	O1: کادر پرستاری و مامایی و پیراپزشک	V1: تولید علم
D1: استفاده از روش های پیشگیری از بارداری ناخواسته	K: ابتلا به بیماری ها	O2: پزشک، دندان پزشک، داروساز، رادیولوژیست و متخصص علوم آزمایشگاهی	V2: منابع مالی و انسانی تحقیقات
E: مراقبت مادران	K1: بیماری های غیرواگیر	O3: کل نیروی انسانی	V3: منابع فیزیکی تحقیقات
E1: زایمان	K2: بیماری های واگیردار	P: منابع مالی (اقتصاد بهداشت، بیمه ها، هزینه ها)	W: آموزش در حوزه سلامت
E2: مراقبت بارداری	L: خدمات درمانی	P1: اعتبارات و هزینه ها	W1: دانشجویی
F: مراقبت کودکان	L1: مدیریت خدمات درمانی	P2: بیمه	W2: هیئت علمی
F1: تغذیه با شیر مادر	L2: اورژانس	P3: مدیریت منابع مالی	W3: برنامه های آموزشی
F2: قد و وزن کودکان	L3: شاخص های اقامت و تخت بیمارستانی	Q: شاخص های مرکب	
F3: خدمات و مراقبت های کودکان	M: غذا و دارو	Q1: شاخص توسعه ای انسانی و عدالت	
G: واکسیناسیون	M1: مصرف منطقی دارو	Q2: مدیریت و نظام سلامت	
G1: پوشش انواع واکسیناسیون	M2: کنترل کیفیت غذا و دارو	Q3: سلامت	H: تغذیه

منبع: وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی کشور، ۱۳۹۸.

۲-۵- شاخص های بین المللی سلامت: اهمیت سلامت و بهداشت منابع انسانی از یک سو و استقرار سلامت در اصول بنیادین توسعه از سوی دیگر، باعث شده بخش عمده ای از شاخص های توسعه ای که توسط برنامه ملل متحد برای توسعه کشورها (UNDP) و نیز بانک جهانی برای دستیابی به اهداف توسعه هزاره ملل معرفی شده اند در برگزیده شاخص های سلامتی و عدالت در سلامت و نابرابری های اجتماعی باشد. این شاخص ها عبارتند از:

a. رشد طبیعی جمعیت (NGR)

b. شاخص رشد جمعیت

- c. شاخص میزان خام تولد (CBR Crude Birth Rate)
- d. شاخص میزان مرگ (CDR)
- e. میزان مرگ کودکان کمتر از پنج سال
- f. میزان مرگ مادران به دلیل عوارض بارداری و زایمان
- g. میزان باروری کلی (TFR)
- h. شاخص امید به زندگی
- i. شاخص توسعه انسانی (HDI)
- j. شاخص سهم سلامت از GDP

۶- نیم‌نگاهی به شاخص‌های اسلامی بودن اقتصاد

اسلامی بودن اقتصاد یعنی اندازه هماهنگی کارکردها، رفتارها، نظامها، قوانین و مقررات و نتایج اقتصادی جامعه با چارچوب‌های اسلامی. نمونه‌ای از مولفه‌های اسلامی بودن یک اقتصاد را می‌توان به شرح زیر برشمرد (عزتی، ۱۳۹۴):

- اندازه درآمد ملی سرانه می‌تواند متغیری برای رشد و توان تولید اقتصادی جامعه باشد.
- اندازه تبعیض اقتصادی در توزیع بودجه دولت (میان مناطق جغرافیایی، قومی، مذهبی و زبانی)، اندازه تبعیض میان زن و مرد (تبعیض جنسیتی)، اندازه فقر و اندازه توسعه انسانی می‌توانند نشانه‌هایی برای عدالت باشند.
- همگانی شدن بیمه (با متغیرهای نسبت بیمه شدگان به کل جمعیت، درصد پوشش بیمه‌ای هزینه‌های درمانی و درصد پرداخت از جیب هزینه‌های سلامت) و استحکام خانواده (با متغیرهای درصد خانوارهای تک نفره و نرخ طلاق به ازدواج) می‌توانند متغیرهایی برای نشان دادن اندازه گسترش تامین اجتماعی باشند.
- شاخص کنترل فساد، شمار جرم‌های رخ داده اقتصادی در کشور، نرخ تورم، نرخ بیکاری و یا اندازه فساد مدیران و نیز فساد مردم در ادارات دولتی، متغیرهای نشان دهنده تباهی و فساد اقتصادی است که عکس آنها نشان دهنده سلامت اقتصادی جامعه می‌باشد.
- اندازه سازگاری قوانین و مقررات اقتصادی با چارچوب اقتصادی اسلامی با شاخص کیفیت مقررات، شاخص رعایت حقوق مالکیت (شاخص آزادی اقتصادی) و شاخص نقش قانون در کارکردهای اقتصاد می‌تواند نشان دهنده قانون‌گرایی و رعایت قوانین و مقررات حکومت اسلامی باشد.
- سهم قرض الحسنه از تولید ناخالص داخلی، سهم قرض الحسنه از وام‌های نهادهای مالی، به کارگیری بهره در داد و ستدها و دریافت و پرداخت‌های بانکی، کم‌فروشی و گران‌فروشی، رواج پرداخت خمس، زکات، وقف، صدقه و نذر، می‌توانند نشان دهنده اندازه عمل به آموزه‌های اقتصادی اسلامی (یا فرهنگ اقتصادی اسلامی) باشند.
- همچنین متغیرهای بودن و نبودن فساد اداری، پرداخت واجب‌های مالی دینی، رواج اخلاق واجب اسلامی در بازار و رواج پرداخت و دریافت ربا می‌تواند نشان دهنده رفتارهای اقتصادی اسلامی (یا ناسازگار با

آن) یا همان عمل به آموزه های اقتصادی اسلامی باشد.

- اسلامی بودن (یا سازگاری با اسلام) نظام مالیاتی، نظام پولی، بازار سرمایه، نظام تولید، نظام مصرف، بازار کار و قوانین و مقررات جامعه، می تواند نشان دهنده اسلامی بودن کل نظام اقتصادی باشد.

۷- بررسی وضعیت شاخص های سلامت در ایران با تاکید بر ملاحظات اسلامی

همانطور که در معیارهای اسلامی بودن یک اقتصاد اشاره شد، همگانی شدن بیمه (با متغیرهای نسبت بیمه شدگان به کل جمعیت، درصد پوشش بیمه ای هزینه های درمانی و درصد پرداخت از جیب هزینه های سلامت) می تواند یکی از ملاکها برای نشان دادن اندازه گسترش تامین اجتماعی و بالتبع اسلامی بودن یک اقتصاد باشند. این بدان دلیل است که بخش سلامت جایگاه خاصی در یک اقتصاد مبتنی بر آموزه های اسلامی دارد و ارزیابی شاخص های این بخش می تواند راهنمای خوبی برای نشان دادن بعدی از ابعاد اسلامی بودن یک اقتصاد باشد. بدیهی است در این رابطه می توان ملاک های دیگری را نیز مورد بررسی قرار داد که در دستور کار مطالعه حاضر نمی باشند. در ادامه ابتدا مرور مختصری بر بیمه های اجتماعی در ایران و جهان داشته و سپس چند شاخص از شاخص های سلامت که می توانند توضیحی برای اسلامی بودن یا نبودن اقتصاد ایران باشند را بررسی می کنیم.

۱-۷- الگوهای رایج بیمه های اجتماعی در جهان

بیمه اجتماعی عبارت است از برنامه بیمه دولتی که از مردم در برابر مخاطرات گوناگون اقتصادی مانند از دست دادن درآمد به دلیل بیماری، پیری و بیکاری حمایت کند و مشارکت در آن اجباری باشد (مریدی، ۱۳۸۷). بیمه اجتماعی طیف وسیعی از افراد جامعه را که غالباً افراد شاغل و خانواده آنان است، تحت پوشش قرار می دهد. هدف از این نوع بیمه حمایت از افراد جامعه در برابر مخاطرات طبیعی یا اجتماعی و اقتصادی است و به دلیل اثر گذاری آن بر سرنوشت کل جامعه و نیز اثر پذیری آن از شرایط و نوسانات جامعه، دولت نقش اصلی را در سیاست گذاری و نظارت و اجرای این بیمه به عهده دارد. با توجه به خصلت عمومی این کالا، کارکرد و هدف گذاری آن با نوع دیگر بیمه ها که فقط جنبه شخصی و خصوصی دارند متفاوت می باشد.

براساس تجربیات جهانی مدل های گوناگونی برای تأمین مالی و پرداخت مزایا در دنیا وجود دارد که در نهایت می توان این الگوها را در دو دسته اصلی تقسیم بندی نمود: اولین سیستم بیمه های اجتماعی در دنیا طی سالهای ۱۸۸۳ تا ۱۸۸۹ توسط بیسمارک صدر اعظم وقت آلمان ایجاد شد. این سیستم برای کارگران و خانواده های آنان شرایطی را فراهم می ساخت که در برابر بسیاری از حوادث اجتماعی تحت پوشش بیمه قرار گیرند و در صورت از کارافتادگی به ویژه در هنگام بازنشستگی، بیماری و تا حدودی در هنگام بیکاری از حمایت مالی برخوردار شوند. هزینه های این سیستم بیمه ای بین کارگر و کارفرما تقسیم می شود. دومین سیستمی که به ویژه پس از گزارش تأثیر گذار بوربچ در انگلستان (بعد از جنگ دوم جهانی)، زمینه را برای حرکت به سمت طرح های پیشرفته تأمین اجتماعی در برخی از کشورها فراهم نمود، به مدل بوربچ معروف است. در این مدل تأمین مالی و انجام خدمات درمانی، عمدتاً دولتی است. کشورهایی مانند انگلستان، ایتالیا،

پرتغال، نیوزلند، مصر، هند و دانمارک دارای چنین نظامی هستند. ایجاد انسجام بیشتر بین افراد، چه سالمند و چه جوان، چه شاغل و چه بیکار و چه افراد سالم و چه بیمار از ویژگی‌های این طرح است. براساس تجربیات جهانی و با توجه به مزایا و معایب هر یک از مدل‌های مذکور، استفاده از مدل‌های ترکیبی در بعضی از کشورها شکل گرفت که از جمله این کشورها می‌توان به سیستم تأمین اجتماعی استرالیا اشاره نمود. این سیستم ضمن توجه ویژه به شاغلین (کارگر و کارفرما) کشور و تأمین منابع مالی از طریق حق بیمه‌ها با تشکیل صندوق بیمه‌های فراگیر با استفاده از منابع دولتی (مالیات) و در چارچوب بیمه اجتماعی همگانی زمینه را برای حمایت از کلیه شهروندان را صرف نظر از میزان حق بیمه و یا سابقه اشتغال آنها فراهم کردند.

۲-۷- صندوق‌های بیمه اجتماعی ایران

طرح‌های بیمه‌های اجتماعی در ایران با توجه به افراد تحت حمایت آن‌ها، به سه دسته تقسیم می‌شود: ۱- صندوق تأمین اجتماعی، ۲- صندوق بازنشستگی کشور و ۳- صندوق‌های بازنشستگی مستقل که کارکنان شاغل در مؤسسات تابعه خود (شرکت بیمه ایران، شرکت ملی نفت ایران، شرکت مخابرات، وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح، بانک مرکزی و سازمان جنگلها و مراتع) را تحت حمایت قرار می‌دهند (اعتضاد پور و رجبی راد، ۱۳۸۱). به طور کلی دو صندوق دولتی (صندوق بازنشستگی کشوری و تأمین اجتماعی نیروهای مسلح) و یک صندوق غیر دولتی (صندوق تأمین اجتماعی) بخش عمده جمعیت را تحت پوشش دارند که از میان آنها صندوق تأمین اجتماعی به عنوان بزرگترین نهاد بیمه‌ای کشور بیشترین سهم از جمعیت کشور را هم به لحاظ کمی و هم به لحاظ تنوع شغلی همراه با خدمات متنوع تحت پوشش خود قرار داده است. در ادامه با استفاده از شاخص‌های موجود در این حوزه به ارزیابی وضعیت کشور پرداخته می‌شود.

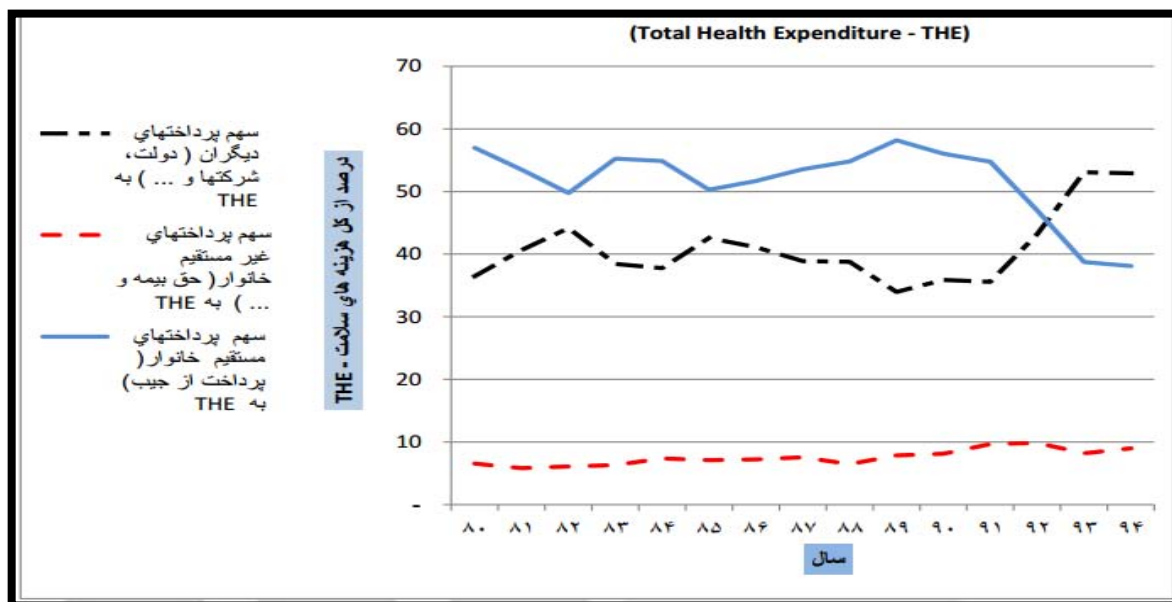
۳-۷- شاخص‌ها

الف: سهم پرداخت از جیب خانوار از هزینه‌های سلامت

پرداخت‌های مستقیم از جیب، مقدار هزینه‌های پزشکی را نشان می‌دهد که خانوار مستقیماً در زمان استفاده از خدمات متقبل می‌شوند و شامل پرداخت‌های از محل بیمه‌های تکمیلی و اجتماعی نمی‌شود. هرچه سهم پرداخت از جیب خانوارها کمتر باشد احتمال مواجه شدن خانوار با هزینه‌های ناگهانی بهداشت و درمان و هزینه‌های کمرشکن و فقرزای درمان کمتر می‌شود. بر اساس اطلاعات بانک جهانی میانگین جهانی سهم پرداخت از جیب خانوارها از کل هزینه‌های سلامت در سال‌های ۲۰۱۲، ۲۰۱۳ و ۲۰۱۴ به ترتیب برابر ۱۸،۰۵، ۱۸،۳۶ و ۱۸،۱۵ درصد می‌باشد. حال آن‌که میانگین سهم پرداخت‌های مستقیم از جیب خانوار به کل هزینه‌های سلامت در ایران طی سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۲ برابر ۵۳،۵۹ است و از ۵۶،۹۷ درصد در سال ۱۳۸۰ به ۴۶،۹۸ درصد در سال ۱۳۹۲ رسیده است. بر اساس آمار گزارش شده در حساب‌های ملی سلامت (۱۳۹۵) سهم پرداخت از جیب خانوارها از ۵۶،۹۷ درصد در سال ۱۳۸۰، پس از فراز و نشیب‌های بسیار در سال ۱۳۹۵ به ۳۵،۶۶ درصد رسیده است یعنی طی ۱۶ سال سهم پرداخت از جیب خانوار معادل ۲۱،۳۱ درصد کاهش یافته است، در مقابل، سهم پرداخت‌های دیگران یعنی دولت و شرکت‌ها ۱۸،۵۴ درصد و سهم

پرداخت‌های غیر مستقیم خانوار ۲,۷۸ درصد افزایش یافته است.

نمودار ۱. سهم منابع تأمین مالی سلامت در کل هزینه‌های سلامت ۹۴-۱۳۸۰



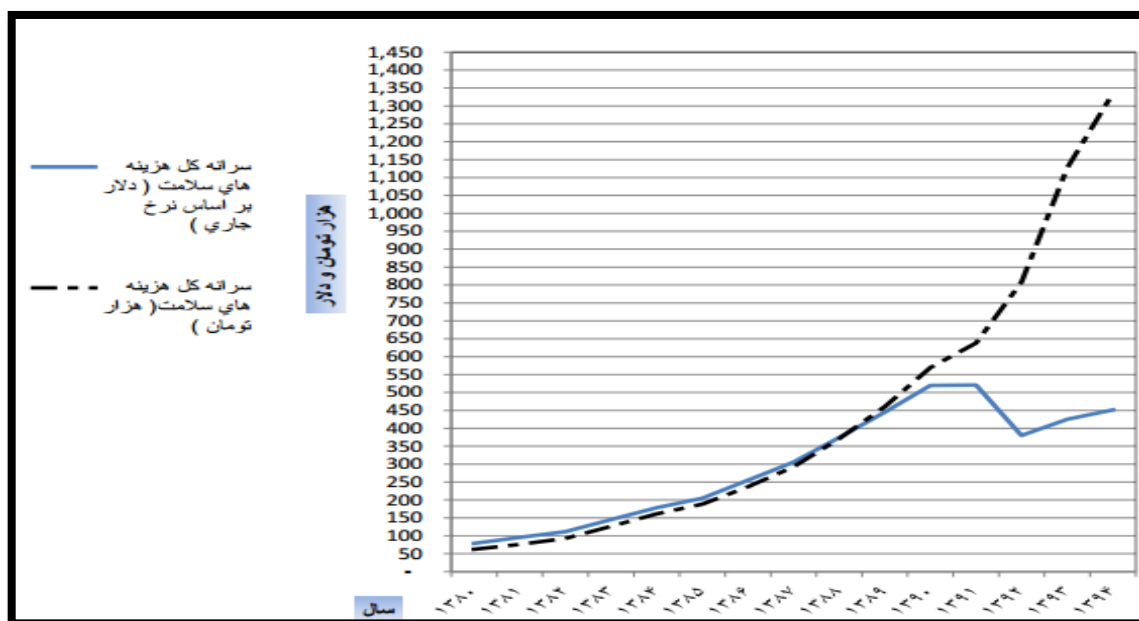
منبع: گزارش حساب‌های ملی سلامت، ۱۳۹۴ (این گزارش آخرین گزارش منتشر شده از سوی مرکز آمار است و گزارش حساب‌های ملی سلامت برای سال‌های ۹۴ و ۹۵ در دست اجراست).

در ایران در سال ۱۳۹۵، ۳,۷ درصد از جمعیت زیر خط فقر قرار داشته‌اند که از این تعداد ۱,۴ درصد پرداخت مستقیم از جیب برای دریافت خدمات سلامت داشته‌اند. در این سال شش دهم درصد از جمعیت غیر فقیر به علت هزینه‌های سلامت فقیر، و هزینه‌های روزانه‌ی آنها زیر خط فقر قرار گرفته است. بطور کلی هزینه‌های سلامت باعث شده است ۲,۰۱ درصد از جمعیت کشور به علت پرداخت مستقیم از جیب برای اولین بار فقیر شوند و یا قبلاً فقیر بوده‌اند و هم اکنون با این پرداخت‌ها فقیر تر شوند. در ارتباط با درصد جمعیت فقیر و شاخص هزینه‌های فقر زای سلامت به تفکیک جمعیت شهری و روستایی در ایران می‌توان گفت: در سال ۱۳۹۵ هزینه‌های روزانه زندگی برای بیش از ده درصد از جمعیت‌های روستایی زیر خط فقر بوده است که حدود ۳,۷۹ درصد از آن‌ها پرداخت مستقیم از جیب نیز داشته‌اند که این پرداخت‌ها می‌تواند باعث فقیر تر شدن آنها شده باشد. بر اساس این نتایج پرداخت‌های مستقیم از جیب به ترتیب برای ۰,۳۳ و ۱,۳۶ درصد از جمعیت‌های غیر فقیر شهری و روستایی فقر زا بوده‌اند. به طور کلی هزینه‌های سلامت بر جمعیت روستایی نسبت به جمعیت شهری اثر منفی بیشتری در سال ۱۳۹۵ داشته است به طوری که ۵,۱۵ درصد از جمعیت‌های غیر فقیر روستایی به علت پرداخت‌های مستقیم از جیب یا فقیر شده‌اند و یا قبلاً فقیر بوده‌اند و هم اکنون فقیر تر شده‌اند. این در حالی است که این عدد برای جمعیت شهری ۰,۸۵ درصد بوده است. (حساب‌های ملی سلامت، ۱۳۹۴)

نمودار مقایسه‌ای دیگری که می‌تواند تصویر واقعی تری از سیمای سلامت در کشور را نشان دهد، سرانه

هزینه سلامت در کشور بر اساس واحد پولی جاری کشور و دلار است، با علم به اینکه تبدیل ارقام ریالی به دلار لزوماً بیانگر ارقام واقعی سلامت نیست چرا که دلار خود نیز در معرض نوسان ارزش است ولی از آنجا که نوسان ارزش دلار بسیار کمتر از ارزش ریال است بخصوص طی سالهای مورد نظر، از این تبدیل ارزش برای نمایش بهتر واقعیت‌ها استفاده و در نمودار زیر ترسیم شده است. قابل ذکر است برای نمایش روشن‌تر نمودار، ارقام ریالی به هزار تومان تبدیل شده است. (حساب‌های ملی سلامت، ۱۳۹۴)

نمودار ۲. سرانه هزینه سلامت طی سالهای ۹۴-۱۳۸۰ (بانرخ هزار تومان و دلار)



منبع: گزارش حساب‌های ملی سلامت، ۱۳۹۴ (این گزارش آخرین گزارش منتشر شده از سوی مرکز آمار است و گزارش حساب‌های ملی سلامت برای سال‌های ۹۴ و ۹۵ در دست اجراست).

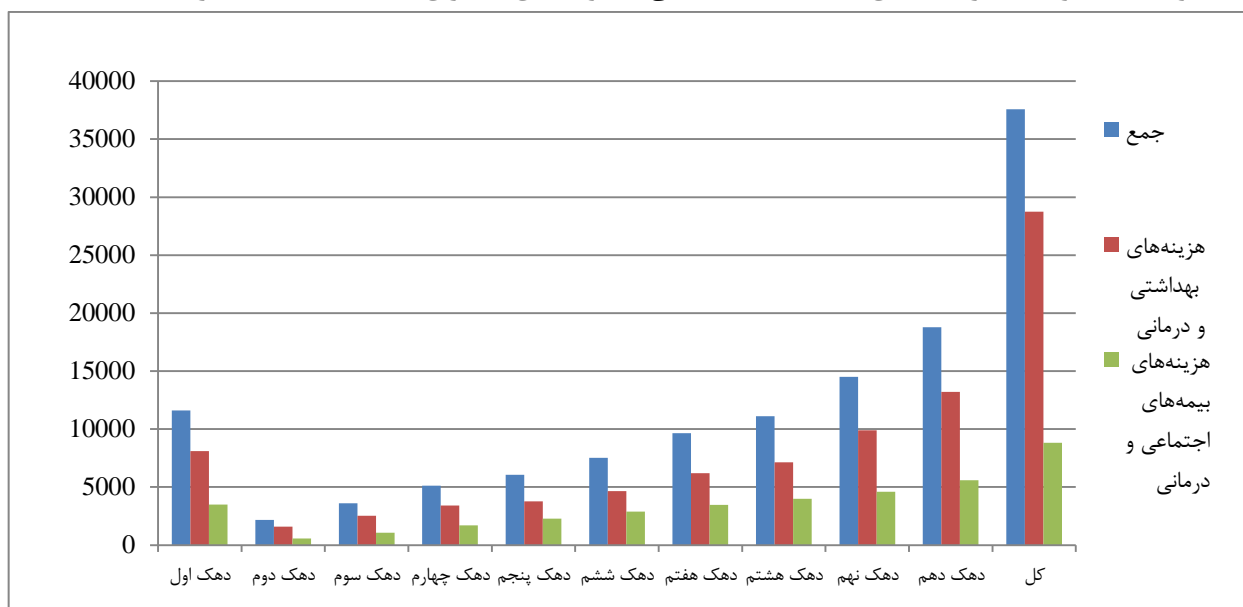
سرانه کل هزینه سلامت در کشور از ۶۲ هزار تومان، معادل ۷۹ دلار در سال ۱۳۸۰ به ۱۳۳۵ هزار تومان، معادل ۴۵۱ دلار در سال ۱۳۹۴ رسیده است، تورم بالا و کاهش ارزش پول کشور که از سال ۱۳۸۹ شروع شده است، طی سال‌های ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲ منجر به ایجاد فاصله بسیار و حتی جهت متفاوت بین سرانه هزینه سلامت بر حسب پول جاری و دلار شده است، لیکن از سال ۱۳۹۳ به دلیل کاهش کند ارزش ریال و همچنین افزایش هزینه‌های سلامت، هر دو نمودار جهت افزایشی را نشان می‌دهند (حساب‌های ملی سلامت، ۱۳۹۴).

ب. بررسی وضعیت بیمه‌های اجتماعی در ایران

تا پایان سال ۱۳۹۷، ۳۲ شرکت بیمه در ایران فعالیت نموده‌اند، که شامل شرکت بیمه دولتی ایران، ۲۳ شرکت بیمه غیردولتی، ۶ شرکت بیمه در مناطق آزاد ویژه اقتصادی و ۲ شرکت بیمه در زمینه‌ی عملیات اتکایی هستند. بیمه‌تأمین اجتماعی بزرگ‌ترین سازمان بیمه‌ای و یکی از انواع بیمه‌های درمانی در ایران است. بر اساس آمار منتشر شده تعداد نیروی کار بیمه شده تحت پوشش سازمان تأمین اجتماعی تا پایان سال ۹۵ معادل ۱۳ میلیون و ۷۷۹ هزار و ۶۲۰ نفر بوده که این رقم در سال ۹۴ معادل ۱۳ میلیون و ۷۱۱ هزار و ۷۲۶ نفر بوده است. در ادامه ابتدا نگاهی بر متوسط هزینه‌های بهداشت و درمان خانوارهای شهری و روستایی

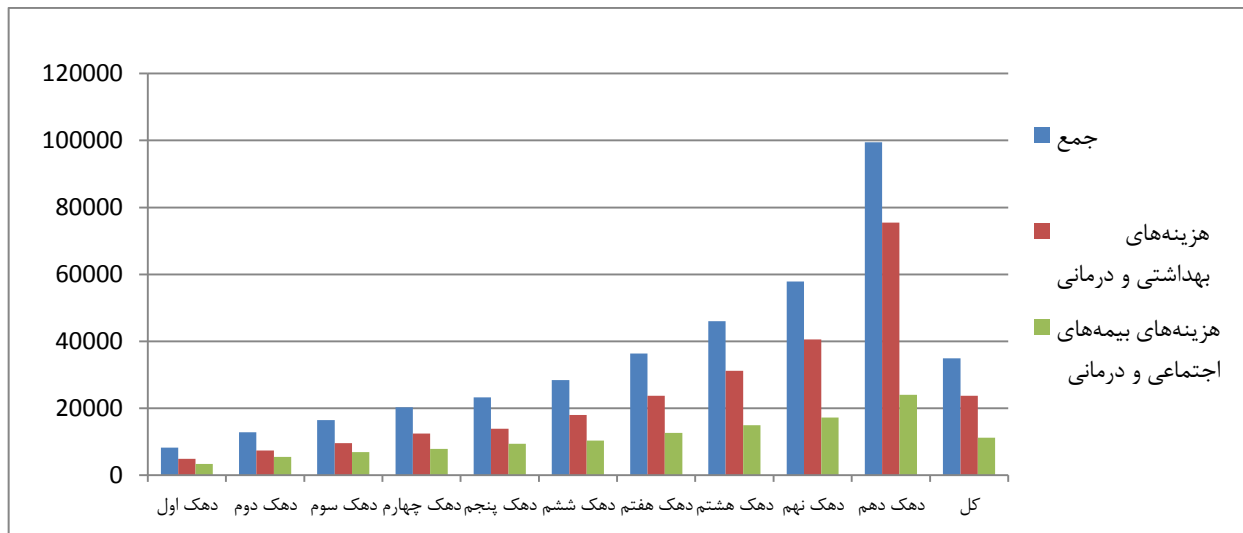
در سال های ۹۱ و ۹۶ خواهیم داشت و سپس آمار بیمه شدگان سازمان تامین اجتماعی و سازمان بیمه سلامت ایران در قالب نمودار ارائه و تحلیل می شود.

نمودار ۳. متوسط هزینه های بهداشت و درمان خانوارهای شهری در سال ۱۳۹۱ (هزار ریال)



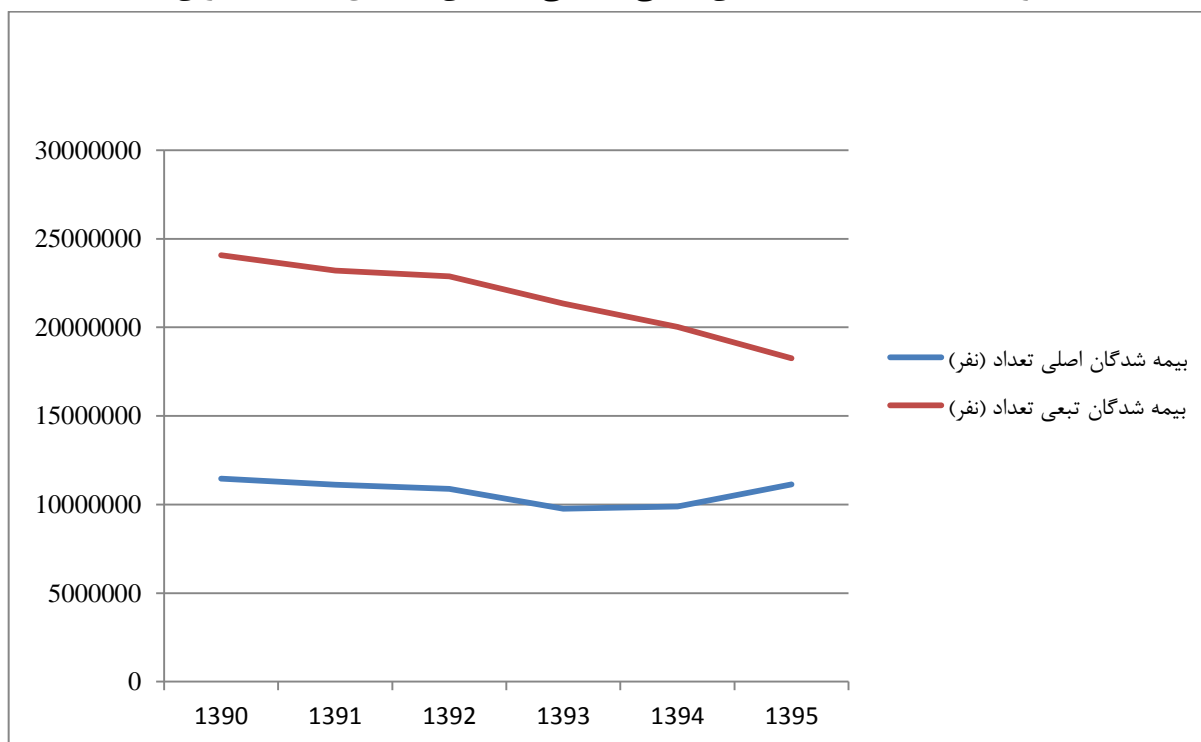
همانطور که نمودار (۳) نشان می دهد متوسط هزینه های درمانی خانوارهای شهری در سال ۱۳۹۵ در دهک دهم از سایر دهک ها بیشتر بوده است، از دهک دوم تا دهک دهم نیز شاهد افزایش هزینه های بهداشتی و درمانی و هزینه ی بیمه ها (اجتماعی و درمانی) هستیم. سهم هزینه های بهداشتی و درمانی در تمامی دهک های درآمدی از هزینه بیمه های اجتماعی و درمانی بیشتر بوده است. نکته جالب توجه در نمودار فوق پیشی گرفتن سهم هزینه های درمانی دهک اول از دهک های دوم تا هفتم است که همچنان در این دهک نیز سهم هزینه های بیمه از هزینه های بهداشتی و درمانی کمتر بوده است. شاید بتوان فشار افزایش هزینه های سلامت در این دهک که منجر به شکل گیری الگوی فوق شده است را دلیلی بر شکل گیری هزینه های کمر شکن برای این گروه دانست.

نمودار ۴. متوسط هزینه‌های بهداشت و درمان سالانه خانوارهای شهری در سال ۱۳۹۶ (هزار ریال)



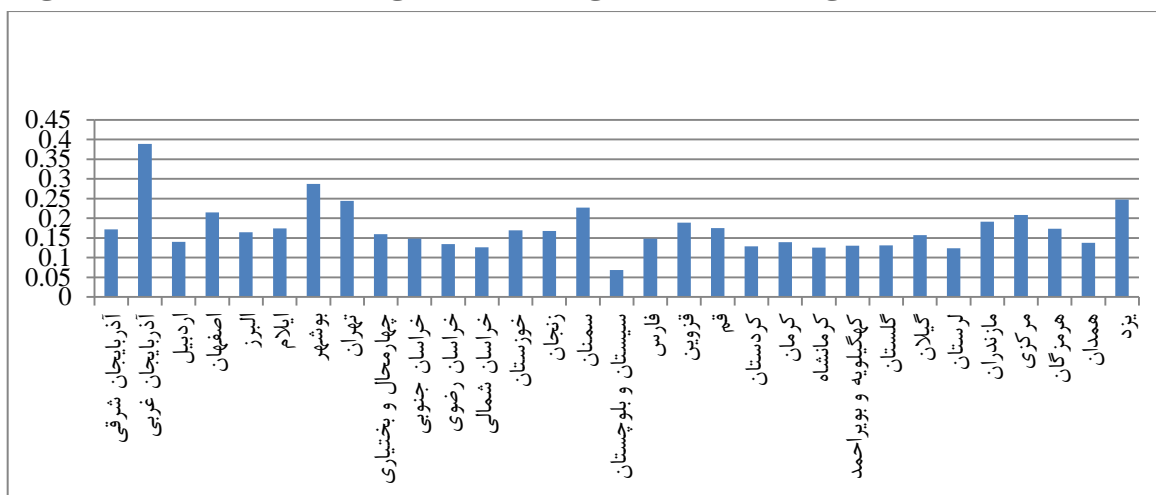
در سال ۱۳۹۶، دهک اول با کاهش چشم‌گیر هزینه‌های سلامت به پایین‌ترین میزان هزینه‌ی بهداشت و درمان در میان سایر دهک‌ها رسیده است. بنظر می‌رسد اجرای طرح تحول سلامت که از اردیبهشت ۱۳۹۳ آغاز شد توانسته است بخش قابل توجهی از هزینه‌های درمانی این دهک را کاهش دهد. کل هزینه‌های بهداشت و درمان در سال ۱۳۹۶ نیز نسبت به سال ۱۳۹۱ کاهش داشته است. بهتر شدن وضعیت دهک‌های پایین درآمدی خصوصاً دهک اول و نیز کاهش کلی هزینه‌های درمان در سال ۱۳۹۶ می‌تواند نشان‌دهنده‌ی دسترسی بهتر دهک‌های مختلف درآمدی به بهداشت و درمان بوده باشد.

نمودار ۵. تعداد بیمه‌شدگان اصلی و تبعی سازمان بیمه‌ی سلامت ایران



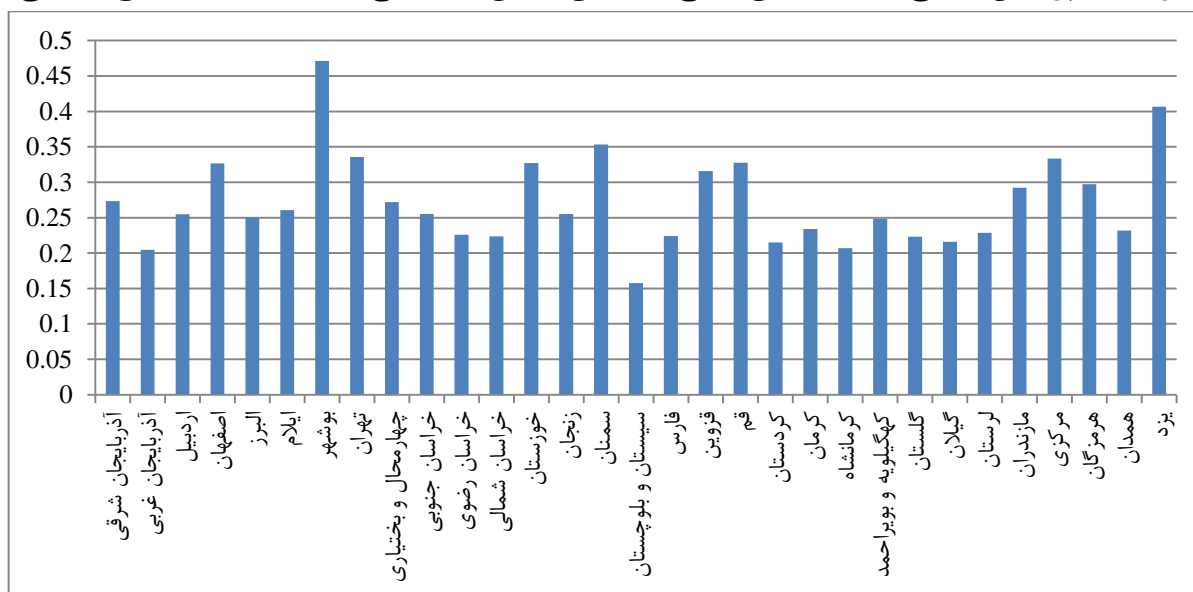
نمودار (۵) تعداد بیمه شدگان اصلی و تبعی سازمان بیمه ی سلامت ایران را از سال ۱۳۹۰ تا سال ۱۳۹۵ نشان می دهد. تعداد بیمه شدگان اصلی در انتهای دوره ی مذکور روند افزایشی و تعداد بیمه شدگان تبعی در این بازه روند نزولی داشته است.

نمودار ۶. پوشش نسبی بیمه شدگان اصلی تامین اجتماعی سال ۱۳۹۵ در سطح استانی



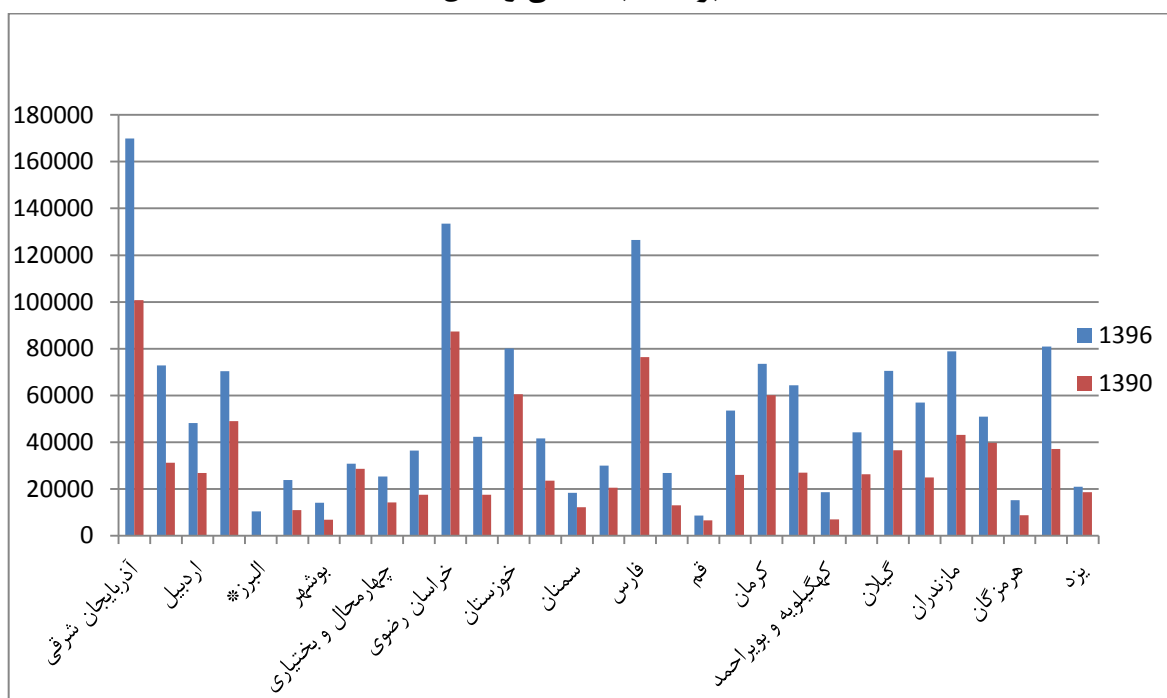
نمودار (۶) پوشش نسبی بیمه شدگان اصلی تامین اجتماعی را در سال ۱۳۹۵ بصورت استانی نشان می دهد. منظور از پوشش نسبی اعمال اثر جمعیت هر استان بر میزان پوشش بیمه ای گزارش شده است. دلیل انتخاب سال ۹۵ برای تحلیل، دسترسی به آخرین آمار موجود در پایگاه های اطلاعاتی بوده است. استان آذربایجان غربی بالاترین پوشش نسبی بیمه شده اصلی و سیستان و بلوچستان پایین ترین سهم را به خود اختصاص داده است.

نمودار ۷. پوشش نسبی بیمه شدگان تبعی سازمان تامین اجتماعی سال ۱۳۹۵ در سطح استانی



پوشش نسبی بیمه شدگان تبعی سازمان تامین اجتماعی نیز در نمودار ۷ گزارش شده است که استان بوشهر بالاترین میزان و مجدداً استان سیستان و بلوچستان کم‌ترین سهم را به خود اختصاص داده است. این دو نمودار نشان می‌دهد استان سیستان و بلوچستان که از استان‌های محروم ایران است به لحاظ پوشش بیمه‌ای وضعیت نامناسبی دارد. لازم بذکر است شهرهای با جمعیت بالای سه میلیون نفر در ایران در رده‌های میانی پوشش بیمه‌ای قرار دارند.

نمودار ۸. تعداد بیمه شدگان صندوق بیمه اجتماعی کشاورزان، روستاییان و عشایر در سال ۱۳۹۶ بر حسب استان و سال



منبع: مرکز آمار و اطلاعات راهبردی، وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی.

با توجه به آن که آمار تفکیک شده‌ای از جمعیت کشاورزان، روستاییان و عشایر به تفکیک استان در دسترس نیست، در نمودار (۸) به جای ارقام نسبی از ارقام مطلق گزارش شده جهت تحلیل استفاده شده است. استان‌های آذربایجان شرقی، خراسان رضوی و فارس بیشترین تعداد بیمه شدگان در این گروه را داشته‌اند. استان‌های البرز، بوشهر، هرمزگان و قم نیز تعداد بیمه شدگان کمی در این گروه دارند. لازم بذکر است برخی استان‌های کشور با وجود داشتن جمعیت قابل توجهی از کشاورزان، روستاییان و عشایر، پوشش بیمه‌ای قابل توجهی برای این اقشار ندارند که این مهم می‌تواند به دلیل فقر فرهنگی و اقتصادی و عدم توجه به این اقشار آسیب‌پذیر باشد. به جهت برقراری عدالت اجتماعی در میان این اقشار که عموماً افراد با دهک‌های پایین درآمدی را نیز تشکیل می‌دهند، توجه بیشتر به دلایل و راه‌کارها امری ضروری بنظر می‌رسد.

ج: سلامت روان

سلامت روان یا بهداشت روانی زمینه ای تخصصی در حوزه‌ی روان پزشکی و روان شناسی است و هدف آن ایجاد سلامت روان بوسیله‌ی پیشگیری از ابتلا به بیماری های روانی، کنترل عوامل موثر در بیماری های روانی، تشخیص زودرس بیماری های روانی، پیشگیری از عوارض ناشی از برگشت بیماری های روانی و ایجاد محیط سال برای برقراری روابط صحیح انسانی است. بیماری های روانی تحت تاثیر ژنتیک، سابقه خانوادگی، حوزه جغرافیایی، وضعیت اقتصادی و بسیاری موارد دیگر بروز می کنند. طبق تحقیقات، بخش زیادی از مردم جامعه دست کم یک بار در زندگی خود با یکی از انواع اختلالات روانی مواجه می شوند

معیار سلامت روانی در مکتب اسلام، تحت عنوان رشد بکار رفته است. اصطلاح رشد به معنای قائم به خود بودن، هدایت، نجات، صلاح و کمال آمده است. دستیابی به پایین ترین حد رشد، مجوزی برای انجام کارهای مستقل، انجام معاملات و دخالت در دارایی دانسته شده و در این مورد معنای قائم به خود بودن و توانایی داشتن زندگی مستقل، بیشتر مورد توجه است (شاکری نیا، ۱۳۷۹). دستیابی به بیشترین حد رشد که مترادف با تکامل بکار می رود، در حقیقت، فلسفه‌ی زندگی از دیدگاه اسلام است. بر اساس آیات قرآن^۱ نتیجه‌ی ایمان به خدا و اجابت دعوت او رشد و تکامل است و در حقیقت هدف از دعوت پیامبران الهی و پذیرش آن توسط مردم، دستیابی به تکامل روانی است. در حقیقت وقتی جهان بینی و فلسفه‌ی زندگی از دیدگاه مکتب اسلام در حرکت تکاملی خلاصه شود، انسانی که در این راه حرکت می کند از معیار آرمانی سلامت فکر برخوردار و به همان اندازه ای که از این مسیر فاصله داشته باشد از سلامت روانی دور خواهد بود (شاکری نیا، ۱۳۷۹).

در ایران پیمایش سلامت روان هر هفت سال یک بار انجام می شود و به همین دلیل آخرین آمارهای رسمی کشور در این حوزه به سال ۱۳۹۰ برمی گردد. در این پیمایش افراد ۱۵ تا ۶۴ سال که ۵۰ میلیون نفر از جمعیت کشور را تشکیل می دادند، مورد بررسی قرار گرفته اند که طبق نتیجه، ۲۳٫۶ درصد مردم دست کم از یک اختلال روانپزشکی رنج می برند و نیازمند مداخلات دارویی و غیردارویی هستند. در نتیجه، بر اساس این آمار، ۱۲ و نیم میلیون نفر از جمعیت ایران نیازمند مراجعه به پزشک هستند. عددی که اگر با آمار کشورهای اروپایی و آمریکایی مقایسه شود، چندان بالا نیست، اما به هر حال رقم قابل توجهی محسوب می شود.

بر اساس ارقام گزارش شده از این پیمایش اختلال افسردگی با ۱۲٫۷ درصد و اختلالات اضطرابی با ۱۵٫۶ درصد، شایع ترین اختلالات روانی در کشور قلمداد می شوند. در مقابل، اختلالات سایکوتیک و خلقی تنها سهم حدود ۲ درصدی دارند. همچنین زنان به واسطه مراجعه بیشتر به مراکز درمانی و همچنین تحمل فشار خانوادگی و اجتماعی سهم بیشتری از این اختلالات می برند. بر همین اساس، اختلالات اضطرابی برای زنان ۱۹٫۴ و برای مردان ۱۲ درصد عنوان شده است. مجموعه اختلالات خلقی هم آمار ۱۷٫۳ برای زنان و ۱۱٫۹ برای مردان را نشان می دهد. (گزارش موسسه‌ی ملی تحقیقات سلامت، ۱۳۹۸).

لازم بذکر است سهم برخی مناطق کشور در درگیری با اختلالات روانی بیشتر است. از یک طرف زندگی در شهرهای بزرگ به واسطه ترافیک، آلودگی صوتی و آلودگی هوا، استرس بیشتر و... بستر بروز اختلالات

روانی را تشدید می‌کند. از طرف دیگر مناطق محروم به واسطه دور ماندن از مرکز امکانات به شکل دیگری درگیر این اختلالات می‌شوند. اما در مجموع مناطق شمال غرب، جنوب شرق و جنوب کشور دارای میزان بالاتری از اختلالات روانی هستند.

۷. تحلیل و آسیب شناسی وضع موجود

یکی از مهمترین پارامترهای مؤثر بر عملکرد نیروی انسانی، بهداشت و سلامت فردی است. برخورداری از یک زندگی سالم، مولد و با کیفیت همراه با طول عمر قابل قبول و بدون بیماری و ناتوانی، حق همگانی است که در مکتب اسلام، اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر (ماده‌ی بیست و پنجم) و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (اصول ۳، ۲۹، ۴۳) مورد تأکید قرار گرفته است و یکی از پیش شرط‌های تحقق توسعه‌ی پایدار به شمار می‌رود. اهمیت موضوع سلامت باعث شده است که در سند چشم‌انداز بیست ساله ایران بعنوان یک کشور اسلامی نیز، بر ابعاد مختلف اقتصادی و اجتماعی که منجر به سلامت می‌شوند تأکید و همچنین به صورت مستقیم به مقوله سلامت در این سند مهم راهبردی اشاره شود. این پژوهش نیز با اتکا به شواهد و دلایل ذکر شده که حاکی از ارتباط میان سلامت و آموزه‌های اسلامی است، درصدد بررسی تعدادی از شاخص‌های سلامت در راستای همسویی یا عدم همسویی آنها با اهداف و آموزه‌های اسلامی بوده است. از این رو بر اساس آخرین آمارهای منتشر در پایگاه‌های اطلاعاتی داخلی به تجزیه و تحلیل شاخص‌های پرداخت از جیب، پوشش بیمه‌های اجتماعی و سلامت روان در ایران پرداخته شد. می‌توان نتایج حاصله را بشرح زیر خلاصه نمود:

✓ سهم پرداخت از جیب خانوارها از ۵۶،۹۷ درصد در سال ۱۳۸۰، پس از فراز و نشیب‌های بسیار در سال ۱۳۹۵ به ۳۵،۶۶ درصد رسیده است. یعنی طی ۱۶ سال سهم پرداخت از جیب خانوار معادل ۲۱،۳۱ درصد کاهش یافته است (که البته هنوز فاصله‌ی معناداری تا میانگین جهانی سهم پرداخت از جیب دارد) در مقابل، سهم پرداخت‌های دیگران یعنی دولت و شرکت‌ها ۱۸،۵۴ درصد و سهم پرداخت‌های غیر مستقیم خانوار ۲،۷۸ درصد افزایش یافته است.

✓ در سال ۱۳۹۵، ۳،۷ درصد از جمعیت زیر خط فقر قرار داشته‌اند که از این تعداد ۱،۴ درصد پرداخت مستقیم از جیب برای دریافت خدمات سلامت داشته‌اند. در این سال ۰،۶ درصد از جمعیت غیر فقیر به علت هزینه‌های سلامت فقیر، و هزینه‌های روزانه‌ی آنها زیر خط فقر قرار گرفته است. بطور کلی هزینه‌های سلامت باعث شده است ۲،۰۱ درصد از جمعیت کشور به علت پرداخت مستقیم از جیب برای اولین بار فقیر شوند و یا قبلاً فقیر بوده‌اند و هم‌اکنون با این پرداخت‌ها فقیرتر شوند.

✓ در سال ۱۳۹۵ هزینه‌های روزانه‌ی زندگی برای بیش از ده درصد از جمعیت‌های روستایی زیر خط فقر بوده است که حدود ۳،۷۹ درصد از آنها پرداخت مستقیم از جیب نیز داشته‌اند که این پرداخت‌ها می‌تواند باعث فقیرتر شدن آنها شده باشد. بر اساس این نتایج پرداخت‌های مستقیم از جیب به ترتیب برای ۰،۳۳ و ۱،۳۶ درصد از جمعیت‌های غیر فقیر شهری و روستایی فقرزا بوده‌اند. به طور کلی هزینه‌های سلامت بر جمعیت روستایی نسبت به جمعیت شهری اثر منفی بیشتری در سال ۱۳۹۵ داشته است به طوری که ۵،۱۵

درصد از جمعیت های غیر فقیر روستایی بعثت پرداخت های مستقیم از جیب یا فقیر شده اند و یا قبلا فقیر بوده اند و هم اکنون فقیر تر شده اند. این در حالی است که این عدد برای جمعیت شهری ۰,۸۵ درصد بوده است.

✓ متوسط هزینه های درمانی خانوارهای شهری در سال ۱۳۹۵ در دهک دهم از سایر دهک ها بیشتر بوده است، از دهک دوم تا دهک دهم نیز شاهد افزایش هزینه های بهداشتی و درمانی و هزینه ی بیمه ها (اجتماعی و درمانی) هستیم. سهم هزینه های بهداشتی و درمانی در تمامی دهک های درآمدی از هزینه بیمه های اجتماعی و درمانی بیشتر بوده است. در سال ۱۳۹۶، دهک اول با کاهش چشم گیر هزینه های سلامت به پایین ترین میزان هزینه ی بهداشت و درمان در میان سایر دهک ها رسیده است. بنظر می رسد اجرای طرح تحول سلامت که از اردیبهشت ۱۳۹۳ آغاز شد توانسته است بخش قابل توجه ای از هزینه های درمانی این دهک را کاهش دهد. کل هزینه های بهداشت و درمان در سال ۱۳۹۶ نیز نسبت به سال ۱۳۹۱ کاهش داشته است.

✓ آمار پوشش نسبی بیمه شدگان اصلی نشان می دهد استان آذربایجان غربی بالاترین و استان سیستان و بلوچستان پایین ترین سهم را به خود اختصاص داده اند. پوشش نسبی بیمه شدگان تبعی نیز نشان داده است استان بوشهر بالاترین و مجددا استان سیستان و بلوچستان کم ترین سهم را به خود اختصاص داده اند. شهرهای با جمعیت بالای سه میلیون نفر در ایران در رده های میانی پوشش های بیمه ای اصلی و تبعی قرار دارند.

✓ استان های آذربایجان شرقی، خراسان رضوی و فارس بیشترین تعداد بیمه شدگان کشاورز، روستایی و عشایر را به خود اختصاص داده اند. استان های البرز، بوشهر، هرمزگان و قم نیز تعداد بیمه شدگان کمی در این گروه دارند.

✓ اطلاعات آخرین پیمایش سلامت روان در ایران که در سال ۱۳۹۰ انجام شده است نشان داده است ۲۳,۶ درصد از مردم دست کم از یک اختلال روانپزشکی رنج می برند و نیازمند مداخلات دارویی و غیردارویی هستند. از این رو ۱۲ و نیم میلیون نفر از جمعیت ایران نیازمند مراجعه به پزشک هستند. عددی که اگر با آمار کشورهای اروپایی و آمریکایی مقایسه شود، چندان بالا نیست، اما به هر حال رقم قابل توجهی محسوب می شود. بر اساس نتایج بدست آمده، اختلال افسردگی با ۱۲,۷ درصد و اختلالات اضطرابی با ۱۵,۶ درصد، شایع ترین اختلالات روانی در کشور قلمداد می شوند. در مقابل، اختلالات سایکوتیک و خلقی تنها سهم حدود ۲ درصدی دارند. بر همین اساس، اختلالات اضطرابی برای زنان ۱۹,۴ و برای مردان ۱۲ درصد عنوان شده است. مجموعه اختلالات خلقی هم آمار ۱۷,۳ برای زنان و ۱۱,۹ برای مردان را نشان می دهد.

طبق آخرین آمار از سرشماری سال ۱۳۹۵ (که بر اساس خود اظهاری مردم به ثبت رسیده است) حدود ۱۰,۲ درصد از جمعیت کشور از پوشش بیمه سلامت برخوردار نیستند. این در حالی است که با اجرای طرح تحول سلامت در سال ۱۳۹۳ دولت کلیه ی افرادی که فاقد هرگونه بیمه پایه ی سلامت بودند را از طریق سازمان بیمه سلامت ایران و به صورت رایگان تحت پوشش بیمه پایه ی سلامت قرار داده است. افراد فاقد پوشش بیمه ی سلامت نیز عمدتا افرادی از دهک های پایین درآمدی هستند که نیازمند حمایت مالی از

سوی دولت می‌باشند. البته باید توجه داشت که دستیابی به پوشش همگانی بیمه به دلایلی از جمله محدودیت منابع کار دشواری است.

۹- نتیجه‌گیری

همانگونه که مطرح گردید چنانچه ارزیابی عملکرد اقتصاد ایران در حوزه سلامت از منظر اسلامی مد نظر باشد مراتب از ابعاد مختلفی قابل بررسی است. در مقاله حاضر بصورت نمونه، موضوع با تأکید بر هزینه‌های پرداختی توسط ایرانیان و نیز پوشش‌های بیمه‌ای در دستور کار قرار گرفت و بدین منظور تصویری از حوزه سلامت از منظر اقتصادی در قالب چند شاخص معین ارائه گردید. اجمالا اینکه مشاهده گردید هر چند در برخی شاخص‌ها همچون پرداخت از جیب طی سالیان اخیر بهبود قابل توجهی در کشور ایجاد شده است. اما کماکان وضعیت هزینه‌های وارده بر مردم در حوزه سلامت نامناسب است. بویژه در مناطق روستایی که این شرایط نامطلوب بیشتر احساس می‌شود.

از سوی دیگر مشاهده گردید از منظر پوشش بیمه شکاف قابل توجهی میان استانهای کشور وجود دارد که نوعی تبعیض در این حوزه محسوب می‌شود که در این رابطه می‌توان به شرایط نامناسب استان سیستان و بلوچستان اشاره نمود. در پایان به اقدامات مثبت حاکمیت در گسترش بیمه پایه و بویژه اجرای طرح تحول سلامت اشاره گردید که تاثیر قابل توجه و معنی داری بر کاهش هزینه‌های بهداشت و درمان مردم در کل کشور و بویژه بر وضعیت دهک اول درآمدی داشته است. دو طرح فوق (گسترش بیمه پایه و طرح تحول سلامت) هر چند از حیث نتیجه و خروجی‌ها باعث بهبود شاخص‌های حوزه سلامت شده‌اند. اما واقعیت آن است که از آنجا که این قبیل اقدامات صرفا به پشتوانه اعتبارات دولتی در دستور کار قرار گرفته و منابع مالی پایدار و قابل اعتماد در یک افق میان و بلند مدت برای آنها در نظر گرفته نشده است نمی‌توان آنها را چندان قرین توفیق (از منظر برنامه ریزی و سیاستگذاری) دانست. چرا که اساسا ادامه موفقیت آمیز آنها نیز در هاله‌ای از ابهام قرار دارد.

در مجموع می‌توان اینگونه مطرح نمود که هر چند در دهه‌های اخیر اقدامات مثبتی در حوزه سلامت کشور انجام شده و موفقیت‌های نسبی هم بدست آمده اما وضعیت حاکم بر بخش سلامت کشور (از منظر بار هزینه‌ای وارده بر مردم، بویژه در مناطق روستایی و نیز توزیع نامناسب پوشش‌های بیمه‌ای) چندان مطلوب و منطبق با معیارهای عدالت ارزیابی نمی‌شود. این بدان معناست که وضعیت موجود را نمی‌توان منطبق با تعالیم و یا آنچه در معیارهای اسلامی مطرح شده‌اند دانست. بدیهی است در این شرایط انتظارات مترتب بر جامعه بعنوان یک جامعه اسلامی نیز باید تعدیل گردد. چراکه جامعه ایران حداقل در حوزه سلامت با جامعه مطلوب از منظر اسلام فاصله (قابل توجهی) دارد. این واقعیت (نارساییهای موجود در سلامت شهروندان) می‌تواند دلیل برخی از چالشها در سایر حوزه‌ها در اقتصاد ایران باشد.

منابع و مأخذ:

- قرآن مجید
- صحیفه سجادیه
- ابن عربی، محی الدین (۱۳۸۸). "کشف المعنی عن سر أسمائیه الحسنی"، شرح و ترجمه علی زمانی، قم: آیت اشراق.
- آزدی، عبدالله بن محمد (بی تا)، کتاب الماء، تصحیح: محمد مهدی اصفهانی، ۳جلدی، تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ پزشکی، طب اسلامی.
- اکبری، نعمت الله و ستوده، مهین، (۱۳۸۷). "بررسی سازگاری و نقش آموزه های اسلامی با شاخص های نوین توسعه اقتصادی". همایش اقتصاد اسلامی و توسعه.
- اکبری، نعمت الله، (۱۳۶۷). "نقش اندیشه دینی در توسعه". مجله علمی و پژوهشی شاهد. دانشگاه شاهد. تهران.
- آزاد، حسین (۱۳۸۹). "روانشناسی سلامت"، تهران: انتشارات بعثت.
- برجی، معصومه، (۱۳۹۰). "بررسی تاثیر شاخصهای سلامت بر رشد اقتصادی ایران"، نشریه مدیریت سلامت، ۱۴ (۴۶): ۵۷-۷۰.
- پوررضا، ابوالقاسم، (۱۳۸۲). "اقتصاد بهداشت، عرصه ها و چشم اندازها"، فصلنامه ی پایش، شماره ی ۴، ۲۹۷-۳۰۲.
- تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد (۱۴۱۰ق)، غرر الحکم و درر الکلم، دار الکتب الإسلامی.
- دالوندی، اصغر؛ مداح، سید باقر؛ خانکه، حمیدرضا؛ بهرامی، فاضل؛ پروانه، شهریار؛ حسام زاده، علی؛ دالوندی، نیوشا و کیانی، تیام. (۱۳۹۱). "تبیین سبک زندگی سلامت محور مبتنی بر فرهنگ اسلامی"، مجله ی تحقیقات کیفی در علوم سلامت، ۴۳-۳۲۲.
- زریباف، سیدمهدی، (۱۳۹۴). "عدالت به مثابه روش؛ سیر رویکردهای روششناختی در اقتصاد اسلامی"، دوفصلنامه علمی- پژوهشی مطالعات اقتصاد اسلامی، سال هشتم، شماره اول، صص ۱۴۷-۱۸۷.
- سالنامه آماری ۱۳۹۷ صنعت بیمه، معاونت طرح و توسعه دفتر برنامه ریزی و امور فنی، اداره تحلیل های آماری.
- شاکری نیا، ایرج، (۱۳۷۹). "دین نیاز دیروز، امروز و فردای انسان". اولین همایش بین المللی نقش دین در بهداشت روان، دانشگاه علوم پزشکی ایران.
- صانعی، سید مهدی، (۱۳۸۲). "بهداشت روان در اسلام"، موسسه بوستان کتاب قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی طباطبایی، محمدحسین، (۱۳۱۱ق). "نهایة الحکمة"، انتشارات جامعه مدرسین قم.
- عزتی، مرتضی. (۱۳۹۴). "گزارش اقتصاد اسلامی ایران"، پژوهشکده ی اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس.
- عبدالملکی، حجت الله و مهدوی، مهین، (۱۳۹۲). "تحلیل تأثیر شاخص های سلامت بر توسعه منطقه ای در ایران؛ رهیافت اقتصاد سنجی داده های تلفیقی"، فصلنامه ی اخلاق زیستی، سال سوم، شماره ی ۸.
- عبدالرحیمی، محمد، (۱۳۹۴). "جایگاه سلامت در دین اسلام و تبیین نقش قلب و عقل در سلامت معنوی"، فصلنامه ی بصیرت و تربیت اسلامی، صص ۷۴-۱۰۵.

- عیسی زاده، خالد و عیسی زاده، بشارت، (۱۳۹۶). " جایگاه عدالت در حکومت اسلامی"، حبل المتین، دوره ششم، شماره ۲۱، صص ۱۲۰-۱۳۶.
- فخر زارع، سید حسین، (۱۳۸۸). "عدالت؛ جوهره انقلاب اسلامی"، زمانه، شماره ۸۴ و ۸۵، <http://ensani.ir/fa/article/10647/%D8%B9%D8%AF%D8%A7%D9%84%D8%AA-%D8%AC%D9%88%D9%87%D8%B1%D9%87-%D8%A7%D9%86%D9%82%D9%84%D8%A7%D8%A8-%D8%A7%D8%B3%D9%84%D8%A7%D9%85%DB%8C>
- فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، (۱۴۱۵ق). "تفسیر الصافی"، مکتبه الصدر.
- قنبری، علی، (۱۳۸۷). "بررسی اثرات تغییر هزینه سلامتی دولت بر رشد اقتصادی ایران"، مجله تحقیقات اقتصادی، شماره ۸۳، صص ۱۸۷-۲۲۴.
- کریمی، ایرج، (۱۳۸۳). "اقتصاد سلامت"، انتشارات گپ.
- کفعمی، ابراهیم بن علی عاملی، (۱۴۱۸ق). "البلد الامین و الدرع الحصین"، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
- گزیده های آماری، وزرات تعاون، کار و رفاه اجتماعی، مرکز آمار و اطلاعات راهبردی، زمستان ۱۳۹۷.
- لطفعلی پور، محمدرضا؛ برجی، معصومه، (۱۳۸۹). "بررسی تأثیر سلامت بر توسعه اقتصادی و سازگاری آن با آموزه های اسلامی"، همایش اقتصاد اسلامی، دانشگاه فردوسی مشهد.
- متقی، سمیرا، (۱۳۹۳). "عوامل موثر بر امید به زندگی در کشورهای منتخب اسلامی (بر اساس گروه های همگن درآمدی)"، فصلنامه پژوهشنامه ی اقتصادی، (۵۵): ۱۸۵-۲۰۵.
- مکیان، سید نظام الدین؛ طاهر پور، عفت؛ زنگی آبادی، پروانه (۱۳۹۵). "هزینه های سلامت و امید به زندگی در کشورهای اسلامی"، فصلنامه سیاستهای راهبردی و کلان، سال چهارم، شماره سیزدهم، صفحات ۲۵-۴۰.
- مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۳ق). بحار الأنوار، ط- بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- محمدی ری شهری، محمد، (۱۴۰۴). میزان الحکمه، مکتبه الاعلام الاسلامی، قم
- Baqerilankarani K, Lotfi F, Karimian Z.(2010). " Introduction to Equity in health system, Health Policy Research Center", Shiraz University of Medical Sciences and Education Development Center.
- Doorslaer VE, O'Donnell O, Rannan-Eliya RP, et al. (2000). "Effect of payments for health care on poverty estimates in 11 countries in Asia: an analysis of household survey data". The Lancet, 368: 1357- 64.
- Keshtkar, M. (1994). "Economic evaluation of health service delivery system", [Thesis in Persian], University of Teacher Training.
- Naidoo , Jennie & Wills, Jane, (2000) . "Health promotion : foundations for practice".
- Park, Ji. (2004), "General health: textbook of community medicine", Translated by Shojaei Tehrani, Hosein, Tehran, Iran: Samat Publications, [In Persian].
- United Nations, Human Development Report, New York: United Nations Press; 2005.
- Wyszewianski L. (1986). "Families with catastrophic health care expenditures". Health Serv Res; 21(5): 617-34.
- WHO, world health statistics, (2017).
- WDI. World Development Indicators. Washington, DC: The World Bank; 2010.

بررسی روند شاخص‌های حفاظت از حقوق مالکیت در ایران

محمدرضا یوسفی^۱

مریم خسروی زاده^۲

چکیده

اهمیت حقوق مالکیت همواره مورد تأکید شریعت اسلامی بوده است. توجه به احکام دینی مانند قراردادهای مبادلاتی و مشارکتی، حرمت تصرف در مال دیگران بدون رضایت مالک و غیره، نشان از توجه ویژه اسلام به حرمت نهادن به حقوق مالکیت دارد. تضمین حقوق مالکیت در اقتصاد موجب رشد و توسعه اقتصادی جوامع توسعه یافته شده است.

این مقاله با هدف بررسی عملکرد دولت‌های ایران در حفاظت از حقوق مالکیت و برآورد شاخص‌های حقوق مالکیت در بازه زمانی سال‌های ۱۳۵۷ تا ۱۳۹۷ تبیین شده است. برای این منظور داده‌های گردآوری شده از منابع کتابخانه‌ای با روش تحلیلی-توصیفی مورد سنجش و مقایسه قرار گرفته است.

سوالاتی که مقاله حاضر پیرامون آن شکل گرفته است، عبارتند از:

- ۱- در ایران تا چه اندازه از حقوق مالکیت افراد جامعه محافظت می‌شود؟
 - ۲- در کدام دوره حفاظت از حقوق مالکیت ایران وضعیت بدتری داشته است؟
 - ۳- در کدام دوره جهت حفاظت از حقوق مالکیت سیاست‌گذاری و عملکرد بهتری صورت گرفته است؟
- با توجه به یافته‌های پژوهش، حقوق مالکیت در ایران تا پیش از انقلاب از وضعیت نامطلوبی برخوردار بوده است. بدترین شرایط برای حفاظت از حقوق مالکیت به زمان حکومت پادشاهان تا دوره قاجاریه، مربوط می‌شود. با این که دو واقعه انقلاب مشروطه و انقلاب سفید، تا حدی از میزان تعرض به مالکیت خصوصی کاستند اما شرایط حفاظت از حقوق مالکیت هم چنان مساعد نبود.

بعد از انقلاب اسلامی، با نتایج حاصل از برآورد شاخص‌ها، حقوق مالکیت با این که در اوایل انقلاب و دوران جنگ با تعارض روبه‌رو بوده، اما نسبت به دوره‌های گذشته روند وضعیت بهتری داشته است. طبق دو شاخص از دو بنیاد بین‌المللی IPRI و هریتیج، حقوق مالکیت در سال ۲۰۱۸ (۱۳۹۷) برای ایران در بالاترین حد خود قرار داشته که حاکی از شرایط مطلوب حفاظت از حقوق مالکیت در ایران می‌باشد.

واژگان کلیدی: حقوق مالکیت، امنیت، اثرات خارجی، حقوق مالکیت در ایران، قراردادهای اسلامی

مقدمه

دین اسلام از بدو ظهور، به تحکیم بنیادهای زندگی فردی در کنار زندگی مسالمت‌آمیز اجتماعی پرداخته و همواره به سازگاری و مودت بین افراد تاکید کرده است. و برای این منظور راهکارهایی را در قالب احکام و قواعد شرعی مطرح نموده است. از مهم‌ترین این احکام، قاعده حرمت مال مسلمان، قاعده نفی ضرر، قاعده اکل مال باطل و آیاتی در مورد منع از غصب و غارت و کسب مال از راه نامشروع و تعیین مجازات شرعی برای متجاوز(مائده:۵، نسا:۲۹، مطففین:۱)، ممنوعیت آسیب رساندن و یا اتلاف مال خود و غیر(انعام: ۱۴۲، اعراف:۳۲، اسرا:۲۷)، منع از تعدی و اسراف بیت‌المال و ... است. هم‌چنین برای بهبود روابط اجتماعی، مسلمانان را به اجرای قراردادهای تشویق نموده و حتی شرایط مبادله عادلانه و صحیح را نیز عنوان نموده است.

علم اقتصاد، مبادلات اختیاری تولیدات انسانی توسط افراد را مورد مطالعه قرار می‌دهد. این افراد هستند که بر اساس تفاوت ترجیحات و مهارت‌های خود، برای مبادله‌ی کالاها و خدمات، شرایطی را تعیین می‌کنند. افراد و کارگزاران هستند که به مبادله‌ی اطلاعات پرداخته و به دنبال یافتن بهترین شیوه‌ی تخصیص منابع در این تولیدات رقیب می‌باشند. از طریق آزمون و خطا به سلیقه‌های یکدیگر آشنایی پیدا کرده و از اشتباهات قبلی خود متنفع می‌شوند. در چنین چارچوبی است که کالاها یا خدمات اقتصادی هر چیزی خواهد شد که فرد از مصرف آن مطلوبیت یا رضایت کسب می‌کند. برای کسب رضایت از کالا یا خدمات، فرد باید کالا یا خدمات را تصرف کرده و مالک آن باشد. اما با توجه به این که در جهان واقعی رقیب زیادی برای افراد وجود دارد، توانایی برای مالکیت و مصرف کالا با عدم اطمینان روبرو خواهد شد. (رنانی و همکاران، ۱۳۹۰: ۴۰)

بنابراین ارزش کالا یا خدماتی که مبادله می‌شود به حدود و ثغور «حقوق» مربوط به آن کالا یا خدمت بستگی دارد. اگر یک کالای واحد در مکان یا زمان یا شرایط مختلف حقوق استفاده متفاوتی داشته باشد، ارزش بازاری آن و درجه انتفاع مالکان از داد و ستد آن متفاوت خواهد بود. پس ارزش مبادله صرفاً تابعی از مشخصه‌های فیزیکی کالا یا خدمت مورد مبادله نیست بلکه تابعی از حقوق طرفین در خصوص اموال مورد مبادله است. بنابراین ارزش مبادله و سودمندی آن تابعی از حقوق افراد در خصوص اموال و قراردادهای مربوط به آنهاست. هرچه حقوق افراد و اموال بهتر تعریف شود و نظام حقوقی و قضایی کشور ضامن اجرای حقوق تعریف شده افراد باشد و مجریان قانون با رفتار و تصمیمات خود زمینه نقض حقوق مذکور را فراهم نکنند، سودمندی مبادلات افزایش می‌یابد و انگیزه افراد برای مبادله در بازار بیشتر می‌شود. (جکسون، ۱۳۹۲: ۴)

منظور اقتصاددانان از حقوق مالکیت، حقوق مالکیت خصوصی است که یکی از ویژگی‌های بارز آن داشتن توانایی قانونی به منظور بازداشتن دیگران از استفاده از یک کالا یا دارایی می‌باشد. حقوق مربوط به کمیابی بوده و شامل تمام فعالیت‌هایی می‌شود که افراد یا جامعه در انجام یا عدم انجام آن و یا در تملک یک دارایی آزاد می‌باشند (Kaufman, 2003: 73)

حقوق مالکیت از طریق گسترش ابزارها و روش‌های تضمین وام و کاهش نااطمینانی، افزایش پس‌انداز و گسترش امکان ورود انواع دارایی به بازارهای مالی و سرمایه‌ای، گسترش امکان استفاده از سرمایه‌های کوچک و کاهش ریسک سرمایه‌گذاری، تاثیر گسترده‌ای بر تسهیل و تشدید رقابت‌پذیری دارد. از این رو، حقوق مالکیت سبب افزایش بازدهی حاصل از دارایی‌های افراد می‌شود.

این پژوهش با مقدمه‌ای بر مفهوم حقوق مالکیت در اسلام و آثار اقتصادی آن آغاز می‌شود. سپس به معرفی شاخص‌های آن پرداخته می‌شود. پس از بیان ادبیات موضوع در بخش تجربی، به بررسی روند حفاظت از حقوق مالکیت و اندازه‌گیری شاخص‌های آن در تاریخ ایران می‌پردازد، که با استناد به منابع کتابخانه‌ای و تجزیه و تحلیل آمارهای جهانی انجام می‌گیرد. در نهایت با استفاده از سیر تحول داده‌های گردآوری شده، شرایط حفاظت از حقوق مالکیت در ایران، مشخص می‌شود.

ادبیات موضوع

دین مبین اسلام و قرآن کریم، انواع مالکیت‌های حقوقی، شخصی، جمعی و مشاع را پذیرفته و آیات متعددی در قرآن صراحت در پذیرش انواع مالکیت‌ها دارد. نظریه اسلام در توزیع قبل از تولید، با سرمایه‌داری و مارکسیسم متفاوت است. اسلام نه به آزادی اقتصادی عقیده دارد (سرمایه‌داری) و نه به رابطه جبری میان مالکیت منابع تولید و سیستم تولیدی (مارکسیسم). زیرا احتیاجات و امیال انسانی باید در حدودی تأمین شود که حافظ انسانیت او باشد؛ تا از این رهگذر به تکامل انسانی وی کمک شود. به این علت توزیع منابع طبیعی نیز طبق مبانی سه‌گانه مالکیت خصوصی، عمومی و دولتی صورت می‌گیرد. (صدر، ۱۳۷۵: ۱۱۸)

مکتب اسلام بر اساس جهان‌بینی خود، تفسیر خاصی از مالکیت و ثروت‌های متعلق به آن ارائه می‌کند. قبل از هر سخنی باید خاطر نشان شد که مالکیت حقیقی نسبت به جهان و ثروت‌های مادی آن، از آن ذات اقدس الهی است و هر آن چه در این جهان وجود دارد ملک خدای متعال است، چنان‌چه آیه‌ی "و لِلّٰهِ مَا فِی السَّمَاوَاتِ وَمَا فِی الْأَرْضِ" چندین بار در قرآن کریم ذکر شده است^۱ تأکید مؤکد مالکیت خداوند بر همه چیز است. مالکیت خصوصی که فرع مالکیت خداوند است، در مفهوم جانشینی انسان از خدا شکل می‌گیرد.

مالکیت در لغت به معنای «حیازت و تحت سیطره خود درآوردن و در تصرف خویش درآوردن» (انیس، ۱۳۸۷: ۶۱۷) و در واقع، استیلا بر مال است و به همین روی، در تعریف «غصب» گفته شده؛ استیلا بر مال غیر (علامه حلی، ۱۳۷۳: ۳۷۲) مالکیت در اصطلاح، عبارت است از «نسبت میان مالک و مملوک» (خوانساری و نائینی، ۱۳۷۳: ۳۵)

در تعاریف فقهی، «حقوق» جمع حق است و حق در اصطلاح، نوع خاصی از نسبت بین مالک و مملوک می‌باشد. (موسوی خوئی، ۱۴۱۷ق: ۶) «حق یک نوع سلطه بر شیء و مرتبه ضعیف‌تری از ملکیت، بلکه نوعی ملکیت است» (یزدی، بی‌تا: ۵۵) حق عبارت است از: «توانایی که انسان و یا شخص بر چیزی یا بر شخص دیگری داشته باشد» (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۳: ۱) در واقع، «حق رابطه‌ای است بین دارنده حق و متعلق آن؛ سلطه مالک بر مملوک یا علقه خاصی که منشأ سلطنت مذکور است» (یزدی: همان) و به تعبیر دیگر، «اعتبار احاطه مالک بر مملوک است» (موسوی خوئی: همان)

در قرآن کریم، واژه‌هایی از قبیل «اموالکم»، «متاعا لکم»، «انفقوا مما رزقناکم»، «جعل لکم من بیوتکم» فراوان به چشم می‌خورد که حاکی از پذیرش مالکیت خصوصی است. در فقه اسلامی، ابواب تجارت، رهن، اجاره، غصب و شفعه فرع بر پذیرش مالکیت خصوصی و مالکیت مشاع است.

۱. بقره (۲): ۲۸۴، آل عمران (۳): ۱۲۹ و ۱۰۹، نساء (۴): ۱۲۶ و ۱۳۱ و ۱۷۱، یونس (۱۰): ۶۶ و ۸۶، نور (۲۴): ۶۴، شوری (۴۲): ۴، نجم (۵۳): ۳۱.

در فقه اسلامی، مبنای حقوق مالکیت قاعده «تسلط» است که از مجموعه ای روایات و به ویژه حدیث نبوی «الناس مسلطون علی اموالهم» سرچشمه گرفته است و پشتوانه ای محکم در ادله عقل و نقل دارد و به معنای اختیار تام مالک در مال خویش و سلطه مالکانه اش در مورد کلیه تصرفات مربوط به دارایی خود است. (مجلسی، ۱۳۷۶: ۲۷۲)

«سلطه فرد بر مالش و ممنوع بودن تصرف دیگران بدون اذن او، هم چنین سلطه جهت، جمع و دولت و همه صاحبان حقوق مالکیت، به قدری قوی و قدرتمند است که نه تنها در بحث معاملات فقه، بلکه در بحث عبادات نیز تأثیر و نفوذ جدی دارد؛ مانند باطل بودن اقامه نماز در مکان غصبی، با لباس غصبی، وضو و غسل با آبی که صاحب آن راضی نباشد و مواردی از این دست.» (همان)

حقوق مالکیت به یک نهاد اجتماعی اشاره دارد که خالق انگیزه‌ها برای استفاده مؤثر از دارایی‌ها و برای کسب و سرمایه‌گذاری در دارایی‌ها می‌باشد. با این توضیح که توانایی استفاده از یک دارایی می‌تواند توسط قانون محدود شود (حسینی و نجف‌آبادی، ۱۳۹۲: ۱۶۹). دولت، دستگاه قضایی یا رهبران جامعه باید در راستای درونی کردن هزینه‌های خارجی منتج از مالکیت، با ایجاد قطعه‌های زمین که توسط گروه‌های کوچکی از افراد دارای انگیزه‌های مشابه اداره می‌شود تلاش می‌کنند. (دمستز، ۱۳۸۰: ۷۲۶)

آیات و روایات متعددی بر جواز و بعضی بر لزوم دخالت دولت در اقتصاد دلالت دارند. آیات بسیاری در قرآن کریم، مالکیت را برای منصب امامت یا دولت دانسته که خود به نحوی ب جواز دخالت دولت در امور اقتصادی محسوب می‌شود و طبعاً قلمرو حقوق مالکیت خصوصی را کاهش می‌دهند.^۱

اسباب مالکیت خصوصی در اسلام به دو دسته ابتدایی و انتقالی تقسیم می‌شود که هر دسته خود شامل اعمال و اقدامات و شرایطی است که به موجب آن فرد حقیقی یا حقوقی مالک شی یا اشیائی خواهد شد. اسباب ابتدایی شامل روش‌های احیا، تحجیر و حیات است.^۲

اسباب مالکیت و حقوق انتقالی به دو دسته اردای و غیراردای یا قهری تقسیم می‌شوند. اسباب قهری، آن علل انتقال مالکیت است که بدون اراده طرفین مؤثر واقع می‌شود؛ مانند فوت. اسباب ارادای انتقال مالکیت، عللی است که با اراده طرفین یا یکی از آنها موجب انتقال مالکیت می‌شود؛ مانند خرید و فروش و دیگر عقود شرعی. (موسوی، ۱۳۵۰: ۷۱-۷۲)

حفاظت از حقوق مالکیت در جامعه آثار اقتصادی بسیاری دارد که در بخش بعدی به مهم‌ترین آنها اشاره شده است.

آثار حقوق مالکیت حفاظت شده^۲

چند دهه از ورود مفهوم حقوق مالکیت به عرصه اقتصادی و بروز اهمیت آن می‌گذرد و طی این مدت محققان با انجام پژوهش‌های بسیاری توانسته‌اند آثار و مزایای مهمی برای این نهاد اقتصادی برشمرند. در این بخش به مهم‌ترین و مورد بحث‌ترین این آثار اشاره می‌کنیم.

۱. سوره انفال آیه ۱، سوره حشر آیات ۷۶ و ۴۱، سوره یوسف آیات ۴۷ و ۴۹، سوره بقره آیه ۲۴۹.

۲. ر.ک. کرمی و پورمند، ۱۳۸۵، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

۱- انباشت سرمایه (فیزیکی، انسانی، اجتماعی) و سرمایه‌گذاری

هر گاه خطر ناشی از مصادره و توقیف اموال به واسطه مخدوش شدن حقوق مالکیت خصوصی زیاد باشد، در چنین صورتی سرمایه فیزیکی حالت فرار داشته و به سرمایه زنده تبدیل نخواهد شد. در چنین وضعیتی، جریان خروج سرمایه از کشور افزایش یافته و جریان ورود آن کاهش خواهد یافت. (صمدی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۸۹)

هم چنین در صورت مخدوش شدن حقوق مالکیت و یا فقدان حفاظت قانونی از آن، و یا محدودیت دسترسی به کسب و کار رسمی، بازدهی آموزش و تقاضا برای آموزش رسمی کاهش خواهد یافت. این نقض حقوق مالکیت، منجر به کاهش انباشت سرمایه انسانی خواهد شد (Heitger, 2004, p.395). در خصوص سرمایه اجتماعی نیز چون ناعادلانه بودن هنجارهای جامعه باعث می‌شود در پی تغییر یا حذفشان برآیند. این تمایل به تغییر با هزینه همراه است و آن چه این هزینه‌ها را معین می‌کند حقوق مالکیتی است که در چارچوب قوانین رسمی و غیررسمی تعریف شده باشد. (صمدی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۸۹)

۲- سرمایه‌گذاری

ساختار پذیرفته شده حقوق مالکیت و اجرای قراردادها با کاهش عدم اطمینان و یا حذف کامل آن، انگیزه سرمایه‌گذاری را در افراد افزایش می‌دهد (آزاد ارمکی، ۱۳۷۸: ۵۰) گسترش وسایل و ابزارهای تضمین و ام‌ها (وثیقه)، افزایش امکان ورود انواع دارایی‌ها به بازارهای مالی و هم چنین افزایش امکان تبدیل و استفاده از دارایی‌های شخصی به عنوان سرمایه برای فعالیت‌های اقتصادی و در نهایت امکان تجمیع سرمایه‌های کوچک در طرح‌های بزرگ می‌شود (رنانی، ۱۳۸۴: ۳۰۲-۳۰۴)

۳- پس‌انداز و مصرف

هرگاه احتمال غارت دارایی‌های فرد افزایش یابد، میزان اطمینان پس‌اندازکننده از بهره‌مندی منافع آتی پس-انداز خویش کاهش خواهد یافت و مصرف جاری خویش را افزایش و پس‌انداز را کاهش خواهد داد. (صمدی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۹۳-۱۹۵)

۴- افزایش کارایی منابع

تضمین حقوق مالکیت و حفاظت از آن باعث کاهش انحرافات در بازار ناشی از عوارض خارجی از طریق کامل کردن اطلاعات، مدیریت دقیق و اجرای قراردادها و کاهش هزینه‌های مبادله می‌گردد. نقض حقوق مالکیت موجب شکست بازار شده و بنابراین بر استفاده از منابع و مدیریت آن اثر سوء می‌گذارد. (کوز، ۱۹۶۰: ۱۹۷-۱۹۹)

۵- رانت

هر گاه حقوق مالکیت خوب تعریف نشده و حفاظت نشود، امکان جابجایی غیرارادی و خودسرانه منابع و حقوق اقتصادی وجود خواهد داشت که نتیجه آن شکل‌گیری فعالیت‌های رانت‌جویانه است. چنین فعالیت‌هایی عده‌ای را منتفع و عده‌ای دیگر را متضرر می‌کند اما در کل، رفاه جامعه را کاهش می‌دهد (صمدی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۹۶).

۶- رشد اقتصادی

گسترش حفاظت از حقوق مالکیت، موجب افزایش نرخ سرمایه‌گذاری و بنابراین افزایش نرخ رشد می‌گردد. (رنانی، ۱۳۷۶: ۳۰۷) زیرا با حفاظت از حقوق مالکیت، بازدهی خالص همه دارائی‌های سرمایه‌ای افراد، افزایش می‌یابد. بدین ترتیب، با ثبات سایر شرایط، دریافتی خالص از ذخیره کالاهای سرمایه‌ای موجود، افزایش می‌یابد. بنابراین در همان سطح از نرخ بهره، تقاضای کل برای نگهداری کالاهای سرمایه‌ای افزایش می‌یابد که منجر به افزایش تقاضای کل شده و قیمت بازاری کالاهای سرمایه‌ای زیاد می‌شود. در راستای حفظ تعادل، نرخ بهره نیز افزایش می‌یابد، تا با نرخ بازده ذخیره سرمایه برابر شود. این افزایش منجر به افزایش مقدار سرمایه‌گذاری ناخالص ملی می‌شود. بدین ترتیب، حفاظت از حقوق مالکیت می‌تواند نقش قاطعی در رشد اقتصادی بازی کند. (همان: ۳۰۸-۳۱۰)

۷- فقر و نابرابری درآمدی

برقراری امنیت برای مالکیت ریسک فعالیت‌ها، هزینه‌های مبادله و نااطمینانی را کاهش خواهد داد و در نتیجه سبب ایجاد انگیزه در افراد برای انجام فعالیت‌های اقتصادی می‌شود. با افزایش فعالیت‌های اقتصادی، افراد جامعه صاحب منبع درآمد و یا افزایش عائدی خواهند شد که خود منجر به کاهش فقر و نابرابری درآمدی بین افراد جامعه می‌گردد. (سجادی و همکاران، ۱۳۹۶: ۶۲، یوسفی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۲۰)

آن چه تا این جا گفته شد، تعریف و آثار اقتصادی حقوق مالکیت بود. برای اندازه‌گیری حقوق مالکیت شاخص‌های متنوعی از لحاظ کمی و کیفی در پژوهش‌های انجام شده مورد استفاده قرار گرفته است. بخش بعدی به معرفی برخی از این شاخص‌ها می‌پردازد.

شاخص‌های حقوق مالکیت

(۱) CIM: یا شاخص اعتماد به قراردادها، میزان دارایی‌هاییست که در چارچوب محیط قانونی و اقتصادی موجود (یک کشور خاص) بر روی آن قراردادهای بلندمدت (و در نتیجه حقوق مالکیت) منعقد می‌گردد. بدین لحاظ تقاضا برای CIM اطمینان به تضمین و اجرای قراردادها (قوانین، مقررات، نحوه نظارت بر آن، احترام دولت به قراردادهای بخش خصوصی و...) از سوی چارچوب نهادی جامعه را انعکاس می‌دهد. چون ضعف حقوق مالکیت باعث می‌شود افراد به روش‌ها و ابزارهای غیررسمی برای تعریف و حفاظت از حقوق مالکیت خود روی

آورند، که خود به گسترش فعالیت‌های اقتصادی غیررسمی می‌انجامد. (کیفر و همکاران، ۱۹۹۹: ۱۲۱-۱۸۱) CIM نماینده ثبات یا بی‌ثباتی نهادی جامعه نیز هست.

$$CIM = \frac{M_2 - C}{M_2}$$

که در آن M_2 تعریف پول وسیع، C پول نگهداری شده در خارج بانک‌ها و $M_2 - C$ پول غیرنقدی است. چنان‌چه اطمینان و ثبات در محیط نهادی حاکم باشد، انتظار می‌رود با توسعه و پیشرفت جوامع، تقاضا برای CIM افزایش یابد. (همان)

(۲) IPRI^۱: یا شاخص بین‌المللی حقوق مالکیت یک گزارش سالیانه است که کشورها را بر حسب حمایت آن‌ها از حقوق مالکیت (فیزیکی و فکری) مقایسه می‌کند. این گزارش به دنبال بررسی آثار محیط حقوقی و سیاسی یک کشور است و این که رسمیت یافتن و ضمانت اجرایی حقوق مالکیت فیزیکی و فکری چه تاثیری بر توسعه اقتصادی هر کشوری دارد. برای مقایسه بهتر کشورها در شاخص بین‌المللی حقوق مالکیت در طول زمان، سری زمانی کشورها و زیرشاخص‌های آن در گزارش ارائه می‌شود که نقاط ضعف و قوت حقوق مالکیت کشورها را نشان می‌دهد.

برای اندازه‌گیری شاخص کلی حقوق مالکیت ابتدا آن را به سه زیرشاخص اصلی تقسیم می‌کنند؛ که عبارتند از: ۱. محیط حقوقی و سیاسی (LP^۲)، ۲. حقوق مالکیت فیزیکی (PPR^۳) و ۳. حقوق مالکیت فکری. در مجموع، شاخص بین‌المللی حقوق مالکیت متشکل از یازده داده برای هر کشور است.

۱. محیط حقوقی و سیاسی :

- استقلال قوه قضائیه،
- حاکمیت قانون،
- ثبات سیاسی،
- کنترل فساد.

۲. حقوق مالکیت فیزیکی :

- حمایت از حقوق مالکیت فیزیکی،
- ثبت دارایی‌ها،
- دسترسی به وام.

۳. حقوق مالکیت فکری :

- حمایت از حقوق مالکیت فکری،
- حمایت از حق اختراع،
- بهره‌برداری غیرمجاز از آثار دیگران. (جکسون، ۱۳۹۲: ۴۱-۴۴)

درجه‌بندی کلی این شاخص از عدد ۰ تا ۱۰ متغیر است. به این ترتیب که نمره ۱۰ بیان‌گر قوی‌ترین سطح حمایت از حقوق مالکیت و نمره ۰ نشان‌دهنده نبود حقوق مالکیت مطمئن در یک کشور است. به همین ترتیب، هر کدام از شاخص‌های اصلی و فرعی در همان مقیاس ۰ تا ۱۰ قرار می‌گیرند. برای محاسبه امتیاز نهایی شاخص، متغیرهای درون هر زیرشاخص را میانگین گرفته تا امتیاز برای هر سه زیرشاخص اصلی به دست آید. امتیاز نهایی شاخص بین‌المللی حقوق مالکیت نیز میانگین امتیازات زیرشاخص‌هاست. (همان: ۴۸-۴۹)

۳) **شاخص تورم و شوک‌های نرخ ارز**: اولین پیامد بی‌ثباتی در عرصه اقتصادی، ایجاد ناامنی و افزایش مخاطره در محیط‌های سرمایه‌گذاری است. بی‌ثباتی اقتصاد کلان عامل مهمی برای آسیب به امنیت حقوق مالکیت و کاهش سرمایه‌گذاری‌های مولد توسط بخش خصوصی واقعی می‌باشد. تورم و نوسانات ارزی، نقش مهمی در بی‌ثباتی اقتصادی و ایجاد نااطمینانی نسبت به آینده دارد، که اقتصاد را از فعالیت‌های تولیدی به فعالیت‌های غیرمولد و رانتی سوق می‌دهد. (مومنی و همکاران، ۱۳۹۶: ۵۲)

«تورم مزمن و بی‌ثباتی در نرخ ارز، با افزایش هزینه سرمایه، امنیت سرمایه‌گذاری مولد را (که یکی از معیارهای امنیت حقوق مالکیت است) به شدت کاهش می‌دهد. تورم از یک سو، با افزایش هزینه سرمایه‌گذاری مولد، تاثیر منفی بر انباشت سرمایه و امنیت حقوق مالکیت داشته و از سوی دیگر با کاهش قدرت خرید، یکی از اشکال مهم تعرض به حقوق مالکیت شهروندان می‌باشد.» (همان)

۵) **حاکمیت قانون**^۱: این متغیر میزان اعتماد کارگزاران اقتصادی به قوانین جامعه و اطاعت از آن‌ها را اندازه می‌گیرد. تاکید اصلی این متغیر بر کیفیت اجرای قراردادها، عملکرد پلیس، دادگاه‌ها و درجه احتمال وقوع جرم و خشونت است. این متغیر چند شاخص از جمله، عدالت، صداقت، اجراء، سرعت و کم هزینه بودن نظام دادگاهی، حمایت از حقوق مالکیت و پاسخ‌گویی قوای قضائیه و مجریه را ترکیب می‌کند. (همان: ۴۴)

۶) **کنترل فساد**: این متغیر، دامنه اعمال قدرت عمومی برای دستیابی به منافع خصوصی را اندازه می‌گیرد. شامل انواع فساد خرده‌پاها و دانه‌درشت‌ها، هم چنین «تسخیر» دولت توسط فرادستان و گروه‌های خصوصی می‌شود. هم چون شاخص پیشین، فساد هم بر اطمینان مردم به اجرای صحیح حقوق مالکیت تاثیر منفی می‌گذارد. فساد درجه غیررسمی بودن اقتصاد را منعکس می‌کند که عامل اختلال در احترام و رعایت بیشتر مالکیت خصوصی قانونی است. (پیشین) داده‌های این دو متغیر اخیر را می‌توان با مراجعه به سایت بانک جهانی به دست آورد.

وضعیت حقوق مالکیت در ایران

دولت به عنوان بزرگ‌ترین سازمان در جامعه مهم‌ترین ابزار کنترل خشونت یعنی حقوق مالکیت را در اختیار دارد که می‌تواند حقوق مالکیت کارآمدی را تعریف کند. از آن جایی که منشاء ایجاد و اجرای قانون سازمان دولت بوده است، این بدان معنی است که دولت‌ها از طریق قانون مبادرت به عرضه کالای عمومی می‌کنند. در

مورد ایران، شواهد تاریخی، حاکی از بالا بودن هزینه نگهداشت دارایی‌هایی از قبیل زمین (به عنوان ضروری‌ترین و ابتدایی‌ترین مالکیت بر دارایی)، چاه آب و نیروی انسانی است. در نتیجه بخش اعظم تاریخ ایران زمین در زمره املاک خالصه (متعلق به شاه) یا تیول (در اختیار نظامیان) و وقف (در اختیار نهاد مذهب) بوده و بخش خصوصی توان تحمل هزینه‌های مالکیت بر آن را نداشته است. (نائب، ۱۳۸۶: ۲۷۲) در ادامه نگاهی اجمالی و مختصر به روند مالکیت و شرایط حقوق مالکیت در تاریخ ایران خواهیم داشت.

۱- دوره قبل از اسلام

این دوره متعلق به فرمانروایی بین‌النهرین و ماد، هخامنشیان، سلوکیان، اشکانیان و ساسانیان می‌باشد. از آن جا که اکثر مردم در آن زمان به کشاورزی مشغول بودند، لذا عمده مساله مالکیت در خصوص زمین مطرح می‌گردد. در این دوره زمین‌های کشاورزی از سوی شاه، به موجب قباله به کشاورزان تحویل داده می‌شد. طبق قوانین حمورابی فروش ایلکو^۱ از طرف افسران ارتش سلطنتی که به آنان ایلکو بخشیده شده بود، ممنوع بود. زیرا همه زمین‌ها متعلق به شاه بوده و وی آن‌ها را به رسم بخشش یا به عنوان تیول به رعایای خود می‌داده است. قانونا این زمین‌ها به تصرف رعایا درمی‌آمد نه به تملک‌شان. یعنی وی حق سلب مالکیت از خویش، انتقال مالکیت به خویشاوندان و یا غیر را نداشت. (لمبتون، ۱۳۹۴: ۵۰-۵۱)

در دوره هخامنشیان، امنیت و آرامشی کم نظیر در منطقه سایه افکند. رابطه اقتصادی در خشکی و دریا بین بخش‌های مختلف شاهنشاهی برقرار شد. دولت در آغاز کار با اخذ مالیاتی منصفانه از ممالک تابع خود موفق گردید مأمورین دیوانی و نظامی را برای اداره و نظارت در وضع عمومی شاهنشاهی، به اطراف و اقطار کشور گسیل دارد و مانع ستمگری و تجاوز زورمندان و مأمورین محلی گردد. همین عامل، یعنی امنیت و عدالت نسبی، به شکفتگی اقتصاد و رشد کشاورزی و صنایع دستی کمک کرد. دخول وزنه‌ها و مقیاس‌ها و رواج سکه درسراسر شاهنشاهی هخامنشی، اقدام به کارهای عام المنفعه که استعداد تولیدی را افزون می‌کرد، حفر قنوات زیرزمینی، در نواحی کم آب در این زمان تحقق یافت. شاهان هخامنشی برای تشویق روستاییان به کشاورزی و آبادی مقرر داشته بودند که هرکس زمین‌های بی‌حاصل را به واسطه آبیاری آباد کند تا پنج نسل درآمد آن زمین‌ها از آن او و اعقابش خواهد بود. (گیرشمن، ۱۳۹۵: ۲۰۵-۲۱۱)

«بهره‌برداری از زمین و کشت در دوره هخامنشی به وسیله بردگان انجام می‌شد؛ اما درعین حال در این دوره نیز اراضی اشتراکی روستائیان وجود داشت و جماعتی که آن‌ها را اداره می‌کردند خودمختار بودند. شاهان هخامنشی در بابل املاک بسیاری داشتند که توسط بردگان کشت می‌شد. غالباً این زمین‌ها به اجاره افراد بانفوذ محلی در می‌آمد و اجاره آن به صورت کالایی پرداخت می‌گردید. به زمین‌هایی که در اختیار شاهان هخامنشی قرار داشت و توسط بردگان بهره‌برداری می‌شد اراضی سلطنتی می‌گفتند. این زمین‌ها تحت عنوان زمین‌های خسرو، ضیاء السلطان، خاص، خالصه، اینجو در دوره‌های مختلف وجود داشته‌اند.» (همان: ۲۲۶)

۱. زمینی که صاحب آن موظف بود به پادشاه خدمت کند.

«مطالعات موجود در مورد دوره سلوکیان (جانشینان اسکندر) نیز گویای ادامه نوعی روابط سرواژ (برده-داری) درخصوص اراضی کشاورزی است. این دوره خود با وجود یک نظام *اقطاع داری* (واگذاری امتیاز بهره-برداری از اراضی در ازای خدمات) مشخص می‌گردد.» (همان: ۲۷۳)

در دوره سلوکیان و اشکانیان تنوعات و گوناگونی‌هایی در شیوه‌های بهره‌برداری و مالکیت و بهره‌برداری از زمین وجود داشت. "بزرگ-مالکی" گسترش چشمگیری داشت و نوعی تملک یا بهره‌برداری جمعی و مشترک بر اراضی وسیع در کنار مالکیت بر اراضی کوچک به وجود آمده بود. اعضای این اجتماع مسئول پرداخت مالیات‌های رایج در آن دوره بودند. خرده مالکان در نواحی فتودال‌نشین و نزدیک شهرها فعالیت‌های نداشتند. (همان: ۲۶۷)

در عهد ساسانیان، مالکیت‌ها عبارت بودند از: املاک اجاره‌ای، املاک وقفی (متعلق به موبدان و عابدان زرتشتی)، املاک خالصه (متعلق به شخص شاه)، املاک اشتراکی (متعلق به شاه و برخی زمین‌داران بزرگ). (همان: ۳۹۳)

۲- بعد از ورود اسلام

ورود دین اسلام به ایران، مقارن با دگرگونی احوال و روابط حقوقی مردم سرزمین بود، اما این دگرگونی اندک اندک و به تدریج رخ داد. روابط حقوقی مردم و نحوه مالکیت و ساختار دولت به تدریج بر اساس تعلیمات اسلام شکل گرفت.

دین اسلام و رهبران اسلامی با متحد شمردن مالکیت فردی و اجتماعی و تشویق مردم به کار زراعت، یک نوع مساوات و تجدید مالکیتی به وجود آورد که تا آن زمان سابقه نداشت. به ویژه که برابری حقوق انسانی و امتیازات بشر را هم مترادف پرهیزکاری و اجتناب از تجاوز به حق انسان‌های دیگر قرار داد، که این امر نه تنها فاصله طبقاتی را از بین می‌برد بلکه اختلافات نژادی را به کلی نابود می‌ساخت.

نمود باشکوه و حقیقی این آموزه‌ها در رفتار و گفتار حضرت علی-ع- بروز پیدا می‌کند. ایشان در فرمان تاریخی خویش به مالک اشتر در باب حمایت از حقوق مالکیت افراد و حفظ بیت‌المال به عنوان یکی از وظایف دولت این چنین می‌فرماید: «به هیچ یک از بستگانت زمینی از اراضی مسلمانان وامگذار» هم چنین در مورد اخذ مالیات و خراج از اراضی و املاک مسلمین می‌فرماید: «در امور مالیه کشور نیک بیندیش و متصدیان خراج را سخت مراقب باش. دارایی روح مملکت است، سازمان معیشت و حیات جامعه بر ثروت آن گردش می‌کند، بنابراین اگر اوضاع مالی قوم آشفته باشد، انتظام سرزمینت را توقع مدار، مملکت به مثابه خانه‌ای است که ملت خانواده آن را تشکیل می‌دهند. دارایی، آبروی خانه و مدار زندگی آن خانواده است ... مالیات و بیت‌المال را به گونه‌ای واریسی کن که صلاح مالیات‌دهندگان باشد، زیرا بهبودی مالیات‌دهندگان عامل اصلاح امور دیگر اقشار جامعه می‌باشد و تا امور مالیات‌دهندگان اصلاح نشود کار دیگران نیز سامان نخواهد گرفت. زیرا همه مردم نان خور مالیات و مالیات‌دهندگانند. باید تلاش تو در آبادانی زمین بیشتر از جمع‌آوری خراج باشد که، خراج جز با آبادانی فراهم نمی‌گردد و آن کس که بخواهد خراج را بدون آبادانی مزارع به دست آورد، شهرها را خراب و بندگان خدا را نابود کرده و حکومتش جز اندک مدتی دوام نیاورد... در گرفتن مالیات به میزانی تخفیف ده تا امورشان سامان گیرد و هرگز تخفیف دادن در خراج تو را نگران نسازد، زیرا آن اندوخته‌ای است که در آبادانی شهرهای تو و آراستن

ولایت‌های تو نقش دارد، و رعیت تو را می‌ستایند و تو از گسترش عدالت میان مردم خشنود خواهی شد و به افزایش قوت آنان تکیه خواهی کرد، به آن چه در نزدشان اندوختی و به آنان بخشیدی، و با گسترش عدالت در میان مردم و مهربانی با رعیت به آنان اطمینان خواهی داشت آن گاه اگر در آینده کاری پیش آید و به عهده‌شان بگذاری، با شادمانی خواهند پذیرفت، زیرا عمران و آبادانی قدرت تحمل مردم را زیاد می‌کند. همانا ویرانی زمین به جهت تنگدستی کشاورزان است و تنگدستی کشاورزان به جهت غارت اموالشان از طرف زمامدارانی است که به آینده حکومتشان اعتماد ندارند، و از تاریخ گذشتگان عبرت نمی‌گیرند» (سید رضی، ۱۳۸۴: ۴۱۳)

پس از خلافت امام علی-ع- در دوران حکومت امویان و سپس عباسیان، سلطنت استبدادی قهری به وجود آمد و وضع اموال و املاک عمومی از حدود اسلامی خارج شد. تیول‌داری (اقطاع) در مورد اراضی عمومی (انفال و فی‌ءها) در میان سلاطین و عمال رایج گردید، ولی تیول‌داری هم مانند نظام ملک‌داری به طور کلی مطورد اسلام بود و ریشه ثابت و پابرجایی نداشت لذا با از بین رفتن یک سلسله حکام یا تغییر و تبدیل آن‌ها خود به خود اراضی تجزیه می‌شد و یا به کلی تیول از میان می‌رفت و اراضی تقسیم می‌شد. (محمدی، ۴۲-۴۳) در این دوره هر فرد که مورد غضب حاکم یا درباریان قرار می‌گرفت، اموالش از وی و وارثانش مصادره شده و با مبالغ هنگفت به سود دربار اجاره داده می‌شد (همان: ۴۵)

در زمان خلفای عباسی انواع مخصوصی از تملک به وجود آمد که عبارت بود از: ایغار (املاکی از در تصرف خلیفه و از خراج معاف بود)، وقف، اقطاع (زمین‌های واگذار شده به اشخاص). (همان: ۴۷-۴۹)

۳- دوره صفویه

عصر درخشان و شکوفای اقتصادی ایران بعد از امویان و عباسیان، با حکومت شاهان صفوی آغاز می‌گردد. در این دوران بار دگر امنیت به تجارت و بازرگانی ایران بازگشت. کشاورزان و زمین‌داران با امنیت خاطر در قبال مصادره زمین‌هایشان به کشت مشغول بودند. تجار با اطمینان خاطر کالاهای خود را از راه ابریشم به چین و اروپای شرقی صادر می‌کردند و کالاهای تولیدی آن ممالک را به ایران وارد می‌کردند. رونق کسب و کار و کشاورزی از آثار بارز حمایت از حقوق مالکیت در این دوران است. (کجباف و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۷۰)

«در اواخر دولت صفویه که مبتنی بر نظم دسترسی محدود قرار داشت به دنبال آن بود تا مالکیت منابع تولیدی را در اختیار حلقه فرادستان و خصوصاً شاه قرار داده تا خشونت بالقوه در بین گروه‌های قومی مختلف و خصوصاً قزلباش‌ها را کنترل کند. دولت نه تنها مالک بیشتر زمین‌های کشاورزی و مراتع ایلی بود، بلکه در شیوه تولید خرده کالایی هم سعی می‌کرد با ورود خود، منبع درآمدی برای هزینه‌های گزاف خود داشته باشد. تبدیل اراضی ممالک به خاصه از زمان شاه عباس اول به بعد با جدیت بیشتری دنبال شد تا این زمین‌ها مستقیماً زیر نظر شاه اداره شود. سیاست‌هایی که دولت صفویه در زمینه تجارت خارجی دنبال می‌کرد هر چند که باعث افزایش درآمدش می‌شد، ولی هزینه‌های حقوق مالکیت در داخل کشور را افزایش می‌داد؛ در زمینه تولید اقلام و کالاها گاه انحصاری اعمال می‌کرد که بعضی از اصناف را از رقابت خارج می‌کرد. مالیات‌های زیادی که تحت عناوین مختلف بر مردم تحمیل می‌کرد، خارج از توان مالی افراد بود که سبب می‌شد مالکیت منابع تولید و درآمد برای افراد عادی مقرون به صرفه نباشد.» (همان: ۱۷۸)

هزینه‌های حقوق مالکیت در دوره صفویه از موانع جدی در تکامل و توسعه حقوق مالکیت بوده است. هزینه‌های مالکیت در دوره صفویه گاه بیشتر از منافع دارایی بوده است. از عوامل بالا بودن این هزینه‌ها، نبود نهادهای قدرتمند و کارآمد مانند امنیت برای دفاع از مالکیت و وجود عواملی مانند غارت، راهزنی، دم غنیمت شمردن، شرایط اقلیمی، مصادره، تحمیل مالیات‌های گوناگون و تعدی دیگران بوده است. (نائب، ۱۳۸۶: ۲۷۰) هرگاه در دوره صفویه با همین نوع حقوق مالکیت ناکارآمد هم امنیتی حاصل می‌شد، اوضاع اقتصادی بهبود می‌یافت، زیرا بازارهای اقتصادی در سایه امنیت ایجاد شده رونق می‌یافت، اما در زمان نبود امنیت شرایط تبدیل به نداشتن اطمینان می‌شد. نبود امنیت هزینه مبادله را برای خریدار و فروشنده افزایش می‌داد، و این افزایش سبب بالا رفتن هزینه‌های حقوق مالکیت شد. بالا رفتن هزینه مبادله یکی از عواملی بود که باعث کاهش تجارت خارجی ایران در اواخر دوره صفویه شد. (کجیاف و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۸۸)

۴- دوره قاجاریه

مالکیت متزلزل و بی‌ثبات و فقدان انباشت ثروت و ناپایداری آن، از مهم‌ترین عوامل توسعه‌نیافتگی و به تبع آن از موانع اساسی تحول نظام سیاسی اداری کشور، در طول تاریخ ایران، حداقل تا پایان دوره قاجار بوده است. «زمین‌دار ایرانی در هر سطح و مرتبه‌ای، برخلاف فئودال‌های جوامع اروپایی، هیچ‌گاه برحسب قانون یا رویه حقوقی، مالک واقعی زمین، و شاید دیگر دارایی‌های خود نبود. آن چه به عنوان مالکیت زمین عنوان می‌شد، امتیازی بود که شاه به اشخاص اعطا می‌کرد و در شرایطی و بنا بر امیال یا سلیقه شخصی وی، ملغی می‌شد. در واقع، مالکیت مطلق و عام از آن پادشاه بود که قدرت واقعی و مطلقه را در دست داشت. این وضعیت در دوره قاجار ناپایداری و عدم امنیت اقتصادی را به دنبال آورده بود و اجازه انباشت ثروت را به فعالان عرصه اقتصاد کشور نمی‌داد.» (تنکابنی، ۱۳۸۹: ۲۳)

جامعه ایران تحت حاکمیت دولت خودکامه‌ای بود که هیچ وظیفه‌ای در قبال جامعه برای خود قائل نبود و به همین دلیل پس از مدت زمانی شکاف میان دولت و مردم آن چنان افزایش می‌یافت که منجر به سقوط آنان می‌گردید. بازتاب فقدان رویه و قانون پایدار و خودکامگی شاه که صاحب اصلی مال و جان و ناموس و دارایی همه افراد از صدر تا ذیل جامعه شمرده می‌شد در نظام دیوان‌سالاری نوعی بی‌ثباتی، فقدان امنیت شغلی و ناپایداری در مناصب را به دنبال داشت.

«در آستانه انقلاب مشروطه و در نتیجه روند فروش اراضی خالص دولت، املاک خصوصی به طور چشمگیری گسترش یافت و گروه‌های مختلفی از ماموران، عمال، دیوان‌سالاران و تجار نیز به جرگه طبقه زمین‌دار درآمدند. هر چند اقدامات محافظه‌کارانه مجلس اول شورای ملی به نفع طبقه دهقان و رعیت نبود و در عمل به رشد نظام بزرگ مالکی کمک کرده بود، اما حداقل به جز شخص شاه و درباریان و ملازمان وی، اشخاص دیگری نیز فرصت بهره‌برداری از مزایای مالکیت خصوصی را به دست آوردند.» (علم و کاظمی، ۱۳۹۵: ۱۰۵)

«برخی از مشخصات تاریخی و بارز مالکیت در ایران و نسبت آن با دولت را می‌توان به قرار زیر دسته‌بندی کرد - مالکیت مستقیم دولت بر زمین که در قرن‌های اخیر «خاصه» و سپس «خالصه» خوانده می‌شده، هر چند به نسبت‌های مختلف، اما همواره بسیار وسیع بوده است.

- دست کم در اصل، زمین‌های غیرقابل کشت و بایر، تماماً جزو املاک دولتی محسوب می‌شده است.

- بیشتر زمین‌های قابل کشت، از طرف دولت در اختیار افراد، معمولاً اعضای دربار و کارگزاران دولتی، قرار می‌گرفت. از این رو، صاحب ملک از هیچ‌گونه امنیت قانونی برخوردار نبود و تضمینی هم برای انتقال زمین به ورثه‌اش وجود نداشت.

- وجود نظام‌های مختلف تیول‌داری، سبب گردیده بود که اصطلاح و واژه فارسی «ارباب» یا «مالک» در چهارچوب این نظام رواج یابد.

- خرده مالکی به طور پراکنده وجود داشت، اما کشاورزان حتی در این مورد هم امنیت نداشتند.
- اراضی موقوفی به دو صورت عمومی و خصوصی وجود داشت. اولی از امنیت بیشتری برخوردار بود و دومی منبع درآمدی برای بازماندگان مالکان و تاجران ثروتمند محسوب می‌شد. (کاتوزیان، ۱۳۸۶ : ۵۸-۶۰)

۵- دوره پهلوی

از سال‌های پایانی حکومت قاجاریه، اندک اندک پایه‌های حیات ایلی و عشیره‌ای با گسترش زندگی شهرنشینی و الزامات آن در قرن بیستم و بازرگانی و تجارت و سرمایه‌گذاری خارجی، سست شده بود.

پس از به قدرت رسیدن سلسله پهلوی در ترکیب مالکین، تغییراتی به وجود آمد و مالکان جدید جایگزین مالکان قدیمی شدند. بر اساس این واقعه، برخی از مالکان بزرگ از جمله خوانین و رؤسای ایلات و عشایر، مالکیت بر بخشی از املاک خود را از دست دادند و املاک و اموال آنان مصادره و زمین‌های آن‌ها معاوضه شد. (واعظ، ۱۳۸۸: ۹۵۲) از جمله می‌توان به ضبط اموال خوانین ثروتمند ایلات شمال غرب ایران مثل اقبال السلطنه ماکوئی و امیر عشایر خلخال و اموال و املاک دیگر رؤسای ایلی و عشیره‌ای از جمله سردار معزز بجنوردی، شیخ خزعل و خوانین بختیاری اشاره نمود. (مومنی و همکاران، ۱۳۹۶ : ۴۲)

«عدم شکل‌گیری نهادهای حقوق خصوصی و عدم حفاظت از حقوق مالکیت، بسته شدن فضای سیاسی و قائم به شخص شدن سیاست‌گذاری‌ها (دخالت مستقیم شاه در سیاست‌گذاری‌ها) عدم توازن سیاسی و اقتصادی را تشدید کرد. مشخصه بارز این توازن، ناامنی حقوق مالکیت بود.» (همان)

«مهم‌ترین آسیب به مالکیت خصوصی در دوره رضا خان، زمین‌خواری، مصادره و غصب املاک توسط وی پس از تاسیس ثبت اسناد و بعد از رسیدن به حکومت است. زمین‌داران از روی ترس یا اکراه، بخشی از املاک خود را به او «پیشکش» می‌کردند. تقریباً همه زمین‌های استان مازندران و بخش‌های وسیعی از گیلان و گرگان، به مالکیت خصوصی او درآمد؛ یعنی ۲۰۰ روستا با جمعیتی متجاوز از ۳۳۵۰۰ نفر در مالکیت او قرار گرفت (فوران، ۱۳۸۷ : ۳۳۷) مطالعه اسناد نشان می‌دهد که طی دوران حکومت رضاخان ۴۴ هزار سند به نام وی انتقال یافت و او ۲۱۶۷ روستا را غصب کرد.» (مومنی و همکاران : همان)

به رغم اصلاحات اداری نوین رضاشاه در مورد ثبت اراضی و نظایر آن، مالکان در نتیجه افزایش مالیات زمین، انحصار دولتی خرید و فروش محصولات اصلی کشاورزی و از دست دادن قدرت سیاسی و در نتیجه امنیت مالکیت، متضرر شدند.

بین سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۹، مقارن با ملی شدن صنعت نفت، دو طبقه تجار و مالکان، توانستند موقعیت‌شان را تقویت کنند. پس از کودتای ۱۳۳۲، مالکان برای دوره کوتاهی قدرت سیاسی و اقتصادی را در دست گرفتند (گرچه سهم شاه از قدرت، به عنوان یک متفق و نه نماینده طبقه مالکان، از آن خودش بود) و حتی

موفق شدند اصلاحات ارضی قوام و مصدق را، خنثی کنند. لکن قدرت اقتصادی و نظامی شاه به دلیل افزایش درآمد نفت و کمک‌های امریکا افزایش یافت که به زیان زمین‌داران بود. در سال ۱۳۴۰ لایحه اصلاحات ارضی به تصویب رسید. (کاتوزیان، ۱۳۷۴ : ۳۲۰-۳۳۲) اصلاحات ارضی در پی انتقال مالکیت زمین‌ها به مستاجرانی (کشاورزان) بود که در آن‌ها زراعت می‌کردند. این اصلاحات، قدرت سیاسی و اقتصادی طبقه زمین‌دار را از بین برد. انتقال عظیم ثروت از زمین‌داران به کشاورزان با شرایطی به شدت مطلوب و به سود کشاورزان صورت گرفت و مالکیت خصوصی خان‌ها و کدخدایان که پیش‌تر از طریق غصب و تعدی توسط ایشان یا نیاکانشان ایجاد شده بود، را به شدت نقض نمود. فارغ از پیامدهای مثبت یا منفی قانون اصلاحات ارضی، در سال ۱۳۵۲، ۳٫۵ درصد زمین‌های زراعی کشور دیگر مالک خصوصی نداشت و مستقیم یا غیرمستقیم توسط دولت اداره می‌شد. (<http://tarikhirani.ir>)

۶- بعد از انقلاب

با وقوع انقلاب اسلامی، تعداد زیادی از شرکت‌ها و بنگاه‌های خصوصی به تملک دولت درآمد. (رنانی، ۱۳۷۶ : ۱۷۵). این مصادره پیش از نوشتن قانون اساسی صورت گرفت. در واقع امام، به دادگاه انقلاب حکم دادند تا کلیه اموال خانواده پهلوی که در طول مدت حکومت خود از بیت‌المال مسلمین اختلاس نموده‌اند، به نفع مستمندان و کارگران و کارمندان ضعیف مصادره و به بیت‌المال مسترد شود. از نظر حقوقی، اموالی که از خانواده پهلوی در دسترس قرار داشت، تنها شامل کاخ‌های سلطنتی می‌شد که در اختیار دولت قرار گرفت. اما به موازات آن مصادره اموال مدیران و بلندپایگان عصر پهلوی نیز آغاز شد. (خمینی، ۱۳۶۸ : ۲۶۷)

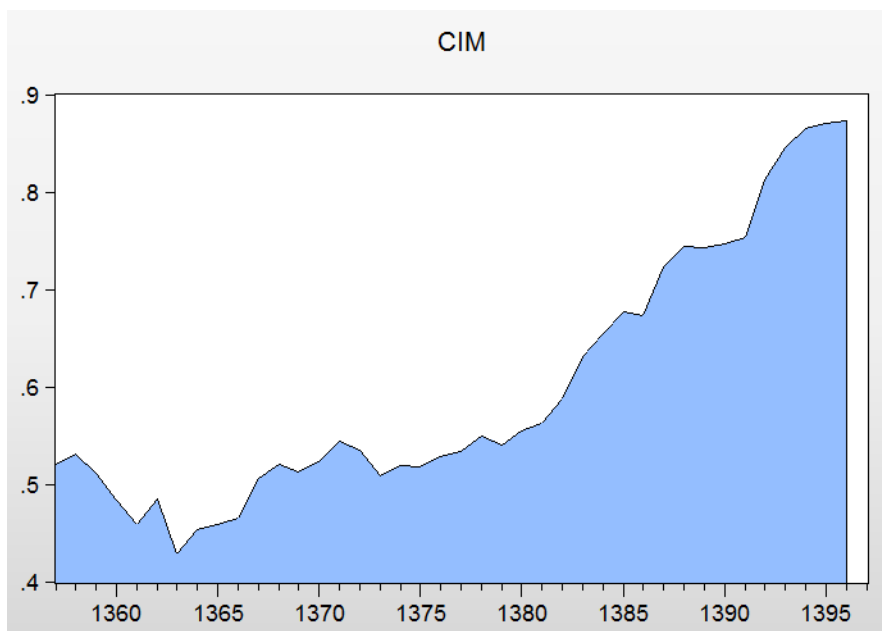
پس از اعمال مصادره اموال از سوی شورای انقلاب، در آذر ماه ۵۸ قانون اساسی تصویب شد و در اصل ۴۹ قانون نیز بر رسیدگی به اموالی که از راه‌های حرام از جمله ربا و اختلاس و غیره به دست آمده، تاکید شد. اصل ۴۹ قانون اساسی مقرر کرده است: «دولت موظف است ثروت‌های ناشی از ربا، غصب، رشوه، اختلاس، سرقت، قمار، سوءاستفاده از موقوفات، سوءاستفاده از مقاطعه‌کاری‌ها و معاملات دولتی، فروش زمین‌های موات و مباحات اصلی، دایر کردن اماکن فساد و سایر موارد غیر مشروع را گرفته و به صاحبان حق رد کند و در صورت معلوم نبودن او به بیت‌المال بدهد. (قانون اساسی ج.۱، اصل ۴۹)

در اصول ۲۲ و ۴۷ نیز، احترام به حق مالکیت مورد تایید قرار گرفته است. هم‌چنین به موجب ماده ۳۰ قانون مدنی مالکیت حقی مطلق است و از ماده ۳۱ انحصاری بودن آن به دست می‌آید. هم‌چنین به رغم عدم تصریح قانونی، مالکیت حق دائمی است که موقتی بودن با طبیعت آن منافات دارد (کاتوزیان، ۱۳۷۴ : ۱۰۵-۱۰۸).

برای بررسی نحوه حفاظت از حقوق مالکیت در ایران، توسط دولت‌های بعد از انقلاب می‌توان به اندازه‌گیری چند شاخص پرداخت و سپس نتیجه‌گیری نمود.

بررسی شاخص‌های حقوق مالکیت ایران در بازه زمانی ۱۳۵۷-۹۷

• شاخص CIM:



منبع: بانک مرکزی ج.ا.ا.

• شاخص IPRI برای ایران از سال ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۷:

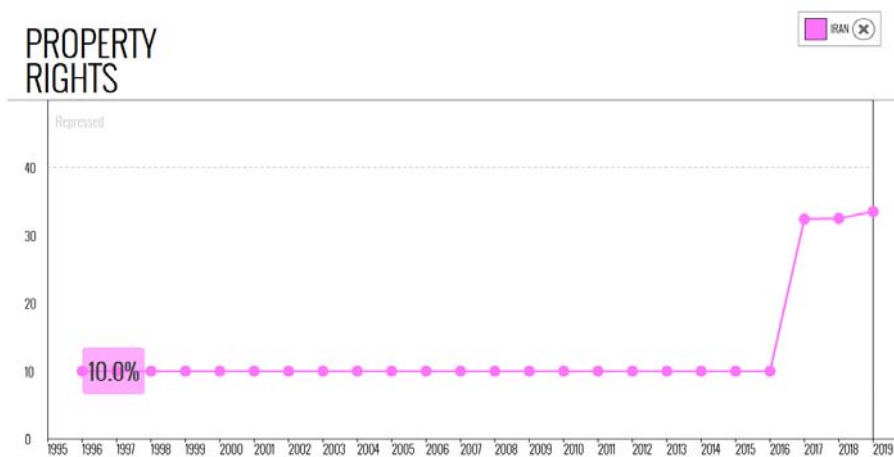


منبع: www.internationalpropertyrightsindex.org

سال	رتبه در منطقه	رتبه جهانی	تغییرات سالانه	امتیاز
۲۰۱۹	۱۲	۱۰۳	-۰,۱۶۹	۴,۵۷۸
۲۰۱۸	۱۲	۹۱	+۰,۲۲۷	۴,۷۴۸
۲۰۱۷	۱۱	۹۹	+۰,۲۸۱	۴,۵۲۱
۲۰۱۶	۱۲	۹۹	+۰,۲۷۵	۴,۵۲۱
۲۰۱۵	۱۳	۱۰۴	۰	۳,۹۶۵
۲۰۱۳	۱۱	۱۰۷	+۰,۱۰۰	۴,۳۰۰
۲۰۱۲	۱۳	۱۰۷	۰	۴,۲۰۰
۲۰۱۱	۱۴	۱۰۴	۰	۴,۲۰۰

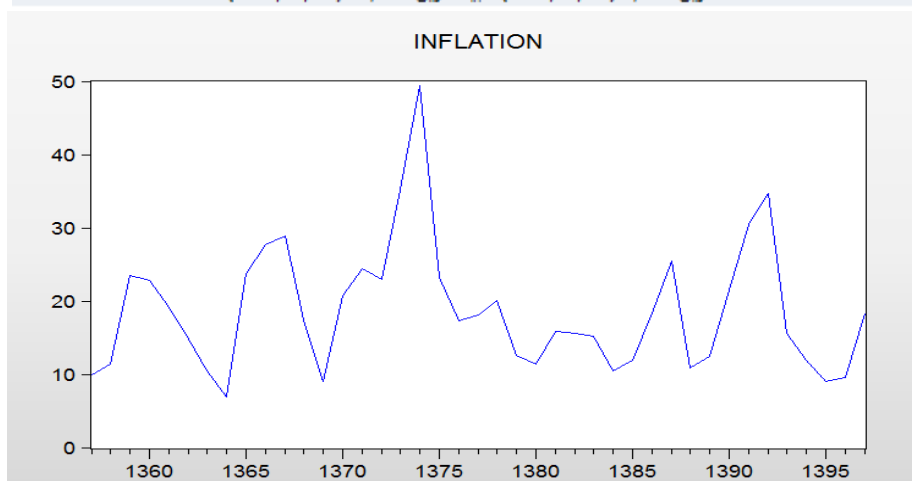
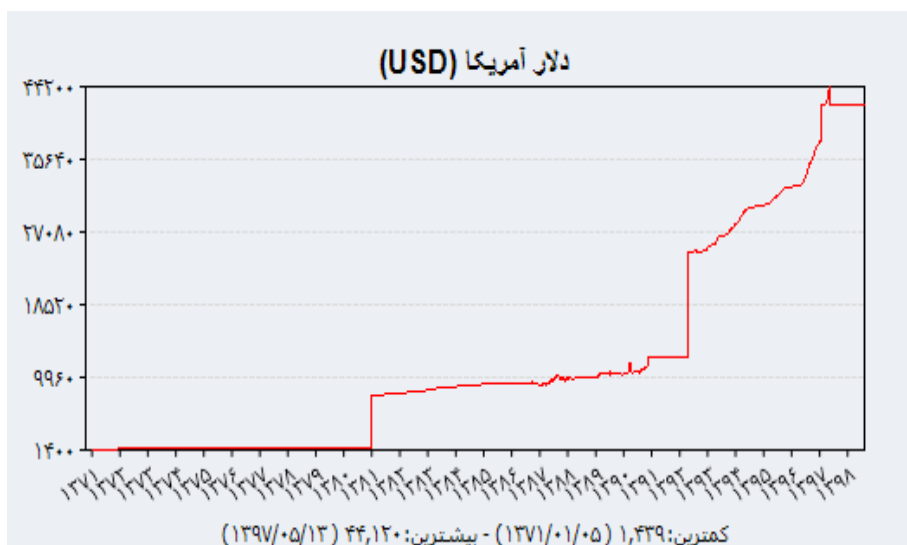
منبع: www.internationalpropertyrightsindex.org

- شاخص حقوق مالکیت بنیاد هریتیج برای ایران، از سال ۱۳۷۵ تا ۱۳۹۷:



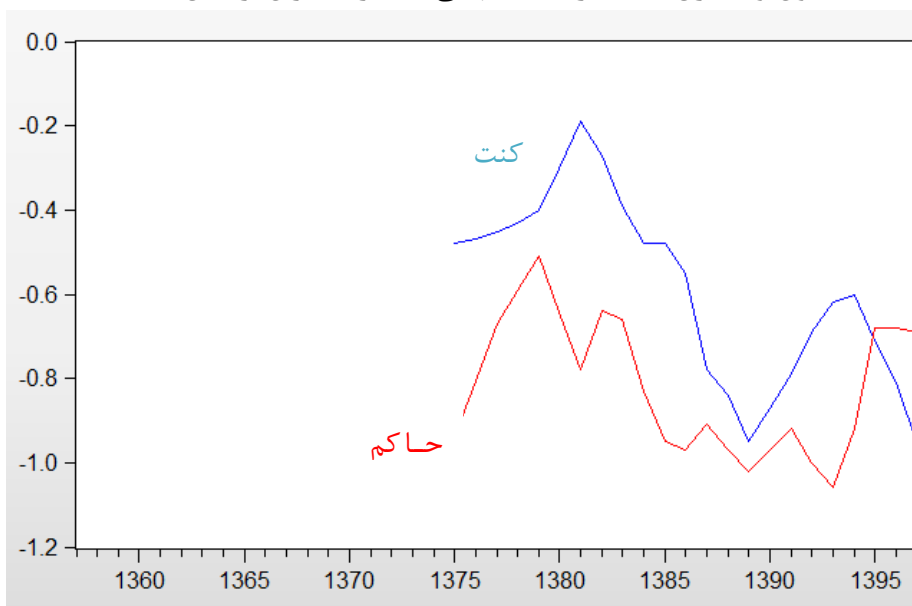
منبع: www.heritage.org

- شاخص تورم و نوسانات نرخ ارز



منبع: بانک مرکزی ج.ا.ا.

- شاخص حاکمیت قانون و کنترل فساد در بانک جهانی، که برای ایران از سال ۱۳۷۴ محاسبه شده است:



منبع: www.govindicators.org

نتیجه‌گیری

نتایج حاصل از بررسی‌های تاریخی نشان داد که در طول تاریخ سرزمین ایران، پادشاه صاحب مال و جان و عرض ملت بوده است و در راستای این عقیده، بزرگترین مالک کشور، شخص پادشاه بوده است. اگر در این دوران بهبودی در روند حقوق مالکیت حاصل شده، به علت بهبود شرایط تجاری و فضای کسب و کار بوده است؛ برای مثال در عهد هخامنشیان و در دوره صفویه. بعد از ورود اسلام به ایران اگرچه انتظار می‌رفت حق مالکیت افراد تحت آموزه‌های دینی محترم شمرده شود، اما این امر فقط در بازه زمانی کوتاهی در دوران خلافت حضرت علی-ع- اتفاق افتاد. بعد از شهادت ایشان، همان آداب مرسوم شاهنشینی اجرا می‌شد و مالکان بزرگ عموماً شخص شاه، نزدیکان، درباریان، نظامیان و افراد مورد تفقد شاه بودند، که این مالکیت موقتی و پرمخاطره‌ای بود زیرا هر لحظه امکان داشت در پی خشم پادشاه تمام اموال فرد غصب گردد.

اولین اقدام اجتماعی که بر توازن حقوق مالکیت نیز اثر گذاشت، انقلاب مشروطه بود که با تشکیل مجلسی از نمایندگان مردم عملاً از قدرت و ملکیت شاه می‌کاست. با این حال استبداد و زورگویی درباریان چنان مردم را به ستوه آورد تا آثار اصلاحات ارضی نیز نتوانست کارساز باشد و انقلاب اسلامی رخ داد.

در اوایل انقلاب اسلامی، مصادره اموال خاندان و پهلوی و درباریان و فراریان از کشور افزایش چشمگیری داشت اما طبق فرمان امام خمینی-ره- این مصادره در پی تعدی حکومت به پهلوی به بیت‌المال مسلمین بوده و تجاوز به مالکیت خصوصی محسوب نمی‌شود.

برای دوره بعد از انقلاب به علت دسترسی بیشتر به ارقام و داده‌ها، شاخص‌های حقوق مالکیت را اندازه گرفتیم. با توجه به شاخص‌های مورد بررسی در بازه زمانی ۱۳۵۷ تا ۱۳۹۷ کشور، طبق معیار CIM، حقوق مالکیت ایران در سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵ بهترین وضعیت را داشته است هرچند طبق معیار نرخ تورم و نوسانات ارزی، بدترین شرایط برای حقوق مالکیت در این سال‌ها بوده است؛ به علت بالا بودن نرخ تورم و کاهش قدرت خرید مردم که نمودی از نقض حقوق مالکیت می‌باشد.

طبق دو معیار جهانی IPRI و بنیاد هریتیج، حقوق مالکیت در سال ۲۰۱۸ (۱۳۹۷) در بالاترین حد خود قرار داشته است. البته لازم به ذکر است که این دو شاخص فقط محاسبات یک دهه اخیر را انجام داده‌اند. هم‌چنین داده‌های دو معیار حاکمیت قانون و کنترل فساد که از بانک جهانی استخراج شده است، در سال ۱۳۸۰ بیشترین مقدار خود را داشته‌اند که نشان‌دهنده حفاظت بیشتر از حقوق مالکیت می‌باشد.

منابع و مأخذ

- انیس، ابراهیم (۱۳۸۷)، فرهنگ المعج الوسیط، ترجمه محمد بندرریگی، انتشارات اسلامی.
- ای. جکسون، کایل (۱۳۹۲)، شاخص بین‌المللی حقوق مالکیت (گزارش سال ۲۰۱۱)، ترجمه حنظله سلیمانی و سید محمدرضا حسینی، گروه مطالعات محیط کسب و کار، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- آزاد ارمکی، غلامرضا (۱۳۷۸)، ساختار و دگرگونی در تاریخ اقتصادی، تالیف داگلاس نورث، نشر نی، تهران.
- تنکابنی، حمید (۱۳۸۹)، «تحلیلی بر مناسبات تولیدی و نوع مالکیت در ایران و تاثیرات آن بر دیوان‌سالاری عصر قاجار»، اقتصاد تطبیقی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال اول، شماره اول، صص ۲۳-۳۹.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۷۳)، حقوق اموال، گنج دانش، تهران.
- حسینی، سیدمحمدرضا (۱۳۹۲)، عبدالمجید محمدی نجف‌آبادی، «تاثیر حقوق مالکیت بر رشد اقتصادی کشورهای در حال توسعه (زمینه‌ها و موانع)»، فصلنامه علمی و پژوهشی برنامه‌ریزی و بودجه، سال هجدهم، شماره ۲، صص ۱۶۳-۱۸۴.
- خمینی، روح‌الله (۱۳۷۸)، صحیفه امام: مجموعه آثار امام خمینی (س)، جلد ۶، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تهران.
- دمستز، هرولد (۱۳۸۰)، «به سوی یک تئوری در حقوق مالکیت»، ترجمه محسن رنانی، فصلنامه تامین اجتماعی، سال سوم، شماره دهم، صص ۵۹ - ۷۴.
- الرضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه امام امیرالمؤمنین، ترجمه محمد دشتی، قم، نشر بوستان کتاب، ۱۳۸۴.
- رنانی، محسن (۱۳۷۶)، بازار یا نابازار؟ بررسی موانع نهادی کارایی نظام اقتصادی بازار در اقتصاد ایران، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، تهران.
- رنانی، محسن (۱۳۸۴)، بازار یا نابازار؟ بررسی موانع نهادی کارایی نظام اقتصادی بازار در اقتصاد ایران (چاپ دوم)، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، تهران.
- سجادی، سیدمحسن و محمدرضا یوسفی و مریم خسروی زاده، (۱۳۹۶) «بررسی رابطه متقابل حقوق مالکیت و فقر با استفاده از الگوی VAR با تاکید بر ادبیات اقتصاد اسلامی دوره ۱۳۶۹-۹۳»، معرفت اقتصاد اسلامی، سال هشتم، شماره دوم، صص ۶۱-۸۲.
- صدر، سیدمحمد باقر (۱۳۷۵)، اقتصادنا، نشر مکتب الاعلام الاسلامی مرکز نشر.
- صدر، سیدمحمد باقر، اقتصاد ما، ترجمه محمد کاظم موسوی، موسسه انتشارات اسلامی، ۱۳۵۰.
- صمدی، علی حسین و محسن رنانی و رحیم دلالی اصفهانی (۱۳۹۰)، «تاثیر حفاظت از حقوق مالکیت بر رشد اقتصادی ایران»، مجله علمی-پژوهشی سیاست‌گذاری اقتصادی، سال سوم، شماره ششم، صفحات ۱۸۳-۲۳۵.

- صمدی، علی حسین، (۱۳۸۹)، «جایگاه حقوق مالکیت در اندیشه‌ها و مکاتب اقتصادی (با تاکید بر دیدگاه نهادگرایان جدید)»، فصلنامه حقوق مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دوره ۴۱، شماره ۳، زمستان ۱۳۹۱، ۲۴۶-۲۲۹.
- علامه حلی، ابن مطهر حسن بی یوسف (۱۳۷۳)، تذکره الفقهاء، جلد ۱۳، موسسه آل البيت عليهم السلام لاحیاء التراث، قم.
- علم، محمدرضا و سجاد کاظمی (۱۳۹۶)، «تاثیر انقلاب مشروطه بر تحول نظام زمین‌داری»، مجله علمی-پژوهشی پژوهش‌های تاریخی، دوره ۹، شماره ۱، صفحات ۹۳-۱۰۶.
- فوران، جان (۱۳۸۷)، مقاومت شکننده؛ تاریخ تحولات اجتماعی ایران از صفویه تا سال‌های پس از انقلاب اسلامی، ترجمه احمد تدین، تهران، نشر رسا، چاپ هشتم.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۴)، وقایع حقوقی، جلد ۲، تهران، نشر یلدا.
- کاتوزیان، همایون، (۱۳۸۴)، اقتصاد سیاسی ایران: از مشروطیت تا پایان سلطه پهلوی، ترجمه محمدرضا نفیسی و کامبیز عزیزی، چاپ یازدهم، تهران، نشر مرکز.
- کجیاف، علی‌اکبر، اصغر فروغی و مجتبی منصوریان (۱۳۹۷)، «ارزیابی حقوق مالکیت در دوره صفویه (با تکیه بر آراء داگلاس نورث نونهادگرا)»، جامعه‌شناسی تاریخی، دوره ۹، شماره ۲، صفحات ۱۵۹-۱۸۳.
- کرمی، محمدمهدی و محمد پورمند (۱۳۸۵)، مبانی فقهی اقتصاد اسلامی، تهران، پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
- کوز، رونالد (۱۹۶۰)، «ماهیت بنگاه»، ترجمه محمود مشهدی احمد، دو فصلنامه برنامه و بودجه، شماره ۱۰۶، صص ۱۸۷-۲۱۳.
- گیرشمن، رومن (۱۳۹۵)، ایران از آغاز تا اسلام، ترجمه دکتر محمد معین، انتشارات نگاه.
- لمبتون، آن کاترین سواين فورد (۱۳۹۴)، مالک و زارع در ایران، ترجمه منوچهر امیری، انتشارات علمی و فرهنگی
- مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی (۱۳۷۶) بحارالانوار، ج ۲، انتشارات دارالرضا، بیروت.
- محمدی، سیدجلیل (۱۳۸۳)، سیر مالکیت در ایران و چگونگی ثبت اسناد و املاک، انتشارات سید جلیل محمدی، تهران.
- موسوی خوئی، سید قاسم (۱۴۱۷ هـ ق)، مصباح الفقاهه، جلد چهارم، میرزا محمدعلی توحیدی، موسسه انصاریان للطباعه و النشر، قم.
- مومنی، فرشاد، حسین راغفر و فاطمه سرخه‌دهی (۱۳۹۶)، «امنیت حقوق مالکیت و توسعه‌نیافتگی در ایران»، فصلنامه مطالبات راهبردی، سال بیستم، شماره دوم، صفحات ۳۳-۶۴.
- نائب، سعید (۱۳۸۶)، «یک ارزیابی تاریخی از وضعیت حقوق مالکیت در ایران با رویکرد نهادگرایی جدید»، جامعه و اقتصاد، پاییز و زمستان ۱۳۸۸، شماره ۲۱، صفحات ۲۵۳-۲۷۴.
- نجفی خوانساری، موسی و محمدحسین نائینی، (۱۳۷۳) ترجمه محمدعلی تبریزی، منبأ الطالب فی حاشیه مکاسب، ج ۱، المكتبة المحمدیه، تهران.

- واعظ، نرگس (۱۳۸۸)، «روش‌های سلب قدرت اقتصادی سران ایلات و عشایر در دوره رضاشاه»، پیام بهارستان، شماره ششم، صفحات ۹۵۱-۹۶۴.
- یزدی، سیدمحمد کاظم (بی تا)، حاشیه بر مکاسب.
- یوسفی، محمدرضا و سیدمحسن سجادی و مریم خسروی زاده، (۱۳۹۶)، «بررسی رابطه متقابل حقوق مالکیت و تخصیص منابع اقتصادی با تاکید بر ادبیات اقتصاد اسلامی»، فصلنامه علمی-ترویجی اقتصاد و بانکداری اسلامی، شماره ۲۳، تابستان ۱۳۹۷، ص ۱۱۹-۱۳۵.
- Coase, Ronald (1960), "The Problem of Social Cost", The Journal of Law & Economics, Vol.3, No. pp.1-44
- Heitger, B. (2004). "Property Rights and the Wealth of Nations: A Cross-Country Study". Cato Journal 23: 381-402.
- Kaufman, B. E. (2003), " The organization of economic activity: insights from the institutional theory of John. R. Commons", Journal of Economic Behavior & Organization, 52: 71-96.
- Keefer, Philip, Clague, Christopher, Stephen Knack and Mansur Olson(1999), Contract-Intensive Money: Contract Enforcement, Property Rights, and Economic Performance, Journal of Economic Growth , Vol. 4, No. 2, pp. 185-211 .
- Lucek, D., & Miceli, T. J. (Eds.). (2007). Property law. In: A. Polinsky & S. Shavell. Handbook of Law and Economics, vol 1, pp. 183- 257.
- www.Heritage.org
- www.cbi.ir
- www.worldbank.org
- www.internationalpropertyrightsindex.org



دانشگاه تربیت مدرس
پژوهشکده اقتصاد



انجمن علمی اقتصاد اسلامی ایران

دبیرخانه:

تهران، دانشگاه تربیت مدرس، پژوهشکده اقتصاد، دبیرخانه همایش ها

تلفن: ۸۲۸۸۳۹۰۳، نمابر: ۸۸۰۰۸۵۷۱

eri@modares.ac.ir www.modares.ac.ir/eri